

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

حزب ایران

مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها

۱۳۲۳-۱۳۳۲

به کوشش مسعود کوهستانی نژاد



کتابخانه

موسسه فرهنگی و هنری خوارزم

۱۳۸۵

۲

۲

۲۲

حزب ایران که اسناد و گزارش‌های این مجموعه به معرفی و شناسایی آن اختصاص دارد در دو مقطع مهم از تاریخ معاصر ایران صاحب نقش و تأثیر بوده است. یکی سال‌های مقارن با پایان جنگ دوم جهانی که با پیش آمد بحران آذربایجان ایران در وضعیت دشواری قرار گرفت و دیگری سال‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت که در خلال آنها نیز حزب ایران بیش از پیش نقشی تعیین کننده ایفا کرد.

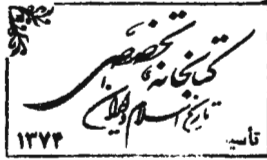


۲۱۰۰ تومان

ISBN: 964-6578-51-9

شابک: ۹۶۴-۶۵۷۸-۵۱-۹

تاریخ معاصر ایران



مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۲۱

نشر و پژوهش شیرازه



کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۳۹ -
حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۳۲ - ۱۳۲۳ / به
کوشش مسعود کوهستانی نژاد. - تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه،
۱۳۷۹.

۴۱۶ ص: جدول. - (مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۲۱)
ISBN 964-6578-51-9: ریال ۲۱۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. حزب ایران - اسناد و مدارک. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

کتابخانه ملی ایران

۳۷۱ - ۷۹ م



حزب ایران

مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها، ۱۳۳۲-۱۳۲۳

به کوشش: مسعود کوهستانی نژاد

طراح جلد: علی خورشیدپور

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: فاروس

صحافی: صحافی کتاب

چاپ اول: ۱۳۷۹

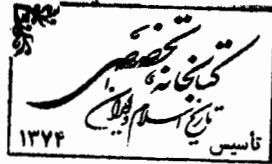
تعداد: ۲۲۰۰

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵

تلفن: ۲۵۶۰۹۸۳

شابک ۹۶۲-۶۵۷۸-۵۱-۹ ۹۶۴-۶۵۷۸-۵۱-۹ ISBN 964-6578-51-9



حزب ایران

مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها،

۱۳۲۳-۱۳۳۲

به کوشش مسعود کوهستانی نژاد

فهرست

یادداشت دبیر مجموعه.....	هفت
مقدمه.....	۱
فهرست موضوعی اسناد.....	۳۱
اسناد.....	۴۳
فهرست اعلام.....	۴۰۱

یادداشت دبیر مجموعه

نظر به کوتاه بودن دوره‌های آزادی سیاسی در تاریخ معاصر ایران و به همین نسبت طولانی‌تر بودن دوره‌های استبداد که میان همان محدود ادوار آزادی نیز فترت و فاصله ایجاد کرده است، تاریخ فعالیت‌های حزبی در ایران معاصر بیشتر تاریخچه‌ای است بر چگونگی یک سعی و تلاش اولیه در جهت سامان دادن به چنین فعالیت‌هایی، تا کم و کیف اصل کار که هیچ‌گاه از فرصت لازم جهت قوام و دوام لازم بهره‌مند نبوده است. حزب ایران که این مجموعه به بررسی بخشی از اسناد آن اختصاص دارد، خود یکی از نمونه‌های مهم این مقوله است. حزبی که در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰، بدون کوچکترین ارتباطی با تجارب حزبی کشور در سال‌های پیش از استبداد پهلوی پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی نهاد، در عرض مدت زمانی کوتاه، هم در خلال بحران آذربایجان و هم - در مقیاسی گسترده‌تر - در کنار نهضت ملی شدن صنعت نفت با مسئولیتی سنگین روبرو شد و چنان‌که بسیاری از اسناد و گزارش‌های این مجموعه نشان می‌دهند آنچنان‌که شاید و باید نه از توان فکری و نظری لازم جهت تقبل چنین مسئولیتی برخوردار بودند و نه از امکانات تشکیلاتی و سازمانی ضروری، و این در حالی است که سران و مؤسسين این حرکت از بسیاری جهات، در زمره بهترین و سرآمدان نسل خود بودند.

همان‌گونه که اشاره شد در ارزیابی چنین کاستی‌هایی در کنار مباحثی که در باب سطح دانش سیاسی، شرایط داخلی و خارجی کشور و دیگر

مضامین مشابه می‌توان مطرح کرد، عاملی چون فقدان ارتباط با تجارب پیشین را نیز باید مهم دانست و در تلاش اجتناب از تکرار چنین پیش آمدهایی بخشی را نیز به بازشناسی آنها اختصاص داد. مجموعه‌ای که تحت عنوان حزب ایران در پیش روی دارید و امید است با انتشار بررسی‌های مشابهی که در باب دیگر حرکت‌های سیاسی تاریخ معاصر کشور در دست تدوین است، ابعاد گسترده‌تری را شامل شود، قدمی است در این راه.

این مجموعه اصولاً مجموعه‌ای است مبتنی بر اسناد و گزارش‌های منتشر شده در جراید و نشریات دوره‌مورد بحث. برخی از این نوشته‌ها را مانند بیانیه‌ها و گزارش‌های مربوط به کنگره‌های حزبی، مرامنامه‌ها و نظامنامه‌ها، می‌توان در رده اسناد رسمی حزبی به شمار آورد و برخی را نیز مانند مباحث مطبوعاتی موافق و مخالف یا پاره‌ای از گزارش‌های دولتی، داده‌هایی در جهت درک و شناخت فعالیت‌های مزبور.

نواقص و محدودیت‌های چنین مجموعه‌هایی نیز کاملاً آشکار است؛ اولاً تمامی اسناد و گزارش‌هایی که قاعدتاً می‌تواند در این نوع بررسی‌ها جای گیرد، منتشر نمی‌شدند. ثانیاً با توجه به کاستی‌های مهمی که در نظام اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ای کشور موجود است - چنان‌که ناقص و ناتمام ماندن پاره‌ای از اسناد گزارش‌های این مجموعه نیز نشان می‌دهد - دستیابی کامل به همین محدود داده‌های منتشر شده نیز کار دشواری است. با این حال نظر به لزوم طرح چنین مباحثی - یعنی ضرورت کاستن از عوارض ناشی از بی‌اطلاعی از تجارب پیشینیان و به امید مساعدت دیگر علاقمندان و پژوهشگران در رفع این کاستی‌ها - این مجموعه ارائه می‌شود.

مقدمه

در جریان حوادث پس از شهریور ۱۳۲۰ جامعه ایران فارغ از فشارها و محدودیت‌های اعمال شده از سوی نهادهای حکومتی، فرصتی را برای تجربه سیاسی و بهره‌گیری از آزادی در پیشروی خود دید. در چنین شرایطی به تدریج احزاب و گروه‌های سیاسی پا به عرصه وجود نهادند. اکثریت و یا به تعبیر دقیقتری، تقریباً تمامی این گروه‌های سیاسی بدون توجه به سابقه فعالیت‌های حزبی پیشین گروهی در ایران، پای به عرصه فعالیت‌های سیاسی گذاردند. در این میان تنها حزب توده ایران بود که با بهره‌گیری از نیروهای باقیمانده از سازمان‌های کمونیستی پیشین، توانست پلی میان گذشته و آینده ایجاد کند. بدین ترتیب ده‌ها و شاید صدها گروه سیاسی، اجتماعی، صنفی و فرهنگی در ایران تشکیل شد که هر یک بنا به فراخور استعدادها، توان و نیروی خود اکثراً بدون بهره‌مستقیم از تجارب سیاسی کشور در عرصه‌های مختلف به فعالیت پرداختند. حزب ایران از جمله این گروه‌های سیاسی به شمار می‌رفت.

تاریخ دقیق تشکیل حزب ایران در ابهام قرار دارد. هیچ یک از اسناد در دسترس و یا مدارک شفاهی گویای تاریخ دقیق تشکیل این حزب نیستند. از خلال اعلامیه‌ها و مقالات موجود در این مجموعه چنین مستفاد می‌شود که حزب ایران بطور تقریبی پس از برگزاری انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی در تهران (پائیز سال ۱۳۲۲) و به وسیله گروهی از فعالین ستاد انتخاباتی مهندس فریور و دکتر محمد

مصدق تشکیل شد. در پایان انتخابات دوره چهاردهم مجلس، مهندس فریور و همچنین چند تن دیگر از افرادی که در فهرست داوطلبان گروه فوق بودند، به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. متعاقباً بنا به روایت احمد زیرک‌زاده «چند روز پس از اعلام نتایج انتخابات دوره چهاردهم با دوست و همکار قدیمی که در فعالیت انتخاباتی مشترکانه شرکت داشتیم، آقای مهندس ناصر معتمد، در خیابان شاه‌آباد مشغول قدم زدن بودیم. موضوع صحبت، البته پیروزی در انتخابات به طور اخص و سرنوشت ایران به طور اعم بود. در ضمن بحث گفتم اگر ما می‌توانیم با این عدد کم و با این وسایل ناچیز و کیلی به مجلس بفرستیم پس می‌توانیم خدمات بیشتری در راه پیشرفت ایران انجام دهیم و فکر ایجاد حزب که در هر دو نفر ما سابقه ذهنی زیادی داشت، به میان آمد و تصمیم گرفتیم که شروع به اقدام کنیم. البته به خاطر اینکه این فکر در اکثریت نزدیک به اتفاق دوستان ما هم بود. تقریباً همه اعضا از جمله فریور، عده‌ای از اعضا کانون مهندسين، مهندس حسینی و عده دیگر با آن موافقت کردند و کم‌کم مسئله حزب از حرف به عمل نزدیک شد.»^۱

این روایت را به گونه‌ای دیگر نیز حسین مکی بیان می‌کند. او از نقش مهندس فریور در این میان یاد کرده و از سی نفری سخن به میان می‌آورد که اعضای موسس حزب ایران را تشکیل می‌دادند. از جمله این سی نفر دکتر شمس‌الدین جزایری، مهندس فریور، مهندس زیرک‌زاده، مهندس ناصر معتمد، مهندس حسینی، مرتضی مصور رحمانی، دکتر عبدالله معظمی، دکتر محسن نصر، محسن خواجه نوری، مهندس گزیده پور و حسین مکی بودند.^۲

۱. احمد زیرک‌زاده، پرسش‌های بی‌پاسخ در سالهای استثنایی، خاطرات احمد زیرک‌زاده، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء‌ظریفی و دکتر خسرو سعیدی، تهران، انتشارات نیلوفر، زمستان ۱۳۷۶، ص ۸۰ و ۷۹.

۲. حسین مکی، خاطرات سیاسی، تهران، انتشارات علمی، انتشارات ایران، چاپ اول، بهار ۱۳۶۸، ص ۱۹.

در مصاحبه با مهندس فریور، اطلاعات خاص دیگری اضافه بر نقل قول فوق در مورد تاریخ تشکیل حزب ایران بیان نشد.^۱ البته اظهارات فریور به نقل قول زیرک‌زاده نزدیکتر است تا به روایت حسین مکی.

نقل قول‌های فوق روایت‌های رسمی و موجود از چگونگی تشکیل هسته اولیه حزب ایران هستند. در ارتباط با منشاء تشکیل حزب ایران باید به کانون مهندسين نیز اشاره کرد. نگاهی دقیق به سیر کلی حرکت حزب ایران در سالهای مورد بحث این کتاب بیانگر وجود رابطه تنگاتنگی بین فعالیت حزب ایران با کانون مهندسين است. علاوه بر حضور تعداد زیادی از عناصر اصلی و محوری کانون در حزب ایران، تقریباً در تمامی مقاطع مورد بحث در این بررسی، جهت‌گیری کلی حزب ایران با جهت‌گیری‌های کانون مهندسين همسو بوده است. علت وجود چنین وضعیتی را از مهندس فریور که بنیانگذار هر دوی آن‌ها محسوب می‌شود، سؤال کردیم، لیکن ایشان وجود هر گونه ارتباط خاصی بین کانون و حزب را رد کرد. در ارتباط با کانون مهندسين، مهندس فریور تشکیل کانون را زایده و نتیجه اعتصاب مهندسين در اردیبهشت ۱۳۲۲ قلمداد کرد. در حالی که مدارک موجود خلاف این موضوع را اثبات می‌کند، کانون مهندسين در اواخر سال ۱۳۲۱ تشکیل شد.^۲ از افرادی که در آن زمان در این رابطه فعال بودند می‌توان به مهندس فریور و مهندس گزیده‌پور اشاره کرد.^۳ مرحوم زیرک‌زاده در خاطرات خود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر نقش محوری مهندس فریور در پیدایش کانون مهندسين تاکید می‌کند.

۱. این مصاحبه دو ساعته در اواخر سال ۱۳۷۴ از سوی نگارنده با مهندس فریور انجام شد.
 ۲. مهندس مهدی بازرگان تشکیل کانون مهندس را در سال ۱۳۲۱ عنوان می‌کند. نک: مهدی بازرگان، شصت‌سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندسين مهدی بازرگان، ج ۱، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳.
 ۳. یادآوری می‌نماید مهندس فریور در آن زمان سمت مدیر کلی یکی از ادارات وزارت پیشه و هنر را به عهده داشت.

در شرایط بحرانی جامعه ایران در آن سال‌ها، بخشی از طبقه تحصیل کرده ایران که پس از تحولات شهریور ۱۳۲۰ با درک شرایط و محیط سیاسی خود، به باورهای جدیدی از وضعیت جامعه رسیده بودند، در واکنش به معضلات اجتماعی و اداری آن دوره پا به عرصه سیاست نهادند. بخش قابل توجهی از آنان را مهندسين کشور تشکیل می‌دادند که اغلب در خارج از ایران تحصیلات خود را به اتمام رسانده و در بازگشت، خود را با محیط بسته و تحت اختناق سال‌های آخر دوره سلطنت رضا شاه مواجه دیدند. طبیعی است که چنین شرایطی به هیچ وجه مطلوب طبقه تحصیل کرده ایرانی نبود. حوادث شهریور ۱۳۲۰ نیز تغییر زیادی در تعیین ارزش پایگاه اجتماعی این تحصیل کردگان ایجاد نکرد. این وضعیت سبب بروز تمایل شدیدی در مهندسين جهت انجام فعالیت‌های صنفی و سیاسی شد. گروه‌های متعدد سیاسی و صنفی در طول سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۰ تشکیل شد که تحصیل کرده‌ها و مهندسين در آن نقش محوری داشتند. در این میان کانون مهندسين مهمترین این گروه‌ها بود.

کانون مهندسين

نخستین اساسنامه و مرامنامه کانون مهندسين در هیجدهم فروردین ماه ۱۳۲۲ (یک ماه و نیم قبل از شروع اعتصاب مهندسين) تدوین و به اتفاق آراء بنیانگذاران، تصویب شد. در ماده اول این اساسنامه نه ماده‌ای هدف از تشکیل کانون «الف» هدایت کار طبق اصول فنی و علمی، ب) کوشش و فداکاری در بهبودی وضع معنوی و مادی صنف مهندس و کشاورز و طبقه کارگر، ج) تامین وحدت و همکاری بین مهندسين، د) توسعه و تشویق کارهای فنی و علمی مفید در ایران اعلام شد. «براساس ماده ششم اساسنامه: «اداره کانون به عهده یک هیات مرکزی مرکب از ۱۵ نفر از

اعضای رسمی کانون که برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند، می‌باشد.^۱

روایت مهندس پرخیده، یکی از بنیانگذاران کانون مهندسین، از نحوه تشکیل کانون، معتبرترین روایت موجود در این میان می‌باشد. او طی مقاله‌ای که در سال ۱۳۲۶ منتشر شد، چگونگی تشکیل کانون مهندسین را بیان می‌دارد. در این مقاله که در ابتدای آن نویسنده - عباس پرخیده - به عنوان «مهندس نفت و مشاور فنی شرکت نفت و معلم دانشگاه» معرفی شده، آمده است: «همه حس می‌کردند که باید دور هم جمع شوند. هرکس میل داشت با کسانی که با او منافع مشترک دارند، نزدیک شود. بعد از شهریور ۲۰ جنبه‌ای که خیلی ضعیف شده بود، به طور برجسته نمایان شد. مخصوصاً تحصیل کرده‌ها که به اجتماع سرکلاس درس و سالون کنفرانس مدرسه خو گرفته بودند بیشتر در صدد برآمدند که این نقیصه را جبران کنند. عده‌ای از مهندسین پیشقدم شدند، چون آن‌ها بهتر با یکدیگر آشنائی داشتند. از مدرسه ابتدائی، متوسطه و دانشکده همچنین در محیط‌های دیگر مثل کارخانه‌ها و ادارات با هم سروکار داشتند. به علاوه متکی به صنعت بودند و احتیاجات آن را مشترکاً حس می‌کردند.» وی در ادامه می‌افزاید که اعضای کانون بیشتر «... از دردهای عمومی و گرفتاری‌های شخصی صحبت می‌کردند. و الحق با اخلاص تمام و ایمان محکم وارد میدان مبارزه شدند. چون برای نخستین بار بود که حرارت جمعیت در آن‌ها اثر کرده بود، ماوراء را از خاطر برده، خیال کردند با همین نفرات محدود و وسائل محدود خود موفق خواهند شد تمام آمال خویش را عملی سازند و فساد و بی‌عدالتی را از کشور براندازند. دسته معتقد بودند که صنعت باید پیشاپیش برنامه معرفی کشور

۱. مجله صنعت، ش ۴ و ۵، بهمن ۱۳۲۳، ص ۷۰.

قرار گیرد و بر آن شدند که کار باید زمامدار اجتماع شود [آن‌ها] همگی می‌خواستند که مقام مهندسی ارجمند گردد و نام رهبران صنعت همه جا بلند شود. با چنین روحیه و حرارتی بود که ماههای اول عمر کانون می‌گذشت. در این اثنا اساسنامه آن هم تنظیم شد و صحافی، جامع و کامل برای یادآوری کلیه این منظورها نوشته و پخش شد.»

کانون مهندسين به فاصله کوتاهی پس از تأسیس، عهده‌دار سازماندهی بزرگترین اعتصاب مهندسين و طبقه تحصیل‌کرده‌های ایران در دهه ۱۳۲۰ شد، اعضای که گردانندگان آن از جمله مهمترین فعالين سياسي دهه‌های بعدی ایران بودند.^۱ در طی ماههای بعد از پایان اعتصاب، محل کانون مهندسين در خیابان سعدی، مرکز تجمعات گروههای مختلفی بود که از آن جمله می‌توان به حزب زنان ایران، جمعیت زن امروز و جمعیت مهندسين فنی اشاره کرد. این گروهها با استفاده از امکانات کانون جلسات خود را تشکیل می‌دادند. همانگونه که نخستین جلسات حزب ایران نیز در خیابان سعدی، کوچه بدایعی تشکیل شد. (سند شماره ۱ همین مجموعه)

حزب ایران

متأسفانه به دلیل محدودیت منابع و ماخذ موجود، از نخستین سال فعالیت حزب ایران جز دو اعلامیه اطلاع‌دیگری در دست نیست. نخستین این دو، اعلان برگزاری جلسه سخنرانی و آن دیگری اعلامیه حزب ایران در ارتباط با موضوع واگذاری امتیاز استخراج نفت شمال به شوروی (ماجرای کافتارادزه) است. آنچه که در این اعلامیه به عنوان نظر

۱. بنا به اظهار فریور در پایان این اعتصاب وی به همراه مهندس بازرگان با محمدرضا پهلوی دیدار کردند. مهندس بازرگان در خاطرات خود به این موضوع اشاره نمی‌کند. نک: بازرگان، همان، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.

حزب ایران مطرح شده نمونه روشنی از تصویر و تلقی رایج از گروه‌های ملی آن روز ایران از مسئله نفت است که چند هفته بعد از آن، در قالب یک طرح توسط دکتر مصدق به مجلس پیشنهاد شده و مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. باز هم محدودیت منابع اجازه نمی‌دهد از چگونگی فعالیت حزب ایران در اواخر سال ۱۳۲۳ و موضع‌گیری‌های این حزب در وقایع مهم آن سال اطلاع روشنی پیدا کنیم. در این فاصله دولت سهام السلطان بیات بر سر کار بود. تعیین تکلیف نهایی دکتر میلیسپو مستشار مالی ایران در دی ۱۳۲۳، طرح موضوع محاکمه سهیلی و تدین و متعاقب آن واقعه ۱۵ اسفند ۱۳۲۳ که به دنبال بازگشت دکتر مصدق به مجلس و تظاهرات دانشجویی در تهران روی داد، از مهمترین رویدادهای ماههای پایانی این سال به شمار می‌روند.

محور اصلی فعالیت حزب ایران در سال ۱۳۲۴ مخالفت با سیاست‌های اعمال شده از سوی دولت حاکم یعنی کابینه صدر بود. نمونه‌ای از این‌گونه مخالفت‌ها مقاله‌ای است که در ذیل سند شماره ۳ ارائه شده است. اصطلاحات و لحن به کاربرده شده در این مقاله شباهت بسیار زیادی به مقالات و اعلامیه‌هایی دارد که در همین رابطه از سوی حزب توده صادر می‌شد. به‌عنوان نمونه می‌توان متن مقاله فوق‌الذکر را با عبارات زیر که از مقاله‌ای که در روزنامه رهبر نقل می‌شود، مقایسه کرد:

«ایرانیان، وطن‌پرستان، آزادی‌خواهان، روی سخن ما با شما است. صدراشراف مستنطق باغ شاه، دژخیمی که به امر محمدعلی شاه بهترین فرزندان این کشور را به خاک و خون کشید، جلادی که بنا بر فتوای او حکم اعدام ملک‌المتکلمین‌ها، یحیی میرزاها وعده زیادی از زنجیری‌های باغشاه صادر گردید، وزیر عدلیه رضاخان که هزاران ملک مردم را به نام قانون و به زور پلیس مختاری برای ولی نعمت و

مخدوم خود قباله نمود، بنا بر تصمیم اکثریت فاسد و نفع پرست مجلس و تحمیل بیگانه، به نخست‌وزیری تعیین گردید. ایرانیان! روز جانبازی و فداکاری است. سرنوشت مشروطیت بسته به اقدامات شماست.»^۱

در گزارشی که در اوایل آذر ماه همان سال در قالب مقاله «یک سال مبارزه» (نوشته احمد زیرک‌زاده) ارائه شد، شرح نسبتاً مفصلی از آرمان‌ها، عقاید و عملکرد حزب ایران تا آن زمان ارائه گشت.^۲

هنوز مدت کوتاهی از انتشارات عملکرد حزب ایران نگذشته بود که مرام‌نامه حزب منتشر شد. (سند شماره ۹) شکل بسیط و عبارات ساده و شعارگونه موجود در این مرام‌نامه و نیز شتابزدگی موجود در عبارات آن زمینه را برای بوجود آمدن این حدس مهیا می‌سازد که مرام‌نامه مزبور، نخستین مرام‌نامه حزب ایران بوده که احتمالاً در نخستین هفته‌های آغاز به کار حزب تدوین یافته ولی به دلیل فضای سیاسی آن زمان، به فاصله‌ای افزون بر یک سال و نیم بعد منتشر شد. این مرام‌نامه از سه قسمت اصلی «۱. لحاظ سیاسی. ۲. لحاظ اقتصادی و ۳. لحاظ اجتماعی» و یک قسمت تحت عنوان «شرایط عضویت» تشکیل می‌شود. در این مرام‌نامه در مورد اهداف حزب در قسمت سیاست خارجی نکاتی بیان شده که مبین ساده‌انگاری حاکم بر فضای فکری حزب در آن روزگار نیز هست: «سیاست ما روشن، راست و بی‌ریا است، در مقابل انتظار جدی داریم که سایر دول نسبت به ما صریح باشند و استقلال کامل و تمامیت ارضی کشور ما را شرافتمندانه محترم شمارند.»

پس از گذشت مدت کوتاهی از انتشار مرام‌نامه فوق تحولات اساسی

۱. نک: انور خامه‌ای، فرصت بزرگ از دست رفته، تهران، انتشارات هفته، بهمن ۱۳۶۲، صص

۱۶۷ و ۱۶۸.

۲. سند شماره ۸.

در حزب ایران روی داد.^۱ یکی از این تحولات ورود اللهیار صالح به حزب ایران بود در پاییز سال ۱۳۲۴ و تحول دیگر ادغامی که در بیانیه‌های رسمی نام اتحاد را به خود گرفت و سبب ایجاد تأثیری پایدار در حزب ایران و تشکیلات آن شد. برای شناسایی هر چه بهتر این تحول مروری بر چگونگی تشکیل حزب میهن خواهیم داشت.

احزاب و گروه‌های متفق

از جمله گروه‌هایی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران تشکیل شد، احزاب پیکار، استقلال و میهن‌پرستان بودند. حزب پیکار در فروردین ۱۳۲۱ توسط جمعی از تحصیلکردگان و دانشجویان حقوق تشکیل شد. از اعضای برجسته این دسته سیاسی می‌توان به خسرو اقبال، جهانگیر تفضلی و رضا آذرخشی اشاره کرد. حزب استقلال را می‌باید در وجود شخص عبدالقدیر آزاد خلاصه کرد؛ دسته‌ای که بر مبنای فعالیت یک فرد شکل گرفته و به گزاف نام حزب را بر خود نهاد. و بالاخره گروه میهن‌پرستان که نام حزب به خود گرفت و مجید یکتایی، شجاع‌الدین شفا و محمدپور سرتیپ از جمله گردانندگان آن به شمار می‌رفتند. در خرداد ماه ۱۳۲۳ گروه‌های فوق به اضافه تعدادی از دیگر عناصر تحصیلکرده ایران گرد هم آمده و حزب میهن را تشکیل دادند. در این رابطه بیانیه‌ای رسمی تحت عنوان موافقت‌نامه از سوی گروه‌های فوق صادر شد. در این موافقت‌نامه و همچنین بیانیه‌های منضم به آن (اسناد شماره ۱۸۰-۱۷۹-۱۷۷) دلایل این اتحاد و مآلاً تشکیل حزب میهن بیان شده است. بدین ترتیب حزب میهن شکل گرفت. مرانامه هشت ماده‌ای این حزب فاقد انسجام فکری و مبانی نظری ضروری به نظر می‌رسد. به عنوان مثال در رابطه با وضعیت مالکیت زمین که در آن زمان که یکی از

۱. صالح، اللهیار، خاطرات اللهیار صالح، به کوشش خسرو سعیدی، ج اول، تهران، انتشارت پلا، زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۴۵.

مهمترین مشکل اقتصادی و اجتماعی کشور را تشکیل می‌داد، در مرامنامه مذکور تنها به بیان «مالکیت زمین‌های زراعتی باید محدود باشد و کشاورزان تقویت شوند.» اکتفا شده است.

اساسنامه حزب میهن نیز که در همان زمان انتشار یافت (سند شماره ۱۵۲) از ۸۶ ماده و در سه قسمت کلی: تشکیلات، شرایط عضویت و وظایف اعضاء و مقررات انتظامی شکل می‌گیرد. بر این اساس تشکیلات حزب میهن بر «کنگره، شورای مرکزی، کمیته مرکزی، کانون‌ها، سازمان شهرستان‌ها و حوزه‌ها» استوار بود.

اوج‌گیری فعالیت حزب میهن در ماههای بعد، توجهات و همچنین انتقادهای زیادی را متوجه آن ساخت که نمونه‌های از این موارد در این مجموعه در ذیل عنوان حزب میهن ارائه شده است. به مرور زمان عدم توانایی و عدم وجود همگرایی لازم بین گروههای تشکیل دهنده حزب میهن برای یک فعالیت منسجم، جدایی اعضای حزب پیکار و سپس حزب استقلال را از آن حزب به دنبال داشت. بدین ترتیب در سال ۱۳۲۴، عملاً تنها اعضای گروه میهن‌پرستان در حزب میهن باقی مانده و رهبری عملی حزب را نیز دکتر کریم سنجابی به عهده داشت. در نیمه دوم سال ۱۳۲۴ علائم فروپاشی حزب میهن نیز به تدریج نمودار شد. جدا شدن بسیاری از هواداران و سازمان‌های شهرستان‌های حزب از آن و الحاق به گروهها و احزاب دیگر از جمله حزب توده، به منزله هشدارهای جدی برای وقوع فروپاشی کامل بودند. در چنین وضعیتی بود که حزب میهن به حزب ایران ملحق شد.

از سوی دیگر نباید نادیده انگاشت که زمینه صورت گرفتن چنین ائتلافی از اواسط سال ۱۳۲۴ در حزب ایران وجود داشت. در مقاله‌ای که تحت عنوان «ائتلاف احزاب آزادی خواه و ملی و تشکیل دولت جدید» در مهرماه سال ۱۳۲۴ (سند شماره ۶) در جریده جبهه چاپ شد، لزوم وحدت احزاب مذکور بیان شده بود. در زمان نگارش این مقاله تصویب

لایحه عدم برگزاری انتخابات مجلس پانزدهم تا هنگام خروج نیروهای بیگانه از کشور، نویددهنده آغاز یک دوره فترت بود. در مقابله با چنین وضعیتی حزب ایران اندیشه روی کار آمدن یک دولت نسبتاً صالح را تبلیغ می‌کرد. در این زمان دولت صدر که از دید احزاب چپ و ملی یک دولت راستگرا تلقی می‌شد، بر سر کار بود و تغییر وی از جمله خواست‌های احزاب مذکور به‌شمار می‌رفت. از دید حزب ایران «اکثریت مجلس چهاردهم اگر حقیقتاً خواهان آزادی است و اگر واقعاً بغض اقلیت چشم انصافش را کور نکرده است، باید بفهمد که دولت آقای صدر دولت آزادی خواهی نیست. آنچه کمتر از همه چیز توجه دولت فعلی را جلب می‌کند همان مراعات اصول آزادی است»^۱.

وجود یک دولت صالح در راس کار راه را برای تداوم فضای آزادی در کشور و نیز انجام انتخابات آزاد مجلس پانزدهم فراهم می‌ساخت. در این رابطه حزب ایران اعلام کرد: «احزاب آزادی خواه و ملی نیز باید به منظور دفاع از چنین دولت با یکدیگر موتلف شده و فعلاً اختلافات جزئی و آکادمیک را کنار بگذارند تا شاید به تدریج در ضمن همکاری و آشنایی، زمینه اتحاد آنها نیز فراهم شود. البته ائتلاف این‌گونه احزاب وقتی مفید فایده خواهد بود که فعالیت شدیدی پشت سر داشته باشد. دستگاه تبلیغات احزاب موتلف باید با تمام قوا وظایف حقیقی افراد ملت را در حفظ اصول مشروطیت گوسزد کند و حتی به وسایل مناسب افتراقی را که بین دولت و ملت است، مرتفع سازد تا اگر خدای ناخواسته دسته معدودی قصد سوءاستفاده از دستگاه اجرایی دولت را داشته باشند، موفق نگردند»^۲.

سقوط کابینه صدر و تشکیل دولت حکیمی در پائیز ۱۳۲۴ تا اندازه‌ای

۱. سند شماره ۶.

۲. همان.

به تحقق مرحله اول طرح فوق کمک کرد. حال می ماند گام بعدی که همان ائتلاف احزاب باشد.

صرفنظر از تحلیل فوق که از سوی حزب ایران پیرامون علت ائتلاف آن حزب با احزاب دیگر ارائه شد، به نظر می رسد در آن مقطع عدم استقبال مردم از احزاب نیز باعث شده بود که بسیاری از آنها برای تداوم فعالیت و دستیابی به اهداف مورد نظر از توانایی لازم برخوردار نباشند. مروری دیگر بر مقاله «ائتلاف احزاب آزادی خواه و ملی» خود تا حدودی مؤید این برداشت است. از جمله در بخشی از این مقاله آمده است: «اگر درست تامل شود تمام این درمان ها از علاج یک درد پنهانی اجتماع ما عاجز است. و آن بی علائگی مردم به امور سیاسی است. اگر این درد دوايي نیابد، آزادی ما همیشه در خطر خواهد ماند.»^۱ و در جای دیگر «بدبختانه راه حل اساسی که همان ایجاد مراکز مقاومت ملی به رهبری عناصر آزادی خواه و وطن پرست و صاحب نظر باشد، فعلاً میسر نیست.»^۲

زمینه های روحی و سیاسی مساعد برای ائتلاف، بالاخره نتیجه داده و در نخستین مرحله دو حزب ایران و میهن با صدور بیانیه ای با هم متحد شده (سند شماره ۱۳) و تحت عنوان حزب ایران به فعالیت خود ادامه دادند. تحولات حاصل از این ائتلاف، سهم ارزنده ای در گسترش فعالیت حزب ایران داشت. علاوه بر آن فضای سیاسی سال ۱۳۲۵ و آزادی همه جانبه فعالیت گروه های سیاسی که از سوی دولت قوام زمینه آن فراهم شده بود، زمینه مساعدی را برای گسترش این گونه فعالیت ها فراهم می کرد.

نتایج مثبت ائتلاف حزب میهن و حزب ایران، راه ائتلاف حزب ایران

۱. همان، ص ۹.

۲. همان، ص ۱۰.

با دیگر گروه‌های سیاسی را هموار ساخت. این بارگامی بزرگ برداشته شد و اتحادی بسته شد که چالش عظیمی را در حزب ایران به وجود آورد. اتحاد و ائتلاف حزب ایران با حزب توده در دوم تیرماه ۱۳۲۵ ریشه در همان عواملی داشت که پیش از این سبب ائتلاف دو حزب ایران و میهن شده بود.

«ائتلاف بزرگ»

نقطه عطف شروع روند ائتلاف دو حزب ایران و توده، به نوبه خود نکته در خور توجهی است که شاید کلید بررسی بیشتر آن از لحاظ روشنتر شدن زمینه‌ها و چگونگی تشکیل حزب ایران مفید باشد. ابتدا پردازیم به شرح ماجرای این ائتلاف پرسروصدا.

با شروع سال ۱۳۲۵ مذاکراتی بین کانون مهندسين با شورای مرکزی سندیکای مهندسين و کارکنان فنی ایران در خصوص ائتلاف انجام شد. در مورد چگونگی تشکیل کانون مهندسين قبلاً مطالبی خاطر نشان گردید. سندیکای مهندسين و کارکنان فنی را می‌توان به نوعی بخش منشعب از کانون مهندسين ذکر کرد. انشعاییونی که ویژگی و خصیلت اصلی آنان تمایل و وابستگی آشکار به حزب توده بود. انجام مذاکرات ائتلاف، با همراهی و همکاری حزب ایران، حزب توده و شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران روبرو شد. در نهایت پنج تشکیلات مورد بحث با صدور اعلامیه‌ای در اواخر اردیبهشت ۱۳۲۵ تشکیل جبهه «حمایت از صنایع داخلی» را اعلام کردند. (سند شماره ۲۱) احتمالاً تشکیل چنین جبهه‌ای را که نه فرصت و نه امکانات کافی برای تحقق اهداف خود داشت می‌توان مقدمه‌ای برای ائتلاف احزاب ایران و توده در آینده به شمار آورد.

اندیشه ائتلاف این دو حزب نمی‌توانست محصول یک تصادف و یا

یک تصمیم عجولانه باشد. دانسته‌های موجود در این زمینه، از گفته‌های مهندسی فریور - که بسیاری او را عامل اصلی ائتلاف می‌دانستند - تا خاطراتی که از اللهیار صالح و زیرک‌زاده که در آن زمان عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب بودند، به اندازه کافی روشنگر نیستند.^۱ تنها مرجع قابل اتکاء در این میان مطالبی است که در جریان نخستین کنگره حزب ایران (فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۲۷) در خصوص ائتلاف از سوی اللهیار صالح و احمد زیرک‌زاده در پاسخ به مخالفین و معترضین به این ائتلاف ادا شد. (سند شماره ۷۶) براساس این بیانات، حزب ایران با مشاهده قدرت‌یابی شدید حزب توده و گسترش جنبش‌هایی که وحدت ایران را دچار خطر کرده بود، تنها راه‌حل را نگه داشتن حرکت‌های مزبور در حیطه ملیت و قلمرو ایران تلقی می‌کرد و بر این باور بودند که نزدیکی حزب ایران با حزب توده (و سپس فرقه دموکرات آذربایجان) مانع از رشد تمایلات تجزیه‌طلبی در آنان می‌شد. ولی آیا این موضوع را می‌توان تنها علت انجام ائتلافی دانست که بعدها ضربه شدیدی به اعتبار حزب ایران وارد آورد؟ در سطور قبل از تشکیل جبهه حمایت از صنایع داخلی سخن گفتیم، با توجه به تشکیل این جبهه، آیا نمی‌توان همگرایی در بین مهندسین که بخشی از آنان سکاندار اصلی حزب ایران بودند را علت اصلی چنین ائتلافی قلمداد کرد؟

انتخابات جدید کمیته مرکزی حزب ایران که در آستانه ائتلاف انجام شد (سند شماره ۳۱) گام دیگری در تسهیل این ائتلاف بود. در پی این انتخابات مخالفین ائتلاف از حزب اخراج شدند.^۲ از میان فعالینی که در زمره سرشناسترین اعضاء حزب قرار داشتند. (سند شماره ۳۴ و ۳۳)

۱. بنگرید به: پرشهای بی‌پاسخ در سالهای استثنایی، پیشین، کل بخش حزب ایران، صص ۱۹۰-۷۲. و خاطرات اللهیار صالح، پیشین، صص ۱۶۸-۱۶۶.
 ۲. مکی در خاطرات خود از خروج خود به همراه ارسال خلعتبری، محسن خواجه‌نوری و مصور رحمانی از حزب ایران به دلیل ائتلاف با حزب توده، یاد می‌کند. همان، ص ۱۹.

گروهی از اخراجی‌ها و یا منشعبین حزب وحدت ایران را تشکیل داده و گروهی دیگر نیز عجالاً کنج‌انزوا اختیار کرده و منتظر آینده شدند.^۱ چند روز پس از انتخابات کمیته مرکزی حزب ایران، در هشتم تیره ماه اعلامیه ائتلاف صادر شد (سند شماره ۳۲) و چندی بعد نیز فرقه دموکرات آذربایجان، فرقه دموکرات کردستان، حزب سوسیالیست و کمیته مرکزی حزب جنگل به این ائتلاف پیوستند. (سند شماره ۴۲) در پی این دگرگونی، در دیدگاه حزب ایران در خصوص آذربایجان تحول اساسی به وجود آمد. اگر در مهرماه سال ۱۳۲۴ عقیده حزب ایران در مورد فرقه دموکرات آذربایجان این بود که «توسعه پراکندگی عقاید اگر

۱. در رابطه با اخراج شدگان، رسول مهربان اسامی آنان را «دکتر شمس‌الدین جزایری، حسین مکی، ارسلان خلمعتبری، مهدی بازرگان، علیرضا صاحب، فرج‌الله باغی، محمد نخشب، ضرابی، جعفر شهیدی، صادقی، مصور روحانی، مهندس شریف امامی و محسن خواجه نوری» ذکر می‌کند. بنگرید به رسول مهربان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی ایران، تهران، انتشارات پیک ایران، چاپ دوم، پائیز ۱۳۶۰، صص ۳۴ - ۳۳.

یادآوری می‌نماید مهندس مهدی بازرگان همواره بر عدم عضویت خود در حزب ایران تأکید داشت. و رابطه‌اش با آن حزب را تنها در حد یک رابطه همکاری دوستانه در سالهای ۲۶-۱۳۲۳ قلمداد می‌کرد. نک: بازرگان، همان، ص ۲۴۴، و ص ۵۲۵.

در همین رابطه دکتر جزایری ضمن سخنانی در مجلس شورای ملی (اردیبهشت ۱۳۳۴) آن هنگام که مورد طعن یکی دیگر از نمایندگان قرار گرفت، گفت: «من و این آقای ارسلان خلمعتبری و دکتر افشار و دکتر حسینی وعده‌ای از رفقا تا آن موقع بودیم که پیشه‌وری قیام کرد و در حزب ایران ما با ائتلاف با حزب توده مخالفت کردیم. همه‌تان شاهدید آقایان و آن وقت اگر آقای قوام‌السلطنه نیامده بودند سرکار و دو سه نفر از توده‌آی‌ها نرفته بودند در کابینه‌شان ما در حزب ایران را بسته بودیم و آقای پیراسته تشریف داشتند شاهدند.»

بنگرید به: صورت مذاکرات نمایندگان مجلس، دوره هیجدهم، جلسه ۱۱۷، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۴، ص ۴.

همان زمان در جریده پیکار روز کاریکاتوری چاپ شد که در آن قوام‌السلطنه ویلونسل می‌نواخت و حزب توده و حزب ایران در هیبت عروس و داماد به آغوش هم فرورفته بودند.

نک: جریده پیکار روز، ش ۱۲، س ۱، ۱۶ / ۳ / ۱۳۲۵، ص ۱.

خیانت محسوب نشود، قطعاً حماقت است. از این جهت ایجاد فرقه دموکرات برای احزاب سیاسی ایران لطمه بزرگی است و از لحاظ سیاست خارجی، از این جهت نتایج ظهور فرقه دموکرات به مراتب خطرناکتر از جهات سیاست داخلی آن است. چه این فرقه با وصف دموکرات، نام همه آزادی خواهان ایران را ننگین ساخته است. اگر معنی دموکراسی، نفاق ایرانیان و تهیه مقدمات تجزیه ایران باشد، کدام شرافتمندی حاضر است خود را دموکرات معرفی کند.^۱ ولی یک سال بعد در شهریور ۱۳۲۵ در مجلس جشنی که در کلوپ حزب توده به مناسبت ورود نمایندگان فرقه دموکرات آذربایجان به تهران برگزار شد، اللهیار صالح از طرف کمیته مرکزی حزب ایران، اظهاراتی در تأیید نمایندگان مزبور ایراد کرد. (سند شماره ۳۸)

به هر حال در پی واقعه ۲۱ آذر ۱۳۲۵، و شکست نیروهای فرقه دموکرات آذربایجان و اعاده مجدد حاکمیت ایران بر آذربایجان، دوره‌ای از فعالیت‌های حزبی در ایران به پایان آمد. افسوس و تأثر حاکم بر حزب ایران از این دگرگونی را به خوبی می‌توان در خلال مقاله: «ورق برگشت، تغییرات و تحولات سریع اجتماعی ایران به تأخیر افتاد» (سند شماره ۴۵) مشاهده کرد. در پی این واقعه، ائتلاف حزب ایران و حزب توده نیز از هم گسسته شد و موتلفین قدیم در کسوت منتقدین جدید و در روی یکدیگر قرار گرفتند. ولی این تنها پیامد برجای مانده برای حزب ایران نبود. در این میان حزب دموکرات ایران که قوام السلطنه آن را بنیان نهاده بود با اتکاء به کمک‌های دولت توانست به طور انحصاری انتخابات دوره پانزده را به نفع خود تمام کند. علاوه بر آن این حزب با طرح شعارهایی که تا قبل از آن عمدتاً توسط حزب ایران مطرح می‌شد، تا اندازه زیادی حزب ایران را «خلع شعار» کرد. چنین عواملی دست به دست هم داده و نقطه پایانی بر نخستین مقطع از فعالیت حزب ایران قرار دادند.

با پایان یافتن سال ۱۳۲۵ حزب ایران دچار پیامدهای ناشی از حوادث مختلف آن سال شد. در خاطرات اللهیار صالح می‌خوانیم: «اثرات مخرب این ائتلاف ناپایدار در داخل حزب شکننده و یأس‌آور بود. این مسئله علاوه بر ایجاد اختلاف بین اعضا و بار آوردن احساس ندامت از اشتباهی که در آغاز عمر حزب صورت گرفته بود، مدت‌ها وقت حزب و مسئولین آن را برای جواب‌گویی و سعی در توجیه اقدام انجام شده و استدلال در وجود حسن نیت مدافعان ائتلاف گذراند.»^۱

عمق و تأثیر بحران حاصل از وقایع سال ۱۳۲۵ را می‌توان از خلال سخنرانی‌های که در اولین کنگره حزب ایران (فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۲۷) ایراد شد، نیز به خوبی حس کرد. بخش قابل توجهی از مذاکرات این کنگره (سند شماره ۷۶) به طرح سؤال و پاسخگویی به انتقادات نمایندگان حاضر در کنگره در خصوص تحولات و رویدادهای گذشته و خصوصاً ماجرای ائتلاف با حزب توده، اختصاص یافت. به نظر می‌رسد برگزاری نخستین کنگره نیز نتوانست به بسیاری از سئوالات موجود پیرامون عملکرد حزب پاسخ دهد. پس از وقایع آذر ۱۳۲۵ تعدادی از رهبران حزب ایران این حزب را ترک کردند. غلامعلی فریور که یکی از رهبران اصلی حزب و به نوعی ایدئولوگ آن محسوب می‌شد در آستانه وقایع ۲۱ آذر ۱۳۲۵ جهت انجام یک مأموریت اداری ایران را به مقصد اروپا ترک کرد و دیگر هیچ‌گاه به حزب ایران باز نگشت. محمد نخشب و برخی دیگر از همفکران او نیز از حزب خارج شده بودند. تشکیل حزب وحدت ایران (از منشعبین حزب ایران) نیز ضربه جدی بر پیکره حزب ایران وارد کرد. حسین مکی، خلعتبری، جزایری، مرزبان، صادقی از

۱. خاطرات اللهیار صالح، پیشین، ص ۱۴۸. یادآوری می‌نماید که در سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ صالح تقریباً از فعالیت‌های دولتی کناره گرفت و به سیروسفر در اطراف کاشان و تحقیق درباره گذشته و تاریخ آن و بررسی آثار باستانی کاشان پرداخت.

جمله کسانی بودند که در این مرحله حزب ایران را ترک کردند. بدین ترتیب علیرغم تمامی تلاشی که در سال ۱۳۲۶ از سوی رهبران به جای مانده از بحران سال قبل، برای توجیه رویدادها و موضع‌گیری حزب انجام شد (ر.ک به اسناد ۴۷ تا ۶۲، ۶۷ و ۷۰) حزب ایران به سادگی نتوانست در مقابل پیامدهای عملکرد سالهای گذشته خود، قداراست کند.^۱ سال ۱۳۲۷ که سرآغاز شکل‌گیری نهضت ملی شدن نفت بود را می‌توان آغاز دومین دوره فعالیت حزب ایران نامید. در این دوره فعالیتهای حزبی به شدت کاهش یافت و تنها فعالیت چشمگیر حزب ایران در عرصه نفت خلاصه می‌شد.^۲

خدمات برجسته مهندسين و اعضاى مركزى حزب ايران در رابطه با شناساندن مضار و فعاليت شركت نفت ايران و انگليس و نيز قراردادهاى پيشنهادهى نفتى كه در فاصله سالهاى ۱۳۲۹-۱۳۲۶ به دولت ايران ارائه

۱. برقراری حکومت نظامی در تهران در اواسط تیر ماه ۱۳۲۶، واکنش حزب ایران را به دنبال داشت. به باور حزب «حکومت نظامی برقرار می‌شود برای آنکه روزنامه‌ها از دولت انتقاد می‌کنند. مردم ایران دو مرتبه در زنجیر اسارت گرفتار شده، دموکراسی ایران مفهوم خود را از دست می‌دهد، برای اینکه دولت به جای اصلاح مفاسد دستگاه خود، می‌خواهد به کسی اجازه تذکار آن مفاسد را ندهد. حکومت زور، حکومت ترور، حکومت نظامی و هر وسیله دیگری نمی‌تواند دستگاهی را که فساد متزلزلش دارد را استوار سازد. (جریده جبهه، ش ۳۰۷، ۱۳۲۶/۴/۱۷ ص ۱) بدنبال اعتراض فوق، تمام نشریات حزب ایران توقیف شدند. این توقیف تا انتشار جریده نبرد امروز (ارگان موقتی حزب ایران) در ۱۱ بهمن ۱۳۲۶ ادامه یافت. در اسفندماه همان سال جریده جبهه بار دیگر انتشار خود را از سر گرفته و جریده نبرد امروز به عنوان ارگان سازمان جوانان ایران به انتشار خود ادامه داد.

۲. پایان دوره (حدوداً) دو ساله نخست‌وزیری قوام‌السلطنه در آذر سال ۱۳۲۶، شروع و خاتمه کابینه‌های کوتاه‌مدت حکیمی (تا خرداد ۱۳۲۷) و هژیر (تا آبان ۱۳۲۷) منجر به روی کار آمدن دولت دوم ساعد شد که افزون بر ۱۶ ماه بر سر کار بود. و در این مدت، ترور محمدرضا بهلولی در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران زمینه مناسبی را برای ایجاد محدودیت‌های مطبوعاتی و ممنوع کردن فعالیت حزب توده از همه آن‌ها مهمتر تشکیل مجلس مؤسسات دوم و تحکیم قدرت‌شان در اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ فراهم ساخت.

شد، گام مهم و کمک ارزنده‌ای در راه اعتلای نهضت ملی شدن نفت ایران بود.^۱ انتشار جزواتی نظیر «جریان مذاکرات نفت در مجلس پانزدهم و نطق مکی، بررسی‌های حزب ایران درباره واردات نفت ایران و انگلیس - سال ۱۳۲۸» نمونه‌ای از این گونه فعالیت‌ها بود.

تا اینکه بار دیگر موسم انتخابات فرارسید. برگزاری انتخابات نخستین دوره مجلس سنا و دوره شانزدهم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۸ و متعاقب آن تشکیل جبهه ملی^۲ که حزب ایران نیز از جمله

۱. در جزوه «چرا او چگونه نفت ملی شد؟» خلیل‌اله مقدم از فعالیت حزب ایران در این رابطه مفصلاً سخن می‌گوید. براین اساس «پیش از طرح قرارداد الحاقی در مجلس پانزدهم افرادی که به کار پژوهش نفت سرگرم بودند برای کسب پاره‌ای اطلاعات به اداره امتیازات و درآمد معادن که در آن هنگام زیر نظر آقای پیرنیا مدیر کل وقت و معاون بعدی وزارت دارایی بود، مراجعه می‌کنند اما ایشان دادن اطلاعات را منوط به اجازه گلشائیان وزیر دارایی می‌کند و پس از مدتی که دوباره مراجعه می‌شود نه اطلاعاتی در اختیار آنان می‌گذارند و نه نامه‌هایشان را پاسخ می‌دهند. سپس حزب ایران نامه‌ای با تاریخ و شماره به شرکت نفت انگلیس نوشته و اطلاعاتی از آن‌ها می‌خواهد و شرکت نفت در پاسخ به این نامه، مقداری نشریه برای حزب ایران فرستاده و می‌نویسد که کلیه اطلاعات مربوط به پرسنل و کارگران شرکت به وزارت دارایی فرستاده شده و برای دریافت آن اوراق به اداره مزبور مراجعه کنید. حزب ایران رونوشت نامه شرکت نفت انگلیس را برای وزارت دارایی به پیوست درخواست رسمی می‌فرستد. آنگاه وزارت دارایی لیستی از تعداد کارگران و کارمندان ایرانی و بیگانه شرکت نفت را به حزب ایران می‌دهد.»

بنگريد به: خلیل‌اله مقدم، تاریخ مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران به رهبری دکتر محمد مصدق، ج اول، چرا و چگونه نفت ملی شد؟. سلسله انتشارات حزب ایران (برای آگاهی نسل جوان) سازمان انتشارات و تبلیغات [بی‌تا، بی‌جا]

۲. اساسنامه جبهه ملی به شرح زیر می‌باشد:

ماده اول: جبهه ملی از هیات موسس و دستجات مختلف ملی که طرفدار تامین عدالت اجتماعی و حفظ قانون اساسی هستند، تشکیل می‌شود.

ماده دوم: موسس اولیه، هیات مدیره جبهه ملی را تشکیل می‌دهند و دستجات مختلف ملی هر یک نماینده تعیین می‌نمایند که از اجتماع آن‌ها با هیات مدیره، شورای جبهه ملی تشکیل می‌شود.

گروه‌های تشکیل دهنده اولیه آن بود^۱، بار دیگر به تجدید و تشدید فعالیت این حزب منجر شد. اوج‌گیری نهضت ملی شدن نفت و متعاقب آن شروع دوره نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق محیط مناسبی را برای تداوم و گسترش فعالیت این حزب فراهم کرد. بار دیگر نظیر آنچه که در دوره پیشین فعالیت‌های حزبی در سالهای ۲۵ و ۱۳۲۴ گذشت، حزب ایران فعالیت خود را گسترش داد. در این میان آنچه که سبب تشدید این فعالیت می‌شد، حضور و مشارکت تقریباً تمامی سران حزب در دولت دکتر مصدق بود. سیاست حمایت از دولت مصدق، ریشه در فعالیت‌های گذشته حزب ایران داشت. این حزب از ابتدای شروع فعالیت خود در سال ۱۳۲۲ همواره رابطه تنگاتنگی با دکتر مصدق داشت. بدین لحاظ همانگونه که انتظار می‌رفت در دوره نخست‌وزیری وی نیز، مشارکت بسیار فعالی در دولت داشت.^۲ به همین خاطر هدف انتقادات بسیار

→

ماده سوم: هدف جبهه ملی ایجاد حکومت ملی به وسیله تأمین آزادی انتخابات و آزادی افکار است.

ماده چهارم: هیچ فردی نمی‌تواند مستقیماً عضو جبهه ملی شود و عضویت افراد در جبهه مشروط به این است که عضو جمعیتی باشند که آن جمعیت سمت وابستگی به جبهه ملی را تحصیل کرده باشد.

آئین‌نامه، دبیرخانه: دبیرخانه جبهه ملی از سه نفر دبیر جبهه، خزانه‌دار و یک نفر عضو با اکثریت آرا از بین هیأت مدیره جبهه ملی برای مدت یک سال تعیین می‌گردد.

رسول مهربان، پیشین، ص ۴۷.

۱. موسسین جبهه ملی عبارت بودند از: ۱. دکتر مصدق ۲. حائری‌زاده ۳. احمد ملکی ۴. دکتر کاویانی ۵. عمیدی نوری ۶. عباس خلیلی ۷. ارسلان خلعتبری ۸. کریم سنجابی ۹. احمد زیرک‌زاده ۱۰. سیدعلی شایگان ۱۱. شمس‌الدین امیرعلایی ۱۲. آیت‌الله غروی ۱۳. سیدحسین فاطمی ۱۴. حسین مکی ۱۵. مظفر بقایی ۱۶. عبدالقدیر آزاد ۱۷. شمس‌الدین جزایری ۱۸. یوسف مشار ۱۹. محمود نریمان ۲۰. جلالی نائینی، مهربان، همان ص ۴۶.

۲. از آن جمله، بنا به گفته مهربان، «در جریان خلع ید و تلاش برای حل مسئله نفت و مذاکرات با هیأت‌های انگلیسی و آمریکایی و بانک بین‌المللی، نقش حزب ایران برجسته بود

←

شدیدی نیز از سوی مخالفین دولت مصدق قرار گرفت. دادن لقب «حزب کارگشایی» به حزب ایران از سوی مخالفین، بیانگر جایگاه آن حزب در دولت مصدق از نگاه آن‌ها بود.^۱

در اوج فعالیت حزب ایران در پاییز سال ۱۳۳۱ و هنگامی که مقدمات لازم برای برگزاری پنجمین کنگره حزب در حال انجام بود، اختلافات درون حزبی بار دیگر شدت یافت. این اختلافات (که گزارش کامل آن در ذیل اسناد شماره ۱۱۵ تا ۱۳۰ وجود دارد). بین تعدادی از مقامات رده دوم حزب از جمله محمد نخشب که بار دیگر به حزب پیوسته بود، راضی و نوشین، با مقامات درجه اول حزب و مشخصاً اعضای کمیته مرکزی (از جمله کریم سنجابی و احمد زیرک‌زاده) بود. موضوع اصلی این اختلافات که در نهایت به یک انشعاب در حزب منجر شد نوع موضعگیری در مقابل هیأت حاکمه (و دولت) و روابط درون حزبی بود. در بخشی از اعلامیه‌ای که به همین مناسبت از سوی منشعین صادر شد (سند شماره ۱۲۷) آمده است: «به علت مشاهده جریان‌های نامطلوب و غیرحزبی، با کمال تاسف در شرایط حساس کنونی از حزب ایران استعفاء

→

و به‌طور کلی همه نمایندگان ایران در هیات‌های مذاکره با انگلیس و هاریمن و بانک بین‌المللی از افراد حزب ایران بودند. بدین جهت حزب ایران در حکومت مصدق از نفوذ و حیثیت کافی برخوردار شد. بیشتر مشاورین نفتی مصدق از اعضای کمیته مرکزی حزب ایران بودند.»
 نک: مهربان، همان، ص ۷۴.

۱. به عنوان نمونه به خبر ذیل می‌توان اشاره کرد:

«حزب کارگشایی کماکان مشغول است. مهندس کیقبادی نام عضو حزب ایران و کارمند بنگاه راه آهن در حالی که مردم بی‌پناه از بیکاری و بدبختی خودکشی می‌کنند، به زور حزب کارگشایی و فشارسنجایی و زیرک‌زاده، می‌خواهد در بنگاه برق تهران به مسند ریاست امور مالی برق تهران بنشیند. آقای مهندس نجم، بنگاه برق تبدیل به یکی از شعبات حزب کارگشایی شده است. آقای مدیرکل بنگاه برق، رفتن زیر بار این تحمیل، خیانت است.»
 جریده شلاق، ش ۵۷، ۱۳۳۲/۴/۲، ص ۳.

می‌کنیم و برای تحقق آرمان مقدس ملی مردم ایران در لوای نهضت ملی و به رهبری قهرمانان ضداستعمار جناب آقای دکتر محمد مصدق و حضرت آیت‌الله کاشانی اعلام می‌داریم جدای ما از حزب ایران فقط به خاطر این است که فعالیت اجتماعی ما به نفع طبقات محروم ملت ایران مؤثرتر و ثمربخش‌تر گردد.» و در جایی دیگر در پیام «هیات تحریریه و کارکنان روزنامه جوانان ایران ارگان سابق سازمان جوانان حزب ایران» می‌خوانیم: «ادامه فعالیت در دسته‌ای که جنبه سوسیالیستی و حزبی خود را کاملاً از دست داده و رهبران آن از معیارهای حزبی فاصله زیادی گرفته‌اند، برای ما مقدور نیست.»^۱

به نظر می‌رسد اختلافات میان دو گروه، اساسی‌تر از آن بود که بتوان با پا در میانی برخی از بزرگان آن را حل کرد (سند شماره ۱۱۵) و در نتیجه این انشعاب بخش چشمگیری از اعضای فعال حزب ایران از آن خارج شده و جمعیت آزادی مردم ایران را تشکیل دادند. در نتیجه این انشعاب حزب ایران بخشی عمده‌ای از توان خود را از دست داده و در ادامه تنها فعالیت مهم آن در حمایت از دولت مصدق و پاسخگویی به انتقادات گروههای مخالف، خلاصه شد. فقدان برنامه‌ریزی مشخص برای تعمیق اهداف و روش‌های فعالیت متناسب با شرایط سیاسی جامعه در اواخر سال ۱۳۳۱ و نیمه اول سال ۱۳۳۲ نقیصه‌ای بود که نه تنها حزب ایران بلکه مجموع گروههای دیگر نیز دچار آن شده بودند.

در چنین شرایطی بود که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکل گرفت. علیرغم تلاش زیاد اعضا و سران حزب ایران در فاصله روزهای ۲۸-۲۵ مرداد، فقدان نیروی کافی و قدرت لازم در حزب ایران (نظیر دیگر گروههای طرفدار دولت) کار را بدانجا کشاند که با وجود اطلاع اجمالی گروههای حامی دولت از نقشه‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده از سوی

عوامل داخلی و خارجی کودتا، گروه اندکی از اوباش و اجامر تهران همراه با بخش اندکی از نیروهای نظامی توانستند دولت مصدق را سرنگون کنند. این واقعه برای حزب ایران که داعیه برخورداری از پشتیبانی مردمی را نیز داشت یک شکست تلقی می‌شود. به بیان دیگر سالها تلاش و کوشش در راه ایجاد یک تشکیلات حزبی و فعالیت آن نتوانست نیرویی را شکل دهد که از عهدهٔ مقابله با چنین کودتای محقرانه‌ای برآید. بنظر می‌رسد سران حزب ایران در ماههای پایانی دوره حکومت دکتر مصدق چنان در گرداب مسائل روزمره غرق شده بودند که قادر به برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با رویدادهای آینده نبوده و از سویی دیگر به علت از دست دادن بخش عمده‌ای از نیروهای خود، توانایی مقابله با خطرات و توطئه‌های جاری برضد دولت مصدق را نیز نداشتند.^۱

پس از کودتای ۲۸ مرداد، رهبران حزب ایران نیز نظیر دیگر رهبران احزاب طرفدار دکتر مصدق تحت تعقیب قرار گرفته و بسیاری از آنان بازداشت شده. و در مراحل بعد نیز بسیاری از سران و اعضاء حزب از مشاغل دولتی برکنار شده و گوشه‌نشین شدند.

البته برخی از سران حزب ایران در کمیته نهضت مقاومت ملی حضور داشته و فعالیت می‌کردند.^۲

نقطهٔ پایان این مجموعه اسناد را صدور اعلامیه حزب ایران در خصوص قبول دکترین آیزنهاور قرار دادیم. که نقطهٔ عطفی بود در تحولات سیاسی حزب مزبور بحث، حزب ایران عملاً توانایی تداوم یک فعالیت حزبی را از دست داد. البته حضور حزب ایران در حاشیهٔ تحولات بعدی و بویژه نقش شاخص آن در خلال تحولاتی که در پایان دههٔ ۱۳۳۰

۱. برای نمونه نک به اسناد شماره ۱۳۵ تا ۱۴۳.

۲. به عنوان نمونه اعلامیه کمیته نهضت مقاومت ملی بر علیه قرارداد کنسرسیوم نفت که در بهار ۱۳۳۳ صادر شد را افرادی نظیر: عبدالله معظمی، اللهیار صالح، امیرعلایی، شاهپور بختیار و گیتی بین امضاء کرده بودند. بنگرید به: مهربان، همان، ص ۱۳۱.

به تشکیل جبهه ملی دوم منجر شد و نیز فعالیتهای بعدی آن تا اواسط دهه ۱۳۴۰، اگر چه خود دوره دیگری از تاریخچه فعالیت‌های این حزب را تشکیل می‌دهد، ولی بررسی آن منوط به دسترسی به نوع دیگری از اسناد است. مانند اسناد درون حزبی و یا گزارش‌های دولتی از این تحولات - که هنوز در دسترس پژوهشگران قرار ندارند. اسناد این مجموعه که عمدتاً براساس، جراید وقت مبتنی هستند عملاً تا سال ۱۳۳۲ را شامل می‌شوند و امید است با دستیابی به اسناد و مدارک معتبر از فعالیت حزب ایران در فاصله سالهای ۵۷-۱۳۳۲ بتوان چگونگی ادامه حیات یکی از معدود احزاب تمام عیار سیاسی ایران را مورد بررسی قرار داد.

یکی از مهمترین انتقاداتی که در محدوده منابع موجود، به فعالیت حزب ایران در فاصله زمانی مورد بحث این کتاب وارد می‌کنند، عدم وجود مبانی ایدئولوژیکی یکسان و محکم در این حزب است.^۱ در سرتاسر سالهای فعالیت علنی حزب ایران (۳۲-۱۳۲۳) هراز چندگاهی سلسله مقالاتی پیرامون مبانی اندیشه، نظرات و دیدگاههای حزب پیرامون مسائل عقیدتی، اقتصادی و اجتماعی در روزنامه‌های ارگان حزب (نظیر: شفق و جبهه آزادی) چاپ می‌شد. در مجموعه حاضر سه نمونه از این دیدگاهها که در دو مقطع زمانی اوج فعالیت حزب ایران ارائه شده، انتخاب و ارائه شده است. این سه نمونه به ترتیب زمانی عبارتند از: «نظر حزب ایران در رابطه با طبقات اجتماعی» (سند شماره ۱۵) نوشته ابوالقاسم زیرک‌زاده در فروردین ۱۳۲۵، مقاله «مبانی اقتصادی مرامنامه حزب ایران» (سند شماره ۲۰) نوشته علی میرفندرسکی در اردیبهشت ۱۳۲۵ و مقاله «حزب ایران و طبقات کارگر و دهقان» (سند شماره ۱۰۵) بدون نویسنده در خردادماه ۱۳۳۱.

۱. به عنوان نمونه بنگرید به: رسول مهربان، همان، ص ۲۱.

البته در این میان می‌باید به سلسله مقالات متعددی که توسط محمد نخشب در رابطه با مسائل عقیدتی و فکری در جراید ارگان حزب چاپ می‌شد نیز اشاره کرد. (ر.ک. سند شماره ۱۰۲) با توجه به حضور نسبتاً کوتاه مدت نخشب در حزب ایران و عدم حضور وی در تصمیم‌گیریهای محوری حزب، نمی‌توان نظرات او را به عنوان دیدگاههای رسمی حزب ایران تلقی کرد.

در مجموع با توجه به مفاد مقالات فوق و نیز مندرجات اساسنامه‌ها و مرامنامه‌های به جای مانده از حزب ایران، می‌توان انتقاد مذکور را بر حزب ایران وارد دانست. مقالات ارائه شده پیرامون مسائل عقیدتی در جراید ارگان حزب ایران در سالهای ۳۲-۱۳۲۳ حاوی دو کاستی عمده هستند. نخست این‌که فاقد انسجام لازم می‌باشند. بدین معنی که دیدگاههای مطرح شده در مقالات مزبور به دلیل گوناگونی نویسندگان آنها، با یکدیگر همخوانی ندارند. دومین کاستی مقالات مزبور محتوای آنهاست که از خط فکری خاصی نیز پیروی نمی‌کنند. وجود چنین نقیصه‌هایی در مبانی ایدئولوژیکی حزب ایران ریشه در چگونگی تشکیل آن، نوع فعالیت و فضای سیاسی حاکم بر ایران در آن سالها دارد. همانگونه که گفته شد تشکیل حزب ایران توسط گروهی از مهندسين عضو کانون مهندسين انجام شد. بلافاصله پس از تشکیل؛ این حزب در درگیری‌های سیاسی وارد شد. در مقطع سالهای ۲۸-۱۳۲۶ نیز که انتظار می‌رفت حزب ایران فرصت بازنگری در مبانی ایدئولوژیکی خود را پیدا کرده باشد. رهبران حزب اقدامی در این زمینه انجام ندادند. در مجموع در حزب ایران فعالیت سیاسی رجحان کامل بر ابعاد دیگر فعالیت‌هایی که لازمه یک تشکیلات حزبی است، داشت.

از ابعاد دیگر فعالیت‌هایی که لازمه یک تشکیلات است سخن گفتیم بدین

لحاظ، در این قسمت مروری مختصر بر تشکیلات حزب ایران نیز خواهیم کرد. بیان شد که حزب ایران از معدود احزابی در ایران است که فعالیت آن به معیارهای متعارف یک حزب تمام عیار سیاسی نزدیک و منطبق است. گستره سراسری فعالیت این حزب، وجود اساسنامه‌ها و آئین‌نامه‌های خاص برای تداوم فعالیت، تلاش و کوشش برای اجرای مفاد اساسنامه‌ها و آئین‌نامه‌ها از جمله برگزاری پنج‌کنگره و انتخابات مستمر اعضای کمیته‌ها و شوراهای، مواردی از ویژگی‌هایی است که حزب ایران را به معیارهای یک حزب تمام عیار نزدیک ساخته است. قدیمی‌ترین سند اساسی حزب ایران مرامنامه‌ای است که در سال ۱۳۲۴ منتشر شد و همانگونه که گفته شد احتمالاً این مرامنامه در بدو شروع فعالیت حزب ایران در سال ۱۳۲۳ تنظیم شده است. نخستین اساسنامه مدون موجود از حزب ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ در جریان مذاکرات نخستین کنگره حزب تدوین یافت. بدین ترتیب در فاصله سالهای ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ حزب ایران فاقد یک اساسنامه معین بود و تشکیلات آن بیشتر بر مبنای فعالیت هسته اولیه تشکیل‌دهنده آن که به نوعی آن را می‌توان هیات مؤسس نامید، اداره می‌شد. از این جهت فعالیت حزب ایران در مقطع اولیه خود بیشتر بر مبنای غیر تشکیلاتی استوار بود. در مقطع دوم فعالیت حزب که از سال ۱۳۲۷ آغاز و تا سال ۱۳۳۲ ادامه یافت، حزب بر مبنای یک تشکیلات منسجم به فعالیت خود ادامه داد. علیرغم وجود این روند مثبت در ساختار تشکیلاتی حزب ایران، طی یک دهه فعالیت، نزدیک به شصت درصد از اعضای کمیته مرکزی آن بدون تغییر مانده و این افراد بطور ثابت سکاندار کمیته مرکزی و مآلاً حزب ایران بودند. چنین واقعیتی علاوه بر اینکه مبین نوعی گروه‌گرایی ویژه در درون حزب است از پیشی گرفتن معیارهای غیرحزبی بر معیارهای حزبی در تار و پود حزب و مآلاً عدم تحقق شعارها و اهداف عالی حزب در تشکیلات خود

حکایت می‌کند. مسلماً این موضوع که پس از گذشت چندین سال از تأسیس حزب، محور اصلی فعالیت آن بر دوش همان افرادی است که حزب را تشکیل داده‌اند، نمی‌تواند نشانه پیشرفت و یا موفقیت در اجرای اهداف حزب باشد.

یکی دیگر از فعالیتهای حزب ایران فعالیت‌های مطبوعاتی آن بود. نخستین ارگان حزب ایران را نمی‌توان به دقت مشخص کرد ولی جریده شفق به مدیریت شمس‌الدین جزایری را می‌توان یکی از نخستین نشریاتی قلمداد کرد که در اواخر سال ۱۳۲۳ و سال ۱۳۲۴ نظریات و اعلامیه‌ها و گزارشات حزبی در آن منعکس می‌شد.^۱ هفته‌نامه جبهه و سپس جبهه‌آزادی ارگان اصلی حزب در سالهای بعد به شمار می‌رفتند. البته هفته‌نامه‌های باستان، نبرد امروز و جوانان ایران نیز از دیگر نشریاتی بودند که یا به طور همزمان و یا در صورتی که به هر دلیل انتشار ارگان مرکزی حزب متوقف می‌شد، به جای آن منتشر می‌شدند. در شهرستان‌ها نیز شماره‌هایی از جریده ندای کاشان ارگان شاخه کاشان حزب ایران و خبری از انتشار جریده شیراز، در همان شهر، در دست است.^۲ بدین منوال انتظار می‌رود جراید دیگری نیز از سوی شعبات حزب در شهرستان‌هایی مانند مشهد و رشت نیز منتشر شده باشند. تمامی نشریات فوق دارای الگویی نسبتاً واحد بوده و به غیر از انعکاس اخبار حزبی، گزارشاتی از وقایع روز ایران و جهان در آنها به چاپ می‌رسید.

در مورد حزب ایران از جنبه‌های دیگری نیز می‌توان سخن گفت. بسیاری از رجال سیاسی ایران (نظیر محمد نخشب) در این حزب فعالیت داشته و

۱. مهربان جریده شفق را اولین ارگان حزب ایران ذکر می‌کند. بنگرید به: مهربان، همان، ص

۱۵.

۲. جریده جبهه‌آزادی، ش ۱۱۷، س ۲، ۱۲/۲۱/۱۳۳۰، ص ۳.

یا نظیر مهندس مهدی بازرگان با آن در ارتباط بوده‌اند. این حزب نقش بزرگی در بسیاری از رویدادها و تحولات دهه ۳۲-۱۳۲۳ ایران داشت که بررسی هر یک از آنها (نظیر ملی شدن صنعت نفت و واقعه ۹ اسفند ۱۳۳۱) خود به تنهایی به یک مبحث جداگانه نیازمند است. به هر روی تجربیات بدست آمده از فعالیت این حزب هنوز هم می‌تواند مبنای مناسبی برای گسترش تفکر حزب‌گرایی در ایران باشد. تفکری که برای تداوم و تعمیق توسعه سیاسی کشور از جمله ضروریات تلقی می‌شود. حزب ایران علیرغم تمامی انتقادات وارده به آن، حق بزرگی به روند توسعه سیاسی در ایران دارد. اکثریت قریب به اتفاق اعضای آن و تقریباً تمامی سران آن از جمله خوشنام‌ترین رجال سیاسی ایران بودند. آنان با فعالیت خود میراثی برای آیندگان باقی گذاردند که این میراث آمیزه‌ای از وطن‌پرستی، پاکی، درستکاری و صداقت در افکار و اعمال است.

منابع قابل رجوع در گردآوری اسناد فعالیت حزب ایران در فاصله سالهای ۳۲-۱۳۲۳ به چند قسمت تقسیم می‌شود. یکی از منابع قابل توجه در این زمینه، خاطرات به جای مانده از رجال سیاسی آن دوره است. در این خاطرات اشاراتی جزئی به فعالیت حزب ایران شده است. در این میان خاطرات اللهیاری صالح و مهندس احمد زیرک‌زاده به دلیل حضورشان در تمامی حوادث مورد اشاره در این کتاب، می‌توانست منبع معتبری در این رابطه باشد. در خاطرات اللهیاری صالح کمترین اشاره به حزب ایران شده است. شاید در شرایط زمانی نگارش این خاطرات (دهه ۱۳۴۰) نویسنده آن تمایلی به بیان رویدادهای سال‌های بحرانی مورد بحث و خصوصاً نقش حزب ایران در غائله آذربایجان نداشت. ولی چنین نقیصه‌ای را تا حد کمتری در خاطرات به جای مانده از مهندس احمد زیرک‌زاده می‌توان سراغ گرفت. آن مرحوم در خاطرات خود اشارات زیادی به فعالیت حزب ایران در آن سالها دارد. بدین لحاظ این خاطرات

یکی از منابع مورد رجوع و قابل استفاده در خصوص حزب ایران است. البته باید با احتیاط با آن برخورد شود. زیرا علیرغم این که مهندس زیرک‌زاده خود یکی از بنیانگذاران و رهبران حزب ایران تا سال ۱۳۳۲ بود، ولی فاصله زمانی رویدادهای آن عصر تا زمان نگارش خاطرات در دهه ۱۳۶۰ سبب فراموشی بسیاری از آن‌ها توسط نویسنده شده است.^۱ در رابطه با اسناد، تلاش‌هایی که برای دسترسی به اسناد خصوصی حزب ایران که احتمالاً نزد بازماندگان سران و اعضاء این حزب وجود دارد، هیچ گونه نتیجه‌ای را به همراه نداشت. اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران در رابطه با حزب ایران نیز قبلاً در مجموعه دو جلد «اسناد احزاب سیاسی ایران» منتشر شده است. مراجعه به دیگر مراکز اسناد دولتی و نیمه دولتی نیز جهت دستیابی به گزارشات پیرامون فعالیت حزب ایران بی نتیجه ماند.

یکی دیگر از منابعی که در این زمینه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد صورت مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی در ادوار ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ مجلس شورای ملی و دوره اول مجلس سنا است.

جراید و مطبوعات منتشر شده در فاصله زمانی مورد بحث این کتاب منبع دیگری هستند که برای جمع‌آوری اسناد فعالیت حزب ایران می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. رونق فعالیت مطبوعاتی در سالهای ۳۲-۱۳۲۰ و وجود فضای آزاد سیاسی در آن دوره، از جمله عوامل اهمیت یافتن نشریات منتشر شده در آن دوره به عنوان یک منبع معتبر برای کلیه

۱. به عنوان نمونه می‌توان به روایت احمد زیرک‌زاده از الحاق حزب میهن به حزب ایران در فروردین ۱۳۲۵ اشاره کرد. بنا به این روایت «چند ماهی از عمر حزب [ایران] نگذشته بود که حزب ملی دیگری به اسم میهن‌پرست که قبل از حزب ایران تحت رهبری دکتر کریم سنجابی و چند دکتر حقوق دیگر تأسیس شده بود به حزب ما پیوست. حزب میهن‌پرستان برخلاف ما شعباتی در شهرستان‌ها داشت. مخصوصاً شعبه گیلان و خراسان آن دایر بود و با این الحاق حزب ایران اولین شعبات شهرستانی خود را به دست آورد.» پرسش‌های بی‌پاسخ در سالهای استثنایی، ص ۹۱.

تحقیقات تاریخی و از جمله تحقیق پیرامون حزب ایران است. علاوه بر آن حزب ایران در طول مدت فعالیت علنی خود تا سال ۱۳۳۲ همواره یک یا چند روزنامه را به عنوان ارگان خود منتشر می‌کرد. اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و گزارشات حزبی در این جراید چاپ می‌شدند. بدین جهت محور اصلی کار در راستای استخراج اعلامیه‌ها و بیانیه‌های اساسی حزب ایران از جراید مذکور آن و در مرحله بعد، مطبوعات دیگر قرار گرفت. نتایج بدست آمده از این روش نه در یک حدایده آل، بلکه با توجه به ضیق منابع دیگر بسیار موفقیت‌آمیز بود.

در ارتباط با جراید حزب ایران مشکل اصلی عدم وجود بخشی از آن‌ها خصوصاً در فاصله سالهای ۲۴-۱۳۲۳ و ۳۰-۱۳۲۶ بود. البته پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اساساً هیچ‌گونه جریده‌ای از سوی حزب ایران منتشر نمی‌شد. بدین لحاظ پاره‌ای از گزارشاتی که به نقل از دیگر جراید در این مجموعه ذکر شده است، قابل تردید بوده و اعتبار علمی نظیر آنچه که از جراید وابسته به حزب در فاصله سالهای ۳۲-۱۳۲۳ استخراج شده است، را ندادند. حکایت دسترسی به جراید منتشر شده از سوی حزب ایران در فاصله زمانی مورد بحث این کتاب، چیزی جز بیان مشکلات و معضلاتی نیست که در مراجعه به مراکز و آرشیوهای دولتی و دانشگاهی برای هر محققى پدید می‌آید.

البته جای دارد تشکر خود را از مدیریت و کارکنان بخش نشریات قدیمی کتابخانه ملی ایران (ساختمان سی‌تیر) که امکان دستیابی به نشریات حزب ایران در آن بخش را فراهم کردند، ابراز دارم.

امید است انتشار این مجموعه راه را برای انتشار اسناد و اعلامیه‌های دیگری از حزب ایران که در دسترس اینجانب نبود، فراهم سازد و از این طریق گام دیگری در راه شناخت هر چه بیشتر حزب ایران برداشته شود.

مسعود کوهستانی نژاد

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱	اعلامیه برگزاری سخنرانی در حزب ایران توسط علی‌اکبر اخوی راجع به اقتصاد بعد از جنگ و ایران	۲ / تیر / ۱۳۲۳
۲	اعلامیه حزب ایران راجع به نفت (کافتارادزه)	۱۴ / آبان / ۱۳۲۳
۳	بیانیه حزب ایران پیرامون مهمترین مسائل سیاسی روز	۲۰ / خرداد / ۱۳۲۴
۴	بیانیه دکتر شمس‌الدین جزایری پیرامون واگذاری مسئولیت روزنامه شفق به حزب ایران، و عدم مسئولیت وی در این خصوص	۲۵ / مرداد / ۱۳۲۴
۵	نظرات حزب ایران پیرامون «فرقه دموکرات»	۱۰ / مهر / ۱۳۲۴
۶	نظرات حزب ایران پیرامون «ائتلاف احزاب آزادی‌خواه و ملی و تشکیل دولت جدید»	۲۵ / مهر / ۱۳۲۴
۷	نظرات حزب ایران در مورد «غائله آذربایجان»	۶ / آذر / ۱۳۲۴
۸	مقاله «یک سال مبارزه» به قلم احمد زیرک‌زاده	۷ / آذر / ۱۳۲۴
۹	مرام‌نامه حزب ایران	۷ / آذر / ۱۳۲۴
۱۰	قطعنامه حزب ایران در مورد مسائل جاری سیاسی	۱۳ / دی / ۱۳۲۳
۱۱	نمایه‌ای از اولین شماره جریده نبرد امروز ارگان موقتی اتحادیه دانشجویان ایران - دانشکده حقوق	اسفند ۱۳۲۴
۱۲	نمونه‌ای از بخشنامه‌های داخلی حزبی	۱۵ فروردین ۱۳۲۵
۱۳	بیانیه اتحاد احزاب ایران و میهن	۱۶ فروردین ۱۳۲۵
۱۴	شرایط عضویت در حزب ایران	۲۲ فروردین ۱۳۲۵
۱۵	«حزب ایران و طبقات اجتماعی» نوشته ابوالقاسم زیرک‌زاده	۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۵
۱۶	گزارش فعالیت کمیسیون کشاورزی حزب ایران	۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۵
۱۷	«سخنرانی در کانون تکنیسین‌های راه‌آهن» حزب ایران	۱۹ اردیبهشت ۱۳۲۵

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱۸	رتوس نظرات حزب ایران درخصوص امتیازاتی که باید به آذربایجان داده شود.	۱۳۲۵ ۱۷ اردیبهشت
۱۹	گزارشی از فعالیت کمیسیون راه آهن وابسته به حزب ایران	۱۳۲۵ ۱۸ اردیبهشت
۲۰	«مبانی اقتصادی مرام حزب ایران» نوشته علی میرفندرسکی	۱۳۲۵ ۲۲ اردیبهشت
۲۱	اعلامیه مشترک حزب ایران - حزب توده - شوروی متحده اتحادیه های کارگران - کانون مهندسین - سندیکای مهندسین و کارکنان فنی در خصوص روند اصلاحات صنعتی	۱۳۲۵ ۲۷ اردیبهشت
۲۲	گزارشی از انجمن جوانان وابسته به حزب ایران	۱۳۲۵ ۵ خرداد
۲۳	نمونه هایی از دستورات و بخشنامه های درون حزبی	۱۳۲۵ ۵ خرداد
۲۴	سرود حزب ایران	۱۳۲۵ ۶ خرداد
۲۵	گزارشی از کانون تکنیسینهای راه آهن وابسته به حزب ایران	۱۳۲۵ ۷ خرداد
۲۶	نامه حزب ایران به نخست وزیر در مورد برکناری مهندس معتمد از اداره کل برق	۱۳۲۵ ۱۶ خرداد
۲۷	آگهی تشکیل قرائت خانه در درگز توسط حزب ایران	۱۳۲۵ ۱۷ خرداد
۲۸	اعلامیه تشکیل جبهه حمایت از صنایع داخلی توسط حزب توده، حزب ایران، کانون مهندسین، سندیکای مهندس و کارکنان فنی و شوروی متحد مرکزی کارگران	۱۳۲۵ ۲۷ خرداد
۲۹	آگهی تشکیل فراکسیون لیسانسیه های حقوق	۱۳۲۵ ۲۷ خرداد
۳۰	مقاله «افراد هم مسلک تا دم مرگ با هم متحدند.» از محمد نخشب	۱۳۲۵ ۳۰ خرداد
۳۱	انتخابات کمیته مرکزی حزب ایران	۱۳۲۵ ۳۱ خرداد

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۳۲	اعلامیه جبهه موتلف احزاب آزادی خواه (حزب ایران - حزب توده)	۹ تیر ۱۳۲۵
۳۳	اعلامیه اخراج عده‌ای از اعضاء از حزب	۱۲ تیر ۱۳۲۵
۳۴	انتصاب مهندس حق‌شناس به عضویت هیأت سیاسی حزب	۳۰ تیر ۱۳۲۵
۳۵	مقاله «یک حزب سیاسی نمی‌تواند منحرف شود»	۹ و ۱۰ مرداد ۱۳۲۵
۳۶	ساختار تشکیلات بانک صنعتی و معدنی ایران و اسامی اعضاء آن	۳۶ مرداد ۱۳۲۵
۳۷	انتخابات شورای مرکزی جامعه مهندسين فارغ‌التحصیل دانشکده فنی	۱۳ مرداد ۱۳۲۵
۳۸	متن سخنرانی اللهیار صالح در مجلس جشن که به افتخار نمایندگان آذربایجان در حزب توده بر پا شد.	۷ شهریور ۱۳۲۵
۳۹	مقاله «تطبیق نهضت آذربایجان با وقایع جنوب»	۹ و ۹ مهر ۱۳۲۵
۴۰	مقاله «قضایای فارس عکس‌العمل نهضت آذربایجان نیست»	۹ مهر ۱۳۲۵
۴۱	گزارشی از فعالیت شعبه درگز حزب ایران	۱۵ مهر ۱۳۲۵
۴۲	اعلامیه الحاق فرقه دموکرات کردستان، فرقه دموکرات آذربایجان، حزب سوسیالیست و حزب جنگل به جبهه موتلف احزاب آزادی خواه	۸ آبان ۱۳۲۵
۴۳	اعلامیه کمیته مرکزی درخصوص اخراج موسی مرزبان از حزب	۶ آذر ۱۳۲۵
۴۴	بیانیه کمیته مرکزی درخصوص وضعیت سیاسی جامعه و حکومت	۸ آذر ۱۳۲۵
۴۵	مقاله «تغییرات و تحولات سریع اجتماعی ایران به تاخیر افتاد»	۲۲ آذر ۱۳۲۵

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۴۶	مقاله «یکبار دیگر ثابت شد که ایران تجزیه نمی‌شود»	۲۲ آذر ۱۳۲۵
۴۷ - ۴۸	سلسله مقالات: «حزب ایران را بشناسید.»	۲۵ آذر تا
۴۹ - ۵۰	-	۱ دی ۱۳۲۵
۵۱		
۵۲	مقاله «حزب ایران در انتخابات شرکت می‌کند.»	۵ دی ۱۳۲۵
۵۳	بیانیه کمیته مرکزی در مورد انتخابات دوره پانزده مجلس	۱۱ دی ۱۳۲۵
۵۴	فهرست اسامی کاندیداهای حزب در تهران	۱۷ دی ۱۳۲۵
۵۵	نامه حزب به نخست‌وزیر در خصوص عدم امنیت جانی اعضاء شعبه کنگاور حزب ایران	۱۷ دی ۱۳۲۵
۵۶	نامه دبیر کمیته مرکزی حزب ایران به رئیس انجمن نظارت مرکزی انتخابات در خصوص شکایت و اعتراض نسبت به روند انتخاب	۲۶ دی ۱۳۲۵
۵۷	آگهی تشویق مردم به شرکت در انتخابات	۲۷ دی ۱۳۲۵
۵۸	تکذیب الحاق حزب ایران مازندران به حزب وحدت ایران	۲۹ دی ۱۳۲۵
۵۹	گزارشی از برگزاری مراسم در شعبه رشت حزب ایران	۱۹ اسفند ۱۳۲۵
۶۰	آگهی کانون سازمان حزب	۲۶ اسفند ۱۳۲۵
۶۱	انتخابات کمیته مرکزی و شورای عالی حزب ایران	۲۸ اسفند ۱۳۲۵
۶۲	مقاله «عبرت اول حزب ما، رجوع به کیفیت»	۱۷ فروردین ۱۳۲۶
۶۳	گزارشی از شعبه اصفهان حزب، نوشته ابوالقاسم زیرک‌زاده	۱۹ فروردین ۱۳۲۶
۶۴	اساسنامه سازمان جوانان حزب	اردیبهشت ۱۳۲۶

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۶۵	بیانیه شعبه شاهرود حزب در خصوص اوضاع سیاسی ایران	۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۶
۶۶	تقدیرنامه کمیته مرکزی حزب از ابوالفضل قاسمی به دلیل فعالیت‌های وی در شعبه درگز حزب	۲۵ خرداد ۱۳۲۶
۶۷	نمونه‌هایی از آگهی‌های درون حزب	۱۴ تیر ۱۳۲۶
۶۸	نظرات حزب ایران در مورد زردشتیان	۱۵ تیر ۱۳۲۶
۶۹	گزارشی از یک مراسم در شعبه رشت حزب	۱۶ تیر ۱۳۲۶
۷۰	متن سخنرانی‌های: اللهیار صالح «تحلیل اوضاع بین‌المللی» و احمد زیرک‌زاده «جریان‌ات سیاسی روز»	۲۳ تیر ۱۳۲۶
۷۱	سرمقاله تحت عنوان «امروز مجلس پانزدهم افتتاح می‌شود.»	۲۵ تیر ۱۳۲۶
۷۲	مقاله‌ای تحت عنوان «پرچم مبارزه ما همواره برافراشته است.»	۱۱ بهمن ۱۳۲۶
۷۳	مقاله «تحولات سیاسی داخلی ایران» به قلم احمد زیرک‌زاده	۱۲ بهمن ۱۳۲۶
۷۴	مقاله: «به مناسبت جشن استقلال دانشگاه»	۱۶ بهمن ۱۳۲۶
۷۵	مقاله: «چیزی که به فکر آن نیستیم» نوشته مهندس بازرگان	۱۷ فروردین ۱۳۲۷
۷۶	اولین کنگره حزب ایران، خلاصه مذاکرات و تصمیمات	۲۵ فروردین تا ۴ اردیبهشت ۱۳۲۷
۷۷	اساسنامه حزب ایران	فروردین ۱۳۲۷
۷۸	مقاله: «اللهیار صالح به اشتباه خود اعتراف می‌کند.» نوشته فرهنگ ریمن	خرداد ۱۳۲۷
۷۹	نتیجه انتخابات اولین کنگره حزب	۶ خرداد ۱۳۲۷
۸۰	آئین‌نامه انتخابات کمیته شهرستان حزب	۲۶ خرداد ۱۳۲۷

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۸۱	گزارشی از فعالیت اعضاء دانشجوئی حزب ایران پیرامون ملی شدن صنعت نفت	پائیز ۱۳۲۷
۸۲	اعلامیه برگزاری سخنرانی احمد زیرک‌زاده تحت عنوان «تفسیر اوضاع سیاسی ایران و جهان».	۲۳ مرداد ۱۳۲۸
۸۳	نمونه‌ای از لیست‌های انتخاباتی دوره شانزدهم مجلس	۲۶ مرداد ۱۳۲۸
۸۴	اسامی کاندیداهای حزب ایران برای انتخابات مجلس سنا	۶ شهریور ۱۳۲۸
۸۵	گزارشی از سخنرانی حسین مکی در حزب ایران تحت عنوان «وظایفی که مجلس شانزدهم به عهده دارد.»	۷ شهریور ۱۳۲۸
۸۶	نامه حزب در مورد بانک صنعتی	۸ شهریور ۱۳۲۸
۸۷	بیانیه کمیته مرکزی در خصوص معرفی کاندیداهای حزب در انتخابات شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی	۱۲ مهر ۱۳۲۸
۸۸	نامه کمیته مرکزی حزب ایران به دکتر مصدق در خصوص انتخابات رشت اسامی اعضاء اولیه جبهه ملی	۲۷ مهر ۱۳۲۸
۸۹	اسامی اعضاء اولیه جبهه ملی	۲ آبان ۱۳۲۸
۹۰	نامه کمیته مرکزی به استاندار تهران در خصوص لزوم دعوت از نمایندگان حزب ایران جهت عضویت در انجمن نظار انتخابات.	۲۵ دی ۱۳۲۸
۹۱	تلگراف اساتید دانشگاه برای آزادی دکتر بقائی	۱۳ بهمن ۱۳۲۸
۹۲	گزارشی از تشکیل جلسات جبهه ملی	۲۸ فروردین ۱۳۲۹
۹۳	بخشی از سخنان اللهیار صالح در مجلس شورای ملی	۲۵ خرداد ۱۳۲۹

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۹۴	بخشی از سخنان الهیار صالح در مجلس شورای ملی	۵ مرداد ۱۳۲۹
۹۵	رسیدگی به درخواست تعیین صلاحیت تشکیل حزب ایران از شهربانی	۲۳ خرداد ۱۳۳۰
۹۶	گزارشی از افتتاح چهارمین کنگره حزب	۹ آذر ۱۳۳۰
۹۷	گزارشی از پایان چهارمین کنگره حزب ایران و انتخابات داخلی حزب	۲۳ آذر ۱۳۳۰
۹۸	گزارشی از فعالیت شعبه رشت حزب	۱۵ دی ۱۳۳۰
۹۹	بیانیه سازمان جوانان حزب در شیراز خطاب به دکتر شایگان در خصوص پذیرش کاندیداتوری مردم شیراز در انتخابات مجلس هیجدهم	۲۶ دی ۱۳۳۰
۱۰۰	اساسنامه سازمان جوانان حزب	بهمن ۱۳۳۰
۱۰۱	گزارشی از بازگشت محمدنخشب از مشهد	۷ بهمن ۱۳۳۰
۱۰۲	قسمت دوم مقاله «ایدئولوژی حزبی یا تئوری مبارزه» از محمدنخشب	۱۷ بهمن ۱۳۳۰
۱۰۳	انشعاب و اختلاف در جمعیت طرفدار حزب ایران در کاشان	۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۱
۱۰۴	برنامه فراکسیون حزبی	۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۱
۱۰۵	اعلام موضع حزب ایران در قبال طبقات کارگر و دهقان	۳ خرداد ۱۳۳۱
۱۰۶	نمونه‌ای از اخبار تشکیلاتی سازمان جوانان	۱۹ خرداد ۱۳۳۱
۱۰۷	نمونه‌ای از اخبار تشکیلاتی کمیته شهرستان نهران	۱۹ خرداد ۱۳۳۱
۱۰۸	بیانیه جمعیت طرفداران حزب ایران در کاشان	۲۳ خرداد ۱۳۳۱
۱۰۹	گزارشی از وضعیت شعبه کرمانشاه حزب	۱۹ مهر ۱۳۳۱
۱۱۰	گزارشی از اختلافات حزب ایران و حزب اسلام در بیرجند	۲۸ آبان ۱۳۳۱

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱۱۱	اعلامیه تشکیل کلاس‌های آموزش در حزب	۸ آذر ۱۳۳۱
۱۱۲	انتخابات درون حزبی برای تشکیل کنگره	۱۵ آذر ۱۳۳۱
۱۱۳	اسامی تعدادی از نمایندگان شهرستانها (مشهد - کرمانشاه - گیلان) جهت حضور در کنگره حزب	۲۳ آذر ۱۳۳۱
۱۱۴	گزارشی از وضعیت هواداران حزب در کرد	۲۶ آذر ۱۳۳۱
۱۱۵	گزارشی از چگونگی بروز اختلاف در اعضاء حزب	۹ دی ۱۳۳۱
۱۱۶	مصاحبه با ابوالفضل قاسمی در خصوص اخراج پنج تن از اعضاء کنگره (راضی - نخشب - نوشین - مرجانی - سمعی) از حزب	۹ دی ۱۳۳۱
۱۱۷ و ۱۱۸	گزارشاتی در خصوص اخراج پنج نفر از اعضاء کنگره از حزب	۹ دی ۱۳۳۱
۱۱۹	نامه دکتر سنجابی رئیس کمیته مرکزی در خصوص وضعیت اخراجی‌ها به ضمیمه نامه آن‌ها در این رابطه	۱۱ دی ۱۳۳۱
۱۲۰	چکیده‌ای از مقاله «همه با هم برای استقرار سوسیالیسم بکوشیم»	۱۷ دی ۱۳۳۱
۱۲۱	اعلام افتتاح پنجمین کنگره حزب	۱۷ دی ۱۳۳۱
۱۲۲	گزارشی از برگزاری پنجمین کنگره حزب	۲۰ دی ۱۳۳۱
۱۲۳	نظر کنگره حزب ایران درباره لایحه اختیارات	۲۹ دی ۱۳۳۱
۱۲۴	قطعه‌نامه «کمیته ائتلافی احزاب، جمعیت‌ها و عناصر ملی» در خصوص وضعیت سیاسی جامعه	۳۰ دی ۱۳۳۱
۱۲۵	گزارشی از برگزاری پنجمین کنگره حزب	۱۸ بهمن ۱۳۳۱
۱۲۶	مقاله «خطر بنگاه کارگشائی ایران به مراتب بیش از خطر بیگانگان است.» در نقد فعالیت حزب	۱۹ بهمن ۱۳۳۱
۱۲۷	اعلامیه افراد مستعفی از حزب ایران (نخشب - نوشین - راضی - مرجانی - سمعی)	۲۷ بهمن ۱۳۳۱

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱۲۸	بیانیه جمعیت «آزادی مردم ایران»	۲۷ بهمن ۱۳۳۱
۱۲۹	پیام هیأت تحریریه و کارکنان روزنامه جوانان ایران ارگان سابق سازمان جوانان حزب	۲۷ بهمن ۱۳۳۱
۱۳۰	اعلامیه منضمین حزب ایران	۲۷ بهمن ۱۳۳۱
۱۳۱	اسامی اعضاء کمیته مرکزی	۱۲۳ اسفند ۱۳۳۱
۱۳۲	اعلامیه کمیته مرکزی در مورد موضوعات روز	۲۶ فروردین ۱۳۳۲
۱۳۳	قطعه نامه متینگ ۲۷ فروردین ۱۳۳۲	۲۷ فروردین ۱۳۳۲
۱۳۴	اعلامیه کمیته مرکزی خطاب به افسران، درجه داران و سربازان ارتش	۲۷ فروردین ۱۳۳۲
۱۳۵	اشعار حزبی	۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۲
۱۳۶	اعلامیه جشن پیروزی دادگاه توکیو در کمیته نهضت ملی	۲۶ خرداد ۱۳۳۱
۱۳۷	مقاله «سفیر کبیر ایران در واشنگتن واسطه نزدیکی سفارت آمریکا و حزب ایران شده است.»	۷ تیر ۱۳۳۲
۱۳۸	اعلامیه کمیته کارگری حزب در رابطه با نمایندگان مجلس	۱۲ تیر ۱۳۳۲
۱۳۹ و ۱۴۰	نمونه‌ای از برخی آگهی‌های درون حزبی	۱۲ تیر و ۲ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۱	مقاله‌ای در خصوص آیت‌اله کاشانی	۱۲ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۲	گزارشی در خصوص برگزاری فرماندم انحلال مجلس شورای ملی	۱۲ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۳	اعلامیه کمیته مرکزی حزب در خصوص فرماندم	۱۲ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۴	نمونه‌ای از آگهی‌های درون حزبی	۲۳ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۵	گزارشی از حمله به شعبه حزب در بیرجند	۲۹ مرداد ۱۳۳۲

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱۴۶	مقاله: «ملی شدن نفت امری ایرانی است با آمریکائی؟» ارسالی از دبیرخانه حزب ایران، نوشته مهندس حسینی	۱۵ خرداد ۱۳۳۳
۱۴۷	گزارشی از وضعیت اعضاء سابق حزب در بلوچستان و سیستان	۶ مهر ۱۳۳۳
۱۴۸	گزارشی از وضعیت اعضاء سابق حزب در بیرجند	۲۷ آبان ۱۳۳۳
۱۴۹	گزارشی از فعالیت گیتی بین و نخشب	۳ خرداد ۱۳۳۴
۱۵۰	گزارشی از نحوه توقیف گیتی بین	۶ تیر ۱۳۳۴
۱۵۱	اعلامیه حزب ایران در مورد بیانات رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا	۶ بهمن ۱۳۳۵
۱۵۲	متن اساسنامه حزب میهن	تیرماه ۱۳۲۳
۱۵۳	مرام نامه حزب میهن	تیرماه ۱۳۲۳
۱۵۴	بیانیه حزب میهن	۳۱ خرداد ۱۳۲۳
۱۵۵	نمونه‌ای از بخشنامه‌های درون حزبی، حزب میهن	۱۲ مرداد ۱۳۲۳
۱۵۶	نقدی بر عملکرد حزب میهن، نوشته خلیل ملکی	۱۷ مرداد ۱۳۲۳
۱۵۷	نقدی بر عملکرد حزب میهن	۱۹ مرداد ۱۳۲۳
۱۵۸	گزارشی از درگیری هواداران حزب میهن و حزب توده در سمنان	۴ شهریور ۱۳۲۳
۱۵۹ و ۱۶۰	نقدی بر عملکرد حزب میهن و اعضاء آن	۱۳ شهریور ۱۳۲۳
۱۶۱	پاسخ حزب میهن به منتقدان	۱۴ شهریور ۱۳۲۳
۱۶۲	نقدی بر عملکرد حزب میهن	۳ مهر ۱۳۲۳
۱۶۳	قطعنامه حزب میهن درخصوص حمله به دکتر مصدق در مجلس شورای ملی	۱۹ اسفند ۱۳۲۳
۱۶۴	پاسخ حزب میهن به منتقدان	۲۷ اسفند ۱۳۲۳
۱۶۵	گزارشی از جشن دومین سال تشکیل حزب میهن	۳۱ خرداد ۱۳۲۴

شماره سند	موضوع سند	تاریخ سند
۱۶۶	نامه حزب میهن در خصوص اعتراض به اشغال باشگاه حزب و محل روزنامه رستاخیز ارگان حزب از سوی ژاندارمری	۱۷ دی ۱۳۲۴
۱۶۷	گزارشاتی از ائتلاف برخی شعبات حزب میهن در شهرستانها با حزب توده و حزب احرار	۱۴ اسفند ۱۳۲۴
۱۶۸	تکذیب الحاق شعبه ایالتی حزب میهن در غرب به حزب توده	۱۹ اسفند ۱۳۲۴
۱۶۹	خبر انتشار نخستین شماره روزنامه نبرد ناشر افکار حزب پیکار	۱۹ خرداد ۱۳۲۲
۱۷۰	خبر انتشار روزنامه ایران ما به جای نبرد	۲۲ خرداد ۱۳۲۲
۱۷۱	نامه شعبه شاهرود حزب پیکار در مورد توزیع گندم در آن شهر	۲۹ آذر ۱۳۲۲
۱۷۲	برنامه سخنرانی هفتگی در حزب پیکار	۲۳ اسفند ۱۳۲۲
۱۷۳	نامه‌ای از انجوی شیرازی (عضو حزب پیکار) در مورد جمعیت فارس	۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۳
۱۷۴	آگهی چگونگی فروش نشریات وابسته به حزب پیکار	۲۲ خرداد ۱۳۲۳
۱۷۵	گزارش جشن به مناسبت آغاز دومین سال انتشار جریده ایران ما	۲۲ خرداد ۱۳۲۳
۱۷۶	گزارشی از مشخصات نشریات وابسته به حزب پیکار	۳۰ خرداد ۱۳۲۳
۱۷۷	بیانیه حزب پیکار در خصوص انحلال حزب مذکور	۳۰ خرداد ۱۳۲۳
۱۷۸	نقدی بر عملکرد اعضاء حزب پیکار (میهن)	۳ اردیبهشت ۱۳۲۴
۱۷۹	بیانیه حزب میهن پرستان در خصوص ائتلاف با گروههای دیگر به منظور تشکیل حزب میهن	۳۰ خرداد ۱۳۲۳
۱۸۰	بیانیه حزب استقلال در خصوص ائتلاف با گروههای دیگر به منظور تشکیل حزب میهن	۳۰ خرداد ۱۳۲۳

۱

سخنرانی در حزب ایوان^۱

روز یکشنبه ۴ تیر ساعت ۷ بعد از ظهر آقای دکتر علی اکبر اخوی راجع به اقتصاد بعد از جنگ و ایران، در محل حزب ایران واقع در خیابان سعدی کوچه بدایمی سخنرانی خواهند نمود.

۲

اعلامیه حزب ایوان راجع به نفت^۲

۱. حزب ایران معتقد است که در شرایط حاضر هیچگونه امتیازی به هیچ یک از دول یا شرکت‌های بیگانه برای منطقه معینی داده نشود و به طور کلی استخراج نفت ایران در نقاط استخراج نشده (و حتی در نقاط استخراج شده که برخلاف میل ملت ایران امتیاز آن واگذار گردیده، در اولین فرصت) بایستی به وسیله شرکتی انجام شود که لااقل پنجاه و یک درصد از سهام آن متعلق به دولت ایران و چهل و نه درصد بقیه بین دول بزرگ استخراج کننده نفت دنیا حتی الامکان به طور تساوی تقسیم شود.

۲. از آنجایی که حزب ایران خواهان حسن رابطه متفقین و طرفدار

۱. روزنامه ستاره، ش ۱۸۲۸، ۱۳۲۳/۴/۲، ص ۲

۲. روزنامه اطلاعات، ش ۵۶۰۷، ۱۳۲۳/۸/۱۴، ص ۴

توازن کامل سیاسی است، هر چند عمل دولت ساعد در موضوع نفت، از لحاظ نتیجه با نظر حزب منطبق است، معذک روشی را که کابینه ایشان در این موضوع اتخاذ نموده و منجر بر ایجاد سوءتفاهمی در سیاست خارجی شده است، شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است باید حکومت لایق و صالحی که قادر به حفظ روابط حسنه با متفقین و صیانت حقوق ملت ایران باشد، جانشین آن گردد.

کمیته مرکزی حزب ایران

۳

بیانیه حزب ایران^۱

اگر تاکنون فساد در پشت پرده عمل می‌کرد، امروز علناً حکومت را عهده‌دار شده است. اگر تاکنون سلب آزادی، چپاول و غارت، در خفا و در لفافه مصالح کشور انجام می‌گرفت، امروز آزادی‌کشان و غارتگران دولت رسمی ایران را تشکیل می‌دهند.

هموطنان عزیز

بر ضد شما، که در هر گوشه این مملکت از ظلم و ستم می‌نالیده، بر ضد شما که جان و مال خود را هر آن در خطر می‌بینید، بر ضد شما که در هر قدم مواجه با فساد و دستگاه دولتی هستید، بر ضد شما هموطنان عزیز، اکثریت مجلس نماینده ظلم و ستم را نخست‌وزیر و عصاره‌های فساد را وزیر کرده است.

در جواب فریادها، خطابه‌ها، منطوق‌های اصلاح‌طلب شما، اکثریت مجلس که بقایای نمایندگان سفارشی همان دوره رضاخانی است،

۱. روزنامه شفق، ش ۹۸، ۱۳۲۴/۳/۲۰، ص ۱

مسببین بدبختی مملکت را، بر سر کار می آورد و در مقابل مطالبه آزادی شما، کشتندگان آزادی را به صدارت ایران می گمارد.

صدراالاشراف نخست وزیر ایران است. صدراالاشراف آن کسی که مشروطه طلبان ایران را در باغ شاه به دار آویخت، سرنوشت مشروطه ایران را در دست گرفته است.

هموطنان عزیز

استقرار صدراالاشراف در راس مشروطه ایران نه تنها تهدیدی بر آزادی ما است، بلکه توهین به کشتگان آزادی ما است. کشتگان در راه مشروطیت، در تنگنای قبر خود بر ما نظاره می کنند و به ما می گویند: جوانان ایران! اگر نتوانستید انتقام ما را بکشید، اگر قادر نبودید کشته ما را مجازات کنید! انصاف نیست به حکومتش تن در دهید. صدراالاشراف که در تمام دوران دیکتاتوری دارای جاه و مقام بود، امروز نخست وزیر ایران شده! هموطنان عزیز، لابد از خود می پرسید مجلسی که همیشه به وزرای دوره رضاخان «ظاهراً» خوشبین بوده، چه شد که بدترین آن ها را در یک کابینه جمع نموده! مگر صدراالاشراف همان کسی نیست که املاک مردم را با فشار با حبس و تبعید ملاکین آن ها غصب نموده و به رضاخان داد.

مگر پاکروان آن کسی نیست که ایرانیان پیاده را در مدخل مقدس ترین اماکن ایران به مسلسل بست! مگر بدر وزیر دوران پهلوی، بدنام کننده دانشمندان ایران، دشمن علم و هنر به شمار نمی رود. مگر بدر به جرم حیف و میل کردن اموال دولتی پرونده ندارد. چه شد که این اشخاص معروف به آدم کشی و فساد را مأمور اداره ایران می نمایند.

هموطنان عزیز! اگر اکثریت، دیگر به حفظ ظاهر هم اهمیت نمی دهند، برای این است که همین دموکراسی ناقص را برای نیات شوم خود خطرناک می بینند. اگر اکثریت برخلاف افکار عمومی چنین اشخاصی را وزارت می بخشند، برای این است که حتی نغمه های

آزادی خواهی شما را هم نمی خواهند بشنوند. طبقه حاکمه می خواهد غارت کند، چپاول نماید، بدون اینکه حتی ناله از مردم غارت شده بلند شود.

هموطنان عزیز

هر وقت طبقه حاکمه علی رغم افکار عمومی عمل می کند، برای این است که مضطرب و بیمناک شده است. طبقه حاکمه مضطرب چون مار زخمی است. اگر کله اش را نکویید از زهرش مصون نخواهید بود. دولت صدرا لاشراف دندان مار زخم دیده است. دولت صدرا لاشراف حمله آنی به دموکراسی و آزادی است.

هموطنان عزیز

آزادی خواهان، از هر جمعیت و دسته که هستید اگر در برابر این حمله ساکت بنشینید نه تنها افکار و عقاید بلکه مملکت خود را در خطر انداخته اید.

ایرانیان عزیز

احزاب آزادی خواه و شما گروه انبوه ستمدیدگان ایرانی که جزء هیچ دسته و حزبی نیستید، در مقابل این تهدید آرام ننشینید. توهینی که به مشروطه ایران شده است را قبول نکنید. شما وکلای صالح مجلس که نماینده حقیقی ملت ایران می باشید، یقیناً چنین دولت ننگینی را برای ملت ایران قبول و نخواهید کرد. اقلیت شجاع و دلیر مجلس، شما زبان امید ما در مجلس هستید. نیروی آزادی خواه ایران با تمام قوا پشتیبان شماست و یقین بدانید تا آخرین لحظه با شما در مقابل ارتجاع ایستادگی خواهد نمود.

کمیته مرکزی حزب ایران

۴

تذکره^۱

چون اینجانب روزنامه شفق را به اختیار حزب ایران که افتخار عضویت آن را دارم، گذارده و تحت نظر و مسئولیت هیات تحریریه آن منتشر می‌گردد، اینجانب هیچ‌گونه مسئولیتی از نظر مندرجات و امور مالی و اداری آن ندارم و در آتیه مقالاتی که به قلم اینجانب در روزنامه شفق منتشر گردد، با امضاء خواهد بود.

دکتر شمس‌الدین جزایری

۵

[مقاله] در اطراف فرقه دموکرات^۲

حوادث اخیر آذربایجان از دو جهت برای آزادی‌خواهان ضربه مهلکی محسوب می‌شود. نخست از لحاظ سیاست داخلی، زیرا در این ایام که مواضع سیاسی احزاب کاملاً مشخص شده است و هر بی‌غرضی می‌تواند بر حسب تمایل و یا توافق عقاید سیاسی وارد یکی از احزاب سیاسی موجود شود، تشکیل حزب جدید جز تشتت بیشتر، ثمری ندارد. در ممالک غربی که تعداد نفوس و وسعت اطلاعات افراد و زندگی سیاسی آن‌ها با ممالک شرق قابل مقایسه نیست، ممکن است کثرت احزاب نشانه قدرت فکری و توانائی معنوی محسوب شود، ولی در کشور ما که به سبب کمی جمعیت و کمیابی افراد مطلع، همت تمام افراد وطن‌پرست ایران باید صرف جمع‌آوری قوای متشتت شود، توسعه

۱. همان، ش ۱۵۱، ۱۳۲۴/۵/۲۵، ص ۱

۲. همان، ش ۱۸۴، ۱۳۲۴/۷/۱۰، ص ۱

پراکندگی عقاید اگر خیانت محسوب نشود، قطعاً حماقت است. از این جهت ایجاد فرقه دموکرات برای احزاب سیاسی ایران لطمه بزرگی است. دوم از لحاظ سیاست خارجی، از این جهت نتایج ظهور فرقه دموکرات به مراتب خطرناکتر از جهات سیاست داخلی آن است. چه این فرقه با وصف دموکرات، نام همه آزادی خواهان ایران را ننگین ساخته است. اگر معنی دموکراسی، نفاق ایرانیان و تهیه مقدمات تجزیه ایران باشد، کدام شرافتمندی حاضر است خود را دموکرات معرفی کند. ممکن است گفته شود که اهل اطلاع می دانند که وصف دموکرات این فرقه خدعه و فریبی بیش نیست و همه کس می دانند که تمام دموکرات های واقعی ایران از این غاصبین عنوان دموکرات منزجر و متنفرند. اما غافل نباشیم، برای کسانی که بخواهند نهضت دموکراسی ایران را بدنام کنند، بهتر از این بهانه ای به دست نخواهد آمد. خصوصاً که اگر کلمه دموکرات در این مورد وصف خاصی است، در انتظار خارجیان اسم عامی تلقی خواهد شد و تمام آلودگی های موسسین فرقه دموکرات دامن گیر همه آزادی خواهان ایران خواهد گردید. در عالم سیاست خارجی همه آزادی خواهان ایران آشوب طلب و منافق و بی وطن شناخته خواهند شد و در محیط سیاست داخلی، مردم ایران از ترس این گونه «آزادی خواهان»، در دام کهنه پرستان و جاسوسان سمت دیگر خواهند افتاد. فرقه دموکرات مانند کرم نهال آزادی ایران را از داخل فاسد می کند. بر دموکرات های حقیقی ایران است که هر چه زودتر با صدور اعلامیه مشترکی نام حقیقی این فرقه را به جهانیان گوشزد کنند.

ما به کرات متذکر شدیم که نظر به وضع جغرافیایی ایران هیچ نهضت سیاسی نمی تواند در سایه حمایت یکی از همسایگان ما رشد کند. چه دولت بریتانیای کبیر و [چه] دولت اتحاد جماهیری شوروی، [این دو] خواه ناخواه منافع متباینی دارند و هر نهضتی که خود را تابع یا طرفدار

یکی از آن‌ها معرفی کرد به ناچار دشمن دیگری معرفی خواهد شد. این حقیقت امروز در تمام نقاط اروپا و آسیا حکمفرما است. اگر دولت انگلیس از تحول سیاسی ممالک بالکان ابرو گره می‌زند و دولت شوروی از حکومت یونان مشت گره می‌کند، بدیهی است که وجود احزابی از قبیل تشکیلات آقای سیدضیاءالدین طباطبائی یا فرقه دموکرات آذربایجان با حیات سیاسی و استقلال واقعی ایران که همسایه روس و انگلیس است، منافات دارد. امروز اگر ایرانیان علاقمند به ایران در مقابل فرقه دموکرات آذربایجان ساکت نشستند، فردا جمعیت احرار خوزستان یا گروه آریائی کردستان ظهور خواهد کرد و همه به لحاظ تعلق مفرط به آزادی (!) طرفدار یا مبلغ زبان تازی یا لهجه کردی خواهند شد. آن وقت آزادی خواهان نایبای زبان بسته ایران، انگشت ندامت خواهند گزید و دل‌ها به ریش آن‌ها خواهد خندید.

حزب ایران علاج این همه هرج و مرج و پراکندگی را تنها در تقویت جبهه میهن پرستان آزادی خواه واقعی ایران می‌داند. ما در حدود توانائی خود گفته و نوشته ایم که اوضاع امروز دنیا برای ایجاد یک ایران آزاد و مستقل، مساعدترین موقع را در دسترس ما گذشته است. تنها راه رسیدن به این «شاه مراد» ملی، مبارزه دلیرانه با دسته‌ها و تشکیلاتی است که به عنوان اتکاء به بیگانگان، اوضاع سیاسی ایران را مختل و استقلال ما را پایمال می‌کنند. این گونه خائنین بنده هرکسی باشند و به حمایت هرکسی افتخار کنند، باید از محیط سیاسی ایران محو و نابود شوند. زندگی، آزادی و شرافت ایران با وجود مدیحه سرایان و خدمتگذاران بیگانگان ممتنع است. اگر خواهان زندگی آزاد و شرافتمند هستید در مقابل کسانی که خود را متناسب به روس یا انگلیس می‌دانند، ساکت ننشینید.

هیات تحریریه

[مقاله] ائتلاف احزاب آزادی خواه و ملی و تشکیل دولت جدید^۱

این روزها گفتگو در اطراف فترت است. امکان بروز حکومت مطلقه، مردم و اکثر وکلای مجلس اعم از اکثریت یا اقلیت را نگران ساخته است. کم کم مردم به فکر آزادی فردی خو گرفته اند و اگر حکومت نظامی و دولت بگذارد به تدریج مفهوم آزادی مصداقی خواهد یافت که مایه دل بستگی همگی خواهد شد. برای حفظ همین آزادی ناقص پیش بینی هائی می کنند که هر یک به شرحی که دیروز در سرمقاله شفق گفته شد، نقیصه دارد. راه حلی که از همه بهتر است مبادرت به انتخابات تهران و حومه است، با شرایط و مقرراتی که چندی قبل آقای دکتر مصدق پیشنهاد کرده بودند.

ولی اگر درست تامل شود تمام این درمان ها از علاج یک درد پنهانی اجتماع ما عاجز است و آن بی علائگی مردم به امور سیاسی است. اگر این درد را دوائی نیابند آزادی ما همیشه در خطر خواهد ماند. آنچه نگهدار و ضامن آزادی مردم است، قدرت مقاومت مردم در مقابل تجاوز متجاوز است، بلکه باید گفت تاریخ سیاسی ملل این دعوی را تصدیق نموده که نیروی مقاومت مردم علت «حدوث» آزادی فردی است. همه می دانند که ملل زنده جهان آزادی را به نیروی خود به دست آورده اند. هیچ هیات حاکمه ای به مردم آزادی نبخشیده است زیرا هیچ موجودی به دست خود از وسعت دایره نفوذ و فرمانروایی خویش نخواهد کاست.

پس تا زمانی که در محیط سیاسی ایران مراکز مقاومتی ضد تجاوز و تعدی وجود نداشته باشد، هیچ یک از طرح هایی که برای جلوگیری از

مفاسد احتمالی فترت پیش‌بینی شده است، مؤثر نخواهد بود. به همین جهت در سرمقاله دیروز^۱ شرط اصلی تأثیر عمل هیات نظارت دوره فترت را وجود قدرت ملی پشتیبان آن شناخته بودیم. اگر هنوز اقدامات آزادی‌کش دولت به درجه کمال نرسیده است، اگر هنوز تظاهر آزادی در ایران محفوظ است، فقط به جهت ملاحظات بین‌المللی است. دولت ما هم این قدرها فهمیده است که اوضاع فعلی دنیا با استقرار حکومت مطلقه فردی مناسبت ندارد. والا با وضعی که دستگاه اجرایی دولت ما و با عقایدی که به سبب نادانی در نزد اکثر مستخدمین دولتی ما رسوخ کرده است و خصوصاً با عدم توجه و علاقه مردم به اصول آزادی، تعطیل مشروطیت و بستن مجلس کار چند ساعت است.

بدیهی است که اگر بهترین راه جلوگیری از مفاسد احتمالی دوره فترت یعنی شروع انتخاب نیز انتخاب شود، باز علت نگرانی مرتفع نخواهد شد و آزادی افراد ایرانی منوط به توجه محافل سیاسی جهان به رژیم داخلی ملل خواهد ماند. اگر خدای ناخواسته این عامل قبل از پیدایش و رسیدگی نیروهای درونی آزادی‌خواه ایران نایب شود، استقرار رژیم استبدادی ایران قطعی است. در کشور ما هنوز بین «دولت» و «ملت» معارضه و تقابل است. آزادی حکمفرما است. مأمورین دولت اعم از پاسبان و ژاندارم و سرباز چیزی جز اجرای امر نمی‌دانند، اوامر مافوق هر چه باشد، اگرچه برخلاف قانون اساسی و بر ضد اصول مشروطیت صادر شود، قابل اجراست. حتی بسیاری از مستخدمین عالی‌رتبه وزارت‌خانه‌های کشوری ما معتقدند که تا دموکراسی باقی است کاری از پیش نخواهد رفت. اکثر آن‌ها موقعی که به اعتراض به‌جا یا بی‌جایی برمی‌خورند، با کمال تأسف می‌گویند «چه باید کرد، دموکراسی است». خلاصه کلمه دموکراسی در محیط اجرائی دولت مترادف با خودسری و

۱. این شماره ملاحظه نشد.

هرج و مرج و ضعف دولت است. چه بسیارند وزراء و رجالی که آرزومند بازگشت دوره حکومت مطلقه رضاشاهی هستند. از طرفی فقدان تربیت و زیاده‌روی‌ها و قانون‌شکنی‌های مردم در بعضی موارد، خود مویذ این‌گونه تعبیرات مضر و مغرضانه است.

پس، از لحاظ حفظ مشروطیت باید نسبت به آینده نزدیک ایران پیش از پیش نگران بود و حتی‌المقدور برای جلوگیری از بروز حوادث ناگوار، حداکثر قوای آزادی‌خواه و وطن‌پرست ایران را تجهیز کرد. بدبختانه راه‌حل اساسی که همان ایجاد مراکز مقاومت ملی به رهبری عناصر آزادی‌خواه و وطن‌پرست و صاحب‌نظر باشد، فعلاً میسر نیست. این‌گونه اقدامات در صورتی مثمر ثمر است که در مدت کافی تعقیب شود وگرنه هیچ ملتی چهارساله آزادی‌خواه نخواهد گردید و تربیت سیاسی نخواهد یافت. آنچه فعلاً میسر و تا اندازه‌ای برای حفظ مشروطیت مفید است، تغییر دولت و ائتلاف احزاب آزادی‌خواه است. اکثریت مجلس چهاردهم اگر حقیقتاً خواهان آزادی است و اگر واقعاً بغض اقلیت چشم انصافش را کور نکرده است، باید بفهمد که دولت آقای صدر دولت آزادی‌خواهی نیست. آنچه کمتر از همه چیز توجه دولت فعلی را جلب می‌کند همان مراعات اصول آزادی است. بهترین نشانه آن، تغییرات حیرت‌آور مأمورین دولت به منظور انتخاب مجدد اشخاص معین است. اگر این دولت بماند، اگر مأمورین موثری که این دولت انتخاب کرده و به اطراف ایران فرستاده است، باقی باشند، آزادی فردی و انتخابات آزاد دوره پانزدهم و ادامه مشروطیت حرف مفتی است. باید هر چه زودتر دولتی که پای‌بند اصول شرافت بوده و به آزادی ایمان و عقیده داشته باشد، به جای دولت آقای صدر انتخاب شود. دولت جدید باید به فوریت کلیه آثار شوم حکومت صدر، اعم از توقیف جراید، جلوگیری از اجتماعات، وجود مأمورین دست‌نشانده و کلای محلی را در اندک مدت با کمال قدرت و

صراحت محو کند، تا مشکلات جدیدی که به دست دولت صدر در راه آزادی و مشروطیت ایجاد شده است، باقی نماند.

از طرف دیگر احزاب آزادی خواه و ملی نیز باید به منظور دفاع از چنین دولت با یکدیگر متلف شده و فعلاً اختلافات جزئی و آکادمیک را کنار بگذارند تا شاید به تدریج در ضمن همکاری و آشنائی، زمینه اتحاد آنها نیز فراهم شود. البته ائتلاف این گونه احزاب وقتی مفید فایده خواهد بود که فعالیت شدیدی پشت سر داشته باشد.

دستگاه تبلیغات احزاب متلف باید با تمام قوا وظایف حقیقی افراد ملت را در حفظ اصول مشروطیت گوشزد کند و حتی به وسائل مناسب افتراقی را که بین دولت و ملت است، مرتفع سازد تا اگر خدای ناخواسته دسته معدودی قصد سوء استفاده از دستگاه اجرایی دولت را داشته باشند، موفق نگردند. اگر این دو امر حاصل شود می توان امید داشت که وکلای دوره پانزدهم مجلس ایران تاحدی از میان مردم آزادی خواه و وطن پرست انتخاب شوند و مشروطیت ایران از بحران فعلی به سلامت بگذرد. تا مجلس و احزاب چه کنند.

هیات تحریریه

۷

[مقاله] اقدام در رفع غائله آذربایجان^۱

پریروز عصر برای دومین مرتبه سروکله ژاندارمها در اطراف حزب ایران پدیدار گشت و از سخنرانی حزبی جلوگیری شد. سایر احزاب نیز به همین درد رفتار شدند. آزادی اجتماعات که به طور نیم رسمی مجاز بود دو مرتبه محدود گشت.

۱. روزنامه جبهه، ش ۲۴، ۱۳۲۴/۹/۶، ص ۱

می‌گیرند بستن حزب توده و اتحادیه کارگران در زمان حکومت صدر، یک عمل غلطی بود و به اجرای سیاست یک جانبه تغییر گشت و در نتیجه سوء اثر بخشید. برای جبران این خطاکاری تمام احزاب را می‌بندیم تا اینکه سیاست ما یک جانبه تلقی نشود. آزادی را از همه می‌گیریم تا سیاست موازنه انجام گیرد. شکی نیست که هر نوع ناعدالتی و اجحاف چون عمومی گردید، از تأثیر نتیجه آن کاسته می‌شود و تحمل آن آسان‌تر می‌گردد. ولی این [موضوع] به هیچ وجه ناعدالتی را به عدالت و اجحاف را به شفقت تبدیل نخواهد کرد. از اینکه خطائی مشمول اکثریت شد، از خطا بودن آن چیزی کاسته نمی‌شود.

آن وقتی که حکومت شوم صدر حزب توده را بست، ما در همین ستون نگرانی خود را از اثرات این عمل بیان کردیم. گفتیم که این کار نه تنها جنبه یک طرفی سیاست دولت را علنی می‌کند و در روابط ما با همسایه شمالی سوء تفاهم ایجاد می‌نماید، بلکه از نظر داخلی نیز بسیار خطرناک است، چه حتی صورت ظاهر دموکراسی ایران را هم پایمال می‌نماید. امید رجعت دوران دیکتاتوری را در کله حادثه جویان تقویت می‌نماید. گفتیم و نوشتیم که اگر حکومت ایران حکومت دموکراسی است، باید احزاب آزاد باشند. باید ایرانیان حق داشته باشند عقاید خود را انتشار دهند و برای پیشرفت منظور مشترک، اشخاص هم عقیده دور هم گرد آیند. ولی صدر ماموریت معینی داشت. او می‌خواست روابط ما را با شوروی تیره کند. می‌خواست با بستن حزب توده به این دو مقصود برسد و البته این کار خطا را کرد و نتایج آن را امروز می‌بینیم. ولی تعجب در اینجا است که اکنون آقای حکیمی می‌خواهند خرابکاری‌های صدر را جبران کنند و اشتباه او را تعمیم می‌دهند.

*

هر عملی وقتی صحیح می‌شود که ما را به مقصود نزدیک کند. آقای

حکیمی بستن احزاب را «مخصوصاً حزب اراده ملی» برای رفع سوء تفاهات با خارجیان دستور داده‌اند و در حقیقت این اولین قدم مثبت در رفع غافله آذربایجان محسوب می‌شود.

اولاً معلوم نیست غائله آذربایجان در اصل چه باشد و مداخلات شوروی‌ها هر قدر باشد، بهانه اولی و صورت ظاهر آن، نارضایتی‌های آذربایجان و تقاضاهای فرقه دموکرات است. ظاهر آروس‌ها در این عمل مداخله ندارند و هر وقت که از این موضوع صحبت کرده‌اند، جنبه محلی به آن داده‌اند. صورت ظاهری حل هر اختلاف باید با توجه به بهانه ظاهری باشد.

در روابط شخصی افراد بارها دیده می‌شود که اختلافات اصلی در پس پرده بهانه‌ها، مخفی می‌گردد. ولی آنکه می‌خواهد اختلاف خود را با دیگری حل کند، اگرچه در خفا متوجه اصل موضوع است، ولی در ظاهر همان بهانه را مطرح می‌کند و بالاخره در موقع آشتی و رفع اختلاف، بهانه علنی می‌گردد. روابط دول هم بر روی همین زمینه است. اگر غائله آذربایجان در نتیجه اختلافات مهمتری است، معهذا دولت باید به همان صورت ظاهر امر اکتفا کند و عملیات اصلی را بدون تظاهر انجام دهد.

صورت رسمی غائله آذربایجان این است که فرقه دموکرات می‌گوید آزادی نیست، طبقه حاکمه فاسد بر ما حکومت می‌کند، قانون اساسی محترم شمرده نمی‌شود. پس بنابراین باید عملیات «علنی» حکومت نیز در این جهت انجام گیرد و بیشتر نشان داده شود که فرقه دموکرات اشتباه می‌کند. «اگر حقیقتاً اشتباه می‌کند» ایران مهد دموکراسی است. ایران مهد آزادی هست. طبقه حاکمه از مادر هم بر ایرانیان مهربانتر می‌باشد. نه اینکه برعکس بگویند نه البته که دموکراسی نیست و حتی صورت ظاهر

آن را هم محو می‌کنیم. احزاب را می‌بندیم، آزادی را می‌کشیم. حکومت نظامی را تشدید می‌کنیم ایران را به صورت (حالت جنگ) درمی‌آوریم. تصدیق کنید که این طرز عمل ما را از مقصود دور می‌کند. ایدن گفته است یک عده روزنامه‌نگاری طرف به شمال بروند، ببینند حقیقت کجا است. اگر این پیشنهاد قبول شد، خبرنگاران خارجی لازم نیست به شمال بروند، تهران دموکرات برای روشن کردن آن‌ها کافی است. مملکتی که در پایتخت آن احزاب بسته باشند و حکومت نظامی با شدت حکمفرما باشد، این مملکت دموکرات خوانده نخواهد شد. پس محققاً این نوع عمل ما را به مقصود نزدیک نخواهند کرد.

از طرف دیگر، به طور کلی و صرف نظر از مشکلات خارجی، بستن احزاب از نقطه نظر داخلی فوق‌العاده خطرناک است. مخصوصاً اگر حکومت تشدید یابد و مطابق میل (مستبدان) آزادی ایران به طور کلی قطع شود. در این صورت ما نمی‌دانیم آقای حکیمی که در وطن پرستی و آزادی خواهی شان تردیدی نداریم، چه وثیقه در مقابل حادثه‌جویان خواهند داشت. ایران روزهای خطرناکی را می‌پیماید. در این روزها باید مردم کاملاً آزاد باشند تا بتوانند تنقید کنند یا تحسین نمایند. در مواقع خطر باید ملت حس کند دولتش به نفع او کار می‌کند تا از اقداماتش پشتیبانی نماید. اگر فشار بر مردم زیاد شد جدائی بین ملت و دولت بیشتر می‌شود. در این صورت دولت ضعیف ایران حتی از قدرت معنوی حکومت‌ها که مورد تصدیق ملت است، محروم خواهند بود.

به نظر ما باید تمام احزاب را باز گذارند. حزب توده و اتحادیه کارگران را باز کنند. این عمل چه از نقطه نظر داخلی و چه از نظر خارجی مفیدتر و عاقلانه‌تر است.

هیات تحریریه

[مقاله] «یک سال مبارزه»^۱

به قلم زیرک‌زاده [احمد]

در این موقع که ارگان حزب ایران سال دوم خود را شروع می‌کند، بی‌مورد نیست که عملیات حزب را در این مدت به طور اختصار از نظر خوانندگان محترم بگذرانیم.

*

عملیات ما را می‌توان در سه کلمه زیر خلاصه نمود:

«درست دیدیم، درست گفتیم و درست رفتار کردیم»

بدبختی و فلاکت ایرانیان ما را به دور هم جمع کرد، مرام ما ترجمه علت تشکیل ما است. ما سرچشمه تمام بی‌چارگی‌ها را در فقر مردم و فساد طبقه حاکم دیدیم. وجود ناعدالتی‌های وحشیانه در جامعه ایران و عدم لیاقت و صلاحیت زمامداران را مسبب اصلی تیره‌روزی خود شناختیم. از این رو استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد را در سرلوحه مرام خود قرار دادیم. چون به طبیعت بشر آگاه بودیم و می‌دانستیم که بر آدمی مهربان‌تر از خود آدمی کسی نیست، گفتیم ایران باید به دست ایرانیان و به دست ایرانیان فقط اصلاح گردد. حزبی از ایرانیان وطن‌پرست تشکیل دادیم و برای آنکه اصل عدم اتکاء به دیگران را مجسم سازیم به نام عزیز ایرانش، نام نهادیم.

خواننده محترم خود تصدیق می‌کند که درست دیدیم و علت را خوب تشخیص دادیم. و بهترین دلیل صحت نظر ما (اگر احتیاجی به دلیل باشد) آن است که تمام احزابی که در ایران تشکیل شدند، همین اصول را در مرام خود جای دادند. البته چون حقیقت یکی است، بیان آن یکسان

۱. همان، ش ۲۵، ۱۳۲۴/۹/۷، ص ۱ و ۴

خواهد بود. ولی تفاوت وقتی مشهود می‌گردد که پای عمل به میان آید. حقانیت ما از آنجا هویدا است که گفتار و کردارمان با این حقیقت تطبیق می‌کند.

درست گفتیم، یعنی در تمام مدت این یک سال که ارگان ما (به هر شکلی و اسمی) منتشر شد، از همین اصول پیروی کردیم. اگر روزنامه شفق هفتگی، شفق یومیه و جبهه را مرتباً خوانده باشید به خاطر خواهید داشت که از روز اول خیانت دستگاه حاکمه، عدم لیاقت آن و مظلومیت جامعه ایرانی را بیان کردیم و در مقابل هیچ ظلم و فسادى ساکت ننشستیم. چون دموکراسی را یگانه طرز عادلانه حکومت می‌دانستیم، از آن پشتیبانی کردیم. آزادی احزاب و آزادی مطبوعات را همیشه خواهان بودیم. بدون در نظر گرفتن روش سیاسی حزبی، بدون توجه به منظور نهائی روزنامه، فقط و فقط برای حمایت از آزادی، توقیف هر روزنامه یا فشار به هر حزب را تقییح نمودیم.

بستن حزب توده در اصفهان، ممانعت از متینگ حزب عدالت و بالاخره در زمان حکومت صدر، بستن احزاب و توقیف روزنامه‌ها را مخالف روح دموکراسی و مقدمه‌ای برای رجعت دیکتاتوری معرفی کردیم.

مخصوصاً سیاست خارجی ما از روز اول روشن و واضح بوده است. ما طرفدار توازن سیاسی و وجود روابط حسنه با همسایگان خود هستیم. ما نه این قدر از اوضاع دنیا بی‌خبر بودیم که تصور کنیم ملتی می‌تواند در به روی اغیار بسته و در خانه خود زیج نشیند و نه آنقدر بوالهوس و اتویست بودیم که تصور کنیم دوره ملیت تمام شده و استقلال ملل به کلی مفهوم خود را از دست داده است. از این رو صد مقاله در موضوع سیاست خارجی نوشتیم و در تمام [آن‌ها]، پایه استدلال ما یک اصل بوده است. منافع ایران را پایه روابط خود با دیگران قرار دهید.

بارها موقعیت مخصوص ایران را در دنیای بعد از جنگ تشریح کردیم و گفتیم موضوع ایرانی یکی از مشکلات سیاست بین‌المللی است. استقرار ایران بین دو دولت بزرگ مقتدر شمالی [و شرقی] سیاست ما را معین کرده است. علت بقای ما (با این ضعف مادی) فاصله بودن بین این دو قدرت است. در نتیجه اگر به بقای خود علاقمند هستیم، باید این صفت فاصله بودن را از دست ندهیم. یعنی به طور مطلق از سیاست یک جانبه پرهیز کنیم. گفتیم که بهترین راه حل برای مشکل بین‌المللی ایران، وجود ایرانی مستقل و ملی است. ایرانی که حکومت آن، افکار مردم آن، جای هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی برای هیچ یک از همسایه‌ها باقی نگذارد. گفتیم که اضمحلال ایران بدون زدوخوردهای بزرگ میسر نیست و امروز دنیا تاب تحمل زدوخوردهای بزرگ را ندارد. تجزیه ایران اگر هم اشکالات را [به عقب می‌اندازد آن را] حل نخواهد کرد. به طور کلی هر سیاست یک طرفه یا تجزیه ایران از نقطه نظر بین‌المللی یا غیرممکن و یا موقتی و ناپدار خواهد بود. ولی یادآور شدیم که این راه حل منطقی روزی بر دنیا تحمیل می‌شود که ایران نقش اصلی خود یعنی حد فاصله را بتواند بازی کند. یعنی باید دولت ایران، دولتی ملی و صددرصد طرفدار سیاست موازنه باشد. چه دولت غیرملی غالباً سیاست یک جانبه‌ای در پیش خواهد گرفت و بر مشکلات خواهد افزود و اگر هم بالاجبار سیاست موازنه را اختیار نمود، از آنجایی که بر عهد و پیمان مردمان خائن اعتمادی نیست، نگرانی و اضطراب همیشه باقی خواهد ماند و روابط ما با همسایگان، همیشه مشکوک بوده و هیچ‌گاه بری از سوءتفاهم نخواهد شد.

ما درست گفتیم، بدبختانه طبقه حاکمه فاسدی که سرنوشت ایران را در دست داشته و دارد، مطیع احساسات ملی یا منطقی نبوده، بلکه حلقه بندگی برگردن نهاده، برده‌وار، اطاعت اربابان خود را کرد. در انتخابات

دوره چهاردهم، حکومت سهیلی، مداخله خارجی‌ها را در انتخابات ایران تشویق نمود، دولت‌های بعد نخواستند و یا نتوانستند از زیر یوغ قدرت یک مجلسی که اکثریت آن فاسد و مستخدم منافع دیگران بود، خارج شوند. در نتیجه سیاست‌های ایران برعکس آنچه باید باشد، گردید. در داخله روز به روز دامنه فساد وسیع‌تر، فقر و مسکنت عمومی‌تر گشت. سیاست خارجی ما اغلب جنبه یک طرفی و گاهی اوقات هم مانند کابینه صدر به کلی جنبه تحریک‌آمیز به خود گرفت. نتیجه این سیاست‌های غلط، مطابق پیش‌بینی‌ها، تیرگی روابط ما با همسایگان است. بطوری که امروز قیافه موحش تجزیه از هر گوشه کشور خودنمایی می‌کند.

ما با خونسردی کامل و با اطلاع از اوضاع و احوال دنیا سیاستی را برای ایران پیشنهاد کردیم که اگر پیروی شده بود، امروز وضعیت ما خیلی بهتر بود. ولی این دغلان را خواب غفلت فراگرفته بود. پنبه شهوت در گوش داشتند و فریاد ما را نشنیده گرفتند. امروز در مقابل واقعه‌ای که نتیجه عملیات دیروزشان است، قرار گرفته‌اند. ناگهان خود را باخته و مضطرب و پریشان فریاد و اوطن‌بلند کرده تصور می‌کنند که ایرانیان فریب این هیاهو را خورده و نمی‌فهمند که این ناله آن‌هائی است که دوران فرمانفرمائی خود را رو به زوال می‌بینند.

غائله آذربایجان و حوادث دیگری که دیر یا زود در ایران رخ خواهد داد، نتیجه اتخاذ سیاست یک طرفی و تحریکات کابینه صدر است. امید به وجود یک ایران ملی و بی‌طرف در خارجه ضعیف شده است. هر طرف می‌خواهد احتیاط را از دست ندهد و آنچه برای اطمینان خود لازم می‌داند در دست می‌گیرد. بدبختی اینجاست که هنوز هم به خطاهای خود اقرار نمی‌کنند و دست به عملیاتی خلاف آنچه باید، می‌زنند. کوشش این دستگاه حاکمه نادان و ناصالح بر این است که دولت را وادار

کند به قضیه آذربایجان جنبه بین‌المللی بدهد و حل آن را به میز کنفرانس‌های بین‌المللی و آنجائی که ایرانی نیست، محول سازد. گوئی از طبیعت آدمی خبر ندارند یا تاریخ دنیا را به خاطر نسپرده‌اند. اقویا روزی به کمک ضعف می‌آیند که نفعی برای خود در نظر بگیرند و هر قدر، آنکه کمک می‌خواهد، ضعیف‌تر است، حق‌الزحمه گرانتر خواهد بود. اگر دولت فرانسه در موقع استمداد از امریکا یا انگلیس، فلان بندر افریقا و یا فلان جزیره اقیانوس کبیر را حق‌الزحمه می‌دهد، ملت بیچاره ایران باید از خاک خود و از استقلال خود مایه بگذارد.

در هر حال که در موقع آرامش و با خونسردی در این امور فکر کرده‌ایم، اضطرابمان از نقطه نظر خارجی زیاد نیست. ایرانیان از طبقه سرخ‌پوستان آمریکائی و یا سیاه‌پوستان آفریقائی نیستند. ملت ما چندین هزار سال عمر دارد. تاریخ ادبیات و کرونوژئی مخصوص خود و با نام و نشان دارد. از بین بردن چنین ملتی غیرممکن است. تجزیه ایران هم بر فرض آنکه حفظ و خطاهای زمامداران ما، بر دنیا آن را تحمیل کند، بطور حتم موقتی و ناپایدار خواهد بود. ایران ماندنی است، چون حیاتش به گذشته و بقایش برای صلح دنیا لازم است. باری از مطلب دور افتادیم برای اثبات آنکه همیشه حقیقت را گفتیم، به جریان روز رسیدیم.

*

درست رفتار کردیم، یعنی هر عملی که در قدرتمان بود در دنبال گفته خود انجام دادیم. از آنجائی که این طبقه حاکمه را فاسد و اکثریت مجلس را ناصالح می‌دانستیم، با دولت‌های زائیده آن مخالفت کردیم. فقط در دو مورد مخالفت دائمی خود را تبدیل به موافقت مشروط نمودیم. با کابینه بیات موافقت کردیم به شرط آنکه به عملیات میلیسپو خاتمه دهد. حکومت آقای حکیمی تاکنون موافقت ما را از دست نداده است. طرز فکر و ثبات قدم و انطباق کردار با گفتار ما در زمان کابینه صدر به خوبی

معلوم گردید. ما از طرز تشکیل حکومت صدر مطلع بودیم. خود صدر و اغلب وزرایش را می‌شناختیم. به ماموریت‌های خانمان‌کن این کابینه شوم واقف بودیم. از این جهت از همان روز تشکیل تا سقوط کابینه با آن مخالفت کردیم. او از ترقیات هم‌مسلمانان ما جلوگیری کرده و بعضی‌ها را بیکار نموده و روزنامه ما را توقیف کردند. ولی ما به مبارزه خود ادامه دادیم. اقلیت با شهامت [در مجلس] که تشکیل آن را بارها خواسته و زمینه‌اش را فراهم کرده بودیم، ابستروکسیون^۱ نمود با تمام قوا آن را پشتیبانی کردیم. روزنامه خود را در اختیارش گذاردیم. برای تشریح نظریه اقلیت و فهماندن مقاصد آن نوشتیم و کنفرانس‌ها دادیم. در موقعی که تمام روزنامه و احزاب آزادی‌خواه در فشار حکومت صدر بودند، حزب ایران و ارگان رسمی آن بی‌مهابا برای پیشرفت منظور اقلیت مبارزه نمود. در سیاست خارجی نیز رفتار و گفتار ما همیشه یک نواخت بوده است. اولین مرتبه که روابط ما با خارجی باریک شد، در زمان حکومت ساعد و بر سر موضوع نفت بود. در هیاهوی نظریات یک طرفی و در آشوب شهوات و نظریات شخصی، ما نظریات خود را که مطابق با منافع ایران می‌دانستیم، به صورت یک قطعنامه بیان و منتشر ساختیم. منافع ملت ایران اقتضاء می‌کرد که در موقع جنگ هیچ‌گونه امتیازی داده نشود. ولی در عین حال طرز عمل ساعد را مخالف سیاست موازنه تشخیص دادیم. از این رو در قطعنامه گفتیم امتیاز ندهید و اگر توانستید امتیاز نفت جنوب را هم لغو کنید و در ضمن هم طرز عمل ساعد را تقبیح کردیم. کوشش در حفظ منافع ایران و توجه به سیاست موازنه، در این قطعنامه به خوبی نشان می‌دهد، هر دفعه که پیش‌آمدی را موجب ایجاد سوء تفاهم با یکی از متفقین خود تشخیص دادیم، فوراً بر ضد آن قیام

۱. ابستروکسیون به معنای: از اکثریت انداختن یک جامعه مجلس و در نتیجه توقف و تعطیلی جلسه.

کرده و کوشیدیم تا ملت ایران را از آن بی‌خبر نشان دهیم. عمل ما در این مدت آشکار نمود که اگر آزادی خواهیم، آزادی خواه ایرانی هستیم نه نوکر روس و نه دشمن انگلیس و نه به‌عکس می‌باشیم. وجود روابط حسنه با دولت دموکرات آمریکا را همیشه خواهان بوده‌ایم. مخصوصاً در موقعی که حس کردیم عملیات مشکوک بدر ممکن است روابط ما را با آمریکائیان تیره کند. چه در مجلس و چه در روزنامه خود سوءنیت او را نشان دادیم. آمریکائیان و ایرانیان را از دسیسه‌های تحریک‌آمیز آگاه ساختیم.



ولی به نظر خودمان، بزرگترین عمل ما همان بقای ما است. به کوری چشم آن‌هائی که ایرانیان را فاقد رشد اجتماعی می‌دانند، به کوری چشم آن‌هائی که می‌گویند و می‌نویسند که ایرانی نمی‌تواند بدون اتکاء دیگران بر سر پا بماند، حزب ایران تشکیل شد، مبارزه کرد و هنوز هم برپاست. ما شاهد زنده حیات ایران هستیم. ما مشت بر دهان آن‌هائی که ایرانی را فقط نوکر این و آن می‌خواهند، می‌باشیم. ما هنوز بر سر پاها ایستاده‌ایم، ما با هر زحمت و مشقتی بوده است، حرف خود را زده‌ایم که ما «فکر ما، نظر ما، منطق ما» پایدار خواهد ماند. ما یگانه راه حل مشکل ایران هستیم و راهی را که در پیش گرفته‌ایم، یگانه راهی است که ایران را به کعبه سعادت خواهد کشانید. شاید طولانی شدن حوادث به کارکنان امروزی حزب ایران مجال دیدن روز توفیق را ندهد. ولی بدون شک فکر ما راه خود را خواهد پیمود و بالاخره روزی توفیق نصیبش خواهد شد. ما معتقدیم که آزادی، دموکراسی و سیادت که دیگران برای ما تحصیل کنند، بزودی تبدیل به بندگی، استبداد و بدبختی خواهد شد. ما معتقدیم که در جامعه آدمیان کسی را راه می‌دهند که فعلاً آدمیت خود را ثابت کرده باشد. تا زمانی که خود ایرانیان برای نجات ایران کمر همت بالا

نزنند، سرنوشت ما دستخوش بازی‌های بین‌المللی خواهد بود. از این جهت استقرار عدالت اجتماعی و دفع فساد را به همت ایرانیان فقط خواستیم.

ایران ازلی است و چون شرط بقایش انجام نظریاتی است که ما می‌گوئیم پس محققاً روزی این نظریات پیراهن عمل را خواهد پوشید. بالاخره روزی حزب ایران موفق و پیروز خواهد گشت.

۹

موام حزب ایران^۱

۱. از لحاظ سیاسی : حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی
۲. از لحاظ اقتصادی : استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مادی ملت از راه توجه به کشاورزی و صنعت و بهره‌برداری از جمیع منابع ثروت مملکت.
۳. از لحاظ اجتماعی : تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی.

۱. از لحاظ سیاسی

حفظ استقلال کامل ایران و پشتیبانی از اصول دموکراسی
الف) سیاست خارجی : ما عقیده‌مندیم که سیاست ما با دول خارجی عموماً و دول همجوار و متعاهد خصوصاً، باید بر روی اساس حسن تفاهم و همکاری و صمیمیت و شرافت استوار باشد.

۱. همان، ص ۴

سیاست ما : سیاست ما روشن و راست و بی‌ریا است. در مقابل، انتظار جدی داریم که سایر دول نسبت به ما صریح و صدیق باشند و استقلال کامل و تمامیت ارضی کشور ما را شرافتمندانه محترم شمارند.

ب) سیاست داخلی ما بهترین طرز حکومت را حکومتی می‌دانیم که براساس دموکراسی مستقر و رای اجتماعی در اداره کشور حاکم باشد. حکومت فردی موجب ظلم و مانع رشد جامعه و بالنتیجه سبب انحطاط کشور است.

۲. از لحاظ اقتصادی

استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مادی ملت از راه توسعه کشاورزی و صنعت و بهره‌برداری از جمیع منابع ثروت مملکت. توزیع ثروت و تقسیم درآمد در ایران به طرز عادلانه نیست. برای این وضع باید:

الف) سهمی را که برای کار نسبت به سرمایه فعلاً معمول و رایج است، باید ترقی داد، تا به این ترتیب از استثمار جلوگیری گردد. آنچه حقاً و منطقاً به کارگر و زارع تعلق دارد، باید به آنها داده شود.

ب) با تجدید نظر در قوانین کنونی و وضع قوانین جدید برای توزیع عادلانه ثروت اقدام مفید و مؤثری به عمل آورد.

ج) در افزایش قدرت تولید مملکت سعی وافی مبذول داشت و فلاحات (و مقدمات آن یعنی سدسازی و آبیاری) و صناعت و بازرگانی را طبق برنامه صحیح توسعه داد.

۳. از لحاظ اجتماعی

تهذیب اخلاق، تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی. به عقیده ما جامعه‌ای می‌تواند حکومت کند که صالح و عالم و سالم باشد. بنابراین تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی را از لوازم اولیه ترقی جامعه می‌دانیم.

الف) تهذیب اخلاق: مادامی که فساد بر کشور حکمفرما است و تا زمانی که مبانی اخلاق عمومی متزلزل است، هر اقدامی بی نتیجه و هر تشکیلاتی از روز اول محکوم با زوال است. ما نه تنها دزدی و خیانت را فساد می دانیم، بلکه خودستانی و خمودگی و سستی و بی علاقه گی به امور اجتماعی و مخصوصاً چشم پوشی از معایب و تحمل ظلم را در زمره مفاسد اصلی جامعه می شماریم و به تمام وسایل با آن ها مبارزه خواهیم کرد.

ب) تعمیم فرهنگ: در فرهنگ فعلی ما از تربیت صحیح اثری دیده نمی شود و تعلیم آن هم ناقص است. ما معتقدیم که باید تربیت مقامی را که شایسته آن است، احراز کند و مخصوصاً به تهذیب و تربیت اخلاقی توجه کامل مبذول گردد. همچنین برنامه تعلیماتی طبق احتیاجات زمان و مقتضیات کشور اصلاح شود.

ج) تأمین بهداشت عمومی: فقدان بهداشت عمومی بقای نسل ایرانی را به مخاطره افکنده و جمعیت مملکت ما با سرعت عجیبی رو به تنزل می رود. بنابراین بهداشت عمومی و حفظ صحت و سلامت کودکان و مبارزه با امراض ساریه و بومی یکی از مهمترین مواد برنامه ما برای اصلاح مملکت است.

شرایط عضویت

ماده (۱) کسی که به عضویت حزب پذیرفته می شود که:

الف) ایرانی باشد

ب) مسلمان باشد.

ج) مشهور به فساد اخلاق و خیانت به کشور نباشد.

د) در هیچ یک از احزاب یا جمعیت های سیاسی دیگر عضو نباشد.

ه) سن او کمتر از ۱۸ نباشد.

قطعهنامه حزب ایران^۱

دیروز عصر از طرف حزب ایران قطعهنامه‌ای در شهر منتشر شد که پس از تشریح وضع بحران‌آمیز کشور و فساد هیئت حاکمه تقاضاهای زیر را نمودند:

۱. در تشکیل یک حکومت ملی مرکب از وزرای صالح و مورد اعتماد کامل جامعه تا بتواند در سیاست خارجی توازن کامل را مراعات و عناصر مفسدی که موجب اخلال روابط ما با همسایگان شده‌اند را از کاربرکنار نماید. در سیاست داخلی وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی را از عناصر ناصالح و خائن تصفیه کند.

۲. الغای فوری حکومت نظامی به منظور آزادی کامل اجتماعات و مطبوعات

۳. تغییر و اصلاح کامل قانون انتخابات به منظور جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ در این حق مسلم ملت.

۴. تهیه فوری زمینه انتخابات به قسمی که خطرات پیش‌آمد فترت و مفساد آن مرتفع گردد

۵. تشکیل محاکم فوق‌العاده ملی با حق رای قاطع برای جلب و جلوگیری از فرار کلیه اشخاص مظنون و محاکمه عاجل آنها.

در این اعلامیه تذکر داده شده که اگر برای انجام تقاضاهای ما این دفعه نیز گوش شنوا پیدا نشد، برای نجات وطن خود آرام ننشسته با هر وسیله‌ای که ممکن باشد خود به مشخصه اقدام خواهیم کرد.

۱. جریده مردم، ش ۹، ۱۳/۱۰/۱۳۲۴، ص ۴.

نامه هفتگی نبرد امروز دانشگاه^۱

چو ایران نباشد تن ما مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
 مرام ما : حفظ حقوق و منافع دانشجویان ایران، نبرد بر علیه ارتجاع و
 بر علیه دشمنان ایران
 صاحب امتیاز : مسعود اعظمی زنگنه هیات تحریریه : کاظم بنان، حمید
 رواسانی، علیرضا صاحب
 عناوین مقالات : سرمقاله : هدف ما، ملت ایران بکجا می نگرَد، مقاله :
 «نبرد با استعمار» از محمد نخشب دانشجوی سال سوم سیاسی،
 سخنرانی الهیار صالح پیرامون «با اصل تفکیک قوا چگونه رفتار شده
 است؟ مقاله : «اشرافیت» از فرج الله باقی دانشجوی حقوق، گزارشی از
 مراسم نمایش فیلم در انجمن دانشوران، اخبار دانشگاه، سرود حق از
 جلال الدین همایی، مقاله : «چرا دانشکده حقوق اعتصاب کرد»، مقاله
 «بحث در پیرامون اصل عدم تساوی افراد» به نقل از آثار ژان ژاک روسو،
 چکیده سرمقاله : هدف ما : از آغاز سال تحصیلی ۲۵-۱۳۲۴ نشریه
 مرتبی به صورت روزنامه یا مجله ناشر افکار و عقاید دانشجویان دانشگاه
 و به ویژه دانشکده حقوق که مرکز ثقل دانشگاهش می دانیم منتشر نمائیم
 [...] ما در انتشار این نامه مقصود و منظوری جز تحکیم و ایجاد اتحاد و
 هماهنگی بین دانشجویان و آشنائی آنان با یکدیگر در پرتو یکانگی و
 همکاری با یکدیگر و بالابری سطح فکر و آشنا ساختن دانشجویان
 به وظایف اجتماعی خود و تذکر و توجه به اصلاحات لازمی که باید در

۱. هفته نامه نبرد امروز ارگان موقتی اتحادیه دانشجویان ایران، دانشکده حقوق، ش ۱،

شئون مختلف دانشگاه به‌ویژه در دانشکده حقوق بعمل آید و پشتیبانی از دانشجویان به‌منظور حفظ منافع آنان (تأمین حقوق و منافع دانشجویان و ایجاد تسهیلات و امتیازات برای آنان در محیط دانشگاه و جامعه) و شناساندن مقام شامخ دانشگاه و دانشجویان جامعه، هدف دیگری نخواهیم داشت. [...]

۱۲

دستورهای حزبی^۱

دستورهای حزبی : - جلسه^۲ بحث و انتقاد مخصوص دانشجویان و جوانان و دانش‌آموزان و کسانی که می‌خواهند با اصول مرام حزب ایران آشنائی حاصل کنند، روزهای پنج‌شنبه از ساعت ۵/۵ بعدازظهر دایر است.

- جلسه شورای حزب روز شنبه ۲۵/۱/۱۷ ساعت شش بعدازظهر تشکیل می‌شود. آقایان اعضای شورا حضور به هم رسانند.

- روز یکشنبه ۲۵/۱/۱۸ آقای «دکتر آهی» درباره «کشاورزی در آمریکا» سخنرانی خواهند کرد.

- از کلیه آقایان دانشجویان عضو حزب ایران و نیز آقایان دانشجویانی که تاکنون تقاضای عضویت کرده‌اند، دعوت می‌شود که روز ۵شنبه ۱۵ فروردین ساعت ۶ بعدازظهر در محل حزب حاضر شوند.

۱. روزنامه جبهه، ش ۱۱۷، ۱۳۲۵/۱/۱۵، ص ۴

۲. شعار پاورقی صفحه اول: حزب ایران از عموم روشنفکران، کارگران، پیشه‌وران، کارمندان و افراد آزادیخواه و میهن‌پرست که تأمین آزادی و سعادت ایران را به دست ایرانی خواهند، برای تقویت جبهه ملی خود دعوت می‌نماید.

بیانیه احزاب «ایران» و «میهن»^۱

هم میهنان!

امروز که کشور تاریخی و پرافتخار ما یکی از بحرانی‌ترین و خطرناک‌ترین دوره‌های عمر خود را می‌گذارند، برای مردم ایران، مخصوصاً آن‌هایی که از مدت‌ها پیش در راه رستگاری و عظمت این کشور دست به مبارزه عملی زده و وارد میدان گردیده‌اند، هیچ وظیفه و مسئولیتی فوری‌تر، کاملتر و مهمتر از آن نیست که تمام نیروی خود را به هم ببیوندند و صفوف پراکنده خویش را به هم نزدیک کنند، تا جملگی در جبهه‌ای واحد مبارزه دلیرانه خود را در راه میهن ادامه دهند.

در وضع حاضر که کشور ایران مرکز ثقل سیاست جهان قرار گرفته و انظار کلیه مردم گیتی به نحوی که تاکنون سابقه نداشته است متوجه کشور ما شده است، هیچ چیز ناگوارتر و اسف‌انگیزتر از آن نیست که میهن خواهان حقیقی ایران از هم بی‌خبر و پراکنده باشند و با این پراکندگی میدان را برای مغرضین و بدخواهان و با مایوسین و منفی بافانی که بزرگترین قوت آنان ضعف اتحاد و همکاری ایران واقعی است، باز گذارند.

امروز وظیفه قطعی و فوری کلیه احزاب و اتحادیه‌ها و افراد میهن پرست و آزادیخواه ایران نزدیکی کامل یکدیگر و ایجاد جبهه واحد نیرومند و مبارز و تجزیه ناپذیری است که بتواند صدای ایران را از حلقوم فرزندان حقیقی این آب و خاک به گوش دنیا برساند و در دوره آشفته کنونی ایفای نقش بزرگی را که میهن پرستان و آزادیخواهان واقعی بر عهده دارند، متعهد گردد.

۱. سازمان اسناد ملی ایران، ش ۱۰۹۰۱۵-۱۸۲۱، اصل اعلامیه در ۱۳۲۵/۱/۱۶ صادر شده است.

به پیروی از این وظیفه و مسئولیت مقدس یعنی لزوم الحاق صفوف میهن پرستان ایران، حزب میهن و حزب ایران که دو هدف اساسی آن‌ها یکی حفظ استقلال ایران و دیگری اصلاحات اساسی کشور و آزادی افراد بوده و سالهاست مبارزه فداکارانه خویش را آغاز کرده‌اند، افتخار آن دارند که در این راه بزرگترین مبارزین بی غرض و ملی این کشور شناخته شده‌اند، امروز یک قدم بلند تازه برداشته و اتحاد رسمی و قطعی دو حزب را اعلام می‌دارند و از این پس تحت نام واحدی که به تنهایی مظهر کلیه احساسات و آرزوهای ما و سرفصل زرین تمام مبارزات و فداکاریهای گذشته و آینده ماست، یعنی با نام «ایران» دوره تازه مبارزه و فداکاری خویش را آغاز خواهند نمود.

ما به نیروی خودمان که متکی به هیچ عامل خارجی نیست و فقط از دل‌های پرشور و اراده تزلزل‌ناپذیر ما برای فداکاری و مبارزه در راه سعادت ایران سرچشمه می‌گیرد، ایمان داریم و با این نیرو، علی‌رغم تمام مشکلات داخلی و خارجی وارد میدان می‌شویم. ما مشعل پرافتخاری که تاکنون جدا جدا در دست داشته‌ایم را ازین پس محکمتر در دستهای به هم پیوسته خود خواهیم فشرد و استوارتر و مصمم‌تر باتفاق کلیه میهن پرستان دلیری که ازین پس درین مبارزه مقدس به ما خواهند پیوست، جهاد خویش را بر علیه نیروهای اهریمنی فساد و ضعف و خیانت و در راه تأمین سعادت و آزادی و ترقی ملت ایران و کشور پرافتخار عزیز خویش ادامه خواهیم داد.

زنده باد ایران!

کمیته مرکزی حزب میهن کمیته مرکزی حزب ایران

۱۴

شرایط عضویت حزب ایران^۱

داوطلبین عضویت در حزب ایران باید:
۱. ایرانی باشد، ۲. مسلمان باشد. ۳. مشهور به فساد اخلاق و خیانت به کشور نباشد. ۴. در هیچ یک از احزاب یا جمعیت‌های سیاسی دیگر عضو نباشد. ۵. سن او کمتر از ۱۸ نباشد.

۱۵

[مقاله] حزب ایران و طبقات اجتماعی^۲

نوشته ابوالقاسم زیرک‌زاده
نخستین و شاید پیش‌پا افتاده‌ترین ایرادی که به حزب ایران می‌گیرند این است که «حزب ایران» بر یک طبقه مشخص و معین اجتماعی متکی نیست و افراد آن از حیث وضع مادی و اجتماعی در یک طبقه ثابت قرار ندارند.

اگر درست دقت کنیم این ایراد یک ایرادی است که اگر بخواهند ممکن است آن را بر کلیه احزابی که در ایران موجود است، وارد آورد. زیرا تعریف و تعیین طبقات اجتماعی در دنیای امروزه و مخصوصاً در ایران کار مشکلی است و اساساً نمی‌توان حدودی پیدا کرد که به وسیله آن طبقات مختلف اجتماعی را از یکدیگر دقیقاً و به طور قطع مجزا ساخت. بهترین و مشکل‌ترین نمونه طبقات اجتماعی که در دنیای امروزه می‌توان پیدا کرد، دستجات کارگری کارخانجات و معادن است که هم حدود کار آنها و هم حدود تقاضاهای آنها، و هم روش فعالیت اجتماعی آنها

۱. روزنامه جبهه، ش ۱۲۳، ۱۳۲۵/۱/۲۲، ص ۴

۲. همان، ش ۱۲۴، ۱۳۲۵/۱/۲۳، ص ۱ و ۴

تقریباً معین و مشخص گردیده است. ولی با مختصر تاملی دیده می‌شود که چنین دسته و جمعیتی در ایران تقریباً وجود نداشته و بر فرض هم که بخواهند کلیه کارگران کارخانه‌های دولتی و ملی و کارگاه‌های انفرادی را که در کلیه [نقاط] کشور پراکنده‌اند را جمع کنند، تازه شاید عده آن‌ها به صد هزار نفر هم نرسد. باید قبول کرد که یک عده صد هزار نفری در مقابل یک ملت ۱۵ میلیونی نمی‌تواند حزب مستقلی تشکیل داده و نظریات خود را بر دیگران تحمیل کند. تازه این فرض هم محال است و محققاً هیچ فرد و یا جمعیتی نمی‌تواند تضمین کند که بتواند کلیه کارگران پراکنده کشوری به وسعت ایران را در تحت پرچم حزب معینی متشکل نماید.

به همین دلیل است که حتی احزابی هم که روز اول به اسم احزاب کارگری به وجود آمده‌اند، در عمل به اشتباه خود متوجه شده و ناچار مجبور شده‌اند قید مبارزه طبقاتی را پاره کرده و پایه تشکیلات خود را به جای آنکه بر روی طبقات کارگران بگذارند، بر روی توده‌های ملت ایران گذارده و طبقات مختلف اجتماعی را در تشکیلات خود وارد نمایند. منتهی نمی‌توان از یک ایراد گذشت و آن این است که چرا این احزاب که عملاً قیود طبقاتی را پاره کرده‌اند، ظاهراً و بر سر زبان باز هم از مبارزات طبقاتی صحبت کرده و بر احزاب دیگر و مثلاً حزب ایران ایراد می‌گیرند که چرا بر یک طبقه اجتماعی معین تکیه نمی‌کند.

در هر حال از آنچه گذشت به‌خوبی معین می‌شود که حزب ایران اساساً وجود طبقات اجتماعی را یا به آن صورتی که در بعضی از کشورهای اروپائی و آمریکائی وجود دارد، منکر بوده و فقط در ایران یک طبقه را به رسمیت می‌شناسد که همان ملت عقب افتاده و از همت ساقط شده ایران است. حزب ایران معتقد است که ملت ایران به دو قسمت تقسیم می‌شود یک عده که تقریباً صد در صد جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند و فاقد هرگونه حق حیات می‌باشند و در مقابل آن‌ها یک عده

انگشت‌شمار که تعداد آن‌ها از چند هزار نفر تجاوز نکرده و دسترنج پانزده میلیون ملت ایران را در مقابل هیچ، تصاحب کرده‌اند.

حزب ایران این عده چند هزار نفری را یک طبقه اجتماعی ندانسته و اساساً آن‌ها را جزو ملت ایران حساب نمی‌کند. حزب ایران این عده چند هزار نفری را یک عده دزد اموال عمومی می‌داند که متأسفانه به علت نفوذی که در دستگاه حاکمه داشته‌اند، کلیه قوانین و مقررات را به نام خودشان گذرانیده و به همین مناسبت با کمال آزادی و بدون کوچکترین پروائی به دزدی خود ادامه می‌دهند. حزب ایران متکی است بر این توده ۱۵ میلیونی مردم ایران که همه در یک طبقه اجتماعی قرار دارند که اسم آن را می‌توان طبقه محروم گذارد. حزب ایران همان‌طور که فلان کارگر را که روز با شکم گرسنه کار کرده و شب با شکم گرسنه به خواب می‌رود را جزو طبقه محروم می‌داند، فلان معلم بیچاره که با ماهی ۱۰۰ یا ۲۰۰ تومان باید زندگی کند را نیز جزو طبقه محروم شمرده و فلان بقال سرگذر را هم که سرمایه او یک تفار ماست بیشتر نیست، جزو همان طبقه حساب می‌کند. فلان مهندس بی‌کار را هم که حقوق ناچیزش کفاف کرایه خانه‌اش را نمی‌دهد جزو طبقه محروم حساب می‌کند. همین طبقه محروم است که تکیه‌گاه حزب ایران می‌باشد.

۱۶

کمیسیون کشاورزی حزب ایران^۱

در اثر انتشار آگهی‌های مربوط به تشکیل کمیسیون کشاورزی حزب ایران در تاریخ ۱۳۲۵/۱/۳۱ که اکثر علاقمندان و کارمندان وزارت کشاورزی

۱. همان، ش ۱۳۵، ۱۳۲۵/۲/۱۵، ص ۳

عضو حزب حضور به هم رسانیده بودند، پس از آنکه مذاکرات کلی و مفصلی در اطراف اوضاع کشاورزی ایران و مخصوصاً اصلاحاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، به عمل آمد، به اکثریت آراء قرار شد تا هنگامی که شعب مختلفه کمیسیون نامبرده برای بررسی شئون مختلفه کشاورزی کشور تشکیل گردد، برای به جریان انداختن کارهای مربوط به کمیسیون، از بین اعضای حاضر ۵ نفر به نام اعضای شورای کشاورزی حزب انتخاب شود تا هر چه زودتر وظایف و طرز انتخاب اعضای شورای دائمی کشاورزی حزب را تعیین و برای تصویب در مجمع عمومی کشاورزی حزب تهیه نمایند. موعد تشکیل جلسه چهارروز قبل از انعقاد در روزنامه رسمی حزب (جبهه) آگهی خواهد شد. آگهی مزبور شرط رسمیت یافتن جلسه بوده و تصمیمات متخذه در آن جلسه قطعی خواهد بود. آقایان مهندس گریست، مهندس تشکری، حسن معارفی، دکتر ناصح و مهندس جعفر نراقی که به اکثریت آراء به طور موقت انتخاب شدند، مامور اجرای مفاد این صورت جلسه گردیدند.

۱۷

سخنرانی در کانون تکنیسین‌های راه آهن^۱

به موجب دعوت قبلی روز دوشنبه ۱۳۲۵/۲/۹ جلسه‌ای با حضور جمع زیادی از تکنیسین‌های راه آهن در محل کانون تشکیل گردید. ابتدا آقای فرهنگ ریمن نطق جامع و مؤثری در خصوص (وظیفه جوانان) ایراد نمودند که بی‌اندازه مورد توجه واقع شد. سپس آقای معینیان راجع به اصلاحات راه آهن صحبت نموده و لزوم تصفیه فوری بنگاه را از بعضی

۱. همان، ش ۱۴۵، ۱۳۲۵/۲/۱۸، ص ۳

عناصر ناصالح متذکر گردیدند. جلسه در ساعت ۷ بعد از ظهر خاتمه یافت.

۱۸

کمیسیون راه آهن^۱

برای تشکیل کمیسیون راه آهن بنا بر دعوت قبلی دیروز [سه شنبه ۲۵/۲/۱۷] جلسه عمومی کارکنان راه آهن عضو حزب در باشگاه حزب تشکیل گردید. نخست آقای فرهنگ ریمن بیاناتی در پیرامون لزوم حفظ و اصلاح و کمک به پیشرفت امور اداره راه آهن ایراد و سپس برنامه اولیه کمیسیون راه آهن را به شرح ذیل پیشنهاد نمودند:

۱. حصول شناسائی بین رفقای حزبی در راه آهن به منظور تشریک مساعی در راه انجام وظایف حزبی در محیط کار اداری و تامین تعاونی مشترک.

۲. مطالعه در اصلاح امور راه آهن و تهیه طرحهای لازم به منظور ادامه بهترین راه اداره راه آهن.

۳. مبارزه با مفاسد بنگاه راه آهن و اقدام در طرد دزدان و عناصر فاسد از بنگاه، به وسیله افشای مفاسد و کشف دزدیها و سوءاستفادهها.

۴. پشتیبانی از کارمندان صالح و لایق راه آهن اعم از اینکه عضو حزب باشند یا نباشند.

۵. مراقبت در ورود کارکنان راه آهن به حزب.

۶. تقویت از اعضای حزب که مشاغل مؤثر در اداره راه آهن دارند، به منظور اصلاح راه آهن و تصفیه آن از عناصر فاسد.

سواد فوق مورد موافقت عموم هم‌مسلمانان واقع شد و [در ادامه] بیاناتی از طرف آقایان گلستانه، صدقیانی و مهندس قرشی در پیرامون اقداماتی که باید برای پیشرفت حزب ازدیاد نیرو و کمک به اصلاح راه‌آهن ایراد گردید. با توجه به اشکالات موجوده برای پیشرفت این منظور عموم هم‌مسلمانان در این مسئله متفق‌القول بودند که: ایمان بزرگترین پشتیبان و وسیله پیشرفت کارهای حزب [است]. جلسه در ساعت هفت پایان یافت و [جلسه بعدی] به روز سه‌شنبه آینده موکول گردید.

۱۹

امتیازاتی که به آذربایجان داده می‌شود باید:^۱

۱. جنبه اصلاحاتی داشته باشد.
۲. تعمیم آن به تمام کشور میسر باشد.
۳. هیچ‌گونه لطمه به تمامیت و استقلال ایران وارد نسازد.

۲۰

مبانی اقتصادی مرام حزب ایران^۲

نگارش علی میرفندرسکی

وضع آشفته امروزی ایران و فساد و هرج و مرج در دستگاه حکومت به قدری آشکار است که جای انکار نیست و به قول معروف به قدری شور

۱. همان، ش ۱۴۴، ۱۳۲۵/۲/۱۷، ص ۱

۲. همان، ش ۱۴۸، ۱۳۲۵/۲/۲۲، ص ۱ و ۳

شده که حتی خان هم فهمیده و ما احتیاجی نداریم که قلم به دست گرفته و مو به مو نواقصی را ذکر کنیم چه، به هر جایی که دست می‌گذاریم، می‌بینیم که چنان کارها نابسامان و اوضاع پریشان است که نمی‌توان گفت شباهت به کار و امور زندگی یک قوم زنده دارد. در اینجا فقط به بحث در اطراف تأثیر این فساد و عوامل اصلی آن در روحیه و معنویات قوم خود می‌پردازیم.

کسانی که از نزدیک با مردم ایران حشر داشته‌اند، اظهار می‌دارند که ایرانی یک عیب بزرگ دارد و آن خیال‌بافی و دروغ‌گویی اوست. می‌دانید ایرانی چرا خیال‌باف و دروغگو شده است و همیشه در عالم اوهام و رویا و خیال زندگی می‌کند. علت آن این است که مردم این قوم اغلب فقیرند و به علت کمی تولید و نداشتن ثروت کافی برای مصرف، نمی‌توانند به اندازه حوائج طبیعی خود کالای عادی و محسوسی فراهم کنند و چون در دنیا به این کالا دست نمی‌یابند ناچارند دوزخ موجود را به بهشت موهوم تبدیل کنند. به قول شاعر در جهان از جهان بی‌خبر باشند و دست به دامن مخدر و مسکر بزنند. این اعرافی را بر خود مایه تفاخر بشمارند و اعصاب خود را ضعیف و خسته کنند و چون اعصاب و قوای دماغی ضعیف شد و انس و عادت پیدا کرد که به جز مرهوم نیاندیشد، قهراً این عالم مجازی ذهنی در زندگانی مادی او هم داخل شده و حتی بی‌سوءنیت دروغ می‌گوید. در عالم رویا می‌افتد و به جای کارکردن خمیازه می‌کشد. چرا؟ چون فقیر است. چرا فقیر است؟ علت آن را بعداً ذکر خواهیم کرد.

نقص دوم روانشناسی توده ایران، سستی و بی‌حالی و قضا و قدری و اتکایی بودن او است. اگر قبول کنیم که ادبیات هر قوم آئینه تمام‌نمای روحیات آن قوم می‌باشد، آن وقت است که باید اقرار نمائیم که این شاهکارهای جاودان ادب که گنجینه‌گرانهای زبان پارسی است، جز دلیل انحطاط معنوی یک قوم که استعداد زنده شدن را دارد، نیست. سرتاسر ادبیات ما را این معنی گرفته است:

ما که دادیم دل و دیده به طوفان بلا

گویا سیل غم و خانه زبنیاد ببر!
 واقعاً که مصداق این بیت در روحيات امروزی ایرانیان آشکار است.
 طوفان بلا آذربایجان و کردستان و خوزستان و فارس و سراسر ممالک
 محروسه گل و بلبل را فرا گرفته و یگانه دلخوشی این قوم برهنه خوشحال،
 یعنی وحدت ملی چند هزار ساله او را تهدید می‌کند و به جز عده
 معدودی همه درویش‌وار قلیان حشیش بدست، تکیه بر مخده زده و سر
 تکان داده و صوفی مآب می‌گویند:

گویا سیل غم و خانه زبنیاد ببر!

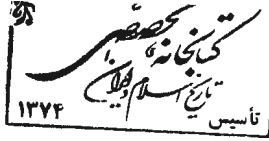
این نقص را اگر جستجو کنیم و این علت اساسی فساد را اگر تحلیل
 نمائیم باز می‌بینیم این سستی یک منشاء مادی و مربوط به شیوه تولید
 دارد. شیوه تولیدی فلاحتی نمی‌تواند به مقدار کافی مواد برای مصرف ما
 فراهم آورد. این مواد کم هم عادلانه توزیع نمی‌شود. یکی از سیری جان
 می‌دهد و دیگری از گرسنگی. یکی از تمام لذات زندگانی مادی
 برخوردار است بدون آنکه کار مولدی انجام داده باشد، دیگری هم
 خشت بر زیر سر و بر تارک هفت اختر پای. نتیجه‌اش عدم علاقه به دنی
 دنیای دون‌پرور می‌گردد.

چرا پی کار مولد بروند، وقتی که می‌بیند فلان دزد، بی‌رنج، هزار برابر
 آن‌ها مزد گرفته است. چرا پی کار بروند وقتی که می‌بیند ارزش کار صادق
 هدایت و پرویز محمود و مهندس ارجمند کمتر از ارزش یک احتکار
 ساده فلان عمده‌التجار است. چرا پی کسب علوم مثبت بروند، وقتی که
 می‌بیند مثلاً دکتر شهید نورانی، از ایران همه می‌دانیم چرا فرار کرده.
 وقتی که اقبال و توجه عمومی از کار مولد برگشت و وقتی که بازار احتکار
 و تجارت و ارتشاء و اختلاس رایج شد، سستی و بی‌حالی و درویشی و
 قلندری رواج پیدا می‌کند. پس باید قبول کرد که برای اصلاح این عیب

روحي هم بايد روش توليدي را عوض كرد و توليد صنعتي را جانشين آن نمود.

همچنين ساير نواقصي زندگي ما از قبيل بهداشت و پائين بودن سطح فرهنگ و بي سوادى همه معلول فقر ما است. يك نکته را هم قبل از پايان اين بحث بايد تذكر بدهم و آن اين است كه عده‌اي در رژيم فعلى ما براي يك رژيم اقتصادي عاليترى تربيت شده‌اند. به قول يك از دوستان نگارنده، چاه نكننده منار دزدیده‌اند. يك گروه عظيمي از مهندس و دكتور حقوق و اقتصاد و جامعه‌شناسي و غيره تهيه شده‌اند كه مانند ماهي بي آب در رنج و زحمت هستند. اين هم يك مسئله مشكل براي امروز ما شده است. گروه عظيم از اين مردم ناراضى در احزاب ايران و توده جمع شده‌اند و با شرايط مادي و نامساعد محيط مبارزه مي‌كنند و اغلب هم در ادارات به كارهاي اداري غير حقيقي مشغولند و مانند ماهي در لجن‌زار شده‌اند كه نه از بي آبي بميرند و نه از آب بتوانند شرايط زندگي خود را تامين كنند. و اين گروه رنج مي‌كشند و مي‌سوزند و مي‌سازند و به اميد عوض كردن سيستم اقتصادي مبارزه مي‌كنند. عوامل سياست خارجي استعماري و داخلي استثماری را كه مانع خود مي‌بينند، به باد ناسزا مي‌گيرند و در رنج و تعب هستند و سعی به متشكل كردن گروه كارگران مي‌نمايند، تا بعد چه پيش آيد و بتوانند بكنند. اما همين قدر از كليه عوامل بر له مقصود خود استفاده مي‌كنند.

روش توليدي ايران بايد تغيير كند كه خواهد كرد. تا اينجا به اين نتيجه رسيديم كه روش توليدي ما غلط و دستگاه اقتصادي ما فاسد است. در اينجا هم مي‌خواهيم اثبات كنيم كه اين روش بايد عوض شود و به حكم جبر و علم خواهد شد. جاي اثبات اين مسئله اينجا نيست و در علوم اقتصاد و جامعه‌شناسي ثابت شده است كه روش توليدي يك امر ثابت و پابرجا نيست و در طی تكامل خود به مرحله تغيير و انبساط مي‌رسد و



بالاخره با یک حرکت انقلابی متحول می‌گردد. منتهی در کشورهای فلاحتی امروز یک مانع برای رشد آزاد این انقلاب است و آن سیاست‌های استعماری است که نمی‌خواهند و نمی‌توانند صنعتی شدن ما را ببینند. اگر امروز ایران با یک صنعت مترقی و مولدی، مصرف پارچه و اتوموبیل خود را فراهم کنند، دیگر برای کالاهای ساخته شده از طرف کارخانه‌های پارچه‌بافی انگلیسی و اتوموبیل‌سازی آمریکا یک بازار ۱۵ میلیون نفری از بین رفته است.

اما اگر آن‌ها بخواهند همچنان ما را فلاحتی نگاه دارند، قوه خرید ما بتدریج تحلیل رفته و کالای آن‌ها فروش نخواهد رفت و دچار بحران اقتصادی خواهند شد. اینجاست که امپریالیسم و سرمایه‌داری در تناقضات حاصله از خود، خواهد سوخت. و دیر یا زود سایه مبارک خود و دست پروردگان خود را از سر ما کم خواهد کرد. آن وقت است که پس از آنکه کار به پریشانی کشیده شد، به سامان خواهد رسید و نسل حاضره باید کلیه شدائد و مبارزات را برای ایجاد آن محیط مطلوب تحمل کند و تا آنجا که پیدا است، خواهد کرد. این همه داد و فریاد که امروز گوش ما را کر کرده و از حلقوم توده روشنفکر ایرانی بلند می‌شود، دلیل آن است که تعصبی برای احساس ناملایمات هست. دلیل آن است که ما زنده‌ایم، که می‌توانیم رنج و درد را احساس کنیم. دلیل آن است که ما می‌خواهیم این دستگاه فاسد را به دور اندازیم و با عوامل مخالف مبارزه کنیم و چون مبارزه ما یک مبارزه ارتقاعی است و به منظور تهیه یک راندمان بیشتر و مترقی‌تری است، مانند کلیه هدف‌های مترقی- و ضد ارتجاعی جهان به نتیجه خواهد رسید.

حزب ایران معتقد است که هر وضع سیاسی یا اجتماعی در ایران پیش آید، باید بر پایه‌های محکم اقتصادی بنا شده باشد. گفتیم که فساد در ایران قبل از هر چیز وابسته به عوامل اقتصادی و فقر است و گفتیم که

دستگاه اقتصادی ما ناقص است و باید تغییر بکند و خواهد کرد. گفتیم که گروهی از کسانی که در ایران هستند که برای یک دستگاه عالی تر پرورش یافته‌اند و نمی‌توانند در این سیستم ناقص زندگی کنند. برای آن‌ها بازگشت به شرایط زمانی محمدخاقان مغفور غیرممکن است، درست مانند تشبیهی که کرده‌ایم. این دسته مانند ماهی‌هایی هستند که در لجن‌زار به امید آب شنا می‌کنند و مبارزه می‌نمایند که آبی به دست آورند و از قضا آب ندارند و گرنه شناگران قابلی هم هستند. این گروه از کسان چون از مبارزه فردی نتیجه نگرفته‌اند، امروز دور هم جمع شده‌اند و می‌خواهند با اجتماع [کردن]، نیروئی به دست آورند. این گروه امروز اغلب زیر پرچم حزب ایران دست به کار مبارزه با عوامل نامساعد هستند و مبارزه آن‌ها به منظور برقراری یک دستگاه مترقی اقتصادی است و آن‌ها هیچ اصلاحی را به دلایل علمی و عقلی که شمه از آن ذکر شد، مادام که بر پایه‌های محکم اقتصادی و شالوده مبارزات اجتماعی بنا نشده باشد، را قبول ندارند و معتقدند که باید برای برقراری یک صنعت بزرگ متناسب با اوضاع و احوال و شرایط ایران باید جهاد کرد. این است مبارزه حقیقی ما.

۲۱

اعلامیه^۱

با اوضاع حاضر، صنایع کشور دستخوش اختلال و در شرف اضمحلال می‌باشد، چنانچه اقدامات فوری برای حفظ و تقویت صنایع به عمل نیاید، بزودی اقتصاد کشور دچار شکست قطعی خواهد شد. از این لحاظ جمعیت‌ها و احزاب امضاءکننده این اعلامیه برای نگهداری و پیشرفت

صنعت اقدامات ضروری زیر را از هیات دولت خواستارند و تا آخرین درجه قدرت خود متفقاً از آن پشتیبانی خواهند نمود:

۱. اندوخته ارزی کشور برای کارهای مولد ثروت اختصاص داده شود و جز در موارد ضروری و حیاتی به مصارف دیگر نرسد.

۲. به منظور حمایت از مصنوعات داخلی و جلوگیری از سوءاستفاده واردکنندگان، پروانه‌های وارداتی و سهمیه‌های بازرگانی با رعایت میزان مصنوعات داخلی و حداقل احتیاجات صادر شود و اجناسی که هنوز به بازار داخلی نرسیده، تحت کنترل قرار گیرد.

۳. مؤسسات صنعتی هر چه زودتر اصلاح و تکمیل شود.

۴. مؤسسات صنعتی شخصی تحت کنترل دقیق قرار گرفته و برای ادامه کار آن‌ها اقدام مؤثر به عمل آید.

۵. ایجاد صنایع سنگین که به منزله پایه صنعت و پیشرفت کشاورزی می‌باشد، در برنامه صنعتی وارد و مطالعه لازم در این خصوص به عمل آید.

۶. قانون و آیین نامه‌های معادن برای تأمین منافع عمومی مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

۷. برای جلوگیری از اقداماتی که محتمل است، نسبت به اقتصادیات کشور زیان‌بخش واقع شود، باید هرگونه نقشه یا پروژه اقتصادی قبل از عمل به معرض قضاوت افکار عمومی گذارده شود.

برای انجام منویات فوق، کارشناسان ما در «جبهه حمایت صنایع داخلی» بزودی طرق عملی و مناسب را پیشنهاد خواهند نمود.

ما انتظار داریم که هیات دولت قدمهای مؤثر در راه اجرای این نظریات که صرفاً به منظور حفظ بنیه اقتصادی کشور است، بردارد.

کمیته مرکزی حزب توده، دکتر کشاورز

کمیته مرکزی حزب ایران، مهندس حق‌شناس

شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران،
روستا
هیات مرکزی کانون مهندسين، مهندس پرخیده و مهندس گزیده‌پور
شورای مرکزی سندیکای مهندسين و کارکنان فنی، مهندس زنجانی و
مهندس زاوش

۲۲

انجمن جوانان^۱

عصر دیروز [۲۵/۳/۴] پنجمین جلسه انجمن جوانان روشنفکر به منظور
انتخاب عناصر صالح برای پانزدهمین دوره انتخابات در منزل آقای
پورفردوسی تشکیل شد. آقای ارسلان خلعتبری هم‌مسلك محترم ما در
باب خدمات نیاکان و رجال سیاسی ایران در گذشته و آقای خلعتبری در
موضوع معرفت الروح و اصلاحات اساسی در وضع بهبود افکار عمومی
و عظمت ایران سخنرانی‌های مؤثری نمودند.

۲۳

دستورهای حزبی^۲

– جلسه بحث و انتقاد مخصوص دانشجویان و جوانان و دانش‌آموزان و
کسانی که می‌خواهند به اصول مرام حزب ایران آشنا شوند، روزهای
پنج‌شنبه از ساعت ۵/۵ بعدازظهر دایر است.

۱. همان، ش ۱۶۰، ۱۳۲۵/۳/۵، ص ۲

۲. همان، ص ۴

- حوزه ۱-۱۴ هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۵/۵ بعدازظهر در محل مقرر تشکیل می شود. حضور اعضاء اجباری است.
- کمیسیون راه آهن: جلسه عمومی کارکنان راه آهن عضو حزب فردا [دوشنبه] ساعت ۵/۵ بعدازظهر در باشگاه حزب تشکیل می شود.
- سخنرانی کار و کارگران : ساعت ۷ بعدازظهر فردا [دوشنبه] آغاز خواهد شد. از عموم علاقمندان و رنجبران دعوت می شود.
- حوزه شماره ۱۹: روز سه شنبه ۲۵/۳/۷ ساعت ۶ بعدازظهر تشکیل می شود.

۲۴

سرود حزب ایران^۱

سرود حزب ایران را که مدتی است در باشگاه حزب تمرین می گردد و با اشتیاق تمام، اعضای حزب آن را می خوانند به اطلاع خوانندگان عزیز و علاقمندان به حزب ایران می رسانیم.

بند اول

به پیش، به پیش، ای جوانان میهن پرست
دلیران از جان خود شسته دست
به پیش، به پیش، ای هنرمند بازو قوی
ندای وطن را مگر نشنوی
به پیش ای زنان سیه رخت و بخت
که باید برون برد از این ورطه رخت

۱. همان، ش ۱۶۱، ۱۳۲۵/۳/۶، ص ۴

به پیش ای ستمدیده دهقان پیر
بکف جای داس، این زمان تیغ گیر
بود، بود روز پاداش وقت درو
به صف رنجبر، پیشه‌ور، پیش‌رو

بند دوم

بسی رنج بردی به امید گنج
کنون گنج یابی بدان برده رنج
سر پر بها را مده رایگان
به دست ددان و فرومایگان
بود بندگی در خور بندگان
بزرگی سزاوار آزادگان
که مردن به از زنده در بندگی ست
که آزادگی مایه زندگی ست
بود، بود مرگ خوشتر از این زندگی
که آزاده گیرد ره بندگی

بند سوم

همین پرچم سبز و سرخ و سفید
نشانی ز پیروزی است و امید
چو رخشد بر او خیره شد چشم شیر
بلرزد تن شیر شرزو چو بید
پسی دفع بیداد ضحاکیان
بمدین کـاویانی درفش کیان

قسم یک دل و یک تنه کرده یاد
که گر نبود ایران تن من مباد (۲ مرتبه)

بند چهارم
با خون خود نوشته‌ایم
ما خود زجان گذشته‌ایم
از تیغ دشمنان دون چه باک
بکشند اگر به قصد هلاک
یک عشق مقدس و پاک
یعنی عشق به آب و خاک
همواره رهنمای ما بود
در طوفان ناخدای ما بود (۲ مرتبه)

۲۵

در کانون تکنیسین‌های راه آهن^۱

به موجب وقت قبلی که تعیین شده بود روز شنبه ۲۵/۳/۴ آقای مهندس مصدق رئیس کل بنگاه راه آهن به اتفاق آقای فرهنگ ریمن منشی مخصوص کل بنگاه، در کانون تکنیسین‌های راه آهن حضور بهم رسانیده و مدتی در خصوص نظریات اصلاحی هیات مدیره کانون مذاکره و تبادل نظر نموده و قول دادند که در اولین فرصت برنامه اصلاحات و پیشنهادات کانون را به منظور پیشرفت راه آهن به مورد اجرا بگذارند. ضمناً مقرر شد که هر چند [گاه یک] بار از این گونه جلسات همکاری تشکیل گردد.

۱. همان، ش ۱۶۲، ۱۳۲۵/۳/۷، ص ۲

۲۶

جناب آقای نخست‌وزیر^۱

کمیسیون راه آهن حزب ایران تنفر و انزجار شدید خود را از اقدام آقای مشایخی شهردار تهران در برکناری هم مسلک عزیز خود، آقای مهندس معتمد که از جوانان تحصیل کرده و جدی و پاکدامن ایران بوده و در مدت تصدی اداره کل برق نیز با کمال جدیت و درستی وظایف خود را انجام داده است، ابراز و انتظار داریم که دستور مقتضی برای جبران این عمل که توهین بزرگی به طبقه تحصیل کرده و عموم آزادیخواهان به شمار می‌رود، صادر فرمائید. مخصوصاً از آن جناب خواهانیم در صورتی که ایشان قصوری در انجام وظایف خود نموده‌اند، طبق مقررات قانون مورد تعقیب قرار گیرند و الا رویه شهردار تهران مورد اعتراض شدید ما است.

ضمناً از کارگران و کارمندان مبارز و حق شناس کارخانه برق که به عنوان اعتراض اعتصاب نموده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

کمیسیون راه آهن حزب ایران

۲۷

آگهی^۲

برای تنویر افکار عمومی، حزب ایران در گز اقدام به تأسیس قرائت‌خانه عمومی نموده و بدینوسیله از عموم جراید آزادی خواه تقاضا می‌شود که یک شماره از روزنامه خود را به نام قرائت‌خانه ایران، در گز، ارسال فرمایند. در گز، قرائت‌خانه ایران

۱. همان، ش ۱۶۳، ۱۳۲۵/۳/۸، ص ۱

۲. همان، ش ۱۷۰، ۱۳۲۵/۳/۱۶، ص ۳

۲۸

آگهی^۱

به منظور تهیه نقشه برای حمایت از صنایع داخلی و همکاری بیشتر در این زمینه، تشکیلات حزب توده ایران، حزب ایران، شورای متحده مرکزی، کانون مهندسين و سندیکای مهندسين و کارکنان فنی، تشکیل جبهه‌ای به نام جبهه حمایت صنایع داخلی داده و از عموم اعضا وابسته به تشکیلات خود درخواست می‌نماید هرگونه نظری که در این قسمت دارند را هر چه زودتر به دبیرخانه جبهه واقع در سندیکای مهندسين و کارکنان فنی ارسال دارند.

جبهه حمایت صنایع داخلی

۲۹

فراکسیون لیسانسیه‌های حقوق^۲

اولین جلسه فراکسیون لیسانسیه‌های حقوق عضو حزب ایران در ساعت ۷ بعدازظهر روز ۲۵/۳/۲۰ تشکیل و قرار شد جلسات هر هفته و مرتباً در ساعت ۷/۵ بعدازظهر روزهای چهارشنبه تشکیل شود.

۳۰

[مقاله] افراد هم‌مسلك تا دم مرگ با هم متحدند.^۳

نوشته محمد نخشب

در اجتماعات امروز طرفداری از یک مسلك و مرام صورت زشت و

۱. همان، ش ۱۷۱، ۱۳۲۵/۳/۱۷، ص ۴

۲. همان، ش ۱۷۹، ۱۳۲۵/۳/۲۷، ص ۲

۳. همان، ش ۱۸۲، ۱۳۲۵/۳/۳۰، ص ۱ و ۴

ناپسندی به خود گرفته [به نحوی] که اعتماد مردم را از حزب و سیاست و مسلک سلب کرده است. ادامه این روش باعث شکست نیروهای مترقی و اصلاح طلبان واقعی است. تغییرات گوناگون و در عین حال تسریعی که در عقاید و افکار افراد ایجاد می‌گردد، نشانه بارز و کاملی از عدم ایمان و عقیده در آن افراد است. در شرایط فعلی همه آزادی خواه هستند. همه از سوسیالیزم طرفداری می‌کنند. همه سنگ توده‌های زحمتکش و رنجبر را به سینه می‌کوبند. ولی اوضاع اجتماعی و بدبختی‌های روز افزون ما، شدت دزدی و ارتشاء و اختلاس، همه ثابت و مدلل می‌سازند که در این مملکت آزادی خواه واقعی بسیار نادر و کمیاب است؛ آزادی خواهی که آزادی را به خاطر آزادی و سعادت نوع مردم و رستگاری توده‌های بدبخت بخواهد. آزادی خواهی که صرف نظر از منافع مادی و شخصی خود، طرفدار سعادت و خوشبختی اکثریت مردم باشد.

در زمان قائد عظیم‌الشان تملق و چاپلوسی به اوج رفعت رسیده بود و هرکس می‌کوشید با چکمه‌بوسی و خودفروشی برای کسب منافع مادی به دستگاه حکومتی نزدیک شود. در آن هنگام همه شاه‌پرست بودند و همه شاه را می‌ستودند و همه بقا و سعادت پدر تاجدار را آرزو می‌کردند. مقصود از این بحث و پیش آوردن این مبحث روشن ساختن فکر مردم به واقعیت و حقیقت است که صرف نظر از الفاظ ظاهری و نام‌های زیبا و قشنگی که افراد برای خود انتخاب می‌کنند و برای پیشرفت‌های سیاسی و جلب نظر مردم به این سو و آن سو می‌زنند، طرز فکر و شخصیت واقعی افراد را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند.

متأسفانه در کشور ما به قدری قحط‌الرجال است که بعضی افراد صرفاً به مناسبت این‌که دزدی نکرده‌اند و یا خیانتی به کشور خود نکرده‌اند، مورد توجه و علاقه تمام مردم قرار می‌گیرند. این نهایت نادانی است که افراد را صرف نظر از مرام و مسلک واقعی آنان، صرف نظر از طرز فکر

آنان و بالاخره بدون توجه به مقصد و هدف آنان، مورد احترام و ستایش قرار دهیم. شک نیست افراد صالح و پاکدامن بسیار عزیز و ذی‌قیمتند. ولی این مطلب باید از هم باز شود که چگونه باید فکر کرد تا صالح و پاکدامن بود. باید به حال مردم تیره‌روز این کشور دلسوز بود. باید وطن‌پرست و ملت‌خواه بود تا از دزدی و خیانت نسبت به این مردم خودداری شود. باید از این طرز فکر در تمام مردم ایجاد شود تا همه صالح و پاکدامن شوند. افرادی که واقعاً طرفدار ملیت و قومیت ایران باشند و مسلک و مرام خود را بر نجات پانزده میلیون گرسنه و بدبخت استوار سازند، تا دم مرگ با هم متحدند و هرگز مانند یک پرگاه بازیچه طوفان حوادث نمی‌شوند.

۳۱

انتخابات کمیته مرکزی حزب ایران^۱

در جلسه روز سه‌شنبه ۲۸ خرداد اعضای دائم حزب، کمیته مرکزی حزب ایران به ترتیب زیر انتخاب شد:

آقای صالح، آقای مهندس فریور، آقای صادقی، آقای دکتر سنجابی، مهندس حق‌شناس، دکتر عالمی، دکتر جناب، مهندس معتمد، پورسرتیپ، مهندس زیرک‌زاده، مسعود زنگنه

و نیز در جلسه ۵شنبه ۳۰ خرداد، کمیته مرکزی از بین خود پنج نفر آقایان زیر را به اسم هیات سیاسی کمیته مرکزی انتخاب نمود:

آقای صالح، مهندس فریور، آقای صادقی، دکتر سنجابی، مهندس زیرک‌زاده

۱. همان، ش ۱۸۳، ۱۳۲۵/۳/۳۱، ص ۱

اعلامیه جبهه موتلف احزاب آزادی خواه^۱

در این هنگام که توده‌های جهان برای تکریم اصول مقدس آزادی و تثبیت حقوق مسلم بشری مبارزات وسیع و منظمی می‌کنند و در غالب کشورها نیروی شیفتگان عدالت بر قدرت شوم دشمنان انسانیت و مدعیان جور و ستم پیروز شده است، ما احزاب امضاءکننده زیرین که در طریق نجات ملت و تعالی میهن و در راه اجرای اصلاحات اساسی اجتماعی در ایران می‌کوشیم، به منظور سرکوبی نیروی ارتجاع و محور نفوذ استعمار و تقویت جبهه آزادی‌خواهان، موتلف شده، جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه را تشکیل داده و در نکات زیرین توافق می‌کنیم:

۱. جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه در سیاست داخلی روش مشترک بر پایه شکست کامل عناصر ارتجاعی یعنی مزدوران استعمار و مخالفین اصلاح و آزادی و ترقی ملت ایران، در پیش می‌گیرد.

۲. جبهه موتلف آزادی‌خواه در سیاست خارجی خط مشی مشترک براساس استقلال سیاسی و اقتصادی و قلع ماده وابستگی و تقویت روابط حسنه دولت ایران با کلیه دولت‌هایی که موافق با هدف‌های مترقی و آزادی‌خواهانه ملت ایران هستند، اتخاذ می‌نمایند.

۳. احزاب امضاءکننده این اعلامیه از اقدامات میهن‌پرستانه یکدیگر تقویت نموده و از هرگونه عملی که منجر به ضعیف [شدن] یکدیگر شود، خواه از لحاظ سیاسی و خواه از لحاظ تشکیلاتی خودداری خواهند کرد و سعی خواهند نمود به وسیله ایجاد کنفرانس‌ها و مجالس مشترک رشته‌های صمیمیت و تفاهم را بین اعضاء احزاب عضو جبهه موتلف محکم‌تر سازند.

۱. همان، ش ۱۸۸، ۹/۴/۱۳۲۵، ص ۱ و ۴

۴. جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه برای تأمین رفاه و آزادی کارگران تصمیماتی اتخاذ خواهند نمود که وجود کارگران در احزاب موتلف باعث تضعیف شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران که یگانه تشکیلات سندیکای واقعی کارگران ایران است، نگردد.

جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه از شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران به عنوان تنها تشکیلات رسمی کارگران ایران با تمام قوا پشتیبانی و تقویت خواهد نمود.

۵. جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه برای اتخاذ تاکتیک مشترک در کلیه وقایع مهم سیاسی، جلساتی تشکیل و کلیه مسائل را بین خود حل کرده و روش هم‌آهنگی در پیش می‌گیرد.

۶. جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه همکاری احزاب و جمعیت‌ها و نویسندگان جراید و عناصر آزادی‌خواه را پس از تصویب جلسه مشترک با نهایت علاقه می‌پذیرد و از کلیه آزادیخواهان انتظار دارد که برای محو سریع سیاست استعمار و شکست حتمی ارتجاع و اجرای عملی اصلاحات و ترقی و نجات ملت ایران، این جبهه را تقویت کنند.

ما اطمینان داریم که نیروی مشترک ما به اضمحلال دشمن که هم‌اکنون زخم‌هایی برداشته ولی از پای در نیامده، کمک خواهد کرد. امید داریم که جبهه موتلف ما موجد دوران جدید و پرافتخاری در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه ملت ایران گردد.

پیروزمند باد جبهه موتلف احزاب آزادی‌خواه
جاوید باد ایران، وطن تاریخی و پرافتخار ما -

محو باد استعمار و ارتجاع

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب ایران

۳۳

اخراج از حزب [ایران]^۱

آقایان : علی رضا صاحب، فرج‌اله باغی، محمدنخشب، ضرابی، جعفر شهیدی به علت عدم رعایت دیسپلین حزبی از عضویت حزب ایران اخراج شدند.

۳۴

حزب ایران^۲

به جای آقای صادقی که از عضویت حزب استعفاء داده‌اند، آقای مهندس جهانگیر حق‌شناس به عضویت هیات سیاسی انتخاب شدند.

۳۵

[مقاله] یک حزب سیاسی نمی‌تواند منحرف شود^۳

احزاب و جمعیت‌های سیاسی چه در کشور ما و چه در سایر کشورهای جهان به دو طریق متباین تشکیل می‌یابند. یک دسته احزاب و دستجاتی هستند که شاید اطلاق حزب سیاسی بر آن‌ها سزاوار نبوده و بهتر است که آن‌ها را دسته‌بندی سیاسی بنامیم. این دسته‌بندی‌های سیاسی یا برای حفظ منافع و مصالح افراد و اشخاص معین بوجود آمده و یا برای رسانیدن یک عده افراد و اشخاص معین به مقامات بالاتر. دسته دیگر

۱. همان، ش ۱۹۱، ۱۳۲۵/۴/۱۲، ص ۴

۲. همان، ش ۲۰۴، ۱۳۲۵/۴/۳۰، ص ۱

۳. همان، ش ۲۱۴، ۱۳۲۵/۵/۱۰، ص ۱ و ۴

احزاب و دستجات سیاسی هستند که دارای یک ایدئولوژی مشخص و معین بوده و یک عده اصول سیاسی معین آنها را بوجود آورده است. اکثریت قریب به اتفاق احزاب سیاسی بزرگ دنیا از همین دسته می‌باشند. در این مورد حزب عبارت است از یک واحد سیاسی که از یک هسته مرکزی که همان اصول سیاسی اولیه حزب می‌باشد و یک عده افراد مؤمن و معتقد به این اصول سیاسی که در پیرامون این هسته مرکزی گرد آمده‌اند، به وجود آمده است. در این گونه احزاب وجود حزب و وجود آن ایدئولوژی اولیه‌ای که حزب را به وجود آورده است، مکمل یکدیگرند. تا روزی که افراد حزب به آن اصول اولیه معتقدند حزب پابرجا خواهد بود و روزی که ایمان افراد حزب به اصول اولیه سست گردیده و یا اصول تازه‌ای جانشین آن گردد، حزب خودبه‌خود از میان رفته و حزب تازه‌ای با یک ایدئولوژی جدید به جای حزب اولیه به‌وجود خواهد آمد.

بنابراین موجودیت یک حزب سیاسی بسته به موجودیت اصول سیاسی اولیه حزب بوده و نابودی حزب، روزی است که اصول سیاسی اولیه حزب نابود شود. تا روزی که اصول سیاسی اولیه یک حزب ثابت و پابرجا است، حزب ثابت و پابرجا می‌ماند. هیچ‌گونه پیشامد، هیچ‌گونه تغییر تاکتیک و حتی هیچ‌گونه تغییر اسمی حزب را منحرف نخواهد نمود. احزاب بزرگ سیاسی اروپا هر یک با ایدئولوژی ثابتی به وجود آمده و اصول و عقاید سیاسی اولیه بعضی از آنها تا صدها سال پیش‌بینی و مشخص گردیده است. با مختصر تاملی معلوم می‌شود که احزاب بزرگ امروزی اروپا و آمریکا همان احزاب قدیمی و کهن سالی هستند که با وجودی که در طی سالیان دراز بارها تغییر نام و تغییر تاکتیک داده‌اند ولی اصول و عقاید سیاسی اولیه خود را تا امروز حفظ نموده و بالتجربه توانستند موجودیت خود را در طی چندین قرن حفظ نمایند.

تشکیل حزب ایران نیز به همین طریق انجام گرفت. یک عده از جوانان ایرانی که دارای ایدئولوژی ثابت و مشخصی بوده و یک عده اصول ثابت و معین بر عقاید سیاسی آنها حکومت می‌کرد، گردهم جمع شده و این حزب را بوجود آوردند. آن دسته از جوانان ایرانی که اصول و عقاید سیاسی خود را در هیچ یک از احزاب سیاسی موجوده نمی‌یافتند، به ناچار حزب ایران را تشکیل داده و موفق گردیدند که افراد دیگری را که کمابیش دارای همین عقاید و نظریات بودند در زیر یک پرچم واحد گرد آورند. این اصول کلی سیاسی عبارت بودند از آزادی‌خواهی و میهن‌پرستی. حزب ایران از افرادی بوجود آمد که در عین حال هم آزادی‌خواه بودند و هم میهن‌پرست. در اینجا باید به دو نکته حساس توجه نمود:

نکته اول: عبارت از این است که چنین حزبی با چنین اصولی، خواهی نخواهی در ایران بوجود می‌آید و اگر افراد موسسین حزب ایران فعلی در این کار پیشقدم نمی‌شدند، افراد دیگری و شاید در تحت نام دیگری این حزب را به وجود می‌آوردند. در هر حال با توجه به اصل کلی پیدایش اصول سیاسی و تشکیل احزاب، پیوستگی این دو عامل که قبلاً نیز به طور مختصر به آن اشاره کردیم، لزوم تشکیل یک حزب سیاسی با این اصول و عقاید در ایران لازم و حتمی بود. کما اینکه امروز نیز وجود چنین حزبی به همان درجه لازم و واجب است.

نکته دوم: عبارت از اینکه ممکن است دو یا چند حزب سیاسی در عین حالی که دارای اصول و عقاید سیاسی جداگانه هستند، هدف و نظر اصلی آنها یکی باشد. در هر حال قبول اصول سیاسی متفاوت مستلزم انتخاب هدف‌های سیاسی متفاوت نیست. مثلاً ممکن است حزب ایران در عین حالی که در اصول و عقاید سیاسی نظریات ثابت و مشخصی دارد، همان هدفی را داشته باشد که احزاب سیاسی دیگر دارند و اگر

برای رسیدن به این هدف واحد با سایر احزاب همکاری نماید، نباید تصور شود که از اصول سیاسی خود منحرف شده باشد.

[ادامه مطلب]

در شماره دیروز به طور مختصر دیدیم که آزادی خواهی و میهن پرستی دو اصل اولیه‌ای بودند که حزب ایران را به وجود آورد و هر حزب دیگری که با این اصول اولیه بوجود آید، تحت هر اسم و عنوانی که باشد از این حزب جدا نبوده و چنانچه درباره سایر احزاب متفق‌المرام دیدیم خود به خود به حزب ایران ملحق خواهند گردید.

باری شرایط محیط و وضع به خصوصى که کشور ما چه از جهت سیاست داخلی و چه از جهت سیاست خارجی داشت و بالاخره اصول و عقایدی که متجاوز از چند هزار سال بر احساسات ملت ایران حکومت می‌کرد، به وجود آمدن چنین حزبی را ایجاب می‌نمود. حزب ایران در چنین محیط و چنین شرایطی به وجود آمد. پیشرفت حزب ما در اوایل کار آنقدرها آسان نبود. اولاً در اثر یک فشار متمادی که از چندی پیش و مخصوصاً در طول قرن اخیر از طرف دول ذی‌نفوذ بر ملت ایران وارد گردیده بود، یک نوع سوءظن و بدگمانی عمیقی در قلوب اکثر افراد ایرانی به وجود آورده و اطمینان آن‌ها را از هر نوع عمل و اقدامی سلب نموده بود. البته این اشکال خیلی زودتر از آنچه تصور می‌رفت برطرف گردید و در عرض مدت بسیار کوتاهی یک نوع اعتماد و اطمینان بی‌سابقه‌ای نسبت به حزب ایران در میان کلیه طبقات مشهود گردید.

ولی اشکال دوم که قدری مشکل‌تر بوده به این آسانی برطرف نگردید. اکثر مردم ایران در قلب خود نسبت به آن دو اصل سیاسی کلی که در بالا گفته شد، مومن بودند ولی خود آن‌ها علم [نداشته] و به طور وضوح نمی‌فهمیدند که چه می‌خواهند. این حالت خیلی پیش می‌آید که

انسان چیزهائی را احساس می‌کند که نمی‌تواند تشریح نموده و مخصوصاً نمی‌تواند آن‌ها را در قالب کلمات و جملات در بیاورد. اکثر مردم قلباً آزادی خواه و میهن‌پرست هستند ولی خودشان هم درست پی به این حقیقت نبرده و مخصوصاً به واسطه جهل و بیسوادی عمومی نمی‌توانستند درک کنند که آن چیزی که آن‌ها در قلب خود دارند همان اصول اولیه‌ای است که حزب ایران قبول نموده و همان چیزهائی است که در مرانامه حزب ایران نوشته شده.

در اوایل کار، اکثر هواداران حزب ایران از طبقه روشنفکر و تحصیل کرده بودند. زیرا این‌گونه افراد زودتر و آسانتر می‌توانستند افکار و احساسات قلبی خود را با اصول و عقاید سیاسی حزب ایران تطبیق نموده و متوجه گردند که اصول و عقاید اولیه حزب ایران همان چیزی هست که آن‌ها در جستجوی آن بوده‌اند. شاید به همین علت بود که در اوایل کار بعضی‌ها به غلط تصور می‌نمودند که حزب ایران اختصاص به روشنفکران دارد.

از موضوع دور افتادیم، صحبت ما بر سر چگونگی تشکیل حزب ایران بود. همان‌طور که گفتیم حزب ایران در ابتدا با کندی و سپس با سرعت شروع به پیشرفت کرد و همین پیشرفت ناگهانی رقبا و دشمنان ما را متوحش گردانیده و آن‌ها را آماده دشمنی نمود. دشمنان ما با حربه تهمت به حمله پرداختند. ناگفته نگذاریم که آن‌ها بهترین راه را برای حمله انتخاب نموده بودند. آن‌ها فهمیده بودند که سرّ پیشرفت حزب ایران همان اصول و مرامی است که دارد و برای مبارزه با آن باید وانمود کرد که این حزب از این اصول و مرام منحرف شده است. این بود که در همه جا می‌گفتند حزب ایران به راست منحرف شده و یا خواهد شد. البته این تهمت‌ها مؤثر نشد. مردم بهتر از آنچه که خود ما تصور می‌کردیم ما را شناخته و مطمئن شده بودند که ما یک حزب سیاسی واقعی هستیم و به

همین مناسبت برای ما ممکن نیست که از اصول اولیه سیاسی خود منحرف شویم. مردم می‌دانستند که انحراف و نابودی برای ما یک معنی دارد. اگر روزی حزب ایران یک قدم از اصول اولیه که انتخاب نموده منحرف شود، نیستی و نابودی او حتمی است.

بنابراین تا روزی که حزب پابرجاست و تا روزی که افراد مومن و معتقد حزب از پیرامون حزب دور نگردیده و یا به عبارت ساده‌تر حزب ثابت و پابرجاست، نمی‌توان تصور نمود که انحرافی روی داده است. باری حربه تهمت و افتراء بدین صورت از کار افتاد ولی دشمنان ما از پای ننشسته‌اند. آن‌ها همچنین به حمله خود ادامه داده و یک روز ما را فاشیست و یک روز منحرف به راست و بالاخره امروز منحرف از اصول اولیه‌ای که موجد حزب ما بوده، معرفی می‌کنند. ولی با کمال بردباری به این‌گونه مهملات جز سکوت پاسخی نمی‌دهیم.

ما به این اصل سیاسی معتقدیم که حزب مجموعه‌ای است از یک اصل اولیه یعنی مرام حزب و یک عده افراد با ایمانی که پیرامون آن اصول اولیه گرد آمده‌اند و به هر صورت هیچ کدام از این دو عنصر به تنهایی نمی‌توانند معنای حزب داشته باشند. بنابراین کوچکترین انحرافی، نظر به اینکه ممکن است اصول اولیه حزب را از میان ببرد مستلزم نابودی حزب خواهد بود. رفقای حزبی ما بهتر از هر کسی به این حقیقت ایمان دارند. سایر افراد ایرانی مخصوصاً آن‌هایی که از نزدیک بیشتر با ما تماس دارند نیز با ما و با افراد مومن و معتقد ما هم عقیده بوده و اطمینان دارند که تاکنون انحرافی در حزب ایران روی نداده و تا روزی که این افراد مومن و معتقد در پیرامون پرچم پر افتخار حزب ایران باقی هستند، تصور امکان مختصر انحرافی نیز دور از عقل می‌باشد.

سازمان بانک صنعتی و معدنی ایران^۱

۱. مجمع عمومی: شورای عالی، هیات مدیره، مدیر عامل، بازرس دولت
۲. شورای عالی: جناب آقای وزیر دارائی، جناب آقای وزیر پیشه و هنر، جناب آقای وزیر کشاورزی، جناب آقای صادق (مستشارالدوله)، جناب آقای اللهیار صالح، جناب آقای مهندس فریور
۳. هیات مدیره: جناب آقای مهندس احمد زنگنه، جناب آقای سلمان اسدی، جناب آقای ایرج اسکندری
۴. مدیر عامل: آقای دکتر اوسیب فرید لیب صلح دوست
۵. بازرس دولت: جناب آقای هادی اشتری
۶. معاون کل: آقای دکتر محمد شاهکار
۷. معاون فنی: آقای مهندس شیرازی
۸. هیات نظارت: آقای لسانی، آقای فخرالدین وفا
۹. مستشار عالی فنی: جناب آقای مهندس علی زاهدی
۱۰. دبیرکل: آقای مهندس سعید فزونی
۱۱. شورای فنی: آقای مهندس نیرنوری
۱۲. شورای معدنی: آقای مهندس ایروانی

*

۱. دفتر: آقای صابر ابراهیمی
۲. حسابداری: آقای مبین آصف مدیر کل
۳. بازرسی: آقای رخشانی، اداری آقای مصور رحمانی، فنی آقای مهندس دبیر
۴. کارخانجات و معادن: قند، (آقای مهندس سمندری) شمال، (آقای

- مهندس آخوندزاده) مرکز، (آقای مهندس آدیش‌نیا) برنج و پنبه، (آقای دکتر شهمنش) زغال، (آقای مهندس سهرابی) معادن و فلز، (آقای مهندس اسبقی) نوغان، (آقای محمدحاتم مدیرکل)
۵. بازرگانی: آقای مهندس معظمی مدیرکل
۶. مطالعات و فنی: آقای مهندس زنجانی
۷. اداره فنی: آقای مهندس اسکندانی
۸. آمار صنعتی: آقای دکتر ارجمند
۹. کار و امور اجتماعی: مهندس زاوش
۱۰. انبارها: فنی (آقای مهندس ارقید) بازرگانی (آقای کمال هدایت) کاربردازی (آقای دکتر بینا)
۱۱. بهداشتی: آقای دکتر شریف امامی
۱۲. کارگزینی: آقای وکیل‌پور
۱۳. حقوقی: آقای فروزش
۱۴. بایگانی: آقای کاظم بایگان
۱۵. تصفیه: آقای ابوالفتح علوی مدیرکل

۳۷

شورای مرکزی جامعه مهندسين

فارغ التحصيل دانشكده فنی^۱

نتیجه انتخابات شورای مرکزی جامعه مهندسين فارغ التحصيل دانشكده فنی که در تاریخ ۱۳۲۵/۵/۱۲ به عمل آمد، به قرار زیر است:

آقایان مهندس: جعفر اسمعیل‌زاده، انشائیان، دری، درگاهی، روانی،

ریاحی، سبحانی، شمسی، عطائی، حسین کرمانی، کشاورز، کیقبادی،
ابراهیم گوهریان، تیمور گلستانی، بینی، موحد، ممتحن، سیف‌الدین
مرعشی، حسن مولوی، نوین

۳۸

متن سخنرانی جناب آقای صالح^۱

در مجلس جشنی که به افتخار نمایندگان آذربایجان در حزب توده بر پا بود. امشب از بزرگترین شب‌های تاریخی نهضت آزادی‌خواهی ایران است. من از طرف کمیته مرکزی حزب ایران اجازه دارم به میهمانان جلیل‌القدر و عزیز خودمان، نمایندگان آذربایجان، خیرمقدم بگویم. حزب ترقی‌خواه ایران از همان ابتدا، نهضت آذربایجان را با یک دنیا شعف و امیدواری تلقی کرده است. شعف و امیدواری ما روی اطمینان به اشخاصی بود که این نهضت را اداره می‌کردند. اکنون که یک سال بیشتر از آن تاریخ نمی‌گذرد و می‌بینیم که بی‌جهت اظهار اعتماد و اطمینان نکرده‌ایم. آقایان حرف خیلی زیاد زده شده است. آن حرفهایی قیمت دارد که عمل هم با آن توأم باشد. (این جمله آقای صالح تأثیر عجیبی بر روی مدعوین مخصوصاً در نمایندگان آذربایجان نمود و با کف زدن شدید استقبال شد.) وقتی رفقای آزادی‌خواه ما در آذربایجان شروع به نهضت کردند و گفتند قصد اصلاح دارند، ما اطمینان داشتیم. زیرا این حرف از دهان کسانی مثل آقای جعفر پیشه‌وری که تمام عمر خود را در راه آزادی‌خواهی صرف کرده و در تمام عمر یک کلمه مبالغه نگفته، بیرون می‌آمد. همین‌طور رفقای دیگر ایشان. یکی از مبارزین نهضت

۱. همان، ش ۲۳۳، ۱۳۲۵/۶/۷، ص ۱ و ۲

آذربایجان آقای دکتر جاوید است. دکتر جاوید را من سالها است می‌شناسم. دکتر جاوید ده سال عمر خود را در تبعیدگاه کاشان بسر برده و در آن موقع که کمتر کسی می‌توانست به مردم نزدیک شود، ایشان نزدیک می‌شدند و دانش‌پزشکی خود را به رایگان در اختیار توده فلک‌زده و بدبخت کاشان، به کاشان کوچک ولی بسیار حساس، می‌گذاشتند. همینطور آقای شبستری که دوست و دشمن تصدیق می‌کنند که از مردمان شریف آذربایجان می‌باشند. شبستری حرف کمتر می‌زند ولی عمل می‌کند. پس ما حق داشتیم به چنین کسانی اعتماد داشته باشیم.

آنان تریاک را منع و دانشگاه تاسیس کردند. اختلاس و ارتشاء را محو و ایجاد امنیت در سرتاسر آذربایجان نمودند. آذربایجان امروز نمونه یکی از امن‌ترین نقاط کشور است. آقای پادگان و همینطور سایر رهبران فرقه دموکرات آذربایجان نمونه و سرمشق وطن‌پرستی و دلاوری و تقوی هستند. یک عده از دشمنان آزادی‌خواهی سعی کردند در انتظار آزادی‌خواهان و دنیا سوء تفاهماتی نسبت به تمایلات فرقه دموکرات آذربایجان تولید کنند. به کوری چشم آن‌ها همین که دولت آزادی‌خواه به ریاست جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه روی کار آمد و دست محبت به جانب آن‌ها دراز کرد، باکمال صمیمیت آن را فشردند و به رئیس محبوب دولت و ملت ایران نشان دادند که آذربایجان خواهان ترقی و استقلال و تمامیت ارضی ایران است. من عرایض خود را با این شعارها خاتمه می‌دهم. زنده باد جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه رهبر محبوب حزب دموکرات ایران و رئیس محترم دولت. زنده باد حزب دموکرات آذربایجان. جاوید و مترقی باد جبهه متلف احزاب آزادی‌خواه.

نطق آقای صالح باکف زدن‌های شدید و ابراز احساسات حاضرین به پایان رسید.

[مقاله] تطبیق نهضت آذربایجان با وقایع جنوب^۱

از آن روزی که پرده از روی دسائس ایلات جنوب برداشته شد، هر روز مردم ایران از خود می‌پرسند بین قضایای فارس با نهضت آذربایجان، از نقطه نظر ماهیت چه اختلافی موجود است؟ چه رابطه‌ای پیدایش این دو واقعه برقرار می‌باشد؟ هر فرد ایرانی این سؤاها را می‌کند. هرکس مطابق اطلاعات، عقاید و شاید منافع خود جوابی می‌دهد. حزب ایران لازم می‌داند برای روشن شدن اذهان ایرانیان طرز فکر و در نتیجه طرز عکس‌العمل خود را به طور صریح بیان نماید.

هر فرد ایران دوست که این دو موضوع را در مقابل هم می‌گذارد، نمی‌تواند اختلافات فاحشی که بین آنها است را منکر شود. نهضت آذربایجان، آزادیخواه، اصلاح طلب و مترقی است. در آذربایجان املاک را تقسیم می‌کنند، عوارض را حذف می‌نمایند. تمام عملیات در جهت ترقی دادن سطح زندگی دهقان انجام می‌گیرد. در آذربایجان در عرض یک سال ۵۰۰ مدرسه می‌سازند، بیمارستان‌های متعدد ساخته، دانشگاه تشکیل می‌دهند. کودکان و تیمارگاه آماده می‌کنند. یعنی در بالا بردن سطح دانش اهالی کوشش فراوان مرعی می‌دارند. با تمام قواراها را تعمیر کرده و خیابان‌ها را اسفالت می‌کنند. از ناامنی جلوگیری کرده در مقابل فساد به سختی مبارزه می‌نمایند. یعنی محیط مناسب برای توسعه زندگی افراد مهیا می‌کنند. رهبران نهضت آذربایجان از آزادیخواهان و مبارزان قدیمی هستند که اغلب اهل فضل و دانش می‌باشند. در درستکاری و پاکی اشخاصی مانند پیشه‌وری، یا دکتر جاوید و شبستری، حتی دشمنان نهضت نیز تردید ندارند. همه کس می‌داند که [پیشه‌وری]

۱. همان، ش ۲۵۸، ۱۳۲۵/۷/۸، ص ۱ و ۴

چون وکیل مجلس شد، رفقاییش پول لباس مناسبش را پرداختند. اینان مردمانی هستند که هیچ گاه به مال مردم دست درازی نکرده و هیچ وقت حق کسی را پایمال نکرده‌اند. بهمین جهت در ایران پر از چپاولِ ربع قرن اخیر، فقیر و بی‌مقام ماندند.

گرچه طرز عمل علمداران فارس معلوم نیست و ما الان سندی در دست نداریم که اگر موفق شدند چه خواهند کرد. ولی نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که بطور محقق اینان مردمانی آزادی‌خواه و اصلاح طلب نیستند. تاریخ صد ساله جنوب، سند «قلبی» کتاب ادعای امروز آن‌ها است. ممکن است امروز دم از اصلاحات بزنند. ممکن است بگویند چنین و چنان خواهیم کرد، ولی آن‌هایی که با منطق قضاوت می‌کنند به حرف فقط قانع نخواهند شد و می‌دانند آن‌هایی که تا دیروز مایه ناامنی، قتل و غارت و فقر فارس بوده‌اند، چگونه ممکن است به‌طور ناگهانی تغییر ماهیت داده طرفدار ترقی و سعادت فارسیان شوند.

ما عجالتاً کاری به ایران قبل از شهریور نداریم. به تاریخ قبل از کودتا مراجعه نمی‌کنیم. فقط در همین چند ساله مشروطیت سوم که این آقایان تقریباً صاحب اختیار فارس بوده‌اند، چه کردند که ما بتوانیم امروز ادعاهایشان را قبول کنیم. اینان که بلوکات بزرگی را توانستند متصرف شوند و سالی میلیون‌ها تومان به اسم قند و قماش گرفتند. این‌ها که هر کار در جنوب می‌خواستند می‌کردند، چرا چند نفر طیب برای آن نواحی نخواستند؟ چرا ذره‌ای دوا به مردم ایلپاتی بدبخت ندادند؟ چرا یک باب مدرسه باز نکردند؟ این‌ها چند سال است در جنوب فعال مایشاء هستند، در این مدت چه اقدامی برای اصلاح حال اهالی فارس، نه، برای اصلاح حال اهالی ایل و هم خون‌های خودشان، برداشتند؟ این‌هایی که امروز عنوان اصلاح طلبی و آزادی‌خواهی به خود می‌دهند تاکنون مستبدوار از هرگونه اصلاحی جلوگیری کرده‌اند. مگر حرف و ادعا کافی است؟ تاکی

باید این مملکت فریب زاهدان دغل، آزادی خواهان قلبی و اصلاح طلبان دروغی را بخورد؟ تاکی ما باید بر روی الفاظ، فقط، قضاوت کنیم؟ و هیچ گاه بخود زحمت تحقیق ندهیم؟ آنهایی که علمدار وقایع فارس هستند نمی توانند آزادی خواه و اصلاح طلب باشند. حادثه فارس برای کشتن آزادی برای ادامه ملوک الطوائفی، برای ازدیاد فقر و بدبختی است. ماهیت آن این است و هر که هر چه می خواهد بگوید، غیر از این نخواهد بود.

اگر بخواهیم در دنباله اختلاف برویم، صفحات زیادی لازم است. حال بینیم نقاط مشترکی در میان هست یا نه؟ یگانه وجه مشترکی که ورد زبانها است و در نتیجه تبلیغات شوم به اندازه ای اهمیت پیدا کرده که تمام اختلافات را از نظر دور نگاه می دارد، موضوع کمک خارجی است. به طور صریح می گویند هر دو واقعه به کمک بیگانگان انجام گرفته و بنابراین از نقطه نظر ایرانیت یکی هستند.

همه کس می داند که وقایع جنوب متکی به انگلستان بوده. اسلحه، پول و اندرز انگلستانی است که جنوب ایران را دچار این غوغا نموده است. از طرف دیگر هیچ کس نمی تواند منکر شود که همان وجود قوای شوروی در آذربایجان، بزرگترین کمک به نهضت آذربایجان بوده است. بر فرض هم که آذربایجان از شوروی ها اسلحه و پول نگرفته باشد همین که از قوای دولتی در نقاط مختلف آذربایجان سلب حرکت شده و در شریف آباد جلوی ستون اعزامی گرفته شد، کافی بود که نهضت آذربایجان بتواند انقلاب خود را انجام دهد و گرنه همان پادگان های محلی کافی بود که تمام نهضت را در خون غرق نماید. پس هیچ کس نمی تواند منکر کمک شوروی به نهضت آذربایجان باشد، ولی آیا همین وجه اشتراک کمک خارجی برای اینکه هر دو را به یک چشم نگاه کنیم، کافی است؟ می گویند شخصی به رفیق خود گفت: امروز پدرت را در خیابان دیدم

و چون اندام پدر را شرح داد معلوم شد که فقط داشتن ریش وجه اشتراک با پدر حقیقی بوده است. حقیقتاً مگر هر که ریش دارد پدر من است؟ مگر تمام وقایعی که دست خارجی در آن مؤثر است، یکی باید فرض شود؟ مگر روابط ما با خارجی‌ها، مگر دوستی و دشمنی ما با همسایگان، فقط و فقط از نقطه نظر خارجی مطرح است؟ مگر خدای نخواستہ ایرانیان دشمنان «خارجی» هستند؟ یا مگر اشخاصی در ایران یافت می‌شوند که تصور می‌کنند مملکتی می‌تواند بدون داشتن رابطه با خارجی زندگی کند؟ روابط ما با خارجی‌ها اجباری است. منافعی که همسایگان ما در ایران دارند باید حتماً در حساب زندگی ملحوظ شود. چه بخواهیم و چه نخواهیم روس و انگلیس در حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ما مؤثر هستند. همانطوری که در زندگی تمام ممالک دنیا مؤثر می‌باشند. پس در هر عملی که پای خارجی در میان هست، باید اول منافع ایران را در نظر گرفت و پس از آن قضاوت کرد.

می‌گویند اگر خارجی‌ها به ما کمک می‌کنند لابد منافعی دارند، بنابراین چون منافع خارجی در میان است این دولت و آن دولت فرقی ندارد. همه می‌خواهند از ما استفاده کنند. استدلالی کاملاً صحیح و منطقی. هیچ‌کس نمی‌گوید خارجی‌ها برای چشم و ابروی ایرانیان در امور مداخله می‌کنند. همه کس هر قدر هم از دنیا بی‌خبر باشد، نمی‌تواند قبول نکند که اگر خارجی به مملکتی کمک می‌کند لابد از این کمک استفاده‌ای می‌برد. ولی ممکن است در مقابل استفاده خارجی برای ایران هم استفاده‌ای باشد یا برعکس ضرری متوجه ایران گردد.

فرض کنیم سیاست شوروی و سیاست انگلیس از نقطه نظر روابط با دول دیگر کاملاً یکی باشد. فرض کنیم هیچ‌گونه تفاوتی بین ایدئولوژی این دو دولت موجود نباشد، بالاتر برویم فرض کنیم که اصلاً بین روس و انگلیس توافق فعلی راجع به ایران بوده و حتی سیاست هر دو را یک نفر

اداره نماید، در این صورت از نقطه نظر خارجی دو موضوع شمال و جنوب کاملاً یکی است. ولی آیا اختلافاتی که در بالا شرح دادیم نباید اصلاً مورد نظر قرار بگیرد؟ اگر فرض‌هایی که تاکنون کردیم عملی بود، معهداً چون در یک طرف ترقی و فرهنگ نصیب ایرانیان می‌شود و در طرف دیگر قهقرا و جهل در دنبال است، ایرانی وطن‌پرست ترقی خواه نمی‌تواند هر دو واقعه را به یک چشم نگاه کند.

دولت آمریکا دو هیات مالی به ایران فرستاد، یکی شوستر و دیگری میلیسپو. هر دو خارجی بودند. هر دو محققاً از سیاست دولت متبوع خود پیروی می‌کردند. معهداً ایرانیان شوستر را با نهایت احترام یاد می‌کنند. در صورتی که میلیسپو را با دشنام از ایران بیرون کردند. دو سیاست خارجی بر فرض انطباق کامل حتی اگر فقط از نقطه نظر مامور اجراء با هم تفاوت دارند، در سرنوشت مملکت به طور متفاوت اثر خواهند داشت و بنابراین باید اهالی مملکت به طور متفاوت آن‌ها را قضاوت کنند.

ملت ایران که نام شهدای مشروطیت را با این احترام به زبان می‌راند، مگر نمی‌داند که پول انگلستان، اسلحه انگلستان از مشروطه‌طلبان پشتیبانی می‌کرد؟ مگر شما تصور می‌کنید که اگر دوگل به انگلیس پناه می‌برد و با پول انگلیس، اسلحه انگلیس خود را مجهز می‌سازد و مدت پنج سال مدیحه سرای انگلیس و انگلیسی می‌شود فرانسه را دوست ندارد و یا مزدور انگلیس است. نه، دوگل می‌خواهند فرانسه را از قید اسارت نجات دهد. محتاج به کمک خارجی است و برای این کمک دست و پا می‌کند. البته انگلستان هم از این وضعیت استفاده می‌کند. وگرنه در موقعی که یک لیره و یک قشنگ برای انگلستان اهمیت جانی دارد. این همه پول و این همه اسلحه برای چشمان آبی مه رویان فرانسوی داده نمی‌شود. چکسلواکی دو مرتبه به دست خارجی‌ها زنده شد. لهستان دو مرتبه با اسلحه خارجی به استقلال خود رسید. هم چکسلواکی و هم

لهستان آزادی خود را مجاناً به دست نیاورده‌اند و لابد دولی که آن‌ها را استقلال داده‌اند استفاده‌هایی داشته‌اند. پس ملل زنده هوشیار در روابط خود با خارجی‌ها فقط باید منافع ملی خود را ملحوظ دارند.

ما الان ماهیت سیاست شوروی را در نظر نمی‌گیریم. اختلاف بزرگی را که بین دو سیاست انگلیس و شوروی موجود است (که یکی متکی به توده‌ها بوده و دیگری به افراد مالک و صاحب نفوذ تکیه می‌کند) در نظر نمی‌گیریم، فقط نهضت آذربایجان را با توجه به عملیات و مخصوصاً با در نظر گرفتن عاملین آن، با واقعه فارس مقابله می‌کنیم. می‌بینیم یکی مردم ایران را به طرف ترقی و نیرومندی سوق می‌دهد و دیگری در بدبختی و فقر و تریاک نگاه می‌دارد. از این جهت است که از روز پیدایش نهضت آذربایجان ما سیاست خود را پشتیبانی از آن قرار دادیم و گفتیم باید بکوشیم تا اصلاحات آذربایجان در سراسر ایران تعمیم یابد. مخصوصاً راجع به این موضوع از طرف کمیته مرکزی حزب ایران قطعنامه‌ای صادر شد و تعمیم اصلاحات آذربایجان در سراسر کشور تقاضا گردید.

سیاست ما در مقابل آذربایجانی این بوده است که با تمام قوا بکوشیم که این نهضت را به سایر نهضت‌های آزادی‌خواهی ایران متصل کنیم و رشته‌های محکمی بین آذربایجان دموکرات و سایر نقاط ایران برقرار سازیم. در این راه هم موفقیت‌های زیادی به چنگ آورده‌ایم. مخصوصاً هرگز فراموش نخواهیم کرد که در باشگاه حزب ایران آقای دکتر جاوید نماینده آذربایجان فریاد زد که ما قسم یاد کرده‌ایم که برای استقلال و تمامیت و آزادی ایران جان‌فشانی کنیم. دولت ایران مکرر وعده داده است که همان اصلاحات آذربایجان را در سراسر ایران عمومیت دهد. تمام تقاضاهای اهالی فارس (اگر اهالی فارس می‌توانستند تقاضا کنند) با تقاضای تمام ایرانی‌ها باید برآورده شود. معهذا اگر در فارس نهضتی به رهبری افراد آزادی‌خواه و وطن‌پرست و دانشمند شروع شده بود، یقیناً از

آن پشتیبانی می‌کردیم. ولی چگونه حزب آزادی‌خواه و ملی ایران می‌تواند از حادثه‌ای پشتیبانی کند که عناصر مستبد و فئودال علمداران آن هستند؟

چگونه حزب مترقی ایران می‌تواند با حادثه‌ای که نتیجه آن سیر قهقرائی برای یک قسمتی از مردم ایران است، روی موافقت نشان دهد؟ مگر آزادی خواهی و مترقی بودن فقط لفظ و عبارت است؟

ما طرفدار سیاست توازن بوده و هستیم. ولی مفهوم توازن این نیست که هر چه از خارجه می‌آید به یک چشم نگاه کنیم. مفهوم توازن این نیست که ترقی، اصلاحات و سلامتی ایرانیان را، با سیر قهقرایی و خرابی و شیره و تریاک در یک کیسه بگذاریم. البته ما به هیچ وجه نمی‌خواهیم که نهضت‌های آزادی‌خواهی ایران متکی به خارج باشد. نه ما [و نه] هیچ ایرانی پیدا نخواهد کرد که اصلاحات ایران را با کمک خارجی تقاضا کند. همان طوری که در هیچ گوشه‌ای از دنیا ملتی را پیدا نخواهد کرد که تا مجبور نشده باشد، از کمک خارجی استفاده کرده باشد. ولی اگر ما مجبوریم که مورد استفاده دیگران قرار بگیریم، لااقل خودمان هم استفاده کنیم. اگر دست خارجی در سرنوشت ما دخیل بوده و اوضاع داخلی ما را مطابق منافع خود و تغییر می‌دهد، لااقل بکوشیم تا تغییراتی که مطابق منافع ملی ما است، انجام گیرد.

روابط بین‌المللی دنیا یک نوع معامله است. هیچ ملتی نمی‌تواند از این دادوستد برکنار بماند. منتهی اگر عده‌ای به اسم وطن پرستی (در حقیقت باید گفت به اسم نفرت از خارجی) از معامله احتراز کردند، دیگران کار خود را می‌کنند. آنچه باید بگیرند، می‌گیرند. چون ما حاضر به معامله نشدیم معامله فقط یک طرف خواهد داشت یعنی «داد» هست و «ستدی» در میان نیست. پس صلاح وطن پرستان این است که دنیا را با همین چشم نگاه کنند و در معامله با خارجی آنطرفی که «ستدی» هم دارد را ترجیح دهند.

ما از این راه می‌رویم و آزادی خود را در مقابل خارجی‌ها کاملاً محفوظ می‌داریم. هر که هر چه می‌خواهد بگوید. ما نه مزدور روس و نه دشمن انگلیس هستیم. ما مزدور منافع ایران و دشمن دشمنان ایران می‌باشیم. هر جا که برای ایران منفعتی هست دوستی ما هم هست. جواب سؤال دوم را فردا خواهیم داد.

۴۰

قضایای فارس عکس‌العمل نهضت آذربایجان نیست^۱

تبلیغات مخصوصی کوشش می‌کند که قضایای فارس را عکس‌العمل نهضت آذربایجان نشان دهد. روسای قشقای تقاضاهای خود را به نهضت آذربایجان متکی می‌کنند. روزنامه‌های طرفدار آن‌ها هر روز این رابطه را به رخ مردم و دولت می‌کشند و چون تسلسل زمانی به نفع آن‌ها بوده و دومی بعد از اولی انجام گرفته است، قسمت عمده مردم ایران این ارتباط را قبول می‌کنند و با خود می‌گویند اگر نهضت آذربایجان نبود امروز گرفتاری‌های فارس را نداشتیم. البته ادعای قشقایها و استدلال طرفدارانشان سند محکمی برای قضاوت نیست. جای بسی تاسف است اگر ما تا این اندازه ساده و کوتاه فکر باشیم که هر واقعه‌ای که در دنبال واقعه دیگری روی می‌دهد نتیجه و یا عکس‌العمل آن بدانیم.

باید در این نوع مطالب تعمق بیشتری نمود و مخصوصاً ریشه اصلی وقایع را در نظر گرفت. چه بسا در میان دو موضوعی که بسته به هم و در دنبال یکدیگر هستند ابداً رابطه‌ای نباشد. چه بسا که هر دو تظاهرات مختلف یک واقعه و یا مراحل یک نقشه‌ای می‌باشند.

۱. همان، ش ۲۵۹، ۱۳۲۵/۷/۹، ص ۱ و ۴

اگر سیاست‌های خارجی برای حفظ منافع خود در ایران نقشه‌کشی کرده باشند، از زمانهای خیلی پیش بوده و لااقل فتح استالین گراد مبداء آن است. چه از این تاریخ خطر شکست متفقین مرتفع شد و فتح و پیروزی برای آنان محقق گشت. طبیعی است که چون نگرانی‌های جنگ کم می‌شود، فکر مشکلات زمان صلح قوت می‌گیرد. در آن موقع خداوند سیاست در ایران، انگلستان بود. در مجلس ایران، در دولت ایران، اکثریت اعضاء دست نشانده و یا طرفدار سیاست انگلیس هستند. اکثریت قریب به اتفاق اشخاصی که در زندگی اجتماعی ایران تأثیری دارند عامل آگاه و غیرآگاه سیاست انگلیس می‌باشند. انگلستان هر چه می‌خواهد، می‌تواند. انگلستان سراسر ایران را در اختیار دارد. انگلستان به سهولت می‌تواند جریان وقایع را در ایران تغییر دهد. ولی انگلستان می‌داند که دوران این تسلط تمام شده است. خواهی نخواهی روزی فرا خواهد رسید که حریف شمالی خودنمایی کرده و ناچار باید به حساب بیاید. انگلستان مملکت سیاست مداران است. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر شود که ظهور شوروی در صحنه سیاست ایران طرح نقشه جدیدی را برای انگلیس ایجاب کرده است.

چون راه ندادن شوروی غیرممکن است و انگلیس کمتر به دنبال غیرممکن می‌گردد، محققاً طرح‌کنندگان نقشه، قبول دخالت شوروی را پایه اصلی طرح خود قرار داده‌اند. راه حل اولی که به نظر می‌رسد همان کنار آمدن با خود روس‌ها است و اتفاقاً چندین دفعه در این راه اقدام شده و نغمه‌های آن هم کم‌وبیش به گوش ما هم رسیده است. مخصوصاً در موضوع نفت در زمان ساعد اغلب روزنامه‌های انگلیسی نوشتند که چرا دولت روسیه اگر نفت می‌خواهد با ما کنار نمی‌آید؟ ولی معلوم شد که انگلستان بزودی از پیشرفت این راه حل مایوس شده باشد. از یک طرف تسلط بر تمام ایران غیرممکن است و از طرف دیگر روس‌ها حاضر به کنار

آمدن نیستند. در این صورت یک راه بیشتر نمی ماند و آن صرف نظر کردن از تمامیت ایران و کوشش در نگهداری مناطقی است که استقرار نفوذ در آن نواحی حیاتی به شمار می رود.

به عبارتی دیگر دو راه بیشتر [در پیش روی] نیست. یا باید قراردادی شبیه قرارداد ۱۹۰۷ بسته شود و مناطق «حیاتی» انگلیس به وسیله قراردادهای بین المللی تأمین گردد. و یا خود انگلستان حکومت جنوب را به وسیله یک نوع اغتشاشاتی در اختیار خود نگاه دارد. اگر هموطنان ما به خاطر داشته باشند دو سال قبل وزیر خارجه دولت چرچیل در مجلس عوام نطقی کرد و پیدایش قراردادی شبیه قرارداد ۱۹۰۷ را مخالف نظریه انگلستان معرفی نمود. خیلی از ایرانی ها چون این نطق را شنیدند احساس خطر کردند و با خود گفتند چرا صحبت از ۱۹۰۷ می شود آیا این یادآوری برای تهیه زمینه ای است. در مسکو و در لندن بارها این موضوع صحبت شده است ولی چون دولت شوروی حاضر به عقد چنین قراردادی نشده موقتاً از آن صرف نظر شده است. پس راه حل دومی یعنی تسلط مستقیم بر جنوب مطرح می گردد.

باز هم محیط سیاست ایران را در دوران مجلس چهاردهم به خاطر می آوریم. تحریکات متعدد و مکرر حکومت های صدر و ساعد را یادآور می شویم. در آن موقع همه از خود می پرسیدند به چه مناسبت انگلستان دولت های دست نشانده خود را به تحریک شوروی ها وا می دارد؟ (چه به طور محقق، ساعد، صدر و اکثریت مجلس چهاردهم بدون اجازه انگلستان جرئت چنین جسارتی را نداشتند.) در همان موقع خیلی ها فکر می کردند که این تحریکات برای این است که روس ها را وادار به عملی کنند که بهانه ای برای اعمال آینده خودشان باشد.

جلوگیری از نهضت آذربایجان به سهولت میسر بود. اگر کمترین توجهی به ادعای آذربایجان شده بود، فرقه دموکرات دست به اسلحه

نمی‌برد. ولی آن روزها را بخاطر دارند و فراموش نکرده‌اند که هر چه آذربایجان فریاد زیاده‌تر می‌زد، فشار زیادتری می‌دید. مجلس چهاردهم که اعتبار نامه اشخاصی مانند سیف‌پور فاطمی و گله‌داری را تصویب کرد، اعتبارنامه پیشه‌وری وکیل اول تبریز را رد نمود. چرا این مجلسی که اکثریتش مطیع انگلستان بود چنین کارها را کرد؟ برای اینکه آذربایجان دست به اسلحه ببرد و بهانه‌ای برای امروز آماده شود. روزهای اول موفقیت آذربایجان بود که بوین وزیر خارجه انگلستان در مجلس عوام قانون اساسی ایران را تعبیر نمود و خودمختاری را در استان‌های ایران قانونی معرفی کرد. در همان موقع ما اعتراض کردیم و نگرانی خود را از این تعبیر بیان نمودیم. ما همان وقت نوشتیم اگر بوین چنین تعبیر می‌کند بدون جهت نیست و نقشه‌ای در نظر دارد. نه، وقایع فارس عکس‌العمل وقایع آذربایجان نیست بلکه نقشه آن از خیلی وقت قبل تهیه شده و نهضت آذربایجان که در طغیاننش تحریکات نوکران انگلستان را اصلی را بازی می‌کرد، بهانه‌ای بیش نبوده. هموطنان ما باید توجه داشته باشند که انگلستان بی‌سیاست نیست و نباید تصور کرد که سیاستمداران انگلیسی می‌نشینند تا وقایعی روی دهد و پس از آن اقدام کنند.

اگر ما به طور مفصل این موضوع را مطرح کردیم نه برای آن است که وجود یا عدم رابطه بین نهضت آذربایجان و قضایای فارس را امر مهمی می‌دانیم. علت آن است که همین ارتباط را عده‌ای مهم می‌کنند تا «حقانیتی» برای قضایای جنوب فراهم سازند. در دهان مردم ساده‌لوح ایران می‌گذارند که اگر آن‌ها چنان کرده‌اند، این‌ها هم حق دارند که چنین کنند. ما خواستیم این زمینه‌سازی را از بین ببریم، و از فریب خوردن هموطنان خود جلوگیری کنیم.

ملت ایران خیلی جوانمرد است و کلمه توازن، بی‌اندازه زیبا و فریبنده می‌باشد. بطور یقین ایرانیان نمی‌خواهند که بین همسایگان خود فرقی

قائل شوند. از حسن نیت ما سوء استفاده می شود. کار به جایی می رسد که یک عملی که حیات اجتماعی را در خطر می اندازد عکس العمل دیگری قرار می دهند و به اسم توازن به ملت بیچاره ایران تحمیل می کنند. خوشبختانه در ایران تغییرات بزرگی روی داده، افکار روشن تر و مخصوصاً اطلاعات بیشتر است. ظاهرهای فریبنده را به سهولت می توان خراب نمود. ماسک های دورویی را به آسانی می توان برداشت. ختم غائله فارس را به شدت بخواهیم. یقین بدانید حتی دلیل اخلاقی هم در موافقت با آن موجود نیست.

۴۱

کمیته مرکزی حزب ایران^۱

محترماً به عرض عالی می رساند در عرض ۱۵ روز دوم [نیمه دوم] مرداد ماه هیات سیار تبلیغاتی برای اشاعه و توسعه حوزه های حزبی به اطراف و قصبات مهم در گز حرکت و مرتباً در دهات و قصبات در گردش و مشغول تبلیغ و اقدامات لازم و تهیه مقدمات افتتاح شعب فرعی بوده و نتیجه اقدامات به شرح پائین معروض می گردد:

۱. در حوزه لطیف آباد نقطه مرزی، در اثر سه بار مسافرت هیات های ۷ نفر و ۱۰ نفری و گردشی در بین قراء، شعبه حزبی در محل مناسبی به همت یک عده از جوانان وطن پرست و آزادی خواه افتتاح و استقبال شایانی از ناحیه اکثریت اهالی به عمل آمد و بلافاصله پس از تهیه مقدمات شروع به نام نویسی نموده و تاکنون مرتباً ادامه دارد. چون با حسن سابقه و معروفیتی که حزب ایران در بین عموم دارد به هر جا وارد

۱. همان، ش ۲۶۴، ۱۳۲۵/۷/۱۵، ص ۱ و ۴

شود، خوشبختانه استقبال عمومی به عمل می آید. اکثریت آزادی خواهان
علاقه خود را به حزب ایران ابراز می دارند

۲. در حوزه قراء خمسه بین لطیف آباد و مجد آباد در چهار مزرعه
بزرگ امیرقلعه، صفر قلعه، فیرآباد، گل خندان شعبه فرعی تشکیل و
نماینده حزب ایران تعیین و پس افتتاح شروع به نام نویسی نموده. در آن
حدود مانعی پیش نیامده و امید موفقیت می رود.

۳. در حوزه نوخندان که مهمترین قصبه و بلوک در گز بوده و
پرجمعیت ترین و وسیعترین قراء در گز در آن سامان واقع است، در اثر
مسافرت های پی در پی و دعوت های کتبی از طرف اهالی قراء و مزارع،
ابتداء معتمدین و معاریف محلی را دعوت و در ضمن ایراد سخنرانی و
شرح مبسوطی در اطراف لزوم احزاب و مرام حزب ایران و غیره، موافقت
عموم اهالی اعلام و خوشبختانه اکثریت اهالی تعمیم انحراف ناپذیر دائر
بر اینکه عموم به حزب ایران داخل شوند، اتخاذ نمودند. با این مقدمات و
حسن توجه زائدالوصف فوق انتظاری، شعبه حزبی نوخندان را که یک
سال قبل در موقعی که رفقای حزبی ما را توقیف و زندانی نموده بودند،
تعطیل شده بود، با وضع آبرومندی افتتاح و مشغول کار شد.

موقعیت محلی نوخندان و قراء اطراف آن و احساسات میهن پرستانه
رعایا و زارعین ما را کاملاً امیدوار ساخته و جا دارد این موفقیت بزرگ را
در راس تمام مساعی و زحمات ۱۳ ماهه که توأم با زندانی ها،
محرومیت ها، تهدیدها و غیره قراردادده و با عرض این خبر و مزده
مسرت بخش افتتاح شعبه حزبی نوخندان که بیش از ۲۰ هزار نفر نفوس
آن حدود تابع و مایل به تمایل آن ها هستند، کمیته محلی در گز را موفق
نماید. امیدوار است با توجه و تقویت آن کمیته محترم و مساعدتهای
عملی و قدمی، از راه اعزام مأمورین تبلیغاتی و ارسال جراید کافی برای
کمک در تبلیغات و تامین لوازمات شعبه جدید و غیره روز به روز بهتر و

بیشتر توفیق یابد. در صورتی که کمک‌های لازم به ما شود ما سعی داریم که شعبه‌های حزبی را در شهرستان‌های مجاور هم تاسیس نمایم.
مدیر کانون سازمان حزب ایران، درگز

شغائی

۴۲

جبهه موترف احزاب آزادی‌خواه^۱

با اینکه از بدو ائتلاف حزب توده ایران و حزب ایران و تشکیل جبهه موترف احزاب آزادی‌خواه، کلیه آزادی‌خواهان و احزاب پیشرو، معنأ و قلباً در این ائتلاف شرکت داشته‌اند، لیکن چون از یک طرف در نتیجه تحولات اوضاع سیاسی، هم‌اکنون مرحله جدیدی از مبارزه بر علیه ارتجاع و دیکتاتوری آغاز گردیده است و از طرف دیگر صدور فرمان انتخابات پانزدهمین دوره مجلس شورای ملی از لحاظ حفظ استقلال و تمامیت کشور و صیانت اصول دموکراسی و تامین وحدت ملی، وظایف خطیری را به عهده احزاب آزادی‌خواه محول می‌نماید. ما احزاب امضاءکننده ذیل: فرقه دموکرات آذربایجان، فرقه دموکرات کردستان، حزب سوسیالیست و حزب جنگل (اجتماعیون) با توجه به مقتضیات اوضاع کنونی و اعتراف به اینکه نبودن همکاری نزدیک بین آزادی‌خواهان موجب تقویت جبهه ارتجاع و تزلزل اساسی دموکراسی و آزادی می‌گردد، بدین وسیله الحاق خود را به جبهه موترف احزاب آزادی‌خواه رسماً اعلام نموده و اطمینان می‌دهیم برای تحکیم مبانی آزادی ملت ایران و استقلال و تمامیت مملکت، با تمام نیروی مادی

۱. همان، ش ۲۸۳، ۱۳۲۵/۸/۸، ص ۱

تشکیلاتی خود از این جبهه پشتیبانی نمائیم. یقین داریم ائتلاف محکم و خلل‌ناپذیر ما موجبات شکست قطعی ارتجاع را از هر حیث فراهم خواهد نمود.

پاینده باد ایران، میهن عزیز ما
پیروزمند باد جبهه موتلف احزاب آزادی خواه
کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
کمیته مرکزی فرقه دموکرات کردستان
کمیته مرکزی حزب سوسیالیست
کمیته مرکزی حزب جنگل (اجتماعیون)

۴۳

اخراج از حزب^۱

آقای موسی مرزبان دارنده کارت شماره ۱۱۷۵ به علت اقدام به عملیات مخالف منافع حزبی از حزب ایران اخراج می‌گردد.
کمیته مرکزی حزب ایران

۴۴

بیانیه کمیته مرکزی حزب ایران^۲

در این موقع باریک که هیولای مخوف دیکتاتوری دومرتبه خودنمایی می‌کند. در این روزهای پر از اضطراب که منظره‌های دهشتناک رجعت

۱. جریده نبرد امروز به جای جبهه، ش ۵، دوره سوم، شماره ۵۵ (۵۰۵)، ۱۳۲۵/۹/۶، ص ۱

۲. همان، ش ۷، ۱۳۲۵/۹/۸، ص ۱ و ۴

خرافات و کهنه‌پرستی، ایرانیان ترقی‌خواه را نگران و پریشان دارد، حزب ایران، حزب وطن‌پرست و آزادی ایران، لازم می‌داند راهی را که برای نجات ایران در پیش گرفته یکبار دیگر برای هموطنان خود تشریح نماید. هموطنان عزیز، حزب ایران را یک عده جوان ایران دوست، اصلاح‌طلب برای نجات ملت ایران تشکیل داده‌اند. هر چه کرده‌اند در راه این مقصود بوده و هر چه بعداً می‌کنند برای نیل به همین مقصود است. اگر ما داخل در مبارزه‌های اجتماعی شدیم، اگر تمام محرومیت‌ها را بر خود هموار کرده و هرگونه مشقت را تحمل نمودیم، برای این است که ما وضع قبلی زندگی ایرانیان را مخالف شئون ملیت خودمان می‌دانیم. ما نمی‌توانیم بر خود هموار کنیم که در زمان حیات ما بدبختی و فلاکت گریبان‌گیر تمام هموطنان باشد. ما نمی‌توانیم تحمل کنیم که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان گرسنه، عریان و خانه‌بدوش باشند. برای ما و برای هر کس که خون ایرانی در بدن دارد، ناگوار است در خانه نشیند و ببیند که خانواده‌های گریانی با خونی که از مسلخ دزدیده‌اند، زندگی می‌کنند. برای ما، برای افراد وطن‌پرست ما، فکر اینکه چهل درصد کودکان ایرانی در گهواره می‌میرند، محرک احساسات و مولد روح طغیان است. برای ما و برای هر که از احساسات نوع‌پرستی به مشامش رسیده، ننگ‌آور است تحمل کند که در عصر اتم که طبیعت اسیر و مطیع قدرت آدمیان است، حیات و ممات هموطنان ما بسته به لطف و مرحمت طبیعت باشد. اگر باران به موقع نرسید، اگر برف بهمن چند روزی دیر کرد، اگر آفتاب تموز به شدت بیشتری تأیید یا اگر خدای نخواستہ از نقاط دوردست و بایی رسید، ملت ایران مانند دد و دام بیابان‌ها بیچاره و ناتوان می‌گردند. ما که خود را ایرانی می‌گوییم، ما که خود را در مقابل تاریخ ایران مسئول می‌شناسیم، نمی‌توانیم سرنوشت ایرانیان را با سرنوشت وحوش یکی بینیم. هر ایرانی می‌داند که دست خارجی در تمام شئون زندگی ما

مداخله کرده، مدار زندگی اجتماعی ما به دستور بیگانگان و برای منافع دیگران می‌چرخد. ما که ایران را مستقل می‌خواهیم کناره‌گیری از سیاست را خیانت به ایران می‌دانیم. البته این منظره‌های دهشتناک در مقابل چشم تمام هموطنان ما نمایان است و قلب همه را جریحه‌دار دارد. ولی دو چیز مانع می‌شود که ایرانیان وطن‌دوست و اصلاح‌طلب دست به دست هم داده، وطن خود را از این گرداب مذلت نجات دهند. یکی اختلاف نظر در تشخیص علت و دیگری عدم توفیق در راه مبارزه.

حزب ایران علت حقیقی این وضعیت رقت‌بار و راه مبارزه با آن را پیدا کرده است. ما معتقدیم که اگر ملت ایران اینطور بدبخت و بیچاره مانده، نه برای آن است که خدای ایرانیان چنین خواسته. بلندی و پستی زمین ایران، گرما و سرمای هوای ایران، علت اصلی بیچارگی ما نیست. وجود نفت و همسایگی دول مقتدر را ما عامل حقیقی بدبختی خود نمی‌دانیم، چه نمی‌توانیم باور کنیم که خدای مهربان آسمان‌ها، این همه بدبختی و فلاکت را در حق ما روا دارد. ممالک متعددی را می‌شناسیم که وضع طبیعی‌شان به مراتب سختتر از وضع طبیعی ایران ما است. مالک نفت نیز در دنیا زیاد بوده و در میان دول بزرگ، ملت‌های کوچک متعددی زندگی می‌کنند ولی وضع هیچ کدام شبیه به وضعیت ما نیست.

بنابراین ما سرچشمه تمام بدبختی‌های ملت ایران را در داخل ایران می‌بینیم. وضع مخصوص زندگی اجتماعی و اقتصادی خود را علت‌العلل تمام بیچارگی‌ها می‌دانیم.

قرن‌ها است که اکثریت ایرانیان در چنگال اقلیت طبقه حاکمه اسیر مانده، سعادت و راحتی این طبقه را فلاکت و بدبختی اکثریت تامین می‌کند. برای اینکه این وضع ادامه یابد و عده‌ای بتوانند زالوار خون ما را بکنند باید آن‌ها حاکم و ما ناتوان باقی بمانیم. برای نیل به این دو مقصود از یک طرف خود اجیر خارجی می‌شوند و برای جلب کمک خارجی،

منابع ایران را به رایگان می‌فروشنند و از طرف دیگر جهل و فساد را در محیط ایران توسعه می‌دهند.

هموطنان عزیز، علت اصلی بیچارگی ایران ما در همین چند سطر خلاصه است. هر که غیر این بگوید، می‌خواهد شما را فریب دهد و فعالیت شما را متوجه موهومات ساخته و مبارزه را بیهوده سازد. چون علت وقایع معلوم شد راه علاج خود بخود نمودار می‌گردد. باید با حکومت مطلق‌العنان اشخاص یا دستجات مبارزه کرد. یعنی فریب دروغ‌پردازی‌های دشمنان آزادی ایران را نخورده با تمام قوا برای پیدایش یک حکومت دموکراتیک مبارزه نمود. باید از سوءاستفاده‌ها، هرج و مرج‌ها و عدم فهم اصول دموکراسی نهراسیم و به اسم تلخی دوا، معالجه را به عقب نیندازیم. باید با جهل و فساد مبارزه کنیم و هر سدی که در راه توسعه فرهنگ است، در هم شکنیم. هموطنان عزیز، اگر بودجه فرهنگی مملکت ایران را با بودجه فرهنگی سایر ملل دنیا مقایسه کنیم، فقط مستعمرات را همدرد خود خواهیم دید. آن‌هایی که وسایل توسعه فرهنگی را به ملت ایران نمی‌دهند، هر چه می‌خواهند بگویند. برای آن‌ها ایران به منزله یک مستعمره است. مبارزه با فقر مشکل‌تر و طولانی است. جهل و نادانی طبقه حاکمه، ملت ایران را در مراحل ابتدایی اقتصاد قرار داده است. وسایل تولید در اختیار ایرانیان نبوده و در نتیجه ملت ایران به طور کلی فقیر مانده است. ولی در همین مملکت فقیر هم، همان مقدار ناچیزی که تولید می‌شود، به طور ظالمانه‌ای توزیع می‌گردد. بنابراین باید در عین حالی که نقشه‌های تولیدی طرح می‌شود، در طرز توزیع تغییرات کلی حاصل گردد. مالکیت ایران بازدید شده و با قوانین عادلانه و منطقی محدود شود. ما نمی‌خواهیم اندوخته عده‌ای را میان عده دیگر تقسیم کنیم. ولی معتقدیم تا زمانی که توزیع ثروت صورتی عادلانه به خود نگرفته است، هر قدر هم که بر حجم تولید افزوده‌تر شود از بدبختی

ایرانیان نخواهد کاست. توده ملت همچنان فقیر و سطح زندگی اش همیشه پائین خواهد بود. فقط بر ثروت ثروتمندان و سرمایه‌داران و بر فساد حاصل از ثروت‌های بزرگ افزوده می‌شود. ولی نقشه اصلاحی، سیاست اقتصادی، یا هر چه می‌خواهد باشد، اول باید طبقه حاکمه که سد راه ترقی ایرانیان است، مضمحل گردد. از این جهت یک جنگ آشتی‌ناپذیری بین آن‌هایی که می‌خواهند ایران را نجات دهند و آن‌هایی که سعادت خود را در بدبختی ایرانیان می‌دانند، ایجاد شده و تمام نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب باید صرفاً و منحصرأ متوجه به این مبارزه گردد.

ما همیشه گفته‌ایم و باز هم می‌گوئیم، مبارزه طبقاتی، رنگ‌های اقتصادی و تئوری‌های سیاسی، در حال حاضر برای ملت ایران مطرح نیست. ملت ما باید اول حق خود را به چنگ آورد و بعد در طرز زندگی خود اندیشه کند. باید اول دشمنان ترقی ایران نابود گردد، آنگاه درباره ترقی بحث شود. از طرف دیگر ما معتقدیم بیم مشکلات فردا نباید ما را از مبارزه با بدبختی‌های امروزی باز دارد. چون عزیز خود را در حال غرق شدن دیدید آیا بلادرنگ برای نجاتش خود را به آب می‌اندازید؟ و یا اینکه تامل می‌کنید تا قبلاً وسایل ممانعت از سرماخوردگی اش مهیا شود؟ این‌ها چگونه وطن‌پرستانی هستند که در پاره کردن غل و زنجیر ملت ایران غفلت می‌کنند، به اسم اینکه با پای پر از زخم چگونه راه خواهد رفت و یا اینکه ممکن است دیگری بیاید و غل و زنجیر جدیدی بر پای ببندد. اگر ملت ایران توانست بر مشکلات طاقت فرسای امروز فائق آید بر مشکلات احتمالی فردا نیز غلبه خواهد کرد. چه از یک طرف حل معضلات فردا سهل‌تر بوده و از طرف دیگر نیروی مبارزه ملت فاتح به مراتب بیشتر می‌باشد.

به نظر ما هرکس به هر اسم و به هر عنوان به بقای این طبقه حاکمه

کمک کند، به دست خود سدی که در مقابل ترقی ملت ایران است را تقویت کرده و بنابراین به وطن خود خیانت کرده است. هرکس به هر بهانه و به هر دلیل از مبارزه با این طبقه سربار زده، به وظیفه وجدانی خود عمل نکرده است. از طرف دیگر هرکس و هر دسته که به هر بهانه و به هر دلیل با این طبقه مبارزه کرده، خواهان تحولات ایران است و مورد پشتیبانی ما واقع خواهد شد. ما می‌کوشیم تا این سد آهنین را که در راه ترقی ایران بنا کرده‌اند، درهم شکنیم و در راه نیل به این مقصود هر دستی که به ما کمک کند، دوستانه فشارش خواهیم داد.

هموطنان عزیز، افکار و عقاید ما را روح وطن‌پرست ما دیکته کرده، عملیات ما از قلب آزادیخواه ما سرچشمه می‌گیرد. ملاک دوستی و دشمنی ما همین مبارزه با دشمنان ایران است. هر که با دشمنان ایران دشمنی کند، دوست ما و هر که با آنان دوستی کند، دشمن ما خواهد بود. کمیته مرکزی حزب ایران

۴۵

[مقاله] ورق برگشت^۱

تغییرات و تحولات سریع اجتماعی ایران به تاخیر افتاد

یک دفعه دیگر تاریخ ملت ایران ورق خورد. یک صفحه به آخر رسید و صفحه نوینی شروع گشت. احساسات و قضاوت راجع به [فرقه] دموکرات ایران هر چه می‌خواهد باشد، آمدن و رفتنش هر دو از وقایع مهم تاریخ ایران است. از آن روزی که فرقه دموکرات آذربایجان بر ضد دولت‌های ستمگر مرکزی قیام نمود، تا دیروز که اسلحه بر زمین نهاد،

۱. همان، ش ۱۳، ۱۳۲۵/۹/۲۲، ص ۱ و ۴

یک سال تمام در قلب ایرانیان جوش و خروش غریبی بر پا بود. دو تار از حساس‌ترین رشته‌های قلب مردم این مملکت هر لحظه به شنیدن اسم آذربایجان به ارتعاش درمی‌آمد. حس وطن‌پرستی و حس آزادی‌خواهی در تمام این مدت در حال تحریک بود. البته دشمنان ترقی ایران که با هیچ‌گونه تحولی در داخل ایران موافق نیستند، از روز اول این نهضت را مورد طعن و لعن و تهمت قرار دادند. ولی دوستان حقیقی مملکت، آن‌هایی که جز سعادت و عظمت ایران چیزی نمی‌خواهند. آن‌هایی که از بدبختی و فلاکت مردم ایران به ستوه آمده‌اند، آن‌هایی که از تمام دل، خواهان تحولات ایرانی هستند، در بین آن‌ها هم اختلاف نظر راجع به آذربایجان عمیق بود. طرز پیدایش آزادی، راههای پریچ و خم آن، بر خیلی از هموطنان ما مجهول است. نمره حیات‌بخش آزادی به سهولت و به تندی به دست نمی‌آید.

برای اینکه نهال آزادی از میوه پرسعادت خود، قومی را مستفیض نماید وقت زیاد و مشقت بسیار لازم است. ملت بیچاره ایران حوصله و تحمل خود را از دست داده است. متقابلاً در قلب حساس ایرانی، وطن‌پرستی صاف و روشن می‌باشد.

فرقه دموکرات آذربایجان از یک موقعیت بین‌المللی استفاده کرده بود. تولدش در مقابل چشم بیگانگان و در پناه اسلحه آنان انجام گرفته بود. خیلی از مردم ایران این وضعیت را گناهی غیرقابل عفو دانستند. مخصوصاً که اصرار در نگاهداری زبان ترکی و بعضی اشتباهات دیگر قلب وطن‌پرست ایرانیان را جریحه‌دار نگاه می‌داشت. از این جهت عده زیادی از ایرانیان نسبت به این وضعیت بدبین بودند و سیادت‌ی که به خیالشان به وطن‌پرستی لطمه می‌زند را نخواستند. ولی عده‌ای هم که بیشتر به اوضاع و احوال دنیا آشنا بودند و می‌دانستند که تجزیه ایران غیرممکن بوده و بر فرض هم که فرقه دموکرات نوکر عبد و عبید روس‌ها

باشد، جدایی آذربایجان غیرعملی است. چه آذربایجان روزی برای روسیه شوروی مهم است که نقطه‌ای از ایران و به اصطلاح نظامی‌ها سرپلی در خاک ایران باشد وگرنه قطعه کوچکی زمین و منابع محدود آن برای مملکتی که دنیا دنیا زمین و منابع دست نخورده دارد، ارزش این همه بدنامی را ندارد. اینان با خود می‌گفتند که چون تمامیت ارضی ایران مطرح نیست باید از جنبه اصلاح طلبی آن استفاده نمود و تحولات ایران را به سرعت انجام داد. آزادی بیان و عقیده که اولین قدم اصلاحی است، چشم و گوش ایرانیان را باز می‌کند. اصلاحات از معایب این ملت می‌کاهد و راه ترقی باز می‌شود. اگر پس از آن مشکلی پیدا شد حل آن سهل‌تر خواهد بود. حزب ایران از این دسته بود. ما در این راه رفتیم و از رفتار خود پشیمان نیستیم. ما جز سعادت ایرانیان و ترقی ملت ایران هدفی نداریم و هر قدمی که ما را به این هدف نزدیک کند، برخوایم داشت.

اینک فرقه دموکرات آذربایجان متلاشی شد و یک عده زیادی از عوامل مؤثر در آینده ایران عوض گشت. آنچه گذشت، گذشته است. آنچه هست و آنچه می‌آید مدنظر باید باشد. به طور محقق تحولات سریع ایران به روزگار دیگر محول شد. دیگر هیچ نیروی قابل ملاحظه‌ای برای برگرداندن چرخ زندگی ایرانیان در بین نیست. چرخ زندگی ما در جهت مخالف منافع ما می‌گردد. این حقیقت را همه کس در ایران می‌فهمد. برای اینکه در جهت چرخش تغییری روی دهد نیروی بزرگی لازم است و این نیرو امروز در دست ملت ایران نیست.

یگانه روزنه امیدی که در این افق سیاه نمودار است عملیاتی است که در این چند سال دموکراسی نیمه جان، از طرف آزادی خواهان انجام گرفته. وجود تشکیلات صنفی و حزبی، عملاً قدرت اجتماعی را به ایرانیان نشان داد. کارگری که در عرض چند سال به حقوق خود آشنا شده

و مخصوصاً به چشم خود دیده که می‌توان این حقوق را به دست آورد، یک فرد اجتماعی حاضر و آماده برای موقع مناسب فردا است. دهاتی که یک مرتبه دید که عوارض یعنی چه و چگونه می‌توان از زیر آن شانه خالی کرد، خیلی چیزها فهمیده است. نظم و ترتیب در کارها، جلوگیری از رشوه و فساد، یادگارهای خوبی در خیلی از دل‌ها به جای گذاشته است. شاید زمان کار خود را کرده باشد و در دل‌ها عشق و علاقه به آزادی تولید شده باشد. امروز خیلی احساسات متضاد پرده بر روی حقایق کشیده است. پس از مدتی از شدت احساسات کاسته می‌شود و حقایق خودنمایی می‌کند. ولی یک ابهام باقی است. آیا اکنون که هرگونه نگرانی راجع به وطن‌پرستی و تمامیت ایران برطرف شده. آزادی، آزادی بی‌قید و زنجیر، آزادی که عشق وطن متزلزلش ندارد، آیا می‌تواند تظاهر کرده و برای راهنمایی و ارشاد ملت ایران قدم بردارد؟ حال باید دید که آیا تشکیلات حزبی، اجتماعات و آزادی نطق و بیان برای ایرانیان باقی خواهد ماند یا نه؟ در صورتی که آزادی باقی بماند، امید اصلاحات قطع نشده و تحولات با قدم‌های کوتاه ولی مطمئن جلو خواهد رفت. وضع ایران به اندکی، تغییر می‌کند ولی اثرش عمیق‌تر و موثرتر خواهد بود. ولی اگر خدای نخواستہ پروبال آزادی یک دفعه بریده شد، آینده تاریک‌تر از همیشه خواهد بود.

۴۶

یک بار دیگر ثابت شد که ایران تجزیه نمی‌شود^۱

موضوع آذربایجان ظاهراً حل شد و خطر یک جنگ بزرگ داخلی و یک برادرکشی پر دامنه از میان رفت و آقای قوام السلطنه رسماً اظهار داشت که

۱. همان.

ایران از فرستادن قوا جز حفظ استقلال ایران و مخصوصاً حفظ آزادی انتخابات منظوری ندارد. تا اینجا کمابیش به نفع و صلاح ایران بود. با آنکه بسیاری از آرزوها بر باد رفت. با آنکه بسیاری از امیدها نابود شد. ولی لاقلاً این حسن را داشت که ایران از دست نرفت. اگر ایران باقی بماند. اگر استقلال ایران ولو به اسم هم که باشد، حفظ شود. این امید برای ما و برای هر آزادی خواهی باقی خواهد ماند که این ایران یک روزی واقعاً به صورت یک کشور آباد و آزاد درآید و استقلال ایران که امروز بازیچه سیاست خارجی شده است، روزی معنای واقعی پیدا کند.

ما امروز نمی دانیم که چقدر از این موقعیت را باید مرهون سیاست داخلی بوده و تا چه اندازه جریان سیاست های خارجی را در آن مؤثر بشناسیم. ولی در هر حال نکته ای که باید قبول کرد این است که صحبت آن اصل مسلم و کلی که «حزب ایران» تاکنون بارها و در تحت شرائط سیاسی مختلف گفته و تکرار کرده است، یک بار دیگر تأیید گردید. ملت ایران یک بار دیگر دید که علی رغم تصور بعضی نزدیک بینان و الغاء شبهه دشمنان ایران استقلال ظاهری ایران هیچ گاه از بین نخواهد رفت و هیچ گوشه ای از کشور و به خصوص آذربایجان از ایران جدا نخواهند شد. تا دنیا بدین صورت است و در شمال و جنوب ایران دو دولت مقتدر و مختلف المسلك قرار گرفته ایران در روی نقشه جغرافیایی باقی خواهد ماند و آذربایجان نیز خواهی نخواهی همان رنگی را خواهد داشت که ایران دارد.

بنابراین حالا که این اصل مسلم شد، حالا که استقلال ظاهری ایران محرز گردید، لاقلاً بکشیم که این استقلال را واقعیتی هم بدهیم و دیگر به عنوان محال و استناد به اینکه وضع موجوده ممکن است باعث تجزیه و یا محو استقلال ایران شود، سد راه اصلاحات نشویم.

حزب ایران را بشناسید

جواب ما به نویسنده ناشناس روزنامه میهن^۱

از روزی که حزب ایران تشکیل شد تاکنون، مانند تمام تشکیلات‌های این کشور که به حق یا ناروا مورد حمله و دشنام قرار می‌گیرند، از حملات افتراء آمیز عده‌ای از جراید در امان نمانده است. شدت و ضعف این حملات و موارد تهمت برحسب جریان‌ات روز و قدرت و ضعفی که تصور می‌کرده‌اند حزب ایران دارد، تغییر می‌کرده است، ولی در همه حال این حملات ادامه داشت و ما نیز هیچ‌گاه بدانها جوابی نمی‌دادیم. ولی در شماره دیروز روزنامه میهن مقاله‌ای دیده شد که تا اندازه‌ای تازگی داشت.^۲

در این مقاله باز هم به ما حمله شده و مخصوصاً از دشنام‌های همیشگی از قبیل «لوس» «بی‌سواد» و «یک عده جوان دیپلم از دست داده» و «داغ باطله برپیشانی داشتن» و «بعضی مقامات...» و امثال آن را به مقدار فوق‌العاده زیاد در خلال سطور آن دیده می‌شد. ولی با تمام این اوصاف در ضمن آن یکی دو موضوع را به عنوان شاهد و مثال ذکر کرده و بدین وسیله خواسته‌اند از راه دلیل و منطق و به کمک اسناد و مدارک به حزب ایران حمله کرده باشند. واقعاً این اولین دفعه‌ای بود که چنین چیزی را در مطبوعاتی که به ما حمله می‌کردند، دیده‌ایم.

بنابراین لازم دانستیم که این دفعه برخلاف همیشه بدین مقاله جوابی بدهیم. ولی البته به همان قسمت‌هایی که ظاهراً متکی به دلیل است و گرنه درباره سایر قسمت‌ها و دشنام‌های رکیکی که به ما داده‌اند هیچ جوابی

۱. همان، ش ۱۵، ۱۳۲۵/۹/۲۵، ص ۱ و ۴

۲. این شماره ملاحظه نشد.

نداده و فقط از خوانندگان عزیز تقاضا داریم که عین آن مقاله را که در شماره ۴۰۴ روزنامه میهن چاپ شده یک دفعه به دقت خوانده و معنای واقعی روزنامه‌نویسی را در این مملکت عملاً ببینند. اینک جواب ما به مندرجات آن مقاله.

*

نویسنده مقاله قبل از هر چیز این موضوع را که بارها در روزنامه میهن تکرار شده، یادآوری کرده و گفته است که حزب ایران (صرف نظر از کلمات رکیکی که نوشته) از یک عده جوان فرنگ رفته بی سواد که دیپلم‌های خود را از دست داده و به واسطه بی‌عرضگی در هیچ اداره‌ای موفق به یافتن شغلی نشده‌اند، تشکیل شده است.

چون ممکن است اطلاع یافتن بر حقیقت این موضوع مورد توجه بسیاری از هموطنان عزیز ما و مخصوصاً آن‌هایی که حزب ایران را از نزدیک نمی‌شناسند، باشد، بی‌مناسبت نیست که جوابی بدان داده شود. می‌گویند حزب ایران از یک عده بی‌سواد تشکیل شده است. بگذارید ببینیم که این بی‌سوادها کی‌ها هستند. همه می‌دانند که از تمام محصلین اعزامی به اروپا هفت نفر از آن‌ها فقط توانستند از دانشکده پلی‌تکنیک فرانسه دیپلمه شود. آری فقط هفت نفر «پولی تکنیسین» در این مملکت وجود دارد که سه نفر آن‌ها در حزب ایران عضویت دارند و از چهار نفر بقیه دو نفر افسر ارتش است که اساساً نمی‌توانند در احزاب سیاسی شرکت کنند. بنابراین بطوری که ملاحظه می‌کنید که از تمام پنج نفر «پولی تکنیسین سیویل» ایرانی، یعنی از کسانی که سرتاسر دنیا آن‌ها را از بزرگترین تحصیل‌کردگان دنیا می‌دانند سه نفر آن‌ها در همین حزب ایران که از عده‌ای جوان بی‌سواد تشکیل شده، گرد آمده‌اند.

مهندس زیرک‌زاده دبیر حزب ایران و عضو کمیته مرکزی این حزب که خوشبختانه امروز کاندیدای حزب ما از تهران است، یک نفر «پولی

تکنیسین» می‌باشد. شاید این لقب در ایران آنقدرها ارزش نداشته باشد ولی آن‌هایی که اروپا را به چشم دیده‌اند می‌فهمند پولی تکنیسین یعنی چه؟ مهندس اصفیاء و مهندس حسینی اعضای شورای مرکزی حزب ایران که مایه افتخار مهندسین ایرانی هستند، «پولی تکنیسین» می‌باشند. خوب است عده دیگری از جوانان بی‌سواد حزب ایران را بشناسیم. یکی از این‌ها همین مهندس فریور استاد دانشگاه است که بدبختانه مورد بی‌لطفی نویسندگان روزنامه میهن واقع شده. یکی دیگر از این جوان‌های بی‌سواد که در عین حال یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب ایران می‌باشد، دکتر سنجابی استاد دانشگاه تهران و رئیس سابق دانشکده حقوق است. آری استادان دانشکده حقوق این جوان بی‌سواد و بی‌دیپلم را به ریاست دانشکده انتخاب کرده بودند. عضو دیگر کمیته مرکزی دکتر جناب استاد فیزیک دانشگاه تهران و دیگری دکتر عالمی استاد دانشکده حقوق و دیگری مهندس حق‌شناس استاد هنر‌سرای عالی است. این‌ها هستند یک عده از جوان‌های بی‌سوادی که حزب ایران را تشکیل داده و امور آن را اداره می‌کنند. از آقای صالح صحبتی نکردیم زیرا خوشبختانه روزنامه میهن دیگر جرئت نکرده است که راجع به ایشان اسائه ادبی بکند.

این بود درجه بی‌سوادی این جوانان عضو حزب ایران و حالا می‌پردازیم به یکی دیگر از قسمت‌های آن مقاله. البته در این میان مقداری فحش و دشنام و ناسزا را به کلی بی‌جواب گذارده‌ایم. نویسنده مقاله ادعا می‌کند که روزنامه ارگان حزب ایران در مدت دو سال به تمام مقامات کشوری و لشکری و به تمام شئون و مقدسات کشور تاخته است.

آیا شما اگر فقط یک شماره از روزنامه ارگان ما را خوانده باشید، چنین حرفی را قبول می‌کنید؟ دوره روزنامه جبهه و شفق همه جا و شاید حتی در

اداره روزنامه میهن جمع‌آوری شده است. یک دقیقه فقط به یکی از شماره‌های آن نگاه کنید. آن وقت خواهید دید که اگر بعضی‌ها به روزنامه ما ایراد می‌گرفتند «که خیلی کم حمله می‌کنید» چندان حرف بی‌اساسی نزده‌اند.

پس از این موضوع، نویسنده مقاله باز هم مقداری فحش داده و بالاخره می‌رسد به موضوع اعتصاب مهندسين موضوع این اعتصاب اکنون قدری کهنه شده ولی قطعاً روزی که تاریخ پنج ساله اخیر ایران نوشته شود «به نام نخستین جنبش و نهضت علنی ملت ایران برای احقاق حقوق حقه خود» شناخته خواهد شد. ما نهایت افتخار را داریم که در این امر مهم رفقای حزبی ما و بخصوص آقایان مهندس فریور و مهندس زیرک‌زاده که در آن موقع رئیس و نایب رئیس کانون مهندسان بودند. پیشقدم بودند.

نویسنده مقاله اعتصاب مهندسين را از ناحیه بیگانگان دانسته. چون موضوع «بیگانگی پرستی» امروز به صورت دشنامی درآمده ما به آن جوابی نداده و قضاوت را به عهده خوانندگان واگذار کرده و فقط یادآوری می‌کنیم که نخستین هدف اعتصاب مهندسين جلوگیری از سوءاستفاده و تندروری‌های دکتر میلیسپو بود که چندی بعد از ایران رانده شد. (رجوع شود به شماره‌های روزنامه شفق که در همان تاریخ منتشر می‌شد).

بعد از این قسمت نویسنده مقاله می‌پردازد به جریان مبارزات اقلیت در مجلس چهارده (که آنرا گریه رقصانی می‌نامد). [و ادعا دارد] به وسیله زعمای حزب ایران راهنمایی می‌شده است. ما خوشوقتیم که این نکته از نوک قلم نویسنده این مقاله تراوش کرده و ملت ایران می‌فهمد که حتی دشمنان ما نقش تاریخی حزب ما را در مبارزات مجلس چهاردهم نمی‌توانند نادیده انگارند. اما نکته‌ای که در همین قسمت از مقاله دیده می‌شود و واقعاً باعث تاسف کلیه افراد حزب ایران است، اینکه نویسنده

مقاله می‌نویسد: «دکتر مصدق بی‌نوا را هم آلت دست خود ساخته بودند.» آری کسانی که به ما ایراد می‌گیرند که شما به مقدسات این ملت توهین کرده‌اید، در همان مقاله علناً دکتر مصدق را که یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی ایران است به لقب بینوا نامیده و او را آلت دست معرفی می‌کنند.

«بقیه دارد»

۴۸

حزب ایران را بشناسید

جواب ما به نویسنده ناشناس روزنامه میهن^۱

در شماره گذشته قسمتی از ایراداتی که یک نویسنده ناشناس به امضای مستعار «باربد» در شماره ۴۰۴ روزنامه میهن، به حزب ایران و اعضای آن گرفته بود، پاسخ داده و مخصوصاً به طور مختصر نقش تاریخی حزب ایران را در جریان «اعتصاب مهندسین» و بعد از آن در جریان «مبارزات مجلس چهاردهم» تشریح کردیم.

نویسنده مقاله بعد از ذکر این قسمت‌ها باز پرداخته است به مقداری فحش و دشنام و بعد از آن خواسته است از اعمال این حزب بیلانی به دست مردم بدهد.

ما خیلی خوشوقتیم از اینکه از اعمال و مبارزات ما و حزب ما و نتایج آن بیلانی به دست مردم داده شود، مخصوصاً اگر آن بیلان از ناحیه شخص ما نبوده و از طرف توده ملت و افراد بی‌طرف و بی‌غرض باشد. ولی بیلانی که نویسنده مقاله داده است چنین بیلانی نیست. چه اولاً این

۱. همان، ش ۱۶، ۱۳۲۵/۹/۲۶، ص ۱ و ۴

بیلان از طرف شخص بی طرف و بی غرض داده نشده و مطالعه عین همان مقاله ادعای ما را ثابت می کند. ثانیاً بیلان اعمال و مبارزات یک حزب سیاسی در همان تاریخ و به دست اشخاصی که در جریانات وارد بوده و یا لاقلاً با آن در تماس بوده اند، داده نمی شود. زیرا چنین بیلانی اولاً نمی تواند متکی به اسناد و مدارک مثبت باشد. (زیرا انتشار بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به زمان معینی در همان زمان میسر نیست). ثانیاً اشخاصی که چنین بیلانی می دهند از آنجایی که خود در جریانات وارد بوده و یا لاقلاً با آن در تماس بوده اند هر قدر هم که بخواهند بی طرف و منصفانه قضاوت کنند، موفق نگردیده و خواهی نخواهی تحت تأثیر احساسات واقع خواهند شد.

بنابراین ما انتشار چنین بیلانی را برعهده نسل های آینده و محققین و تاریخ نویسان بی طرفی که بعدها خواهند آمد، می گذاریم و فعلاً به همان بیلانی اکتفا می کنیم که ملت ایران از عملیات و مبارزات ما در قلب خویش تهیه کرده است. اما جواب ما به مطالبی که نویسنده مقاله ذکر کرده و آن ها را به عنوان بیلان عملیات حزب ما منتشر کرده است.

«بقیه دارد»

حزب ایران را بشناسید

جواب ما به نویسنده ناشناس روزنامه میهن^۱

گفتیم که نویسنده مقاله خواسته است از اعمال و خدمات بعضی از رفقای حزبی ما بیلانی بدهد، ولی متأسفانه باید اقرار کنیم که علاوه بر فحش ها و

۱. جریده اخبار ایران به جای نبرد امروز، ش ۲، ۱۳۲۵/۹/۲۸ / ص ۱ و ۲

کلمات ریکی که در ضمن آن بکار برده، اساساً هیچ یک از مطالبی که در این باره ذکر کرده، صحت ندارد و ما در زیر درباره هر کدام از آنها جداگانه توضیح می دهیم.

درباره آقای مهندس زنگنه معاون فنی وزارت پیشه و هنر و عضو هیات مدیره بانک صنعتی مطالبی نگاشته که اگر از فحشها و کلمات رکیک آن صرف نظر کنیم، ماحصل مطالب آن این است که ایشان در زمان وزارت گلشائیان از کار برکنار شده و بعد مجدداً در زمان حکومت آقای قوام بر سر کار آمده و بلافاصله مامور اروپا گردیده و آنجا هم کاری انجام نداده اند.

اما ببینیم حقیقت موضوع چیست؟ در اوایل کابینه آقای ساعد، آقای مهندس زنگنه در خارج از تهران و در نواحی کرمانشاه بسر برده و به طور کلی از جریانات مرکز کناره گیری نموده بودند. ولی در اثر دعوت های مکرر تلگرافی رفقای مهندس، ایشان به تهران مراجعت کرده و پس از چند روز به مقام معاونت فنی وزارت پیشه و هنر و بازرگانی انتخاب شدند. البته این عمل تا آن تاریخ سابقه نداشت و دیده نشده بود که یک نفر آدم فنی و تحصیل کرده و متخصص، به معاونت فنی یک وزارت خانه برسد. چه تا قبل از آن تاریخ این گونه مقامها تیول انحصاری افراد بی اطلاع بود. در هر حال این عمل برای اولین مرتبه در ایران صورت گرفت و شکی نیست که فعالیت کانون مهندسين در این باره تاثیر بسزایی داشت. کابینه آقای ساعد افتاد و کابینه آقای بیات روی کار آمد و مهندس زنگنه همچنین به کار خویش ادامه دادند.

کابینه آقای بیات هم مانند اسلاف خود افتاد و در اثر فشار یک عده از نمایندگان مجلس چهاردهم که به نام اکثریت نامیده شده و افرادی مانند سیدضیاء و دشتی و رفقای آنها در راس آن بودند، کابینه غیرقانونی صدراالاشراف بر روی کار آمد و بلافاصله گلشائیان را به وزارت پیشه و

هنر منصوب کرد. بحث درباره طرز روی کار آمدن این کابینه و ضررهایی که به آزادی و استقلال این مملکت زد یکی از قسمت‌های حساس تاریخ این مملکت را تشکیل داده و باید در پیرامون آن کتاب‌ها نوشته شود و خوشبختانه هنوز خاطرات تلخ و وحشتناک آن حکومت ننگین از صفحه خاطرات هم میهنان ما زدوده نشده.

به‌هرحال کابینه صدر بدان صورت روی کار آمد و یک عده از وکلای مجلس که به نام اقلیت خوانده شده بودند، به راهنمایی دکتر مصدق که یکی از بزرگترین و پاکترین رجال این مملکت بوده، آماده مبارزه با آن شدند. به طوری که قطعاً می‌دانید روزنامه میهن هم در ضمن مقاله خود یادآوری کرده یکی از حساس‌ترین قسمت‌های این مبارزه بر عهده حزب ایران بود. نخستین نتیجه این مبارزه این شد که به دستور صدر و فشار وکلای اکثریت، کلیه اعضای حزب ایران و وابستگان آن‌ها از دستگاه دولت خارج شدند. البته این عمل چندان هم بی‌دلیل نبود.

زعمای اکثریت که در تاریخ مجلس چهاردهم به لقب متولی ملقب شدند، تصور می‌کردند که با این حمله می‌توانند حزب ایران را در مقابل یک فشار شدید مالی قرار داده و اعضای آن حزب را از مبارزه‌ای که در پیش داشته‌اند، مانع شوند. ولی این نقشه نگرفت و رفقای مبارز ما با فروختن فرش زیرپا و اثاثیه خانه خود مختصر وجهی تهیه کرده و مبارزه را بدان صورتی که همه می‌دانند، ادامه دادند. از موضوع دور افتادیم. در چنین وضعی رفیق مبارز ما آقای مهندس زنگنه مانند سایر رفقا به دست گلشائیان که در آن موقع وزیر پیشه و هنر بود، بیکار شد و جز این هم راهی نبود. چه هرکسی که جزئی آشنائی با این دو نفر داشته باشد می‌داند که علاوه بر تمام اشکالات و فشارهای موجوده، همکاری آقای مهندس زنگنه با گلشائیان نمی‌تواند صورت عمل به خود بگیرد.

دولت صدر رفت و چنانچه همان موقع در سر مقاله روزنامه شفق

نوشته شد «در گورستان دولت‌های فاسد مدفون گردید.» دولت حکیمی بر روی کارآمد و بسرعت سقوط کرد. بعد از آن کابینه اول [دوم] آقای قوام السلطنه تشکیل گردید و آقای مورخ‌الدوله سپهر وزارت پیشه و هنر را به عهده گرفتند. در همان موقع بنگاه امور صنعتی تشکیل شد تا صنایع کشور از وضع فلاکت باری که بدان دچار شده بودند، نجات یابند. از آنجایی که لازم بود اداره امور این بنگاه و سایر کارهای فنی وزارت خانه در دست شخص واحدی متمرکز شده و بالتیجه سرعت کارها بیشتر شود، آقای سپهر که در زمان معاونت خود در وزارت پیشه و هنر به طرز کار آقای مهندس زنگنه آشنا بودند، ایشان را به ریاست بنگاه امور صنعتی و در ضمن به معاونت فنی وزارت پیشه و هنر منصوب داشتند. نویسنده مقاله روزنامه میهن در اینجا اشاره می‌کند به این نکته که وزارت خانه نامبرده در آن موقع دو معاون دیگر داشت و احتیاجی به معاون ثالث نبود. برای اینکه هرگونه سوء تفاهمی بر طرف شود، لازم است یادآوری کنیم که این دو معاون یکی معاون اداری بوده و دیگری معاون بازرگانی (زیرا وزارت پیشه و هنر و بازرگانی ضمیمه یکدیگرند). البته ممکن است بعضی‌ها بهتر پسندند که در این مملکت هنوز کارهای فنی و صنعتی در دست معاونین اداری و بازرگانی باشد. باری چند روزی گذشت و بانک صنعت تشکیل شد و بنگاه امور صنعتی به این بانک ضمیمه گردید. البته طبیعی و لازم بود که رئیس سابق بنگاه که قطعاً در امور مربوط به بنگاه از همه کس واردتر است، در هیات مدیره این بانک شرکت داشته باشد. این بود جریان وقایع تا روزی که مهندس زنگنه مامور اروپا شدند و از آنجایی که نویسنده مقاله خیلی اصرار داشته است که بفهمد ایشان در مدت ماموریت خود چه عملیاتی انجام داده‌اند ما مختصری از آن را در شماره فردا منتشر می‌کنیم.

بقیه دارد

**حزب ایران را بشناسید جواب ما به نویسنده
ناشناس روزنامه میهن^۱ آقای مهندس زنگنه در اروپا چه کرده‌اند؟**

تصحیح و معذرت: در مقاله حزب ایران را بشناسید که در شماره دیروز چاپ شده بود، اشتباه کوچکی روی داده بود که ذیلاً تصحیح می‌شود:
تشکیل بنگاه امور صنعتی که نوشته شده در زمان حکومت آقای حکیمی صورت گرفته است در زمان حکومت آقای بیات بوده است، مستهملی چون به صورت خوبی اداره نمی‌شد در زمان کابینه آقای حکیم‌الملک در طرز کار آن اصلاحاتی به عمل آمد.

*

بقیه از شماره قبل: نویسنده روزنامه میهن نسبت به علت مسافرت‌های مهندس زنگنه به اروپا و خدماتی که در آنجا انجام داده، اظهار عدم اطلاع کرده است. شاید هم واقعاً بی‌اطلاع بوده است. بنابراین بی‌مناسبت نیست که ما در این باره توضیح مختصری بدهیم.

چندی پیش دولت فرانسه از طرف کنگره فنی جهانی منعقد در پاریس از طریق وزارت امور خارجه ایران به وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مراجعه نموده و تقاضا کرد که نماینده شایسته‌ای در این کنگره علمی و فنی از طرف دولت شاهنشاهی معرفی نماید. وزارت پیشه و هنر هم آقای مهندس زنگنه که یکی از مهندسين درجه اول این مملکت و استاد دانشگاه فنی ایران و معاون فنی وزارت پیشه و هنر بود را معرفی نمود. زیرا تصور می‌کرد که ایشان با داشتن چنین شخصیت علمی و فنی و اداری و اجتماعی بهتر و بیشتر از هرکس صلاحیت این نمایندگی را دارند. ولی به نظر می‌رسد که به عقیده نویسنده میهن اگر یکی از معاونین اداری یا

۱. همان، ش ۳، ۱۳۲۵/۹/۲۹، ص ۱ و ۴

بازرگانی و یا یک شخص غیرفنی دیگری نامزد این نمایندگی علمی و فنی شده بود، منطقی تر بوده است! به هر حال آقای مهندس زنگنه به عنوان نماینده دولت شاهنشاهی به اروپا رفتند و مسافرت ایشان دو ماه و چند روز به طول انجامید که از این مدت دو هفته آن مصروف کارهای مربوط به کنگره و بقیه مصروف انجام کارهای دیگری شده که در پایان این مقاله بدانها اشاره خواهیم کرد. اما درباره جریان کنگره و خدماتی که آقای مهندس زنگنه در این مدت بوسیله شناساندن و معرفی کردن صنایع ایران به دول خارجی انجام داده و کمک‌هایی که مبذول داشته‌اند، همین قدر کافی است که بگوئیم خدمات ایشان به اندازه‌ای مؤثر واقع شده که رئیس کنگره به عنوان قدردانی شرح زیر را به ایشان نوشته‌اند. (متن این نامه در بانک صنعتی موجود است)

جناب آقای مهندس زنگنه معاون فنی وزارت بازرگانی و پیشه و هنر ایران از اینکه هنگام پایان کنگره نتوانستم احساسات و حق شناسی خود را درباره همکاری درخشان کشور شما ابراز دارم، بسیار متأسف می‌باشم. اکنون بدین وسیله نسبت به شرکت کشور شما در این اجتماع بین‌المللی مراتب خشنودی کنگره را اعلام نموده و از قدردانی که جنابعالی در جلسه عمومی از کشور اینجانب به عمل آورده‌اید، به نام کمیته‌پذیرایی تشکرات خود را تقدیم می‌دارم. آنچه مربوط به مسائل فنی است، کنگره موافقت نموده است که طبق دوستی گذشته روابط حسنه فیما بین بیش از پیش استوار گردد.

با تقدیم احترامات فائقه
رئیس کنگره آ - آنتوان، پاریس

نکته دیگر که باید یادآوری که اینکه آقای مهندس زنگنه بین نمایندگان تمام کشورهای جهان از لحاظ مقام و شخصیت علمی به سمت معاونت یکی از چهار قسمت کنگره انتخاب شده‌اند و همچنین در پیامی که از طرف کنگره به مهندسین ایرانی فرستاده شده، مراتب شخصیت

برجسته و مقام علمی آقای مهندس زنگنه مورد تقدیم قرار گرفته است. (عین این پیام نیز موجود است.) این بود وظایفی که آقای مهندس زنگنه به عنوان نماینده دولت شاهنشاهی در کنگره فنی جهانی انجام داده و اظهار نظر درباره ارزش این خدمات را ما به افکار عمومی واگذار می‌کنیم. اما درباره سایر خدماتی که ایشان در ضمن این مسافرت انجام داده‌اند، گفتیم که مسافرت‌های مهندس زنگنه دوماه و چند روز طول کشید، که دو هفته آن صرف کارهای کنگره گردید و یک ماه و نیم باقیمانده مصروف کارهای مربوط به بانک صنعتی شده که قسمتی از آن را در زیر یادآوری می‌کنیم. حل اختلافات با کارخانه آگرو، سازنده ماشین‌آلات کارخانه روغن‌کشی ورامین و تحویل گرفتن و حمل و نقل قسمتی از ماشین‌آلات کارخانه مزبور که قبل از جنگ سفارش داده شده و به علت جنگ تحویل دادن آن انجام نگرفته بود. همچنین گرفتن پیشنهاد از کارخانجات مختلف به منظور تکمیل کارخانه فوق‌الذکر.

تهیه کار و نقشه برای کارخانه حریربافی چالوس که موفق شده‌اند از بهترین نقشه‌های جدید برای گل انداختن روی حریر تهیه نمایند که برای مرغوبیت جنس کارخانه و در نتیجه تاثیر آن در فروش و بالا رفتن راندمان کارخانه فوق‌العاده مؤثر است.

(در اینجا لازم است برای مزید اطلاع خوانندگان که در این باره اطلاعات فنی کامل ندارند، یادآوری شود که تهیه این‌گونه نقشه‌ها که در حقیقت ابزار کارخانه است، یکی از مشکل‌ترین و حساسترین مأموریت‌ها است.) تهیه مقداری از لوازم یدکی کارخانه‌های نساجی و سیمان. تهیه مقدمات کار برای حمل و ارسال ۴۹ صندوق لوازم کارخانه‌های نساجی خریداری شده و مذاکره برای انجام حمل آن‌ها. توضیح اینکه این اجناس قبل از جنگ خریداری شده ولی اشکالات و مقررات مربوط، حمل آن‌ها را مشکل کرده است.) اعزام یک نفر مهندس

از طرف کارخانه اشکودا به منظور ترمیم و تعمیر کارخانه قند آبکوه مشهد که در مدت اقامت ایشان در پاریس طعمه حریق شده بود. (سرعت عمل در تهیه و مخصوصاً ارسال فوری این لوازم را اشخاصی که با کارخانه‌های خارجی، خاصه در ایام جنگ سروکار دارند، بهتر می‌توانند درک کنند.)

بقیه دارد.

۵۱

حزب ایران را بشناسید جواب ما به نویسنده ناشناس روزنامه میهن^۱ آقای مهندس زنگنه در اروپا چه کرده‌اند

گرفتن پیشنهاد از طرف کارخانجات مربوطه برای فروش قسمتی از لوازم یدکی کارخانه‌های سیمان و تصفیه مس (لازم است توضیح داده شود که لوازم یدکی در موقعی تهیه می‌شود به علت تراکم سفارش‌ها - که ناشی از تعطیل بودن کارخانجات مربوطه در زمان جنگ است - کارخانجات مربوطه خیلی با اشکال سفارش قبول می‌کنند.) گرفتن پیشنهاد از طرف کارخانجات مربوطه برای فروش اثاثیه بیمارستان بابک که از لحاظ حفظ سلامتی کارخانه در درجه اول اهمیت قرار دارد. این بود قسمتی از کارهایی که مهندس زنگنه در مدت یک ماه و نیم که در پاریس اقامت داشتند، انجام داده و شاید در نظر اشخاص بی‌طرف این اقدامات کوچک نباشد. البته اگر برای هر کدام از کارهای بالا یک هیات چند نفری از تهران اعزام می‌شد و با گرفتن خرج سفر و سایر کارها مدت یکی دو سال در اروپا اقامت می‌کردند، آن وقت دیگر نویسنده روزنامه موهن نسبت به طرز عمل [مهندس زنگنه] اعتراض نداشت.

۱. همان، ش ۴، ۱۰/۱/۱۳۲۵، ص ۱ و ۴

ولی حالا که یک نفر که ماموریت رسمی دارد و در اروپا حاضر است تمام این کارها را انجام داده و فقط از بابت خرج سفر هیات‌های مذکوره میلیونها ریال به خزانه دولت صرفه می‌رساند، این عمل مورد حمله قرار بگیرد. در هر حال این بود کاری که یکی از روشنفکران از همه جا رانده (به قول نویسنده روزنامه میهن) حزب ایران انجام داده و یقیناً هر فرد بی‌طرفی تصدیق می‌کند که اگر تمام کسانی که با پول این ملت فلک‌زده به عناوین مختلف به اروپا مسافرت می‌کنند، عشر این مقدار کار انجام می‌دادند این مملکت، امروز در این وضع فلاکت‌بار نبود. درباره سایر نسبت‌هایی که نویسنده مقاله به آقای مهندس زنگنه داده است، چون این قسمت‌ها فقط جنبه دشنام و ناسزا دارد ما درباره آن سکوت کرده. درباره اینکه نوشته است (ایشان در معاملات کارخانه ذوب آهن سوءاستفاده کرده‌اند). یادآوری می‌کنم که به شهادت پرونده‌های موجوده در بانک صنعت و وزارت پیشه و هنر آقای مهندس زنگنه کوچکترین سمتی در امور مربوطه به این کارخانه نداشته و حتی یک امضاء از ایشان در تمام پرونده‌ها دیده نخواهد شد.

درباره مهندس فریور گویا نویسنده میهن بیش از همه کم لطف بوده است. چه از تمام سی‌وهشت سطر دشنام و ناسزائی که درباره او نوشته فقط می‌توان مطالب زیر را استخراج نمود:

(آقای مهندس فریور برای انجام چه کاری به اروپا رفته و چرا در موقع حرکت دو هزار لیره نقد در اختیار او گذارده شده است؟)

به طوری که ملاحظه می‌فرمائید جمع مطالب بالا از سه سطر تجاوز نمی‌کند و بقیه آن یعنی سی و پنج سطر دیگر فقط شامل دشنام و ناسزا است از قبیل «درب سفارت بیگانه» «عنصر مشکوک» و «۵۰۰۰۰ دلار استفاده» و «مقامات.....» و امثال آن که ما لازم نمی‌دانیم بدانها پاسخی بدهیم.

اینک پاسخ‌های ما

درباره آن دو هزار لیره که به عنوان خرج سفر در اختیار مهندس فریور گذارده شده و ظاهراً اسباب ناراحتی خیال نویسندگان روزنامه میهن را فراهم ساخته است، لازم است که توضیح داده شود که این مبلغ بابت خرج سفر یک هیات چهار نفری که در معیت آقای مهندس فریور حرکت کرده‌اند، تحویل آقای مهندس فریور گردیده است. نه اینکه فقط خرج سفر شخص ایشان باشد. درباره حقوق ایشان هم لازم است توضیح داده شود که ایشان فقط حقوق رتبه خود را دریافت می‌کنند. (چه ایشان قبل از اینکه به نمایندگی مجلس انتخاب شوند یکی از اعضای عالی‌رتبه وزارت پیشه و هنر و مدیر کل آن وزارت خانه بوده‌اند).

اما مأموریت ایشان : مأموریت آقای مهندس این بوده است که وسایل حمل قسمتی از لوازم و ماشین‌آلات کارخانه ذوب آهن را که قبل از جنگ خریداری شده و به علت پیش آمد جنگ حمل آن به تاخیر افتاده بود را فراهم آورند. ولی از آنجایی که این ماشین‌آلات از کارخانجات مختلف خریداری شده و در موقع حمل بعضی اختلافات روی داده بود، ایشان ناچار شدند که شخصاً با کارخانجات مختلف تماس گرفته و اشکالات مربوطه را برطرف نمایند.

ضمناً علاوه بر مأموریت بالا در جریان مسافرت خود انجام بعضی از امور بانک صنعتی و معدنی را هم برعهده داشته‌اند. اما درباره موضوع معامله کاغذ سیگار، از آنجائی که وزارت دارایی مأمور مطمئن‌تر و مطلع‌تری از آقای مهندس فریور در اروپا نداشت، تصمیم گرفت که خرید مقداری کاغذ سیگار را به ایشان واگذار کند. البته این مأموریت به کلی خارج از مأموریت‌های آقای مهندس فریور بوده و ایشان اجباری در پذیرفتن آن نداشتند. ولی به هر حال انجام آن را پذیرفته و با آنکه از طرف

وزارت دارایی در مورد این معامله به ایشان اختیارات مطلق داده شده بود، معهذا پنج مرتبه راجع به عین خرید و قیمت آن با وزارت دارایی مکاتبه کرده و بالاخره با اجازه رسمی وزارت دارایی معامله را انجام داده‌اند.

با توجه به نکات بالا اگر هم به فرض محال در قیمت این کاغذها اشتباهی روی داده باشد، به استناد عین نامه‌های متبادله مسئولیت آن فقط به عهده وزارت دارایی است.

*

نویسنده میهن از آقای مهندس مصدق و مسافرت ایشان به اروپا هم اسمی برده است. قضاوت درباره طرز عمل آقای مهندس مصدق در طی چند ماهی که در راس بنگاه راه آهن قرار داشتند، باید از کارمندان و کارگران راه آهن خواست. به هر حال چیزی که مسلم است اینکه روزی که آقای مهندس مصدق برخلاف قانون از کار برکنار شد، شدت احساسات کارگران و کارمندان راه آهن به قدری بود که همگی در نظر داشتند اعتصاب کنند. ولی نظر به جریاناتی که در آن موقع در مملکت وجود داشت، در اثر زحمات و جدیت رفقای حزبی ما از انجام این اعتصاب جلوگیری شد. ولی حالا که صحبت ما به اینجا رسید بی مناسب نیست که برای مزید اطلاع خوانندگان جریاناتی که منجر به کناره‌گیری آقای مهندس مصدق از کارگردید را تشریح کنیم.

مهندس مصدق روزی بر سر کار آمد که به نظر می‌رسید می‌خواهد اصلاحات مملکت شروع شود. بنابراین با کمال قوا و قدرت آماده انجام خدمت گردید. از آنجایی که اگر در این مملکت بخواهند واقعا خدمتی انجام دهند با منابع نامشروع سوءاستفاده‌چی‌ها مواجه خواهند گشت، مهندس مصدق نیز با چنین جریاناتی مواجه گردید. مهندس مصدق یعنی فرزند آقای دکتر مصدق می‌خواست از دزدی و سوءاستفاده‌های سابق

بنگاه جلوگیری کند. بنابراین مورد مخالفت دزدان و سوء استفاده چیان بزرگ قرار گرفت. مهندس مصدق به حرف و توصیه کسی گوش نمی داد. بنابراین مورد مخالفت اربابان نفوذ و «متولی های» مملکت واقع شد. مهندس مصدق اجازه نمی داد که بنگاه راه آهن در موقع انتخابات مورد استفاده قرار بگیرد. بنابراین مورد مخالفت منتظر الوکاله های دست راستی و محروم الوکاله ها و اخورده های مجلس چهاردهم قرار گرفت.

این بود که بالاخره یک روز مهندس مصدق برخلاف کلیه قوانین از کار برکنار شد. این برکناری باعث آن شد که مقدمات یک اعتصاب شدید و دامنه دار آماده شود. از طرفی مهندس مصدق به واسطه شخصیت علمی و اجتماعی خودش، اگر به این عمل غیرقانونی اعتراض می کرد ممکن بود اشکالاتی فراهم بیاورد، بنابراین لازم بود که برای خوابانیدن این سروصداها هر چه زودتر مهندس مصدق از ایران تبعید شود. تصادفاً در همین موقع بنگاه راه آهن پنج نفر از اعضای خود را برای مطالعاتی به اروپا اعزام می داشت و بنابراین مهندس مصدق را به عنوان یکی از این پنج نفر به اروپا اعزام داشتند. بدین ترتیب تبعید مصدق خیلی به استادی و بدون سروصدا انجام شد. این بود جریان مسافرت مهندس مصدق به اروپا و علت اصلی آن.



اما درباره جریان مسافرت نریمان که ایشان را گل سر سبد حزب ایران نامیده است. درباره آقای نریمان باز هم همان گفته های قدیمی را تکرار کرده و ادعا کرده است که ایشان در زمانی که تصدی اداره تصفیه شرکت پنبه را به عهده داشته اند، بیست میلیون تومان به خزانه این مملکت ضرر زده اند. این موضوع تاکنون بارها تکرار شده ولی هیچ گاه از صفحه کاغذ خارج نشده است. ما نمی خواهیم بدین گونه نسبت های بی شرمانه

پاسخی بدهیم، فقط تقاضا داریم اگر واقعاً چنین موضوعی صحت دارد یکی از این آقایان زحمت کشیده و در دیوان کیفر بر علیه این سوءاستفاده طرح دعوی کنند.

آری چقدر خوب بود که این مملکت به جای تهمت زدن موضوع را در مقام رسمی مطرح کرده و بدین ترتیب حقایق را فاش می‌کردند. در هر حال ما یک بار دیگر تقاضا داریم که اگر واقعاً نویسنده این مقاله به صحت ادعای خویش ایمان دارند، موضوع را در دیوان کیفر مطرح کنند و در غیر این، صورت این موضوع دروغ را یکبار دیگر زیب صفحات جرایدی مانند میهن نمایند. اما درباره سایر خدمات نریمان تصور می‌کنم احتیاجی به یادآوری نداشته باشد. خدماتی که آقای نریمان در مدتی که تصدی امور شهرداری را عهده داشت بدین مردم کرد، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر شود. همه می‌دانند که در عرض چند سال اخیر در تهران ارزانی و فراوانی به قدر روزهایی نبود که آقای نریمان امور شهرداری تهران را برعهده داشت. اگر باور ندارید از هرکس می‌خواهید در این زمینه پرسش نمایند.

خدمات آقای نریمان در چند روزی که مقام وزارت راه را بر عهده داشت و مبارزه عجیب و بی‌سابقه‌ای که بر علیه دزدان داخلی و اعمال نفوذهای خارجی گردید، نیز باید زیب صفحات تاریخ ایران گردد. با توجه به نکات بالا ممکن است افراد بی‌غرض و بی‌طرف واقعاً قبول کنند که اگر تمام اعضای این مملکت به قدر همین چند نفری که روزنامه میهن آن‌ها را به عنوان اشخاص بی‌کاره و سوءاستفاده‌چی معرفی کرده است، به این مملکت خدمت نموده بودند امروز اوضاع ایران بدین صورتی که هست، نبود. ایکاش تمام مملکت از افرادی مثل صالح و فریور و زیرک‌زاده و زنگنه و نریمان و امثال آن تشکیل یافته بود.

حزب ایران در انتخابات شرکت می‌کند. ولی به عدم آزادی انتخابات معترض است^۱

وضعیت انتخابات دوره پانزدهم طوری است که برای عده‌ای این سؤال پیش می‌آید: آیا در انتخابات شرکت کنیم یا نه؟ در اینکه انتخابات آزاد نخواهد بود. در اینکه شانس موفقیت فقط برای عده‌ای معین و مشخص محفوظ است، شکی نیست. عملیات افراد همیشه متکی به سنجش شانس‌های موافق و مخالف است. آنکه می‌خواهد عملی انجام دهد شرایط زمان و مکان، توانایی و قدرت خود را در نظر می‌گیرد. اگر دید شانس موفقیت زیادتر است، دست به عمل می‌زند. اگر دید کمتر است منصرف می‌شود. اگر در کارخانه احتیاج به یک نفر چرخ کار است، فقط چرخ‌کاران خود را معرفی به دفتر کارخانه می‌کنند. اگر پارتی بازی در بین باشد آن دسته که پارتی ندارند جلو نمی‌آیند. تاجر هیچوقت متاعی را که فروش ندارد، خریداری نخواهد کرد.

در عملیات فردی محاسبه و سنجش شانس منطقی است، ولی در عملیات اجتماعی این طرز فکر خطا می‌باشد. در این مملکت کاندید انتخاب خیلی زیاد است. خیلی‌ها می‌خواهند در انتخابات شرکت کنند. رای بدهند و خود را برای وکالت مجلس نامزد نمایند. اگر به این اعمال جنبه انفرادی دهیم البته با این تصور که انتخابات آزاد نخواهد بود و لیست وکلا قبلاً تهیه شده و آن‌هایی که باید، سر از صندوق بیرون می‌آورند، رای دادن مفهومی ندارد. رای ما و شما بود و نبودش یکسان است. آنکه می‌خواهد وکیل شود اگر وسایلی دارد که دستگاه

۱. همان، ش ۸، ۱۳۲۵/۱۰/۵، ص ۱ و ۴

وکیل تراشی را موافق خود کند، البته شانس موفقیتی برایش هست. ولی اگر به علتی نتواند در آن دستگاه رخنه نماید، شانس نخواهد داشت و به این جهت با خود می‌گوید چه زحمتی است که من می‌کشم، چون که عدم موفقیت حتمی است. چرا عرض خود بپریم و زحمت دیگران دارم.

به نظر می‌آید که این طرز فکر الان در مملکت ما حکمفرما است. عدم فعالیتی که درباره انتخابات می‌شود، نبودن هیچ‌گونه لیست کاندیدا و عدم تظاهر نامزدهای وکالت، می‌رساند که آن‌هایی که هوس وکالت در سر دارند این طور فکر می‌کنند که چون برای ملت علت انتخاب شدن نیست از تبلیغات خودداری می‌کنند و تمام قوای خود را صرف نزدیک شدن به عامل انتخاب‌کننده می‌سازند. این عمل هم مخفیانه و بی سروصدا انجام می‌گیرد. البته اشخاصی معین و مشخص هم دنبال این کار می‌روند.

ولی حزب ایران اینطور فکر نمی‌کند. انتخابات حق افراد است و افراد ملت باید حق خود را بخواهند. رای دادن وظیفه افراد ملت است و افراد ملت باید صرف‌نظر از موفقیت یا عدم موفقیت به وظیفه خود عمل نمایند. هر فرد ایرانی باید رای بدهد. هر فرد ایرانی می‌تواند اگر می‌خواهد، نامزد وکالت باشد. عملیات اجتماعی با عملیات فردی متفاوت است. افراد در کارهای مربوط به خود آزادند و سود و زیانهایشان متوجه خودشان است و بس. در صورتی که سود و زیان عملیات اجتماعی مربوط به همه است.

اگر شما دیدید که در فلان عمل شانس موفقیت ندارید کنار می‌روید و از سودی صرف‌نظر می‌کنید. ولی اگر فلان عمل اجتماعی را انجام ندادید نه تنها خود شما لطمه دیده‌اید (و این مربوط به خودتان است). ولی به دیگران هم لطمه زده‌اید. اگر دستگاهی می‌کوشد که حقوق شما را پایمال

کند، دلیل نیست که خود شما هم حقوق خود و ملت را پایمال کنید. عدم آزادی انتخابات، باید فعالیت‌های جدیدی را ایجاد نماید، نه اینکه از فعالیت‌ها بکاهد. باید به عکس حرارت بیشتری به خرج داده و برای آزادی انتخابات تا آنجا که قدرت و توانایی هست، مبارزه نمود، نه اینکه با خود قهر کرده و از میدان بیرون رفت.

انتصابات، تبدیل و تغییراتی که در سراسر مملکت انجام گرفت [منجر به این شد که] تمام مامورین در انتخابات را به نفع دستجات معین گلچین و انتخاب نمود. اعزام قوا و بازرسان، دلیل کافی است برای اینکه در ولایات انتخابات به هیچ وجه آزاد نخواهد بود، در تهران هم طرز انتخاب هیات نظار بخوبی نشان می‌دهد که آزادی یا نبوده و یا فوق‌العاده محدود خواهد بود. به صورت اسامی مدعوین طبقات مختلف مراجعه کنید، یک عده اسامی می‌بینید که حتماً دعوت را اجابت نکرده و حاضر نخواهند شد. آقای بهاء‌الملک، آقای موتمن‌الملک، آقای مدرس‌زاده و شاید آقای جهانشاهی و بعضی‌های دیگر دعوت فرماندار تهران را اجابت نخواهند کرد. ۱۵ نفر از مدعوین عضو حزب دموکرات هستند. ۶ نفر [از آنها] کاندیدا تهران می‌باشند. بدین ترتیب معلوم می‌شود اکثریت هیات نظار از اعضاء حزب دموکرات ایران و کاندیداهای تهران این حزب خواهند بود. اگر به اهمیت بی‌مانند هیات نظار در امر انتخابات توجه نمائید می‌بینید که در تهران هم انتخابات تیول این حزب می‌باشد و البته شانس برای سایر احزاب و منفردین باقی نمی‌ماند.

ما همه این چیزها را می‌دانیم. اعتراض خود را به این طرز عمل باز هم اعلام می‌کنیم ولی در ضمن وظیفه خود می‌دانیم که در انتخابات شرکت کنیم.

بیانیه کمیته مرکزی حزب ایران^۱

هموطنان عزیز

انتخابات دوره پانزدهم بزودی شروع می‌شود. انتخاباتی که در سرنوشت مملکت ما اهمیت بی‌مانندی دارد. در این دوره است که اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت ما برای چندین سال تثبیت گشته و روش زندگی آینده ما برای مدتی تمدید معین می‌شود. اگر در این مجلس که می‌آید، ملت ایران از خود نمایندگانی نداشته باشد اوضاع بدون در نظر گرفتن منافع ایرانیان تثبیت خواهد شد. روشی که معین می‌گردد هیچ‌گونه رابطه‌ای با منافع ایران نخواهد داشت.

هموطنان عزیز، عده‌ای می‌خواهند انتخابات دوره پانزدهم را به نفع خود تمام کنند و با تمام قوا از آزادی انتخابات جلوگیری می‌نمایند. ما و شما که انتخابات را به نفع ملت ایران می‌خواهیم باید بکوشیم که این مقصود شوم جامعه عمل نپوشد. ما و شما باید تا سر حد امکان تلاش کنیم تا اراده ملت ایران را بر هر اراده دیگری تحمیل نماییم.

حزب ایران وظیفه ملی خود می‌داند که در انتخابات شرکت کند. حزب ایران مانند همیشه برای دفاع از حقوق ملی ایرانیان مبارزه خواهد کرد. شما حزب ایران را به خوبی می‌شناسید و می‌دانید که افراد این حزب افرادی پاک و تحصیل کرده هستند. می‌دانید که حزب ما بر دو اصل آزادی‌خواهی و وطن‌پرستی متکی است. آری می‌آزادی‌خواه هستیم. آزادی‌خواه بوده و خواهیم بود. با تمام قوا خواهان اصلاحات این مملکت می‌باشیم. انجام اصلاحات را به دست ایرانی و با کمک ایرانی می‌خواهیم. عشق به وطن دل تمام افراد ما را مملو دارد. هر چه کرده‌ایم و

۱. همان، ش ۱۴۵، ۱۱/۱۰/۱۳۲۵، ص ۱ و ۴

هر چه می‌کنیم بمنظور نجات میهن عزیزمان است. دو سال و هشت ماه مبارزه علنی، ماهیت سیاسی ما را بر تمام ایرانیان آشکار ساخته است. ما در راه نجات ایران سفسطه کردن، به دفع‌الوقت نمودن و در مقابل مسائل مهم سیاسی مملکت به نشستن، قناعت نکرده و نخواهیم کرد. ما هیچ‌گاه نخواسته‌ایم در زیر لفافه عبارات دو پهلو پناه ببریم و از گرفتن تصمیم سرباز زنیم. حزب ایران همان طوری که شایسته یک حزب سیاسی زنده و با ایمان است همیشه خواسته است از عوامل موجود به نفع ایران استفاده نماید. از آنچه رفت و هست درس عبرت گرفته در راه خدمت به میهن آزموده‌تر شود. حزب ما برای سعادت ملت ایران تشکیل یافته و پشتیبانی جز ملت ایران ندارد. در این روزهای پرهیجان انتخابات غالب اشخاص و دستجات برای خود، خارج از ملت ایران پناهگاه و یارویاور می‌سازند. حزب ملی ایران جز به کمک ایران امیدی ندارد و فقط از ملت ایران استمداد می‌کند. اگر از ملت ایران کمک می‌خواهیم برای این است که یقین داریم عقاید ما به نفع ملت ایران است. عقاید ما سند خدمتگزاری ما است. عملیات ما نشان داده است که به عقاید خود پایبند هستیم و برخلاف خیلی از دستجات دیگر مرامنامه حزبی ما سرپوشی بر مقاصد شوم یا نیات خودخواهانه نیست.

هموطنان عزیز، شما همه این‌ها را می‌دانید و مدت‌ها است حزب ما را آنطوری که هست، قضاوت کرده‌اید. ولی در آستانه انتخابات دوره پانزدهم لازم است که یکبار دیگر اصول عقاید سیاسی خود را معرض قضاوت شما قرار دهیم.

در سیاست خارجی عقیده‌مندیم که سیاست ما با دول خارجی عموماً، و دول همجوار و متعاقد خصوصاً، باید براساس حسن تفاهم همکاری و صمیمیت و شرافت استوار باشد. یعنی ما ایران را از دنیا جدا

نمی‌خواهیم، وطن‌پرستی ما هم معنی دشمنی با خارجی نیست. ما بخوبی می‌فهمیم که در دنیای متمدن امروز که احتیاجات روزافزون ملل عالم را به همدیگر محتاج کرده است. مملکت ما نمی‌تواند در بسته و فارغ از دنیای خارج زندگی کند. ما بخوبی می‌دانیم که پیشرفت مملکت عقب مانده ما بدون همکاری با سایر ملل دنیا و مخصوصاً با همسایگان میسر نخواهد بود. ولی ما این همکاری و صمیمیت را برای نفع مملکت خود می‌خواهیم. ما از درجه منافع ایران به دنیای خارج نگاه می‌کنیم. آنجا که حسن تفاهم، همکاری و صمیمیت دیدیم، حسن تفاهم، همکاری و صمیمیت نشان می‌دهیم. ما بهترین طرز حکومت را حکومتی می‌دانیم که براساس دموکراسی مستقر و رای اجتماع در اداره کشور حکمفرما باشد. حکومت دیکتاتوری موجب ظلم و مانع رشد جامعه است و از این جهت با هر گونه دیکتاتوری فردی و طبقاتی مخالفت کرده، می‌کنیم و خواهیم کرد.

سعادت ایران در استقرار رژیم دموکراسی است. هرج و مرج‌های غیرقابل اجتناب روزهای اول دموکراسی، ما و دیگران ندارد. منطق ثابت می‌کند و تاریخ نشان می‌دهد که عبور از رژیم دیکتاتوری به رژیم دموکراسی حقیقی بدون طی یک دوره بحرانی میسر نیست. از این جهت ما فریب تبلیغات شوم دشمنان دموکراسی ایران را نمی‌خوریم و حالت بحرانی امروزی را که نتیجه مستقیم رژیم دیکتاتوری و استبدادی گذشته است، به حساب دموکراسی نمی‌گذاریم. البته ملت بیچاره ایران که قرن‌ها در زیر بار ظلم و ستم حکومت‌های مطلق‌العنان، ضعیف و ناتوان شده است و در عرض یکی دو سال نخواهد توانست خود را به نحوه احسن اداره نماید.

باید به ملت ایران مهلت داد تا در سایه همین دموکراسی نیمه جان،

جانی بگیرد و به دموکراسی خود معنی بخشد. ملت ایران به بیچاره‌ای می‌ماند که سالها در قمر چاه تاریک در غل و زنجیر نگاهش داشته‌اند. چون غل و زنجیر از پایش برداشته و در هوای آزاد ره‌ایش کردند از شعف و شادی فریاد می‌زند، هیاهو می‌کند. چشم‌ایش بخوبی نمی‌بیند، بدن نحیف و پاهای رنجورش اجازه راه رفتنش نمی‌دهد. آنان که محبوسش داشته، می‌گویند «ببینید این بیچاره لیاقت آزادی را ندارد. فقط آزادی را در عربده‌جویی می‌داند. راه رفتن نمی‌تواند و هر لحظه به زمین خورده و یا چیزی را می‌شکند. همان بهتر که در زنجیر بماند و ما را از عربده‌ها و اشتباه‌کارهای خود آسوده کند.» شاید کوتاه‌نظران این سفسطه را بپذیرند. ولی ما می‌گوئیم کمی فرصت دهید تا زخمهای پایش التیام یابد. بگذارید چشم‌هایش که به تاریکی اسارت عادت کرده در مقابل آفتاب آزادی لحظه‌ای استراحت کند. آن وقت خواهید دید چگونه با متانت قدم‌های محکم به طرف ترقی برمی‌دارد. هموطنان عزیز، آنکه در غل و زنجیر است هیچ‌گاه قدم بر نمی‌دارد، ولی آنکه آزاد بود بالاخره روزی به راه می‌افتد.

در حکومت مطلق‌العنان بدبختی و فلاکت حتمی است، دموکراسی یگانه راه نجات است. باید از این راه هر قدر هم که در اوائل ناهموار و صعب‌العبور باشد، قدم برداشت و ناراحتی موقت را با بدبختی دائم معاوضه نمود.



هموطنان عزیز، وضع مخصوص زندگانی اجتماعی و اقتصادی ایرانیان علت‌العلل تمام بیچارگی‌های ما است. از این جهت استقرار عدالت‌اجتماعی و کوشش در بهبود اوضاع مادی ملت از راه توسعه کشاورزی و صنعت و بهره‌برداری از جمیع منابع ثروت مملکت، اصول سیاست اقتصاد ما است. جهل و نادانی و فساد طبقه حاکمه، ملت ایران را

در مراحل ابتدایی اقتصاد قرار داده است. وسایل تولید در اختیار ایرانیان نبوده و در نتیجه ملت ایران به طور کلی فقیر مانده است. ولی در همین مملکت فقیر هم آن مقدار ناچیزی که تولید می شود، غیر عادلانه توزیع می گردد. بنابراین باید در عین حالی که نقشه های تولیدی طرح می شود در طرز توزیع، تغییرات کلی حاصل گردد. ما نمی خواهیم اندوخته های مشروع عده ای را بین عده دیگر تقسیم کنیم. ولی معتقدیم تا زمانی که توزیع ثروت صورت عادلانه به خود نگرفته است، هر قدر هم که بر حجم تولید افزوده تر شود از بدبختی ایرانیان نخواهد کاست.

حقوق اجتماعی ایرانیان در معرض چپاول و غارت است. تا زمانی که خود ملت مجهز نشود و با تشکیلات محکم و نیرومند، حقوق خود را مطالبه نکند وضعیت همچنین خواهد بود. از این جهت، ما وجود احزاب ملی و اصلاح طلب را که نیروی متشکل ملت هستند، برای احقاق حق ایرانیان لازم می دانیم. تشکیلات کارگری و صنفی را که از کارگران و زحمتکشان ایرانی در مقابل تعدیات و هوی و هوس کارفرمایان و اربابان حمایت می کند، لازمه دموکراسی دانسته و از چنین تشکیلات در صورتی که حقیقتاً برای منافع کارگران و زحمتکشان مبارزه کرده و آلت سیاست در دست این و آن نباشد، پشتیبانی خواهیم کرد. ولی همان طوری که بارها گفته ایم مبارزه طبقاتی بنحوی که در اروپا دیده می شود در مملکت ما مطرح نیست. در ایران فقط دو طبقه روبروی هم هستند، در یک طرف طبقه زحمتکش و محروم از همه چیز، که اکثریت ملت ایران را تشکیل می دهند و در طرف مقابل طبقه حاکمه ستمگر که بر دوش ملت سوار شده و دسترنج اکثریت را به یغما می برند. باید تمام افراد ملت را در مقابل دشمنان ملت مجهز نموده و از هر عملی که در ملت زحمتکش تشتت ایجاد کند، خودداری کرد. به عقیده ما جامعه می تواند حکومت کند که صالح، دانا و سالم باشد، بنابراین تهذیب اخلاق و تعمیم فرهنگ و تامین

بهداشت عمومی را از لوازم ترقی جامعه می‌دانیم. تا زمانی که فساد حکمفرما است و تا زمانی که مبانی اخلاق در تزلزل است، هر اقدامی بی‌نتیجه و هر تشکیلاتی محکوم به زوال است. ما نه تنها دزدی و خیانت را فساد می‌دانیم بلکه خمودگی، سستی و بی‌علاقه‌گی به امور اجتماعی و مخصوصاً تحمل ظلم را در زمره مفاسد اصلی جامعه می‌شناسیم. ما با تمام وسایل و طرق با آن‌ها مبارزه خواهیم کرد.

*

هموطنان عزیز، این‌ها است اصول عقایدی که در تامین سعادت ملت ایران راهنمای ما می‌باشد. ما برای پیشرفت این عقاید با حزب توده ایران ائتلاف کردیم ولی پیشامدهای اخیر باعث شد که کمیته مرکزی حزب توده ایران ترک فعالیت علنی را اعلام داشته و مدتی است که تماس خود را با ما قطع نمود و حتی بیانیه‌هایی که در این مدت صادر کرده (مثلاً بیانیه راجع به عدم شرکت در انتخابات) بدون اطلاع ما بوده است. از این جهت حزب ایران اعلام می‌دارد که از این به بعد آزادانه و با استقلال در راه آزادی و استقلال ایران مبارزه خواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب ایران

۵۴

کاندیداهای حزب ایران از تهران^۱

آقای اللهیار صالح وزیر سابق دادگستری، آقای مهندس احمد زیرک‌زاده استاد دانشگاه و مدیر روزنامه جبهه، آقای مهندس غلامعلی فریور نماینده سابق مجلس، آقای دکتر کریم سنجابی استاد دانشگاه

۱. همان، ش ۱۸، ۱۷/۱۰/۱۳۲۵، ص ۱

۵۵

از حزب ایران به جناب اشرف آقای نخست‌وزیر^۱

با ارسال رونوشت تلگراف دبیر حزب ایران در کنگاور به عرض می‌رساند:

مدتی است رفقای حزبی ما در کنگاور تامین جانی نداشته

۵۶

حزب ایران اعتراض می‌کند^۲

شماره (۱۴۵۴) تاریخ ۲۵/۱۰/۲۵، پیوست: سه شماره روزنامه جناب آقای جهانشاهی، ریاست محترم انجمن نظارت مرکزی انتخابات.

در تعقیب شکایت و اعتراضات شفاهی که به وسیله رفقای حزبی به عرض آن جناب رسیده، بدینوسیله شماره‌های ۲۲ (یکشنبه ۲۲ دی ماه) و ۲۳ (دوشنبه ۲۳ دی ماه) و ۲۴ (چهارشنبه ۲۵ دی ماه) روزنامه اخبار امروز، ارگان موقتی حزب ایران را که مرتباً جریان‌ات خلاف قانون انتخابات دوره پانزدهم را که توسط صد نفر مخبر مخصوص انتخاباتی هر روز جمع‌آوری و انتشار داده، به پیوست تقدیم می‌دارد.

بدیهی است مطالب مندرج در این شماره‌ها را که مربوط به انتخابات است، به منزله نامه‌ها و اعتراضات کتبی و رسمی تلقی خواهند فرمود. نظر حزب ایران همان است که به تدریج در این روزنامه انتشار یافته است. حزب ایران جریان انتخابات تهران و شهرستان‌ها را مخالف مواد قانون و

۱. سازمان اسناد ملی ایران، / ذیل عنوان حزب ایران.

۲. جریده اخبار ایران، ش ۲۵، ۲۶/۱۰/۱۳۲۵، ص ۱

افکار عمومی می‌داند و انتظار دارند که آن جناب با سوابق درخشانی که در اجتماع دارند، راضی به ادامه این اوضاع که به نفع حزب دولتی دموکرات ایران جریان دارند، نشوند و بی‌جهت سیل عدم رضایت ملت را متوجه مقام عالی قضایی و شخصیت مشهور خویش نفرمایند.

دبیر کل مرکزی حزب ایران، مهندس زیرک‌زاده

۵۷

ای مردم^۱

آراء خود را هر چه زودتر به صندوق‌ها بریزید. هیچ‌گونه تهدیدی در کار نیست. موضوع باطل شدن آراء صحت ندارد. هرکس رای ندهد خیانت می‌کند! تنها با آراء زیاد می‌توان از زیان! این انتخابات فرمایشی کاست.

۵۸

تکذیب الحاق حزب ایران مازندران به حزب وحدت ایران^۲

امروز که روزنامه شفق به بابل رسید مطلبی بی‌اساس (الحاق حزب ایران مازندران به حزب وحدت ایران) به امضاء شفیق امیر توسلی در آن درج شده بود. ما امضاءکنندگان زیر ورقه، اعضای موسس حزب ایران، بابل خبر مذکور را تکذیب کرده و مزید استحضار به ذکر شرح زیر می‌پردازیم: از بدو تاسیس حزب ایران در بابل مفتخر به عضویت این حزب می‌باشیم. تحت رهبری آقای عسگری حقوقی که از رهبران کاردان و فعال حزب

۱. همان، ش ۲۶، ۲۷/۱۰/۱۳۲۵، ص ۱

۲. همان، ش ۲۷، ۲۹/۱۰/۱۳۲۵، ص ۲

می‌باشد تا آنجا که ممکن و میسر بود به نشر مرام حزبی نایل و موفقیتی که در خور کوشش ما باشد، به دست آورده‌ایم. منظور از نوشتن این نامه عدم صلاحیت محمد شفیع امیر توسلی به نمایندگی از حزب ایران، بابل در ائتلاف با حزب وحدت ایران است. در ضمن اضافه می‌نماید که نامبرده فقط به نمایندگی از خود و آقای نزهت دست به این عمل زده و جز عضویت در حزب سمت دیگری ندارد. مسئولیت و رهبری کمیته ایالتی حزب ایران مازندران «بابل» با آقای عسگری حقوقی است. در صورتی که حزب ایران مازندران چنین تصمیمی را اتخاذ کرده می‌بایست از طریق آقای حقوقی اقدامی شود نه شخص توسلی. علیهذا انتظار دارد کمیته مرکزی وقعی به مفاد تلگراف پوچ و خالی از حقیقت امیرتوسلی نگذاشته و جهت جلوگیری از هرگونه تشبثات بی‌نتیجه مشارالیه امر به اقدامات عاجل و فوری نمایند.

اسامی امضاءکنندگان ذیل ورقه برای خوانا بودن عیناً به ترتیب در صفحه نوشته می‌شود: امین میری، رکن‌الدین رئیسی، حشمت فروتن، نعمت‌اله غفاری، جعفر قلی‌پور، علی فرزانه، علی مریدی، جهانگیر مسکوب، ولی‌اله احمدنژاد، قاسم قاسمی، نقی معتمدی، عسگری ربیعان، جلیل توکل، جعفر شفیع‌زاده، حاجی خصوص، محمدعلی رحیم‌زاده، منصور رحیم‌زاده، حسن شفاعی، عباس سراج‌بخش، عباس کشوری.

۵۹

وزارت کشور^۱

مقام استانداری استان اول، محترماً بعرض می‌رساند ساعت ۱۷ روز جمعه ۹ ماه جاری در داخله کلوپ حزب ایران پس از خواندن و نواختن

۱. سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۱۰۹۰۱۵، شماره پاکت ۱۸۳۰

سرود حزبی حمید رواسایی کارمند دادسرای رشت شروع به سخنرانی [کرد] و بیان داشت که قانون اساسی ارث است از آنکه یک جمعیت و یا یک حزب که در شرف تشکیل شدن است برای برقراری نظم و ترتیب از میان آن جمعیت اشخاص را انتخاب و سپس قانونی وضع و بموقع اجرا می‌گذارند و تا اکثریت یک ملت یا یک جمعیت نباشد قانون مجرا نخواهد شد. در واقع ملت باید یک نفر را انتخاب کرده به مجلس بفرستد و با دست همان شخص قانون وضع و بموقع اجرا شود. به عنوان مثال بیان داشت که در مملکت سوئیس جمهوری است و هر چند هزار نفر هنگام وضع قانونی عده‌ای از آن جمعیت جلسه تشکیل و با نظر آن‌ها قانون اجراء خواهد شد و بدون نظر ملت سوئیس هیچ قانون عملی نخواهد شد. اما قانون اساسی ایران که با خون اجداد و نیاکان ما تهیه شده، با دست این هیأت حاکمه فاسد بدین طریق اجرا می‌شود. مثلاً فلان سرمایه‌دار که از حال طبیعی خارج و در داخل اتومبیل نشسته و با یک نفر تصادف می‌کند، قانون درباره او اجرا نمی‌شود و هر چه زودتر مرخص می‌گردد. ولی اگر یک نفر راننده بیچاره که با داشتن یک دستگاه اتومبیل عائله خود را ارتزاق می‌کند، کوچکترین قصوری از او مشاهده نمایند، سخت تعقیب و به کیفر می‌رسانند. همانطور اگر سارق مبالغه‌ناگفتنی دزدی کند او را آزاد، ولی اگر یک نفر در اثر پریشانی و بیچارگی یک آفتابه بدزدد، به شدیدترین مجازات تنبیه خواهند کرد.

ضمناً اشاره نمود که در هیچ قانون دیده نشده که حزب دولتی تشکیل شود، زیرا حزب منحصر به ملت بوده و می‌باشد و این خود برخلاف قانون اساسی و بلکه غلط است که دولت با قوه‌ای که در دست دارد حزب تشکیل دهد. سپس کاغذی از جیب بیرون آورده سرمقاله روزنامه را از قول یک نفر سرباز امریکایی برای حضار نقل، و بیان داشت: این

نارضایتی از ناحیه متصدیان و زمامداران وقت می‌باشد زیرا کلیه مأمورین دولتی تحت سرپرستی سرمایه‌داران باقی مانده‌اند. به طوری که خود سرباز امریکائی بین راه قزوین و تهران مشاهده نموده گفته که مأمورین دولت مثل سگ توله‌ها استخوان لیس سرمایه‌داران می‌باشند، از این رو مرام کمونیست در ایران تقویت خواهد شد.

بعد آقای فرجاد کارمند اداره پست و تلگراف سخنرانی [کرده و] اظهار داشت چیزی که توجه ما را جلب کرده وضعیت هندوستان است که ۳۵۰ میلیون هندی تحت سرپرستی چهل میلیون انگلیس است. یعنی این ۴۰ میلیون انگلیسی بر ۳۵۰ میلیون هندی مقیم هندوستان آقایی می‌کنند. هر وقت که جنگ شروع می‌شود انگلیسیها به هندی‌ها وعده آزادی و استقلال می‌دهند. همین‌که به خر خود سوار شدند، روی تمایل شخص رفتار می‌کنند. او اضافه نمود که چندی پیش نخست وزیر انگلستان نطقی در باب استقلال هندوستان ایراد کرد، گرچه فقط به صرف گفتار بود. او اشاره نمود که در ۱۹ اسفند ماه جاری هیات وزیران خارجه در مسکو جلسه تشکیل و راجع به صلح آلمان در آن جلسه [موضوع] مطرح خواهند نمود و نیز وزیر خارجه انگلستان قصد دارد که موضوع خاورمیانه را هم به میان آورده و همچنان موضوع نفت ایران را مابین دو تن از وزیران انگلیس و شوروی حل کند. این خود دلیل بیچارگی و بدبختی ما ملت ایران است و ثابت می‌کند ایران تا چه پایه بیچاره است. او ضمناً بیان داشت که از طرف سندیکاهاى جهانی چند تن نماینده به ایران وارد می‌شود و بنا به گفته روزنامه کیهان در سر مقاله خود معلوم نیست چه نحو گواهی خواهند نمود. قبلاً هم در موقع حکومت صدر که درب کلوب‌ها بسته شده بود، از طرف کارگران به اتحادیه شکایت شده و لوئی سایان نماینده سندیکای جهانی به ایران وارد [شد آن زمانی بود] که زمام

امور را کلیه احزاب در دست داشته‌اند، ولی فعلاً حکومت در دست احزاب دیگری است. در معالک مترقی جهان دولت را احزاب تشکیل داده و بر سر کار می‌آورد ولی در ایران برعکس حکومت احزاب را تشکیل می‌دهد. او در پایان بیان داشت که طبق دستور مقامات دولتی از انتشار بیانیه که مربوط به عقاید حزبی ما بود و در معابر الصاق می‌کردیم، خودداری نموده‌ایم، مشروط بر اینکه این دستور برای همه احزاب باشد. دیده می‌شود که حزب دموکرات ایران عقاید حزبی خود را نوشته و در معابر الصاق نموده‌اند، در صورتیکه این امر می‌باشد برای همه مجزا شود و اختصاصاً درباره حزب ایران [ممنوع] نمایند.

مراتب معروض و باستحضار می‌رساند که چندی قبل بیانیه قلمی در تابلو بزرگ از طرف حزب مزبور در معابر عمومی الصاق [شد و] چون دارای جملات توهین آمیز و الصاق [شد و] آن در معابر بر خلاف آموزش شماره ۱۸۴/۵/۱۳۱۸۶-۲۳/۹/۲۵ صادره از اداره کارآگاهی شهربانی کل کشور که مقرر گردیده نصب این‌گونه تابلوهایی که موجب تحریک بر ضد امنیت عمومی و یا اهانت به مقامات رسمی کشوری است، در معابر قدغن و شهربانی بایستی ممانعت کرده و این‌گونه تابلوها را بردارد، لذا از نصب آن جلوگیری و عین تابلو به خود آن‌ها مسترد و به کارکنان مسئول حزب ایران ابلاغ شد که از نصب این‌گونه تابلو و بیانیه‌های خطی خودداری نمایند. نسبت به حزب دموکرات ایران هم همین عمل انجام شده است.

رئیس شهربانی گیلان
سرهنگ غفاری

رونوشت برابر اصل است.

۶۰

آگهی کانون سازمان حزب ایران^۱

ساعت تشکیل حوزه‌های ده‌گانه اصلی از این قرار است:

ساعت ۵ تا ۶	چهارشنبه	حوزه ۱ اصلی
ساعت ۶ تا ۷	چهارشنبه	حوزه ۲ اصلی
ساعت ۶ تا ۷	دوشنبه	حوزه ۳ اصلی
ساعت ۵ تا ۶	چهارشنبه	حوزه ۴ اصلی
ساعت ۵ تا ۶	چهارشنبه	حوزه ۵ اصلی
ساعت ۴ تا ۵	یکشنبه	حوزه ۶ اصلی
ساعت ۶ تا ۷	شنبه	حوزه ۷ اصلی
ساعت ۵ تا ۶	شنبه	حوزه ۸ اصلی
ساعت ۵ تا ۶	سه‌شنبه	حوزه ۹ اصلی
ساعت ۴/۵ تا ۵/۵	شنبه	حوزه ۱۰ اصلی

حوزه آزمایشی نیز روزهای دوشنبه از ساعت ۴ تا ۶ تشکیل می‌شود. اعضایی که تقاضای عضویت می‌نمایند در این ساعات در حوزه آزمایشی حضور یابند.

۶۱

انتخاب کمیته مرکزی و شورای عالی حزب ایران^۲

در جلسه دوشنبه دوازدهم و دوشنبه بیست و ششم اسفندماه [۱۳۲۵] از میان اعضاء موسس حزب ایران آقایان ذیل به عضویت کمیته مرکزی و شورای عالی حزب انتخاب شدند:

۱. جریده باستان (به جای جبهه) ش ۵۷۹، ۱۳۲۵/۱۲/۲۶، ص ۳

۲. همان، ش ۵۸۱، ۱۳۲۵/۱۲/۲۸، ص ۱

۱. کمیته مرکزی : ۱. آقای اللهیار صالح ۲. آقای حسین نقوی ۳. آقای مهندس احمد زنگنه ۴. آقای مهندس احمد زیرک زاده ۵. آقای مهندس علی قلی بیانی ۶. آقای دکتر ابراهیم عالمی ۷. آقای مهندس حق شناس ۸. آقای مهندس محسن عطایی ۹. آقای مهندس عباس گزیده پور
۲. شورای عالی حزب : ۱. آقای دکتر جهانشاه صالح ۲. آقای غلامحسین زیرک زاده ۳. آقای دکتر کریم سنجابی ۴. آقای دکتر جناب ۵. آقای مهندس سیف‌اله معظمی ۶. آقای مهندس ناصر معتمد ۷. آقای دکتر محمد علی غربی ۸. آقای دکتر نعمت‌اللهی ۹. آقای مهندس پای‌ور ۱۰. آقای محمدپور سرتیپ ۱۱. آقای وقار ۱۲. آقای مهندس نظام‌الدین موحد ۱۳. آقای مهندس خطیر ۱۴. آقای دکتر ریاحی ۱۵. آقای مهندس ابوالقاسم زیرک‌زاده ۱۶. آقای محمد مشایخی ۱۷. آقای هوشنگ هوشیدر ۱۸. آقای ضیاء‌الدین نهاوندی ۱۹. آقای ناصر موسوی ۲۰. آقای مسعود زنگنه.

۶۲

[سرمقاله] عبرت اول حزب ما، رجوع به کیفیت^۱

آزمایش سال گذشته، نخستین درس سیاست عملی حزب ما بود. این درس برای حزب ملی و جوان ما درس بسیار بزرگی بود. ما از آنجا که فقط به نیروی خود متکی بوده و هستیم عالماً و عامداً بی‌استاد، وارد سیاست شدیم بهمین جهت درس اول را به زحمت و مشقت فرا گرفتیم. ولی هر چند که در پیچ و خم راه سرگردان شدیم و گهگاه ضمن تفحظات ضروری تالپ پرتگاه رسیدیم، معذالک جان مطلب را دریافتیم و سطور

۱. همان، ش ۵۸۴، ۱۷/۱/۱۳۲۶، ص ۱ و ۴

و بین‌السطور درس اول را چنانکه باید و شاید مرکوز ذهن ساختیم...^۱ حزب ورزیده حزبی است که در مراحل متوالی عمل آنچه می‌تواند بخواهد. آنچه ما می‌خواستیم و می‌خواهیم و خواهیم خواست استقرار حکومت ملی درستکار، ترقی‌خواه و آزادی‌طلب بوده و هست و خواهد بود. متأسفانه تجربه نشان داد که وسائل حزبی ما برای استقرار حکومتی که واجد تمام شرایط فوق باشد، مناسب و کافی نیست...^۲ رفقای حزب ما باید برای نیل به مقصود از شاهرایی که به هدایت اصول ثابت حزبی رسم و به همت هم مسلکان ساخته شده باشد، عبور کنند و حتی المقدور از خطر کوره راههای میان‌بر که شاید فقط برای معدودی افراد چالاک مناسب باشد، اجتناب ورزند.

ما در سال گذشته دریافتیم که باید قبل از هر چیز خود را آماده این تلاش بزرگ کنیم. باید همت سازنده و فکر رسام داشته باشیم. باید اولاً اصولی را که معتقدیم بر جزئیات منطبق کنیم و برای هر سؤال خاص جواب معین و مهیا داشته باشیم. ثانیاً مصمم باشیم که در هر مورد به آنچه قبلاً سنجیده شده است، عمل کنیم، و از دستورهای حزبی تخطی نکنیم. تا لااقل اگر ضرر ضروری است آن را به حداقل ممکن تقلیل دهیم. مثلاً اگر به اصل کلی سیاست خارجی متوازن بی‌طرف، معتقدیم باید روش هر یک از دسته‌های سیاسی را در حال فرصت، مطالعه کنیم. از لحاظ قرب و بعد نسبت به روش سیاست خارجی خودمان آن‌ها را تقسیم‌بندی کرده و بدانیم که با هر یک تا کجا می‌توان همراه رفت و از کجا باید جدا شد. به‌علاوه نظم و نسق داخلی حزب باید چنان باشد که هیچ‌گاه هیچ‌یک از افراد برخلاف حکم حزب عمل نکنند. به عبارت دیگر قوه عامله حزب با دستگاه عاملش چنان مرتبط باشد که هیچ بیگانه حزبی نتواند در سراپرده

۱. نقطه‌چین در اصل

۲. نقطه‌چین در اصل

سربسته و محفوظ حزب نفوذ کند. به علاوه از اینکه به نحو کلی و بطور اجمال معتقد باشیم که سیاست خارجی متوازن بیطرف به نفع ایران است و در عمل هیچ یک یا بعضی روش‌های سیاسی را چنانکه باید محک نزنیم، و در داخل حزب، این حقیقت چنانکه شنایسته است در ذهن رفقای حزبی جایگزین نشود، و لدالاقضاء هر کس برای هر مورد به نحو خاصی آن را تعبیر کند و تنها برهان قاطع هر یک، حسن نیت و قصد خدمت بی شائبه‌اش [باشد]، به جایی نخواهیم رسید.

و نظایر این مثال در هر یک از اصول دیگر از قبیل ترقی خواهی، آزادی طلبی و غیره صادق است. برای هر یک از این اصول باید با تمرکز بیشتر تامل کرد و دستور عملی و مشخص به دست آورد. اشتباه نشود، غرض این نیست که تا به حال فکر نکرده‌ایم، سخن در اینجا است که اولاً زمان کافی برای مطالعه جمیع موارد نداشته‌ایم و به علاوه نتوانسته‌ایم انضباط حزبی را به حد کافی تمرین کنیم. البته برای حزب جوانی که فقط سه سال تجربه سیاسی دارد، این امر کاملاً عادی است. هیچ کس از اشتباه مصون نیست. کافی است که حسن نیت در جبران آن باشد...^۱

۶۳

حزب ایران در اصفهان^۲

نوشته: ابوالقاسم زیرک‌زاده

حزب ایران که بیش از همه بر طبقه روشنفکر و تحصیل‌کرده متکی بود، در اصفهان با اشکال بزرگی مواجه گردید. از یک طرف از لحاظ اصول

۱. نقطه چین در اصل

۲. همان، ش ۵۸۵، ۱۳۲۶/۱/۱۹، ص ۱ و ۴

حزبی ناچار بود که در اصفهان تشکیلاتی بدهد و از طرف دیگر به علت ضعف فوق‌العاده و قلت عدد طبقه روشنفکر اصفهان، تکیه‌گاه مستحکم و مناسبی پیدا نمی‌کرد. وانگهی تشکیل حزب ایران در اصفهان مصادف با زمانی گردید که در مرکز، حزب ایران از چهار طرف مورد حمله قرار گرفته و یک مبارزه مشکلی را ادامه می‌داد.

یعنی حزب ایران اصفهان درست در موقعی تشکیل شد که حزب ایران در مرکز، به علت مخالفت‌های شدید و توأم مقامات داخلی و خارجی یکی از بحرانی‌ترین دقایق خود را می‌پیمود. در چنین محیط و با چنین شرایطی حزب ایران در اصفهان تشکیل گردید. تشکیل حزب آزادی و متعاقب آن تشکیل حزب دموکرات ایران نیز دو عامل مؤثر و جدیدی بودند که حزب ایران اصفهان را در بدو تشکیل، دچار اشکالات فراوان کردند. ولی با تمام این مخالفت‌ها و به‌خصوص در این شرائط نامناسب، حزب ایران اصفهان مبارزه خود را مرتباً ادامه داده و بالاخره خود را به دروازه انتخابات رسانید.

در موقع انتخابات با آنکه تمام قرائن و امارات نشان می‌داد که جز حزب دولتی و ایادی آن هیچ حزبی نمی‌تواند امید موفقیت داشته باشد، معه‌ذا حزب ایران اصفهان به تبعیت از نظر کمیته مرکزی، رسماً در انتخابات شرکت نموده و کاندیدای خود را معین کرد. ولی همانطوری که حدس زده می‌شد دخالت مفتضحانه دولت در امر انتخابات و بخصوص تعویض صندوقها و نخواندن آراء کاندیداهای غیردولتی باعث گردید که حزب ایران در انتخابات اصفهان ظاهراً شکست بخورد. ولی همان چندین هزار رای که کاندیدای حزبی ما با وجود تشبثات دولت و ایادی آن به‌دست آورد، نشان داد که حزب ایران اصفهان علیرغم اشکالات موجوده و مخالفت‌های شدید مقامات مختلف، یک حزب زنده، مبارز و پیشرو می‌باشد.

اساسنامه سازمان جوانان ایران^۱

منظور از تشکیل سازمان جوانان حزب، منبع تهیه افراد مبارز حزب بوده، [و سازمان جوانان] نیروی ذخیره و کمکی حزب را تشکیل می‌دهد. در این سازمان است که اکثر مبلغین و افراد کادرهای آینده حزبی تربیت می‌شوند. سازمان جوانان وسیله ایجاد نفوذ عمیق حزب در بین جوانان کشور خواهد بود. تشکیلات سازمان عبارت است از: کنگره، هیأت مدیره مرکزی، هیأت مدیره شهرستان‌ها، کانون‌ها.

تشکیلات سازمان جوانان حزب ایران

۱. کنگره

الف) کنگره سازمان جوانان از نمایندگان سازمان‌های شهرستان‌ها، هر سال به تشخیص کمیته مرکزی حزب، در یکی از شهرستان‌ها تشکیل می‌گردد.

ب) عده اعضاء کنگره برای هر شهرستان متناسب با عده اعضاء سازمان آن شهرستان و طبق آئین نامه مخصوص خواهد بود که از طرف کمیته مرکزی حزب تهیه می‌شود.

ج) وظیفه کنگره: انتخاب هیأت مدیره مرکزی سازمان، تعیین برنامه سالیانه، بررسی عملیات سالیانه سازمان‌ها است.

۲. هیأت مدیره مرکزی

الف) هیأت مدیره مرکزی سازمان جوانان تعیین می‌گردد و به هدایت یک نفر از اعضاء کمیته مرکزی حزب (مسئول سازمان) انجام وظیفه می‌نماید.

۱. جریده بُرد امروز، ۱۳۲۶/۱۲/۱۸، ص ۳

ب) وظیفه هیات مدیره سازمان: تعیین کلیات برنامه هیات‌ها و کانون‌های سازمان در شهرستان‌ها و نظارت در اجرای آن‌ها می‌باشد.
ج) دعوت از نمایندگان سازمان. از هفت نفر اعضای سازمان برای مدت یک سال به وسیله کنگره سازمان جوانان شهرستان‌ها برای تشکیل کنگره

د) تنظیم گزارش کارهای انجام یافته برای کنگره
ه) هر یک از اعضای هیات مدیره مرکزی موظف است مسئولیت یک یا چند کانون را به عهده گیرد. به قسمی که تمام کانون‌ها در تحت سرپرستی مستقیم یکی از اعضای هیات مدیره مرکزی باشد.
و) هرگاه یکی از اعضای هیات مرکزی سازمان استعفاء نماید، نفر بعدی در لیست انتخابات کنگره به جای او گماشته خواهد شد.

۳. هیات مدیره شهرستان

الف) هیات مدیره شهرستان مأمور تشکیلات سازمان در شهرستان می‌باشد.

ب) اجرای برنامه سالیانه سازمان در شهرستان به عهده هیات مدیره آن شهرستان است.

ج) هیات مدیره شهرستان به وسیله افراد سازمان انتخاب خواهند شد. (طبق آئین‌نامه مخصوص)

د) عده اعضای هیات مدیره شهرستان از سه تا پنج نفر به تشخیص کمیته حزب خواهد بود که به هدایت مسئول سازمان شهرستان، انجام وظیفه کند.

۴. کانون‌ها

سازمان جوانان برای اداره کار خود کانون‌هایی تشکیل خواهد داد که مهمترین آن‌ها کانون سازمان، کانون مالی، کانون تبلیغات، کانون ورزشی خواهد بود.

این آئین نامه در جلسه شنبه ۱۳۲۶/۲/۵ به تصویب شورای حزب رسید.

۱. شرایط عضویت

۱. اشخاصی می توانند در سازمان جوانان حزب ایران شرکت کنند که دارای شرایط زیر باشند: ۱. سن آنها کمتر از ۱۵ و بیشتر از ۲۵ نباشد. (دانشجویان در هر سن باشند در سازمان پذیرفته می شوند).
۲. ایرانی و تابع دولت ایران باشد.
۳. شهرت بد نداشته باشند.
۴. عضویت در احزاب و سازمان های سیاسی دیگر نداشته باشند.

۲. کمیته مرکزی سازمان جوانان

کمیته مرکزی سازمان جوانان از روسای کانون های مختلف به اضافه یک رابط از کمیته مرکزی حزب ایران تشکیل می شود.

۱. وظایف کمیته مرکزی عبارت است از تصویب برنامه پیشنهادی کانون ها و نظارت در اجرای آن، تنظیم گزارش کارهای انجام یافته، دعوت از کمیته ایالتی و ولایتی سازمان جوانان وابسته به حزب در سراسر کشور برای تشکیل کنگره (در صورتی که کنگره تشکیل شده باشد، اجرای برنامه)

۲. کمیته مرکزی از بین اعضای خود یک دبیر انتخاب می نماید.

۳. کمیته مرکزی هفته ای یک بار تشکیل جلسه می دهد. در صورت لزوم با دعوت دبیر کمیته ممکن است جلسه فوق العاده تشکیل دهد.

۴. هرگاه یکی از اعضای کمیته سه بار پی در پی بدون عذر موجه غیبت کند، از عضویت کمیته مستعفی شناخته می شود و دیگری به جای او انتخاب خواهد شد.

۵. هرگاه یکی از اعضای کمیته مرکزی استعفاء دهد، دیگری به جای او انتخاب می شود.

۳. کنگره سازمان

در صورتی که کمیته مرکزی سازمان جوانان لازم بداند می‌تواند سالی یک بار از نمایندگان کمیته‌های ایالتی و ولایتی سازمان در شهرستان‌ها برای تشکیل کنگره جهت پیشرفت سازمان در کشور، تصویب برنامه سالیانه و انتخاب کمیته مرکزی جدید، دعوت نماید.

۴. کانون‌ها

۱. روسای کانون‌ها اعضاء کانون را شخصاً انتخاب می‌نمایند. کانون‌ها عبارتند از:

۱. کانون تشکیلات ۲. کانون تبلیغات ۳. کانون امور مالی ۴. کانون بازرسی.
۲. در صورتی که کنگره سالیانه تشکیل نشود، کمیته مرکزی باید عملیات سالیانه سازمان را در سراسر کشور به وسایل مقتضی در دسترس اعضاء سازمان حزب بگذارد.

۳. کانون‌ها برنامه کار خود را تهیه و باید به تصویب کمیته مرکزی سازمان برسانند.

۴. به طور کلی در جلسات سازمان و کانون‌ها و کمیته‌ها [مناطق اعتبار تصمیمات] اکثریت نصف بعلاوه یک نفر خواهد بود.

۶۵

بیانیه حزب ایران، شهرستان شاهرود^۱

هموطنان عزیز

از اوضاع چند ماه اخیر و سال گذشته کشور کاملاً مستحضر و از تحولاتی که رخ داد، مطلع می‌باشید. خوب می‌دانید به چه نحو برخی از

۱. جریده باستان، ش ۶۱۱، ۱۳۲۶/۲/۱۸، ص ۱ و ۳

عناصر که با ماسک وارد صفوف بعضی از دستجات آزادی خواهان شده بودند به اندک پیش آمدی که منافع آنان را به خطر می انداخت، فوراً تغییر رنگ داده و در پای علم دار و دسته دیگری بنای سنگ خیرخواهی ملت را به سینه زدن، نهادند. یا اینکه از میدان مبارزه کنارگیری اختیار کرده تا با فراغت بال و آسایش حال فرآورده های نامشروع را نوش جان کنند. این گونه اشخاص در عین حال که خود را زبردست و سیاس قلمداد می نمایند و با رفتن به هر طرف که باد می وزد، به گمان خود زندگانی پرآسایش تامین می نمایند، از این نکته غافلند که با این اعمال، صرف نظر از دست دادن شخصیت و حیثیت اجتماعی، با دست خود تیشه به ریشه خویش می زنند. چه مسلم [است] به این شاخ و آن شاخ پریدن و هر ساعت و دقیقه رنگی به خود گرفتن همانا از عدم عقیده ثابت آنها حکایت خواهد کرد. و هرگز این قبیل اشخاص حامی و راهنمای ملت نبوده بلکه آلت دست و مجری مقاصد شوم عمال بیگانه اند که بتدریج با بیداری مردم شناخته شده و به کیفر اعمال خود خواهند رسید.

الحق پیش آمد چند ماه گذشته برای ملت ایران آزمایش به جانی بود و نسبتاً دوست و دشمن خود را شناخت، و تا اندازه ای بر آنها معلوم گشت کدام دسته و چه مردانی هستند که قول بی فعل را روا نداشته و برای حصول مقاصد مقدس میهن پرستی و آزادی خواهی از جان و مال هم مضایقه ندارند. با اندک انصاف و بخاطر آوردن مبارزات احزاب در آن موقع، تصدیق خواهید نمود تنها تشکیلاتی که در بین تحولات کشور کماکان پایدار و با روش صحیح مبارزه می نمود، فقط حزب مقدس ایران بود. استقامت دلیرانه برادران مرکز، رفقای رشتی و ملایری و کنگاوری و غیره در مقابل آن همه فشاری که وارد می آمد، صحت ادعای ما را تأیید می کند. مبارزه دلاورانه ای که در انتخابات به وسیله افراد حزب مرکز صورت گرفت، آثار پرافتخاری را زین سطور تاریخ مشروطیت ایران

نمود. پایداری افراد دلیر حزب ایران این شهرستان در عقیده خود، حقیقت حزب ایران را بر ساکنان آن شهر آشکارتر ساخت. به آنان ثابت نمود حزبی که بر اصول و هدف مقدس تشکیل شده، هیچ‌گاه با برداشتن تابلو و آزار رساندن افراد آن شکست نمی‌خورد و از میدان مبارزه بدر نمی‌رود، زیرا تاکنون کسی بیاد ندارد که سرانجام دستجاتی که در راه حق و حقیقت قدم برمی‌داشتند، منتهی به شکست شده باشد. اگر حزب مادر این شهر به واسطه ضعف مالی و فشارهای وارده چندی به ظاهر تعطیل گشت، حمل بر نقصان و تزلزل عقیده افراد نمی‌توان نمود. اکنون همان افراد شجاع مبارزه خود را بیش از پیش ادامه می‌دهد و میهن‌پرستان را برای نجات کشور از وضع شرب‌الیهود، به یاری می‌طلبند.

درو بر هم مسلکان مبارز مرکز و شهرستان‌ها، پاینده حزب مقدس ایران

کمیته حزب ایران شهرستان شاهرود

۶۶

تقدیر^۱

کمیته مرکزی حزب ایران با در نظر گرفتن فعالیت و از خود گذشتگی‌هایی که آقای ابوالفضل قاسمی دبیر حزب ایران درگذر نشان داده و با وجود مشکلات و صدمات و حبس و تبعید مبارزه خود را در راه پیشرفت مرام حزب ایران همچنان دنبال کرده است، ایشان را بدین وسیله مورد تقدیر قرار می‌دهد.

کمیته مرکزی حزب ایران

*

آقای فرجاد دبیر حزب ایران رشت که با شجاعت و بلندهمتی بی‌مانندی در راه پیشرفت مرام حزبی و توسعه تشکیلات در رشت فعالیت نموده و توانایی تشکیلاتی و فراست و کیاست خود را بارها نشان داده است، بدین وسیله مورد تقدیر کمیته مرکزی حزب ایران قرار می‌گیرد.
کمیته مرکزی حزب ایران

۶۷

آگهی^۱

بحث و انتقاد : هر هفته روزهای پنج‌شنبه ساعت ۷/۵ بعدازظهر جلسه بحث و انتقاد در سالن حزب ایران تشکیل می‌شود. اگر بر ما ایرادی دارید، اگر به مسائل اجتماعی علاقمندید، در این جلسه شرکت کنید.

آگهی حزبی : حوزه شماره ۷ هر هفته روزهای یکشنبه ساعت شش بعدازظهر تشکیل خواهد یافت. حضور افراد اجباری و غیبت، موجب مسئولیت است.

آگهی حزبی : آقایانی که تابحال کارت عضویت نگرفته‌اند و یا مدارک عضویت خود را تکمیل نکرده‌اند، همه روزه از ساعت ۶ تا ۸/۵ بعدازظهر به آقای ابراهیم حیدری رجوع فرمایند.

کانون مالی : کانون مالی همه روزه از ساعت ۶ الی ۷/۵ بعدازظهر

جهت مراجعه و تسویه حساب هم مسلکان آماده است. برای پرداخت ماهیانه به آقای ابراهیم حیدری مراجعه فرمائید.

۶۸

حزب ایران و زرتشتیان^۱

هر چند شرط عضویت در حزب ایران اسلام است، معذالک زرتشتیان از این قاعده مستثنی هستند. از ابتدای تشکیل حزب این استثناء مبداء حملات متعدد و شدیدی به حزب ایران شده است [۲] موسسین حزب ایران که همیشه ناظر به معنی و کیفیات بوده‌اند، چنین تشخیص داده‌اند که برای تلاش بزرگی که در پیش است، کمال یگانگی و سنخیت افراد ضروری است. از آنجا که ایرانیان مسلمان به لحاظ طرز فکر و طرز پرورش روحی به یکدیگر نزدیکتر از دیگرانند و همکاری و هماهنگی آنان آسان‌تر و کاملتر فراهم می‌شود. به علاوه اکثریت قریب به اتفاق ساکنین این سرزمین را تشکیل داده‌اند، نه تنها مراعات اصول دموکراسی ایجاب می‌کرد که عقاید اکثریت قریب به اتفاق کشوری محترم شمرده شود و حزب در وهله اول به همت آنان ساخته شود، بلکه به لحاظ تسهیل کار بهتر بود کثرت افراد فدای وحدت و یگانگی عقاید و احساسات شود، لذا بارگران این مبارزه وطنی به دوش مسلمین ایران تحمیل شد. اما ورای ایرانیان مسلمان، گروهی زرتشتیان وجود دارند که پس از سیزده قرن هنوز به امید بزرگی و نام‌آوری ایران زنده‌اند [۳] آیا حزب ملی ایران می‌توانست این فرزندان مهربان و رنج‌دیده و آبرومند و هنرمند ایران را

۱. همان، ش ۳۰۵، ۱۳۲۶/۴/۱۵، ص ۱ و ۲

۲. بخش‌های نقطه‌چین درون [] بیانگر قسمت‌هایی است به دلیل تطویل با دیگر دلایل مشابه، توسط گردآورنده این مجموعه کوناها شده است.

ندیده انگارد [...] فقط کمال علاقه زرتشتیان به سرنوشت ایران مسبب تصمیم حزب ایران بوده است و لاغیر. به علاوه همکاری و برادری افراد یک حزب دلیل دشمنی و ستیز آن‌ها با سایر ساکنین کشور نیست [...]

۶۹

گزارش سخنرانی هفتگی حزب ایران، گیلان^۱

سخنران هفتگی حزب ایران، گیلان روز سه‌شنبه ۲۶/۴/۱۶ ساعت ۲۰ بعد از خواندن سرود دسته جمعی شروع گردید. آقای فریدون نوزاد عضو شورای ایالتی پشت تریبون قرار گرفت و درباره فداکاری‌ها و جنگ و پیکار «مازیار بن قارن» آخرین مدافع استقلال ایران با اعراب، صحبت نمود او نتیجه گرفت: «ملت ایران تا به ملیت خود علاقمندی نشان می‌دهد استقلال ایران عزیزش را محفوظ خواهد نمود. ما افراد حزب ایران که پرچمدار آزادی و استقلالیم باید روح علاقمندی به ملیت و وطن را بیش از پیش در مردم تهییج نموده و نتایج مفیدی از آن بگیریم و مخصوصاً سعی کنیم اتحاد مستحکمی در میان طبقات محروم به وجود بیاوریم. مسائل تاریخی مهمترین قسمت‌هایی است که می‌تواند به ما پند بزرگی داده و عبرت خوبی باشد. دیروز اعراب و امروز هم بیگانه و هیات حاکمه برای اضمحلال ملت تخم نفاق را در میان ما می‌پراکند. ولی وظیفه افراد حزب ایران یعنی صدیق‌ترین خدمت‌گذاران جامعه این است که ملت راهشیار و آگاه نموده و تبلیغات مسموم عناصر مرموز را بلااثر سازند. وظایفی را که ما باید انجام بدهیم بی‌نهایت مشکل و زیاد است ولی برای اعتلای نام و برافراشتگی پرچم سه رنگ جاودانی میهن و

۱. جریده نبرد امروز، ش ۶۷۶، ۲۲/۴/۱۳۲۶/ص ۱

معرفی لیاقت و استعداد بی حد ملت خود به دنیای مترقی، این وظیفه مشکل در پیشگاه همت ما هیچ است [...]

۷۰

سخنرانی‌های اللهیاری صالح (تحلیل اوضاع بین‌المللی)

احمد زیرک‌زاده (جریان‌ات سیاسی روز)^۱

خلاصه نطق اللهیاری صالح: بنا بر معمول ساعت ۷/۵ بعد از ظهر جلسه سخنرانی هفتگی در محل حزب تشکیل گردید. پس از اعلام برنامه، سرود حزبی خوانده شد و سپس جناب آقای اللهیاری صالح چنین اظهار داشتند:

از روزی که باشگاه ما به این محل تازه منتقل شده آقای مهندس زیرک‌زاده دیگر فرصت ننموده‌اند که تحت عنوان «جریان‌ات روز» برای ما سخنرانی کنند. اعضای حزب ایران و کسانی که به سخنرانی‌ها ما سابقه دارند، خوب می‌دانند که صحبت راجع به جریان‌ات روز، یکی از موضوعات مختلفی است که آقای مهندس زیرک‌زاده در آن تسلط دارند. و این از خصایص ایشان است که با مناسبت و دلایل منطقی، اوضاع سیاسی را تجزیه و تحلیل می‌نمایند و با شهامت پرده از روی حقایق برمی‌دارند. از تاریخی که آقای زیرک‌زاده آخرین سخنرانی راجع به جریان‌ات روز را ایراد نموده، وقایع مهمی در دنیا اتفاق افتاده و کشور خود ما نیز از پاره‌ای اتفاقات و وقایع مصون نبوده است. سیاست جدید که دولت آمریکا در پیش گرفته و به اسم «دکترین ترومن» معروف شده و عکس‌العملی که این سیاست در کشور اتحاد جماهیر شوروی و

۱. همان، ش ۶۷۷، ۴/۲۳، ۱۳۲۶، ص ۱ تا ۳

کشورهای منطقه تحت نفوذ آن، ایجاد نموده، رفته رفته دنیا را به دو بلوک تقسیم می نماید. کنفرانسی هم که از دیروز در پاریس تشکیل گردیده^۱ و دولت شوروی و سایر کشورهای خاوری اروپا از شرکت در آن خودداری نموده اند، یکی از مظاهر برجسته همین دودستگی است.

بطوری که ملاحظه می فرمایند در کشور خود ما نیز تشنج به تمام معنی کلمه حکمفرما است. رژیم شش ساله حکومت نظامی بطور ناگهانی خاتمه یافت، ولی چیزی نگذشت که دوباره برقرار گردید. وزیران کابینه ما در حال تغییر و تبدیل هستند و عدم رضایت مردم به حداکثر شدت رسیده، حال منشاء این اوضاع چیست؟ و این جریانات دنیا را به کجا می کشاند؟ و تا چه اندازه اتفاقات و اوضاع ایران مربوط به جریانات بین المللی می باشد؟ و ایرانیان وطن پرست چه رویه ای مقابل این اوضاع باید در پیش بگیرند؟

تمام این ها مطالبی است که بنده امیدوارم آقای مهندس زیرک زاده در فرصتی که امشب در اختیار خود دارند، حتی الامکان برای ما روشن خواهند نمود.

*

سخنرانی احمد زیرک زاده تحت عنوان تشریح اوضاع ایران بطور کلی هر وقت مملکتی در وسط دو بلوک قرار گرفت و به علتی تصرف آن به وسیله یکی از بلوکها غیر ممکن گشت، یا خود مملکت نیرومند است و یا اینکه وجودش برای هر دو بلوک قیمتی بوده و در این صورت تعرض یکی بطور یقین مداخله دیگری را ایجاد می کند. بنابراین تا زمانی که جنگ بین دو بلوک در نگرفته مملکت همچنان در وسط خواهد ماند. یا باید هیچ کدام از دو حریف نتوانند در امورش مداخله کنند

۱. مقصود از این کنفرانس، کنفرانس پاریس است که با حضور ۱۶ کشور اروپایی جهت بررسی کمک آمریکا به اروپا - طرح مارشال - تشکیل شد.

و یا باید وضع طوری باشد که هر دو بتوانند. اگر ملتی قوی و نیرومند باشد هیچکدام مداخله نمی‌کنند، ولی اگر ضعیف باشد باید هر دو مداخله کنند. یعنی در ملل ضعیف، حکومت مرکزی بی‌اقتدار و ناتوان بوده و محیط نفوذش از حدود پایتخت تجاوز نکند، تا اینکه هر بلوکی بتواند برای مقابله با بلوک دیگر دست باز داشته باشد. ثانیاً یک طرفی نبوده و بتواند سیاست توازن را عملی سازد. باید سیاست داخلی طوری نباشد که عملیات بلوکی را آزاد و عملیات بلوک دیگر را مشکل سازد. باید سیاست خارجی آن مملکت در دنبال سیاست یکی از بلوکها نباشد. در روز سوم شهریور ۱۳۲۰ منظور اولی حاصل شد. دولت ایران به حداکثر ضعف رسید و از آن تاریخ تا به امروز در هیچ گوشه‌ای از ایران مانعی برای عملیات خارجی موجود نمی‌باشد. ولی از آنجایی که طبقه حاکمه ایران مزدور یک طرف بود و دولت در داخل و در خارج سیاست یک طرفی داشته، تحولاتی که در این چند سال در ایران روی داده است، در نتیجه همین وضع می‌باشد. تمام تشنجاتی که ایجاد شده از طرف سیاست محروم بود و مقصود بر سرکار آوردن دولت لاقابل بی طرف بوده است. تا بالاخره تشنجات به سرکارآمدن دولت آقای قوام السلطنه منتهی گردید. اگر مردم ایران به حقایق امور آگاه بودند، شاید حدس می‌زدند که آمدن ایشان نقطه اختتامی به تشنجهای بود. چه دولت ایران همچنان ضعیف و ناتوان باقی ماند. آقای قوام السلطنه همیشه خود را مخالف سیاست یک جانبی و شاید متمایل با سیاست شوروی معرفی می‌کردند. اگر وقایع در نظر رفقا باقی مانده باشد، در آن ایام روس‌ها به ایرانی‌ها حالی کردند که فقط با کابینه آقای قوام السلطنه وارد مذاکره خواهد شد. ولی همان وقت تیزهوشان متوجه بودند که آقای قوام السلطنه نباید زیاد هم با مخالفت بلوک دیگر روبه‌رو شده باشد. یعنی اگر از یک طرف آمدن قوام شرط بود، از طرف دیگران نیامد نشان شرط نبود. آقایان گاهی امروز

به ما می‌گویند شما هم در آمدن آقای قوام السلطنه شریک هستید. امری که ما انکار نمی‌کنیم. ایران داشت تجزیه می‌شد. شورای ملل متحد ایران را دعوت به مذاکره با شوروی‌ها کرده بود. آن‌ها هم فقط با آقای قوام حاضر به مذاکره بودند. همین دلیل، چند نفر وکیل صالح و درستی که عضو حزب ایران هم نیستند و در وطن‌پرستی و درستیشان تردیدی نیست را وادار کرد به آقای قوام روی خوش نشان دهند. ولی آقای قوام السلطنه ۵۱ رای موافق لازم داشت. اگر آن‌هایی که گشودن باب مذاکره با روسیه را می‌خواستند به وکلای حزب توده اضافه کنیم حداکثر ممکن است ۲۰ رای به دست آوریم. آن ۳۱ رای دیگر از کجا آمد؟ از همان طرفداران سیاست یک جانبه. پس اگر آن‌ها رای موافق دادند برای این است که به آن‌ها گفته بودند رای دهید و یا لااقل می‌دانستند که این رای ارباب را نخواهد رنجاند. پس محققاً آقای قوام مردی بود که موافقت هر دو را داشت و یا در هر حال از هیچ طرف با مخالفت شدیدی روبرو نبود. به نظر می‌آمد که آقای قوام مرد سیاست یک‌طرفی نبود. در این صورت ایران به طرف وضع عادی دولت ضعیف وسط، رهسپار می‌گردید. یعنی ضعف حکومت مرکزی و هرج و مرج در تمام نقاط کشور و سیاست توازن مثبت و یا بی‌طرفی. اگر در اوایل عملیاتی شود که دولت را طرفدار یک سیاست معرفی می‌نماید، فشارهایی از طرف مقابل وارد می‌آید تا دولت را مجبور به تعدیل سیاست خود سازد. قیام مسلحانه عشایر جنوب، و ورود نیروهای هندی به عراق نمونه‌ای از این فشارها است.

با آمدن آقای قوام، [فرقه] دموکرات آذربایجان به سرنوشت خود رها می‌شود. حزب توده که به طرفداری از شوروی‌ها معروف گشته است، متلاشی می‌شود و چند ماهی از صحنه سیاست دور می‌ماند. حزب دموکرات ایران هم که خود را به آمریکایی‌ها می‌چسباند، اگر سیاست تعلیق ادامه یابد از بین خواهد رفت و حداکثر به صورت یک دسته‌بندی عادی برای استفاده عده‌ای، مدتی بر سر پا خواهد ماند.

چون سابقاً وضعیت تعلیق بر ایران حکمفرمایی می‌کرد، به مجردی که مقصود اصلی برقرار شد و سیاست دولت‌ها در داخل و چه در خارج سیاست توازن گشت، دیگر عامل خارجی بلااثر بوده و حکومت ایران به سرنوشت خود رها می‌شود. برای اینکه منظور خارجی‌ها تأمین شده است. این سیاست ایران در دست طبقه حاکمه است. تشنج‌هایی که می‌بینیم اثرات مبارزه‌های داخلی این طبقه می‌باشد. هر دسته می‌کوشد که حکومت را در دست گرفته جیب خود و بستگان خود را پرکند. فساد و نادانی، نیروهای این دسته‌ها را ناچیز و نزدیک به هم دارد. از این جهت وقایع به سرعت روی می‌دهد هیچ دسته‌ای بیشتر از چند ماه بر سر کار نمی‌ماند. اگر ایران قبل از ۱۹۱۴ و ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ را در نظر بگیریم، می‌بینیم که در آینده نیز دولت‌ها چند ماهه می‌آیند و می‌روند. به‌طور خلاصه اگر ایران هم چنان بین دو بلوک باقی بماند، همان قدری که مملکت همچنان ضعیف ماند و سیاست توازن مراعات گشت، مقصود خارجی‌ها حاصل گشته و وقایع ایران بیشتر جنبه داخلی خواهد داشت. ولی اگر حکومت ایران خواست به مملکت قدرتی بخشد و یا به طرفی تمایل نشان دهد سر و کله خارجی‌ها نمودار خواهد گشت. کابینه‌های ما باید در این حالت کاملاً توازن را رعایت کنند. اگر امروز در فلان مجمع بین‌المللی به‌جهتی رای دادند، فردا به‌جهت مخالف رای دهند. اگر نخست‌وزیر ایران برای سفیر انگلیس شکاری فرستاد، شکاری قرینه آن باید برای سفارت شوروی بفرستند. یعنی حکومت‌های مشیرالدوله و مستوفی خواهیم داشت. با این فرق که در آن زمان فساد و ارتشاء در دستگاه به این حد نرسیده بود. ولی امروز در رفتار داخلی، مشیرالدوله موفقیتی نخواهد داشت. باید کسی باشد که به همه درد بخورد. روزی اجازه دهد جواز پخش کنند و دسته دسته نور چشمی‌ها را بفرستند. حکومت‌های آینده ما تیپ حکومت‌های یک سال قبل خواهند بود، ولی هیچ

کدام بیشتر از چند وقتی برقرار نخواهند ماند. ما تا حالا فرض کردیم که تعلیق همچنان ادامه یابد و ایران داخل در بلوکی نگردد. حال باید ببینیم اگر این وضع تکان خورد چه صورتی خواهد داشت و آیا به هم می خورد یا نه؟

عده ای می گویند که اساساً سیاست ایران از هم اکنون یک طرفی بوده و ما از همین حالا داخل در بلوک آنگلو ساکسن ها هستیم. اگر هرج و مرج و ضعف دولت برای وضعیت وسط کاملاً مناسب است، برای سیاست یک طرفی کاملاً مضر بوده [اجرای] چنین سیاستی احتیاج به دولتی مقتدر و متمرکز دارد. تا به سهولت و آسانی بتواند تمام مملکت را در اختیار خود داشته باشد. باید دولت ایران متمرکز باشد. [باید] حتماً مقتدر و توانا باشد. ولی دستگاهی که در دست مردمان فاسد و بی شخصیت و نادان است، نمی تواند مملکتی متمرکز و مقتدر ایجاد کند. اگر ایران داخل در یک بلوک بود، مدت ها بود این دستگاه برچیده شده بود.

ممکن است که گفته شود ایران در داخل یک بلوک هست، ولی هنوز موقع تظاهر آن نرسیده است. البته این فرض به نظر منطقی تر می آید. چه در هر حال چون هیات حاکمه ایران یک طرفی است، عملی ساختن سیاست یک طرفی به سهولت امکان پذیر است. اگر تاکنون این عمل انجام نگرفته، لابد موقع آن نرسیده است. دو علت ممکن است باعث این تأخیر شده باشد. یکی ملاحظه زمان و دیگری ملاحظه تناسب نیروی طرفین. ممکن است فرض کنیم به واسطه مذاکراتی که در جریان است، به واسطه معاملاتی که هنوز هم میسر است، اجرای سیاست یک جانبی را در ایران بصورت یک «آتو» در دست نگه داشته اند، تا هر وقت که لازم شد بر زمین زنند. ایران مانند یک اسلحه ای است که به طرف دشمن هدف گیری شده، می گویند اگر چنین نکنی اسلحه را به کار خواهند برد. ممکن است استعمال این اسلحه مشکلاتی را ایجاد کند و عواقبی داشته باشد که صاحب آن را به احتیاط وادارد. ممکن است تمام افراد یک خانواده در اختیار شما باشد و به خوبی هم بتوانید به خانه همسایه که در آن هیچ کس نیست

هجوم ببرید، ولی اگر تصور کنید که صاحبان خانه بزودی می‌رسند و جدال بزرگی برپا می‌شود، محققاً از این عمل خودداری خواهید کرد. من شخصاً تصور می‌کنم که عدم فشار به ایران برای دخول در یکی از بلوک‌ها، بیشتر برای ترس از عکس‌العمل بلوک دیگر است. چون همان‌طوری که بارها گفته شد ایران از نقطه نظر استراتژیکی موقعیت به‌خصوصی دارد که دخولش در یک بلوک ضررهای بسیاری برای بلوک دیگر به‌همراه خواهد داشت. تا زمانی که یکی از بلوک‌ها کاملاً ضعیف نباشد، اجرای سیاست یک‌جانبی میسر نخواهد بود. به‌نظر من سیاست تعلق ایران همچنان ادامه خواهد داشت و در هر حال بدون خونریزی‌های بزرگ تغییر نخواهد کرد. پس عجالتاً تا مدتی که دولت‌های چند ماهه و طرفدار توازن خواهیم داشت، دولت مرکزی ضعیف و ناتوان خواهد بود و تشنجات ایران در نتیجه مناقشات دستجات طبقه حاکمه خواهد بود.

در اینجا یک سؤال پیش می‌آید و آن این است که چون مناقشات ما بین طبقه حاکمه است، آیا ما باید در آن مداخله کنیم یا بی‌طرف بمانیم. اگر دعوا سرچاپول و خسارت ملت ایران است ما که طرفداران ملت و دشمن دشمنان آن هستیم، در این دعوا چه رلی خواهیم داشت؟ به‌نظر من طرح مسئله به این ترتیب کاملاً غلط است. موضوع این نیست که دستجات مختلف طبقه حاکمه که به‌سر و کول هم می‌زنند، ما چه کنیم؟ موضوع این نیست که چون گرگ‌ها بجان هم افتاده، گوسفندان چه باید بکنند؟ موضوع این است که در حالی که ما با طبقه حاکمه در مبارزه هستیم، اگر نزاعی بین خودشان روی داد، باید چه کنیم؟ ببینید طرح مسئله به این ترتیب با ترتیب قبلی فوق‌العاده متفاوت است. در صورت اول ممکن است گفته شود: بگذارید گرگ‌ها همدیگر را پاره کنند. بگذارید دشمنان ملت بر جان هم بیفتند، ما چرا مداخله کنیم؟ چون برنده هر که باشد، دشمن ما است و نتیجه مداخله ما تقویت یکی از دشمنان ما است. در صورت دوم از خود پرسید که در حال مبارزه، اگر کسی بر دشمن

ما حمله کرد آیا باید دست از مبارزه بکشیم؟ یا در صورتی که با دشمن گلاویز هستیم، اگر دشمن دیگر ما هم بر او حمله کرد، کنار رویم؟ اگر ما نمی‌خواستیم داخل مبارزه شویم، البته جای آن نداشت که بنشینیم و شک کنیم که آیا دخول ما در این مبارزه که برنده آن در هر حال دشمن ملت است. آیا به نفع مقاصد ما خواهد بود یا نه؟ گرچه در این صورت هم موضوع قابل تأمل است و به‌طور محقق یکی از وسایل فرارگوسفندان از گزند گرگان، همان به‌جان هم انداختن گرگان است. ولی فعلاً موضوع غیر از این است. ما سه سال است که با این طبقه حاکمه مبارزه می‌کنیم. تشنجات و اختلافات و هر وقایع دیگری که در این طبقه روی دهد، ربطی به مبارزه اصولی ندارد. ما با دشمن ایران هر که می‌خواهد باشد و در هر وضع که باشد، می‌جنگیم.

مخالفت ما با دولت وقت مخالفت اصولی است. نه توجهی به اشخاص دارد و نه وابستگی به وضع فعلی ما دارد. دولت هم همیشه ما را مخالف خود می‌دانسته است. مخالفین دولت را از شماره آگهی روزنامه‌شان می‌توان تشخیص داد. به روزنامه جبهه نگاه کنید. حتی در کابینه ائتلافی، اعلان نداشتیم. مبارزه ما که مربوط به زمان نیست و نمی‌تواند متروک بماند. ولی استدلال به همین جا خاتمه نمی‌یابد. غالباً می‌شنویم که می‌گویند بعد از کابینه فعلی ممکن است وضع بدتر شود و حتی پیدایش کابینه نظامی را پیش‌بینی می‌کنند. وقتی این دلایل را می‌شنویم تا اندازه‌ای ابهام برطرف می‌شود. اگر کسی به شما بگوید دست از مبارزه بردارید چون طرف شما مورد حمله دشمنان خود شده است و چرا شما در این مبارزه داخل می‌شوید؟ قدری مشکوک می‌شویم که شاید گوینده موافق حریف است و چون نمی‌تواند عملاً جانبداری کند، می‌گوید به ما که کنار برویم. ولی وقتی که ما را رسماً از نتیجه زد و خوردها و وقایع روز می‌ترسانند، ابهام برطرف می‌شود. آنکه می‌تواند

بگوید که با رفیق من شیره نکشید، می‌گوید مواظب باشید وضع بدتری پیش نیاید. همیشه طرفداران یک وضعیت مردم را از عواقب تغییر آن می‌ترسانند. صرف‌نظر از اینکه اگر وضع حاضر را با دیکتاتوری نظامی مقایسه کنیم. معلوم نیست دومی بدتر از اولی جلوه‌گر گردد. معهداً مطابق آنچه قبلاً گفته شد زمان پیدایش دیکتاتوری در ایران نرسیده است. من نمی‌گویم کاندیدای دیکتاتوری نیست. از آن روزی که رضاشاه به تخت سلطنت نشست هر که اونیفورمی به تن دارد، شب‌ها خواب دیکتاتوری می‌بیند. کاندیدای دیکتاتوری زیاد است. ولی پیدایش دیکتاتوری موقع جالب می‌خواهد.

البته ممکن است ما یک نخست‌وزیر نظامی داشته باشیم، همچنان‌که اغلب یکی دو وزیر نظامی داشته‌ایم. ولی نخست‌وزیر نظامی، دیکتاتور نظامی نیست که فلان‌الدوله یا فلان‌السلطنه نخست‌وزیر باشد، یا فلان تیمسار. این امر مهم نیست. دیکتاتور نظامی که ما را از آن بترسانند دیکتاتوری ۲۰ ساله است. دیکتاتوری است که تمرکز و قدرت را با خودمختاری توأم دارد. همان‌طوری که گفته شد دوران حکومت مقتدر و متمرکز نرسیده است. اگر مقصود از دیکتاتوری نظامی، خودمختاری بدون تمرکز و اقتدار است، آن‌را که مدت‌ها است داریم که این خودمختار، نظامی یا غیرنظامی باشد تأثیر زیادی ندارد و در هر حال تأثیر آن از حدود اثرات اخلاق و ظرفیت شخصی تجاوز نمی‌کند. پس باید مطمئن بود که دیکتاتور نظامی در افق سیاست ایران نمودار نیست و تحقیقاً باید وقایع بین‌المللی مهمی روی دهد تا وضع مناسب برای پیدایش دیکتاتوری فراهم شود.

«ادامه دارد»^۱

۱. چاپ ادامه این سخنرانی بدلیل توقیف جریده نبرد امروز، میسر نشد.

[سرمقاله] امروز مجلس پانزدهم افتتاح می‌شود^۱

امروز مجلس پانزدهم رسماً افتتاح می‌شود. صحنه اصلی این کم‌دی بزرگ که مشروطه ایرانیش می‌نامند، گشایش می‌یابد. شاید خیلی‌ها تصور کنند که بود و نبود مجلس در وضع فلاکت بار ایرانیان تأثیری ندارد. باری از دوش مردم برداشته نمی‌شود. ملت ایران به اندازه‌ای در فشار است که مشکلاتی که حرص و آز و طمع خوش‌نشینان بهارستان برایش ایجاد می‌کند، نمی‌تواند محسوس باشد. از این جهت ممکن است خبر افتتاح مجلس را مانند اخبار متفرقه اطلاعات به سرسری خوانده و رد شوند. در صورتی که حقیقت غیر از این است و وجود مجلس تأثیرات فوق‌العاده بر زندگی ملت ایران دارد.

اینجا مرکز قانون‌گذاری ایران است. در اینجا ظلم و ستم را قانونی می‌کنند. در اینجا قانوناً از پیشرفت و ترقی ایران جلوگیری می‌کنند. آنچه در زمان مجلس انجام می‌گیرد، برای ایران و برای دنیا رسمیت دارد. وضعی که مجلس ایجاد می‌نماید جز با انقلاب تغییرپذیر نیست. نه اشخاص و نه دولت‌ها نمی‌توانند از زیربار تعهداتی که صحنه مجلس را دارد، شانه خالی کنند. فقط انقلاب می‌تواند زنجیرهایی را که مجلس بر دست و پای ایرانیان می‌بندد، پاره نماید. چون ملت ایران آماده برای انقلاب نیست، پس عکس‌العمل عملیات مجلس را باید سال‌های سال تحمل نماید. مجلس مهمترین رکن مشروطیت است. مجلس ایران بزرگترین پیس خیمه‌شب‌بازی دموکراسی ایران است. مجلس پانزدهم مجلس ملت ایران نیست و مثل اکثر دوره‌های دیگر مجلس دولت ایران است [...] در ایران هر دولتی، مجلسی را که لایق است، به وجود می‌آورد.

۱. همان، ش ۶۷۹، ۱۳۲۶/۴/۲۵ ص ۱ و ۲

دو چیز دوره پانزدهم را از سایر دوره‌های مشروطیت ایران (حتی از دوره‌های دیکتاتوری) ممتاز می‌دارد: یکی کمی شخصیت و ناچیزی نمایندگان و دیگری اهمیت پول برای آنان است. از چند استثناء که بگذریم (استثناء‌هایی که در نتیجه عدم توانایی و با عدم تشخیص دولت روی داده است.) این مجلس را می‌توان مجلس اشخاص بی‌شخصیت و حقیر نامید. گویی تراز و مقیاسی درد ست گرفتند و هر که ذره شخصیت داشت برکنار نمودند [...] مجلس پانزدهم مجلس فرمانروایی پول است. در مجلس پانزدهم پول و پول فقط محرک تمام عملیات خواهد بود. حتی جاه‌طلبی که یکی از بلاهای مملکت ما است، در این مجلس محدود به چند نفر می‌باشد. [...]

۷۲

[مقاله] پرچم مبارزه ما همواره برافراشته است.

حزب ایران جاویدان خواهد ماند.^۱

پس از چند ماه تعطیل، روزنامه حزب ما [نبرد امروز، ارگان موقتی حزب ایران] دو مرتبه منتشر شد. به سکوت در خارج از حزب خاتمه داده می‌شود. صدای افراد وطن‌پرست و آزادی‌خواه حزب ایران که فقط مدتی در باشگاه‌های حزب بلند می‌شد، دو مرتبه در سراسر ایران طنین‌انداز می‌گردد. و باز هم مبارزه برای آزادی و استقلال ایران هدف اصلی ارگان ماست.

لابد از خود می‌پرسید چه شد که صدای نخبه جوانان وطن‌پرست ایرانی برای مدتی خاموش بود! چه شد در این روزهای پر از تشویش که

۱. همان، ش ۶۸۰، ۱۱/۱۱/۱۳۲۶ ص ۱ و ۴

در هر ساعت آن صفحه از سرنوشت ایران بر سنگ حوادث نقش می‌بست، جوانان آزادی‌خواه حزب ایران میدان را خالی گذاردند و در باشگاههای خود عقب‌نشینی کردند؟ کلمات وطن‌پرست، آزادی‌خواه، ایرانی، هر کدام به‌تنهایی جوابی برای این سؤال است. در محیطی که دشمنان ایران فرمانفرمایی می‌کنند، آزادی خواهی، گناه و وطن‌پرستی کفر محسوب می‌شود. روزنامه ارگان حزب ما به جرم اینکه ارگان یک عده جوانان وطن‌پرست و آزادی‌خواه ایران است، همیشه مورد خشم و غضب زمامداران وقت قرار می‌گرفت. توقیف‌های متوالی، به روزنامه‌های ما مهلتی نمی‌داد، که شهرتی پیدا کنند. از آگهی‌های دولتی که بزرگترین کمک مالی برای روزنامه است، ما را نصیبی نبود. در سال آخر انتشار روزنامه، بیشتر از ده مرتبه ارگان‌های حزبی توقیف شدند. جبهه، نبرد امروز، اخبار ایران، باستان، هر یک بیشتر از یکی دو ماه منتشر نشده، هر یک دو یا سه مرتبه دچار چنگال حکومت نظامی گردیدند. هیچ روزنامه‌ای نمی‌توانست بیش از چند ماه این مشکلات را تحمل نماید. فقط همت بلند رفقای حزبی ما باعث بود که در چهار سال فقط این چند ماه روزنامه تعطیل گردید. اکنون نیز که مجدداً روزنامه منتشر می‌شود، در نتیجه جوانمردی و بلندهمتی رفقای حزبی و عده‌ای از علاقمندان به حزب می‌باشد. رفقای حزبی تعهد کرده‌اند که هر کدام عده‌ای مشترک برای روزنامه تهیه کنند. اکنون که قسمتی از این تعهدات پرداخت شده است، هیات تحریریه با تشکر از رفقا، به انتشار روزنامه مبادرت می‌ورزد.

*

ولی برای اطلاع آن‌هایی که از وضع داخلی ما بی‌خبر هستند باید متذکر شد که اگر در خارج صدای ما خاموش بود در داخل حزب فعالیت بزرگی حکمفرمایی می‌کرد. عدم انتشار روزنامه کمترین تأثیر بر زندگی و رشد ما نداشته و این خود دلیل دیگری بر استحکام مبانی حزب ایران است. در

مملکتی که اکثر احزاب فقط از یک ارگان تشکیل می‌شوند، حزب ما شش ماه بدون روزنامه به کار خود ادامه داد. در این مدت یک جلسه سخنرانی حزب تعطیل نشد. حوزه‌ها چه در تهران و چه در شهرستان‌ها همچنان به کار خود ادامه دادند. تشکیلات حزبی منظم‌تر، بحث و انتقاد در مقابل اصول حزب دامن‌دارتر گردید. اگر آن‌ها که از حزب فقط تظاهر می‌خواهند، عدم انتشار روزنامه حزب ما را حمل بر ضعف نمودند، اکنون که دو مرتبه ما را قوی‌تر و متشکل‌تر می‌بینند به اشتباه خود پی خواهند برد. نه وقایع، نه اشخاص و نه وسایل تظاهر، در زندگی حزب ایران مؤثر نیست. حزب ایران متکی به افکار و احساسات یک عده از جوانان ایرانی است و از این جهت روز به روز در ترقی می‌باشد.

۷۳

[مقاله] تحولات سیاست داخلی ایران^۱

به قلم: احمد زیرک‌زاده
تا زمانی که حکومت ایران صورت مشروطه دارد، مجلس مرکز تحولات داخلی ایران خواهد بود. هرچه بر ایران می‌گذرد از ناحیه بهارستان است. هر چه در ایران واقع می‌شود، عکس‌العمل وقایع داخل بهارستان است. البته در دوران دیکتاتوری مرکزیت مجلس عنوان بیش نبوده و در زمان‌های هرج و مرج خیلی از وقایع بر مجلس تحمیل می‌شد و آنچه در مجلس روی می‌دهد، بیشتر عکس‌العمل نیروهای خارج از مجلس است. [...] اگر اصل کلی سیاست خارجی را کنار بگذاریم، مجلس پانزدهم ساخته زر و زور و رفاقت است. از چند نفر انگشت شمار

۱. همان، ش ۶۸۱، ۱۲/۱۱/۱۳۲۶ ص ۱ و ۴

که بگذریم، کسانی به مجلس آمدند که یا پول داشته و یا توانسته‌اند سر نیزه ارتش و یا مراحم جناب اشرف را به نفع خود استعمال نمایند. (البته مابین همین وکلاء ممکن است اشخاص خوب و به معنی نجیب و حقیقتاً مورد توجه اهالی موجود باشد. یحتمل اگر انتخابات آزاد بود عده‌ای از این آقایان [باز هم] به مجلس می‌آمدند.)

شاید این تعریف شامل اکثر دوره‌های مجلس ایران باشد. در همه دوره‌ها همین سه عامل نقش اصلی را بازی کرده [...] ولی مجلس پانزدهم دنباله مجلس چهاردهم و زاینده ایام فترت است [...] علاوه بر این سه دسته، در مجلس پانزدهم یک عده جوان تحصیل کرده و دانشمند موجود است که هنوز در طبقه حاکمه منحل نشده و شخصیت خود را محفوظ داشته‌اند. اگر اعمال نفوذ سر نیزه، اینقدر سست نبود. اگر به جای قوام‌السلطنه شخص دیگری نخست‌وزیر زمان فترت می‌بود، شاید وجود این عده در مجلس کمترین اثری نداشت. ولی اوضاع و احوال این دوره به خصوص که عده زیادی اشخاص ضعیف را به مجلس کشانیده، باعث است که روشنفکران مجلس با وجود اینکه عده‌شان خیلی کم است، معهذاً می‌توانند رل مهمی را بازی کنند. [...] حتی می‌توان گفت که کابینه حکیمی غیر مترقبه بود و اگر ترس از حکومت دکتر مصدق نبود، شاید نه آقای حکیمی بر سرکار می‌آمد و نه می‌توانست چنین کابینه‌ای تشکیل دهد. البته ما نمی‌خواهیم کابینه حکیمی را کابینه خوب برای ایران معرفی کنیم، بلکه می‌خواهیم بگوییم کابینه حکیمی بهترین کابینه‌ای است که این مجلس می‌تواند به ایران بدهد. اکنون سیاست خارجی را به کنار بگذاریم. اکثر اعضاء کابینه حکیمی اشخاصی هستند که در قبال منافع شخصی خود کمتر بوده و لااقل حاضر نیستند برای نفع جزئی خود، ضررهای بزرگی به مملکت بزنند. از دزدی‌ها و سوء استفاده‌ها کاسته خواهد شد و اگر عمل مفیدی انجام نگیرد، عمل‌های خطرناک نیز انجام نخواهد گرفت.

ولی پس از این کابینه، باندهای خطرناک بر سر کار خواهند آمد. از هم اکنون زمینه برای بعضی از این دسته‌ها دارد فراهم می‌شود. مگر اینکه طبقه جوان و روشنفکر مجلس بتواند افراد خوب مجلس را متوجه سازد و در هر صورت از سرکار آمدن اشخاص ناپاک و نادرست جلوگیری شود. شاید بدین ترتیب می‌توان لاقلاً از حدت فساد دولت‌های آینده کاست. در هر صورت قیافه مجلس پانزدهم نشان می‌دهد که در این دوران قدمی برای اصلاح مملکت برداشته نخواهد شد. کار مفید و مخصوصاً کارهای دامنه‌دار انجام‌پذیر نیست. مگر اینکه سیاست خارجی، ایران را در راههای دیگری و به منظور انجام نقشه‌های خود بکشاند، در این صورت دوران فعالیت خواهد رسید ولی اگر چنین [حالتی] باشد همان بهتر که کاری انجام نگیرد.

۷۴

[مقاله] به مناسبت جشن استقلال دانشگاه^۱

خطاب به دانشجویان

دانشجویان عزیز، چون امروز جشن شماست می‌خواهم چند کلمه با شما صحبت کنم [...] تاریخ نشان می‌دهد که ملت‌های زنده همیشه بعد از شکست، نیروی بیشتری پیدا می‌کنند. شما هم از بدبختی‌های کنونی، از ضعف و زبونی امروز استفاده خواهید کرد، به شرط اینکه از مصائب خود درس عبرت بگیرید و مردانه مصمم شوید نواقص خود را اصلاح نمایید. اگر امیدوار باشید و کوشش بکنید یقیناً به نجات میهن عزیز موفق خواهید شد.

۱. همان، ش ۶۸۵، ۱۶/۱۱/۱۳۲۶ ص ۱ و ۴

بگذرد این روزگار تلخ‌تر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آید
صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید

[...] این‌ها دروغ می‌گویند، این‌ها هم دشمن ایران هستند و هم دشمن آزادی. این‌ها فقط به فکر حفظ منافع پلید خود و اربابان خود می‌باشند. با مشت به دهان این‌ها بکوبید، و مردانه برای بدست آوردن آزادی مبارزه نمایید. زیرا تا ایران آزاد نشود واقعاً بزرگ نخواهد شد. زیرا تا آدمی آزاد نباشد، خوشبخت نخواهد بود و تا خوشبخت نباشد به مملکتی که در آن زندگی می‌کند چنانچه باید و شاید علاقه نخواهد داشت و در عظمت و اعتلای آن نخواهد کوشید. دانشجویان عزیز، برای آزادی ایران مبارزه کنید.

۷۵

مقاله: چیزی که بفکر آن نیستیم^۱

نوشته: مهندس بازرگان

رئیس دانشکده فنی

مالیات عمومی: به همین منوال است وضع کارهای عام‌المنفعه عمومی که از محل عوارض و مالیات باید تأمین شود مانند ایجاد قنوت، اسفالت خیابان‌ها، تأسیس مریض‌خانه و بیمارستان و غیره. وقتی بنا باشد روی یک خیابان یک کیلومتری فقط روزی صد نفر آمد و رفت نمایند و مخارج اسفالت آن خیابان را همان صد نفر بدهند، به هر یک مثلاً ۸۰۰ تومان می‌افتد و احتمال بسیار قوی دارد که از چنین لوکسی صرف‌نظر نمایند. اما اگر جمعیت محلی یعنی استفاده‌کنندگان از آن خیابان صد هزار نفر باشد

۱. همان، ش ۷۲۳، ۱۷/۱/۱۳۲۷ ص ۱ و ۳ بخش اول این مقاله در دسترس نبود.

سهمیه هر یک فقط ۰/۰۸ ریال خواهد شد و احتمال کلی دارد که هر قدر هم مردم بی سابقه و مرتجمی باشند، از این خرج دریغ ننمایند. سایر تأسیسات بزرگ عام‌المنفعه نیز در جمعیت‌های کثیر از این رو عملی‌تر در می‌آید تا در اجتماعات ضعیف.

علوم و فضائل: نه تنها امور مادی و صوری جامعه تابع جمعیت است بلکه فضائل معنوی نیز در سایه جمعیت تأمین می‌شود. [...] شرط پیدایش و حافظ دانشگاه صحیح که عالیترین مؤسسه تحقق و تتبع باشد، باز جمعیت فراوان می‌باشد.

تربیت صوری و معنوی: آداب اجتماعی و تربیت اخلاق نیز در دنیا از روی طرح تدوین شده است که جمعیت‌های بزرگ گردهم درآمده‌اند و افراد برای حفظ نفس و اطمینان بر حسن انجام مبادلات فی‌مابین ناچار تن به قبول مقررات و قیودی داده‌اند. البته هر قدر جمعیت بیشتر باشد علاتمندان و مدافعین نظم عمومی بیشتر می‌شود [...]

آزادی و دموکراسی: در دنیای امروز در بسیاری از ممالک رژیم‌های صد درصد دموکراسی برقرار است و تمایلات عمومی بر امور حکومت می‌کند. در کشورهای دیگر نیز اگر اجتماع بکار مستقیم و از راه رای و انتخاب دخالت در اوضاع ننماید، نظر او خواه ناخواه متبع است. ضامن اجرای قوانین، خود اجتماع است. حال اجتماع هر قدر ضعیف‌تر یعنی به تعداد قلیل‌تر و متفرق‌تر باشد قدرت آن در مقابل طبقه حاکم کمتر خواهد بود. در ممالکی که مثل ایران [اجتماع] هنوز اختیارات را بدست نگرفته است و به گفته حزب ایران یک اقلیت فاسدینام هیات حاکمه مردم را لگدمال می‌کند، مبارزه وجود دارد. مبارزه یک دسته قلیل که وارث ثروت و قدرت هستند و یک دسته کثیر که نام ملت یا توده را دارند. این دسته می‌گویند چون ما بیشتریم پس باید ما صاحب اختیار باشیم و حقوق ما باید حفظ شود [...]

قدرت نظامی: از قدرت نظامی کشور و ارتباط آن با جمعیت چیزی نمی‌گویم این نکته را بقدر کافی همه کس می‌دانند که [...] برای کشور لازم‌تر از توپ و هواپیما، فرزندان جدیدالولاده است.

مبارزه با فساد: [...] وقتی اجتماع کوچکتر می‌شود مردم در مقابل دزدها زیون‌تر هستند. اگر در دنیا وسایل و تدابیری در مقابل دزد و راهزن و مرض و قحطی و سیل و هر گونه بلایای طبیعی و شری برانگیخته شده است، باز هم مدیون جمعیت می‌باشد. این حقیقت نه تنها در حمایت از دزدی و آدم‌کشی صادق است، بلکه به‌طور کلی جمعیت به‌خودی خود یک حربه صلاح و آلت مؤثر مبارزه با فساد است [...] بنابراین مسئله مبارزه با فساد که اینقدر در نظر حزب ایران و هر ایرانی روشندل عزیز است، با تکثیر نفوس راه حل عملی پیدا می‌کند [...]

«ادامه دارد»^۱

۷۶

اولین کنگره حزب ایران، خلاصه مذاکرات و تصمیمات^۲

برحسب پیشنهاد رفقای حزبی از این شماره خلاصه جریان مذاکرات اولین کنگره حزب که از تاریخ ۲۵ فروردین تا ۴ اردیبهشت ۱۳۲۷ تشکیل [شده] بود را به طوری که منشیان کنگره یادداشت کرده‌اند، در روزنامه جبهه درج می‌شود.

اولین جلسه کنگره مرکب از نمایندگان رشت و گرگان و بجنورد و شاهرود و دامغان و مشهد و در جزو اصفهان و تهران و کنگاور در ساعت

۱. ادامه این مقاله ظاهراً هیچ‌گاه چاپ یا لااقل در شماره‌های بعدی چاپ نشد.

۲. روزنامه جبهه، ش ۳۴۹، ۲/۲۶/۱۳۲۷ ص ۱ و ۴

۶ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ فروردین در تالار سخنرانی حزب با حضور عده کثیری از افراد حزب تشکیل گردید. جناب آقای اللهیار صالح رئیس کمیته مرکزی و نماینده تهران اولین جلسه کنگره را افتتاح کردند. سپس آقای صدیق به ریاست سنی و آقای موسوی به سمت منشی موقت انتخاب گردیدند. پس از تصویب برنامه عمل کنگره، جهت تعیین هیات رئیسه موقت که جلسات کنگره را هنگام طرح اعتبارنامه‌ها اداره نماید، اخذ رای به عمل آمد و بالنتیجه جناب آقای صالح به ریاست و آقای توسلی به سمت منشی انتخاب شدند. اعتبارنامه‌های نماینده‌های کنگره مطرح گردید. پس از بحث مفصل درباره گزارش‌های کمیسیون تشکیل کنگره و اعتراضاتی که به اعتبارنامه بعضی نمایندگان شده بود، اعتبارنامه‌های نمایندگان درگز، مشهد، رشت، کنگاور، اصفهان، شاهرود، دامغان، گرگان و تهران تصویب گردید. جلسه در ساعت ۱۱ شب به عنوان نفس تعطیل و به ساعت ۹ صبح فردا موقوف گردید.

دومین جلسه کنگره در تاریخ ۲۶/۱/۲۷ ساعت ۹ صبح به ریاست آقای صالح تشکیل گردید و انتخاب هیات رئیسه دائمی به عمل آمد. در نتیجه جناب آقای اللهیار صالح نماینده تهران به ریاست و آقای عباس صدیق نماینده مشهد به نیابت ریاست و آقایان مهندس محمد توسلی نماینده کنگاور و مهندس صمیمی نماینده تهران به سمت منشی انتخاب گردیدند. سپس آقای رئیس انتخاب دو کمیسیون جهت مطالعه و تدوین اساسنامه و خط مشی را مطرح نمودند. در نتیجه آقایان: محمدپور سرتیپ، مهندس بیانی، نوزاد، دکتر عالمی و ثنایی به عضویت کمیسیون اساسنامه و آقایان اللهیار صالح، مهندس پایور، فرجاد، مهندس موحد، قاسمی، مهندس احمد زیرک‌زاده و موسوی به عضویت کمیسیون خط مشی انتخاب گردیدند. [در ادامه جلسه] آقای مهندس احمد زیرک‌زاده دبیر کمیته مرکزی حزب گزارش عملیات گذشته کمیته را به

عرض کنگره رسانیدند. ساعت ۱/۵ بعد از ظهر گزارش کمیته پایان پذیرفته و بنا به پیشنهاد آقای فرجاد نماینده رشت مقرر گردید که اعضای کمیته مرکزی برای بحث در اطراف کمیته و استماع انتقادات نمایندگان در کنگره حضور به هم رسانند، چون پیشنهاد منفی رسیده بود و مخالفی نبود جلسه ختم و به ساعت ۶ بعد از ظهر موکول گردید.

خلاصه سخنرانی آقای مهندس احمدزیرک زاده دبیر حزب راجع به گزارش کمیته مرکزی^۱

چون این اولین کنگره و در نتیجه این گزارش اولین گزارش رسمی کمیته مرکزی می باشد، بالاجبار باید خیلی به عقب برویم و از روز تشکیل حزب صحبت کنیم.

افراد رسمی حزب ایران را کم و بیش می شناسید، این ها هیچ کدام مردم هوچی نبوده اند. هیچ کدام فعالیت حزبی را وسیله کسب شهرت و مادیات نکرده اند. یک عده مهندس، یک عده دکتر، یک عده جوان کاری که هر کدام اطمینان کامل به علم و کار و قابلیت خود داشتند، باید عواملی به میان بیاید که داخل در فعالیت سیاسی بشوند. اوضاع خراب مملکت آن ها را ناراضی می داشت. در دنبال چاره و علاج بودند. ولی مشاهده اوضاع مملکت و مشکلات بزرگ سیاست خارجی و داخلی و مخصوصاً نگرانی زیاد در فراهم شدن وسایل رشد اجتماعی ملت ایران اغلب آن ها را نسبت به نتایج فعالیت حزبی مشکوک می کرد. در مقابل موانع و مشکلات باید وسیله کار داشت. دشمنان ملت ایران معلوم و قدرشان مشخص بود. وسیله کار تجمع ملت ایران است ولی نسبت به سایر این وسیله شک و تردید بسیار در میان بود. اعتصاب کانون مهندسين و انتخابات دوره چهاردهم تأثیر اخلاقی عمیقی داشت. از این اعتصابات که

۱. همان، ش ۳۵۳، ۴/۳/۱۳۲۷، ص ۱ و ۲

حقاً و انصافاً بزرگترین تظاهرات طبقه روشنفکر ایران است، چنان از خودگذشتگی و حمیتی مشاهده شد که خیلی‌ها را امیدوار ساخت. از یک طرف معلوم شد که مردم ایران را می‌شود جمع کرد. از طرف دیگر طرز افتتاح اعتصاب ثابت کرد برای مبارزه‌های اجتماعی، جمعیت صنفی مانند کانون مهندسين مؤثر نیست و باید وسیله کلی یعنی حزب را به کار برد. فکر تشکیل حزب از همین جا در مغز آن‌هایی که چند ماه بعد مؤسسين اولیه حزب ایران خواهند شد، ایجاد گشت. انتخابات دوره چهاردهم و انتخابات یک عده اشخاص به صرف شهرت و وجهه عمومی آن‌ها موجب تکان آخري و تصمیم قطعی شد. از فرای انتخابات چند نفر دنبال تشکیل حزب رفتند. اگر به قیافه مؤسسين در روز اول تشکیل حزب نگاه کنید صحت این استدلال واضح می‌شود. مؤسسين حزب آن‌هایی هستند که در اعتصاب کانون مهندسين فعالیت کرده (چه مهندس و چه استاد دانشگاه) به علاوه آن‌هایی که در انتخابات دوره چهاردهم فعالیت نموده بودند. همانطوری که عرض کردم این دسته از مردم حزب را برای ایجاد شهرت و یا برای ترقی و تعالی خود نمی‌خواستند، چه اغلب از شخصیت‌های علمی و فنی مملکت بودند و به ترقی و آینده خود از راه کار و زحمت امیدواری داشتند. از این جهت پنج سال تمام با همه مشکلات و تمام زحمات حزب را سرپا نگاه داشتند. حزبی که خارج و داخل با او مخالف بوده و بنیه مالی [آن] بسیار ضعیف بود. حزبی که مراسم به‌خودی خود در مقابل تمام قدرت‌ها نگاهش می‌داشت. پنج سال با کار خود، با پول خود با شهرت خود چنین حزبی را سرپا نگاه داشتند و دیشب یک اسم بزرگ را با سرافرازی به شما تحویل دادند.

آن‌هایی که به مشکلات واقف هستند، آن‌هایی که از زیر کرسی و از پشت میز صحبت نکرده و در میدان فعالیت بوده‌اند. به شما خواهند گفت که هیات مؤسس حزب ایران اعجاز کرده است. باری حزب ایران مطابق

مرامی که آقایان می‌دانند و اساسنامه‌ای که در میان است، تشکیل گردید. نامش را ایران نهادند و مرامش را سوسیالیست خواندند. چند ماه اول عموماً به زحمت گذشت. و البته حسن نیت، کمک مالی و کمک اخلاقی هیات مؤسس همیشه همراه ما بوده است و به وسیله آن‌ها است که کمیته‌های مختلف حزب توانسته‌اند بار حزب را به منزل برسانند. ولی علاوه بر این‌ها کار دائم و مرتب برای حزب لازم است. متأسفانه وضع مالی ما همیشه خراب بوده است. از این جهت از نقطه نظر کار همیشه در زحمت بوده‌ایم. مخصوصاً اوائل کارمان خیلی سخت بود. ولی اوضاع مملکت در تغییر بود و دو عامل جدید به نفع ما کار می‌کرد. یکی اینکه رفته رفته به طور کلی حزب در مملکت قدرتی شده بود، حزب فقط بار دوش و بار بودجه نبود. حزب می‌توانست کمک کند. حزب می‌توانست به درد ما رسیدگی کند و احقاق حق کند. از طرف دیگر روزی رسید که هر فرد ایرانی (لااقل در تهران) مثل اینکه خود را موظف می‌دانست در حزبی نام‌نویسی کند، از این جهت به طور ناگهانی عده زیادی به حزب ما هجوم آوردند.

این‌ها سه دسته کاملاً متمایز بودند. اول آن‌هایی که برای نان و آب می‌آمدند. اسمی می‌نوشتند و تقاضایی می‌کردند. دوم آن‌هایی که چون حزب مد شده بود تصمیم به رفتن در حزبی را می‌گرفتند. آشنایی و اتفاق آن‌ها را به حزب ایران کشانده بود. بالاخره آن‌هایی که با چشم باز با مطالعه و تطبیق مرامنامه‌ها، حزب ایران را انتخاب کردند. اولی‌ها را بزودی از دست دادیم. سومی‌ها و عده زیادی از دومی‌ها برای ما ماندند. این هجوم ناگهانی تغییرات زیادی در حزب ما داشت، تشکیلات کوچک ما را یک دفعه درهم و برهم کرد. بودجه ما را که تا آن موقع مرتب و منظم بود، مختل ساخت. اگر به دفاتر حسابداری مراجعه کنید می‌بینید که از اوایل تشکیل حزب تا اواسط سال گذشته درآمد حزبی تغییر زیادی

نکرده است. در صورتی که آمار افراد قوس‌های سعودی عجیبی را پیموده و مخارج چندین برابر شده است. باری مدت دو سال وضع بودجه و تشکیلات ما درهم بود و فقط جدیت و فداکاری عده خیلی محدودی مانع شد که ما ورشکست یا متلاشی گردیم. تا سال گذشته که نظم و ترتیب کاملی به میان آمده و خطرات ناچیز شد. عملیات حزب را در این مدت می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود:

۱. عملیات عقیدتی و مرام

۲. عملیات سیاسی

۱. عملیات عقیدتی و مرامی که به صورت مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌ها منتشر شده است. این عملیات مرام حزب را تثبیت نمود. سیاست استقلال ما را کاملاً روشن ساخت. سوسیالیزم حزب را تثبیت و شعارهای ما را (برای ایران، با فکر ایرانی، به دست ایرانی) معلوم کرد. در این مدت ما توانستیم وضعیت سیاسی خود را کاملاً روشن کنیم. سیاست استقلال را تعریف کردیم و عملیات ما نشان داد که در آنچه می‌گوییم، صادق هستیم. در زمان حکومت ساعد بیانیه راجع به نفت منتشر کردیم. کمیسیون سه جانبه که در زمان کابینه دوم آقای حکیمی مطرح شد، اول مرتبه به وسیله روزنامه ما مورد حمله قرار گرفت. وکلای عضو حزب با فعالیت بی‌مانندی از پیشرفت آن فکر خطرناک جلوگیری کردند و بدون شک در رفع این خطر مرهون حزب ایران و وکلای حزبی هستیم. ما همیشه با سیاست یک‌جانبه مخالفت کرده‌ایم و وجود روابط حسنه با همسایه شمالی را خواستار بودیم. از این جهت با هر عملی که نفعی برای ایران نداشته و [موجب] تیرگی روابط ایران با شوروی‌ها می‌شده است، مخالفت کردیم. ولی چون پای منافع ایران در میان می‌آمد توجهی به عکس‌العمل خارجی نداشتیم. همچنانکه به عدم تخلیه ایران شدیداً اعتراض نمودیم و اخیراً نیز درباره مقابله‌نامه نفت بیانیه منتشر ساختیم و

نشان دادیم که ما حسن روابط با شوروی را از نظر منافع ایران خواستاریم. نه اینکه منافع ایران را فدای حسن رابطه با همسایگان خود نماییم. حزب ایران خواهان حکومت دموکراتیک است. پنج سال روزنامه حزبی ما برای این عقیده مبارزه کرده است. و نشر [مقالات] مربوط به دموکراسی و استقلال، دلائل اصلی ما را تثبیت نموده است.

حزب ایران تنها حزبی است که عقاید فلسفی و اجتماعی مستقل دارد. خدمتگزاران حزب ایران در عین احاطه و اطلاع کامل به عقاید سیاسی و فلسفی داخل و خارج ایران، از هیچ عقیده و مسلکی تقلید نکرده و برای اصلاح اوضاع اجتماعی ایران اصول خاصی تنظیم کرده‌اند.

ما تا به حال از هر مناظره و مصاحبه‌ای که متوجه حزب ایران بوده است، پیروز و سربلند بیرون آمده‌ایم. کنفرانس‌های بحث و انتقادهای هفتگی، محاورات تبلیغاتی و مقالات اساسی، همگی بر شخصیت ممتاز معنوی و عقلی حزب ایران دلالت تام و تمام دارد.

سپس دبیر حزب ایران به شرح عملیات سیاسی حزب از ابتدای دوره چهاردهم تقنینیه پرداخت و یک‌یک وقایع را تحلیل و تشریح و توجیه کرد. مدت ۶ روز مذاکرات له و علیه و انتقادات شدید و مدافعات گرم نمایندگان راجع به گزارش دبیر حزب به طول انجامید که به لحاظ اجتناب از اطاله تحریر از ذکر آن صرف نظر می‌شود. ولی صورت تفضیلی مذاکرات در آرشیو مربوط به کنگره حزب بایگانی است و اعضاء حزب در صورت لزوم می‌توانند به آن رجوع کنند.

جریان سومین جلسه کنگره حزبی^۱

سومین جلسه کنگره به ریاست آقای اللهیار صالح در تاریخ ۲۶/۱/۲۷ در ساعت ۶ بعد از ظهر تشکیل گردید. دستور جلسه، بحث و انتقاد در

۱. همان، ش ۳۵۴، ۱۳۲۷/۳/۶، ص ۱ و ۲ و ۳

اطراف گزارش کمیته مرکزی بود. آقای مهندس پایور پشت تریبون رفته به عنوان مخالف اظهار داشتند تاکنون به غیر از اعضاء مؤسس به دیگران اجازه فعالیت و قبول مسئولیت داده نشده است. وی معتقد بودند شرط عضویت در کمیته مرکزی تنها داشتن دیپلم نباید باشد. وی روش مخالفت آمیز روزنامه ارگان مرکزی را مورد ملامت قرار داده و گفتند باید طبقه حاکمه برای ما روشن شود. در عین حالی که فداکاری‌های بعضی از افراد کمیته مرکزی را ستودند، به عدم فعالیت و روش کج‌دار و مریض کمیته نسبت به هیات حاکمه شدیداً حمله نمودند و در مورد ائتلاف گفتند: تعجب می‌کنم در حالی که اکثریت اعضای حزب مخالف این امر بودند چگونه اقلیت توانست عقیده خود را تحمیل کند. او در مورد تشکیل کادر سیاسی از رجال ورزیده حزب بیاناتی ایراد نمودند. در مورد شهرستان‌ها اظهار داشتند ما حزب را برای تمام ایران می‌خواهیم. تاکنون به شهرستان‌ها توجه کافی نشده و گفتند: حزب باید خود را به دولت و مردم بشناساند و نظریه ما نسبت به طبقات روشن شود.

پس از ایشان آقای امین شهیدی پشت تریبون رفتند و پس از ذکر مقدمه اظهار داشتند: وضع بحرانی امروز و فشاری که بر آزادی خواهان وارد می‌شود برکسی پوشیده نیست. وظیفه افراد حزب آن است که بیش از پیش با یکدیگر همکاری نموده و نگذاریم که باز چنگال بی‌رحم دیکتاتوری به حلقوم ما برسد. امروز ما برای این جمع شده‌ایم که از گذشته عبرت بگیریم و راه درستی در پیش بگیریم تا به هدف برسیم. از آنجا که هیچ کس معصوم از خطا نیست و اصولاً بشر جایز الخطاست، در گذشته اشتباهاتی شده که تذکر آن بدان جهت ضروری است که در آینده تکرار نشود. [ایشان] سپس فداکاری افراد مؤسس حزب را ستوده و اظهار داشتند: اگر اینان در راه مقدس هدف خود از مقام و شخصیت خود گذشتند، متی بر حزب ندارند. زیرا آن کس که در حزب مقدس ایران نام

نوشت، جان بر کف، برای سعادت ایرانی آماده تلاش شده است. اگر فردی در راه پیشرفت مرام حتی جان خود را از دست داد، وظیفه خود را انجام داده است. ولی چون در این کشور انجام وظیفه غیرعادی است و امر غیرعادی از خودگذشتگی می‌خواهد، از این لحاظ قابل توصیف و تمجید است، زیرا افراد کمیاب می‌باشند. شکی نیست اگر افراد برجسته این حزب یک ایرانی حقیقی و صالح نبودند از یک نفر میلیونر آمریکایی بیشتر ثروت داشتند.

وی سپس به انتقاد از تشکیلات پرداخت و گفتند: اگر وضع مالی حزب خوب نبوده و اگر افراد مرتب ماهیانه‌های خود را نمی‌پرداختند، برای این بوده است که کانون‌های مالی و سازمان خوب انجام وظیفه نمی‌نموده. تقصیر متوجه افراد نیست. زیرا برای ملت فقیر ایرانی پول با جان بستگی دارد. در مورد ائتلاف هم انتقاداتی نموده و به گزارش کمیته اشاره نموده و اظهار داشتند این امر واضح است که طبقه حاکمه که سبب اصلی بدبختی ماست باید ما را از پیشروی بازدارد، زیرا مانع اجرای تمایلات آن‌ها می‌باشیم، ولی نباید فراموش کرد که برای این جمع شده‌ایم که با همین اشخاص مبارزه کنیم. چه خوب بود که برای روشن شدن افکار عمومی تمام جریان ائتلاف و خلل آن را به صورت رساله منتشر می‌کردید. تا ذهن مردم را روشن و این بدبینی که سراسر ایران را نسبت به حزب مقدس و وطن‌پرست ما گرفته، از بین می‌رفت. آنجا که از استعفای بعضی افراد صحبت فرمودید [و گفتید] که جرئت نداشتند و استعفا دادند. درود بر شما ای رفقای مبارز رشت و درگز و بجنورد و کنگاور که برای خاطر ایران از همه نیرو دست شستید. زندانها، تبعیدها را با کمال افتخار و گشاده‌رویی تحمل کردید. خانماتان را به باد دادید. جان شیرین خود را فدا نمودید، تحمل نمودید که پوست صورت شما را دشمن با دشنه اجنبی بکند. تا حزب ایران دارای این افراد مبارز و از جان

گذشته است، پرچمش در اهتزاز و پیشرفتش حتمی است. شما می‌فرمایید ائتلاف جز یک عمل بر روی کاغذ چیز دیگری نبود. از چنین تاکتیکی که هیچ فایده‌ای نداشت و ما را بدنام کرد، زهی افتخار تاکتیک!! شما می‌فرمایید جوانمردی و گذشت باید داشت، همین گذشت‌ها و همین اغماض‌ها ما را به این روزگار سیاه و تیره انداخت، ما تصمیم گرفته‌ایم که گذشت و اغماض را کنار بگذاریم و بر علیه هرگونه خرابکاری مبارزه کنیم.

من منکر اعمال مثبت حزب در گذشته از قبیل مخالفت با کمیسیون سه جانبه و انتشار بیانیه نفت و غیره نیستم. اما این اعمال برای یک حزب مثل حزب مقدس ایران کافی نیست. باید تلاش کرد تا به مقصود نهایی رسید. من حتم دارم آن روزها، این قدرها که دیگران تصور می‌کنند، دور نیست، پاینده ایران.

سپس آقای ناصر موسوی رشته سخن را به دست گرفته و گفتند: گزارش کمیته به عقیده من ناقص است. زیرا گزارش‌های کانون‌های حزب در آن به طور تفکیک قید نشده است. [ایشان] معتقد بودند حزب ایران خود را تاکنون آن‌طوری که باید، معرفی نکرده است و آن‌که دشمن ندارد ناچار گمنام خواهد ماند. از روش گذشته نسبت به عدم رسیدگی به شهرستان‌ها شکایت کردند و شماره‌هایی از روزنامه‌ها را که در بعضی مقالات آن‌ها تناقضاتی وجود داشت، شاهد آوردند. سپس راجع به ائتلاف اظهار داشتند عمل بسیار بزرگ و مهمی بود، ولی اشتباه بود.

پس از ایشان، مهندس زیرک‌زاده شروع به صحبت کرده و گفتند جز مقداری از بیانات آقای موسوی و آقای امین شهیدی، بیشتر صحبت‌ها خارج از موضوع گزارش کمیته بوده است. [ایشان] اظهار داشتند مقامات حزب در اختیار عده معدود نبوده است و در هیات مؤسس بنا به استعداد و فعالیت خود پذیرفته شده‌اند. راجع به روزنامه گفتند مقالاتی که آقای

موسوی به آن‌ها اشاره کردند بعضی ترجمه بوده و [هدف از] آن انتشار افکار ضد و نقیض دیگران است و اگر می‌خواستید تعداد بیشتری از این نوع مقالات را می‌توانستید بیابید. و اظهار داشتند اغلب مقالات از شهرستان‌ها رسیده و برعلیه هیات حاکمه هم بوده است و با نام و نشان چاپ شده‌اند، ولی بسیاری از مقالات می‌رسید که در عین شدت و تندی نام «امضاء محفوظ» داشتند. به طور کلی آقای زیرک‌زاده عدم ارجاع کار از سوی کمیته مرکزی به افراد حزبی را معلول عدم فعالیت افراد دانسته. سپس آقای نوزاد نماینده رشت نیز شرحی انتقادی از گزارش کمیته اظهار داشتند. وی معتقد بودند که کمیته مرکزی باید از افراد فعالیت شدید بخواهد.

پس از ایشان آقای محمودی بیانات مفصلی ایراد نمودند و علت اصلی ائتلاف را به نحوی توجیه کردند که سبب تشنج جلسه گردید. جلسه در ساعت ۹/۵ بعد از ظهر ختم و به صبح جمع ۲۷/۱/۲۷ ساعت ۹ موکول گردید.

چهارمین جلسه کنگره حزبی در ساعت ۹/۵ صبح روز جمع ۲۷/۱/۲۷ به ریاست آقای اللهیار صالح تشکیل گردید. ایشان صندلی ریاست را به آقای نایب‌رئیس واگذار و خود پشت تریبون قرار گرفته و شروع به صحبت نمودند. ابتدا اشاره به آقای محمودی نموده و اظهار داشتند من هم به شما تاسی نموده و به خدا توکل می‌کنم و از خدا می‌خواهم مرا بر [گفتن] آنچه در دل دارم، توفیق عنایت فرماید تا بر زبان جاری سازم. سپس شمه‌ای از گذشته زندگی شخصی خود بیان داشتند. و اظهار نمودند از جریان چند جلسه کنگره استنباط کردم حزب ایران به آن درجه از رشد سیاسی رسیده است و این امر باعث خشنودی من است. از سایر آقایان خواستم که انتقادات را با صبر و تحمل گوش کنند و اظهار عصبانیت ننمایند. زیرا این امر طبیعی است و در تمام مجامع و جلسات

چه بسا انتقادات شدید و کلمات تندى رد و بدل مى‌شود و آقایان نباید تحت تأثیر احساسات قرار گیرند. و سپس اظهار نمودند ما هنوز الفبای مشروطیت را به درستی فرانگرفته‌ایم. و این حرف [در] ابتدای مشروطیت [مبنی بر اینکه] «حزب باشد در ایران»، دچار مشکلات زیادی است و فداکاری بسیار مى‌خواهد. من به نوبه خود حاضرم جان خود را در راه حزب فدا کنم. (کف‌زدن شدید حضار) و نیز آقای زیرک‌زاده را مثل آورده و گفتند: ایشان دانشمند کم‌نظیری هستند. در حالی که در این مملکت نالایق‌ها پست‌های حساس دارند، ایشان زندگى محقرانه خود را شرافتمندانه ادامه مى‌دهد. (صحیح است، صحیح است) و در مورد مقام سلطنت فرمودند، حزب ایران به قانون اساسی احترام مى‌گذارد و اگر همین قانون اساسی درست اجرا شود، خیلی از مشکلات ملت رفع خواهد شد. ما به پیروی از قانون اساسی برای مقام سلطنت احترام زیادی قائلیم. ولی در عین حال در کمال صراحت مى‌گویم که هرگاه از قانون اساسی قدمی فراتر نهاده شود، مورد انتقاد شدید ما قرار خواهد گرفت. [ایشان] در مورد ائتلاف بیانات مفصلی کرده و گفتند: در این مورد آنچه مى‌گویم از طرف شخص خودم خواهد بود، نه به نمایندگى کمیته مرکزی. من معتقد بودم که برای نجات ملت ایران از بدبختی، با ملاحظه فساد طبقه حاکمه و نفوذهای عمیق بیگانگان، باید با احزاب دیگر همکاری کرد. من مى‌دانستم در این باره ضررهای بزرگ اجتماعى و خانوادگى خواهم خورد. ولی مصلحت مملکت و حزب ایران را در این کار مى‌دانستم. من همیشه یک سوسیالیست واقعی بوده و خواهم بود. ولی کمونیست نیستم و وطن خود را شرافتمندانه مى‌پرستم. علت اینکه از بین احزاب موجود ایران، عضویت حزب ایران را پذیرفتم، همین هماهنگى عقیده است. من در کمال حسن نیت معتقد به ائتلاف بودم. در آن هنگام عده دیگری نیز در حزب با من هم عقیده بودند و برخلاف آنچه

که آقای پایور گفتند طبق صورت جلسات موجوده در کمیته مرکزی هرگز در این مورد اقلیتی عقیده خود را بر اکثریتی تحمیل نکرده است. در مورد فرقه آذربایجان گفتند: ما نمایندگان آذربایجان را حاضر کردیم که صحبت از خودمختاری و ملت آذربایجان نکنند و [به آنها گفتیم] اگر واقعاً آزادی و اصلاحات می‌خواهید برای تمام ایران بخواهید و همین تذکرات مصرانه و پی‌درپی ما بود که در روش آنها تعدیلی ایجاد کرد. در یک جلسه رسمی دکتر جاوید در حالی که اشک از دیدگانش می‌ریخت بلند شد و اظهار کرد که ما به قرآن مجید سوگند یاد کرده‌ایم که برای استقلال و آزادی ایران فداکاری کنیم. اگر اینجانب جملاتی در موقعی که نمایندگان آذربایجانی مهمان ما بوده‌اند، اظهار کرده‌ام که مورد استفاده دشمنان و مخالفین ما بوده است، در تحت تأثیر این جریان بوده است. ولی بعداً اوضاع برخلاف آنچه را که پیش‌بینی می‌کردیم، نشان داد و من به اشتباه بزرگ خود پی بردم. من به رفقای حزبی خودم پیشنهاد کردم که صالح را به نام مسبب اصلی ائتلاف طی اعلامیه رسمی از حزب خارج کنند. من معتقد بودم که اشتباه، مجازات لازم دارد. برای بقای حزب ایران قربانی را لازم می‌دانستم و خود را پیشنهاد کردم. فرانسه مارشال بزرگ خود بتن را برای حفظ حیثیت خود قربانی کرد و برای حزب ایران چنین قربانی لازم بود. ولی رفقای حزبی من پیشنهاد من را نپذیرفتند.

ایشان در پایان نطق پر هیجان و مؤثر خود که سکوتی احترام‌آمیز بر جلسه پر ابهت کنگره مستولی کرده بود، اظهار امیدواری کردند که نتیجه اولین کنگره حزب طوری باشد که حزب ایران را بیش از پیش به طرف ترقی و تعالی سوق دهد و در ضمن کف زدن شدید و قیام نمایندگان، نطق خود را پایان دادند.

پس از ایشان مهندس موحد اظهار داشتند با اینکه حزب ایران تاکنون

بهترین مرام‌ها را داشته است، بهترین روش‌ها را نداشته است. ایشان گزارش کمیته مرکزی را ناقص دانستند و در مورد شهرستان‌هایی که شعبه حزب در آن‌ها بوده و به عللی منحل شده‌اند، توضیحاتی خواستند. ایشان معتقد بودند که هنوز مرام حزب ایران را درست نشناخته‌اند و در این راه کوشش کافی مبذول نشده است و در مورد ائتلاف اظهار داشتند که در حین ائتلاف در اثر عدم فعالیت کمیته مرکزی و فشار بی‌حد و حصر مؤتلف ما در بنگاه راه آهن، عده زیادی از رفقای ما در حالی که قلبشان به حزب ایران پیوسته بود، از ما جدا شدند. این فشارها و اعمال ناجوانمردانه که با روح ائتلاف ناسازگار بود، آنطور که باید و شاید مورد اعتراض کمیته مرکزی به مؤتلفین ما واقع نشد. وی در خاتمه بیانات خود فداکاری‌های بی‌حد و حصر آقای اللهیار صالح را یادآور شده و اظهار داشتند که حزب ایران همیشه نسبت به فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌های ایشان سپاسگزار است (کف‌زدن شدید حضار) در این هنگام جلسه به عنوان تنفس خاتمه یافت و جلسه آینده به بعدازظهر موکول گردید.

پنجمین جلسه

پنجمین^۱ جلسه اولین کنگره به ریاست آقای صدیق نایب رئیس در ساعت ۵ و ربع بعدازظهر تشکیل گردید و آقای مهندس بیانی اجازه صحبت گرفته و گفتند: معمولاً در کنگره حزبی رسم نیست که کمیته گزارش امور مالی حزب را بدهد، بلکه اگر کنگره لازم دید کمیسیون‌هایی را انتخاب می‌کند که به امور مالی حزب رسیدگی و گزارش دهد. همچنین راجع به تناقضات روزنامه‌های حزبی اظهار داشتند، تصور می‌کنم برای آقای موسوی سوء تفاهمی رخ داده باشد، زیرا در سرمقاله‌های من تصور

۱. همان، ش ۳۵۵، ۱۳۲۷/۳/۹، ص ۱ و ۴

نمی‌کنم تناقضی باشد و اگر تناقضی بوده مربوط به ترجمه‌ها است و این موضوع هم اشکالی ندارد، زیرا ما اشخاص آزاداندیش هستیم. مثل اینکه معنی آزاداندیشی هنوز برای رفقا درست روشن نشده است. باید در خارج برای رفقا بحث کنم. بالاخره فرمودند که در مقام انسانیت باید آزاداندیش بود. ولی به لحاظ حزبی باید در اصول و عقاید حزب متفق‌الکلمه بود و الا در حزب دیکتاتوری خواهد شد. ما طرفدار آن حزب نیستیم که آزاداندیشی در آن وجود نداشته باشد. چند مثال از احزاب بزرگ دنیا آوردند و اضافه کردند حزب ما حزب آدم‌هاست و تمام کوشش ما باید صرف تربیت آدم به معنای واقعی باشد. وی راجع به روش حزب در مبارزات سیاست داخلی و خارجی فرمودند: حزب سه مرحله دارد که مرحله اول آن طفولیت است که باید دست طفل را گرفت و راه برد. حزب ما فعلاً در مرحله طفولیت است و مبارزاتی که تاکنون شده روی اتکاء به نفس و صمیمیت و فداکاری افراد آن بوده است. ولی هنوز در ایران حزبی تشکیل نشده که دارای مرامنامه و روش صحیح و منطقی باشد. ولی من می‌گویم حزب ایران تنها حزبی است در ایران که ایده‌ئولوژی دارد و سیاست استقلال را بیان نموده و از خود مشرب نشان داده و تقریر نموده است. البته حزب ایران را با ایران باید فرق گذاشت.

نظر حزب ما بر این است که در ایران همت بگمارد تا حزب بسازد. زیرا حزب مؤسسه‌ای است که در آن انسان پرورش می‌دهد و ما هر قدر توانستیم به قدر کافی انسان تربیت کنیم، آن وقت حزب ما هم حزب ایده‌آل ما خواهد بود. ولی با ملاحظه اخلاق و روحیه ملت ایران تصور می‌کنم این امر سال‌ها وقت لازم داشته باشد. برای اینکه در طبقات دهقان و کارگر نفوذ کنیم قبل همه باید مبلغ داشته باشیم و مبلغ را جز در دسته تحصیل کرده‌ها نمی‌توان یافت. وی از فعالیت گذشته حزب و عملیات مثبتی که شده صحبت کرده و مثال‌هایی آوردند و در خاتمه بیانات خود

اظهار داشتند فعلاً بسیار خوشوقت هستم بعد از پنج سال توانسته‌ایم عده‌ای را به مرکز بیاوریم و انتقادهای آن‌ها را بشنویم. ما مفتخریم امثال آقای صالح و آقای صدیق داریم که با این سن و با این وضع سخت مملکت حاضر به فداکاری شده‌اند.

پس از ایشان، آقای دکتر کریم سنجابی رشته سخن را بدست گرفته و اظهار نمودند، از انتقاداتی که اینجا شده بسیار خوشوقتیم. اصولاً معتقدم که تا شلاق انتقاد نباشد حزب پیش نخواهد رفت. در مورد ائتلاف پس از بحث مفصل درباره اوضاع سیاسی ایران در سیاست‌های اخیر گفتند من به نوبه خود در این عمل سهیم هستم. ما که قدرت بی‌متهای استعمار را در ایران می‌دانستیم برای نجات ملت ایران فکر می‌کردیم که باید با این قدرت به شدت مبارزه کنیم. این مسئله مهم بود که ما را معتقد کرد از قوای موجود دیگر، در این مبارزه استفاده کنیم، ولی متأسفانه دیدیم که آن قدرتی که فکر می‌کردیم ممکن است به نفع ایران خدمت کند، روش خود را در ایران تغییر داد و پیش‌بینی ما غلط درآمد. ما امروز باید اشتباه خودمان را قبول کنیم و در عین حال ثابت نماییم که ما مبارز سرسخت ارتجاع و استعمار و سیاستی که به استقلال مملکت ایران لطمه وارد کند، می‌باشیم. معتقدم گذشته هر چه بوده است آن را با سکوت جبران نمی‌توان نمود. اما در مورد انتقاداتی که شده است باید بگویم مقدار زیادی از این‌گونه موارد اجتناب‌ناپذیر است. بزرگترین موانع ترقی هر حزب مساعد نبودن وضع مالی آن حزب است. ما از جایی استفاده نمی‌کردیم. و از هیچ جاکمک نمی‌شد. وقتی از دادن اعلانات به روزنامه ما خودداری می‌کردند با فروتنی که داشته و داریم، می‌بینیم بیشتر از آنچه که شده، عملی نمی‌شد انجام داد. ما و افراد حزب ایران در شهرستان‌ها با بدن لخت با کلیه قدرت‌های جابر موجود مبارزه کرده‌ایم. رفقای شهرستانی که خودشان زیاد چنین اوضاعی دیده‌اند، می‌توانند وضع ما را

قیاس کنند. [ایشان در ادامه] تذکر دادند چه بسیار کسانی در حزب ایران هستند که اگر قید تحزب را از خود برمی‌داشتند، در این مملکت عالی‌ترین مقام‌ها را اشغال می‌کردند. ولی همه آنان در راه مرام مقدس و حفظ شرافت حزب از این موقعیت‌ها صرف‌نظر کردند. (کف‌زدن حضار) [ایشان] در خاتمه بیانات خود از رفقا خواستند همان‌طوری که انتقاد می‌کنند فعالیت‌ها را نیز با تشویق پاداش دهند. و اظهار امیدواری کردند که این اولین کنگره وسیله‌ای شود که حزب ایران قدم‌های بزرگتر و تندتری برای توسعه و ترقی خود بردارد، و در مبارزاتی که در پیش گرفته است خود و افرادش موفق و پیروز شوند و از تیر تهمت‌ها نهراسند.

[در ادامه ایشان] اضافه نمودند که اگر ما در این راه بمیریم، زنده جاوید هستیم، زیرا مرده آن است که نامش به‌نکوبی نبرند. (کف‌زدن شدید حضار).

پس از ایشان آقای رواسانی شروع به صحبت نموده و گفتند: در مورد ائتلاف همان‌طوری که آقایان گفتند عمل اشتباهی بوده است. درباره آن صحبتی نمی‌کنیم و امید است باعث عبرت آینده ما باشد. راجع به شهرستان‌ها گفتند: مکاتبات ما با مرکز برخی اوقات بلاجواب مانده و معتقد بودند که اگر حزب ایران بخواهد فقط عده‌ای که قابلیت تبلیغ دارند در خود تربیت کند، ترقیش قرن‌ها طول خواهد کشید.

[ادامه گزارش جلسه پنجم]

و همین سختگیری‌ها^۱ سبب شده است که عده معدودی می‌توانند این طرز فکر را بپذیرند خیلی کم می‌توان پیدا نمود کسانی را نظیر آقایان مهندس زیرک‌زاده و مهندس بیانی که چنین قدرت اراده داشته باشند. [ایشان] در مورد کمبود درآمد مالی معتقد بودند که حزب می‌توانسته

است از طریق اجرای نمایشات یا شب‌نشینی‌ها درآمدی برای خود تهیه کند و در این مورد قصور شده است. وی تذکر دادند که چقدر بجاست که رفقای مرکز از شعب شهرستان‌های حزب دیدن کنند و باعث خشنودی رفقای شهرستانی گردند. او در خاتمه نسبت به آینده حزب و تصمیماتی که از طرف کنگره اتخاذ خواهد شد [اظهار خشنودی کردند].

پس از ایشان، آقای مهندس توسلی رشته سخن را بدست گرفته و گفتند: انتقاداتی که در این جلسات شده است زیاد شدید و بعضی هم ناروا بود. بیشتر این انتقادات در اطراف عدم رسیدگی کمیته مرکزی حزب به شعبات در شهرستان‌ها و در مورد ائتلاف با حزب توده بوده است من لازم می‌دانم مطالبی عرض کنم راجع به شهرستان‌ها. شخص من مدت چهار سال افتخار مسئولیت شعبه حزب کنگاور را داشتم. با مبارزات سختی که در پیش بود و حتی نزدیک بود منجر به از بین رفتن تمام خانواده و فامیلم بشود، از مرکز تقاضای کمک کردم در برابر تلگرافات و نامه‌های من جواب داده شد، خونسرد باشید و من هیچ‌گونه نگرانی آن موقع در خود احساس نکردم. زیرا معتقد بودم که آنچه از دست مسئولین حزب برآید، درباره‌ام انجام خواهند داد. ما در آن موقع در کنگاور حالت سربازانی را داشتیم که محصور دشمن بوده و ارتباطش با مرکز قطع شده باشد. در برابر تقاضای کمک، دستور خونسردی رسید. آیا ما جز سربازان میهن و از خودگذشتگان عقیده حزبی هستیم. ما می‌بینیم در اینجا بیشتر روی انتقاد به کمیته مرکزی است، در صورتی که باید دانست مسئولیت شهرستان تهران با کمیته شهرستان بوده و در سایر مسائل نیز شورای حزب مسئولیت داشته است. کسانی که به این شدت انتقاد می‌کنند باید کمیته شهرستان و شورا را نیز در نظر داشته باشند. در مورد روزنامه حزبی نیز باید بگویم که در مورد انتشار آن چه خون جگرهایی خورده می‌شود و چه زحمات طاقت‌فرسای شبانه‌روزی تحمل می‌گردد.

برای یک روزنامه ملی که کارکنان آن حقوق بگیر و موظف نیستند و برای انتشار آن هیچ کمکی از هیچ‌جایی نمی‌شود، مشکلات فراوانی قطعاً در پیش خواهد بود. ولی آقایان، باید دانست که آنچه می‌شده در حدود قدرت و توانایی بوده است. آقایان، ما بسیار کسانی را [داشته‌ایم] که همه چیز خود را در راه حزب فدا کرده‌اند، در حالی که [به خاطر] عضویت در حزب جز محرومیت و ناکامی چیزی ندیده‌اند. ما لازم است بدانیم همان‌طوری که در شهرستان‌ها فعالیت کرده و محرومیت دیده‌ایم، در مرکز نیز مانند خود، از افراد مسئول و غیرمسئول صدها نفر داشته [ایم]. اما راجع به ائتلاف باید بگویم که آن موقع صلاح آن بود. ولی متأسفانه بعدها معلوم شد که عمل اشتباهی بوده است. اکنون درباره آن زیاد نباید ملامت و شماتت رواداشت. [ایشان] در خاتمه از بیانات خود نتیجه گرفتند که با دشواری‌هایی که یک حزب ملی در ایران مواجه با آن است، بیش از این نمی‌شده است فعالیت کرد. کمیته مرکزی در خور توانایی خود انجام وظیفه نموده است.

سپس آقای خروشی شروع به صحبت نموده و گفتند: من از تشکیل کنگره بسیار خوشوقتم و امیدوارم نمایندگان کنگره تصمیم‌هایی اتخاذ کنند که بارهای زیادی را از دوش حزب بردارند. لازم است به رفقا بگویم که با وضع مادی ما که همه کم و بیش از آن اطلاع داریم و رفقای شهرستانی هم گرفتار آن هستند، بیش از آنچه انجام شد، میسر نبوده است. [ایشان] اغلب انتقادات رفقای شهرستانی را وارد ندانسته و عدم فعالیت کافی مرکز را معلول عدم فعالیت افراد دانسته و ضمن دفاع از اعمال کمیته مرکزی گفتند: ما باید آهسته‌آهسته پیشرفت کنیم و مشت را با سندان و درفش بیازماییم.

پس از ایشان آقای ثنایی شروع به صحبت کردند و گفتند: حقیقتاً حزب چه محیط خوبی است که انسان می‌تواند در آنجا تمام درد دل‌های

خود را آزادانه بگوید و خواهش‌های خود را بخواهد. ما افتخار داریم عضو حزبی هستیم که این اصل در آن بیشتر مراعات می‌شود. [ایشان] سپس شمه‌ای از اوضاع جغرافیایی درگزر، حوزه انتخاباتی خود بیان داشته و اظهار داشتند: درست سه سال است که پرچم سه رنگ حزب ایران را در آنجا برافراشته‌ایم. [ایشان سپس] از وضع بد تشکیلات اداره آنجا و نفوذ بیگانگان شمه‌ای بیان داشته و اظهار نمودند که متأسفانه مرکز، آن طوری که باید به ما کمک نکرد. البته ما از گرفتاری‌ها و مشکلات مرکز اطلاع داشتیم. ولی من اینطور فکر می‌کنم که مرکز اگر فعالیت بیشتری می‌کرد، می‌توانست برای تقویت تشکیلات درگزر اقداماتی بکند. ولی ما باز چون هدف مقدسی داشته‌ایم و همیشه با خیانت و فساد مبارزه کرده‌ایم، توانسته‌ایم بعضی از عمال فاسد دولتی را از کار برکنار ساخته و رسوایشان نماییم. اگر گفته شود، این کارهایی که کرده‌ایم خارج از اصول یا غلط بوده و اگر اشتباه کرده‌ایم، تقصیر کمیته مرکزی بوده است که ما را خوب هدایت نکرده است. [ایشان در ادامه] شمه‌ای از فساد دستگاه‌های دولتی و مبارزات شعبه حزب در دره‌گز بیان داشته و اظهار نمودند که روزی ما را طرفدار سیدضیاءالدین و روزی کمونیست خواندند. وی در خاتمه اظهار داشتند که باید حزب، مسئله و مرام حزب را کاملاً تفسیر نماید. مخصوصاً در مورد سوسیالیزم و مالکیت شخصی نظریه خود را صراحتاً ابراز دارد. زیرا اکثریت مردم ایران به مبادی مذهبی اعتقاد کامل دارند و نباید کاری کنیم که روزی علم تکفیر بر علیه ما بلند کنند.

در این موقع چون پیشنهاد تنفس رسیده بود و مخالفی نبود، جلسه در ساعت ۱۰/۵ ختم و به فردا ساعت ۹ صبح موکول گردید.

ششمین جلسه اولین کنگره حزب ایران در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۲۷/۱/۲۸ به ریاست آقای صدیق نایب رئیس تشکیل گردیده [در ابتدا] آقای فرجاد شروع به صحبت نمودند و گفتند ما در حزب ایران یک اصل

را به طور صریح فهمیده‌ایم که تمام افراد حزب از صدر تا ذیل مردمان وطن‌پرست و بدون شائبه‌ای هستند. راجع به بعضی عملیات خلاف اصولی که بعضی آقایان اشاره کردند، اظهار نمودند گاهی هم می‌شود خلاف اصول رفتار کرد، موقعی که اصل، بقاء حزب

[ادامه گزارش]

و صلاح مملکت باشد.^۱ در موضوع رنجش معانی که در مورد بعضی انتقادات شدید پیش آمده است، اظهار تأسف نموده و گفتند ما همیشه معتقد بوده‌ایم تا مشت‌های گره کرده در مقابل نباشد قدمی به سوی اصلاحات برداشته نخواهد شد. [ایشان] انتقاد را بزرگترین عامل اصلاح دانستند و معتقد بودند که افراد حزب باید حزب را هم [جزو] مسائل زندگانی خود دانسته و شخصیت حزبی را مافوق [شخصیت] فردی و اجتماعی خود بدانند. [ایشان] اشاره به بیانات آقای مهندس بیانی نموده و گفتند: ما تا مبارزه نکنیم هرگز بزرگ نخواهیم شد و نباید قوای خود را فقط به تعداد افراد خود سنجیم، اگر چنین باشد ملت‌های کوچک هرگز نمی‌توانند شخصیت و استقلال خود را حفظ نمایند. حزب باید متناسب اجتماع ما باشد. با این ترتیب اجرای افکار و وصول به هدف، قرن‌ها به طول می‌انجامد. در مورد ائتلاف اظهار داشتند؛ عده‌ای به سرپرستی آقای دکتر عالمی به رشت آمدند و تظاهراتی شد و علاقمندان به حزب زیاد شدند. در ضمن مسافرت به بندر پهلوی، آقای دکتر عالمی مورد اهانت چاقوکشان حزب توده قرار گرفته و عکس‌العمل شدیدی از طرف قاطبه مردم و جراید محلی به نفع حزب ایران به عمل آمد. متأسفانه در چنین شرایطی کمیته مرکزی مبادرت به ائتلاف نمود. علت اینکه بعد از ائتلاف تزلزلی در [شعبه] حزب [در] گیلان رخ نداد، بدین جهت بود که ما همان

طوری که فوقاً اشاره شدن به وطن پرستی و پاکدامنی رفقای خود اطمینان داشتیم. [ایشان] در خاتمه گفتند حزبی که پیش نرود ناچار محکوم به سقوط و فناست و هر عملی که سبب تضعیف حزب شود از ناحیه هر کس که باشد خیانت به آزادی ملت ایران دانسته.

در این موقع آقای مهندس پایور در مورد مأمورین انتظامی توضیحاتی خواستند و آقای مهندس زیرک زاده پاسخ دادند.

سپس آقای علی اکبر صالح نماینده شاهرود شروع به صحبت نموده و از فعالیت‌های گذشته و مبارزات دامنه دار خود اظهاراتی نموده و وجود و بقای حزب را مرهون فعالیت عده دانستند که باید مورد تشویق و قدردانی قرار گیرند نه اینکه مورد تنقید قرار گیرند.

پس از ایشان آقای صدیقی اظهار داشتند ما وقتی از مشهد حرکت کردیم، قطعنامه‌ای صادر کردیم که اکنون همراه است. آقایان می بینند ما اجرای مواد این قطعنامه را خواستاریم. ایشان گفتند مصالح موجودی که در اختیار کمیته مرکزی بوده از آن استفاده شده و نباید زیاد از آنان انتقاد کرد. زیرا اغلب آنان فداکاری‌هایی کرده‌اند که در خور ستایش است. ما اگر انتقاد می‌کنیم عیب جویی نباید بکنیم.

در ساعت ۱/۵ بعدازظهر جلسه ختم و به ساعت شش بعدازظهر موکول گردید.

هفتمین جلسه اولین کنگره حزب ایران در ۲۸/۱/۲۷ ساعت ۶ بعدازظهر به ریاست آقای صدیق نایب رئیس تشکیل گردید و آقای ابوالفضل قاسمی دبیر [شعبه] حزب ایران [در] درگز شروع به صحبت نمودند و اظهار داشتند: افراد حزب ایران همه دارای قلبی پاک هستند. [ایشان] و از هر نوع کدورت اظهار تأثر و تأسف کردند (در این موقع جناب آقای صالح وارد و ریاست جلسه را اداره فرمودند) آقای قاسمی شمه‌ای درباره ائتلاف صحبت کرده و گفتند اگر حزب ایران درگز با حزب

توده ائتلاف نکرد به سبب تمرد از تصمیم مرکز نبوده است بلکه حزب توده درگزر حاضر به ائتلاف نبود و جز به الحاق راضی نمی شد. البته ما به این امر تن در ندادیم. [ایشان] شرح مبسوطی از مبارزات خود و فجایع عمال بیگانگان بیان داشته و معتقد بودند که حزب ایران کم مبارزه کرده و هنوز خود را به مردم کاملاً معرفی نکرده است و علت شهرت حزب ایران درگزر را مبارزات سرسخت و پرونده سازی های هیات حاکمه بر علیه آن دانستند، و گفتند: ما باید به کیفیت بیش از کمیت اهمیت گذاریم. [ایشان] آرزو کردند که حزب ایران که اکنون نوزادی است به اهمیت و فعالیت رشد حقیقی خود برسد.

پس از بیانات ایشان طبق برنامه آقای مهندس زیرک زاده دبیرکل حزب، استعفای کمیته مرکزی را تقدیم داشتند. پس از استعفای کمیته، کمیسیون اساسنامه که از آقایان مهندس بیانی، پورسرتیپ، دکتر عالمی، ثنایی و نوزاد تشکیل شده بود و کار خود را به پایان رسانده بود، به وسیله مهندس بیانی مخبر کمیسیون، اساسنامه تهیه شده را به اطلاع کنگره رسانید. پس از بحث درباره کلیات و قبول و رد پیشنهادات رسیده، اساسنامه به تصویب رسید و در این موقع جلسه ختم و تشکیل آن به فردا موکول شد.

هشتمین جلسه اولین کنگره حزب ایران به ریاست جناب آقای صالح در ۲۷/۱/۲۹ در ساعت ده صبح تشکیل گردید و موادی چند از اساسنامه مورد بحث قرار گرفته و با اصلاحات به تصویب رسید و ادامه جلسه به بعد از ظهر ساعت شش موکول گردید.

نهمین جلسه اولین کنگره حزب ایران در ساعت شش بعد از ظهر در ۲۷/۱/۲۹ به ریاست جناب آقای صالح تشکیل گردید. در این جلسه پس از بحث طولانی درباره شرایط عضویت موادی چند از اساسنامه به تصویب رسید.

دهمین جلسه اولین کنگره حزب ایران در تاریخ ۲۷/۱/۳۰ در ساعت ۱۱ صبح به ریاست آقای صدیق نایب رئیس تشکیل گردید و بقیه مواد اساسنامه پس از بحث به تصویب رسید و به کلیه مواد آن که عبارت از ۵۶ ماده باشد رای گرفته و تصویب شد. یازدهمین جلسه اولین کنگره حزب ایران در ساعت شش بعدازظهر روز ۲۷/۱/۳۰ به ریاست آقای صدیق نایب رئیس تشکیل گردید و کمیسیون خط‌مشی که از آقایان صالح، مهندس بیانی، فرجاد، قاسمی، پایور، موسوی، وقار و موحد تشکیل یافته بود، خط‌مشی متخذه را به وسیله آقای پایور مخبر کمیسیون به اطلاع کنگره رسانید.

۷۷

اساسنامه حزب ایران

که در اولین کنگره حزب ایران (فروردین ۱۳۲۷) به تصویب رسیده است.^۱

۱. سازمان حزب ایران به شرح زیر است:

کنگره، شورای مرکزی، کمیته مرکزی، دبیرخانه، فراکسیون پارلمانی، سازمان شهرستان‌ها، کانون‌ها، حوزه‌ها، سازمان جوانان، اصناف، پیشه‌وران، کارگران، دهقانان و سایر سازمان‌ها مانند سازمان زنان و سازمان انتظامات.

کنگره

۲. کنگره حزب از نمایندگان حزب در سراسر کشور تشکیل می‌شود، که فعلاً هر سال یک‌بار در تهران، یا در یکی از شهرهای دیگر به تشخیص کمیته مرکزی مجتمع می‌شوند.

۱. همان، ش م، ۷۴۶، ۱۳۲۷/۲/۲۸، ص ۱ و ۲

۳. طرز انتخاب نمایندگان کنگره یک مرحله‌ای خواهد بود و فعلاً هر سی نفر عضو یک نفر نماینده برای کنگره انتخاب می‌نماید.
۴. در صورت لزوم ممکن است کنگره فوق‌العاده به پیشنهاد کمیته مرکزی و تصویب شورای مرکزی برای اتخاذ تصمیم در پیرامون خط‌مشی سیاسی و برنامه و اساسنامه حزب و مسائلی که از طرف کمیته مرکزی حزب پیشنهاد می‌گردد، تشکیل شود.
- تبصره: نمایندگانی که در کنگره فوق‌العاده به دعوت کمیته شرکت می‌کنند، حتی‌المقدور نمایندگان کنگره سال قبل خواهند بود.
۵. وظایف کنگره عبارت است از: تعیین خط‌مشی سیاسی، اصلاح اساسنامه، انتخاب اعضای شورای مرکزی و کمیته مرکزی و رسیدگی به هر امر حزبی که مورد توجه کنگره قرار گیرد.
- تبصره: در فاصله دو کنگره، شورای مرکزی حزب حق دارد که پیشنهاد‌های کمیته و آیین‌نامه‌های داخلی را رسیدگی و جرح و تعدیل و تصویب کند.

شورای مرکزی حزب

۶. عدهٔ اعضای شورای مرکزی حزب یازده نفر است و فعلاً سالی یک بار به وسیله کنگره انتخاب می‌شود.
۷. در اولین جلسه شورای مرکزی، هیات رئیسه مرکب از رئیس، دبیر، نایب‌رئیس با اکثریت مطلق برای مدت یک سال انتخاب می‌شود.
- تبصره: اعضای کمیته حق عضویت در شوری را ندارند.
۸. جلسات شورای مرکزی هر ماه لااقل یکبار تشکیل می‌شود. هر موقع کمیته مرکزی لازم بداند یا پنج تن از اعضای شورای پیشنهاد نمایند. شورای حزب تشکیل جلسه فوق‌العاده خواهد داد.
۹. شورای [مرکزی] با حضور هفت تن از اعضاء آن رسمیت خواهد داشت. اتخاذ تصمیم در مرتبه اول با اکثریت مطلق و در دفعه بعد با اکثریت نسبی اعضاء حاضر شوری، معتبر خواهد بود.

۱۰. رئیس شورا مسئول حفظ انتظامات شورا و تشکیل جلسات می‌باشد. دبیر شورا عهده‌دار امور نویسندگی شورا بوده و بایستی صورت جلسات را یادداشت کند در آغاز جلسات بعد به تصویب شورا برساند. صورت جلسات پس از تصویب باید در دفتر مخصوصی پاک‌نویس شده و به امضاء رئیس و دبیر شورا برسد.

۱۱. چنانچه به علتی یک نفر از عضویت شورا کناره‌گیری نماید، کسی که در انتخابات شورا به وسیله کنگره، پس از افراد منتخب حائز اکثریت بوده، به عضویت شورا تعیین می‌گردد.

۱۲. وظایف شورا عبارت است از بازرسی امور تشکیلاتی و مالی حزب و ارسال گزارش برای اطلاع و اقدام کمیته، رسیدگی به شکایات اعضاء و انتخاب هیات داوری، تعیین کمیسیونهای لازم مانند کمیسیون بازرسی کل برای انجام وظایف شورا، تهیه گزارش بازرسی برای کنگره.

کمیته مرکزی

۱۳. عده اعضاء کمیته مرکزی هفت نفر می‌باشد که از طرف کنگره فعلاً برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند.

تبصره: علاوه بر هفت نفر بالا، سه نفر علی‌البدل اعضاء کمیته از طرف کنگره انتخاب خواهد شد که در مواردی که یکی از اعضاء کمیته مستعفی شود یا غائب باشد یا فوت نماید یکی از آنها از طرف رئیس کمیته مرکزی طبق ترتیب اکثریتی که در انتخابات حاصل شده است، برای همکاری و قبول مسئولیت دعوت می‌شوند.

۱۴. کمیته مرکزی مشمول مواد هفت و ده می‌باشد. به‌علاوه دبیر کمیته مرکزی ریاست دبیرخانه حزب را عهده‌دار خواهد بود و مسئول ابلاغ تصمیمات کمیته مرکزی می‌باشد. جلسات کمیته مرکزی با حضور دو ثلث افراد حاضر در مرکز رسمیت خواهد داشت.

۱۵. کمیته مرکزی هر هفته لااقل یک بار تشکیل جلسه خواهد داد و

چنانچه ضرورت ایجاب نماید به دعوت رئیس یا دبیر کمیته، جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌شود.

۱۶. وظایف کمیته مرکزی عبارت است از اهتمام در انجام مرام، پیروی خط مشی حزبی که به تصویب کنگره رسیده است. تهیه پیشنهادها و آیین‌نامه‌های لازم برای بحث و تصویب در شورای مرکزی، نظارت در حسن جریان کلیه سازمان‌های حزبی و توجه دقیق به شهرستان‌ها به وسیله کانون امور شهرستان‌ها، انتخاب مسئولین و کارکنان دبیرخانه و کانون‌های حزب. به‌علاوه کمیته مرکزی موظف است که برای اجرای برنامه عمل خود و انجام وظایف مذکور، کمیسیونهایی تعیین و حسن کلیه امور حزبی را مراقبت نماید. دعوت نمایندگان حزب برای تشکیل کنگره و تهیه وسایل کار آن‌ها با کمیته مرکزی است.

تبصره ۱: کمیته مرکزی موظف است که تا سه ماه آیین‌نامه‌های لازم را تهیه و به تصویب شورا برساند.

تبصره ۲: کمیته مرکزی در موارد لزوم یا برحسب تقاضای کمیته شهرستان نماینده برای بازرسی امور حزبی شهرستان اعزام خواهد داشت.

دبیرخانه و کانون‌ها

۱۷. دبیرخانه وسیله ارتباطی کلیه سازمان‌های حزبی می‌باشد. تمام نامه‌های حزبی باید به وسیله دبیرخانه و تحت نظر دبیر حزب وارد یا صادر گردد.

۱۸. کمیته مرکزی برای پیشرفت و حسن جریان امور حزبی کانون‌های زیر را تشکیل می‌دهد: کانون سازمان، کانون تبلیغات، کانون امور مالی، کانون امور شهرستان‌ها، کانون عملیات انتفاعی، کانون مطبوعات.

۱۹. وظایف کانون‌ها به قرار ذیل است:

۱. کانون سازمان مسئولیت و نظارت بر کارهای سازمانی حزب در

سراسر کشور. [را به عهده دارد.]

۲. وظیفه کانون تبلیغات عبارت است از تأسیس سازمان‌های مختلف تبلیغاتی مانند کلاس‌های تعلیمات عمومی مجانی، تأسیس کلاس برای مبلغین، اداره امور تبلیغات و سخنرانی‌ها و نمایشها و تظاهرات حزبی، تنظیم برنامه بحث حوزه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات لازم راجع به کلیه مسائل و حوادث مهم و امور قابل توجه.
۳. وظایف کانون مطبوعات، انجام کلیه کارهای مطبوعاتی حزب و طبع و نشر و اداره روزنامه‌های حزبی است.
۴. وظایف کانون عملیات انتفاعی، تأسیس و اداره امور شرکتها و هر نوع عملیات انتفاعی که درآمد آن مستقیماً عاید حزب شود.
۵. وظایف کانون امور مالی اداره امور مالی و نظارت در کلیه درآمد و هزینه‌های حزبی می‌باشد.
۶. وظایف کانون امور شهرستان‌ها عبارت است از رسیدگی و تهیه جواب (به امضای دبیر حزب) تمام نامه‌های شهرستان‌ها و توجه مخصوص به تقاضاهای شهرستان‌ها و طرح آن‌ها در صورت لزوم در کمیته مرکزی است.

حوزه‌ها

۲۰. نخستین واحد تشکیلاتی حزب، حوزه است که از اجتماع ده نفر از افراد حزب تشکیل می‌شود و در هر محل تابع کمیته محل خواهد بود. تبصره: در صورت لزوم با نظر کمیته محل می‌توان از چندین حوزه یک حوزه مختلط تشکیل داد.
۲۱. در هر حوزه یک نفر سر حوزه، یک نفر منشی و یک نفر صندوق‌دار، انتخاب می‌نماید. سر حوزه مسئول حسن جریان امور حوزه می‌باشد، صندوق‌دار موظف است ماهیانه اعضاء حوزه را وصول نموده و به کانون مالی تحویل دهد.
- تبصره: کمیته محلی می‌تواند هر یک از مسئولین حوزه را که در انجام

وظایف قصور ورزند از کار برکنار نماید و از حوزه مربوطه بخواهد که جانشین آن‌ها را انتخاب نماید.

۲۲. جلسات حوزه‌ها هر هفته لااقل یک بار بوده و در صورت لزوم ممکن است جلسات حوزه‌ها به وسیله کانون تبلیغات کل تهیه و از طریق کمیته محل به حوزه‌ها ارسال گردد.

فراکسیون پارلمانی

۲۳. نمایندگان حزب ایران در مجلس شورای ملی تشکیل فراکسیون به نام فراکسیون حزب ایران خواهند داد.

۲۴. نمایندگان فراکسیون حزب ایران در مجلس شورای ملی، موظفند مرام حزب و دستورهای کمیته مرکزی را کاملاً اجرا نمایند. کمیته مرکزی خط مشی فراکسیون پارلمانی را در موارد مخصوص با مشورت نمایندگان پارلمانی تعیین و ابلاغ خواهد کرد.

۲۵. چنانچه تعداد نمایندگان حزب در مجلس شورای ملی برای تشکیل فراکسیون مستقلی کافی نباشد، کمیته مرکزی حزب وضع آنان را نسبت به همکاری با فراکسیونهای پارلمانی مشخص خواهد کرد.

۲۶. نظامت فراکسیون حزب ایران در مجلس شورای ملی با موافقت کمیته مرکزی به یکی از نمایندگان حزب واگذار خواهد شد. ناظم فراکسیون ایران در مجلس عهده‌دار نظم و ترتیب فعالیت نمایندگان حزب در مجلس شورای ملی می‌باشد. به علاوه ناظم فراکسیون گزارش‌دهنده امور پارلمانی در مقابل کمیته مرکزی خواهد بود.

سازمان شهرستان‌ها

۲۷. سازمان حزب در شهرستان عبارت است از کمیته شهرستان، شورای شهرستان، کانون‌ها و حوزه‌ها، کنفرانس ایالتی.

تبصره: حداقل اعضای حزب در شهرستان پنجاه نفر است و مادام که

تعداد اعضاء به پنجاه نرسیده است، اداره امور حزبی شهرستان به انتخاب کمیته مرکزی به سه نفر واگذار می شود.

۲۸. کمیته شهرستان از پنج عضو شایسته حزب در آن شهرستان تشکیل می شود که به وسیله افراد در یک مرحله انتخاب و با موافقت کمیته مرکزی منتصب می شوند. مدت کار کمیته شهرستان یک سال است.

تبصره: سه نفر از اعضاء حزب طبق ترتیبی که در انتخاب اعضاء کمیته شهرستان مراعات می شود، به عنوان عضو علی البدل انتخاب خواهند شد که در موارد لزوم طبق تبصره ماده ۱۳ عمل شود.

تبصره: منطقه هر شهرستان با پیشنهاد سازمان های محلی به وسیله کمیته مرکزی معین خواهد گردید.

۲۹. کمیته شهرستان از میان اعضاء خود طبق آیین نامه مصوب شورای مرکزی، مسئولین دبیرخانه، تبلیغات، امور مالی و سایر سازمانها را تعیین خواهد کرد و می تواند در صورت لزوم کانون های که در ماده (۱۸) اشاره شد، دایر نماید. مقررات ماده ده شامل کمیته شهرستان نیز می شود.

۳۰. کمیته شهرستان مسئول انجام دستورهای کمیته مرکزی بوده و وظایف اساسی آن عبارت است از تبلیغ و انتشارات مرام حزب، اداره امور حزب و تظاهرات حوزه ها، ازدیاد افراد عضو حزب، مداخله در انتخابات انجمن های ولایتی و ایالتی، مراقبت اوضاع اداری و اجتماعی شهرستان و اهتمام در بهبود وضع زندگی مادی و حسن جریان ادارات محلی در حدود صلاحیت. به علاوه کمیته شهرستان موظف است که به ازاء هر نفر عضو حزب از آن شهرستان، سالیانه مبلغ سی ریال در چهار قسط برای کمک به امور مالی حزب برای کمیته مرکزی ارسال دارد.

۳۱. کمیته شهرستان در کارهای عمومی و سیاسی پیش از جلب

موافقت و کسب دستور از کمیته مرکزی نمی‌تواند هیچ‌گونه اقدامی نماید. در صورت تخلف کمیته مرکزی می‌تواند کمیته آن شهرستان را منحل نماید.

تبصره: کمیته‌های محلی مستقل مکلفند هر ماه یک بار چگونگی عملیات خود و صورت افراد جدید و آن‌هایی که از عضویت حزب خارج شده‌اند و گزارش مالی خود را به کمیته مرکزی گزارش دهند.

شورای شهرستان

۳۲. تعداد اعضای شورای شهرستان و طرز انتخاب آن‌ها و تعداد جلسات ماهیانه آن با نظر کمیته محلی است.

۳۳. وظایف شورای شهرستان فقط شور و اظهار نظر درباره مسائلی است که کمیته محلی آن را مطرح کرده باشد.

تبصره: در شهرستان تهران شورای مرکزی، وظایف شورای محلی را نیز به عهده خواهد داشت.

تبصره: در هر شهرستان سه نفر از اعضای شورای شهرستان از طرف شورای شهرستان به عنوان اعضای رابط بین کمیسیون بازرسی کل و شورای آن شهرستان انتخاب خواهند شد و مکاتبات آن‌ها مستقیماً [با] بازرسی کل خواهد بود و وظایف آن‌ها بازرسی امور قابل توجه حزبی و گزارش جریان آن به بازرسی کل است.

شرایط عضویت

۳۴. هر کس مرام حزب ایران را بپذیرد و شرایط زیر را حائز باشد، می‌تواند عضو حزب ایران گردد.

الف) ایرانی و تابع دولت ایران باشد.

ب) مسلمان یا زردشتی باشد.

پ) سابقه خوب داشته باشد.

ت) در احزاب و سازمان‌های سیاسی دیگر عضویت نداشته باشد.
ث) پرداخت ماهیانه طبق مقررات حزبی را تعهد کند.
۳۵. داوطلب عضویت باید از طرف دو نفر از اعضای حزب معرفی شود و درخواست کتبی عضویت موقت کند پس از یک ماه که در حوزه‌های آزمایشی که از طرف کمیته محلی تعیین می‌گردد، شرکت نموده و مسئول حوزه آزمایشی او را فرد لایق حزبی شناخت به سازمان معرفی خواهد شد تا کارت عضویت وی صادر گردد. تسلیم دو قطعه عکس ضروری است.

تبصره: انکت افرادی که در ولایات تقاضای عضویت می‌کنند، برای تحقیق و آزمایش، سه ماه در دبیرخانه کمیته محلی نگهداری نموده و اگر نتیجه تحقیق و آزمایش رضایت‌بخش بود، برای صدور کارت به مرکز فرستاده خواهد شد.

۳۶. هر عضو حزب ایران باید کلیه مقررات حزبی را رعایت نماید و تغییر کار و محل اقامت خود را به کمیته محلی کتباً آگهی دهد.

۳۷. هر عضو بایستی حداقل ماهیانه مبلغی به ترتیب ذیل به صندوق حزب بپردازد:

الف) برای عواید ماهیانه تا هزار ریال، ده ریال در ماه
ب) برای عواید ماهیانه بیش از هزار ریال، ده ریال به اضافه یک صدم عواید ماهیانه

ج) برای کارگران شاغل و دانشجویان، ده ریال در ماه
تبصره: مجردین باید ربع میزان بالا اضافه بپردازند.
تبصره: ماهیانه اشخاص بی‌بضاعت به تشخیص کمیته محلی ممکن است تقلیل یافته یا حذف شود.

۳۸. هرگاه عضوی سه ماه متوالی بدون عذر موجه و پس از تذکر کتبی از طرف صندوق‌دار حزب از پرداخت حق عضویت خودداری نماید، از

عضویت حزب مستعفی شناخته می‌شود و قبول عضویت مجدد او موکول به تصمیم کمیته آن شهرستان است.

۳۹. وظایف و اختیارات حزبی اعضاء حزب ایران به شرح ذیل است:
الف) هر یک از اعضاء حزب موظف است با تمام قوا و وسایلی که در اختیار او است در راه پیشرفت مرام و مقاصد حزب و تعلیمات مقامات صلاحیت‌دار حزب کوشش نماید.

ب) اعضایی که در سازمان‌های حزبی مشاغلی دارند، حق ندارند کار خود را رها کرده و یا در انجام وظایف خود سستی نمایند. مگر در صورتی که کتباً از شغل خود استعفاء داده و استعفای آنان پذیرفته شود و جانشین آن‌ها معین شده باشد. در این صورت موظفند کلیه نامه‌ها و اوراقی که نزد آن‌ها است، مطابق صورت مجلس به شخصی که تعیین شده است، تحویل دهند.

پ) هر یک از اعضاء حزب آزاد است به هر گونه فعالیت سیاسی از قبیل نشر جراید و مجلات و ایراد خطابه و نظایر آن مبادرت ورزد، ولی در تمام موارد باید اصول و روش حزب را مراعات کند و فعالیت سیاسی خود را از هر حیث با خط مشی سیاسی حزب وفق دهد. روزنامه‌نگاران وابسته به حزب نیز موظفند که در این مورد مقررات کانون مطبوعات را رعایت نمایند.

ت) هیچ یک از اعضاء حزب نباید با مقامات و مأمورین سیاسی بیگانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم مرادده داشته باشد، مگر برای انجام مأموریت‌هایی که از طرف کمیته مرکزی به او محول شده باشد.

تبصره: شرکت در دعوت‌ها و جشن‌های رسمی مانع ندارد.

ث) هیچ یک از اعضاء حزب نمی‌تواند در جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها و باشگاه‌ها [بی] که وابسته به حزب ایران نباشد، یا کمیته مرکزی شرکت در آن را اجازه نداده باشد، عضویت داشته باشد.

ج) هیچ یک از اعضاء حزب نمی‌تواند بدون اجازه کمیته و شورای مرکزی حزب در حکومت‌هایی که از طرف حزب تشکیل نشده است، به عنوان وزیر یا معاونت وزارت شرکت نماید.

چ) تشکیل هر نوع گروه و یا مبادرت به هر قسم دسته‌بندی در حزب ممنوع است. مگر بر طبق مقررات و با موافقت مقامات مسئول حزب.

۴۰. تنبیهات حزبی درباره اعضایی که مرتکب یکی از تقصیرات زیر بشوند، اجرا می‌گردد:

الف) رعایت نکردن اصول و مقررات و عدم اطاعت از تصمیمات مراجع صلاحیت‌دار حزبی.

ب) خودداری از رأی دادن به نامزدهای حزبی در انتخابات مجلس شورای ملی و یا انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و یا اقدام به اعمالی که به زیان پیشرفت نامزدهای حزب باشد.

پ) تظاهر برخلاف حقیقت و ادعای دروغ که از طرف حزب مأموریت و یا اختیاراتی دارد.

ت) فاش کردن اسرار حزبی و یا جاسوسی برای دیگران.

ث) ایجاد اختلاف و تشتت میان افراد حزب و یا ایجاد بی‌نظمی و اختلال در جلسات حزبی.

ج) سوءاستفاده از مشاغل به هر نحوی از انحاء.

چ) هرگونه عمل و یا اقدامی که برخلاف مصالح کشور یا مصالح حزب باشد.

۴۱. اخراج عضو، هرگاه به نحوی از انحاء معلوم شود که عضوی برخلاف

مرام یا نظام و یا برخلاف دستورات حزبی رفتار کرده، یا عمل مخالف حیثیت و شئون حزبی مرتکب شده است، کمیته مرکزی می‌تواند آن عضو را پس از رسیدگی به اتهام، اخراج نماید. متهم می‌تواند پژوهش بخواهد. در این صورت با موافقت کمیته مرکزی، هیات دادرسی تجدیدنظر خواهد نمود.

۴۲. معاونت حزب ایران نسبت به اعضاء عاجالتاً به طریق ذیل خواهد بود:
- الف) هرکس از اعضاء حزب یا خانواده بلافصل آن‌ها مریض شود، به وسیله اطبایی که حزب معین می‌کند، به خرج حزب معاینه و معالجه خواهند شد.
- ب) در صورتی که حزب نتواند اطفال اعضاء خود را در دوره تحصیل ابتدایی در مدارس دولتی به تحصیل گمارد، شهریه مدرسه ابتدایی آن‌ها از طرف صندوق حزب پرداخت خواهد شد. اگر عده اطفال عضوی بیش از سه نفر باشد، پول کتاب دوره ابتدایی آن‌ها نیز تادیه خواهد شد.
- پ) هر یک از اعضاء حزب که متأهل شود و یا مولود جدیدی پیدا کند، هدیه‌ای به ارزش مبلغی که در ظرف یک سال ذخیره به صندوق حزب پرداخته، به مشار الیه تقدیم خواهد شد.
- ت) اگر فرزند جدید اولاد چهارم یا پنجم و بالاتر باشد معادل دو سال اخیر پرداختی به عضو مربوطه تقدیم می‌شود.
- تبصره: در صورتی که وجوه پرداختی عضو یا مدت عضویت کمتر از یک یا دو سال باشد، معادل مبلغ پرداختی هدیه خواهد شد.
- ث) هرگاه یکی از اعضاء حزب وفات کند، مبلغی معادل سه سال پرداختی آن عضو در وجه ورثه بلافصل او از طرف صندوق حزب پرداخته خواهد شد.
- ج) در فقرات ب الی ث تذکر و تقاضا، بلکه ارسال مدارک از طرف اشخاص ذی‌نفع شرط است.
- چ) اجرای مواد فوق مشروط است به موجود بودن وجه در صندوق حزب. والا هیچ‌گونه تعهدی ایجاد نمی‌کند.
- ح) کسانی مشمول مزایا فوق هستند که وظایف حزبی خود را اجرا و مرتب کرده باشند.
۴۳. تفسیر هر یک از مواد این نظامنامه به پیشنهاد ثلث اعضاء شورای مرکزی حزب و به تصویب دوثلث اعضای شورای حزب انجام خواهد پذیرفت.

اللهیار صالح به اشتباه خود اعتراف می‌کند.^۱

به قلم فرهنگ ریمن

اداره محترم روزنامه جبهه، ارگان مرکزی حزب ایران
ملاحظه «جریان سومین جلسه کنگره حزبی» که در شماره ۵ شنبه
۲۷/۳/۶ درج شده بود، چنان احساسات مرا برانگیخت که بر آن شدم
قلم را مترجم احساسات خود قرار داده و نظریات خود را به رشته
نگارش درآورده و برای درج در آن نامه گرامی تقدیم دارم. البته از نظر
احترام به اصل آزادی عقیده از درج آن دریغ نخواهد شد.

*

من از اینکه به هنگام تشکیل نخستین کنگره آن حزب نمی‌توانستم به
عنوان یک عضو حزب با هم‌مسلمانان دیرین و برادران هم‌میهن خود
همکاری نمایم، نهایت تأسف را دارم. بسیار متأسفم که جریانات ائتلاف
مرا به کناره‌گیری از حزب ناگزیر ساخت و مساعیم نیز در حزب وحدت
ایران برای وحدت مجدد دو حزب به جایی نرسید و سران حزب وحدت
ایران اتحاد با حزب مردم و جمعیت فرزندان ایران را بر همکاری مجدد با
دوستان حزبی خود برتر شمردند. در قبال این تأسف شدید و نارضایی از
اینکه چندی است برخلاف افکار و عقاید صریح خود از فعالیت حزبی
برکنارم، معهذاً خوشوقت و مسرورم که به حالت انفراد نیز وظایف ملی
خود را به بهترین وجهی انجام می‌دهم و مبارزه منطقی شکست‌ناپذیری
که در مکتب حزب ایران علیه فساد و عوامل بدبختی ملت ایران و استبداد
و دیکتاتوری آموخته‌ام، به شدت تعقیب و دنبال نموده‌ام. اکنون به پاس

۱. همان، ش م ۷۵۲، ۱۱/۳/۱۳۲۷ ص ۱ و ۲

این (آموخته‌های خود) به مناسبت تشکیل نخستین کنگره حزب، به هم مسلکان عزیز خود صمیمانه درود می‌فرستم و از خداوند متعال توفیق و پیروزی حزب و برکناری آن را از هرگونه خطا و اشتباهی مسئلت می‌نمایم. اما آنچه که در جریان سومین جلسه کنگره حزب احساسات مرا برانگیخت بیانات شورانگیز جناب آقای اللهیار صالح بود که به‌راستی تکان سختی به من داد و در حالی که اشک شوق در چشمانم حلقه زده بود احترام زایدالوصفی نسبت به معظم‌له در خود احساس نمودم. می‌توان بگویم جناب ایشان دومین شخصیتی هستند که تا این حد مرا تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. می‌دانم که انسان اشتباه کار و خودخواه است. همه از خرد و بزرگ، از زن و مرد، از پیرو و جوان، از دانا و نادان، از بزرگان تا افراد عادی...^۱ همه اشتباه می‌کنند، ولی؟ ولی در این میان تنها عناصر منصف و فهیم و قوی‌النفس و واجد شهامت اخلاقی هستند که حاضرند به اشتباهات قهری و اجتناب‌ناپذیر خود اعتراف کنند. اگر کسی بگوید که من اشتباه نمی‌کنم و مانند آقای قوام همیشه خود را «مصاب بدانم و دم از معلومات و تجارب و اطلاعات و اجتهاد خود بزنم» ضعف قوای عاقله خود را به ثوت رسانده است. تنها اعتراف به اشتباهات و نقایص است که بشر را به سیر راه تکامل و ترقی و اعتلا برمی‌انگیزد. من با درک این حقیقت هرگز ادعا نداشته و نخواهم داشت که اشتباه نکرده و نخواهم کرد. ولی می‌توانم با اطمینان خاطر و ایمان راسخ ادعا کنم در رویه‌ای که نسبت به امر ائتلاف اتخاذ نمودم، دچار اشتباه نشدم. در عین حال نمی‌خواهم عقاید طرفداران آن را تخطئه نمایم. زیرا من معتقد به آزادی و احترام عقاید هر صاحب عقیده‌ای می‌باشم و به عقاید هر معتقد احترام می‌کنم. ولی باید بگویم که بر این ایمان به مرام حزب ایران و روش

۱. نقطه چین در اصل.

آن قبل از ائتلاف، عملی که به نام ائتلاف صورت گرفت قابل قبول نبود. به نظر من منطق آن دسته از موافقین ائتلاف که «سمپاتی» کاملی نسبت به حزب توده داشته و استدلال می‌کردند که با تقسیم دنیا به دو جبهه باید حتماً به جبهه چپ پیوست و از «وسط» خارج شد، قوی‌تر از آن‌هایی بود که می‌گفتند برای نگهداری تشکیلات حزب و مصون ماندن از تعرضات، باید با حزب توده ساخت. ولی همین استدلال‌های بیشتر منطقی نیز، برای من قابل قبول نبوده و خوشبختانه جریان حوادث صحت نظریات مرا که بارها به رفقای حزبی اظهار داشتم، به ثبوت رساند. من البته از این اظهارات قصد خودنمایی و یا تذکار اشتباهات طرفداران ائتلاف را ندارم. فقط بیانات مهیج جناب آقای صالح که با سادگی و صراحت تمام اظهار داشتند، مرا برانگیخت که از این شهادت اخلاقی صمیمانه تجلیل و تقدیر نمایم. گمان می‌کنم هر کس دیگر هم از زبان ایشان بشنود که «من به رفقای حزبی خودم پیشنهاد کردم که صالح را به نام مسبب اصلی ائتلاف طی اعلامیه رسمی از حزب خارج کنند. من معتقد بودم که اشتباه، مجازات لازم دارد و برای بقای حزب ایران قربانی را لازم دانستم و خود را پیشنهاد کردم...»^۱ بی‌اختیار در مقابل شخصیت توانای ایشان سرتعظیم فرود آورد. من نیز صمیمانه به ایشان درود می‌فرستم و سرتعظیم در مقابل این شهادت معظم له فرود می‌آورم.

آیا جایی که قوام السلطنه خیانت‌های خود را در پایمال نمودن قانون اساسی و بی‌اعتنایی به حقوق ملی و افکار عمومی مصاحب می‌داند، اعتراف صالح به اشتباه، آن هم اشتباهی که با حسن نیت مرتکب شده است، شایسته احترام و ستایش نیست؟

۱ نقطه چین در اصل.

نتیجه انتخابات اولین کنگره حزب ایران^۱

بر طبق انتخاباتی که در اولین کنگره حزب ایران به عمل آمد آقایان ذیل به عضویت کمیته مرکزی حزب انتخاب شدند:

اللہیار صالح، مهندس علی قلی بیانی، مهندس احمد زیرک‌زاده، دکتر کریم سنجابی، مهندس امیرپایور، محمد پورسرتیپ، مهندس حسینی چون آقای مهندس احمد زیرک‌زاده به علت مسافرتی که در پیش دارند تقاضای شش ماه مرخصی کردند، به جای ایشان آقای دکتر اسدالله بیژن عضو علی‌البدل به عضویت کمیته مرکزی دعوت گردیدند.

در نتیجه انتخابات داخلی کمیته مشاغل و مسئولیت‌های حزبی به ترتیب ذیل معین گردید:

آقای اللہیار صالح رئیس کمیته مرکزی، آقای دکتر کریم سنجابی دبیر حزب، آقای مهندس علی قلی بیانی مدیر کانون تبلیغات، آقای مهندس امیرپایور مدیر کانون مطبوعات و مسئول روزنامه ارگان حزب، آقای دکتر اسداله بیژن مدیر کانون مالی، آقای مهندس نظام‌الدین موحد با همکاری با دبیر حزب، مدیر کانون سازمان.

اعضای شورای حزب طبق انتخاب کنگره و هیات رئیسه آن به نحو زیر است:

رئیس شورا	آقای مهندس احمد زنگنه
نایب رئیس	آقای مهندس جهانگیر حق‌شناس
دبیر	آقای مهندس محمد مشایخی
عضور شورا	آقای نصراله وقار

عضور شورا	آقای ضیاءالدین نهاوند
" "	آقای غلامحسین زیرکزاده
" "	آقای مهندس منوچهر خطیر
" "	آقای مسعود اعظم زنگنه
" "	آقای مهندس قدرت اله تشکری
" "	آقای مهندس علی اصغر اقتصاد
" "	آقای دکتر محمدعلی غربی

۸۰

آیین نامه انتخابات کمیته شهرستان^۱

شورای مرکزی حزب بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی مواد ذیل را در اولین جلسه شورای مرکزی در تاریخ شنبه اول خردادماه یک هزار و سیصد و بیست و هفت تصویب نموده است:

ماه اول: انتخاب کمیته شهرستان به وسیله افراد حزب عضو آن شهرستان و به ترتیب انتخاب مستقیم و جمعی به عمل می آید.
ماده دوم: هر یک از افراد حزب که در شهرستان دارای ورقه عضویت بوده و یا از شهرستان دیگر به آنجا منتقل شده باشد، حق شرکت در انتخاب را دارد. مشروط به اینکه لااقل تا سه ماه قبل از تاریخ انتخاب حقوق عضویت خود را پرداخته باشد.

ماده سوم: کمیته شهرستان لااقل یک ماه قبل از تاریخ انتخاب کمیته جدید، باید انجمن نظارت انتخابات شهرستان را تشکیل و به کمیته

۱. همان، ش م ۷۵۵، ۱۳۲۷/۳/۲۶، ص ۱ و ۴

مرکزی گزارش دهد. انجمن نظارت از پنج نفر اعضا با سابقه حزب مرکب خواهد بود.

تبصره ۱: از شهرستان‌هایی که کمیته شهرستان انتخاب نشده است، هیاتی که بر طبق تبصره ماده ۱۷ اساسنامه از طرف کمیته مرکزی منتسب شده‌اند، موظف هستند انجمن نظارت را انتخاب نمایند.

تبصره ۲: در مواردی که کمیته شهرستان منحل یا مستعفی شده باشد، از طرف کمیته مرکزی سه نفر به عنوان کمیته موقت منتسب می‌شود که امور شهرستان را اداره نمایند. همین هیات موظف هستند انجمن نظارت را انتخاب نمایند.

ماده چهارم: انجمن نظارت در اولین جلسه از بین اعضا خود یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس و یک نفر منشی انتخاب می‌نماید.

ماده پنجم: انجمن نظارت پس از تهیه مقدمات انتخاب، عده افراد کمیته شهرستان که بر طبق اساسنامه باید انتخاب شوند و روز و ساعت شروع و خاتمه انتخابات را به وسایل مقتضی به اطلاع افراد حزب می‌رساند. فاصله اعلان انجمن و روز انتخابات نباید از سه روز کمتر باشد، و محل انتخاب باشگاه حزب خواهد بود.

ماده ششم: انجمن نظارت تا سه روز پس از انجام یافتن انتخابات به اعتراضات حاصل از طرف افراد حزب رسیدگی می‌کند و پس از آن موظف است که اعتبارنامه‌های انتخاب‌شدگان را با گزارش انتخابات حداکثر تا یک هفته به کمیته مرکزی حزب بفرستد، تا ابلاغ انتخابات اعضا کمیته شهرستان صادر گردد.

ماده هفتم: انحلال انجمن نظارت قبل از صدور ابلاغ انتصاب اعضا کمیته شهرستان، از طرف کمیته مرکزی و فقط به دستور کمیته مرکزی خواهد بود.

[مقاله] پیش درآمد مبارزات نفت و اولین متینگ

دانشجویی مربوط به آن^۱

نوشته: ع. داودی صوفی، امین صلح همدان
 ابتکار این دموستراسیون عظیم و کنترل آن علیرغم نوشته روزنامه
 داریا با حزب ایران بود.

اداره روزنامه جبهه آزادی ارگان حزب ایران: آقای سردبیر مسئول
 احتراماً چون در شماره چهل و پنجم سال دوازدهم شنبه ۱۲ بهمن
 جاری مجله هفتگی خواندنی‌ها، مطالبی نقل از روزنامه دار یا تحت عنوان
 «بتها را بشکنیم، وقایع سالهای اخیر و پیش درآمد نفت»، درج گردیده بود
 که نویسنده آن - آقای ارسنجانی - مطالبی دور از حقیقت، له خود و علیه
 جبهه ملی منتشر و افتخارات مبالغه‌آمیزی بخود نسبت داده بودند،
 این جانب بنا به سوابق حزبی که در کوران وقایع موصوفه کم و بیش دارد،
 از نظر وظیفه اجتماعی خود و برای روشن نمودن واقعیت امر از لحاظ
 تاریخ، مبادرت به تحریر مقاله زیر ورزیدم:

در تابستان سال ۱۳۲۷ چون هنوز مذاکرات راجع به نفت بین نماینده
 تام‌الاختیار ایران و گس نماینده سابق شرکت نفت به‌طور محرمانه جریان
 داشت، خواستند قبلاً جاده‌ها را کوبیده و محیط را مساعد بسازند. برای
 این موضوع مقررات سختی در تهران و خارج و همچنین در مدارس و
 دانشگاهها وضع شده بود. از جمله، شرط اسم‌نویسی و ادامه تحصیل در
 دانشگاه این بود که دانشجو بایستی کتباً طبق فورمول مخصوصی تعهد
 کتبی بدهد که هیچ‌گونه فعالیت و یا دخالتی در امور سیاسی نداشته باشد!
 نویسنده در آن موقع در سال سوم دانشکده حقوق مشغول تحصیل بودم.

۱. جریده جبهه آزادی، ش ۹۶، ۱۳۳۰/۱۱/۲۱، ص ۲

ضمناً کنترل شدیدی از طرف ستاد ارتش (رزم آرا) با همکاری اولیاء دانشکده حقوق که ریاست آن با مرحوم دکتر زنگنه و معاونت آن با آقای دکتر هدایتی بود، در دانشکده به عمل می آمد که سعی می شد اگر دانشجویی (وارد معقولات شود) او را به سختی تنبیه نمایند. نگارنده در همان سال مسئول سازمان جوانان حزب ایران بودم.

در یکی از جلسات حوزه دانشجویان حقوق (سازمان) تصمیم گرفتیم از امضاء این تعهدنامه که قبول محرومیت غیرقانونی از حقوق معینه در قانون اساسی بوده، خودداری نماییم. مقاومت شروع شد و مرحوم دکتر زنگنه هم لجاجت داشت که حتماً از ما تعهد بگیرد. کم کم دامنه مقاومت در برابر اخذ تعهد به سایر دانشکده ها کشیده شد. و اولیاء دانشگاه در اثر فشار مقامات (غیردانشگاهی) تصمیم گرفتند همه آن هایی را که تعهدنامه را امضاء ننموده اند و بالتبینه اسم نویسی نکرده بودند را جهت خدمت وظیفه به اداره نظام وظیفه عمومی معرفی نمایند. اداره نظام وظیفه هم شروع به جلب و اعزام دانشجویان به دانشکده افسری نمود. برای اینکه ما را هم از سنگر مفید مبارزاتی دانشگاه طرد نکنند، چند خط غیرخوانا به نام امضاء پایین (تعهدنامه) گذاشته و منتظر فرصت نشستیم تا عملاً (حضرات) را از خر شیطان پایین آورده و اعتبار کمندی (تعهدنامه نفتی) را زایل و خنثی نماییم. در همین موقع جریان مذاکرات محرمانه راجع به نفت بین (گس و گلشایبان) خیلی بطنی جریان داشت و دائماً در جراید می خواندیم که گس قهر نموده و مذاکرات را قطع و به لندن رفته و شرط تجدید مذاکرات را موافقت با قبول فلان (ماده) [چند کلمه ناخوانا] و مضحک ادامه داشت. جناب آقای (ساعداالوزاره) هم در مقابل اضطراب بعضی نمایندگان جواب می دادند «مذاکرات جریان دارد و بزودی طلیع سعادت بخش آن ظاهر و نتایج آن به مجلس گزارش می شود.»

در این مواقع بعضی از جراید هم مطالبی درباره نفت (بدون امضاء

نویسنده) انتشار می‌دادند. از جمله روزنامه دموکرات ایران مطالبی منتشر می‌ساخت که اساس آن روی مقایسه حق‌الامتياز نفت ایران با سایر کشورهای نفت‌خیز بود. مقصود نویسنده این بود که بهای حق‌الامتياز و همچنین تسعیر لیره‌های پرداختی بایستی بر اساس نفت ونزوئلا (مثلاً) قرارداد شود. برای این‌که از موضوع خارج نشویم بحث روی سلسله مقالات روزنامه دموکرات ایران را از شش ماهه دوم سال ۱۳۲۷ راجع به نفت به وقت دیگری موکول و اکنون می‌رویم روی اصل موضوع.

در حزب ایران از موقع طرح مسئله نفت شمال و امضاء مقاله‌نامه قوام - سادچیکف فعالیتی راجع به نفت و دنبال کردن مسائل نفت جریان داشت. نظر حزب این بود که مطالب لازم راجع به نفت ایران را جمع‌آوری و در موقع خود به‌نام بروشور حزبی منتشر کند. برای این‌کار به چند نفر از اعضا کمیته و خارج، مأموریت مطالعه در این امر را محول و بلافاصله کمیته‌ای از آقایان مسئولین تشکیل و مشغول فعالیت شدند. در اواخر پاییز سال ۱۳۲۷ آقای عباس اسکندری در مجلس پانزدهم مطالبی راجع به نفت اظهار و دولت را استیضاح نمود. اساس اظهارات آقای اسکندری هم روی قلت حق‌الامتياز بود و طوری که نشان می‌داد مطالب خود را از مراجع روزنامه دموکرات ایران اتخاذ و با یک نقش ماهرانه‌ای لزوم تجدیدنظر و اصلاح قرار داد ۱۹۳۳ را گوشزد می‌نمود، تا زمینه قرارداد جدیدی را بین نمایندگان و خارج [از مجلس] فراهم بیاورد!

در همان موقع عناصر ملی و اصلاح‌طلب نیز با کنجکاوی خاصی اهمیت موضع را دریافته و با دقت موضوع را نظارت و تعقیب می‌نمودند. در اغلب حوزه‌های دانشجویی حزب ایران، راجع به این موضوع بحث پیش می‌آمده تا این‌که در یکی از جلسات دانشجویان حزبی دانشکده حقوق در همان [چند کلمه ناخوانا] شد اعلامیه‌ای راجع به نفت صادر و همچنین اعلام میتینگ نموده و از سایر دانشجویان تقاضای کمک و

همکاری شود. این اعلامیه پیش‌نویس شد و با تصویب کمیته مرکزی به نام اعلامیه سازمان دانشجویان حزب ایران چاپ و فردای آن روز منتشر گردید. (عین اعلامیه در کتاب نفت حزب ایران درج گردیده است.) غرض ما این بود که اگر نقش بازیگران این است که زمینه را برای عقد قرارداد مناسبتری در دوره دموکراسی فراهم آورند، از آن جلوگیری و اگر همه حرفها و نوشته‌های بازیگران از حدود خیمه‌شب بازی تجاوز نمی‌کرد، در عوض ما آن را جدی تلقی نموده و وارد مرحله آشتی ناپذیر بنماییم.

پس از انتشار اعلامیه سازمان دانشجویان حزب ایران، دستجات دیگری از قبیل (ناسیونالیست‌ها) و (طرفداران حزب دموکرات) تصمیم گرفتند خود را وارد معرکه نموده تا از این نمد کلاهی به نفع خودشان ببندند. باز هم حزب توده در آن موقع دچار شک و تردید همیشگی خود گردید و از اتخاذ تصمیم در این موضوع غافل مانده و سپس پشیمان شد و برای جبران امر مسئله بانک شاهی را مطرح نمود. در حالی که این موضوع هم برای حزب توده ابتکاری نبود و راجع به این امر سابقاً حزب ایران رساله‌ای منتشر ساخته بود. در حالی که حزب توده در آن موقع هم از تعقیب مسئله بانک غافل مانده بود. برای اینکه مقصود ما از تشکیل میتینگ و انجام (دمونستراسیون) تحقق پذیرد، تصمیم گرفتیم که با یک اتحاد اصولی با سایر دستجات و جلب موافقت فردفرد دانشجویان میتینگ را برگزار نماییم. پس از تقاضا ائتلاف در اتحاد اصولی، بلافاصله این تقاضا از طرف سایر دستجات اجابت و هر دسته و حزب نمایندگان خود را برای مذاکره و تهیه برنامه به ما معرفی و بلافاصله شروع به کار نمودیم. ضمناً بطور معترضه توضیح می‌دهد در آن موقع چند دسته مشخص فعالیت مسلکی داشتند و این‌ها عبارت بودند از: حزب ایران، حزب توده، طرفداران حزب دموکرات (قوام‌السلطنه)، ناسیونال سوسیالیست‌ها (پان ایرانیست‌های فعلی).

طرفدارای حزب دموکرات شامل بود از یک عده جوانان رفیق که انجمن انس در دانشکده و منازل خود تشکیل داده بودند. افراد شاخص آن عبارت بودند از: حسن یاری (مسئول فعلی حزب زحمتکشان اهواز) و رهنما و وحدتی و غیره. افراد شاخص ناسیونال سوسیالیست‌ها عبارت بودند از: آقایان عطارد و پزشکی‌پور و غیره و نماینده و دبیر سازمان دانشجویان توده‌ای هم آقای بهزادی بودند.

این جانب پس از چاپ و انتشار آگهی میتینگ نفت که در ذیل آن شعار مشخص حزب ایران (جاوید باد ایران) نوشته شده بود، به همراهی سایر دانشجویان حزبی و دعوت سایر دانشجویان در سالن دانشکده حقوق درباره اهمیت موضوع نفت و اینکه اگر در این موقع حساس خاموش بنشینیم، نزد ملل راقیه جهان ملت بی‌حال و بی‌علاقه به مصالح عالیه کشور معرفی خواهیم شد، ایراد، و در پایان تقاضا نمودم «برای ایجاد هماهنگی کامل و از بین بردن علل نفاق و اختلاف، از همه سازمان‌های دانشجویی تقاضا می‌شود نمایندگان خرد را برای تشکیل کمیته معرفی نمایند.» بلافاصله از بین سازمان دانشجویان توده‌ای آقای بهزادی و طرفداران قوام‌السلطنه آقایان رهنما و وحدتی و از ناسیونالیست‌ها آقای عطارد و پزشکی‌پور معرفی شدند. در همان لحظه بلادرنگ در یکی از اطاق‌های فوقانی دانشکده حقوق تشکیل جلسه داده و برنامه میتینگ را تهیه و شعارهای آن تصویب شد. همان شب پس از اعلام برنامه میتینگ به دانشجویان، برای تهیه و نوشتن شعارهای میتینگ و پرچم و همچنین اعلام خط سیر [چند کلمه ناخوانا] مرتضی خطیبی اقدام نمودم. همچنین آگهی تشکیل میتینگ در جلو بهارستان، مجدداً برای جراید قیام ایران و غیره فرستاده شد. تهیه و نوشتن شعارها و علامات انتظامی دانشجویان تا ساعت ۱۲ شب طول کشید. ناچار همه پرچم‌ها و شعارها را به منزل برده

و صبح روز پنج‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۲۷ به دانشکده آمده و با یک برنامه صحیحی دانشگاه را با همکاری سایر رفقای حزبی و کمیته میتینگ، تعطیل و پس از حضور کلیه دانشجویان در خیابان داخلی دانشگاه به صفوف چهار به چهار از خیابان‌های شاهرضا و شاه‌آباد به میدان بهارستان آمده و در آنجا دانشجویان دانشکده علوم و ادبیات با صفوف خود به ما پیوستند. بلافاصله برنامه میتینگ به وسیله آقای امیرابراهیمی دانشجوی فنی و عضو حزب ایران اعلام و قطعنامه میتینگ قرائت و سپس یک جلد قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ (معروف به سه ستاره) به وسیله آقای ابراهیمی پاره‌پاره گردید. دانشجویان با همان نظم مراجعت و از محوطه دانشگاه متفرق گردیدند. این جانب بنا به دعوت ریاست مجلس به اتفاق آقایان عطار و رهنما و بهزادی و خطیبی به معیت آقای مکی و حائری‌زاده و دکتر معظمی به اطاق هیات رئیسه برای تقدیم قطعنامه رفتیم.

در اینجا برای جواب آقای ارسنجانى بایست گفت برخلاف نوشته ایشان، آقای حسین مکی نه تنها مشغول نوشتن تاریخ نبود بلکه از همان موقع علاقمندی خود را نسبت به مخالفت با نفت و مبارزه دانشجویان نشان می‌داد. در آن روز تنها نمایندگانی که به استقبال دانشجویان آمدند همین آقایان بودند. مخصوصاً هیچ یادم نمی‌رود که گارد نگهبان مجلس به حالت دست فنگ و آماده‌باش در گالری‌ها و مدخل مجلس ایستاده بودند که آقای حائری‌زاده افسر گارد را از مداخله و جلوگیری از میتینگ برحذر نمود. همین آقای مکی بود که استیضاح تاریخی و شکننده خود را در اواخر دوره پانزدهم با سرسختی آنقدر ادامه داد تا مجلس تعطیل و از تصویب فوری لایحه الحاقی گس - گلشائیان جلوگیری به عمل آورد. همچنین مبارزه تاریخی دکتر بقایی با میلیتاریسم سیاه و توطئه وکیل سازی هژیر - رزم‌آرا، بی‌اساس بودن اتهام همکاری و رفاقت او را با هژیر مدلل می‌سازد.

فداکاری و مبارزه مستمر و مسئول و منطقی حزب ایران چه مخالفت با اعطاء امتیاز جدید و چه با قراردادهای اعطایی سابق اظهر من الشمس است. منتهی آقای ارسنجانى فراموش کردند بگویند او و اربابش در زمان حکومتشان نه تنها کلمه‌ای راجع به استیفای حقوق ملت از شرکت غاصب سابق نفت انگلیس و ایران به‌زیان نیاوردند، بلکه هیچ مقاوله‌نامه‌جدیدی را دائر به اعطای امتیاز تازه دیگری به یک دولت نکره و پر زور همسایه دیگر امضاء نموده بودند.

اما راجع به اینکه نوشته بودند قطعنامه میتینگ نفت دانشجویان از من است، بایستی عرض کنم در جلسه آخر کمیته میتینگ تصمیم گرفتیم قطعنامه میتینگ تهیه و نوشته شود. هر کدام از آقایان قطعنامه‌ای ارائه دادند و تقاضا نمودند که همین، قطعنامه میتینگ شود. پس از حک و اصلاح زیاد و اضافه نمودن مطالب دیگری به قطعنامه نوشته یکی از آقایان که گویا از دار و دسته آقای ارسنجانى بود، آن را امضاء و تصویب نمودیم. به این ترتیب به ایشان اطمینان می‌دهیم که قطعنامه دیکته شده ایشان به آن ترتیبی که می‌خواستند مورد موافقت کمیته میتینگ قرار نگرفته بود، تا ایشان روزی بتوانند آن را به خودشان نسبت بدهند.

جتى دو روز بعد از سوء قصد به اعلیحضرت بازهم انگشت ایشان وارد کار شد که به نام تأسف دانشجویان، اعلامیه‌ای به نام دانشجویان منتشر و مطالبی در آن بگنجانند. این نقشه ایشان هم خنثی و باز هم اعلامیه این‌جانب مورد موافقت کلیه دانشجویان که در دانشکده حقوق گرد آمده بودند، قرار گرفت و منتشر گردید. دانشگاه هم آنرا به نام اعلامیه حقیقی دانشجویان [چند کلمه ناخوانا] موجود است.

در خاتمه مجدداً در جواب روزنامه داریا و مقاله آقای ارسنجانى تحت عنوان «بتها را بشکنیم» گفته می‌شود برخلاف ادعای ایشان مبارزه نفت از

اول به وسیله حزب ایران و عناصر ملی که تا امروز هم مورد توجه و عنایت افکار عمومی هستند، از اعلامیه معروف (حزب ایران) دایره به مخالفت با اعطای امتیاز نفت به بیگانگان و میتینگ دانشجویان شروع و به وسیله همین عناصر شرافتمند و با پرنسیب تا امروز هم ادامه پیدا نموده است.

۸۲

[اطلاعیه حزبی]^۱

روز یکشنبه ۱۳۲۸/۵/۲۳ (فردا) ساعت ۷ بعد از ظهر آقای مهندس احمدزیرک زاده تحت عنوان «تفسیر اوضاع سیاسی ایران و جهان در شش ماهه اخیر» در باشگاه مرکزی حزب ایران سخنرانی خواهند کرد.

۸۳

کاندیداهای طبقات تحصیل کرده پایتخت^۲

امروز عده‌ای از بازرگانان و طبقات تحصیل کرده مختلف پایتخت چندین صورت از واجدین شرایط مجلس سنا به دفتر باختر ارائه دادند که در لیست اکثر آنها این اسامی دیده می‌شود و ما برای اطلاع خوانندگان عیناً نشر می‌دهیم:

دکتر محمد مصدق، میرزا احمدخان اشتری، سیدابوالقاسم کاشانی،

۱. جریده باختر امروز، ش ۷، ۱۳۲۸/۵/۲۲، ص ۲

۲. روزنامه باختر، ش ۱۷، ۱۳۲۸/۵/۲۶، ص ۴

حائری‌زاده، اللهیار صالح، نریمان، دکتر شایگان، دکتر جهان‌شاه صالح،
دکتر امین‌الملک مرزبان، امیر تیمور کلالی، دکتر عبدالله معظمی،
ضیاء‌الملک فرهمند، سرتیپ انصاری، میرزا محمد لواسانی، مهندس
بازرگان، دکتر قاسم‌زاده، ملک‌الشعراء بهار، حاج‌امین‌التجار اصفهانی،
امیر جنگ اسعد، وحید تنکابنی، میرزا احمدخان سعیدی، حاج‌عباس
قلی‌بازرگان، علی دهخدا، دکتر سنجابی، سرلشکر ناصرالدوله فیروز،
محمد عبده، حسین نقوی، محمود سرشار، دکتر ابوالقاسم بهرامی،
عبداله مستوفی، محمد سنگلجی، شمس‌الدین امیرعلایی،
ابتهاج‌السلطان محوی، محمدرضا خرازی، سیف‌الدناب، حسن ناصر،
جلیل‌الملک شیبانی.

۸۴

انتخابات سنا^۱

هم‌وطنان، افراد حزب ما بزرگترین مراعاتین منافع ملت ایران هستند. اگر
می‌خواهید در مجلس سنا صدای ملت ایران همیشه بلند باشد به
نامزدهای حزب ایران:

۱. جناب آقای اللهیار صالح ۲. دکتر اسدالله بیژن (استاد دانشگاه)
۳. دکتر کریم سنجابی (استاد دانشگاه) ۴. دکتر ابراهیم نعمت‌اللهی
(استاد دانشگاه) رای دهید.

جاوید باد ایران
کمیته مرکزی حزب ایران

۱. اطلاعات، ش ۷۰۱۶، ۱۳۲۸/۶/۶، ص ۱۱.

۸۵

سخنرانی آقای مکی^۱

دیشب در باشگاه حزب ایران ساعت ۷ بعد از ظهر عده‌ای از رجال و محترمین و وزراء و نمایندگان سابق و گروهی از دانشجویان و طبقات مختلف اصناف که بیش از دو هزار نفر می‌شد، در سخنرانی که آقای مکی تحت عنوان (وظایفی که مجلس شانزدهم به عهده دارد) ایراد کردند، حضور به هم رسانیدند. آقای مکی درباره اوضاع بین‌المللی و موقعیت احزاب ایران و وظایف پارلمان آزاد و مطبوعات آزاد و انتخابات آزاد قریب دو ساعت صحبت کردند. سخنرانی ایشان چند مرتبه در میان کف‌زدن‌های حاضرین قطع می‌شد. در پایان از طرف دستجات مختلف چند دسته گل هنگام خروج از حزب به ایشان تقدیم گردید.

۸۶

نامه حزب ایران در مورد بانک صنعتی^۲

امروز نامه‌ای به مضمون زیر از طرف دبیر کمیته مرکزی حزب ایران به دفتر ما رسیده است: جریده شریفه باختر، محترماً اشعار می‌گردد در شماره ۲۱ مورخ سی و یکم خرداد آن روزنامه تحت عنوان «به دستور آقای دکتر نصر چند تن از مهندسين وابسته به حزب ایران امور بانک صنعتی را عهده‌دار شدند.»

چون در ایام تصدی جناب آقای دکتر نصر هیچ یک از اعضاء حزب در هیچ یک از مقامات بانک صنعتی دخالتی نداشته‌اند، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب تصحیح شود.

۱. باختر، ش ۲۷، ۱۳۲۸/۶/۷، ص ۴

۲. همان، ش، ۲۸، ۱۳۲۸/۶/۸، ص ۴

۸۷

[بیانیه حزبی]^۱

حزب ایران که همواره خواستار ترقی و تعالی ایران بوده و مدت هفت سال است که پیوسته در این راه مبارزه می‌نماید، برای دفاع از منافع ملی، آقای دکتر محمد مصدق و هم‌مسلمانان محترم خود آقایان: اللهیار صالح، مهندس احمدزیرک‌زاده، مهندس کاظم حسیبی، دکتر کریم سنجابی را برای نمایندگی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی نامزد نموده است. از تمام هم‌میثان عزیز خواستار است که با تأمل در شخصیت هریک به آن‌ها رای بدهند.

جاوید باد ایران

کمیته مرکزی حزب ایران

۸۸

نامه حزب ایران به دکتر مصدق^۲

جناب آقای دکتر محمد مصدق

با وجود منویات آزادی خواهانه اعلیحضرت همایونی و تأکیدات مکرر ذات شاهانه، بنابر تلگراف‌های متعددی که از رشت رسیده است انتخابات آن شهرستان به صورت شرم‌آوری انجام گرفته است. اینک به وسیله تقدیم رونوشت نامه ۸۷۹ مورخ ۱۳۲۸/۷/۱۵ شعبه رشت حزب ایران خاطر محترم آن جناب را از جریان غیرقانونی انتخابات آن

۱. روزنامه کیهان، ش ۱۹۴۷، ۱۳۲۸/۷/۱۲، ص ۵

۲. روزنامه باختر، ش ۶۹، ۱۳۲۸/۷/۲۷، ص ۴

شهرستان مستحضر داشته و اضافه می‌نماید که اگر از عملیات خلاف قانون در انتخابات رشت جلوگیری می‌شد، مسلماً کاندیدا حزب ایران که در وضع فعلی حائز رتبه سوم است، دارای رتبه دوم و بالتیجه در انتخابات موفق می‌گردید و اهالی شهرستان رشت لااقل یک نفر نماینده واقعی در مجلس می‌داشتند.

جاوید باد ایران

کمیته مرکزی حزب ایران

۸۹

تشکیل جبهه ملی^۱

دیشب در تعقیب دو جلسه سابقه که در منزل آقای دکتر مصدق تشکیل شده بود آقایانی که در تحصن دربار شرکت داشته‌اند، مجدداً تشکیل جلسه داده و پس از مذاکراتی که بیش از سه ساعت طول کشید، تصمیمات زیر اتخاذ گردید:

۱. هیات مزبور از این پس به نام جبهه ملی نامیده خواهد شد.
۲. کمیسیون مرکب از آقایان: مشار اعظم، دکتر شایگان، نریمان، امیرعلایی، دکتر سنجابی برای تهیه اساسنامه و آیین‌نامه‌های مربوط به جبهه انتخاب گردیدند.
۳. کمیسیون تبلیغات مرکب از مدیران جراید عضو جبهه ملی، آقایان: عباس خلیلی، احمد ملکی، عمیدی نوری، دکتر بقایی، حسن صدر، جلالی نائینی، دکتر حسین فاطمی، مهندس زیرک‌زاده تعیین و بلافاصله شروع به کار کردند.

۱. همان، ش، ۷۳، ۱۳۲۸/۸/۲، ص ۲

تصمیمات دیگری نیز برای حفظ صندوق‌های تهران و توجه به شکایات انتخاباتی شهرستان‌ها و تنظیم اعتراض به اعمال خلاف قانون شعبه‌های فرعی تهران اتخاذ گردید و تاریخ جلسه بعد ابلاغ شد.

۹۰

[از حزب ایران به استانداری تهران]^۱

حزب ایران، شماره ۲۸۹۱، تاریخ ۲۵/۱۰/۱۳۲۸

مقام محترم استانداری تهران

به فراری که در روزنامه‌ها خوانده شد، استانداری تهران در نظر دارد برای عضویت انجمن نظار انتخابات تهران از نمایندگان احزاب نیز دعوت کند. پس از اظهار کمال تشکر از اتخاذ این تصمیم که قطعاً به نفع آزادی انتخابات تمام خواهد شد، با توجه به اینکه در حال حاضر حزب ایران تنها حزبی است که دارای سازمان منظم و شعب متعدد در شهرستان‌ها است، به علاوه هفت سال سابقه فعالیت سیاسی دارد، تمنی می‌شود از دعوت نمایندگان حزب ایران دریغ نفرمایند.

جاوید باد ایران، دبیر کمیته مرکزی حزب ایران

[در حاشیه آمده است] خیلی فوری است: آقای شهریاری مذاکره

شود.

۲۸/۱۰/۲۵

[امضاء: ناخوانا]

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳-۲۹۳-۰۰۳۸۰۰۲۴

تلگراف اساتید دانشگاه برای آزادی دکتر بقایی^۱

پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
رای دادگاه نظامی درباره آقای دکتر مظفر بقایی استاد دانشگاه که از
افراد وطن پرست و با شخصیت این کشور است، قاطبه استادان دانشگاه را
متأثر نموده، همگی امیدوارند نظر به توجه خاص بندگان اعلیحضرت
همایونی به افراد دانشمند و به اجرای حق و عدالت، مشارالیه مورد
عواطف ملوکانه قرار گیرد:

مهندس حسینی، دکتر فرشاد، دکتر افضل‌پور، دکتر علی اکبر بینا،
دکتر منجمی، مهندس ریاضی، مسعود کیهان، مهندس عطایی، دکتر
علی اکبر سیاسی، دکتر جهان‌شاه صالح، دکتر غلامحسین صدیقی، دکتر
سهراب، دکتر توسلی، دکتر سبحانی، دکتر چهارزی، دکتر اسمعیل بیگی،
علی پاشا صالح، دکتر ابوالقاسم بهرامی، دکتر سپهبدی، دکتر مصطفی
فاطمی، دکتر عالمی، دکتر میربابایی، مهندس شیبابی، دکتر کنی، دکتر
رادفر، دکتر مجتهدی، دکتر حفیظی، افشار، دکتر عابدی، دکتر عمید،
دکتر عقیلی، دکتر خبیری، دکتر بهرامی، دکتر صورتگر، مهندس بازرگان،
دکتر انصاری، دکتر غلامرضا شیخ، دکتر ابوالحسن شیخ، دکتر تقی
فاطمی، دکتر بازرگان، مهندس ساعی، دکتر خمسوی، دکتر کامکار، دکتر
محمودیان، دکتر دهقان، دکتر محمدعلی هدایتی، مهندس سعیدی، دکتر
میر، دکتر عزیز رفیعی، دکتر سیاح، دکتر یگانه حائری، دکتر مقدم، دکتر
عالی، دکتر کیهان، دکتر حسن مافی، مهندس ایرج شمس، دکتر رحیمی،
دکتر جناب، دکتر پریمن، دکتر آشوط، دکتر مستوفی، دکتر فتح‌اله اعلم،
دکتر وصال، دکتر بهروز، دکتر مهدوی، فاضل تونی، دکتر مظفری، دکتر

۱. روزنامه باختر امروز، ش ۱۵۳، ۱۳/۱۱/۱۳۲۸، ص ۴

نعمت‌اللهی، دکتر شیبانی، دکتر هوشیار، دکتر هورفر پورداود، فلسفی، دکتر صادق عزیزی، پروفیسور شمس، دکتر احمدوزیر، دکتر ادیب، دکتر حسن ستوده، دکتر آزاد، مهندس جفرودی، مشکوة، دکتر بیژن، دکتر صدری، مهندس زیرک‌زاده، دکتر هشترودی، پروفیسور اعلم، دکتر فرزد، دکتر ملکی، دکتر عبدالله شیبانی، دکتر مجیر شیبانی، گیلدبراون.

۹۲

جبهه ملی^۱

از طرف دبیر جبهه ملی به آقای اللهیار صالح اطلاع داده شده است که در جلسه آینده جبهه که بعد از ظهر روز شنبه در منزل آقای دکتر مصدق تشکیل خواهد شد، شرکت کند.

خوانندگان محترم توجه دارند که نمایندگان حزب ایران در جلسات جبهه ملی شرکت می‌نمایند. آقایان دکتر سنجابی و مهندس زیرک‌زاده از حزب مزبور در مذاکرات و تصمیمات جبهه مشارکت می‌کنند. اکنون که آقای اللهیار صالح از کاشان انتخاب شده‌اند با نمایندگانی که از اعضای جبهه ملی از تهران به مجلس می‌روند، همکاری خواهند کرد.

هنوز در این قسمت تصمیمی اتخاذ نشده است که آیا در فراکسیون جبهه ملی فقط وکلای اختصاصی جبهه عضویت خواهند داشت، یا اشخاص دیگری نیز که با نظریات ما هماهنگی داشته باشند، در فراکسیون پذیرفته می‌شوند.

۱. همان، ش ۲۱۳، ۱/۲۸، ۱۳۲۹، ص ۴

۹۳

[بخشی از سخنرانی پیش از دستور الهیار صالح در مجلس شورای ملی]^۱

[...] دیگر، درباره حزب ایران در مشهد است که در خراسان آقای صدرالاشراف نسبت به اعضای حزب ایران عملیات شدید خلاف قانونی انجام داده‌اند. (همه نمایندگان) از در جزو از مشهد عده‌ای از اعضای حزب ما را به نقاط مختلف تبعید کرده‌اند و بنده نسبت به این کار معترضم و خواهش می‌کنم که به این عمل خاتمه داده و به این بازی‌های سیاسی خاتمه داده شود.

۹۴

[بخشی از سخنان الهیار صالح در نطق پیش

از دستور مجلس شورای ملی]^۲

[...] موضوع دیگر آنکه فشارهایی که به رفقای حزبی ما در خراسان وارد آورده می‌شود. این موضوع در تمام ولایات سرایت کرده، به طوری که اکنون در خراسان و اصفهان شعب حزب ایران از بین رفته است. در گیلان رفقای حزبی من کمک کردند و روزنامه‌ای به نام «گیلان ما» تأسیس کردند، ولی اکنون گزارشی که از مدیر آن روزنامه می‌رسد را قرائت می‌کنم:

(متن گزارش تصادم بین پلیس و صاحبان درشکه در شهر رشت بود. چون در آنجا تا کسی به کار افتاده بود و درشکه‌چی‌ها اعتراض کردند. بالاخره در اثر دخالت شهربانی موضوع متفی شد. ولی وقتی خبرنگار

۱. همان، ش ۲۶۰، ۱۳۲۹/۳/۲۵، ص ۲

۲. همان، ش، ۲۹۴، ۱۳۲۹/۵/۵، ص ۲

این روزنامه برای کسب خبر می‌رود، از طرف یکی از مأمورین سویل شهربانی سیلی می‌خورد و بعد برای او پرونده ساخته‌اند که آشوب طلب است. ۴۰ نفر درشکه‌چی را هم توقیف کرده‌اند که میان آن‌ها سلمانی و دکاندار دیگر هم موجود است و خانواده‌های آن‌ها بی‌سرپرست مانده است. سپس در نامه اشاره به روش روزنامه شده بود که چون ملی و طرفدار جبهه ملی است، مورد بغض اشخاص معلوم الحال در رشت شده است و موجب ایزدآ و آزار شده‌اند.) این رویه دولت قوی شوکت رزم‌آرا از احقاق حقوق مردم ایران [است].

۹۵

[گزارش شهربانی]^۱

وزارت کشور، شهربانی کل کشور، ادار کارآگاهی، شماره ۱۹۸۲ / ۱۷۰۲۴۰ /
۱۲۱۲۱ / تاریخ ۱۳۳۰/۳/۲۳

محرمانه، خیلی فوری است

وزارت کشور

به عرض می‌رساند در تاریخ ۳۰/۳/۷ کمیته مرکزی حزب ایران شرحی به شهربانی نوشته که از سال ۱۳۲۳ تاکنون حزب مزبور به فعالیت سیاسی وطن پرستانه خود ادامه داده است. سومین کنگره حزب: آقایان مهندس احمدزیرک‌زاده، مهندس کاظم حسینی، مهندس علیقلی بیانی، مهندس نظام‌الدین موحد، دکتر اسداله بیژن، دکتر کریم سنجابی و دکتر هادی خراسانی را به سمت اعضاء کمیته مرکزی انتخاب و تقاضا

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۷-۱۰۰۸۰۰۰۸۰/۲۹۰

نموده‌اند صلاحیت تشکیل حزب مذکور به اداره ثبت شرکتها اعلام گردد. مطابق گزارش اداره آگاهی از اشخاص نام‌برده پیشینه بدی به دست نیامده است. متمنی است مقرر فرمایند نظریه آن وزارت‌خانه را در این مورد به شهربانی کل کشور ابلاغ نمایند تا پاسخ اداره مذکور داده شود. از طرف رئیس شهربانی کل کشور، معزی [امضاء].

۹۶

افتتاح کنگره و سخنان پرمغز و ارج‌دار صالح^۱

چهارمین کنگره حزب ما سه‌شنبه پنجم آذرماه ساعت ۵ بعدازظهر افتتاح یافت. مردان مبارز و جوانان پرشوری که از نقاط دورافتاده و پراکنده ایران به نمایندگی انتخاب شده بودند، در کنگره شرکت کردند. از رشت و تبریز و درگز و اصفهان و شاهرود و خوانسار و اردبیل و شیراز و کرمان و از بسیاری نقاط دیگر نمایندگان به موقع رسیدند. مهندس احمدزیرک‌زاده کنگره را به نام نامی خدا افتتاح کردند و طی سخنان خود اهمیت چهارمین کنگره حزب را به تمام رفقا یادآور شدند. مهندس زیرک‌زاده گفت: ما افتخار می‌کنیم که در پیشگاه ملت پرافتخار و حزب قهرمان خود سربلند و سرافرازیم که وظیفه خود را به خوبی انجام دادیم. حزب ایران در سال آینده وظایفی بزرگ به عهده دارد و من از یزدان پاک خواستارم مثل زمان گذشته در وظیفه‌ای که ملت ایران برای ما معین کرده است، موفق و پیروز شویم.

پس از نطق افتتاحیه، آقای اللهیار صالح به عنوان ریاست سنی اداره جلسه را به عهده گرفتند. آقای صالح طی نطق هیجان‌آور خود، موقعیت

۱. جرید جوانان ایران، ش ۷، ۱۳۳۰/۹/۹، ص ۱ و ۲

تاریک و دقایق حساس تاریخی کشورمان را یادآور شدند. آقای صالح از خصوصیت حزب ایران و ارزش تقوای سیاسی در محیط آن سخن گفتند. آقای صالح وظایف سنگین افراد حزب ایران را در شرایط کنونی یادآور شدند و بالاخره در میان شور و احساسات فراوان رفقا، سخنان خود را با شعار جاوید «جاوید باد ایران» پایان دادند. اعتبارنامه نمایندگان مطرح و پس از کمی جر و بحث تصویب گردید و هیات رئیسه بدین شرح انتخاب شد: آقای صالح رئیس، آقای مهندس بیانی نایب رئیس، و آقایان داوران و خورکامی منشی. بعد کمیسیون مطالعه در تجدیدنظر اساسنامه انتخاب شد. آقایان گیتی بین از تهران، و قاسمی از درگز و فائق از تبریز و راضی از تهران و هدی از رشت انتخاب شدند.

پیشنهاد شد کمیسیونی برای روشن ساختن نقاط ابهام آمیز ایدئولوژی و تئوری مبارزه انتخاب گردد. به پیشنهاد رفقای رشتی این موضوع موکول به بعد شد.

صبح چهارشنبه کمیته مرکزی گزارش فعالیت یک ساله خود را قرائت کرد. کمیته مرکزی زحمات فراوان رفقای حزبی در مبارزه ملی کردن صنعت نفت را بیان کرد. ولی گزارش تشکیلاتی و تبلیغاتی قانع کننده به نظر نمی رسید. بحث در [خصوص] گزارش آغاز شد.

نخشب از تهران شروع به صحبت کرد. او خواستار مبارزه جدی تر و بی رحمانه تر بر علیه رژیم سرمایه داری بود. او می گفت حزب ما شرایط لازم برای ایجاد یک مبارزه دامنه دار و عمومی را بدست آورده و باید با روشی قطعی تر و تئوری مبارزه صریحتر، به دشمن کهنسال و فرتوت خود حمله ور شویم.

سمیعی از تهران و خورکامی از رشت و فائق از تبریز و صدوری از اردبیل انتقادات و نظریات خود را بیان کردند. راضی نماینده دیگر تهران

در سخنان گیرای خود تجربیات به دست آورده از مبارزه شیراز را شرح داد. قاسمی نماینده دلیر و مبارز درگزر با قیافه‌ای که حاکی از رنج‌ها و صدمات پیکار اجتماعی او بود، شرح مؤثری ایراد کرد و گفت، اگر در زمان هژیر و رزم‌آرا و منصور، رفقای مبارز ما درگزر در تبعید بودند، جای تأسف نبود. ولی زمانی که جبهه ملی قدرت را بدست گرفت، چرا باید رفیق دلیر ما سلطانی در گناباد همچنان در تبعید باشد. چرا جبهه ملی مبارزه مردان فداکار و از خود گذشته‌ای که در زیر برق سرنیزه حکومت نظامی هژیر و رزم‌آرا نبرد می‌کردند را فراموش کرده است.

در این موقع خرمشاهی از مشهد وارد شد، همه از دیدن رفیق از راه رسیده، شاد شدند. چند دقیقه نگذشته بود که مهندس امیر ابراهیمی نماینده جوان و فعال آبادان با قیافه‌ای که گرد و خاک سفر به همراه داشت، در جلسه شرکت کرد. به احترام فعالیت‌های او لبخند تحسین‌آمیز بر لبها نمودار گشت.

دلاوران نماینده دلاور تبریز آغاز سخن کرد. او گفت: با اینکه جناب آقای دکتر سنجابی وزارت فرهنگ را برعهده داشتند. رفقای مبارز حزبی ما را از دبیرستان‌ها بیرون می‌کردند. به داد و فریاد ما کمتر توجه می‌شد. من نمی‌دانستم به قیافه جوانان مبارزی که به جرم وطن‌پرستی به‌دست معلمین فریب‌خورده توده‌ای رفوزه می‌شدند، چگونه نگاه کنم؟! داوران نمی‌دانست که رفقای وزیر ما فقط و فقط به عنوان کمک به برنامه ملی شدن صنعت نفت در دولت شرکت کردند و نمی‌توانستند در راه مقاصد ملی دیگر، موضوع مهم و اصلی مبارزه برعلیه سیاست استعماری انگلستان را فراموش کنند.

پایان چهارمین کنگره حزب پرافتخار ما، انتخابات داخلی حزب^۱

روز پنج‌شنبه گذشته [۲۱ آذر ۱۳۳۰] چهارمین کنگره حزب ایران در میان ابراز احساسات عموم نمایندگان کنگره و تماشاچیان خاتمه یافت. چهارمین کنگره حزب ایران خط‌مشی سیاسی حزب را در سال آینده از لحاظ داخلی و خارجی و اقتصادی معین کرد که به طور خلاصه می‌توان گفت این خط‌مشی حول محور «آزادی کامل سیاسی و اقتصادی ایران و مبارزه قطعی و شدید با عمال استعمار و فئودالیسم و سرمایه‌داری و هر گونه استعمار و استثمار و هر نوع امپریالیسم» دور می‌زند.

در آخرین جلسه کنگره جناب آقای اللهیار صالح سخنرانی مؤثری ایراد کرده و از عموم رفقای حزبی خواستار اجرای منویات چهارمین کنگره و فعالیت و فداکاری برای نجات مردم محروم و زحمتکش ایران شدند.

انتخابات داخلی حزب

کنگره حزب اعضاء کمیته مرکزی و هیات عالی نظارت و هیات دادرسی را به شرح زیر انتخاب نمود:

۱. کمیته مرکزی: آقایان: دکتر کریم سنجابی، مهندس حسینی، مهندس زیرک‌زاده، مهندس بیانی، حسین راضی، دانشپور، گیتی بین، ناصر موسوی، مهندس پایور.
۲. هیات عالی نظارت: آقایان: دکتر جناب، محمد نخشب، مهندس تشکری، خروش، مهندس حق‌شناس.
۳. هیات دادرسی: آقایان قاسم تویسرکانی، رأفت، حمید رواسانی.

۱. همان، ش ۹، ۲۳/۹/۱۳۳۰، ص ۱

رشت پایگاه بزرگ حزب ما^۱

با شروع انتخابات و اعلام کاندید حزبی در رشت فعالیت شدیدی در گیلان از طرف حزب ما آغاز شده است. رفقای حزبی و افراد سازمان، شب و روز مشغول فعالیت و کوشش بر علیه فئودال‌ها و صندوق‌سازها می‌باشند. مردم رشت با استقبال شدیدی که از افراد حزب در همه نقاط و دهات به عمل می‌آورند، علاقه و اعتماد خود را به حزب ایران، حزب نجات‌بخش ملت ایران ابراز می‌دارند. در رشت تعداد کسانی که برای ثبت نام و قبول عضویت به حزب مراجعه می‌کنند، هر روز و هر لحظه زیادتر می‌شود. حزب در سایر نقاط گیلان نیز هماهنگ با تشکیلات رشت، توسعه می‌یابند، رفقای ما در لنگرود و بندر پهلوی، صومعه‌سرا و فومن و سایر نقاط، توانسته‌اند با ابراز شایستگی و لیاقت اعتماد و احترام قاطبه اهالی روشنفکر گیلان را به خود جلب نمایند.

مبارزه‌ای که در گیلان بر علیه فئودالیسم از طرف حزب ما شروع شده، به کمک دهقانان که در تشکیلات و مکتب حزب ما تربیت می‌شوند، روزبه‌روز توسعه می‌یابد. همه جا نام حزب ایران با افتخار و سربلندی، پیروزی و مبارزه همراه است. اکنون حزب ما در گیلان تنها دستگاه مؤثر اجتماعی است که برای آزادی و سعادت ملت ایران فعالیت می‌کند. در همه جا حزب ایران پناهگاه کارگران و دهقانان و روشنفکران در حال توسعه می‌باشد. و علیرغم کارشکنی‌ها و مخالفت بی‌فایده مؤتلفین چپ و راست، به راه پرافتخار خود ادامه می‌دهد.

مردم گیلان بالاخره پس از چند سال، تشکیلات مطمئن و مقتدری در گیلان ایجاد کرده‌اند که نه فقط در نهضت اخیر ملت ما سهم بزرگی دارد،

۱. جریده جبهه آزادی، ش ۶۸، ۱۵/۱۰/۱۳۳۰، ص ۱ و ۴

بلکه تنها تشکیلاتی است که می‌تواند سعادت آینده اجتماع ایرانی را تضمین نماید. [...]

۹۹

بیانیه سازمان جوانان حزب ایران، شیراز^۱

جناب آقای دکتر شایگان، رونوشت حضرت آیت‌اله کاشانی، رونوشت توسط آقای حسین راضی کمیته مرکزی حزب ایران، رادیو تهران، جبهه آزادی، جوانان ایران، باختر امروز، سیاست ما، شورش، گرداب، پرخاش تهران. سازمان جوانان حزب ایران شعبه شیراز به نمایندگی قاطبه جوانان و روشنفکران و مردم شیراز، از آن جناب که حقیقتاً مورد توجه و اعتماد عموم ایرانیان و بویژه شیرازیان می‌باشند، تقاضا دارد که با اعلام قبول نمایندگی این دوره شیراز، هم‌شهریان خود را مفتخر فرمایند تا از پرتو توجهات جنابعالی محرومیت‌های گذشته اهالی فارس جبران گردد.

از طرف سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان حزب ایران شیراز: هوشنگ زرکش، حسین نامنی، ناصر جاوید، محمدعلی کسرائیان، احمد شهبواری، ابراهیم عطاران، احمد معتمدی، محمدخلیل دانشی، رضا تریاکچی، محمدجواد مختاری، حبیب آیت‌اللهی، خلیل عطاران، حبیب پیمان، محمد سالک‌نژاد، حسین همت، اسمعیل فضل‌علیزاده، عبدالوهاب مینایی، رسول طوبایی، ایرج توللی، محمدصادق امامی، محمود پیمان، منصور پورعماد، اصغر انتظاری، محمدحسن درستکار، قاسم حمیدی، هوشنگ ساعدی، حسین حقیقی، عزیز مسعودی، ناصر ماجدی، ابراهیم کازرونی، احمد عابد، علی زارع.

اساسنامه سازمان جوانان حزب ایران^۱

سازمان جوانان تشکیل می شود از:

۱. حوزه ۲. سازمان شهرستان ۳. کمیته مرکزی ۴. کنگره

فصل اول: حوزه

۱. حوزه نخستین واحد تشکیلاتی سازمان است و عده افراد و طرز اداره آن برطبق آیین نامه مخصوص تعیین خواهد شد.

۲. حوزه هر هفته یک بار تشکیل می شود و از نظر تجانس افراد از حیث سن و معلومات باید طوی ترتیب داده شود که برنامه های آن مورد استفاده همه قرار گیرد. از نظر پیشرفت تاکتیک سازمان، باید سعی شود حوزه های دانش آموزان و دانشجویان حتی الامکان از افرادی تشکیل شوند که وحدت آموزشگاه و حتی وحدت کلاس نیز داشته باشند.

۳. برای حفظ همبستگی حزبی و ایجاد روح انضباط و اجرای دستورات کمیته سازمان شهرستان ها، در هر حوزه یک نفر رابط از طرف کمیته سازمان شهرستان ها منصوب می گردد. حدود اختیارات رابط بر طبق آیین نامه معین خواهد شد.

۴. افراد هر حوزه در اولین جلسه یک نفر را برای مدت سه ماه به نظامت حوزه انتخاب و توسط رابط به کمیته سازمان شهرستان معرفی می کنند. هیچ ناظم حوزه ای در یک سال بیش از یک نوبت انتخاب نخواهد شد.

فصل دوم: سازمان شهرستان ها

۵. تعداد اعضاء اصلی کمیته شهرستان پنج نفر و اعضاء علی البدل سه

۱. جریده جوانان ایران، ش ۱۵ - ۱۹/۱۱/۱۳۳۰، ص ۱ و ۴

نفر است که در هر دوره با رای مستقیم افراد سازمان شهرستان انتخاب می‌شوند.

۶. کمیته شهرستان سازمان جوانان از لحاظ تاکتیک سیاسی و تبلیغات تابع کمیته شهرستان حزب است. ولی از لحاظ تشکیلات تابع کمیته مرکزی سازمان جوانان خواهد بود. برای رعایت این موضوع از طرف کمیته شهرستان حزب، یک نفر به عنوان نماینده در کمیته شهرستان سازمان جوانان شرکت می‌کند.

۷. کلیه جلسات کمیته سازمان جوانان باید با حضور نماینده کمیته شهرستان حزب تشکیل شود. اگر نماینده کمیته نتواند در جلسه حاضر شود، باید تشکیل جلسه با اطلاع او باشد و گزارش آن نیز به اطلاع او برسد. به طور کلی تصمیمات کمیته سازمان جوانان که مربوط به خط مشی و تظاهرات خارجی سازمان باشد، فقط با موافقت نماینده شهرستان حزب، قابل اجرا می‌باشد.

۸. در هر شهرستان که شعبه حزب رسماً دایر شده باشد، در صورتی که تعداد افراد آن برای تشکیل سازمان جوانان به ۳۰ نفر بالغ شود، سازمان جوانان آن شهرستان به پیشنهاد کمیته مرکزی سازمان و تصویب [کمیته] مرکزی حزب تشکیل می‌گردد و انتخاب اعضای کمیته سازمان جوانان آن شهرستان انجام می‌گیرد. در صورتی که این حد نصاب حاصل نشده باشد، با موافقت کمیته مرکزی حزب، کمیته مرکزی سازمان می‌تواند سه نفر از میان افراد سازمان آن شهرستان را به سمت هیات اجرائیه موقت منصوب دارد که امور سازمان آن شهرستان را اداره کنند.

۹. منطقه سازمان جوانان هر شهرستان همان است که در مورد حزب مقرر شده.

۱۰. کمیته سازمان جوانان در هر شهرستان در اولین جلسه خود یک نفر را به سمت دبیر سازمان انتخاب می‌کند و سایر تشکیلات خود را مانند کمیته مرکزی سازمان دایر می‌کند.

۱۱. کمیته مرکزی^۱ سازمان جوانان از پنج نفر اعضای اصلی و سه نفر علی‌البدل تشکیل می‌گردد که در هر دوره توسط کنگره سازمان جوانان انتخاب می‌شوند.

۱۲. کمیته مرکزی سازمان جوانان موظف به اجرای مفاد اساسنامه و تاکتیک مصوب کنگره سازمان و اخذ تصمیمات کلی در زمینه خط مشی سازمان و عزل و نصب دبیر و تهیه طرح آیین‌نامه‌های مربوطه برای تصویب کمیته مرکزی و شورای مرکزی حزب می‌باشد.

۱۳. در صورت کناره‌گیری یکی از اعضای اصلی کمیته یا غیبت که از سه ماه تجاوز کند، دبیر سازمان یکی از اعضای علی‌البدل را به ترتیب اکثریتی که در انتخابات داشته‌اند، به کار دعوت می‌نماید.

۱۴. کمیته مرکزی سازمان پس از انتخاب، بلافاصله یک نفر را به سمت دبیر سازمان که مجری دستورات و مصوبات و نظریات کمیته است، انتخاب می‌کند.

۱۵. کمیته مرکزی سازمان جوانان برای اجرای وظایف خود کانون‌های لازم را تشکیل می‌دهد که هر یک از کانون‌ها به تصدی یکی از اعضای کمیته وزیر نظر دبیر، انجام وظیفه می‌کند.

۱۶. کمیته مرکزی سازمان لااقل هفته‌ای یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و اداره جلسات و امضای مصوبات آن به عهده دبیر است.

۱۷. کمیته مرکزی سازمان نظریات و تصمیمات خود را توسط دبیر به کمیته‌های شهرستان‌ها ابلاغ می‌کند و نظارت کامل در اجرای آن‌ها معمول می‌دارد.

۱۸. کمیته مرکزی سازمان برای بسط تشکیلات و نظارت و بازرسی دقیق نسبت به امور شهرستان‌ها می‌تواند نمایندگان به شهرستان‌ها بفرستد.

۱۹. در تهران، کمیته مرکزی سازمان جوانان وظایف کمیته شهرستان را نیز به عهده دارد و نماینده کمیته مرکزی حزب به جای نماینده کمیته شهرستان و با همان اختیارات بر کمیته مرکزی سازمان جوانان نظارت می‌کند.

۲۰. کمیته مرکزی حزب هر موقع که صلاح بداند دستور انحلال کمیته مرکزی سازمان را صادر خواهد کرد و در عرض یک ماه نمایندگان کنگره قبل را برای تجدید انتخابات دعوت خواهد کرد. کمیته شهرستان حزب نیز هرگاه مقتضی بداند با اطلاع و موافقت کمیته مرکزی اقدام به انحلال کمیته سازمان شهرستان خواهد نمود.

۲۱. در ابتدای^۱ هر دوره که مدت آن یک سال است، کنگره از نمایندگان سازمان‌های شهرستان در یکی از شهرستان‌هایی که کمیته مرکزی حزب صلاح بداند، تشکیل می‌گردد.

۲۲. تعداد نمایندگان کنگره برای هر شهرستان متناسب با عده اعضاء آن شهرستان است و بر طبق آیین‌نامه مخصوص انتخاب می‌شوند.

۲۳. کمیته مرکزی سازمان باید سه ماه قبل از پایان دوره با موافقت کمیته مرکزی حزب، دستور انتخابات کنگره را صادر و ابلاغ نماید. در صورت وجود مانع، با پیشنهاد کمیته مرکزی سازمان و تصویب کمیته مرکزی حزب مدتی که بیش از یک دوره نباشد، انتخابات کنگره به تعویق می‌افتد.

۲۴. وقت تشکیل کنگره نیمه اول فروردین ماه می‌باشد.

۲۵. به پیشنهاد کمیته مرکزی سازمان و تصویب کمیته مرکزی حزب ممکن است کنگره به طور فوق‌العاده تشکیل شود.

۲۶. وظایف کنگره عبارت است از انتخابات اعضاء اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی سازمان و تعیین برنامه کلی و تاکتیک سالیانه

سازمان در حدود مصوبات کنگره عمومی حزب و در حدودی که با سایر مقررات حزب معارض نباشد.
بررسی گزارش عملیات سازمان بعد از آخرین کنگره که توسط دبیر کمیته مرکزی سازمان داده می شود.
هر امر مربوط به سازمان که به وسیله یک پنجم اعضای کنگره پیشنهاد شده باشد قابل طرح و بررسی است.
۲۷. در تمام جلسات کنگره یک نفر نماینده از طرف کمیته مرکزی حزب شرکت خواهد داشت. جلسات کنگره بدون حضور نماینده مزبور رسمیت نخواهد داشت.
۲۸. تا زمانی که شرایط تشکیل اولین کنگره سازمان جوانان به تشخیص کمیته مرکزی حزب فراهم نشده، افراد سازمان جوانان مرکز، شانزده نفر انتخاب می کنند و کمیته مرکزی حزب از میان آنان اعضا اصلی و علی البدل کمیته مرکزی سازمان را تعیین می کند.

۱۰۱

هم مسلکان شجاع و مبارز ما نخشب و کاشفی از مشهد بازگشتند.^۱

روز یکشنبه (۱۱/۱۳) شهر مشهد شاهد تظاهرات پرشکوهی بود. رفقای سرسخت ما نخشب و کاشفی می خواستند مشهد را ترک کنند. هم مسلکان فداکار مشهدی ما برای بدرقه آمده بودند. فریادهای زنده باد حزب ایران تربیت کننده فرزندان دلیر ایران، جاوید باد حزب ایران و...^۲ در فضای مشهد طنین افکنده بود. هم مسلکان مشهدی رفقای مسافر ما را

۱. جریده جبهه آزادی، ش ۹۳، ۱۳۳۰/۱۱/۱۷، ص ۴

۲. نقطه چین در اصل

تا طرق (چند فرسخی مشهد) بدرقه کردند. در آنجا اتوبوس‌ها توقف کردند و اجتماع بزرگی از برادران ما تشکیل شده بود. ابتدا آقای نخشب عضو هیات عالی نظارت حزب و بعد آقای کاشفی عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان سخنرانی نموده و از احساسات رفقا تشکر کردند. در این موقع گلدان نقره‌ای از طرف سازمان جوانان مشهد توسط آقای علوی‌نژاد دبیر سازمان، تقدیم آقای نخشب شد. سپس آقای شریفی دبیر حزب ایران مشهد در طی سخنرانی جالب خود از فعالیت چهل‌روزه رفقای ما در مشهد تشکر نمودند. در این موقع آقایان نخشب و کاشفی خداحافظی نمودند. ابراز احساسات و تاجر رفقا به قدری زیاد بود که در عین فریاد زنده‌باد نخشب، اشک در چشمان همه حلقه زده بود. در میان فریادها و هورا کشیدن‌ها، برادران مسافر ما سوار اتوموبیل شده و مشهد را ترک کردند. روز دوشنبه آقایان نخشب و کاشفی وارد تهران شدند. روز سه‌شنبه دوستان ما در میان ابراز احساسات شدید عمومی به حزب آمدند. رفقا با شور و هیجان از آن‌ها استقبال کردند. کف‌زدن شدید و هورا کشیدن ممتد ادامه داشت. آقای نخشب در میان ابراز احساسات عموم ابراز داشتند: رفقا، مردم شهرستان‌ها و دهات و روستاهایی که در محیط خود حتی از حمام و چراغ محرومند، به کمک شما و به فعالیت شما نیازمندند. شما وظیفه خطیری دارید. فعالیت کنید. مبارزه کنید. تا دین خود را نسبت به این مردم محروم انجام دهید.

سخنرانی کوتاه آقای نخشب در میان دست‌زدن شدید حضار پایان یافت. سپس آقای حسین راضی عضو کمیته مرکزی از طرف رفقا از آقایان نخشب و کاشفی که با فعالیت شدید و ابتکار مخصوص آقای نخشب، وضع اجتماعی مشهد را تغییر داده و در پیشرفت و تحکیم پایه‌های حزب ایران مشهد و درگزر مؤثر واقع شده‌اند، تقدیر کرد. از طرف آقایان نیز از رفقا که این‌گونه ابراز احساسات نسبت به هم مسلکان خود می‌کنند، تشکر کردند.

[سلسله مقالات نخشب] ایدئولوژی حزبی یا تئوری مبارزه^۱قسمت دوم^۲

در شماره پیش اشاره کردیم که از امروز نقش احزاب سیاسی نه به طور ساختگی و تصنعی، آن طوری که تا به حال به شکل سازمان‌های ادعایی به نام ملت سخن می‌گفتند و از طرف خلق ایران اعلامیه می‌دادند، بلکه به طور مؤثر و واقعی در صحنه مبارزات اجتماعی آشکار می‌گردد. شاید به همین دلیل بود که احزاب سیاسی ما به آنچه باید پایه و اساس حزب قرار گیرد، به خواست‌ها و احتیاجات مردم کمتر توجه داشتند. اغلب این احزاب گرد یک شخصیت سیاسی جمع شده تا چند روزی که امید موفقیت برای آن شخص بود، پای علم او سینه می‌زدند و پس از چندی از دور او پراکنده می‌شدند. اگر تا به حال این حنا رنگی داشت و در نتیجه جهل عمومی و عدم رشد معرفت اجتماعی امید آن می‌رفت که از این راه سودی عاید گردد، بعد از این با تحول دامن‌دار فکری و اجتماعی که سراسر کشور را فراگرفته است، این احزاب به حکم اجبار از بین می‌روند و افراد فهمیده و آگاه و ارزنده آن پای علم را خالی می‌کنند.

حزب باید از افراد هم‌فکر و هم‌عقیده‌ای که در راه نیل به یک هدف مشترک اجتماعی فعالیت می‌کنند، تشکیل شود، و با اشاعه طرز فکر خود، با متوجه ساختن مردم به تأمین منافع اجتماعی آنان، به وسیله همکاری وسیع اجتماعی، قدرتی نیرومند و پایدار برای تأمین احتیاجات و خواسته‌های مردم تشکیل دهد. حزب باید متکی به یک مرام و مسلک اجتماعی مبتنی به طرز فکر فلسفی و جهان‌بینی درست و منطقی باشد، تا

۱. همان، ص ۱ و ۳

۲. قسمت اول ملاحظه نشد.

بتواند در توجه و تفسیر قضایای اجتماعی و استفاده به جا از تمام نیروهای مترقی و پیشرو و رهبری فکری نیروهای مبارز، وظیفه سنگین خود را تا آنجا که ممکن و صحیح است، انجام دهد. ممکن است عده‌ای ایراد گیرند که طبق اصول مسلم آن‌ها (که از نظر ما غیر مسلم است) حزب باید متکی به یک طبقه اقتصادی باشد و در مبارزه اجتماعی حساب طبقه پیشه‌ور و کشاورز و کارگر از هم جدا است. بنابراین تشکیل حزب از افراد هم‌فکر یک ادعای بیجا و در حکم آرزوی ساده‌لوحانه و خام است که هرگز صورت عمل به خود نمی‌گیرد.

ما به این کاری نداریم که خود ایرادکنندگان خیلی اصولی! در عمل به هیچ وجه این اصل را رعایت نکرده‌اند. به این هم کاری نداریم که مشاهدات تاریخی و واقع‌بین‌ترین در استفاده از مبارزه هم‌آهنگ طبقات کارگر و کشاورز و جوانان روشنفکر خرده بورژوا که همه یک هدف اجتماعی را تعقیب می‌کردند، خلاف آن را نشان داد. فداکاری و جانبازی مارکسیست‌ها، تعصب عقیدتی افراد متحزب کمونیست، پیش کشیدن ایدئولسیسم اخلاقی و آرمان‌خواهی به وسیله «ژرژ پولیتسر» و «مارسل کاشن» همه این‌ها نشان می‌دهد که مبانی اتحاد و همبستگی افراد، اشتراک فکر و عقیده آن‌ها است. که نتیجه پیروی از یک مکتب فکری و یک ایدئولوژی زنده و جاندار است. مارکس اگر در اواسط قرن نوزدهم بنای اتحاد را اشتراک منافع مادی قرار داد و تاریخ را نزاع طبقات دانست و منشأ تحولات اجتماعی را تکامل جبری وسایل تولید تصور کرد، لنین در اوائل قرن بیستم، عملاً این را زیر پا گذاشت و اشتراک عقیده را مافوق اشتراک طبقاتی قرار داد. مبارزه قطعی و بی‌پروا و همه‌جانبه [لنین] برای سرنگونی کاخ سرمایه‌داری، جایگزین نفع‌پرستی و سودجویی روزمره تئوری‌های مارکسیستی شد. این تنها و بزرگترین شاهکار لنینیسم بود که سوسیالیسم را از مرحله خیالبافی و گزافه‌گویی‌های سوسیالیست‌های

تخیلی پیش از مارکسیسم و سوسیالیسم «به اصطلاح علمی» مارکس و انگلس، یک قدم به عمل نزدیک کرد. ولی او نمی‌توانست و شرایط زمان هم پیش از این به او اجازه نمی‌داد که بقعه و بارگاه امامزاده مارکسیسم را که قبله‌گاه شیفتگان سوسیالیسم قرار گرفته بود، به کلی خراب و ویران سازد. این وظیفه به عهده سوسیالیست‌های مبتکر و انسان‌های آزاد نیمه دوم قرن بیستم واگذار گردید که در تعقیب لنینیسم که عملاً مبانی ماتریالیستی مارکسیسم را زیر پا گذاشت، از لحاظ ایدئولوژیک و اصول تئوریک نیز مبنای ماتریالیستی سوسیالیسم را بدور اندازند و به قول انگلس که دیالکتیک را از زندان ایده‌آلیسم نجات داده بود، سوسیالیسم را از محیط محدود و ظلمانی تئوریک ماتریالیستی نجات دهند.

اهمیت فکر و ایدئولوژی در ایجاد و پیشرفت یک جریان اجتماعی آنقدر واضح و بدیهی است که فکر اصالت مادی و اعتقاد به جبر محیط، از اهمیت آن نمی‌کاهد و توجه به آن نه تنها انسان‌های مبارز و حق‌طلب و عدالت‌خواه را از فعالیت اجتماعی مأیوس نمی‌سازد، بلکه راه درست و تکامل را روشن‌تر و آشکارتر نشان می‌دهد.

۱۰۳

انشعاب و اختلاف در جمعیت طرفدار حزب ایران در کاشان^۱

در تابستان گذشته که این روزنامه زیر نظر هیأت تحریریه انتشار می‌یافت کم‌کم افکاری در هیأت قوت گرفت که جمعیت و تشکیلات حزبی در کاشان بوجود آورند. آقای دکتر احمد ارجمند هم که یکی از اعضای هیأت بود روی ریاست‌طلبی با این موضوع موافقت کرده و به فکر این که دار و

۱. شفق کاشان، ش ۶۵، س ۳، ۱۳۳۱/۲/۲۰، ص ۴.

دسته در شهر برای خود به وجود آورد به تلاش افتاده و بالاخره با ورود آقای صالح به کاشان و اینکه آقایان در فکر این بودند به شخص قوی و نیرومندی خود را ببندند تا بهتر استفاده نمایند. [بدین ترتیب] روز بعد از ورود آقای صالح به نام جمعیت طرفدار حزب ایران اولین تظاهر خود را در میدان زعیم نموده و بستگی خود را به آقای صالح و حزب ایران اعلام داشتند.

پس از چند روز از مراجعت آقای صالح به تهران و شروع زمزمه انتخابات و بالاخره بعد از سخنرانی‌های شبانه در کلوپ منتسب به آقای صالح، سه فکر متضاد در این جمعیت بوجود آمد و باعث شد تا متشکلین این جمعیت به سه دسته مختلف تجزیه شوند به شرح زیر:

دسته اول یا مخالفین شدید آقای کاظم شیبانی که از طرف دکتر ارجمند رهبری می‌شوند.

دسته دوم یا طرفداران جدی سرتیپ کاظم شیبانی که به صورت غیرمستقیم از طرف جواد عطارها رهبری می‌شوند.

دسته سوم اعتدالیون یا آن‌ها که در حقیقت می‌توان آن‌ها را تا اندازه‌ای بی‌نظر دانست ولی متأسفانه از نظر جمعیت بسیار بسیار قلیل و ناچیز بوده و تنها از اعضاء با ایمان این دسته می‌توان آقایان غلامرضا منتظمی و اصغر رضوی را نام برد.

فعلاً این ۳ دسته هر یک جداگانه دارای جلساتی بوده و به شدت بر علیه یکدیگر در مبارزه هستند و رهبر هر یک از این دستجات می‌کوشد تا دو دسته دیگر را شکست داده خود را صالح برای تشکیل حزب ایران که قرار است پس از خاتمه انتخابات، در کاشان اعلام شود، معرفی نماید. و بالاخره شنیده می‌شود رهبر یکی از این دستجات برای سومین دفعه در صدد تغییر رنگ و تشکیل حزب بان ایرانیسم می‌باشد.

۱۰۴

برنامه فراکسیون حزبی^۱

برای اطلاع خوانندگان محترم و مخصوصاً در جواب نامه چند نفر از مشترکین روزنامه جوانان ایران، کسب اطلاع شده است که قسمتی از برنامه فراکسیون حزبی ما در کلیات معلوم شده است که اصول آن به قرار ذیل است:

۱. مخالفت اصولی با اعتبار نامه و اعتبار نامه‌هایی که به علت‌های سیاسی بحث آن در مجلسی لازم است و وکلایی که انتخابات آن‌ها مخدوش است.
۲. سعی در ایجاد یک فراکسیون ملی مقتدر برای تثبیت وضع دولت و شروع به اصلاحات در کشور
۳. اصلاح قانون انتخابات با اتکاء به نقاط ضعفی که در انتخابات دوره ۱۷ مجلس مشهود و واضح گردیده
۴. وادار ساختن دولت به دریافت مالیات‌ها قانونی و وضع مالیات‌ها مستقیم جدید در صورت لزوم. در این مورد هدف آن است که لااقل نصف بودجه کشور را ثروتمندان بپردازند
۵. تقویت یک بودجه متعادل در نیمه اول سال جاری خارج از درآمد نفت
۶. اصلاح روابط روستائی و تهیه لوایح متکی به اصل تحدید املاک بزرگ
۷. فیصله دادن کار نفت و شروع مجدد بهره‌برداری به ظرفیت کامل حتی المقدور و بدون واسطه بیگانه.

۱. جریده جوانان ایران، ش ۲۶، ۲۷/۲/۱۳۳۱. ص ۳.

حزب ایران و طبقات کارگر و دهقان^۱ در پیرامون سخنرانی‌های آخرین کنگره

در سال گذشته که کنگره حزب با شرکت نماینده کلیه شهرستان‌ها در تهران تشکیل شد، پس از گزارش کمیته مرکزی یکی از موضوعات جالبی که مطرح شد وضع کارگری حزب بود. در پیرامون این بحث سخنرانی‌های مهم و گرانبهایی از طرف رفقای حزبی ایراد گشت و تصمیمات ارزنده‌ای نیز اتخاذ گردید که به مناسبت اجرای آن، بحث زیر مطرح می‌گردد:

مسئله مهمی که در این زمینه مطرح است موضوع عدم شرکت حزب ما در تظاهرات کارگری است. در صورتی که کلیه احزابی که در ایران ادعای سوسیالیستی دارند، اولین اقدامشان تظاهرات کارگری یا به نام کارگری است.

برای پاسخ گفتن به سؤال بالا مجبوریم تحلیل و تجزیه صحیحی از موقعیت حزب و وضع کارگری در ایران بنماییم.

یکی از سنگرهای مستحکم حزب ما از بدو تشکیل تاکنون مراکز صنعتی کشور بوده. خصوصاً اگر توجه کنیم مغزهای گرداننده چرخ‌های فنی کشور، یعنی مهندسين ایران اکثراً در این جبهه جمعند و خصوصاً بانوجه به موقعیت حزب ما در میان کارگران، روشنفکران، به‌خوبی امکان در دست گرفتن ابتکار تظاهرات کارگری برای ما روشن می‌شود. ولی موضوعی که سبب کناره‌گیری ما از این‌گونه تظاهرات است، تشخیص بی‌نتیجه بودن این‌گونه عملیات در شرایط فعلی کارگری کشور است که در زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. جریده جوانان ایران، ش ۲۷، ۱۳۳۱/۳/۳، ص ۱ و ۲

طبق آماری که در دست است کارگران صنعتی ایران از یک صد و پنجاه هزار نفر تجاوز نمی‌نمایند. در حالی که در همین کشور دوازده میلیون کشاورز وجود دارد که در شبانه روز متجاوز از پنجاه ساعت کار می‌کنند. پس تنها کارگران را رهبر نامیدن خطا بوده، زیرا کشاورزان با توجه به تعداد آنها سهم بزرگتری را به عهده دارند. تازه برخلاف عده‌ای از کارگران فداکار و روشنفکر که دستاویز دست‌های خیانت‌کار و گول‌زننده نمی‌شوند، بقیه مایوسند و عده‌ای هم هر روز به دنبال این و آن به دنبال اضافه دستمزد به یک سو کشیده می‌شوند. دستگাহایی که ابداً به بهبود وضع کار و کارگری در کشور ما اعتقادی ندارند، برای تشنج در کشور، شکست اقتصادی کارخانجات دولتی که با کارخانه‌های آنها رقابت می‌کند، انتخابات و موضوع‌های سیاسی دیگر، ما را به یک طرف کشانده و به سهولت از بین رفتن یک حشره، آنها را به جلوی تانک و مسلسل می‌فرستند. چنانچه در این اواخر دیده شده شکست‌های متعدد خورد با مرگ چند جوان کارگر، برای متوجه نشدن دیگران موضوع را بپوشانند. کار را به جایی رسانده‌اند که به دست کارگران، دره عمیق برای سرنگون کردن خود آنها تهیه کرده‌اند. مثلاً در کارخانه چیت‌سازی عده کثیری کارگر وجود دارد که تقریباً همگی از صبح تا شام بی‌کارند و بیشتر آنها هم حداکثر حقوق ممکنه را دریافت می‌دارند، در حالی که اساساً این کارخانه کار نمی‌کند و به کارگر نیز احتیاج ندارد. اگر هم شخص بخواهد برای راه انداختن این کارخانه اقدام کند، با مخالفت دسته جمعی کارگران که تحت اثر تبلیغات بعضی از اشخاص به اصطلاح رهبر کارگران!! مواجه خواهد شد. از این نظر است که تاکنون موفقیتی برای این کار ایجاد نشده. این است معنی تشکیلات کارگری در کشور ما. آیا دولت‌های ما تا آخر با همین ضعف باقی خواهند ماند و اقدامی برای جلوگیری از هزینه هنگفتی که در این محل از بین می‌رود، نخواهند کرد. آیا معنی مبارزه با

استثمار این است که کشاورز ایرانی از صبح تا شام با دست‌های پینه بسته زحمت بکشد و حاصل زحمت آن‌ها به نام مالیات اخذ و به این نوع کارگران داده شود. آیا نمی‌توانیم بگوییم که این نوع دستگاه‌های رهبری، بزرگترین لطمه را به کارگران ما زده‌اند و طبقه کارگر را در کشور ما استثمارکننده کرده‌اند؟ ما نمی‌گوییم که کارگران در این مقصودند، بلکه عقیده داریم که اشخاصی که نام رهبری کارگر در این کشور بزرگترین خیانت‌ها را به کارگران ما می‌نمایند و مقام بزرگ این طبقه را از درجه مبارزه با فسادهای اجتماعی و استثمار به عامل چپاول و غارت طبقه وسیع کشاورز در کشور ما تنزل داده‌اند.

متأسفانه آنقدر اشخاص استفاده‌جو برای پیشرفت خود به کارگران وعده داده‌اند و آن‌ها را به کارشکنی دعوت کرده‌اند که عده کثیری از کارگران کشور ما به کلی از شرکت در اجتماعات کارگری بیزار و عده‌ای کارگر استفاده‌جوی بی‌کاره هم برای وعده سرخرمن با چند شاهی اضافه دستمزد به هر سو کشانده می‌شوند. اما در میان این دو طبقه دسته‌سومی وجود دارند که با روشن‌بینی برای ساختن یک اجتماع سوسیالیست تلاش می‌کنند. این‌ها نه از مبارزه مأیوسند و نه به وعده‌های پوچ چند شاهی اضافه دستمزد از وظیفه بزرگ اجتماعی خود که رستگاری طبقات محروم است؛ سرباز می‌زنند. این‌ها هستند سربازان حزب ما، نه آن عده استفاده‌جو. آن‌هایی که با حزب ایران آشنایی دارند به‌خوبی می‌دانند که قطعی‌ترین سنگرهای مبارزه را این‌گونه کارگران در حزب ما به وجود آورده‌اند. رفقای کارگر ما مانند مشعلی هرکجا که هستند ناامیدها را به گرد خود جمع می‌کنند و استفاده‌جویان مانند شب‌کوری از آن‌ها فرار می‌کنند.

امروز پس از ده سال تجربه کارگران بیدار شده و به سنگر مطمئن مبارزه خود پی برده‌اند. توسعه جبهه کارگری حزب ما چه در تهران و چه در

شهرستان‌ها بهترین گواه این بیداری است. کارگران روشنفکر تحت رهبری حزب ایران سنگر به سنگر پیش می‌روند. این‌ها در انتظار جبر تاریخی و تسلط سرخ و سیاه بر جهان نبوده و به نتیجه قطعی مبارزات خود اطمینان دارند.

زنده باد کارگران حزب پرافتخار ما که برای استقرار سوسیالیزم تنها به حزب و بازوی خود اتکاء دارند. راجع به کشاورزان در شماره بعد صحبت خواهیم کرد.

۱۰۶

اخبار تشکیلاتی سازمان جوانان^۱

۱. کارگردان‌ها: تمام کارگردان‌ها اعم از کسانی که حوزه‌های آن‌ها تشکیل می‌شود یا نمی‌شود، روز شنبه ساعت شش بعدازظهر در محل حزب حضور بهم رسانند.

۲. دبیرخانه: ساعت ۶ روز پنج‌شنبه جلسه اعضای دبیرخانه در محل حزب تشکیل خواهد شد.

۳. مسافرت: رفقای که قصد مسافرت و خارج شدن از تهران را دارند، حداکثر تا آخر این هفته (بعدازظهر) خود را به دبیرخانه معرفی کنند.

۴. کلاس تبلیغات: ۸/۵ بعدازظهر روز پنج‌شنبه کلاس تبلیغات در کلوب حزب تشکیل می‌شود.

۵. کلاس سخنرانی: ساعت ۸/۵ بعدازظهر روزهای جمعه کلاس سخنرانی به طرز بسیار جالبی تشکیل می‌شود. برای آموختن و تمرین سخنرانی در این کلاس شرکت نمایید.

۱. همان، ش ۲۹، ۱۳۳۱/۳/۱۹، ص ۱ و ۳

۶. ورزش: از روز چهارشنبه باشگاه ورزشی که مدتی عملیاتش را کد مانده بود، با سبک نو و بسیار جالبی شروع به کار خواهد کرد. عموم افراد اعم از اعضای حزب و یا افراد غیرحزبی می‌توانند از وسایل ورزشی استفاده کنند. با این فرق که افراد غیرحزبی می‌بایست معرف داشته و ماهیانه بپردازند. میز پینگ‌پنگ، هالتر، و دمبل، دستکش بکس و...^۱ در اختیار رقفاست و می‌توانند تحت نظر مربیان مربوطه تمرین کنند. ملاک تشخیص عضویت در درجه اول کارت و بعد معرفی دبیرخانه است. برای استفاده از وسایل ورزشی باید قبلاً ثبت نام کرده و برای ثبت نام می‌توانند همه روزه به آقایان شیبانی، جلیل‌زاده و عبدالله‌زادگان رجوع کنند.

۷. وقت تشکیل حوزه‌ها: وقت تشکیل این چند حوزه به شرح زیر تغییر کرده است:

شماره ۴: هنرستان صنعتی ساعت ۶/۵ بعدازظهر سه‌شنبه
شماره ۲: دبیرستان پیرنیا ساعت ۸/۵ بعدازظهر دوشنبه
شماره ۳: دبیرستان بدر ساعت ۶ بعدازظهر یکشنبه
شماره ۱: دبیرستان عظیمه (شهرری) ۲ شنبه ۸/۵ بعدازظهر
شماره ۱۱: متفرقه ساعت ۵ بعدازظهر جمعه
شماره ۵: فرخی روز دوشنبه ساعت ۶ بعدازظهر
شماره ۶: دانشکده عالی پست و تلگراف روز شنبه ساعت ۶ بعدازظهر

۸. شهرستان‌ها: بعضی از شهرستان‌ها گزارش خود را نفرستاده‌اند. متمنی است هرچه زودتر ارسال دارند.

۹. تصفیه حساب: شعبات تبریز، شیراز، کرمان و اصفهان فوراً حسابهای خود را تصفیه کنند. اسامی نمایندگان بد حساب در روزنامه اعلان خواهد شد.

۱. نقطه چین در اصل.

۱۰۷

اخبار تشکیلاتی کمیته شهرستان تهران^۱

۱. انتخابات داخلی کمیته شهرستان تهران حزب ایران روز شنبه سوم خرداد به عمل آمد و مسئولیت‌ها به ترتیب زیر تقسیم شد:
۱. آقای اکبر معتمدی تشکیلات ۲. آقای سمیعی متصدی تبلیغات ۳.
- آقای حیدری متصدی مالی ۴. آقای سطوت‌منش متصدی باشگاه و بازرسی ۵. آقای نوشین دبیر کمیته شهرستان تهران
۲. به مناسبت ماه رمضان حوزه شماره ۴ شهرستان تهران تا آخر این ماه ساعت ۵ روزهای یکشنبه تشکیل می‌شود.

۱۰۸

بیانیه جمعیت طرفداران حزب ایران کاشان^۲

اکنون که مشغول نگارش این سطور هستیم یک شبانه‌روز از اعتصاب حق طلبانه کارگران رشید ریسندگی می‌گذرد و اعتصاب قانونی و سرسختانه کارگران با شهامت هنوز ادامه دارد.

کارگران رشید و فداکار ما از صبح دیروز (پنج‌شنبه) دست به اعتصاب زدند و علیرغم توطئه خائنانه و ظالمانه اربابان جنایتکار ریسندگی با نهایت سرسختی و شهامت برای گرفتن حق مشروع خود دست‌از‌کار کشیدند.

کارگران شجاع امروز طی قطعنامه دوازده ماده‌ای خواسته‌های قانونی خود را اعلام نموده و اخطار کردند تا پیروزی قطعی دست از اعتصاب بر نخواهند داشت.

۱. همان، ش ۲۹، ۱۳۳۱/۳/۱۹، ص ۳

۲. فوق‌العاده هفته‌نامه ندای کاشان، ۱۳۳۱/۳/۲۳، ص ۱

کارخانه ریسندگی که اربابان ظالم و خون آشام آن هر یک میلیونها ثروت اندوخته و از حاصل کار و زحمت مدام و شبانه‌روزی کارگران محروم و ستم‌دیده آن پارک‌ها در خیابان‌های طراز اول تهران بنا کرده و سرمایه‌های خود را که از مکیدن خون کارگران به دست آمده در بانک‌های خارجی متمرکز کرده‌اند، هیجده سال است به وجود آمده است. در این مرکز ظلم و جنایت جان‌صدها کارگر از میان رفته و اعضاء هزاران نفر ناقص شده، هزارها کارگر مسلول و مریض و چندین هزار نفرشان از هستی ساقط شده‌اند.

یک نگاه سطحی به وضع کارگران ثابت می‌کند اربابان فاسد و جاه‌طلب ریسندگی تا چه اندازه در حق کارگران ظلم نموده و خون آنان را مکیده‌اند. اگر در تمام کارگران ریسندگی بخواهید یک نفر سالم یا یک چهره شاداب بیابید، ممکن نیست.

همه رنگ پریده، همه مریض، همه لاغر، همه ضعیف و همه نالان هستند.

در برابر، اربابان جنایتکار ریسندگی علاوه بر ثروت و مکننت بی‌اندازه و میلیاردها اندوخته، هیجده سال در این شهر با مقدرات مردم ستیزه کرده و در تمام شئون این شهر دخالت کرده‌اند. همه جا فضول باشی و مشیر و مشار بوده و همه وقت برخلاف مصالح مردم شرافتمند ما اقدام کرده‌اند. در انتخابات با نیروی مردم مبارزه کرده و به دستکاری حکومت‌های فاسد مرکزی و دستگاه حاکمه جنایتکار، بر مردم تسلط یافته‌اند. تمام ادارات دولتی را در زیر سلطه خائنه خود داشته و انحصار آن را در جهت منافع خود و علیه مصالح شهر و مردم به کار انداخته‌اند.

در حقیقت این موسسه، مرکز توطئه‌های ضد ملی بوده و از خطرناک‌ترین دستگاههای جنایتکاری و جاسوسی برای مردم کاشان خطرناک‌تر بوده است. اکنون که کارگران با شهامت و رشید ما برای مبارزه

با توطئه‌های ظالمانه اربابان خائن ریسندگی قیام نموده و برای گرفتن حق قانونی و مشروع خود دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند، ما مردم شرافتمند کاشان را به پشتیبانی و مساعدت در حق کارگران دعوت می‌کنیم.

ما از عموم هم‌شهریان عزیز که همه از ظلم‌ها و جنایات اولیاء این شرکت دل خونین دارند دعوت می‌کنیم با اعتصابیون هم صدایی و همکاری نمایند.

ما به کارگران رشیدی که برای گرفتن حق مشروع خود قیام کرده‌اند، درود می‌فرستیم و سلام گرم و پر مهر و محبت خود را نثار آنان می‌نمائیم. ما پشتیبانی کامل خود را از کارگران رشید ریسندگی اعلام و توصیه می‌نمائیم تا پیروزی قطعی دست از اعتصاب برندارند.

ما تا موفقیت کامل کارگران رشید از پای نخواهیم نشست و صمیمانه با کارگران محروم ریسندگی همکاری خواهیم نمود.

ما تنفر شدید خود را از دستگاههایی که بر علیه کارگران به کار افتاده و برای منکوب کردن آنان تلاش می‌کنند، اعلام می‌داریم.

ما شهربانی را از دخالت در اعتصاب و پرونده‌سازی برای کارگران و تهدید آنان بر حذر می‌داریم و اعلام می‌کنیم پلیس به هیچ وجه حق دخالت در این امر مشروع و قانونی را ندارد.

ما از تمام دستجات ملی و حق‌طلب دعوت می‌کنیم در این امر حیاتی کارگران ریسندگی را یاری نمایند.

ما از نماینده حقیقی خود جناب آقای اللهیار صالح تقاضا داریم همان‌طور که همیشه از محرومین اجتماع پشتیبانی نموده و تنها فریادرس مردم کاشان بوده‌اند، در این مورد نیز اقدامات لازم را بنمایند.

ما از فرماندار و انجمن شهر و دادستان و سایر مراجع قانونی و مسئول می‌خواهیم نسبت به احقاق حقوق مشروع کارگران اقدام و نگذارند

حقوق کارگران محروم پایمال هوی و هوس مدیران غاصب ریسندگی گردد.

زنده باد کارگران فداکار و قهرمان ریسندگی که مردانه به پیکار با دشمنان خود پرداخته و شرافتمندانه برای گرفتن حق خود قیام کرده‌اند. ننگ و نفرت باد بر اربابان جنایتکار و خائن ریسندگی که برای اطفاء شهوت پول پرستی و جاه‌طلبی از هیچ‌گونه جنایت و ظلمی دریغ نمی‌نمایند.

مستحکم باد صفوف نیرومند و متشکل کارگران حق‌طلب و رشید ریسندگی.

دروود به کارگران قهرمان و شرافتمند کاشان

جاوید باد ایران

جمعیت طرفدار حزب ایران - کاشان

۱۰۹

[مقامات کنند به نخست‌وزیری]^۱

وزارت پست و تلگراف و تلفن، از کنند به تهران، شماره قبض ۱۶۵۸
تعداد کلمه ۶۷۴ تاریخ اصل ۱۸، تاریخ وصول ۱۳۳۱/۷/۱۹
جناب آقای نخست‌وزیر، کپیه جناب آقای وزیر کشور، کپیه ستاد
ارتش، با ملاحظه شماره ششم مورخه چهاردهم مهرماه ۳۱ روزنامه بخت
جوان مطبوعه کرمانشاه که تحت عنوان الحاق مردم رشید و مبارز کرد به
حزب ایران شعبه کرمانشاه پیوستگی عده قلیلی از افراد حزب توده کردند
که به ماجراجویی و فساد اخلاق معروف و دارای سوابق سوء بوده و

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۵-۲۹-۴۷۹-۳۰۰۰۳.

پرونده ماجراجویی و شرارت آن‌ها در دادگستری دادرسی ارتش در جریان و تحت تعقیب شعبه، و بقیه تقبل آزاد هستند، درج نموده است. چون این عده قلیل ماجراجو قصد دارند به لباس فریبنده دیگری ملبس و خود را به شکل دیگری جلوه‌گر ساخته و از موفقیت کنونی ایران استفاده نموده و در میان اهالی قصبه و قراء و ایلات و طوایف کنند که دارای موقعیت حساس سرحدی و عشایری می‌باشد و در قلب تمام ایلات و عشایر غرب [واقع] گردیده، به این نام و از این راه ایجاد برادرکشی و آشوب و فتنه کرده و آرامش و نظم کنونی را مختل و اتحاد و اتفاق و یگانگی قلبی را که در سال حاضر از اهم واجبات بوده، مبدل به غارتگری و اغتشاش و خونریزی می‌نمایند، لذا به صراحه مراتب تنفر و انزجار خود را از این عمل شعبه حزب ایران در کرمانشاه اعلام و عرضه می‌داریم که کارگردانان حزب مزبور که نظر قاضی نداشته‌اند، لازم بود به وسیله شهربانی و دادگستری و دادرسی ارتش از سوابق این اشخاص تحقیق و سپس آن‌ها را به عضویت بپذیرند. اینک کوتاه، مراتب و خطرات و عواقب وخیم آن را به عرض اولیای محترم رسانیده تا اگر خدای نخواستہ عطف توجهی نفرمایند، خود ما ناچار و ناگزیر هستیم که برای حفظ حیثیت و شئون ملی و استقلال مملکت مبادرت به مبارزات شدیدی که شاید منجر به تخلف از مقررات بشود، به عمل آوریم و مسئولیت متوجه ماها نخواهد بود. مسئولیت امر متوجه کسانی خواهد بود که از این قبیل خیمه‌شب‌بازی‌ها را ایجاد کرده و از این اوضاع خطر جلوگیری نمی‌فرمایند. به انتظار اقدام عاجل می‌باشیم. با تقدیم احترامات [مقامات شهر کنند، شهردار، دهبان، رئیس انجمن شهر و...]

[مهر] اداره تلگراف تهران

۱۱۰

[ژاندارمری به وزارت کشور]^۱

وزارت کشور، ژاندارمری کل کشور، [شماره] ۳۲۵۶۱ رجت [مورخ]

۳۱/۸/۲۸

وزارت کشور

محترماً معروض می‌دارد، برابر گزارش گردان مستقل ژاندارمری بیرجند [در] تاریخ ۲۲ جاری در نتیجه اختلافاتی که بین حزب ایران و حزب جدیدالتأسیس اسلام بیرجند وجود داشته، تشنجی رخ داده که بر اثر مداخله مأمورین انتظامی غافله مرتفع و موضوع از طرف شهربانی تحت رسیدگی است.

فرمانده ژاندارمری کل کشور، سرلشکر علوی مقدم [امضاء]
[درحاشیه آمده است] بایگانی، سابقه حزب

۱۱۱

کلاس عالی حزب^۲

کمیته مرکزی حزب از مدت‌ها قبل تصمیم گرفته بود که برای بالابردن سطح معلومات اجتماعی افراد حزب، کلاسی تشکیل دهد که از هر حیث مفید و قابل استفاده باشد. کمیته مرکزی آقایان زیر را برای استادی کلاس تعیین کرد:

۱. همان، سند شماره ۱۵۷-۱۱۰۱۱۰۰۰/۲۹۰

۲. جریده جوانان ایران، ش ۴، ۱۳۳۱/۹/۸، ص ۱

مهندس زیرک‌زاده، مهندس بیانی، نخشب، غلامحسین زیرک‌زاده، دانشپور، راضی، دکتر بختیار، موسوی، تویسرکانی برنامه‌های جامعی نیز تنظیم و در اختیار استادان گذارده شد. آقای ستوده عضو هیات عالی نظارت نیز مأموریت یافتند کلاس را تشکیل و آن را اداره کنند. بالاخره فعالیت آقای ستوده به ثمر رسید و کلاس از یک ماه قبل شروع به کار کرد. استادان مذکور به ترتیب مباحث زیر را تدریس می‌کنند:

۱. خطوط اصلی سیاست‌های بزرگ جهان، تربیت حزبی و فصول رهبری
 ۲. نهضت‌کنگره، بحث تفصیلی عقاید حزبی
 ۳. انقلاب شوروی ۴. انقلاب فرانسه ۵. دوره اجمالی اقتصاد ۶. قانون اساسی ۷. بیان تاریخ و عقاید احزاب سیاسی ایران و جهان، بحث تفصیلی عقاید حزبی ۸. تاریخ و تشکیلات حزب ایران ۹. دانستیهای تاریخ و جغرافیای ایران
- چون در هفته بیش از دو روز امکان نداشت کلاس تشکیل شود، آقای ستوده قرار گذاردند فعلاً هفته‌ای یک جلسه آقای مهندس زیرک‌زاده و یک جلسه آقای مهندس بیانی تدریس نمایند. آقای ناصر‌اللهی یکی از اعضاء فعال سازمان جوانان مأمور اداره داخلی کلاس شده‌اند. در هفته گذشته ایشان از طرف مدیر کلاس به مناسبت فعالیت‌های شایسته، مورد تقدیر واقع شدند. دروس آقایان استادان هر هفته پلی‌کپی و با دریافت مبلغی در اختیار دانش‌پژوهان گذارده می‌شود. اعضای که دارای سیکل اول متوسطه هستند، می‌توانند در کلاس شرکت کنند فعلاً در حدود هفتاد نفر عضو کلاس هستند.

۱۱۲

انتخابات در حزب ایران^۱

در انتخاباتی که روز گذشته در حزب ایران برای تشکیل کنگره حزبی به عمل آمد، این اشخاص به ترتیب انتخاب شده‌اند:

۱. دکتر سنجابی ۲. نخشب ۳. راضی ۴. مهندس نوشین ۵. مرجانی
 ۶. مهندس زیرک‌زاده ۷. سمعی ۸. جواهری ۹. گیتی‌بین ۱۰. رأفت
- این کنگره پس از انتخابات شهرستان‌ها به اتفاق ۲۵ نفر از منتخبین شهرستان‌ها در ماه آینده هیات اجرائیه و کمیته را انتخاب خواهند کرد.

۱۱۳

منتخبین کنگره^۲

هفته گذشته در چند نقطه کشور انتخابات پنجمین کنگره حزب عملی شد و منتخبین خود را برای شرکت در کنگره آماده می‌کنند. به طوری که اطلاع یافته‌ایم سازمان جوانان بعضی از شهرستان‌ها، منجمله شیراز و مشهد و رشت در فکر تهیه هدیه جالبی هستند که به کنگره تقدیم‌کنند. روز جمعه انتخابات تهران به عمل آمد و ده نفر از اعضاء مبارز و برجسته انتخاب شدند که به ترتیب عبارتند از: آقایان دکتر کریم سنجابی، محمد نخشب، حسین راضی، مهندس نوشین، معین‌الدین مرجانی، مهندس زیرک‌زاده، احمد سمعی، جواهری، گیتی‌بین، رأفت.

آقایان دکتر ایمانیان، شریفی، ثنایی و کشاورز از طرف حزب ایران مشهد انتخاب شدند. حزب ایران کرمانشاه یک نماینده داشت و آن هم

۱. جریده نیروی سوم، ش ۴۳، ۱۳۳۱/۹/۱۶، ص ۳

۲. جریده جوانان ایران، ش ۶، ۱۳۳۱/۹/۲۳، ص ۱ و ۳

آقای شیروانی انتخاب گردید. منتخبین گیلان به ترتیب عبارتند از: آقایان فرجاد، موسوی، سلامت‌بخش، کرامت، ساوکی و پرشاد. کنگره در نیمه اول دی ماه تشکیل می‌شود محل تشکیل کنگره هنوز قطعی نشده ولی گویا در تهران خواهد بود.

۱۱۴

[بخشداری کنند به وزارت کشور]^۱

وزارت کشور، استانداری استان پنجم، رونوشت گزارش بخشداری کنند
محرمانه

جناب آقای فرماندار محترم شاه‌آباد

محترماً عطف به مرقومه شماره ۲۳۷۸ با اعاده عین تلگراف معروض می‌دارد به طوری که استحضار دارید اخیراً بین عده از اهالی کردند که بیشتر آن‌ها سابقاً از اعضای حزب منحل توده بوده‌اند و آقای امیر احتشامی مالک کردند که در این موقع حساس حاضر نیست حتی از یک بار هیزم سهم مالکانه صرف نظر نماید، اختلافاتی حاصل که منجر به شکایات بی‌درپی طرفین و مزاحمت مأمورین شده. ضمناً به طوری که شایع است عده از اشخاص معروضه بالا اخیراً در حزب ایران نام‌نویسی نموده‌اند. روی این اصل طرفداران آقای امیر احتشامی مبادرت به مخابره تلگراف منظور [به] مقامات مربوطه نموده‌اند. بدیهی است مأمورین انتظامی کاملاً هوشیار و مراقب اوضاع بوده.

بخشدار کنند ریحانیان

*

وزارت کشور، استانداری پنجم، شماره ۱۷۵۷۲ تاریخ ۳۱/۹/۲۶ پیوست دارد.

وزارت کشور، اداره سیاسی، پاسخ شماره ۱۰۵۲۳-۴۹۸۱۱ و با اعاده تلگراف آقایان شهر و عده دیگری از اهالی کردند، موضوع عملیات عده‌ای از اعضاء حزب توده، تقدیمی به جناب نخست‌وزیر به استحضار می‌رساند، دستور رسیدگی به فرماندار شاه‌آباد صادر گردید، اینک رونوشت گزارش بخشداری کردند برای استحضار پیوست ارسال می‌شود. مأمورین انتظامی مراقب اوضاع و احوال هستند.

از طرف استانداری استان پنجم. [امضاء: ناخوانا]

۱۱۵

در حزب ایران چه خبر است؟^۱

از چندی قبل در حزب ایران جریاناتی بوقوع می‌پیوست که معرف دسته‌بندی عده معدودی در داخل آن حزب بود. زعمای حزب ایران نیز متوجه این جریانات که گاهی از حدود حزب و مسائل داخلی حزبی خارج می‌شد، بودند، و چون مدرک کتبی نداشتند تصمیم جدی درباره این‌گونه افراد نمی‌گرفتند. ولی اخیراً در یکی از جلسات کمیته مرکزی نامه‌ای از جیب آقای راضی عضو سابق کمیته مرکزی به زمین می‌افتد که اتفاقاً آقای مهندس زیرک‌زاده نامه مزبور را برداشته و مطالعه می‌کنند و توسط آن به بعضی از جریانات برخورد می‌کنند که منجر به تصمیم اخیر کمیته مرکزی می‌شود. در آن برگ چهار نفر از نمایندگان اخیر کنگره به یک نفر دیگر نامه‌ای نوشته و او را به علت عدم همکاری با نهضتیون! و

۱. جریده نیروی سوم، ش ۶۳، ۱۰/۹/۱۳۳۱، ص ۲

شانه خالی کردن از شرکت در جلسات آنان مورد سرزنش قرار می‌دهند و مخصوصاً متذکر می‌شوند حزبی‌ها در حال توطئه‌ای بر علیه نهضتیون هستند و نهضتیون باید خود را در مقابل حزبی‌ها مجهز کنند.

به دست آوردن این مدرک و مشخص شدن این موضوع که در داخل حزب دسته‌ای دیگر به نام نهضتیون وجود دارد، باعث می‌شود که آقای مهندس زیرک‌زاده از کمیته درخواست کند که همان شب مجدداً جلسه تشکیل شود و در دنباله آن، در جلسه شنبه شب، کمیته مرکزی تصمیم به اخراج ۵ نفر زیر را می‌گیرد:

نخشب، راضی، مرجانی، مهندس نوشین، احمد سمعی.

باید اضافه کرد که نخشب در سال ۱۳۲۴ به اتفاق ۴ نفر، یکبار دیگر از حزب ایران اخراج شده بود. در دنبال این جریانات عده معدودی از نهضتیون!! در حزب جمع شده و شروع به جار و جنجال کردند. ولی زعمای حزب ایران اظهار می‌دارند که این جار و جنجال چیز مهمی نیست و بزودی خاموش می‌شود.

دیشب ساعت ۷/۵ بعد از ظهر آقای دکتر سنجابی به حزب آمده و سخنرانی کوتاهی کردند و از وحدت در داخل صفوف حزب و نهضت ملی سخن گفتند. در موقع سخنرانی ایشان یکی از نهضتیون فریاد کرد که در نتیجه این جریان خلیل ملکی به آرزوی خود موفق شد!!

آقای دکتر سنجابی در پاسخ به ایشان گفتند که آقای خلیل ملکی یکی از افراد وطن‌پرست کشورند و اقدامات ایشان از لحاظ سیاست کلی مملکت کاملاً به نفع ملت است و ایشان واقعاً شایسته قدردانی هستند. بعد از سخنرانی آقای دکتر سنجابی افراد کم‌کم متفرق شدند ولی به طوری که اطلاع حاصل شده تاکنون در تصمیم کمیته مرکزی تغییری حاصل نشده است.

در آخرین ساعت به ما اطلاع رسیده است که امروز صبح روزنامه

جوانان ایران را که صاحب امتیازش با مرجایی یکی از اخراج شدگان است، ممکن است چاپ و منتشر کنند. از قرار معلوم چند نفر را تجهیز کرده‌اند که امروز عصر به حزب حمله کنند.

۱۱۶

مصاحبه با هم مسلک محترم آقای ابوالفضل قاسمی عضو کمیته مرکزی^۱

مصاحبه زیر با هم مسلک مبارز و عزیز ما ابوالفضل قاسمی که در نتیجه مبارزات طولانی از طرف رفقای حزبی قهرمان خراسان نامیده می‌شود، صورت گرفته است:

س: نظریه شما راجع به تصمیم اخیر کمیته مرکزی چیست؟

ج: اخراج این پنج نفر عضو کنگره ناشی از پیدا شدن نامه‌ای بوده است که به امضای دو نفر از آن‌ها رسیده است. این نامه حاکی است که دسته‌بندی در داخل حزب وجود داشته و البته متن آن نامه که در نتیجه عصبانیت، خیلی تند بوده ایجاب می‌کرد درباره امضاءکنندگان آن در صورتی که اقداماتی علیه حزب می‌کردند، تصمیمی اتخاذ شود.

س: به نظر شما کمیته مرکزی در این تصمیم محق بوده است؟

ج: کمیته مرکزی درباره این دو نفر می‌توانسته تصمیم بگیرد، ولی در مورد سه نفر دیگر که زیر نامه امضاء نکرده‌اند، نایستی تصمیمی اتخاذ کند. کما اینکه بنده به این عمل در کمیته مرکزی اعتراض کرده‌ام.

س: شما فکر نمی‌کنید اگر کمیته مرکزی به طرز دیگری تصمیم می‌گرفت، بهتر بود؟

ج: بسیار بهتر بود. مخصوصاً در مورد سه نفر دیگر که هیچ‌گونه سندی

۱. جریده جوانان ایران، ش ۸، ۹/۱۰/۱۳۳۱، ص ۱ و ۴

درباره آن‌ها حزب در دست نداشت. علاوه بر این، سه نفر مزبور دارای مشاغل مهمی از قبیل عضویت کمیته مرکزی و عضویت هیات عالی نظارت و دبیری شهر تهران داشته‌اند و اخیراً هم برای شرکت در کنگره پنجم حزب از طرف اکثریت افراد تهران نمایندگی داشته‌اند و بایستی درباره آن‌ها کنگره بزرگ حزب اظهار نظر نماید.

س: آیا فکر نمی‌کنید این عمل به افکار عمومی حزب صدمه وارد می‌سازد؟
ج: البته این تصمیم مواجهه با مخالفت شدید اکثریت افراد حزب شده! زیرا عموم افراد امیدوار بودند به دست این‌ها قدم‌های مؤثری برای حزب برداشته شود.

س: به نظر شما حالا چه باید کرد؟

ج: به نظر بنده همان طوری که گفتم تصمیم درباره این ۵ نفر مخصوصاً آن سه نفر که ذیل نامه را امضاء نکرده و مسئولیت‌های مهمی در حزب دارند، بایستی به کنگره محول شود.

۱۱۷

پاسخ ۵ نفر از نمایندگان کنگره به روزنامه سیاست ما

[در مورد اخراج آنان از حزب ایران]^۱

روزنامه سیاست ما

چون در شماره ۳۷۱ آن روزنامه شرحی راجع به بروز اختلاف در حزب ایران و درباره علت اختلاف اینجانبان درج شده بود که منطبق با حقیقت نیست، خواهشمند است دستور فرمایید شرح زیرا را درج فرمایند. اختلاف در حزب ایران اختلاف ساده‌ای است که در تمام احزاب

دموکراتیک در طرز اداره و نحوه تبلیغات حزب وجود دارد و به واسطه دقایق حساس کنونی و نزدیک بودن تشکیل کنگره کمی شدت یافته بود. اینکه مرقوم فرموده بودید در حزب ایران طرفداران حسیبی و طرفداران نخشب در برابر هم قرار گرفته‌اند، با حقیقت منطبق نیست. همه افراد حزب ایران مهندس حسیبی را دوست دارند و اصولاً در حزب ایران طرفداران شخص مخصوصی وجود ندارد. علت بروز تشنج مخالفت اکثریت قریب به اتفاق [اعضای] حزب با تصمیم غیرقانونی اخیر کمیته مرکزی حزب است. افراد حزب اظهار می‌دارند، راضی و نخشب و مهندس نوشین و و مرجایی و سمیعی افراد کنگره هستند و کمیته که در برابر کنگره باید گزارش خود را تقدیم و سرنوشت حزب را به دست کنگره یا عالی‌ترین مقام حزبی بسپارد، طبق سنت مسلمة احزاب سیاسی حق اخراج برگزیدگان افکار عمومی و اعضای کنگره حزب را ولو مخالف کمیته مرکزی باشند، ندارد.

علاوه بر این‌ها راضی عضو کمیته مرکزی و همان کسی است که تشکیلات حزب ایران را در شیراز و کازرون به وجود آورده و جز کنگره حزب هیچ مقامی حق اخراج او را ندارد. نخشب دبیر و عضو هیات عالی نظارت، منتخب چهارمین کنگره حزب [بوده] و کمیته حق نداشته کسی را که برای نظارت کمیته مرکزی از طرف کنگره انتخاب شده بود، اخراج نماید. خلاصه افراد حزب معتقدند بایستی کنگره حزب از نمایندگان تهران و شهرستان‌ها که نمایندگی آن‌ها محرز و از طرف کمیسیون کنگره و کمیته مرکزی فعلی، حتی به رسمیت شناخته شده بود، تشکیل و به همه این اختلافات خاتمه دهد.

اینکه مرقوم داشته‌اید «نخشب و رفقایش می‌گویند حزب ایران باید با دولت مخالفت نماید.» به هیچ وجه صحیح نیست. در شرایط فعلی روش حزب ایران مثل همه احزاب جبهه ملی از لحاظ طرفداری از دولت دکتر مصدق درست بوده، فقط حرف ما این است که در عین حال حزب باید

موجودیت و قاطعیت خود را محفوظ بدارد و جداً از اقدامات وطن خواهانه و ضد استعماری دکتر مصدق پشتیبانی نماید.

اینکه نوشته شد «نخشب پیشنهاد نموده به وی در شرکت بیمه سمتی داده شود.» به هیچ وجه درست نبوده و دستگاه بیمه و افراد حزبی می دانند که نخشب داوطلب پستی در شرکت بیمه نبوده و اصولاً کارهای حزبی ما اهمیت بسیار بیشتر از آن دارد که به این حرفها آلوده شود.

اینکه نوشته شده «مهندس حسینی برای آنکه مخالفین را آرام نماید گفت: «شش نفر فاسد از حزب اخراج شده اند.» مسلماً مهندس حسینی درباره عده ای که از طرف اکثریت افراد حزب ایران انتخاب شده اند، چنین سخنی را نگفته اند و اصولاً افراد حزب ایران همیشه به شرافت و درستی معروف بوده اند گویا در نقل این سخنان اشتباه شده است.

اما راجع به نظریه ما درباره اخراج پنج نفر از طرف کمیته [مرکزی]، این عمل را به رسمیت نمی شناسیم و نسبت به این موضوع بایستی کنگره اظهار نظر نماید و موجبات وحدت کامل و جلوگیری از اختلافات را فراهم نماید.

جاوید باد ایران: نخشب، راضی، مهندس نوشین، مرجایی، سمیعی نمایندگان دوم، سوم، چهار، پنجم و هفتم کنگره حزب ایران از تهران.

۱۱۸

سمت های حزبی فداکارترین افراد حزب که به ناحق و برخلاف اصول و مقررات حزبی از طرف کمیته مرکزی اخراج شده اند^۱

۱. حسین راضی: عضو کمیته مرکزی، مسئول مالی کل، مفسر سیاسی کل،

نماینده سوم پنجمین کنگره از تهران، مؤسس شعبه حزب ایران در شیراز و کازرون.

۲. محمد نخشب: عضو هیات نظارت، دبیر هیات نظارت، نماینده دوم کنگره از تهران، عضو کانون تبلیغات کل، نویسنده بزرگی که همه می شناسند.

۳. مهندس علی اکبر نوشین: دبیر کمیته شهرستان تهران، بازرس مالی کل، نماینده چهارم کنگره از تهران

۴. معین الدین مرجایی: مسئول اسبق تبلیغات و دبیر کمیته شهرستان تهران، مسئول حوزه های شهرری، نماینده پنجم کنگره از تهران

۵. سمیعی: مسئول اسبق تبلیغات شهرستان تهران، مسئول حوزه های جنوب شهر و میدان گمرک، نماینده هفتم کنگره از تهران.

۱۱۹

اداره روزنامه نیروی سوم^۱

چون در این چند روزه اخبار و شایعاتی در مورد حزب ایران منتشر شده که با حقیقت تطبیق نمی کند، خواهشمند است دستور فرمایید شرح زیر و اعلامیه پیوست در اولین شماره آن روزنامه درج شود.

رئیس کمیته مرکزی حزب ایران، دکتر سنجابی چند روز پیش کمیته مرکزی حزب ایران به علت سوءظنی که حاصل شده بود تصمیم به اخراج پنج نفر آقایان نخشب، راضی، مهندس نوشین، رجایی و سمیعی گرفت. نظر به اینکه آقایان مزبور طی نامه ای وفاداری خود را به حزب اعلام کرده و مبارزات گذشته خود را در راه پیشرفت و

۱. جریده نیروی سوم، ش ۶۵، ۱۱/۱۰/۱۳۳۱، ص ۲

توسعه حزب یادآور شدند و نیز نامبردگان به نمایندگی پنجمین کنگره حزب از تهران انتخاب شده‌اند، در جلسه فوق‌العاده مورخ ۳۱/۱۰/۹ کمیته مرکزی، تعیین تکلیف قطعی به عهده عالیترین مرجع حزب یعنی کنگره که در ماه جاری تشکیل خواهد یافت، گذاشته شد.

بنا به مراتب فوق بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند که در حزب ایران به هیچ وجه تشنج یا انشعاب وجود ندارد و اخبار و شایعات منتشره قویاً تکذیب می‌گردد.

جاوید باد ایران رئیس کمیته مرکزی حزب ایران، دکتر کریم سنجابی

هم مسلکان عزیز، اعضاء مبارز حزب ایران

در نتیجه یک سوء تفاهم کوچک، کمیته مرکزی حزب درباره ما تصمیم غیرعادلانه اتخاذ نموده بود. دشمنان ما و مخالفین نهضت ملی که در انتظار فرصت مناسبی برای درهم شکستن صفوف متحد ما بودند، درصدد برآمدند از این وضع سوء استفاده کنند. ما که هرگز خواستار چنین پیشامدی نبودیم، با استفاده از حسن تفاهمی که در کمیته مرکزی حزب ایجاد شده و موجبات جدایی رفقای وفادار شما را منتفی کرده و تصمیم قطعی را برای کنگره عالی حزب که در دی ماه جاری تشکیل می‌شود، موکول نموده است، وفاداری خود را نسبت به حزب پرافتخار و ایده آل مقدس ملی و اجتماعی خود اعلام نموده و همه هم مسلکان دلیر خود را به حفظ آرامش و اطاعت از دیسپلین و مقررات حزبی دعوت می‌کنیم و از خدا مسئلت داریم حزب ما را در ایجاد قدرت اجتماعی صالحی که رهاننده ملت ما از فقر و عسرت و بدبختی باشد، موفق دارد.

جاوید باد ایران

محمدنخشب، حسین راضی، مهندس نوشین، مرجایی، سمیعی

۱۲۰

همه با هم برای استقرار سوسیالیزم بکوشیم^۱

همه از بدبختی می‌نالیم، همه از اوضاع ناراضی هستیم، همه انجام یک تحول بزرگ را در کشور خود لازم می‌دانیم. از نبودن فرهنگ و عدم بهداشت شکایت داریم. از دستگاه فاسد و سیستم اداری غلط کشور خود، دل‌پرخونی داریم. خلاصه از وضع زندگی و کشور خود ناراضی هستیم. پس چرا همه ما نشسته‌ایم و با همه نارضایتی‌ها سکوت کرده‌ایم. همه بپاخیزیم، قیام کنیم. یک صدا و همگام با هم برای اصلاح این جامعه بکوشیم. به حزب ایران این سنگر آزادی و وطن‌خواهی روی آوریم و تحت لوای حزب پرافتخار ایران، سیستم غلط و پوسیده کنونی را درهم ریزیم و سوسیالیزم، آن ایده‌آل بزرگ توده‌ها را در ایران مستقر سازیم. جاوید باد ایران

۱۲۱

افتتاح پنجمین کنگره حزب ایران^۲

پنجمین کنگره حزب ایران پنج‌شنبه پانزدهم دی افتتاح شد و آقای دکتر کریم سنجابی رئیس کمیته مرکزی و نماینده کنگره از تهران، نطق افتتاحیه را ایراد نمودند. آقای شرافت لاری نماینده شیراز به ریاست انتخاب و به قرار اطلاع دومین جلسه آن امروز صبح (۳۱/۱۰/۲۰) برقرار خواهد گردید.

۱. جریده ندای کاشان، ش ۳۷، ۱۷/۱۰/۱۳۳۱، ص ۱

۲. جریده خروش جبهه، ش ۶، ۲۰/۱۰/۱۳۳۱، ص ۴

داستان پنجمین کنگره حزب ایران^۱

چندی پیش سر و صدای اختلاف در حزب ایران بلند شد و روزنامه‌ها راجع به آن بحث‌ها نمودند. مدتی این موضوع مسکوت ماند و همه تصور می‌کردند که این موضوع خاتمه پیدا کرده است، اینک به طوری که خبرنگار ما اطلاع بدست آورده نه تنها اختلاف برطرف نشده بلکه با تشکیل کنگره حزب ریشه‌دارتر و عمیق‌تر گردیده است.

توضیح آنکه قبلاً خبری در اطلاعات منتشر شد که آقای زیرک‌زاده اظهار داشتند که برکناری پنج نفر از مسئولین حزب به هیچوجه جنبه انشعاب نداشته و در اثر یک تخلف حزبی انجام گرفته است. پیرو این خبر اعلامیه‌ای به امضاء دکتر سنجابی رئیس کمیته مرکزی در جراید چاپ شد که موضوع برکناری پنج نفر منتفی و تصمیم قطعی به رای کنگره شده است. پنج نفر نیز اعلامیه‌ای صادر کرده و طی آن افکار عمومی حزب را که در نتیجه اقدام خلاف اصول کمیته سخت برآشفته بود، دعوت به آرامش کردند. معلوم شد فشار افکار عمومی کمیته را مجبور به لغو تصمیم سابق خود کرده است. کمیته مرکزی حزب ایران که دوره آن با تشکیل کنگره منقضی شده است، آقای مهندس زیرک‌زاده را به عنوان دبیر کلی انتخاب کرده و اکثر اعضای آن تحت نفوذ نامبرده بود، بالاخره در اثر خواست عموم افراد، حزب ناچار شد پس از سه ماه و نیم تأخیر کنگره پنجم حزب ایران را تشکیل دهد. از قرار اطلاع برکناری و اخراج پنج نفر اعضای کنگره هم برای این بود که یاران و اعوان زیرک‌زاده آب و هوای کنگره را مساعد نمی‌دیدند و از موقعیت ناروای خود می‌هراسیدند. پنج نفر مزبور هم گویا مخالف آقای زیرک‌زاده و روش

۱. جریده دموکرات اسلامی، ش ۸، ۲۰/۱۰/۱۳۳۱، ص ۱ و ۴

سودجویانه ایشان بوده‌اند. چیزی که مسلم است با همه نفوذی که آقای زیرک‌زاده و امثال ایشان به نام رجال جنت مکانی در افراد حزب برای خود ایجاد کرده‌اند، اقدام به برکناری پنج نفر از اعضاء کنگره حزب به قدری سوءتأثیر بخشید و به قدری پرده از روی بسیاری از عملیات رهبران عالی مقام حزب برداشت که آشفتگی و بحران عجیبی در حزب ایجاد نمود.

با همه این نقشه‌ها در اولین جلسه کنگره اعتبارنامه آقای موسوی یار غار زیرک‌زاده رد شد. این امر که مانند ضربه سنگینی از طرف اکثریت اعضای کنگره بر سر یاران زیرک‌زاده وارد آمد، باعث شد که آقایان صددرصد دموکرات اوبستراکسیون کنند و کنگره را از اکثریت بیاندازند. اینک مدت چند روز است کنگره در حال وقفه است. و عده‌ای از اعضای شکست خورده و وازده حزبی که از نارضایتی عمومی افراد حزب بیم دارند، از ترس کنگره همچنان در حالت ابستراکسیون بسر می‌برند. آقای زیرک‌زاده چندین بار اعضای کنگره را ملاقات نموده و خواسته، بعضی را با تهدید و بعضی را با تطمیع با خود و اغراض خود موافق سازد.

۱۲۳

نظر کنگره حزب ایران درباره لایحه اختیارات^۱

تهران، جناب آقای دکتر مصدق، رونوشت مجلس، جناب آقای دکتر سنجابی، رونوشت رادیو تهران

در این موقع که ملت ایران در آخرین مرحله نبرد با دشمن دیرین خارجی قرار گرفته، هرگونه مخالفت با دکتر مصدق قهرمان ملی به منزله

۱. جریده نیروی سوم، ش ۸۰، ۲۹/۱۰/۱۳۳۱، ص ۴

خیانت و تضعیف وحدت ملی می باشد. ما نمایندگان پنجمین کنگره حزب ایران که از نقاط مختلفه کشور در تهران جمع شده ایم، بدین وسیله پشتیبانی خود را نسبت به ادامه حکومت معظم له اعلام و از نمایندگان محترم مجلس جدا خواستاریم به حساسیت موقع پی برده، با تصویب اختیارات نقشه های خائنه دشمنان را خنثی نمایند.

نمایندگان تهران: دکتر سنجابی، مهندس زیرک زاده، جواهری، گیتی بین، رأفت.

نمایندگان درگز: قاسمی، خرماهی، بابایی، خواجه زاده.

نمایندگان مشهد: شریفی، ثنایی، خادم، دکتر ایمانیان.

نمایندگان رشت: فرجاد، کرامت، سلوکی، خودکامی، سلامت بخش،

شاهرودی

نماینده کرمانشاه: شیروانی. نمایندگان شیراز: شرافت، لاری،

نعمت اللهی. نماینده اصفهان: مهندس طاهبازیان. نماینده تبریز: دواران.

نماینده آبادان: دانش نوری.

۱۲۴

قطننامه کمیته ائتلافی احزاب و جمعیت ها و عناصر ملی^۱

ما امضاءکنندگان قطننامه زیر به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات ملی به نام نهضت ملی ایران، در این هنگام که سرنوشت ملت ما دچار خطر شده است، اعلام می داریم.

۱. ما از صمیم قلب و با تمام نیروی ملی خود از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی که به منظور پشتیبانی از نهضت ملی و تصویب لایحه

۱. همان، ش ۸۱، ۳۰/۱۰/۱۳۳۱، ص ۱

اختیارات جناب آقای دکتر مصدق در مجلس شورای ملی متوقف شده‌اند، پشتیبانی می‌کنیم.

۲. در شرایط حساس کنونی، اعطای اختیارات یک ساله به جناب آقای دکتر مصدق یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تاریخی است. ما به نام ملت قهرمان ایران از نمایندگان مجلس شورای ملی می‌خواهیم که به نام سعادت ملت و بخاطر پیروزی نهضت ملی لایحه اختیارات را تصویب نمایند.

۳. هرگاه اخلاص‌گران و نفاق‌افکنان دست از اخلاص‌گری بردارند و در شرایط حساس فعلی به روش زیان‌بخش خود ادامه دهند، برای اعتراض در سرتاسر کشور تعطیل عمومی اعلام می‌گردد.

۴. در اوضاع و احوال حاضر، ما جناب آقای دکتر محمد مصدق را تنها فرد صالح و مناسب برای رهبری نهضت ضداستعماری شناخته و تا پیروزی نهایی در مبارزه نفت با تمام قوا و قدرت تشکیلاتی و اجتماعی خود را از ایشان پشتیبانی خواهیم کرد.

از طرف حزب ایران ناصرالدین موسوی [از طرف] حزب ملت بر بنیاد بان ایرانیسم تقی‌زاده، از طرف حزب زحمتکشان ملت ایران، نیروی سوم، محمود عرب‌زاده.

۱۲۵

پنجمین کنگره حزب ایران^۱

پنجمین کنگره حزب پرافتخار ایران در حالی که از اقصی نقاط کشور یعنی از نقطه مرزی درگز و رشت در شمال، تالار [۹] و آبادان و خرمشهر در

۱. جریده خروش جبهه، ش ۱۰، ۱۳۳۱/۱۱/۱۸، ص ۴

جنوب و کرمانشاه در غرب و بیرجند در شرق کشور نمایندگان مبارز شعبات حزب ایران با هزاران امید به سوی مرکز میهن روی آورده بودند، در روز چهاردهم دی با شرکت سی و پنج نماینده کنگره تشکیل و پس از سی و یک روز و سی و هشت جلسه که بعضی از جلسات آن تا ۷ ساعت به طول می‌انجامید، در ساعت ۲۳ روز ۱۵ بهمن حسن‌ختم پذیرفت. طی سی و هشت جلسه گزارشات کمیته مرکزی حزب مورد بحث قرار گرفته، روش نمایندگان فراکسیون پارلمانی حزب درباره تأیید از حکومت ملی مصدق و تقویت نهضت پرشکوه ملی به اتفاق آراء تأیید، ولی در سایر امور، خاصه در مورد سیاست متخذه در مورد سندیکاهاى مرکزی و دهقانی و اتحادیه‌های کشاورزان مورد انتقاد قرار گرفت. کنگره حزب به‌طور مشخص برنامه کار حزب ایران را در دوره آینده معلوم کرد و سال آینده را سال مبارزات قهرمانانه حزب ایران با فتودالیسم نام نهاد.

۱۲۶

[مقاله] خطر «بنگاه کارگشایی ایران» به مراتب

بیش خطر بیگانگان است.^۱

در پناه چند نفر آدم درستکار و با ارزش عده زیادی دغل و خیانت‌کار جای گرفته‌اند. هر کس در این بنگاه نام‌نویسی کند پست مؤثری به او می‌سپارند! گفته می‌شود دکتر فلاح هم عضو بنگاه مزبور است و شماره انکت محرمانه‌اش ۱۳۹ می‌باشد. به همین دلیل آقای مهندس حسینی از او در مجلس دفاع کرد. دکتر شاهپور بختیار معاون محترم وزارت کار هم عضو کمیسیون تدوین و تفسیر عقاید بنگاه می‌باشند و شماره انکت ایشان هم ۴۱۸ می‌باشد.

۱. جریده شاهد ایران، ش ۳۶، ۱۹/۱۱/۱۳۳۱، ص ۱

ما به درستی و درستکاری و نجابت ذاتی آقای مهندس حسینی و چند نفر دیگر ایمان داریم و نیز معتقدیم که در پناه این افراد پاک و ساده لوح خطرناک‌ترین افراد مقاصد شوم خود و بیگانگان را انجام می‌دهند و طوری حزب ایران را به صورت بنگاه کارگشایی درآورده‌اند که کم‌کم مردم از افراد مطلع و تحصیل کرده هم بیزار می‌شوند.

عده زیادی از مهندسین جوان و وطن‌پرست آبادان نامه‌های مفصلی مبنی بر انزجار از سوابق دکتر فلاح برای ما فرستاده‌اند که ما از چاپ آن‌ها معذوریم. فقط برای اینکه مردم بفهمند که ضرر بنگاه کارگشایی تا چه حد است و آقای مهندس حسینی هم که هنوز پاک و منزّه مانده‌اند، متوجه شوند که تا چه اندازه اشتباه کرده‌اند، ما عین مدارک جاسوسی دکتر فلاح را چاپ می‌کنیم و بعد هم پرده از سوابق درخشان و عملیات فعلی دکتر شاهپور بختیار معاون وزارت کار برمی‌داریم، تا هم مردم و هم آقای دکتر مصدق بدانند که به کجا می‌روند و از چه اشخاصی حمایت می‌کنند.

سوابق همکاری صمیمانه و خدمات صادقانه دکتر فلاح مدال‌دار و فواد روحانی و حداد و دانشگر از خلال نامه محرمانه ذیل که آقای دریک به آقای سدان می‌نویسد، هویدا است. هر آدم منصف و وطن‌پرستی حاضر نیست که بتواند انتصاب آقای دکتر فلاح را به مدیریت پالایشگاه امر صحیحی تلقی کند.

۱۲۷

اعلامیه افراد مستعفی از حزب ایران^۱

به نام خدا، هموطنان عزیز
اینجانان امضاءکنندگان زیر به علت مشاهده جریانات نامطلوب و

۱. هفته‌نامه مردم ایران، ش ۱۱، ۲۷/۱۱/۱۳۳۱، ص ۲

غیرحزبی با کمال تأسف در شرایط حساس کنونی از حزب ایران استعفاء می‌کنیم و برای تحقق آرمان مقدس ملی مردم ایران همکاری صمیمانه خود را با جمعیت آزادی مردم ایران در لوای نهضت ملی و به رهبری قهرمانان ضداستعمار جناب آقای دکتر محمد مصدق و حضرت آیت‌اله کاشانی اعلام می‌داریم.

جدایی ما از حزب ایران فقط به خاطر آن است که فعالیت اجتماعی ما به نفع طبقات محروم ملت ایران مؤثرتر و ثمربخش‌تر گردد و مردم آرمان‌خواه و قهرمان ایران که برای نیل به هدف‌های اجتماعی خود در جستجوی یک قدرت مطمئن صددرصد ملی و حزبی هستند، بتوانند با اطمینان کامل در این سنگر مستحکم متشکل شده و در راه پیروزی نهایی نهضت بزرگ ملت ما دوشادوش مبارزین ضداستعمار فداکاری و همکاری نمایند. ما به اطلاع هموطنان عزیز و هم‌مسلمانان دلیر شهرستانی خود می‌رسانیم که در راه به ثمر رسیدن نهضت ملی و مبارزات ضد استعماری مردم ایران، نه تنها با حزب ایران سرمخالفت و ستیز نداریم بلکه به خاطر آرمان بزرگ اجتماعی خود با افراد و دستجات وطن‌خواه و ضداستعمار صمیمانه همکاری خواهیم کرد. وقتی که نظرات مسلکی و سیاسی ما در روزنامه «مردم ایران» ارگان «جمعیت آزادی مردم ایران» منتشر و هموطنان عزیز از فکر نجات‌بخش و سوسیالیستی ما آگاه شدند، ما قطع داریم که دست برادری و همکاری ما را صمیمانه خواهند فشرد.

پیروز [باد] مردم ایران

حسین راضی عضو کمیته مرکزی و نماینده چهارمین و پنجمین کنگره حزب ایران، مهندس علی‌اکبر نوشین عضو علی‌البدل کمیته مرکزی و نماینده پنجمین کنگره حزب ایران، حسن شیروانی نماینده پنجمین کنگره و عضو کمیته شهرستان کرمانشاه حزب ایران، دکتر بزرگ نیک‌نفس مدیر

مجله عالم بشریت، علی شریعتمداری عضو کانون تبلیغات کل، مهندس آزوبین عضو هیات عالی نظارت حزب ایران، محمد هادی جواهری نماینده پنجمین کنگره حزب ایران از تهران، حبیب شاکری نماینده پنجمین کنگره حزب ایران از قزوین، مهندس پاکزاد دبیر سابق سازمان جوانان حزب ایران، رضا کاشفی سردبیر روزنامه جوانان ایران ارگان سازمان جوانان حزب ایران و مسئول تشکیلات دانشجویان، مهندس حمیدزاده، مهندس ملک‌محمدی، ملایری سرحوزه شماره ۲، رضا مکانیک مسئول تشکیلات دانش‌آموزان، قاسم لباسچی مسئول سازمان بازار، احمد طلاکوب، محمد جبروتی عضو سابق کمیته مرکزی سازمان جوانان حزب ایران و متصدی کل تبلیغات سازمان.

[جریده] مردم ایران: کناره‌گیری فعالین و اعضاء مبرز حزب ایران که اداره‌کننده تشکیلات حزب بوده و ۶ شعبه قوی در شهرستان‌ها به وجود آورده بودند، موجب برهم خوردن حزب و گسیختگی امور آن شده است. این اقدام شجاعانه برجستگان حزب، توده حزبی را بیدار کرده و باعث کناره‌گیری گروه‌گروه افراد حزب شده است. تا به حال اعضاء حوزه پست و تلگراف سازمان دانشجویان، سازمان دانش‌آموزان حوزه‌های مبارز دانشگاه و دبیرستان‌ها و ادارات مختلف، اعضاء حوزه‌های شماره ۱۳ حوزه شماره ۷ حوزه شماره ۴ حوزه شماره ۲.

حسن تشخیص سربازان فداکار و ارزنده نهضت ملی در همکاری با جمعیت آزادی مردم ایران موجب امیدواری و قابل هرگونه تحسین و تقدیر است و پیروزی ملت قهرمان ایران را نوید می‌دهد. انتظار داریم زنان و مردان ضداستعمار به پیروی از مردان مبارزی که حقیقت و عقیده مقدس خود را بر زر و برق ترجیح داده‌اند، به جمعیت خود پیوندند و روز نجات مردم ایران را نزدیک سازند.

حوزه علوم دینی استعفاء می دهد.
 هموطنان عزیز! اینجانبان امضاءکنندگان زیر چون ادامه مبارزه حق طلبانه
 و ضداستعماری خود را در حزب ایران غیرممکن مشاهده نمودیم، بدین
 وسیله استعفاء خود را از آن حزب اعلام و پیوستگی خود را به جمعیت
 (آزادی مردم ایران) اعلام می داریم.

پیروز مردم ایران

از طرف حوزه علوم دینی: ناظم حوزه سیدمحمدحسین
 شریعتمدارزاده، کارگردان حوزه عبدالکریم دیوسالارکجوری

۱۲۸

بیانیه جمعیت «آزادی مردم ایران»^۱

به نام خدا

مردم شرافتمند و دلیر قزوین، ماکه در پیشگاه خدا و شما هم شهریان
 عزیز از صداقت و وطن خواهی خود در مبارزات اجتماعی سربلند و
 سرافرازیم. برای اینکه فعالیت های ما ثمربخش باشد و بتوانیم با قاطعیت
 تمام افکار و عقاید نجات بخش خود را اشاعه دهیم و پایگاه مبارزین
 دلاور و ضداستعماری شهر قزوین را توسعه بخشیم، بستگی کامل
 ناگسستی خود را به جمعیت «آزادی مردم ایران» که فعالیت دامنه دار
 خود را در تهران و شهرستان ها با شرکت افرادی مانند محمد نخشب
 «عضو سابق حزب ایران» که همه شما طرز فکر و مرام او را می دانید،
 اعلام می داریم. از همه هم شهریان عزیز خواستاریم از فداکاری بی دریغ
 خود در راه پیشرفت جمعیت «آزادی مردم ایران» خودداری ننموده و به

هر وسیله که می‌توانید ما را یاری نمایید. جمعیت ما به یاری خداوند و همت شما توسعه خواهد یافت و حزب نیرومندی که سرنوشت آینده ایران را در اختیار خواهد داشت، به وجود خواهد آورد.

رئیس سابق شورای عالی حزب ایران مشهد و معاون سابق دبیر کمیته کرج: علی تفرشی. دبیر سابق حزب ایران قزوین: مهدی زواره‌ای، عضو علی‌البدل کمیته شهرستان مشهد: شریفی.

عضو سابق هیات اجراییه حزب ایران قزوین، محمدابراهیم محمدزاده.

۱۲۹

پیام هیات تحریریه و کارکنان روزنامه جوانان ایران ارگان سابق سازمان جوانان حزب ایران^۱

به نام خدا، هموطنان عزیز، خواهران و برادران گرامی در شرایط حساس کنونی، در زمانی که نهضت ملی ایران بیش از همه وقت نیاز به یک سازمان رهبری صحیح دارد. در وقتی که بایستی برای درهم پیچیدن دستگاه کهن سرمایه‌دار به نهضت مردم ایران شکل داد، ناچاریم حقایق زیر را به عرض شما برسانیم:

۱. ادامه فعالیت در دسته‌ای که جنبه سوسیالیستی و حزبی خود را کاملاً از دست داده و رهبران آن از معیارهای حزبی فاصله زیادی گرفته‌اند، برای ما مقدور نیست. ما مدت یک سال و نیم در نهایت فداکاری به خاطر تحقق آرمان‌های درخشان انسانی بدون ریا و تظاهر در کادر روزنامه جوانان ایران و دیگر ارگانهای حزب فداکاری و کوشش

کردیم. ما وقت خود، پول خود، زندگی و جوانی خود را برای تأمین خواسته‌های مردم ایران صرف نمودیم. ما از درس و اداره و کار شخصی گذشتیم و همه وقت خود را در حزب، برای ایجاد یک «حزب واقعی» حزبی که متکی به مردم ایران باشد، گذراندیم. با کمال تأسف پس از این همه رنج و مشقت ما مشاهده کردیم دستگاه رهبری حزب در راه نجات مردم ضداستعمار ایران گامی برنداشت، بلکه پاسداری از نظام منحط کنونی و هیات حاکمه فاسد کنونی را برعهده گرفت و هم خود را مصروف تعمیر و رنگ و روغن زدن به همین دستگاه کرد. ما چون سوسیالیست هستیم و چون نمی‌توانیم با هیات حاکمه سازش کنیم، با جناح صالح هیات حاکمه - حزب ایران - دیگر همکاری نخواهیم کرد.

۲. چون ما کلیه آرمان‌ها و هدف‌های انقلابی و سوسیالیستی خود را در برنامه جمعیت آزادی مردم ایران منعکس می‌بینیم، به پیروی از اقدام شجاعانه هم‌مسلمان فعال و با ارزش خود یعنی اداره‌کنندگان تشکیلات حزب، وابستگی خود را به جمعیت مذکور اعلام می‌کنیم و امیدواریم بتوانیم حزبی را که در رهایی ملت ایران از چنگال سیاست‌های استعماری و امپریالیستی و استقرار سوسیالیزم واقعی نقش موثری بازی کند، بوجود آوریم.

۳. از خوانندگان عزیز، رفقای مبارز، خواهران دلیر، برادران فداکار و همه جوانان، مردان و زنان ضداستعمار انتظار مساعدت، همکاری و کمک داریم.

بنابراین روزنامه جوانان ایران دیگر به صورت ارگان مرکزی سازمان جوانان حزب ایران انتشار نخواهد یافت و منعکس‌کننده خواسته‌های سازمان جوانان جمعیت آزادی مردم ایران خواهد بود.

پیروز مردم ایران

مدیر روزنامه مردم ایران، م مرجائی، سردبیر روزنامه جوانان ایران و

عضو هیات تحریریه، رضا کاشفی، پرویز پیشوازاده عضو هیات تحریریه، سید محمد سجادی عضو هیات تحریریه، محمد جبروتی عضو هیات تحریریه، مهندس حمیدزاده عضو هیات تحریریه و مسئول امور فنی، ناصر الهی مسئول توزیع کل، مدنی موسوی مسئول مشترکین و آگهی‌ها، منصور تقی‌زاده مسئول توزیع دبیرستان‌ها، خسرو مافی مسئول توزیع دانشکده‌ها.

۱۳۰

مردم ایران!

امروز نه تنها نقش احزاب سیاسی ما و درجه تأثیر آن‌ها در خوشبختی مردم آشکار گردیده، بلکه نگاهی به همه قدرت‌های سیاسی دنیا که تحت نام‌های مختلفه سوسیالیست و دموکرات و چندی پیش سوسیال دموکرات و فاشیست پای به میدان نهادند، نشان می‌دهد که هنوز آرمان عقلانی و خواست واقعی انسان‌ها جنبه تحقق نیافته و همه این مبارزات و کشمکش‌ها در عین حال که هدف خود را سعادت و خوشبختی مردم اعلام می‌کردند، در میدان عمل از توجه به یک مسئله اساسی ابا داشتند و عدم [توجه] به این نکته باعث گردیده است که نتوانند مفهوم واقعی الفاظ سوسیالیسم و دموکراسی را عملی سازند.

فاشیسم آلمان و دموکراسی آمریکا و انگلستان و فرانسه و کمونیسم روسیه، این‌هاست ارمغان غایی و درخشان طرز فکری که بنیاد رژیم‌های یاد شده در بالا است. اگر همه افرادی که سنگ این سیستم حکومت‌ها را به سینه می‌کوبند، بخواهند بی‌تعصب و بی‌ریا، حقیقتی را که وجدان آن‌ها

گواهی می‌دهد، بازگویند، نارضایتی خود را از عدم تحقق آنچه فکر می‌کردند و آرزو داشتند ابراز خواهند داشت. امروز اگر به مرام نامه اکثر احزاب سیاسی کشور خودمان نگاه کنید همه یک چیز می‌خواهند و همه یک چیز می‌گویند. فرق اساسی میان آن‌ها احساس نمی‌کنید. همه آزادی‌خواه و همه مترقی و همه سوسیالیست و همه طرفدار طبقات محروم هستند. آیا می‌توانید یکی از این‌ها را نشان دهید که از این ادعاهای دورو دراز نداشته باشند، ولی در عین حال همه با هم می‌جنگند و همه با هم مبارزه می‌کنند. این مبارزه برای چیست؟ این‌ها که فرق اصولی با هم ندارند. شاید برای این است که آن‌ها هم از نمد حکومت کلاهی داشته باشند. ما در این میان، چه می‌گوییم؟ آیا ما هم می‌خواهیم هو و جنجال و زنده با دو مرده باد داشته باشیم؟

ما این‌ها را نمی‌خواهیم. هدفی عالی‌تر از این داریم که بخواهیم در برابر این نوع دار و دسته‌های سیاسی که بعضی از آن‌ها هم به کارگشایی معروف شده‌اند، دسته‌ای باز کنیم و ما هم در این دستگاه و در این رژیم سهمی داشته باشیم.

ما برای این پای به میدان نگذاشتیم که در پای علم یک شخصیت سینه بکوییم، یا از یک سیاست خاص موقتی پشتیبانی کنیم، یا منافع یک صنف یا یک باند مخفی و آشکار را حفظ نماییم.

ما صریح و آشکار می‌گوییم تا طرز فکر ملت ما تغییر پیدا نکند و به عبارت دیگر تا مردم ایران عوض نشوند و تلاش در راه مصالح اجتماع را بر منافع شخصی خود مقدم ندانند، تشکیلات و روابط اقتصادی و خلاصه سایر مظاهر اجتماعی تغییر اساسی نخواهد یافت. ما با سیستم اقتصادی امروز و رژیم حاکمیت پول و سایر مظاهر آن سرمخالفت داریم. ما می‌خواهیم به جای اینکه هر کس پول دارد و همه امتیازات و حقوق برای او فراهم است، هر کس کار می‌کند و برای اجتماع رنج می‌برد به

نسبت فعالیت خود از همه مزایای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی بهره‌مند باشد.

ما همه این‌ها را می‌خواهیم. ولی برای تحقق آن‌ها باید مردم قوی و نیرومند شوند. باید اجتماع بتواند بر روابط اقتصادی و سیاسی حکومت کند. باید یک قدرت متمرکز و دموکراتیک از اتحاد واقعی فکری و تشکیلاتی مردم بوجود آید و این خواست‌ها را امکان‌پذیر سازد. ما با اشاعه طرز فکر خود، طرز فکری که نیروها و استعداد‌های انسانی را بسیج می‌کند و خودپرستی و خودخواهی را در سایه ایمان به خدا و عدالت‌خواهی و حق‌طلبی به عظمت‌خواهی مبدل می‌سازد، طرز فکری که ظواهر و زرق و برق و قدرت‌های صوری را به همان شکل واقعی خود ناچیز جلوه می‌دهد و حق و حقیقت را بزرگ و بزرگتر نشان می‌دهد، با نظم نیرومندی که از اتحاد این افراد هم‌فکر بوجود می‌آید آن قدرت نجات‌دهنده را بوجود آورده و ملت خود را از فقر و بدبختی و سایر عوامل عجز‌آور نجات دهیم. در این صورت، با این افکار و عقاید بسیار تعجب‌آور است اگر عده‌ای هنوز منتظرند ببینند ما در این میانه با کدام دسته طرفیم و طرفدار کدام جناح از جریانات موجود هستیم. ما نه می‌توانیم سرسپرده مقام و شخصیت و دسته‌ای باشیم و نه فکر ما اجازه می‌دهد با هیچ یک از سیاست‌های متنفذ کنونی، امریکا، انگلستان، روسیه سازش داشته باشیم. آنان که ما را می‌شناسند می‌دانند ما از افراد مؤثر و فداکار و گمنام نهضت ملی و ضداستعماری ملت خود بوده و اکنون هم عقیده داریم مصدق را باید همچنان تقویت کرد تا کار نفت را به پایان رساند. در عین حال باید مردم ایران متشکل شده و برای استقرار سوسیالیزم و دموکراسی واقعی، قدرت اجتماعی شایسته‌ای بوجود آورند.

پیروز مردم ایران

۱۳۱

کمیته مرکزی حزب ایران^۱

طبق اطلاع واصله کمیته مرکزی حزب ایران در هفته گذشته جهت تقسیم کار انتخابات داخلی خود را به شرح زیر عملی کرده است:

آقای دکترسنجابی دبیرکل حزب، آقای مهندس کاظم حسینی مسئول کانون سازمان کل، آقای مهندس تشکری مسئول مالی کل، آقای قاسمی مسئول مطبوعات کل و مدیر روزنامه ارگان، آقای گیتی بین معاون دبیرکل حزب، آقای رأفت مدیر کانون تبلیغات کل، آقای شریفی منشی کمیته و مدیر داخلی روزنامه ارگان، آقای مهندس زیرک زاده به علت گرفتاری های سیاسی از قبول مسئولیت در ارگانهای حزبی خودداری و فقط عضو کمیته مرکزی می باشند.

در چندی قبل هم کمیته مرکزی سازمان جوانان مرکب از آقایان دکتر بختیار و دکتر فرهمندفر و مهندس کیقبادی و شریف نژاد و پرشاد انتخاب و مشغول کار شدند. و همچنین کمیته شهرستان مرکب از آقایان امیرابراهیمی، مهندس امیر پرویز سلامت بخش و حیدری و معصومی توسط کمیته مرکزی منصوب و امور حزبی تهران را به عهده گرفتند و آقایان موسوی، محمودی و ثنایی که به عضویت کمیسیون آیین نامه انتخاب گردیدند.

۱۳۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب ایران^۲

هم وطنان مبارز، مردم قهرمان تهران
شما ای سربازان دلیر و نگهبانان شرافتمند نهضت ملی که همیشه

۱. جریده خروش جبهه، ش ۱۳، ۱۳۳۱/۱۲/۲۳، ص ۴

۲. جبهه آزادی، ش ۱۵۴، ص ۳، ۱۳۳۲/۱/۲۶، صص ۱ و ۲.

آماده فداکاری برای طرد بقایای نفوذ امپریالیسم از ایران بوده و با جانبازی و فداکاری دژ مستحکم نهضت ملی را از تجاوزات دشمنان محفوظ داشته‌اید.

امروز بار دیگر در اثر تلاش خائنانه دشمنان وطن و آزادی، نهضت ملی به خطر افتاده است. دشمن مکار و کینه‌توز این بار می‌خواهد با پایمال کردن مبانی قانون اساسی و تضعیف دموکراسی، حاصل مجاهدت‌های چندساله فرزندان وطن و خون شهدای ۳۰ تیر را از بین برده، قانون اساسی خون بهای پدران ما را لگدکوب اغراض و امیال پلید خود نماید. امپریالیسم خون‌خوار که همیشه به فکر تضعیف حکومت ملی و محو آثار نهضت نجات‌بخش ما بوده و از هر عاملی به زیان مردم استفاده می‌کرده، اینک نیز برای اعاده نفوذ مرگبار خود، به دنبال حادثه شوم ۹ اسفند درصدد ایجاد پایگاهی در مقابل نهضت ملی به منظور پایمال کردن قانون اساسی و رد گزارش کمیسیون هشت نفری مجلس شورای ملی [بوده تا] دولت بت‌شکن مصدق را از ادامه مبارزات ثمربخش و جهادملی باز دارد. تا بتواند مانند گذشته بساط فرمانروایی خود و بردگی ملت ایران را فراهم نماید.

خوشبختانه بیداری ملت ایران این بار هم تمام نقشه‌های خائنانه ایادی خارجی را نقش بر آب ساخته و نشان داد که پیوند او با مصدق قهرمان، ناگسستنی است.

حزب ایران به پیروی از روش دیرینه خود و سوگند وفاداری که در پیشگاه ملت یاد کرده بار دیگر برای اثبات رشد فکری و نشان دادن قدرت ملی، تمام طبقات مردم تهران را برای شرکت در تظاهرات دشمن‌شکن روز پنج‌شنبه ۲۷ فروردین احزاب ملی و اصناف و دانشگاهیان که به منظور تأیید و تقویت گزارش کمیسیون هشت نفری و پشتیبانی از دولت ملی دکتر مصدق برپا می‌گردد، دعوت می‌نماید.

مردم تهران! تظاهرات روز پنج‌شنبه شما معرف علاقمندی ملت به حکومت مردم بر مردم است. برای محفوظ داشتن ثمره مجاهدت پدران خود و به پاس احترام خون پاک شهدای صدر مشروطیت و سی‌تیر و گسستن همیشگی قید و بند دیکتاتوری از دست و پای ملت ایران، با شرکت در تظاهرات ملی، مشروطیت و آزادی ایران را از خطر تجاوز دشمنان دموکراسی نجات دهید.

درود به ملت رشید و قهرمان ایران
پیروز باد نهضت نجات‌بخش ملی
زنده باد مصدق رهبر خردمند ملت ایران
جاوید باد ایران
کمیته مرکزی حزب ایران

۱۳۳

قطعه‌نامه متینگ ۲۷ فروردین ۱۳۳۲^۱

ما شرکت‌کنندگان در متینگ امروز «احزاب و اصناف و دانشگاهیان و کارگران و کلیه طبقات» که تا به حال در ادامه و به ثمر رسیدن مبارزات شرافتمندانه ملت ایران دوش به دوش مصدق قهرمان پیش‌رفته‌ایم بار دیگر امروز ضمن تأیید حکومت دکتر مصدق رهبر استعمارشکن شرق از مجلس شورای ملی می‌خواهیم که:

۱. هر چه زودتر طرح کمیسیون هشت نفری که موجب استحکام قانون اساسی و استقرار مشروطیت است، بدون کوچکترین تغییری تصویب شود و برای تحقق این خواسته مردم، مجلس باید حتی در ساعات غیر اداری جلسات را خود به منظور تصویب طرح، ادامه دهد.

۱. جبهه آزادی، ش ۱۵۶، س ۳، ۱۳۳۲/۱/۲۸، ص ۱

۲. از دولت جناب آقای دکتر مصدق می‌خواهیم که هر چه زودتر مسببین واقعه سی‌تیر که تا به حال موفق شده‌اند از چنگال انتقام ملت فرار نمایند، تعقیب و مجازات شوند.

– جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران

– حزب ایران

– حزب زحمت‌کشان ملت ایران (نیروی سوم)

– حزب ملت ایران بر بنیاد پان‌ایرانیسم

– دانشجویان دانشگاه تهران

– کمیته‌های کارگری طرفدار نهضت ملی

– سازمان ملی دانش‌آموزان ایران

۱۳۴

اعلامیه کمیته مرکزی حزب ایران خطاب به افسران و

درجه‌داران و سربازان شرافتمند ارتش^۱

افسران رشید، درجه‌داران محروم، سربازان شجاع و غیور
قیام دلیرانه و بزرگ ملت ایران به منظور نابودی عوامل ظلم و زور و
سرکوبی آثار فساد و قلدری به نتیجه نهایی و قطعی خود نزدیک می‌گردد.
نهضت ملی ما اکنون به مرحله‌ای رسیده که باید به حکم سیر تکاملی این
نهضت، تمام طبقات محروم اجتماع و فرزندان رشید و ناسیونالیست وطن
با وحدت و هماهنگی کامل در آن شرکت نموده، عوامل استعمار و
استبداد را برای همیشه از محیط وطن ریشه‌کن و نابود کنند.
امروز دیگر تمام درهای امید بر روی دشمن سفاک و امپریالیسم

۱. جبهه آزادی، ش ۱۵۵، س ۳، ۱۳۳۲/۱/۲۷، صص ۱ و ۲

خارجی بسته شده و تنها راهی که به نظر آنها باقی مانده است نیروی پاک و ملی شما می باشد. آنها امروز فقط به امید سوءاستفاده از نیروی شما علیه طبقات ستمدیده و حق طلب اجتماع تلاش کرده و از این راه می خواهند صفوف مردم را متفرق ساخته و به آرزوی پلید خود برسند. سرنوشت شما فرزندان محروم وطن، شما افسران رشید و تحصیل کرده، شما درجه دارانی که محرومترین طبقات دولتی ما را تشکیل می دهید و ما می دانیم با چه زندگی عجیب و مرگ تدریجی دست به گریبان هستید، به هیچ وجه نمی تواند از سرنوشت مردم محروم ایران جدا باشد.

آن اقلیت جابر و حاکمی که سالها است به نام عملیات حاکمه و نوکران امپریالیست ملت ما را به چنین روز سیاهی انداخته اند، عمال و ایادی فاسد آنها در لباس و فرم سربازی نظایر همان مظالم را درباره شما مرتکب شده، با غارت و چپاول حقوق و مزایای شما، کاخ ها و ثروت های هنگفت برای خود به وجود آورده اند. بنابراین نباید صفوف شما از صفوف ملت ایران جدا باشد. کما اینکه منافع این چند تن مارشال های سرمایه دار و فتودال های اونیفورم [پوش] از منافع نوکران خارجی جدا نیست. همان طوری که آنها امروز به دشمنان ملت و مصدق پیوسته اند، شما نیز باید به اردوی عظیم حق و آزادی ملحق شده و نباید به فرمان این گرگ در لباس میش، گوش بدهید و به روی مردم اسلحه کشیده و به زور آتش و خون صفوف مردم را از هم جدا کنید.

شما افسران جوان و رشید که شب و روز در اقصی نقاط مملکت در کنار مرزها و صحاری سوزان و بدون وسایل زندگی از استقلال و موجودیت وطن دفاع می کنید، حال آنکه سیاست غلط امپریالیستی و روش نامطلوب فتودالیستی چند تن مارشال و عملیات ضد ملی چند فرمانده سرمایه دار حاصل مجاهدات شما را هدر کرده، بد اندیشی و

بدگمانی در مردم نسبت به شما ایجاد و جامعه را به شما بدبین می‌نماید. آن‌هایی که از قدرت فکری شما به منظور تحکیم پایه‌های حکومت غارت و چپاول خود استفاده می‌کنند، به‌خوبی می‌دانند که اگر شما دست در دست جوانان روشنفکر و مبارز اجتماع بگذارید و سربازان خود را به صفوف مردم ملحق سازید چه سرنوشت شومی در انتظار آن‌ها خواهد بود و چگونه به یک بار کاخ تفرعن و حکومت آن‌ها واژگون شده و در هم خواهد ریخت. اینک که نهضت مقدس ما به مرحله قطعی خود نزدیک می‌شود، همه، چشم به دست‌ها و قلب‌های پاک و لرزان از عشق وطن شما دوخته‌اند تا با تشخیص هدف خود، طومار حکومت امپریالیسم را در هم پیچیده و کاخ پوشالی حکومت قلدرها و دزدان را ویران نمایند.

کمیته مرکزی حزب ایران از همه فرزندان غیور ارتش، از افسران رشید، درجه‌داران ستمکش و سربازان شجاع انتظار دارد این بار رشد سیاسی خود را به جهان دموکراسی و آزادی ثابت کرده، با پیوستن به مردم و حکومت مصدق بزرگ و قهرمان برای همیشه دسایس ضد ملی دشمنان مملکت را باطل و نقش بر آب نموده، ملت خود را از مظالم و مفاسد دزدان و غارتگران نجات دهند.

زنده باد افسران و درجه‌داران و سربازان شرافتمند ارتش

و مدافعین نهضت نجات‌بخش ملی ما

دروود به مصدق قهرمان بزرگ فرمانده نهضت ضداستعماری ایران

جاوید باد ایران

کمیته مرکزی حزب ایران

۱۳۵

[ادبیات حزبی]^۱

در تحیر با که گویم داد و رنج خویش را
با که من افشاکنم این غصه و تشویش را
نیش عقرب را تحمل می‌توان کرد و لیک
سخت، جان فرسا است از اقرب تحمل نیش را
درد دل با هر که گفتم تا که بنماید علاج
برخلاف افزود زخمی این دل پرریش را
ما به خواب غفلت و بیگانه بیدار برد
هستی ما را و افزود اعتبار خویش را
عاقبت شد این زمان یک نهضت ملی به پا
تا که بستاند حق این ملت درویش را
حزب ایران هست پشتیبان این نهضت ز جان
تا کند کوتاه دست خصم بداندیش را
هم صبوری زاده می‌گوید به هر شام و سحر
کای خدا نابود کن این خصم کافر کیش را
از رحمت‌الله صبوران، وارده از حوزه حزبی برق

۱. جبهه آزادی، ش ۱۷۹، ص ۳، ۱۳۳۲/۲/۲۵، ص ۱

۱۳۶

جشن پیروزی دادگاه توکیو در کمیته نهضت ملی خیابان ایران^۱

به مناسبت روز فطر و تصادف با موفقیت درخشان ایران در دادگاه توکیو و چهلمین روز تشکیل کمیته نهضت ملی خیابان ایران، از طرف هیات اجراییه کمیته از نمایندگان فراکسیون نهضت ملی و نمایندگان احزاب و رجال و رؤسای ادارات و بازرگانان و سایر طبقات جهت حضور در جشن دعوت به عمل آمده بود، برنامه جشن بدین ترتیب انجام گردید:

[...] ۸. سخنرانی جناب آقای دکتر وثیق نماینده حزب زحمتکشان ملت ایران - نیروی سوم و عضو هیات اجرائیه حزب درباره کمیته‌های نهضت ملی.

۹. سخنرانی توسط جناب آقای مهندس حسینی نماینده فراکسیون نهضت ملی ایران و نماینده حزب ایران

[...] ۱۶. سخنرانی نماینده جمعیت آزادی مردم ایران. [...]

۱۳۷

سفیر کبیر ایران در واشنگتن واسطه نزدیکی سفارت آمریکا و حزب ایران شده است:^۲

مطالعین سیاسی در تهران صحبت از تغییر و یا تعیین جهت سیاسی مؤسسه‌ای می‌نمایند که به حزب ایران معروف شده است. این مؤسسه اخیراً می‌کوشد که خود را به سفارت آمریکا نزدیک کند. به‌قرار اطلاع اللهیار صالح سفیر کبیر ایران در آمریکا یکی از

۱. جریده نیروی سوم، ش ۱۹۳، ۱۳۳۲/۳/۲۶، ص ۲

۲. جریده خبر، ش ۱۶۸، ۱۳۳۲/۴/۷، ص ۸

کارگردان‌های این مؤسسه، در واشنگتن مذاکراتی برای نزدیکی حزب ایران به سفارت آمریکا به عمل آورده و واسطه این معامله سیاسی بوده است. اینک توجه شدید دیپلماس آمریکا متوجه جمعیت «نیروی سوم» است که دارای تشکیلات و افرادی می‌باشد. به همین دلیل کارگردانان حزب ایران سعی دارند که توجه دیپلماسی آمریکا را از «نیروی سوم» به سمت خود متوجه سازند. یکی از عواملی که حزب ایران را به انتشار یک روزنامه یومیه «جبهه آزادی» برانگیخته، همین رقابت با نیروی سوم است. در چند شماره اخیر روزنامه فوق‌الذکر حمله شدیدی به منظور جلب توجه و رضایت دیپلماسی آمریکا شروع شده است. در تهران واسطه مطبوعاتی بین کارگردان‌های این حزب و سفارت آمریکا یک نفر ارمنی به نام شهباز و دو نفر از اعضاء سفارت آمریکا موسوم به گواران و مارون می‌باشند. این عده اخیراً با بعضی از تشکیلات سیاسی و مطبوعات برای نزدیک کردن آن‌ها به دیپلماسی آمریکا تماس می‌گیرند و کمکهای مالی هم به این سازمان‌ها و روزنامه‌های می‌نمایند.

۱۳۸

[اعلامیه کمیته کارگری حزب ایران]^۱

روزنامه جبهه آزادی، رونوشت روزنامه جوانان سوسیالیست مدت‌ها بود که قوه مقننه به واسطه عمل تخریبی اقلیت مزدور به حال تعطیل درآمده و عمال خارجی که به نام اقلیت در مجلس شورای ملی خدمت بسزایی به دول استعمارگران می‌کردند و علیرغم تمایلات اکثریت نمایندگان پارلمان و ملت ایران، برای انتخاب کاشانی به ریاست مجلس هزار توطئه‌ساز

۱. جریده جوانان سوسیالیست، ش ۲، ۱۲/۴/۱۳۳۲، ص ۴

نموده و در جراید خرید شده خود، برای گمراه کردن ملت و مایوس نمودن آنان از انتخاب جناب آقای دکتر معظمی جلوگیری نمایند. ولی این کوتاه‌فکران که اثر عمیق نهضت ملی ایران که پایه‌های آن بر دوش کارگران و رنجبران می‌باشد، اطلاع نداشته و نمی‌دانند که دیگر ملت ایران حاضر نیست که به حرف‌های پوچ آنان توجهی نموده و زنجیر بردگی که با مجاهدت و از خود گذشتگی ملت ایران به خصوص کارگران و با رهبری فرزند صدیق میهن دکتر محمد مصدق از آن رهایی یافته را بار دیگر بپذیرد. با شکست مفتضحانه که بارها با آن روبه‌رو هستند، این بار هم ثابت شد که اکثریت وکلای پارلمان، خود را از ملت جدا نمی‌دانند ما این موفقیت بزرگ را به ملت ایران، مخصوصاً کارگران و زحمتکشان تبریک گفته و از خداوند خواهانیم که با اتحاد و اتفاق تمام دسائس و نیرنگ‌های دشمنان نهضت را خنثی نماییم.

پیروز باد اتحاد کارگران
نماینده کمیته کارگری، نیک‌خواه

۱۳۹

[اطلاعیه‌های مربوط به حزب ایران]^۱

آگهی: بدینوسیله به اطلاع کلیه رفقای حزبی در مرکز و شهرستان‌ها می‌رساند که نشان (آرم) حزبی مورد لزوم خود را هر چه زودتر کتباً به اینجانب نوشته و در ضمن از قرار هر عدد ۵ ریال به ضمیمه ارسال دارند تا آرم برایشان ارسال شود.

کمیته تدارکات: هوشنگ اخلاقی

آقایان زیر برای شرکت در کلاس مبلغین در حزب حضور بهم رسانند.
کانون تبلیغات کل
کمیته‌های کارگری اتحادیه‌های مرکزی حزب ایران با کمال تأسف درگذشت
نابهنگام رفیق کارگر خود [را] تسلیت می‌گویند.

۱۴۰

[آگهی‌های حزب ایران]^۱

اعزام نماینده تام‌الاختیار کمیته مرکزی به خراسان (عباس محمودی)
جهت رسیدگی دقیق به وضع شعبات حزب در خراسان
آگهی: کلیه افراد حزبی در شهرستان‌ها موظف‌اند آرم مورد نیاز خود را
مستقیماً از کمیته شهرستان سازمان جوانان درخواست نمایند.
کمیته شهرستان سازمان جوانان
قابل توجه اعضای سازمان دهقانی، لازم است اعضاء سازمان دهقانی
حزب ساعت ۶/۵ بعد از ظهر روز جمعه ۲ مردادماه ۱۳۳۲ در محل حزب
حضور بهم رسانند.
سازمان دهقانان، کوچک رضاخانی

۱۴۱

[سخنی چند در مورد اعلامیه حضرت آقای حاج سید ابوالقاسم کاشانی]^۲
[... این بیچارگان که هنوز نمی‌توانستند فکر کوتاه خود را متوجه بیداری

۱. همان، ش ۶، ۵/۲/۱۳۳۲، ص ۲، ۳ و ۴

۲. جریده تیزین، ش ۱، ۱۲/۵/۱۳۳۲، ص ۳

مردم و رشد اجتماعی آنان بنمایند. با وجودی که عبدالقدیر آزاد نماینده تهران خیلی زود به نتیجه شوم طرز تفکر غلط خود رسید، اما افسوس سایر افراد مورد علاقه مردم متوجه سقوط او نشدند و از همان راهی رفتند که آن بخت برگشته رفته بود [...] بحث درباره یک‌یک این افراد از حوصله این مختصر خارج است و فقط به طور اشاره نام چند تن از میلیون آن روز و معاندین امروزی ذکر می‌شود: مکی، بقایی، حائری‌زاده، زهری، مشار [...] آقای کاشانی یکی از آن کسانی بود که در آن روزها مردم تمام در انتظار شنیدن دستور او و ایثار جان و مال خود بودند. اما کاشانی هم که علت این فرمانبرداری مردم را درک نکرده بود و بر اثر اغوای اطرافیان پست و دزد خود، گمراه شده بود، ناگهان به همان راهی رفت که آزاد رفته بود. و قدم در راهی گذاشت که همکاران او برای اجرای مقاصد پلید خود دست به کشتار و قتل زدند. کاشانی در راهی قدم گذاشته بود که ناچار بود با میراشرافی دزد و مخالفت سابق خود و با بقائی آدمکش و زهری بی‌حال آلت فعل، همکاری کند و بدین وسیله محبوبیت خود را از دست داد و اکنون در ورطه بدنامی همکاری با دشمنان ملت دست و پا می‌زند. کاشانی در آن روزهای خوش، اعلامیه می‌داد و مردم چون می‌دیدند مفاد اعلامیه‌های او با خواست آنان تطبیق می‌کند، برای اجرای آن آخرین کوشش خود را به کار می‌بردند، امروز به این خیال که شاید باشند کسانی که توجه به عجز و لابه او کنند، اعلامیه صادر می‌کند، اما اقدام مردم در فرماندم، پاسخ به اعلامیه جناب ایشان خواهد بود.

حضرت آیت الله! اعلامیه صادر می‌کند که فرماندم با دین و مذهب مخالفت دارد و به همین مناسبت آن را تحریم می‌کند. نگارنده هرچه فکر می‌کنم که فرماندم با کجای مذهب مخالفت دارد، عقلم به جایی نمی‌رسد. وقتی تا آنجا که اطلاعات ناقص همراهی می‌کند و از تاریخ کمک می‌گیرم، متوجه این نکته می‌شوم که در صدر اسلام امور مردم به

وسيله خود آنان انجام می‌شد و جمهور مردم و بعدها هم جمهور علماء تکلیف امت پیغمبر را تعیین می‌کردند. اما امروز اولاد پیغمبر می‌گویند که اظهار نظر مردم در مورد آینده خودشان اظهار تمایل آنان برای برچیدن بساط نوکری بیگانه، با دین و مذهب مغایرت دارد. من تصور می‌کنم حضرت آیت‌الله بدین وسیله خواست‌هاند در نهایت زیرکی و مهارت یک عمل واضحی را به حساب خود درآورند.

اقدام وزارت کشور و به طور کلی تصویب‌نامه دولت به طوری مردم را در تنگنای کسر وقت گذاشته است که شاید ده یک مردم هم نتوانند در فراندن شرکت کنند و آیت‌الله کاشانی خواست‌هاند با صدور اعلامیه، این عدم شرکت مردم را به حساب خود بگذارند. از طرف دیگر حضرت آیت‌اله یقین دارند که صندوق‌های مخالفین تمام خالی خواهد بود و به نظر کیمیا اثر خود خواست‌هاند که این خالی بودن صندوق‌های مخالفین را جبران کنند و از فردا با کوس و کرنا و به قلم آقای فرامزی در روزنامه آتش، انتشار دهند که مردم برای اطاعت از امر حضرت آیت‌الله حتی برای سقوط! دولت دست‌نشانده خارجی اقدام نکرده و از دادن رای مخالف امتناع کرده‌اند!!

۱۴۲

[استقبال بی‌سابقه از فراندن]^۱

دیروز بعد از ظهر [۱۳۳۲/۵/۱۱ ش] به وسیله رادیو از فرمانداری نظامی اطلاع داده شد که به علت استقبال بی‌سابقه مردم برای شرکت در فراندن، کلیه اوراق که قبلاً برای این منظور تهیه شده، به مصرف رسیده

است. و از این جهت کسانی که اوراق تعرفه در اختیار ندارند، می‌توانند از کاغذ سفید معمولی استفاده کنند و چون شدت ازدحام مردم و استقبال فوق‌العاده که در رای دادن خواهند نمود و یک میدان به تنهایی برای اخذ آراء کافی نیست، لذا برای موافقین انحلال مجلس علاوه بر میدان سپه، میدان راه‌آهن و برای مخالفین انحلال مجلس از لحاظ حفظ توازن علاوه بر میدان بهارستان میدان محمدیه (اعدام) نیز در نظر گرفته شده است. ضمناً اعلام شده است که در موقع اخذ رای به هیچ‌وجه از رای‌دهندگان شناسنامه مطالبه نشده و متعرض نخواهند شد، فقط انجمن نظار مراقبت می‌نمایند که رای‌دهندگان از ۱۸ سال کمتر نداشته باشند.

[اعلامیه‌های مربوط به رفراندم]

۱۱ و ۱۳۳۲/۵/۱۲

ضمن فعالیت فوق‌العاده‌ای که این دو روزه برای راهنمایی و تشویق مردم نسبت به شرکت در رفراندم می‌شود، انتشار بیانیه‌های مختلف شایان توجه است و این دو روزه مرتباً از طرف احزاب ملی و دستجات وابسته به آن‌ها، اصناف - تجار - کارگران کارخانجات مختلف - پیشه‌وران - رانندگان خطوط اتوبوسهای مختلف - اعلامیه‌های متعدد دائر به پشتیبانی از دولت دکتر مصدق و تشویق مردم به شرکت در رفراندم صادر شده است.

۱۴۳

[اعلامیه کمیته مرکزی حزب ایران]

هم‌میهنان، (امروز) دولت ملی و استعمارشکن مصدق قهرمان برای بقاء یا انحلال مجلس هفدهم از ملت ایران کسب نظر می‌کند. در این روز مردم

به نحو محسوس و قابل لمسی معنای واقعی دموکراسی را که حکومت مطلقه اراده آن‌هاست و بس، درک می‌کنند. دشمنان داخلی و خارجی نهضت مقدس ملی و ملت قهرمان ما برای شکست نهضت ضداستعماری و افتخار بخش ما، برای در بند نگهداشتن مردم محروم و رنج‌دیده میهن ما، می‌کوشند که با زنجیر گسسته استعمار، یک بار دیگر گردن‌های افراخته از افتخارات آزادی و پیروزی عظیم ملت ما را در برابر استعمار خونخوار انگلستان خم کرده به حال تعظیم آورند. ولی ملتی که پای استعمار سیاه و مزدور انگلستان را از خاک مقدس میهن خود بیرد، دست‌آوردی ناپاک داخلی آنان را نیز با رای دادن به انحلال مجلس هفدهم که اکنون به صورت مکمن و ملجاء دشمنان نهضت و ملت درآمده است، از دامن مقدس مظاهر اراده خود قطع خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب ایران از تمام هم‌میهنان می‌خواهد که با اتفاق و وحدت بی‌نظیری که تاکنون ملل بزرگ دنیا را وادار به تکریم و تعظیم و دول آن‌ها را مجبور به قبول عظمت نهضت ملی و پرافتخار ما کرده است، یک‌بار دیگر به جهانیان و سیاست‌های بازاری آن‌ها که برای حفظ منافع خود به پیروی از سیاست محکوم انگلستان فرسوده، می‌خواهند اراده ملتی رشید و قهرمان را نادیده انگارند، پاسخ قطعی دهد. کمیته مرکزی حزب ایران از همه افراد حزب جداً می‌خواهد که با درک مرحله تاریخی نهضت مقدس ملی وظیفه ارشاد و رهبری خود را در بیداری بیشتر مردم و افراد بی‌خبر از وقایع روز در کمال جدیت انجام دهند.

مردم قهرمان تهران، ای پیش‌قراولان آزادی و شرف میهن! ای طلایه‌داران نیروی ضداستعماری ملت ایران.

بکشیم که امروز میدان سپه را به جلوگاه اراده عظیم ملت تبدیل کنیم. بکشیم که در این روز بزرگ به اراده ملت جان‌دهیم و مفهوم حکومت مردم، مردمی آزاده و بندگسسته را که دیگر به قیمت خون خود هم حاضر به تمدید ایام اسارت نیستند، در معرض مشاهده بگذاریم.

هم میهنان! باید امروز تمام میدان سپه را عملاً و با تجلی نیروهای
عظیم خود به میدان ملت تبدیل کنیم.
سربازان حزب ایران، فرزندان میهن، برویم که روز فتح و افتخار
فرارسیده است.

جاوید باد ایران، کمیته مرکزی حزب ایران

۱۴۴

[آگهی‌های حزب ایران]^۱

سخنرانی هفتگی: در باشگاه مرکزی حزب ایران:
روز یکشنبه ۲۵ مرداد ساعت ۷/۵ بعدازظهر آقای مهندس کاظم
حسیبی عضو کمیته مرکزی حزب ایران سخنرانی خواهد کرد.
لازمست آقایان زیر در حوزه شماره ۸۴ سازمان جوانان شرکت کنند.
- حوزه دانشجویی شماره ۵۱ روز چهارشنبه تشکیل می‌شود.
- حوزه شناسایی از آقایان: پرویز مومن، جمال گرانبامیه، علی مجدپور و
هوشنگ گوهری تشکیل می‌شود.

سخنرانی هفتگی: در باشگاه مرکزی حزب ایران:
از هم‌مسلمان عزیز: آقایان مهندس زیرک‌زاده، غلامحسین زیرک‌زاده، دکتر
خراسانی، مهندس بیانی، دکتر بختیار، دکتر مکرری، دکتر جهانشاهی،
دانشپور، تویسرکانی، مهندس کیقبادی دعوت می‌شود که روز دوشنبه
۳۲/۵/۲۶ برای یک امر ضروری در باشگاه حزب حضور بهم رسانند.
تقاضا از ارباب محترم جرائد

از عموم مدیران محترم جرائد حزبی و غیرحزبی تمنا می‌شود یک

۱. جریده جوانان سوسیالیست، ش ۹، ۱۳۳۲/۵/۲۳ صص ۳ و ۴

شماره از روزنامه منتشره خود را برای استفاده عمومی مردم شهرستان خرمشهر به قرائت‌خانه حزب ایران خرمشهر ارسال فرمایند.
جاوید باد ایران، مسئول قرائتخانه
حزب ایران خرمشهر

۱۴۵

[ژاندارمری به وزارت کشور]^۱

وزارت کشور، ژاندارمری کل کشور، [شماره] ۲۱۴۷۹ / ج ۱ [مورخ] ۳۲/۶/۵ وزارت کشور، محترماً پیرو شماره $\frac{۲۰۹۵۶}{۳۲/۶/۲}$ ج ۱ معروض می‌دارد. گزارش گردان بیرجند حاکی است: در مورخه ۳۲/۵/۲۹ از طرف حزب اسلام میتینگ با شکوهی برقرار و شعارهایی مبنی بر شاه‌دوستی در دست تظاهرکنندگان بود. چون خط‌سیر میتینگ مزبور به سمت حزب ایران بوده، خسارتی به حزب ایران وارد آمد که با مداخله مأمورین انتظامی جلوگیری گردید. اکنون انتظامات در محل برقرار بوده و مأمورین از هر حیث بر اوضاع تسلط دارند.

فرمانده ژاندارمری کل کشور

۱۴۶

ملی شدن نفت امری ایرانی است یا آمریکایی؟^۲

اداره مجله خواندنی‌ها: محترماً به پیوست مقاله جوابیه جناب آقای مهندس

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۰/۰۰۱۱۰۱۷۹-۱

۲. مجله خواندنی‌ها، ش ۷۳، ۱۳۳۳/۳/۱۵، صص ۱۱ تا ۱۴

حسینی عضو کمیته مرکزی حزب ایران که در پاسخ مقاله آقای محمدرضا خلیلی عراقی تحت عنوان «حالا به تماشای پالایشگاه آبادان می‌رویم» و در شماره ۲۵۶۷ اردیبهشت ۱۳۳۲ درج شده بود، ارسال می‌گردد. خواهشمند است مقرر فرمایند به منظور روشن شدن اذهان و حفظ پرستیژ مجله‌ای که مدعی بی‌طرفی است، امر به درج فرماید. درج این مقاله به‌طور مسلم کمکی به نهضت ملی ایران خواهد بود.

جاوید باید ایران، دبیرخانه حزب ایران

در صفحه ۱۶ شماره ۶۷ شنبه بیست و پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ آن مجله مقاله‌ای به قلم آقای محمدرضا خلیلی عراقی تحت عنوان (حالا به تماشای پالایشگاه آبادان می‌رویم) مشاهده شد که در آن یک مخلوط و معجونی از یک حقیقت آمیخته با مطالب خلاف واقع و به‌خصوص وهن‌آوری گنجانده شده بود که مرا از نظر حقیقت‌پرستی و ادار نمود در اطراف آن توضیحاتی بدهم. البته اگر هدف آن مجله انتشار حقایق در جهت خیر و صلاح جامعه است، متن کامل آن را درج خواهید فرمود. به‌خصوص که یقین دارم ارزش واقعی مطالب مندرج در آن از نظر نهضت ملی ایران به مراتب بیش از مطالبی که تحت عنوان بالا در چندین صفحه آن مجله منتشر گردیده است، می‌باشد.

کمیته مرکزی حزب ایران در مواقعی که موضوع واگذاری نفت شمال به روسیه شوروی [مطرح] بود نشریه مخصوصی منتشر نموده و نظریات حزب ایران را که با دلایل محکم مخالف با واگذاری نفت شمال به روسیه شوروی بود، چند ماه قبل از تدوین ماده قانونی رد مقاوله‌نامه قوام سادچیکف منتشر نمود. ما از جویندگان حقیقت تقاضا داریم که آن جزوه را مورد مطالعه قرار داده و با مفاد ماده قانونی تصویب شده، مقایسه فرمایند تا بدانند [طرح] حزب ایران تا چه اندازه با مفاد قانون مزبور تطبیق می‌نماید. نسخ مزبور موجود است. ضمن همان نشریه توجه مردم به استیفای حقوق حقه ملت ایران از شرکت نفت جنوب جلب شده بود و

چون این امر مهم ضمن ماده قانونی نیز پیش‌بینی و دولت‌ها مکلف بدان شدند، حزب ایران در صدد برآمد که با وجود محرمانه و سری تلقی شدن تمام مطالب مربوط به نفت جنوب، حتی توسط وزارت دارایی خودمان، به هر نحوی که شده اطلاعاتی نسبت به صنعت نفت در جهان و وضع سایر امتیازات به خصوص امتیازاتی که در کشورهای غیرآسیایی به دارندگان امتیاز تفویض گردیده، تهیه و با مقایسه با آن امتیازات، درجه غبن ملت ایران را مورد مطالعه و بررسی قرار داده، نتیجه آن را قبل از اینکه قراردادی بین دولت ایران و شرکت سابق نفت گذارده شود و مجلس بی‌اطلاع، کورکورانه تحت تأثیر تبلیغات شرکت سابق که با دستگاه دولتی ما برای چاپیدن این کشور همواره سازش و وحدت نظر داشته است، آن را تصویب نماید، منتشر و در دسترس عموم قرار دهد.

این وظیفه دشوار از طرف حزب ایران در تابستان ۱۳۲۷ یعنی شش سال پیش به اینجانب واگذار گردید. مراکزی که کسب اطلاع از آنجا ممکن بود صورت‌پذیر باشد یکی بانک ملی بود که اداره آمار نسبتاً مجهزی داشت و دیگری اداره امتیازات نفت و درآمد معادن وزارت دارایی. با مراجعه به اداره آمار بانک ملی ایران معلوم شد که بیلان‌های شرکت سابق از سال ۱۹۳۲ یعنی تاریخ الغاء قرارداد داری و انعقاد قرار امتیاز جدید در آنجا موجود است. چون با مطالعاتی که نسبت به فعالیت‌های بانک شاهی با استفاده از بیلان‌های آن بانک (که آن هم در اداره آمار بانک ملی در دسترس اینجانب واقع شده بود) موفق شد با کمک کارشناس اقتصادی حزب ایران، آقای دانشپور، نشریه‌ای از طرف حزب ایران راجع به لزوم انحلال آن بانک منتشر نماید که مورد توجه علاقمندان به سرنوشت اقتصادی ایران و متصدیان بانک ملی واقع گردیده بود. فوراً در صدد استنساخ جداول بیلانی شرکت سابق برآمدم و چهارده بیلان از پانزده بیلان استنساخ شده بود که تصور می‌کنم به علت اطلاع مقامات بانک ملی، آقای جهانگیری معاون بانک، به عنوان اینکه

بیلان‌ها مورد نیاز ایشان است، آن‌ها را از قسمت آمار بانک دریافت نموده، و کار اینجانب را ناقص گذاردند. البته از این پیشامد بسیار متأسف بودم ولی خوشبختانه سری بیلان‌های دوره قرارداد داری که در اداره امتیازات مورد توجه نبود در اختیار اینجانب قرار داده شده و رفع نقیصه را نموده اجازه داد که کپی کامل تمام بیلان‌های شرکت از ابتدای تأسیس تا سال ۱۹۴۷ تهیه گردد. همین بیلان‌ها یکی از بزرگترین وسایل اصلی مطالعات در زمینه نفت ایران واقع شده و با مطالعه ارقام آن استفاده بیکران شرکت سابق و دولت انگلیس، غبن ملت ایران واضح و مبرهن شد. در جریان این رونوشت‌برداری بیلان‌ها همان کارمند با حسن‌نیت و شرافتمندی را که نویسنده مقاله یاد می‌کند و از طرف بانک مأمور جمع‌آوری اطلاعات در زمینه شرکت‌های نفت و نژوئلا و انتشار نامه‌های آنان شده بود، یک مجموعه ده دوازده صفحه‌ای از نتیجه مطالعات خود را حفظ مدت زمان کافی برای یک دور خواندن در اختیار اینجانب قرار داد و این گزارش برای شخصی مثل بنده که در آن وقت ابداً اطلاعاتی در زمینه اقتصاد نفت و میزان عواید دولت‌های امتیازدهنده از هر تن نفت نداشتیم، بسیار الهام‌بخش و برجسته و مفید بود. به طوری که برخلاف ادعای نویسنده مقاله به کرات از تهیه‌کننده آن گزارش ده دوازده صفحه‌ای در حضور دیگران تمجید نموده و تجلیل از ارزش آن گزارش نموده‌ام.

اما اینکه نویسنده مقاله مدعی است گزارش در یکضد صفحه از طرف کارشناسان آمریکایی توسط آقای علاء و آقای ابتهاج جمع‌آوری و به منظور تقدیم به اعلیحضرت همایونی توسط آن کارمند شرافتمند بانک ترجمه و در آن از ملی کردن نفت ایران صحبت شده است، ابداً اطلاعی ندارم و اظهارات نویسنده مقاله دایره به ترجمه فارسی آن مجموعه محرمانه برای تقدیم حضور شاه را هم خالی از منق و مسخره می‌دانم. زیرا آقایان علاء و ابتهاج زبان انگلیسی را بهتر از زبان مادری خود دانند و اعلیحضرت همایونی هم به زبان انگلیسی، صحبت می‌کنند.

و بنابراین ادعای ترجمه چنین گزارش اسرارآمیز و محرمانه و مهمی به زبان فارسی، میزانی برای غیرواقع بودن اظهارات و ادعاهای نویسنده مقاله می‌باشد.

البته اداره آمار بانک ملی طبق معمول مؤسسات اقتصادی، نوشته‌های جراید مهم و بخصوص مجلات نفتی را از نظر میزان استخراج و عواید حاصله از هر تن نفت کشورهای نفت خیز را که می‌توانست از نظر مالی برای تجدید قرارداد نفت، مورد استفاده دولت ایران قرار دهد، توسط آقای مجیدی مأمور برجسته و با ارزش بانک ملی ایران در آمریکا دریافت می‌داشت و متصدی شرافتمند این آمار با نهایت گشاده‌رویی و محبت این خلاصه‌ها و چکیده‌ها که از نشریات و مجلات استنساخ شده بود را در ماه‌های متوالی که مطالعات این جانب در زمینه نفت ادامه داشت، ضمن مراجعه، به نظر اینجانب می‌رسانید. همین اعداد و گزارش‌های گرانبها یکی از منابع اساسی مطالعات این جانب برای اثبات غبن دولت ایران بوده است.

اما اینکه ادعا شود کارمند شرافتمندی مثل آقای عقیلی گزارش محرمانه‌ای که برای اعلیحضرت توسط کارشناسان آمریکایی تهیه شده بوده است را برخلاف اصل امانت در اختیار این جانب قرار داده تا بخوانم و یا استنساخ نمایم، مطلب بی‌اساس است و روح من از چنین گزارشی خبر ندارد. نویسنده مقاله از داستان‌سرایی خود می‌خواهد به‌طور تفریحی نتیجه بگیرد که آنچه در زمینه نفت شده است، زائیده نظریات آمریکایی‌ها نسبت به نفت ایران بوده است، ولی بنده که یکی از افراد مطالعه‌کننده موضوع نفت ایران از نظر حزبی بوده‌ام و تعداد سخنرانی‌ها و مطالعات و نوشته‌ها و اظهارنظرهای این جانب در زمینه نفت در سخنرانی‌های عمومی و چه در میتینگ‌ها و چه در سخنرانی‌های انتخاباتی و چه در روزنامه‌های شاهد و سپس در روزنامه جبهه آزادی

ارگان مرکزی حزب ایران و چه در مصاحبه‌هایی که در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات مدت دو سال منتشر شده و چه در بحث در زمینه قرارداد الحاقی در مجلس و چه در کمیسیون نفت سازمان ملل در ژنو و چه در مصاحبه‌های مطبوعاتی در قاهره و پاریس و نیویورک و چه در مورد مطالعات نفت در هیات مختلط، از هزاران صفحه تجاوز و قطورترین کتابها را تشکیل می‌دهد، وجدان و شرافت ایرانی بودن خود را شاهد قرار می‌دهم که تنها براساس نشریات نفتی ممالک آمریکایی یعنی کشورهای که در صنعت نفت و تا چند سال پیش، بیش از دو سوم نفت جهان را استخراج و مصرف می‌نموده است و همچنین براساس بیلان‌های چاپی شرکت سابق شالوده مطالعات و اظهارنظرها و مقالات خود را تهیه کرده و طرح‌ریزی نموده‌ام و برخلاف آنچه که به منظور کوچک کردن نهضت ملی ایران در مقاله نویسنده فوق‌الذکر نوشته شده است، منعکس‌کننده نظریات چند کارشناس آمریکایی که نویسنده مدعی است گزارش ۱۰۰ صفحه‌ای برای اعلیحضرت تهیه نموده‌اند، نبود. بلکه با استفاده از اطلاعاتی که در مجلات و مقالات نفتی خارجی به خصوص در زمینه نفت ونزوئلا که پس از آمریکا بزرگترین مرکز تولید نفت جهان است و مقایسه آن با وضع عواید نفت ایران که اعداد آن توسط اداره امتیازات نفت و درآمد معادن در اختیار این‌جانب قرار داده شده است، میزان غبن عین ملت ایران را برای ملت ایران روشن نموده‌ام.

بایستی متذکر شوم که مطالعات این‌جانب در زمینه نفت دارای دو جنبه مهم اقتصادی و حقوقی بوده که منحصرأ در جنبه اقتصادی آن از مدارک خارجی که ذکر آن رفت و به وسیله مقایسه آن با عواید خودمان، استفاده شده است. نسبت به جنبه حقوقی و کلاه‌گزاری‌های شرکت سابق در راه تفسیر و تعبیر مقررات قرارداد داری و قرارداد ۱۳۱۲ نفت و مطالعه بیلان‌های شرکت بررسی و اظهارنظر شده است [...] باید این

نکته نیز اضافه شود که تحصیلات این جانب که خوشبختانه مورد انکار نویسنده مقاله نیز واقع نشده است، پس از تحصیلات در ایران و باشیلر شدن از مدرسه حقوق و علوم سیاسی (که در تمام دوره تحصیلات مربوطه در سه دوره رتبه دویم و در ده دوره دیگر رتبه اول بین تمام [دانشجوها] را دارا بوده‌ام). طی دوره بزرگترین مدرسه علمی و نظامی فرانسه یعنی پلی تکنیک پاریس و سپس طی مدرسه معدن پاریس که در آنجا نیز در بین تمام محصلین فرانسوی و خارجی رتبه اول را داشته‌ام، بوده است. پس از این تحصیلات توسط همان جناب آقای علاء که مورد لطف نویسنده می‌باشند، به شرکت نفت انگلیس و ایران در انگلستان معرفی و یک کارآموزی و بازدید کوتاه از تأسیسات شرکت در لندن در آن موقع یعنی قریب به ۱۹ سال پیش به عمل آورده، بعداً نیز در دانشکده فنی متصدی کرسی استادی اکتشاف معادن و نفت بوده‌ام و هستم. در سال ۱۳۲۴ هم از طرف وزارت دارائی به عنوان نماینده دولت به کارهای اکتشافی شرکت نفت در معشور و ناحیه بختیاری سرکشی نموده و مأمور مطالعه بوده‌ام. فعلاً هم بیش از شش سال است که در جنبه‌های اقتصادی و حقوقی نفت از نظر امتیازات شرکت سابق مطالعه و بیش از چندین هزار صفحه در آن زمینه انتشارات و مطالعات داشته‌ام که ارزش آن‌ها مورد تصدیق اهل فن اعم از اقتصادی و حقوقی واقع شده است. در تمام مدت مذاکرات نفت چه در ایران و چه در آمریکا، تنها شخصی وارد از نظر نفت ایران شناخته شده و صحت نظریات فنی این جانب حتی در کمیسیون که در آمریکا با کارشناسان آمریکایی و آقای لک‌گی کارشناس معروف نفت وزارت امور خارجه آمریکا و با حضور جناب آقای حاج محمد نمازی که در آن جلسه شرکت داشته‌اند، مورد تصدیق قرار گرفته است [...]

جاوید باد ایران، مهندس کاظم حسینی

رونوشت برابر اصل است، دبیرخانه حزب ایران

۱۴۷

[وزارت راه به وزارت کشور]^۱

وزارت راه، شماره ۲۳۴ / م مورخ ۳۳/۷/۶

وزارت کشور

[...] این وزارت نیز به موجب نامه شماره ۴۲۱ - ۳۳۳ - ۳۳/۱/۲۱ که منضم به صورت جلسه مورخ ۳۲/۱۲/۲۳ فرمانداری کل سیستان و بلوچستان حاوی صورت اسامی عده‌ای از کارمندان وابسته به حزب ایران بود، نامبردگان را از خدمت برکنار و منتظر خدمت نموده و بعداً طبق گزارش تیمسار سرلشگر کیکاوس نماینده محترم بلوچستان و بنا به تحقیقاتی که به عمل آمده معلوم شد که این انتساب و اتهام درباره آنها صحیح نبوده و به همین جهت دستور ابقای آنها به خدمت صادر شد. [...]

۱۴۸

[وزارت فرهنگ به وزارت کشور]^۲

وزارت فرهنگ، اداره کل فرهنگ شهرستان‌ها، شماره ۲۹۸۴/۲۴۷۴/م

مورخ ۳۳/۸/۲۷

وزارت کشور

پیرو شماره ۲۲۳۹/۱۶۶۵ - ۳۳/۶/۲۵، طبق نظریه فرمانداری کل بلوچستان و شهربانی زاهدان اصولاً بستگی عده‌ای از افراد به حزب

۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۰/۰۰۰۸۰۱۳۸۵

۲. همان، سند شماره ۲۹۰/۰۰۰۸۰۱۳۸

ایران روی اختلافات محلی و مبارزه با بستگان جناب آقای علم بوده و
اعضاء حزب مزبور به جز عده معدودی کسانی بوده‌اند که دارای عقاید و
نظریات سیاسی خاص نبوده و به پیروی از جریانات روز تغییر روش و
مشی می‌داده‌اند. آقای آزاد نیز جزو همین دسته می‌باشند و در یک سال و
چند ماه اخیر هم هیچ‌گونه فعالیت و اقداماتی نداشته و ننموده‌اند.
وزیر فرهنگ [امضاء]

۱۴۹

[گزارشی در باب حزب ایران]^۱

در هفته گذشته گیتی‌بین عضو کمیته مرکزی حزب ایران بازداشت شد.
گیتی‌بین پس از حوادث ۲۸ مرداد دوبار دستگیر و زندانی شد و سپس
آزاد شد. مقامات انتظامی اظهار می‌دارند که گیتی‌بین اخیراً فعالیت‌های
زیادی می‌کرده و بعضی از انتشارات حزب ایران به وسیله او انتشار
می‌یافت. در نامه سرگشاده‌ای که به وسیله حزب ایران خطاب به کمیته
نهضت مقاومت ملی منتشر شده، حملات نسبتاً شدیدی به کمیته نهضت
مقاومت ملی شده است. در این نامه نوشته شده «به علت عدم پیشرفت
کار نهضت مقاومت، این فکر ایجاد شده که باید مرکزی با انتخاب
نمایندگان احزاب تشکیل شود.» حزب ایران در این نامه تذکر داده است
«فعالیتی که کمیته نهضت مقاومت می‌کند، نتیجه طرز تفکرات کلیه
واحدهای وابسته نیست.» به طور خلاصه در این نامه حزب ایران
حملاتی به کمیته نهضت مقاومت نموده است پیداست که بین کارگردانان
این دسته‌های سیاسی اختلافاتی روی داده است. بازداشت گیتی‌بین و
نخشب که از کارگردانان حزب ایران و حزب آزادی مردم ایران می‌باشند،

۱. مجله خواندنی‌ها، ش ۷۸، ۱۳۳۴/۳/۳، ص ۴۱

با تصمیمی که اخیراً احزاب چهارگانه نهضت مقاومت اتخاذ کرده‌اند، ارتباط دارد. به قرار اطلاع احزاب چهارگانه عضو نهضت مقاومت ملی قصد دارند اعضاء کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی را از کار برکنار و کمیته مرکزی را تجدید کنند.

(خلاصه از تهران مصور، روشنفکر، ستاره اسلام و نجات)

۱۵۰

اداره‌کنندگان (نهضت مقاومت) ملی که هفته گذشته بازداشت شدند.^۱

بدنبال توقیف پنج نفر از سران نهضت مقاومت ملی، هفته پیش دو نفر دیگر از مسئولین و اداره‌کنندگان این نهضت بنام اصغر گیتی‌بین و محمد نخشب توسط مأمورین فرمانداری نظامی دستگیر و بازداشت شدند.

اصغر گیتی‌بین از اعضاء قدیمی حزب ایران است که از بدو تشکیل این حزب عضو آن شده و در جنجال‌ات حزبی و انشعابات، همیشه جانب حزب را نگاه داشته است. نامبرده به سبب خدمات خود با اینکه عضو ساده بنگاه مستقل برق تهران است، چند بار به عضویت کمیته مرکزی حزب ایران انتخاب شده و با دکتر سنجابی، مهندس زیرک‌زاده، مهندس حسینی و سایر رهبران حزب در یک ردیف قرار گرفته و در جلسات کمیته کادر رهبری شرکت می‌نموده است. مشارالیه در زمان حکومت دکتر مصدق روزنامه‌ای به نام صریر می‌نوشت و در آن از افکار و عقاید حزب ایران و اقدامات دکتر مصدق پشتیبانی و حمایت می‌کرد.

بعد از قیام ۲۸ مرداد که رهبران و مسئولین احزاب طرفدار آقای دکتر مصدق مخفی و متواری گشتند، گیتی‌بین نیز مانند آنها و سران حزب ایران خود را پنهان کرده و گویا در خفا علیه دولت سابق به مبارزه

۱. همان، ش ۸۰، ۱۳۳۴/۴/۶، ص ۲۳

پرداخت. هنوز چهل و پنج روز از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگذشته بود که گیتی‌بین به اتفاق مهندس توسلی، توکل امیرابراهیمی، رسول سلامت‌بخش از اعضای مؤثر حزب ایران بازداشت شدند. در آن روزها که اوضاع کشور متشنج بود و هنوز امنیت در سراسر کشور مستقر نگشته و رهبران طرفداران دکتر مصدق هریک در گوشه‌ای کمین کرده بودند و مأمورین فرمانداری نظامی بی‌نهایت گرفتار بودند، بدون اینکه از نامبردگان تحقیقات و یا بازجویی کنند، آن‌ها را یک‌جا به زندان موقت شهربانی منتقل کردند. نتیجتاً قریب دو ماه بلاتکلیف می‌مانند. سپس در اثر وساطت و مراجعه آشنایان، به فرمانداری نظامی احضار و از یک‌یک آنان تعهد گرفته می‌شود که پس از رهائی اقداماتی علیه دولت نمایند و طرفداری از دکتر مصدق را ترک کنند، نامبردگان نیز ضمن تأیید حکومت وقت، تعهدی سپرده و آزاد می‌شوند.

گیتی‌بین به طوری که سوابق امر نشان می‌دهد بعد از رهایی از زندان بی‌کار ننشسته و به فعالیت خود در اداره حزب و انجام امور نهضت مقاومت ادامه داده و روزنامه راه مصدق را مخفیانه چاپ و منتشره نموده و به سمت معاون دبیر کلی حزب ایران معین و مشغول به انجام وظیفه حزبی بوده است که مأمورین فرمانداری با اطلاعات قبلی که از او داشتند هفته گذشته او را گرفتار و با خود به فرمانداری نظامی می‌برند.

۱۵۱

اعلامیه حزب ایران^۱

کمیته مرکزی حزب ایران در بیانات رئیس جمهور ممالک متحده آمریکای شمالی در ضمن پیام‌های پنجم و دهم ژانویه ۱۹۵۷ به کنگره آن

۱. روزنامه کیهان، ۱۱/۱۱/۱۳۳۵، ص ۴

کشور مطالعات دقیق نموده و از لحاظ اینکه مفاد و روح این پیام را برضد امپریالیسم و کاپیتالیسم و موافق با احترام حقوق بشر و آزادی افراد و استقلال ملل در اداره امور خود و تقویت وطن پرستی و تقوی تشخیص داده، خاصه که پیام مذکور پس از اتخاذ سیاست مستقل و مساعد در مسأله حمله به مصر ایراد شده، اصولاً خوشبین است و از جنبه واقع بینی نیز آن‌ها را با اصول داخلی خود که عبارت است از:

الف) اجرای قانون اساسی و متمم آن

ب) اجرای اعلامیه حقوق بشر و احترام به آزادی و حقوق و امنیت قضائی ملت ایران

ج) متابعت از اصول پارلمانی و دموکراسی و تحقق حکومت مردم بر مردم در ریشه کن کردن فقر و رشوه خواری و نادرستی و با اصول سیاست خارجی خود که عبارت است از:

الف) متابعت از منشور سازمان ملل متحد

ب) احترام به عهد و پیمانهای موجود

ج) مبارزه با کمونیسم

د) جانبداری از ملل محروم و مظلوم جهان و هر نوع دوستی و همکاری بین المللی

منطبق می داند. حزب ایران قویاً معتقد است که از بین رفتن عدم رضایت‌ها و احترام حقیقی به آزادی و حقوق امنیت قضائی، حکومت قانون و شرکت مردم در اداره کشور خود، مهم ترین عامل اصلی و اساسی برای مبارزه با نفوذ کمونیسم و موجب پیشرفت و تعدد و ترقی می باشد. جاوید باد ایران، کمیته مرکزی حزب ایران، اللهیار صالح

اساسنامه حزب میهن^۱

اساسنامه حزب میهن شامل سه فصل است: فصل نخست تشکیلات حزب، فصل دوم: شرایط عضویت و وظایف اعضا، فصل سوم مقررات انتظامی

ماده ۱: مرکز حزب میهن شهر تهران است.

ماده ۲: تشکیلات حزب به شرح زیر است:

کنگره حزب، شورای مرکزی حزب، کمیته مرکزی، کانون‌ها، سازمان شهرستان‌ها (کمیته و شورای شهرستان)، حوزه.

کنگره

ماده ۳: کنگره حزب میهن تشکیل می‌شود از اجتماع نمایندگان حزب در سراسر کشور که هر چهار سال یک‌بار در تهران و یا در یکی از شهرهای دیگر صورت می‌گیرد.

تبصره: تشکیل نخستین کنگره حزب بر طبق تشریفات و آیین‌نامه خاصی صورت می‌گیرد که از طرف کمیته مرکزی حزب تدوین و پس از تصویب شورای مرکزی حزب به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۴: در صورت لزوم ممکن است کنگره حزب بر طبق پیشنهاد کمیته مرکزی و تصویب شورای مرکزی به طور فوق‌العاده برای اتخاذ تصمیم پیرامون مسائل مهم خاصی تشکیل می‌گردد.

ماده ۵: وظایف مهم کنگره حزب، انتخاب اعضای کمیته مرکزی و شورای مرکزی حزب و اتخاذ تصمیم پیرامون خط‌مشی و برنامه اساسی و اساسنامه حزب و مسائلی است که از طرف کمیته مرکزی به کنگره پیشنهاد می‌شود.

۱. جریده ایران ما، ش م ۱۵۷، ۱۳۲۳/۴/۵، ص ۳

شورای مرکزی حزب میهن

ماده ۶: نخستین شورای مرکزی حزب میهن از مؤسسين حزب تشكيل می شود.

ماده ۷: در صورت لزوم ممکن است بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی و تصویب شورای مرکزی حزب، اعضای جدیدی برای عضویت شورای مرکزی حزب انتخاب شوند. ولی در هر صورت عده اعضای شورای مرکزی از ۴۰ نفر نباید تجاوز کند.

ماده ۸: نخستین جلسه شورای مرکزی حزب به ریاست مسن ترین عضو شورا تشکیل شده و بی درنگ با انتخاب یک رئیس و یک نایب رئیس و دو دبیر برای مدت یک سال مبادرت می ورزد.

ماده ۹: اعضای کمیته مرکزی حزب نمی توانند به عضویت هیات رئیسه شورای مرکزی انتخاب شوند.

ماده ۱۰: پس از انتخاب هیات رئیسه در حالی که تمام حضار قیام می نمایند اعضای شورا به ترتیب حروف تهجی نام آن ها در برابر قرآن کریم و پرچم مقدس ایران طبق ماده ۶۲ سوگند یاد نموده و سوگند نامه را امضاء می نمایند.

ماده ۱۱: پس از انجام مراسم سوگند افراد شورای مرکزی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی به عمل می آید و اعضای کمیته مرکزی به وسیله رای مخفی جمعی با ورقه و به اکثریت نسبی انتخاب خواهند شد.

ماده ۱۲: وظایف شورای مرکزی حزب به شرح زیر است:

الف) انتخاب اعضای کمیته مرکزی

ب) تصویب آیین نامه ها و مقررات مربوط به امور مالی و سازمان حزب که از طرف کمیته مرکزی پیشنهاد می شود.

پ) نظارت در حسن جریان امور و اجرای برنامه های حزب

ت) اتخاذ تصمیم نسبت به مسائلی که از طرف کمیته مرکزی پیشنهاد می شود.

ج) اتخاذ تصمیم نسبت به تشکیل کنگره فوق‌العاده با پیشنهاد کمیته مرکزی.

ماده ۱۳: جلسات شورای مرکزی حزب پانزده روز یک‌بار تشکیل می‌شود و هر موقع کمیته مرکزی لازم بداند یا لااقل ۵ نفر از اعضای شورا پیشنهاد نمایند، شورای حزب تشکیل جلسه فوق‌العاده می‌دهد.^۱

ماده ۲۸: ^۲مدیر مسئول هر کانون می‌تواند عده‌کافی از اعضای حزب را برای عضویت در کانون دعوت نموده و به تناسب احتیاجات، سازمان خاصی برای کانون بدهد و در اسرع اوقات برنامه کار و آیین‌نامه کانون را تدوین نموده و برای تصویب به کمیته مرکزی تقدیم دارد.

ماده ۲۹: برنامه کار و آیین‌نامه کانون وقتی قابل اجراست که به تصویب کمیته و شورای مرکزی حزب رسیده باشد.

ماده ۳۰: علاوه بر کانون‌ها، کمیته مرکزی حزب، اداره‌ای به نام دبیرخانه حزب تأسیس می‌نماید که تحت نظر یکی از اعضاء کمیته مرکزی اداره می‌شود.

ماده ۳۱: دبیرخانه حزب عهده‌دار نگارش نامه‌های حزبی و وسیله ارتباط میان کلیه سازمان‌های حزبی است.

ماده ۳۲: دبیر مسئول دبیرخانه حزب مانند مدیران کانون‌های حزبی می‌تواند عده‌کافی از اعضای حزب را برای خدمت در دبیرخانه حزب دعوت نماید. [همچنین] وظیفه دارد آیین‌نامه کار خود را تدوین نموده و به تصویب کمیته مرکزی برساند.

ماده ۳۳: کانون‌های حزبی و دبیرخانه حزب موظفند در حدود وظایف و تکالیفی که دارند، با یکدیگر اشتراک مساعی نمایند.

۱. به دلیل عدم دستیابی به شماره ۱۵۸ روزنامه ایوان ما، امکان نقل ساده‌های ۱۳ تا ۲۷ اساستنامه حزب میهن در این مجموعه میسر نشد.

۲. همان، شرم ۱۵۹، ۱۳۲۳/۴/۷، ص ۳

ماده ۳۴: اعضای کمیته مرکزی موظفند همواره وظایف خود را با نهایت اهتمام و دقت انجام دهند و چنانچه یکی از اعضای کمیته در انجام وظایف خود قصور ورزد، یا انضباط حزبی را رعایت ننماید و یا از راه صمیمیت و صداقت خارج شود و یا مرتکب یکی از گناهان مندرج در اساسنامه گردد، کمیته حزب می‌تواند او را در کمیته محاکمه نماید و در صورت ثبوت تقصیر، به اتفاق آراء عضو مورد اتهام را از کمیته و در صورت لزوم از حزب خارج نماید.

ماده ۳۵: در صورتی که کمیته حزب برطبق ماده ۳۴ یکی از اعضای خود را محکوم نمود، عضو محکوم می‌تواند نسبت به رای کمیته تقاضای تجدیدنظر نماید در این صورت دادگاه تجدیدنظر [که] تشکیل می‌شود از هیات رئیسه شورای حزب و دو نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب که از طرف کمیته انتخاب می‌گردد، رای این دادگاه به اکثریت [آرا] قطعی خواهد بود.

تبصره: جریان دادگاه تجدیدنظر که طبق ماده مذکور فوق تشکیل می‌گردد، سری است.

ماده ۳۶: هرگاه یک یا چند تن از اعضای کمیته مرکزی از کار برکنار شده یا استعفا کنند، کمیته مرکزی موظف است برای تکمیل اعضای کمیته، از شورای حزب تقاضای انتخاب اعضای جدیدی به جای آن‌ها نماید.

ماده ۳۷: مراسلات و نامه‌های مربوط به هر سازمان وقتی سندیت دارد که به امضای مدیر مسئول آن سازمان و مهر آن رسیده باشد و نامه‌های کمیته مرکزی و کمیته‌های شهرستان و بخش به امضای دبیر کمیته می‌رسد.

سازمان شهرستان‌ها

ماده ۳۸: سازمان حزب در هر شهرستان عبارت است از:

۱. کمیته و شورای شهرستان ۲. حوزه

۱. کمیته و شورای شهرستان

ماده ۳۹: کمیته شهرستان تشکیل می‌شود از ۵ تا ۹ نفر اعضای شایسته حزب در آن شهر یا شهرستان که با جلب نظر شورای شهرستان مستقیماً از طرف کمیته مرکزی انتخاب می‌شوند. در صورتی که در شهرستانی شورای شهرستان تشکیل نشده باشد، کمیته مرکزی حزب اقدام به تشکیل کمیته شهرستان می‌نماید.

ماده ۴۰: کمیته شهرستان مسئول انجام دستورهای کمیته مرکزی بوده و وظیفه اساسی آن اداره امور حزب در آن شهرستان است.

ماده ۴۱: مقررات مواد ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ شامل کمیته‌های شهرستان‌ها نیز می‌شود و کمیته‌های شهرستان‌ها می‌توانند در صورت لزوم با جلب نظر کمیته مرکزی حزب، کانون‌هایی را که در ماده ۲۵ اشاره شد، دایر نمایند. در این صورت کانون‌های حزبی شهرستان‌ها تابع کانون‌های مرکزی حزب نیز می‌باشند.

ماده ۴۲: کمیته شهرستان علاوه بر انجام وظایف عمومی حزبی، موظف است که وضع زندگی و معیشت و اوضاع اداری و اجتماعی شهرستان را مراقب بوده و اهتمام در بهبود وضع زندگی مادی و معنوی مردم و حُسن جریان ادارات محلی داشته باشد.

ماده ۴۳: کمیته شهرستان در کارهای مهم عمومی و سیاسی پیش از جلب موافقت و کسب دستور لازم از کمیته مرکزی نمی‌تواند هیچ‌گونه اقدامی نماید و در صورت تخلف، کمیته مرکزی می‌تواند کمیته آن شهرستان را منحل کند.

ماده ۴۴: کمیته مرکزی حزب در هر شهرستان که لازم بداند شورای شهرستان را تشکیل خواهد داد در این صورت طرز تشکیل شورا و برنامه کار آن از طرف کمیته مرکزی برای اجرا به کمیته و شورای آن شهرستان ابلاغ خواهد شد.

ماده ۴۵: علاوه بر شهرستان‌ها، در بخش‌ها و قصبات نیز ممکن است کمیته‌های حزبی تشکیل شود، در این صورت این کمیته‌ها، کمیته بخش نامیده می‌شوند و وظایف آن‌ها همان وظایفی است که درباره کمیته شهرستان‌ها گفته شد.

ماده ۴۶: کمیته و سازمان بخش ممکن است مستقل بوده و مستقیماً با مرکز ارتباط داشته یا تابع کمیته شهرستان باشد. تشخیص این موضوع با کمیته مرکزی است.

ماده ۴۷: کمیته شهرستان و بخش می‌تواند برای پیشرفت امور حزب با در نظر گرفتن احتیاجات محلی، سازمان‌های خاصی ایجاد کند. در این صورت لازم است قبلاً جلب نظر کمیته مرکزی حزب را بنماید.

ماده ۴۸: کمیته شهرستان و بخش مکلفند هر هفته چگونگی عملیات خود را گزارش دهند و جریان فعالیت حزبی را در سراسر کشور به طور که از طرف کمیته مرکزی به اطلاع آن‌ها خواهد رسید، به اطلاع کلیه افراد حزب در آن شهرستان برسانند.

ماده ۴۹: وظایف و اختیارات کمیته شهرستان را در شهرستان تهران ممکن است مستقیماً کانون سازمان مرکزی حزب عهده‌دار باشد.

۲. حوزه

ماده ۵۱: نخستین واحد حزب حوزه است که از اجتماع عده‌ای از افراد حزب تشکیل می‌شود و حداکثر اعضای آن از ۱۵ نفر تجاوز نمی‌کند.

ماده ۵۱ [مکرر]: حوزه‌ها در هر شهرستان تابع کانون آن شهرستان بوده و از طرف کانون سازمان یک نفر رئیس برای هر حوزه انتخاب می‌شود که مسئول حسن جریان امور حوزه و رابط میان حوزه و کانون سازمان است.

ماده ۵۲: وظیفه اساسی هر حوزه تبلیغ مرام و ازدیاد اعضای حزب و اجرای دستورهای حزبی [است].

ماده ۵۳: هر یک از اعضای حوزه می‌تواند با موافقت رئیس حوزه‌ای که در آن عضویت دارد و اجازه کتبی کانون سازمان، به تأسیس حوزه جدیدی اقدام نمایند.

ماده ۵۴: رئیس هر حوزه علاوه بر انجام وظایف خاصی که از طرف کانون‌های حزب به او محول می‌شود، موظف است که ماهیانه اعضای حوزه را در آغاز هر ماه وصول نموده و منتهی تا دهم همان ماه به کانون مالی حزب تحویل داده و قبض رسید دریافت دارد.

ماده ۵۵: کانون سازمان می‌تواند هر یک از رؤساء حوزه‌ای را که از انجام وظایف خود قصور ورزد، از ریاست حوزه برکنار نماید.

ماده ۵۶: حوزه‌ها می‌توانند در صورت احتیاج، با موافقت کانون سازمان حزب یک نفر دبیر و یک خزانه‌دار و یک رابط برای خود انتخاب نمایند.

تبصره: در شهرستان‌هایی که کانون سازمان شهرستان تشکیل نشده، وظایف کانون سازمان را مستقیماً کمیته شهرستان انجام می‌دهد.

ماده ۵۷: جلسات حوزه هفتگی بوده و در صورت لزوم ممکن است جلسات فوق‌العاده‌ای تشکیل دهند.

فصل دوم: شرایط عضویت و وظایف اعضاء

ماده ۵۸: هر کس مرام حزب میهن را بپذیرد و شرایط زیر را دارا باشد، می‌تواند عضو حزب گردد:

الف) ایرانی و تابع دولت ایران باشد.

ب) کمتر از ۱۸ سال نداشته باشد.

پ) شهرت بد نداشته باشد.

ت) عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی نداشته باشد.

ث) خیانت به میهن نکرده و قیام برضد آزادی نکرده باشد.

تبصره: جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله می‌توانند عضو هواخواه حزب باشند و

در سازمان‌های مخصوص که از طرف سازمان حزب تشکیل می‌شود، شرکت نمایند.

ماده ۵۹: خواستار عضویت حزب میهن، با معرفی یکی از اعضای حزب، باید درخواست خود را روی برگه درخواست عضویت که به او داده می‌شود، نوشته و امضاء نموده و به رئیس حوزه بدهد.

ماده ۶۰: رئیس حوزه با مشورت اعضای حوزه راجع به عضویت خواستار جدید تصمیم می‌گیرد. در صورتی که رای حوزه مبنی بر رد درخواست باشد، خواستار عضویت می‌تواند به کانون سازمان محلی حزب مراجعه نماید و رای کانون سازمان قطعی خواهد بود.

ماده ۶۱: اتخاذ و اعلام تصمیم درباره خواستار تازه نباید بیش از ده روز از تاریخ درخواست به طول انجامد. رای قطعی باید در این مدت به خواستار عضویت اعلام شود.

ماده ۶۲: خواستاری که به عضویت حزب پذیرفته می‌شود، باید به مرام حزب میهن سوگند وفاداری یاد کند.

متن سوگندنامه

«من خداوند متعال را به شهادت خواسته به قرآن کریم و به پرچم مقدس ایران سوگند یاد می‌کنم که نسبت به مرام حزب وفادار باشم و تکالیفی را که در حدود مقررات حزب به من رجوع می‌شد، با کمال راستی و جد و جهد و ایمان انجام دهم و در راه پیشرفت مرام حزب کوشش نمایم».

ماده ۶۳: هر عضو نسبت به توانایی خود باید مبلغی ماهیانه و مرتب به خزانه‌دار یا رئیس حوزه بپردازد و در برابر قبض رسید کانون مالی را دریافت دارد. هر عضو نیز در موقع ورود، مبلغی را به عنوان ورودیه خواهد پرداخت.

ماده ۶۴: هر عضو حزب باید هنگام تغییر پیشه و محل اقامت خود، رئیس حوزه و کانون سازمان حزب را آگاه نماید. در مورد تغییر محل از شهری به شهر دیگر مدارک مربوط به عضویت و خلاصه نظریات حزب به محل اقامت تازه او، در صورتی که حزب در آن محل سازمان داشته باشد، فرستاده خواهد شد.

ماده ۶۵: به کسانی که به عضویت حزب پذیرفته شده و مراسم سوگند به جای آورده باشند، از طرف کانون سازمان حزب کارت عضویت داده خواهد شد.

تبصره: کارت عضویت وقتی معتبر است که به امضای مدیر کانون سازمان حزب رسیده باشد.

ماده ۶۶: هر یک از اعضای حزب وظیفه دارند که با تمام قوا و وسایلی که در اختیار آنها است، در راه پیشرفت مقاصد حزب و تصمیمات کمیته مرکزی بکوشند.

ماده ۶۷: اعضای حزب موظفند در جلساتی که مقرر می شود سر ساعت معین حضور یابند و در صورتی که پیشامدی مانع حضور آنان در جلسه باشد، پیش از وقت رئیس حوزه را از علت غیبت خود آگاه نمایند.

ماده ۶۸: اعضایی که در انجام وظیفه خود ابراز لیاقت نمایند، طبق آیین نامه تشریفات، مورد تشویق و قدردانی از طرف حزب واقع خواهند شد.

فصل سوم: مقررات انتظامی

ماده ۶۹: اشخاصی که مشاغلی در سازمان های حزبی دارند، حق ندارند به هیچ وجه کار خود را رها نموده و یا سستی در انجام وظایف به خرج دهند. مگر در صورتی که کتباً از شغل خود استعفاء نموده و استعفای آنها نیز پذیرفته شده و شخص دیگری به جای آنان معین شده باشد. در

این صورت موظفند کلیه نامه‌ها و اوراقی را که نزد آنها است، مطابق صورت مجلس به شخصی که معین شده است، تحویل دهند.

ماده ۷۰: تنبیهات انضباطی که از طرف حزب اجراء می‌گردد، به ترتیب به شرح زیر است:

الف) اخطار شفاهی

ب) توبیخ کتبی

پ) اخطار با درج در بخشنامه‌های حزبی و در مورد شورا و کمیته مرکزی و کمیته شهرستان با درج در روزنامه حزبی

ت) اخراج موقت، اخراج دائم

ماده ۷۱: تنبیهات حزبی در مورد کسانی اجرا می‌شود که یکی از گناهان زیر را مرتکب شده باشند.

الف) رعایت نکردن اصول و مقررات و تصمیمات مراجع صلاحیتدار حزبی.

ب) خودداری از رای دادن به نامزدهای حزبی یا مخالفت آنها با هرگونه اقدامی که به زیان نامزدهای حزبی در انتخابات تمام شود.

ت) ^۱تظاهر برخلاف حقیقت و به دروغ شهرت دادن و یا ادعا کردن که از طرف حزب مأموریت یا اختیاراتی دارد.

ث) ایجاد اختلاف و تشتت میان افراد حزب یا ایجاد بی‌نظمی و اختلال در جلسات.

ج) بدگویی و انتقاد از سران و زعمای حزب در خارج و یا در میان اعضاء.

چ) هرگونه عملی که مخالف حیثیت و شئون حزبی باشد.

ح) سوءاستفاده از مشاغل حزبی به هر نحوی از انحاء.

خ) هرگونه عمل و اقدامی که خلاف مصالح کشور یا مصالح حزب باشد.

ماده ۷۲: هر عضو متهم به یکی از گناهان مذکور در ماده ۷۱ پس از رسیدگی مقدماتی که از طرف کانون بازرسی به عمل می‌آید، به دادگاه انتظامی حزب برای دادرسی دعوت خواهد شد.

ماده ۷۳: دادگاه حزب تشکیل می‌شود از سه نفر دادرس که به پیشنهاد کمیته مرکزی از میان اعضای شورای حزب برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند. هیات مزبور یک نفر را از میان اعضاء خود به ریاست دادگاه انتخاب می‌نماید. در شهرستان‌ها کمیته شهرستان‌ها مستقیماً اعضاء دادگاه انتظامی را معرفی می‌کنند.

ماده ۷۴: نماینده یا مدیر کانون بازرسی حزب، سمت دادستانی داشته و به نام حزب اقامه دعوی می‌نماید.

ماده ۷۵: در صورتی که متهم پس از دو نوبت اخطار ظرف یک ماه از حضور یافتن در دادگاه خودداری نمود، دادگاه رای غیابی در مورد او صادر می‌کند.

ماده ۷۶: رای دادگاه قطعی و غیرقابل پژوهش است. مگر در صورتی که کمیته مرکزی حزب در مرکز شهرستان‌ها تجدید نظر در آن را لازم می‌داند و در این صورت کمیته حزب سمت دادگاه تجدید نظر را دارا خواهد بود.

ماده ۷۷: هر عضو مورد اتهام، از عضویت سازمانی که در آن عضویت دارد، تا پایان دادرسی معاف می‌گردد.

ماده ۷۸: در صورتی که میان اعضای حزب اختلافی بروز نماید، طرفین می‌توانند از هیات دادگاه انتظامی حزب درخواست رسیدگی نمایند و در این صورت هیات دادرسی می‌تواند با رعایت اصول کدخدا منشی (حکمیت) و عدالت آن‌ها را صلح دهد.

ماده ۷۹: هر یک از افراد حزب آزاد است به هرگونه فعالیت سیاسی از قبیل نشر جراید و مجلات و ایراد خطابه و نظایر آن مبادرت ورزد، ولی در

تمام موارد باید رعایت روش و اصول و برنامه اساسی حزب را نموده و فعالیت سیاسی خود را از هر حیث با مشی سیاسی حزب وفق دهد. روزنامه‌نگاران وابسته به حزب نیز موظفند که در این مورد مقررات کانون مطبوعات حزب را رعایت نمایند.

ماده ۸۰: هیچ یک از اعضای حزب نباید با مقامات و مأمورین خارجی به طور مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط پیدا نماید، مگر برای انجام مأموریت‌هایی که از طرف کمیته مرکزی حزب به او محول شده باشد.

ماده ۸۱: هیچ یک از اعضای حزب نمی‌تواند در جمعیت‌ها و اتحادیه‌ها و باشگاه‌هایی که وابسته به حزب نباشد و یا کمیته مرکزی شرکت در آن را اجازه نداده باشد، عضویت داشته باشد.

ماده ۸۲: هیچ یک از اعضای حزب نمی‌تواند بدون اجازه کمیته مرکزی در حکومت‌هایی که از طرف حزب تشکیل نشده به عنوان وزیر یا معاون وزیر شرکت نماید.

ماده ۸۳: هرگاه حزب بخواهد لیدر یا رهبری برای خود انتخاب نماید بنا به پیشنهاد کمیته مرکزی حزب و تصویب شورای مرکزی این موضوع در روزنامه ناشر افکار حزب اعلام خواهد شد.

ماده ۸۴: تخلف از مواد ۸۰ - ۸۱ - ۸۲ - ۸۳ جرم شناخته شده و متخلف قابل تعقیب و مستوجب تنبیه است.

ماده ۸۵: این اساسنامه که به تصویب شورای مرکزی حزب رسیده است، از هر حیث قابل اجراء بوده و هیچ یک از اعضای حزب نمی‌تواند به عذر عدم اطلاع از مفاد آن، استناد نماید.

ماده ۸۶: مواد این اساسنامه پیش از آنکه به تصویب کنگره حزب برسد، به پیشنهاد کمیته مرکزی حزب و تصویب شورای مرکزی قابل تغییر و تبدیل است.

مرام‌نامه حزب میهن^۱

حزب میهن برای برپا کردن رستاخیزی براساس حق و عدالت و ملیت و آزادی تشکیل شده و هدف آن ایجاد ایرانی بزرگ و تواناست که در شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آزاد باشد و مقام بلندی را که درخور شخصیت تاریخی و ملی اوست، احراز نماید.

مرام آن شامل هشت اصل زیر است:

۱. حکومت ایران باید حکومت حزبی مقتدری باشد که ملت آن را شایسته دانسته و از آن پشتیبانی کند.
۲. هر ایرانی باید به فراخور خود کار کند و بهره هر کس باید متناسب با کار او و فایده‌ای باشد که به جامعه می‌رساند.
۳. نظم در تولید و عدالت در توزیع، ثروت، باید اساس اقتصاد ایران باشد.
۴. مالکیت‌های زمین‌های زراعتی باید محدود باشد و کشاورزان تقویت شوند.
۵. حقوق اجتماعی و اقتصادی کارگران و کشاورزان باید مورد حمایت قرار گیرد.
۶. اصول حقیقی دیانت که موجب تحکیم بنیاد اخلاق و تقوی است، باید ترویج شود و دین از خرافات و موهوماتی که بدان آمیخته شده، پیراسته گردد.
۷. دولت باید خانواده را حمایت کند و وسایل بهبود نسل و افزایش نفوس را فراهم سازد.
۸. دولت باید وسایل پرورش و آموزش را برای همه افراد فراهم کند.

۱. همان، ش م ۱۵۶، ۴/۴/۱۳۲۳، ص ۴

هدف فرهنگ ما باید پرورش حس میهن‌پرستی و احترام به کار و اعتماد به نفس باشد.

۱۵۲

بیانیه حزب میهن^{*}

هم‌میهنان جبهه ملی نیرومندی که مدت‌ها در انتظار آن بودید، تشکیل گردید. ایجاد این جبهه نخستین قدم در راه رستاخیز بزرگی است که باید هر چه زودتر به دست کلیه مردم میهن‌پرست و آزادی‌خواه و شرافتمند ایران صورت گیرد. از مدت‌ها پیش افکار عمومی که از هرج و مرج و تشتت و خرابی به تنگ آمده است، خواستار تشکیل جبهه واحدی از کلیه افراد و عناصر آزادی‌خواه و پاکدل و میهن‌پرست ایران بود تا این نیرو بتواند با هرج و مرج و فساد اجتماعی امروزه مبارزه کند و آن را به طور قطع از میان بردارد.

ما امروز این اراده مقدس ملت ایران را اجرا کرده و وظیفه خود را در راه ایجاد جبهه بزرگی برای نجات ایران و تأمین سعادت آینده آن انجام می‌دهیم. این جبهه ملی از اتحاد احزاب و افرادی به وجود آمده است که در مدت دو سال و نیم فعالیت خود توانسته‌اند امتحان میهن‌پرستی و شرافتمندی و بی‌غرضی خود را به نحو احسن بدهند. دو سال و نیم مبارزه و کوشش و فداکاری دائم، افراد این احزاب را با روح پولادین مجهز کرده است که بالاترین ضامن موفقیت و پیروزی آنهاست. امروز این احزاب برای خدمت به ایران، برای ایجاد یک جبهه ملی حقیقی و جلوگیری از تجزیه و تشتتی که بر حیات اجتماعی و سیاسی ما

حکمفرماست، یک قدم دیگر به سوی آرمان بزرگ خود برمی دارند. این قدم، اتحاد کلیه آن‌ها در زیر یک نام و یک پرچم و در راه یک منظور واحد است. از این پس چهار حزب آزادی خواهان، استقلال، پیکار و میهن پرستان که همه دارای یک آرمان و مرام بوده و همیشه در راه یک هدف واحد جنگیده اند، رسماً تبدیل به یک حزب واحد یعنی «حزب میهن» می شوند.

امروز مردم ایران پس از سالها تحمل زورگویی و فساد و خیانت طبقه حاکمه این کشور، دریافته اند که جز با درهم شکستن این دستگاه پوسیده فاسد و ایجاد بنای نوینی متناسب با مقتضیات دنیای امروز، تجدید حیات و عظمت ایران ممکن نیست. کسانی که در مکتب دیکتاتوری درس ستمگری و دزدی آموخته اند، نه تنها حق ندارند با نقاب فریبنده دموکراسی نقش شوم خود را بازی کنند، بلکه نخستین و مقدس ترین وظیفه یک نیروی صالح ملی درهم شکستن جبهه پول و زور و خیانت است که این عده مظاهر آنند. در ایران نوباید جای این آزادی خواهان دروغین به آن‌هایی داده شود که حقیقتاً آرزویی جز خدمت به ملت ایران در سر ندارند. از امروز کسانی که دو سال و نیم است در راه نجات ایران مشغول پیکارند، دومین مرحله مبارزه مقدس خود را دوش به دوش هم در این راه دشوار آغاز می کنند. این مبارزه چنانکه مرامنامه ما حاکی است مبارزه ای است «برای برپا کردن رستاخیزی براساس حق و عدالت و ملیت و آزادی و ایجاد ایرانی بزرگ و توانا که در شئون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آزاد باشد و مقام بلندی را که درخور شخصیت تاریخی و ملی اوست، احراز نمایند.»

ما می خواهیم حکومت ایران حکومت حزبی مقتدری باشد که ملت، آن را شایسته دانسته و از آن پشتیبانی کند. ما می خواهیم هر ایرانی به فراخور استعداد خود کار کند و بهره هر کس متناسب با کار او و فایده ای

باشد که به جامعه می‌رساند. ما می‌خواهیم نظم در تولید و عدالت در توزیع ثروت، اساس سیاست اقتصادی ایران قرار گیرد. ما می‌خواهیم مالکیت زمینهای زراعتی محدود شود و کشاورزان که این زمینها را با بازوی خود کشت و زرع می‌کنند، تقویت گردند. ما می‌خواهیم حقوق اجتماعی و اقتصادی کارگران و کشاورزان به نحو احسن مورد حمایت قرار گیرد. ما می‌خواهیم اصول حقیقی دیانت که موجب تحکیم بنیاد اخلاق و تقوی است، ترویج شود و دین از خرافات و اوهامی که بدان آمیخته شده، پیراسته گردد. ما می‌خواهیم خانواده مورد حمایت کامل دولت قرار گیرد و دولت وسائل پرورش و آموزش و کار را برای همه افراد فراهم کند و فرهنگ ما مردانی واجد حس اعتماد به نفس و میهن‌پرستی و احترام به کار، تربیت نماید.

این‌ها است هشت اصل اساسی مرام‌نامه ما که برای عملی کردن آن‌ها فعالیت حزبی خود را آغاز کرده‌ایم. ما در این فعالیت خود بر علیه کلیه خائنین و ستمکاران، بر علیه دزدان و غارتگران و وطن‌فروشان و بیگانه‌پرستان، بر علیه هرگونه حکومت فردی و دیکتاتوری، بر علیه هرگونه اعمال نفوذ غیرقانونی از طرف هر مقام داخلی و خارجی در امور کشور و بالاخره بر علیه کلیه افراد و طبقاتی که مسبب تیره‌روزی و هرج و مرج کنونی ایران هستند، با تمام قوا و تا آخرین لحظه مبارزه خواهیم کرد. ما در این راه دشوار ولی پرافتخار به هیچ وجه جز به ایران، به ملت ایران و به نیروی ایمان وطن‌پرستان شجاع ایران متکی نیستیم و یقین است که همین نیروی حقیقت، بزرگترین پشتیبان ما خواهد بود.

خط‌مشی ما:

سیاست خارجی: ما در سیاست خارجی خواهان همکاری با متفقین و ملل آزادیخواه که برای برقراری عدالت و آزادی و حفظ حقوق ملل می‌کوشند، بوده و طرفدار حفظ دوستی و مودت با کلیه دول دوست و

همجوار براساس احترام متقابل و حفظ حاکمیت سیاسی مطلق ایران هستیم.

سیاست داخلی:

مجلس و دولت: ما با هر مجلسی که مظهر اراده ملت ایران نباشد و با هر دولتی نیز که متکی به اراده ملت نبوده و فقط منتخب مجلس‌ها غیرملی باشد، مخالفیم.

احزاب: حزب ما که از میانه ملت برخاسته و تنها به نیروی ملت متکی است، نمی‌تواند با افراد و عناصر غیرملی که به نیروی جز نیروی ملت متکی باشند، نزدیک شود. ما همواره بر علیه عناصر بیگانه‌پرست به هر اسم و رسمی که باشند، مبارزه خواهیم کرد. در عوض پیوسته آماده آن خواهیم بود که با احزاب و جماعتی که روش آن‌ها براساس ملیت قرار گرفته و فقط جنبه ملی داشته باشند، نزدیک گردیم و اشتراک مساعی کنیم. لازم به ذکر نیست که ما با هرگونه ارتجاع و هر اقدام ارتجاعی به شدت مبارزه خواهیم کرد و اصل تجددخواهی را به صورت حقیقی آن تعقیب خواهیم نمود.

هم میهنان: «حزب میهن» با این مرام و این خط‌مشی از امروز رسماً شروع به کار می‌کند. شما که مدت‌ها در انتظار تشکیل یک نیروی حقیقی ملی هستید و ایجاد این نیرو را از احزاب و افراد و عناصر صالح می‌طلبید، شما که به لزوم تشکیل جبهه واحدی در مقابل نیروهای اهریمنی قفسه‌دار و خیانت و ظلم و تباهی پی برده‌اید، شما که نجات ایران را تنها بنا یک رستاخیز بزرگ ملی ممکن می‌دانید. وظیفه مقدس اخلاقی و ملی شما این است که هر چه زودتر به این حزب ملی بپیوندید و سهم خود را در این جهاد بزرگ اخلاقی، به عهده بگیرید. از این لحظه هیچ‌گونه تردید و تأمل برای شما جائز نیست. زیرا کشور ما و تاریخ ما امروز از ما فقط یک انتظار دارد و آن اتحاد و اتفاق کلیه افراد میهن‌پرست و آزادی‌خواه ایران در زیر یک پرچم و در راه یک مقصود است.

هم میهن: ما امروز برای خاطر تو و حفظ شرافت ملی تو و برای تأمین سعادت فرزندان تو گردهم آمده و آماده پیکار شده‌ایم. ما تمام نیرو و توانایی خود را در این راه نهاده‌ایم و یقین داشته‌باش که هنگام لزوم از بذل جان نیز خودداری نخواهیم کرد. ما در زیر پرچم پرافتخار ایران و به نام سعادت و افتخار و شرافت ملت بزرگ تاریخی ایران آماده پیکاریم و از تو نیز انتظار داریم که به نام ایران و آینده ایران و به نام فرزندان خود و کلیه کسانی که از این پس در این کشور زندگی خواهند کرد، با تمام قوا به صفوف ما پیوندی و نیروی جوانان و مردان میهن پرست و فداکار ایرانی را تقویت کنی. هرگونه کوتاهی و قصوری درین مورد گناهی است که نسبت به خود و ملت خود و نسبت به آینده کشور خویش مرتکب شده‌ای و یقین است که تن به این گناه نخواهی داد.

هم میهنان

«حزب میهن» امروز از تمام افراد صالح و شرافتمند و میهن پرست و آزادیخواه ایران انتظار همراهی و همکاری قطعی دارد، تا بر اثر این همکاری نیروی ملی مقتدری به وجود آید که بتواند رستاخیز عظیمی را که همه در آرزوی آنیم، برپا کند. تنها این رستاخیز بزرگ ملی است که خواهد توانست شخصیت و مجد و عظمت ملی ما را در تاریخ جهان تجدید کند و سعادت و رفاه و ترقی اجتماعی ما و نسلهای آینده کشور را تأمین نماید. هر چه زودتر فرزندان شجاع ایران این جبهه ملی را تقویت کنند، این رستاخیز بزرگ زودتر صورت خواهد گرفت و جهاد مقدسی که آغاز شده است، زودتر به نتیجه خواهد رسید. ما آماده پیکاریم و وظیفه بزرگ و مقدس شما، شرکت درین پیکار بزرگ ملی است. بیایید تا با هم پرچم پرافتخار ایران را به سوی افتخارهای تازه‌ای راهنمایی کنیم. پیش برویم، خداوند پشتیبان ما خواهد بود.

تهران ۱۳۲۳/۳/۳۰

کمیته مرکزی حزب میهن

۱۵۵

بخشنامه حزبی به رؤسای حوزه‌ها^۱

رؤسای حوزه‌ها طبق ماده ۵۴ اساسنامه موظفند که ماهیانه اعضای حوزه را در آغاز هر ماه وصول نموده و تا دهم همان ماه به کانون مالی حزب تحویل دهند و قبض رسید دریافت دارند. اعضای حزب هم مکلفند که وجوه ماهیانه خود را مرتباً بپردازند که رؤسای حوزه‌ها در انجام وظیفه خود دچار اشکال نشوند.

بنابراین بدین وسیله به رؤسای حوزه‌هایی که تاکنون طبق این ماده عمل نکرده‌اند، اخطار می‌شود که تا آخر این هفته گزارش مالی و وجوه ماهیانه اعضای حوزه را در صورتی که تاکنون وصول نکرده‌اند، وصول نموده و به کانون مالی ارسال دارند.

ضمناً به کلیه اعضای حزب که تاکنون وجوهی به حزب پرداخته‌اند و قبض رسید دریافت نداشته‌اند، بدین وسیله اطلاع داده می‌شود که برای دریافت قبض رسید در اسرع وقت به کانون مالی مراجعه نمایند.

کانون مالی حزب میهن

۱۵۶

سر خروس در قلمرو حزب میهن^۲

خلیل ملکی

روزنامه رستاخیز ارگان مرکزی حزب میهن در شماره ۱۱ خود در تحت عنوان «دم خروس در کنگره حزب توده» از جمله چنین می‌نویسد:

۱. جریده رستاخیز، ش ۱۱، ۱۳۲۳/۵/۱۲، ص ۳

۲. روزنامه رهبر، ش. م، ۳۵۵، ۱۳۲۳/۵/۱۷، ص ۱ و ۲

«نویسندگان حزب توده بارها به ما ملامت کرده‌اند که چرا حزب توده را دارای سیاست یک‌جانبی می‌شماریم [...] ما با استناد به مندرجات دیروز روزنامه رهبر به روسای حزب توده توصیه می‌کنیم قبلاً دم خروس را پنهان کنند و بعد این انتظار را از ما و دیگران داشته باشند» روزنامه نامبرده باز می‌نویسد «دم خروس تر از همه کلمه رفیق است که آقایان نمایندگان توده دیروز در خطاب به هم‌جانشین آقا کرده‌اند» پیش از این که با این ایراد کودکانه کوچک جواب بدهیم به یک نکته بزرگی که از آن مستفاد می‌شود توجه می‌نمائیم: روزنامه نامبرده به کار بردن کلمه رفیق را به جای آقا چرا دم خروس تر دانسته و دلیل سیاست یک‌جانبه حزب توده می‌گیرد؟ واضح است برای این که فقط کمونیست‌ها به عقیده ایشان رفیق را جای آقا استعمال کنند، پس حزب توده کمونیست و طرفدار سیاست یک‌جانبه است. در بعضی از روزنامه‌های دسته‌جاتی که حالا خود را به اسم حزب میهن می‌خوانند، این سیاست یک‌جانبه گاهی بر تک‌سیاستی و گاهی به ضروری اجانب تعبیر می‌شود. ما بارها در صفحات رهبر نشان دادیم که منشاء این اتهامات به این مناسبت است که عده‌ای از افراد ۵۳ نفر در حزب توده وجود دارند که متهم به کمونیستی بودند. ولی روزنامه میهن‌پرستان در جواب ما بارها اطمینان می‌داد که متهم بودن ما به طرفداری سیاست یک‌جانبه و یا داشتن رنگ سیاسی، نه برای این است که ممکن است ما کمونیست باشیم، بلکه برای این است که ما اجنبی‌پرست باشیم. ولی از عبارات روزنامه نامبرده با صراحت کامل معلوم می‌شود که به کار بردن کلمه رفیق را دم خروس دانسته و ما را کمونیست یا طرفدار سیاست یک‌جانبه و دارای رنگ و غیره می‌دانند. آیا این تناقض‌گویی دلیل چیست؟ این دیگر دم خروس نیست که علامت سوءنیت شما باشد، بلکه سر خروس است که با کمال وضوح و صراحت بانگ می‌زند و تمام ادعاهای شما را که در صفحات میهن‌پرستان راجع به

رنگ سیاسی داشتن حزب توده بود، تکذیب می نمایند. نویسندگان محترم رستاخیز توجه فرموده اند که بکار بردن کلمه رفیق به جای کلمه آقا از مختصات کمونیست ها است و این دلایل تازه از محدود بودن فکر آقایان است که از حدود افکار و عقاید سیاست بافان خیابان اسلامبول تجاوز نمی فرمایند. کلمه رفیق در اغلب احزاب دنیا معمول می باشد و در حقیقت مختص کلمات رنجبر است که از آقایان و آقای بی دور می باشد. کمونیست ها که عده ای از همان رنجبران می باشند کلمه رفیق را از آن ها گرفته نه بالعکس. یعنی هرکس رفیق را جای آقا بکاربرد لازم نیست کمونیست باشد و او هر کمونیستی رفیق جای آقا بکار می برد. البته برای نویسندگان و رؤسا دسته ها یا احزابی که تکیه توده ای نداشته و در نتیجه نداشتن تماس با توده های کارگر و دهاتی از روش فکری آن ها بی خبرند، سخت است باور کنند که نمی توانند کارگر دهاتی را وادار به گفتن آقا به جای رفیق نمایند، ولو اینکه فکر آن ها فرسنگ ها از کمونیستی دور می باشد، کمیته مرکزی حزب توده مدت ها پیش محض اجتناب از این نوع اتهامات کودکانه بخشنامه ای صادر و افراد حزب را توصیه نمود که کلمه آقا به کار ببرند. ولی عملاً پیروی از این توصیه به اشکالات برمی خورد. به عقیده نگارنده اصرار در این موضوع نه لزومی دارد نه امکان پذیر است. مثلاً اگر من به آن نماینده مردم تبریز که با پای برهنه در کنگره حزبی حاضر می شود (و به قول خودش کفش و کلاه و دار و ندار خود را در راه حفظ و نگهداری حزب از دست داده) آقا خطاب نمایم چه تصور خواهد شد و اگر حضور همان دهاتی به دکتری که آن هم نماینده کنگره است، آقا خطاب نموده و خود دهاتی که رفیق بنامیم، خوش آیند خواهد بود. حقیقتاً حیف از آن کاغذ و قلمی که برای این نوع ایرادات کوچک و بی اهمیت مصرف می شود. راجع به این که نمایندگان شمال از نمایندگان جنوب به مراتب بیشترند، علتش این است با وجود

این که حزب توده برای دادن تشکیلات در قسمت جنوب اغلب مساعی بیشتری به کار برده، معذک در آنجا خیلی کمتر موفق شده، زیرا مقاومت پلیس در آن نواحی در مقابل حزب خیلی شدیدتر است، حتی در بعضی موارد در نطفه خفه نموده و از پیدایش آن جداً جلوگیری می‌نمایند. بنابراین علت را باید از تشکیلات شهربانی و سایر ادارات دولتی استفسار نمود نه از حزب توده. البته حزب توده جداً مایل است تشکیلات خود را در تمامی نقاط ایران به طور موازی بسط دهد، ولی طبیعتاً هر کجا موانع بیشتر باشد، تشکیلات کمتر خواهد بود. معذک در بعضی نواحی به مناسبت شرایط محیط مناسب‌تر، موفقیت‌های نصیب حزب گردیده. مثلاً تشکیلات اصفهان نمونه بارزی از آن می‌باشد. بدیهی است هر چه تشکیلات کمتر است، نماینده برای کنگره حزبی و یا مجلس شورای ملی کمتر خواهد بود. راجع به هویت بعضی از نمایندگان کنگره ایشان فرموده ولی ذکر نموده‌اند. البته ممکن است بعضی از دهاتی‌ها و زحمتکش‌ان نزد آقایان مجهول‌الهویه باشند، ولی حزب توده با کمال افتخار دهاتی «بی سروپا» و کارگر «سروپا برهنه» را با استاد دانشگاه در روی یک نیمکت کنگره حزبی جای می‌دهد. در خاتمه یک اشتباه دیگری را به نویسندگان رستاخیز یادآور می‌شویم که حزب توده هرگز احتیاجی به جمعیت‌های دیگر ندارد، زیرا این حزب دوره طفولیت خود را بسر برده و حتی حاضر است از روی میل و رغبت ما در مهربانی برای جمعیت‌ها و احزاب دیگر گردد مشروط بر اینکه حسن نیتی از خودشان نشان بدهند، نه این که دم خروس را آن طوری که به ما توصیه می‌کنند، پنهان بکنند. بلکه خود خروس را به جای که تعلق دارد برگردانند و از آوازه‌خوانی بی محل آن جلوگیری کند. اگر نویسندگان رهبر از جبهه ائتلاف ملی و نظایر آن صحبت کرده‌اند، انتظاری مساعدتی از دیگران ندارند. زیرا حزب توده به بازوان توانای رنجبران و فکر نیرومند روشن فکران متکی می‌باشد، منظور ما این

بوده است که تمام جمعیت‌ها و احزابی که کم و بیش جنبه تشکیلاتی جدی دارند، در مبارزه با رجعت دیکتاتوری و یا استعمار با حفظ شخصیت اجتماعی خود یک صف و جبهه تشکیل بدهند.

۱۵۷

به نویسندگان ایران ما^۱

آقایان: برای نخستین بار در روزنامه شما پاسخ چیزی که از نظر آن روزنامه موهن تلقی شد، ولی در واقع فقط یک سوء تفاهم و اشتباه خالی از غرض بود، با لحن و سبک شایسته یک روزنامه حزبی داده شد. ما از این که احساسات تند و حساب نشده جای خود را به متانت و استدلال داده، مسروریم و نیز آشکار می‌گوئیم که اگر وجه شبهی بین حزب پلید و ارتجاعی وطن و حزب میهن ذکر شده، صحیح نبوده و ما حزب میهن را از بسیاری لحاظ با خود در مبارزه شریک می‌دانیم. ولی نویسندگان ایران ما باید به این نکته متوجه باشند که در قلمرو حزب میهن از لحاظ افکار اجتماعی آنطور که باید هم آهنگی وجود ندارد. ما هر قدر تمایل دوستانه (متکی بر اصول اجتماعی) برای نویسندگان حزب پیکار داشته باشیم، نمی‌توانیم برخی نسبت‌های ناروا و غیرمنصفانه‌ای را که در روزنامه رستاخیز به ما داده می‌شود تحمل کنیم. صحیح است که در این اجتماع در زمینه افترا و تهمت ارزش الفاظ از میان رفته، ولی باید تصدیق کرد که نسبت «اجنبی پرستی» که در جراید نامبرده به طور رایگان به حزب توده داده می‌شود به معنای کامل فحش و ناسزا است در چنین صورتی تصور می‌رود که انتقاد از هیئت تحریریه، برای یک اشتباه لفظی انتظار غیرعادی

۱. همان، ش ۳۵۷، ۳۵۷، ۱۹/۵/۱۳۲۳، ص ۱

است. ما از روی علاقه کامل به جوانان پاکدلی که افکارشان غالباً در روزنامه شما و جراید دیگر منتشر می‌شود، می‌نگریم و انتظار داریم که این جوانان بتوانند در حزب میهن آن هماهنگی لازم فکری را ایجاد نمایند و برای همکاری با احزاب ملی و آزادی خواه تصمیم بگیرند. ما با نهایت میل دست خود را به طرف هر حزب یا مسلک و دوراندیشی که شرایط تاریخی کنونی را تشخیص داده و فرم خود را برای نبرد مؤثر بر علیه ارتجاع جزم کرده است، دراز می‌کنیم.

۱۵۸

غارث در سمنان^۱

نامه‌ای که در تاریخ ۲۳/۶/۴ از سمنان به اداره شهربانی نوشته شده است اداره شهربانی سمنان. دیروز ساعت تقریباً یک بعدازظهر عده‌ای از آشوب طلبان شهر به سردستگی احمد عضدی عضو حزب میهن و محمود مداح و ابوطالب سیف و خلیل شاطریان و محمود ضمیری برای اجرای نقشه پلیدی که در شب قبل با آن اشتراک کارمندان، تلگرافی به سمنان و الهی رئیس شرکت برنج و مولوی رئیس دپو صورت یافته و بیانیه‌ای نیز به نام تبلیغات اسلامی در بازار منتشر کرده و مردم را دعوت به شورش نموده بودند، به قصد کشت آقای اسکندر سرابی صدر کمیته حزب توده شهرستان سمنان و چند نفر دیگر، به ایستگاه سمنان حمله ور شدند بعد از شکستن شیشه‌های درب و پنجره آنجا تنها کسی که متعرض آنجا شده بود، آقای ایروانی نایب اداره شهربانی بود که از بروز کشتار جلوگیری نموده، شورشیان بعد از شکستن شیشه‌های ایستگاه به شهر

۱. همان، ش ۳۷۲، ۱۳۲۳/۶/۸، ص ۱

مراجعت و به کمیته حزب توده و شرکت تعاونی آن هجوم می‌آورند و کلیه اثاثیه موجود در آن‌ها را غارت و اجناس شرکت را به تاراج می‌برند. این دفعه دومی است که شورشیان شهری در مدت ریاست دبیر سیاسی اتفاق افتاده در دفعه نخست خیال غارت فرمانداری را داشتند، ولی موفق نشدند و کسی هم متعرض آن‌ها نشده بود.

۱۵۹

دو مقاله و یک مضمون پاسخ به تهمت حزب میهن و روزنامه رستاخیز

واقعه سمنان تجدید هتاکی پاسخ به تهمت اگر دقت کرده باشید، غالباً در قبال افتراء و بهتان دشمنان خود سکوت می‌کنیم، زیرا به نظر ما بطلان این نسبت‌های زشت و بی‌معنی به خودی خود واضح است. ولی جمعی از هواخواهان حزب علاقه دارند که به مفتریات و جعلیات مخالفین خود پاسخ بدهیم. منطبق آن‌ها این است که مردم بی‌خبر سکوت ما را حمل بر نداشتن جواب مقنع می‌کنند. حال آنکه به نظر ما پاسخ گفتن دز قبال هتاکی، هتاکی نمودن و تکذیب کردن اشکال و مانعی ندارد، جز آنکه شایسته یک روزنامه خزبی که نماینده فکر هزاران نفر کارگر و پیشه‌ور و روشنفکر و دهقان است، نیست. ما نسبت به بعضی از جرایم که فقط برای فحاشی به حزب توده ایران تأسیس شده‌اند، به کلی روش عاقلانه سکوت را پیش گرفتیم. زیرا حتی ننگ داشتیم که نام آن جرایم را در یک نامه توده‌ای و منزه ببریم. نسبت به بعضی از جرایم که برای آن‌ها منطق و وزن یا تاثیری قائل بودیم، روش

مباحثه منطقی پیش گرفتیم. ولی به طور کلی از جدال مطبوعاتی خرسند نیستیم، و در مجادلاتی که تاکنون وارد شده ایم، پیوسته مدافع بودیم و جز در موردی که صلاح آزادی را در آن دانسته ایم، اقدام به تعرض نکرده ایم. باری روز پنجشنبه در دو روزنامه رعد امروز و رستاخیز دو سر مقاله که از لحاظ لحن افتراء و دشنام هم مضمون بودند، بر علیه حزب توده ایران ~~نشر یافت و ما اینک می‌کشیم که درباره این دو مقاله هم مضمون نکاتی را روشن سازیم. حزب میهن و روزنامه رستاخیز، برعکس دعوی یکی از~~ مرتجعین معروف که حزب ما را در آزادیخواهی «انحصارچی» لقب داده بود و تبلیغ می‌کرد که حزب توده با ظهور و رشد هر حزب دیگری مخالف است، در واقع حزب ما پیدایش نهضت حزبی را در کشور ایران به فال نیک می‌گیرد و از این که احزاب آزادی‌خواه و ملی در این کشور قوت و قدرتی پیدا کنند، بسیار شادمان است. زیرا حزب ما به این نکته به خوبی وقوف دارد که هیچ چیز جز وجود احزاب قوی ضامن بقای آزادی در این کشور نیست. ما با حزب پیکار و حزب میهن پرستان با حسن ظنی نگاه می‌کنیم و با وجود آنکه از دشنام و افتراء حزب میهن پرستان و روزنامه ناشر افکار آن هیچ‌گاه در امان نبودیم، حسن ظن خود را حفظ کرده بودیم و امیدواری داشتیم که این تشکیلات هسته سازمان‌های بزرگتری بشود که تربیت حزبی و اجتماعی را در ایران رواج دهند. به ائتلاف حزب ~~میهن پرستان و پیکار و استقلال و غیره با همین چشم می‌نگریستیم. در~~ عمل به خط نظر ریاست خود پی بردیم و دانستیم که در اینجا نیز سنگری بر ضد ما حفر شده است. بر ضد ما یعنی بر ضد یک مشت افراد توده ستمکش و آزادیخواه ایران. لازم است در این جا متذکر شویم که اصولاً اتحاد احزاب میهن پرستان و پیکار چنانکه باید یک موضوع واقعی و حقیقی نیست. عده کثیری از افراد حزب پیکار که رشد سیاسی و قدرت استنباط آن‌ها به آن‌ها اجازه فهم قضایای اجتماعی را داده است، از قبول

این ائتلاف پرهیز کردند و روزنامه ناشر افکار خود روشی پیش گرفته که به مراتب به روش کودخانه و بی معنای روزنامه رستاخیز ترجیح دارد. ما این نکات را از این جهت نمی گوئیم که این جوانان پیکاری با خود دوست می دانیم یا بخواهیم جلب دوستی آنها را بکنیم، زیرا از این جوانان نیز به نوبه خود دشنام شنیدیم. ولی دشنام شنیدن مانع قضاوت صحیح نیست. روزنامه رستاخیز در دوره (رستاخیزی) خود از مبارزه بر علیه سیدضیاءالدین که او را خائن شماره ۱ می خواند، تقریباً دست کشیده و در عوض با حدت و حرارت فوق العاده ای به کمک سیدضیاءالدین شتافته تا حزب توده ایران را زیر بهمنی از تهمت و افترا و دشنام مدفون سازد. این روزنامه با یک بخل و حسادت بچه گانه در تمام مدتی که کنگره حزب، تشکیل بود می کوشید تا آن را مورد هو و استهزاء قرار دهد. زمانی حزب توده را حزب کمونیست خواند. زمانی مقالات مهمل و بی معنای یک نفر ماجراجو را منتشر کرد و کوشید که حزب توده را مخالف کمونیسم معرفی کند. مضحک بود که در این مقالات روزنامه ناشر افکار حزب ائتلافی موهوم مرتباً از اصول انقلاب کمونیستی صحبت می کرد. البته مقاله ای که در یک روزنامه ارگان حزب بر علیه حزب دیگر نشر می یابد، باید موافق خط مشی و نظریه آن حزب باشد. به طور کلی روزی نمی گذارد که این روزنامه که دم از «ملی» و «بی رنگ» بودن خود می زند، برای اجرای گوشه های از نقشه های مخالفین آزادی و دشمنان مشروطیت، کارگران و روشنفکران حزب توده را آماج بهتان قرار ندهد. این همکاری بین رعد امروز و رستاخیز و ناهید و وظیفه خود مرحله جدیدی از مبارزه ارتجاع با ما است. علت این جملات دشنام آمیز موفقیتی است که کنگره حزبی مالکیت کرده است. ارتجاع با چشم دریده و دهن باز می بیند که در ایرانی که بنظر آنها کشور بردگان و ایران است، حزبی به وجود آمده که کنگره عالی خود را در نهضت نوین شرایط تشکیل می دهد.

شدیدترین انتقادات به کنگره صورت می‌گیرد و همه تصور می‌کنند که حزب پس از کنگره متلاشی می‌شود، ولی با نهایت حیرت می‌بینند که محکمتر و پاک‌تر و قوی‌تر از قبل آماده مبارزه است. ارتجاع می‌بیند که حزب توده جلو می‌رود، حیثیت پیدا می‌کند آنقدر قوی شده که از اخراج نماینده مجلس هم باکی ندارد. ارتجاع می‌ترسد و دچار وحشت و اضطراب می‌شود و با آلت‌های مستقیم و غیرمستقیم خود دستور هجوم و حمله می‌دهد. این است علت واقعی حوادثی که بر علیه ما در تهران و سمنان رخ داده. این است منشاء حقیقی هیاهویی که رعد امروز و رستاخیز بر ضد ما راه انداخته است. اشتباه نشود، ما در داخل حزب میهن و در میان نویسندگان رستاخیز عناصری سراغ داریم که بی‌شبک روزی با ما در مبارزه بر علیه استبداد همراه و همکار خواهند بود، ولی اکنون از کسانی صحبت می‌کنیم که اسیر غرور و جاه‌طلبی و نادانی یا صفات بد دیگر خود شده‌اند و سوراخ دعا را گم کرده‌اند.

واقعه سمنان:

واقعه سمنان که ظاهراً به تحریک حزب میهن و در واقع به تحریک محرک کل و آتش‌افروزی که همه جا قصد نابودی حزب ما را دارد و مفتضحانه شکست می‌خورد، بر پا شده، دستاویز هیاهوی اخیر روزنامه رستاخیز قرار گرفته. نسبت دادن این واقعه به اسکندر سربا بی که اصلاً در سمنان نبوده دروغ مضحکی است. کافی است که در اطراف این موضوع بگوئیم که حتی فرماندار سمنان گواه بر آرامش‌طلبی حزب توده و تحریکات حزب میهن است چگونگی این واقعه را نمایندگی-مخصوص کمیته مرکزی در شماره قبل به نظر خوانندگان رسانده و ما در اینجا آن مطالب را تکرار نمی‌کنیم. همین قدر ذهن خواننده را به حوادث شاهی که بدست رشیدیان ایجاد شد و حوادث اصفهان که تا عمق آن بر مردم آشکار گردید، متوجه می‌نماییم. حادثه سمنان نیز از آن قبیل و برای همان منظور

یعنی لکه‌دار کردن حزب توده ایجاد شده است. برای افراد عاقل این مطالب احتیاجی به توضیح ندارد. آرامش‌طلبی و علاقه حزب ما به نظم، حتی برای شهربانی تهران که چند نمایش و تظاهرات ما را از نزدیک دیده است، مسلم شده. گمان می‌کنیم همه کس به خاطر دارند که در متینگ سنگلج حزب توده ایران در مقابل شرارت و پستی بی‌وطنان حزب حلقه چه متانت و خونسردی نشان داد. روزنامه رهنما نیز مرتباً تکرار می‌کند که حزب توده ایران از عده‌ای حمال تشکیل شده. ما به این حقیقت مفتخرانه اعتراف می‌کنیم و آن حمال شرافتمند زحمتکش را بر آن سیاست مآب منفی‌باف و دروغگو به مراتب ترجیح می‌دهیم. ما آشوب برپا نمی‌کنیم نه فقط برای آنکه از آشوب منزّه جویم، بلکه برای آنکه آنقدر احمق نیستیم که صلاح خود را ندانسته با این قبیل اعمال دشمنی مردم را به خود جلب کنیم.

تجدید هتاکمی: روزنامه سیدضیاء نیز با جاروجنجال بسیار، نغمه هتاکانه مأنوس و معمول خود را تجدید کرده است. روزنامه سیدضیاء می‌کوشد که گوشه‌ای از حادثه حریق انبار غله را به حزب توده ایران منسوب دارد، ولی دلیلی نمی‌یابد. در شخصیت دکتر نیروی نمی‌تواند شک کنند. کسی از اعضای حزب توده را نمی‌تواند متهم به حریقی سازد که علت آن واضح است. خودش دست پاچه می‌شود و تلویحاً اعتراف می‌کند که حریق آنجا و سبزه‌میدان یک منبع داشته. در تشخیص منبع تصور می‌کنیم نباید تردیدی کرد که سیدضیاء و عمال اوست. باید از این مفتری ناشی برسید که آخر حزب توده انبار غله را آتش می‌زند که چه بشود. مگر حزب توده دچار جنون شده و یا این قدر هم نفع خود را تشخیص نمی‌دهد که اگر گندم مردم را بسوزاند، سودی نخواهد برد ولی نفرت همگان را به خود جلب خواهد نمود. اگر حزب توده آنقدر ناشی و دیوانه‌وار رفتار می‌کرد که به این پایه از نفوذ و قدرت نمی‌رسید. اگر قرار

بود حزب توده انبار آتش بزند!!! که یک عده از روشنفکران درجه اول و یک عده از کارگران پاکدامن تمام سرنوشت خود را به دست این حزب نمی سپردند. آخر کمی باید قباحات فهمید. کمی باید لااقل در بهتان زدن عاقل و ماهر بود. حزب توده آشوب می کند، حزب توده چاقو می کشد، حزب توده آتش می زند، این است خلاصه دلایلی که دشمنان بی آبرو و کذاب ما بر علیه ما جعل می کنند. کیست آن چاقوکش عضو حزب توده که حتی یک بار از طرف شهربانی توقیف نشده، خواهشمندیم که از معرفی چاقوکشان خودداری نفرمایید. فحش بدهید، هر چه می توانید فحش بدهید شما با این بهتانها ما را به هم نزدیک تر می کنید، آتش کینه ما را تیزتر می کنید، چهره کریه خود را بهتر نشان می دهید. فحش بدهید، هر چه می توانید فحش بدهید. در عوض ما خوب خود را برای محو قطعی شما ایادی ارتجاع روزه روز قویتر می کنیم.

۱۶۰

نقل از روزنامه خاور نو، سؤال از حزب میهن^۱

یک نفری به نام نوازش که به تازگی از تهران برگشته تا تقلا می کند تا حزب حلقه را در تبریز تشکیل دهد و ضمناً به نام حزب «میهن» نیز تبلیغات می نماید و شما هم در هر پست صد شماره روزنامه رستاخیز ارگان حزب میهن را جهت تبلیغ برای او می فرستید، از موضوع فوق چنین نتیجه می گیریم که حزب حلقه و میهن با هم ارتباط دارند. پاسخ شما چیست.

۱. همان، ش ۳۷۶، ۱۳/۶/۱۳۲۳، ص ۱

پاسخ به روزنامه خاور نو و رهبر و دماوند^۱

روزنامه خاور نو چاپ تبریز در شماره ۱۲ سؤالی مبتذل از حزب میهن کرده به این مضمون که شخصی به نام نوازش که به تازگی از تهران برگشته تقلا می‌کند تا حزب حلقه را در تبریز تشکیل دهد و ضمناً به نام حزب میهن نیز تبلیغاتی می‌نماید و شما هم در هر پست صد شماره روزنامه رستاخیز را جهت تبلیغ برای اومی فرستید و از اینجا نتیجه گرفته که حزب حلقه و میهن با هم ارتباط دارند. عین این سؤال در شماره دیروز روزنامه‌های رهبر و دماوند، مثل اینکه مدرک قابل ملاحظه‌ای بر اثبات همکاری حزب میهن و حلقه به دست آورده‌اند، نقل گردیده. همه این روزنامه‌ها پاسخ ما را در این موضوع خواست‌هاند، اینک پاسخ و حقیقت موضوع برای اطلاع این روزنامه‌ها درج می‌شود. در اسفندماه سال پیش در نتیجه مکاتباتی که بین سازمان جوانان آذربایجان و حزب سابق میهن‌پرستان به عمل آمده و سازمان مزبور داوطلبانه تقاضای الحاق خود را به حزب سابق میهن‌پرستان نموده بود، آقای نوازش به نمایندگی سازمان مزبور به تهران آمد ولی مسافرت ایشان به تهران مصادف با مذاکرات طولانی احزاب چهارگانه برای اتحاد با یکدیگر شد و قرار شد الحاق سازمان جوانان تا عملی شدن اتحاد احزاب چهارگانه معوق بماند. پس از اتحاد احزاب چهارگانه و تشکیل حزب میهن، دوباره مذاکرات از سر گرفته شد و آقای نوازش برای تقدیم گزارش به تبریز مسافرت کردند و ضمناً یکی از اعضای شورای عالی حزب میهن برای تحقیق در چگونگی وضع سازمان جوانان به تبریز اعزام گردیدند.

حالا اگر آقای نوازش طبق اظهار روزنامه خاور نو برای تشکیل حزب

۱. روزنامه رستاخیز، ش ۳۸، ۱۴/۶/۱۳۲۳، ص ۱

حلقه در تبریز شروع به اقدامی نموده، معلوم می‌شود که در اصول عقاید ایشان تغییری رخ داده و تبلیغ ایشان هم از حزب میهن هرگز جنبه مأموریت رسمی ندارد، چه نه ایشان و نه سازمان جوانان هنوز عضویت حزب میهن را نپذیرفته‌اند.

ولی اساساً موضوع سؤال به قدری نیست و نتیجه‌ای که از آن گرفته شد، به اندازه‌ای بچگانه است که ما بیش از این خود را محتاج ادای توضیح نمی‌دانیم و توجه سؤال‌کنندگان را به مبارزات احزاب چهارگانه سابق با سیدضیاء و دارودسته او جلب می‌کنیم و اطمینان می‌دهیم که حزب میهن همان خط مشی احزاب موتلفه را با نهایت وفاداری بدون آنکه احتیاج به یادآوری آن‌ها داشته باشد، تعقیب می‌کند و این‌گونه دستاویزها برای ایراد تهمت، تأثیری در ادامه مبارزه ما ندارد. البته پس از وصول اطلاع کافی از آذربایجان به اقدامات اخیر نماینده سازمان جوانان، نتیجه را به اطلاع عموم خواهیم رساند.

کانون مطبوعات حزب میهن

۱۶۲

در آزمایشگاه عمل^۱

روش عمل حزب توده ایران، رویه حزب میهن، حزب بدون ایدئولوژی، حزب بدون اتکاء طبقاتی حزب مسامحه کار، نتیجه روش عملی ما. در مقاله‌ای که تحت همین عنوان درج گردید، تجربه و واقعیت عملی به منزله بزرگترین و نتیجه‌بخش‌ترین معیار قضاوت شناخته شد و مخصوصاً گوشزد گردید که تا به این موضوع دقیقاً توجه نشود،

۱. روزنامه شفق، ش ۱۰۸، ۱۳۲۴/۳/۳۱، ص ۲

محال است در بیان قضایای بغرنج سیاسی امروز که تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری خردمندانه را ایجاب می‌کند، کشتی عظیم نهضت اجتماعی ما راه درست پیماید. با پیش گرفتن این روش علمی است که غالباً طرز استنباط ما با اغلب مردم این کشور که با فانتزی و خیال خو گرفته‌اند، تفاوت دارد. اگر ما تاکنون در تمام فعالیت‌های خود روش درست پیش گرفته‌ایم، اگر نظریات ما در سیاست داخلی و خارجی همیشه صائب بود، اگر نظریه فراکسیون پارلمانی ما همواره صحیح در آمده است و بالاخره اگر در تشخیص دوستان و دشمنان آزادی و استقلال ایران اشتباه نکرده‌ایم، دلیل این است که روش استنباط و نتیجه‌گیری ما بر پایه درست استوار بوده است. ما راه درخشان و پرشکوه خود را که به برانداختن رایت ظلم و فساد منجر می‌شود، خوب می‌بینیم و بایست پاک پیمودن آن را به عهده گرفتیم. ما چون هدف اصلی خود را طی این طریق پرافتخار می‌دانیم لازم داریم روشی در پیش گیریم که با بهترین صورتی منظور را برآورد و بنابراین از حداکثر مساعدت و همکاری با آن‌هایی که با ما در این راه همراهند و مبارزه شدید با کسانی که برخلاف جهت جریان آزادی‌بخش ما شنا می‌کنند، ناگزیریم. برای ما هر عمل اجتماعی دو صورت بیش ندارد یا موافق با خط سیر پیشرفت آزادی است و یا مخالف آن. در صورت اول با آن همراهی می‌کنیم و در صورت دوم با آن معاندت می‌ورزیم. مبنای موافقت یا مخالفت ما با هر فنومنی^۱ که در این اجتماع به وقوع می‌پیوندد، قیاس با جریان آزادیخواهی اکثریت توده ایران است که پیشرفت آن را بالاترین منظور خود می‌دانیم. اگر ما عملاً با یک جریان اجتماعی مخالفت آغاز کنیم برای این است که آن را حقیقتاً خصم آزادی تشخیص می‌دهیم و منطق و روش قضاوت ما که به برنده‌گیش ایمان کامل داریم، آن جریان را به مخالفت با نهضت عظیم آزادیخواهی ملت ایران محکوم نموده است.

۱. عیناً از متن اقتباس شده است.

رویه حزب میهن: ریشه اختلافاتی که اخیراً بین جبهه ما و حزب میهن در برگرفته با در نظر داشتن توضیحات بالا کاملاً قابل توجیه است. ما در طی فعالیت اجتماعی خود عملاً نشان داده‌ایم که با پدید آمدن احزاب ملی در صحنه این جامعه عقب افتاده، نظر مساعد داریم، زیرا معتقدیم که تنها راه فائق آمدن بر پریشانی امروز کشور، متشکل شدن و اجتماعی شدن هم‌میهنان است. از همین نظر بود که به تشکل احزاب پیکار و میهن‌پرستان روی خویش نشان دادیم و اگر هیچگاه از اتهام و تخطئه روزنامه‌های آنها در امان نبودیم ولی بیشتر مایل بودیم روش آنها را نتیجه اشتباه بدانیم تا نشانه غرض و سود. نظر ما روی این مآخذ استوار بود که اگر حقیقتاً این احزاب آزادیخواه و میهن‌پرست باشند، بالاخره در جریان اجتماعی خواه و ناخواه با ما هم صف خواهند شد و پس از مدتی که در مبارزات عملی تجربه کافی گرفتند صلاح خود را در همکاری و تشریک مساعی با ما خواهند دید. باز روی همین نظر بود که با اتحاد احزاب میهن‌پرستان و پیکار و استقلال و تشکیل حزب میهن، روی بد نشان ندادیم و با وجود اختلافات زیاد در خط مشی سیاسی، اقل امیدوار بودیم که این جمعیت در خاموش ساختن آتش خطر شومی که به دست اهریمن سیدضیالدین، آزادی و استقلال ایران را در معرض نیستی قرار داده بود با ما در یک صف قرار گیرد. می‌بایستی در میدان عمل نشان داده می‌شد که امیدوارهای ما تا چه اندازه با واقعیت وفق دارد؟ متأسفانه جریان وقایع این امید را به نومیدی مبدل ساخت و امروز حزب میهن دانسته یا ندانسته صف ارتجاع را تقویت می‌کند، تا حدی که اخیراً مقالات رستاخیز در روزنامه پلید رعد امروز نقل می‌شود. جمعیتی که این آقایان از ابتدا تشکل دادند نواقصی از نظر سازمانی و ایدئولوژیک دارا بود و در جریان زمان به جای این که توجهی برای رفع اشتباهات خود کرده باشند، با کمال لجاجت آن را ادامه دادند و در حالیکه غرق این خطایای کودکانه بودند به

تدریج هدف اصلی خود را فراموش نمودند و ترجیح دادند به چند کلمه خشک و عاری از مفهوم تکیه کرده و روزنامه و دستگاه حزبی خود واقف مبارزه با آزادیخواهان حقیقی نمایند. اینجا سعی می‌شود تا حدی که با موضوع مقاله رابطه دارد نواقص اصولی که پافشاری در آن، حزب میهن را به وضعیت امروزی افکند شرح داده شود.

حزب بدون ایدئولوژی. در موقعیت امروز جهان تنها حزبی می‌تواند راه مشخصی را پیش گرفته و آنرا ادامه دهد که بر ایدئولوژی معینی تکیه داشته باشد. حزب بدون ایدئولوژی در مبارزات اجتماعی کورکورانه پیش می‌رود و چون هدفی هم ندارد مرتباً دچار انحرافات فکری می‌شود و به نغمه‌های مختلف دست می‌زند. چنین حزبی به هیچ وجه یک طرز تفکر عمومی و ثابت ندارد و گفته‌های امروز و فردایش با هم تناقض دارند. حزب این آقایان میهن‌پرست درست مصداق چنین حزبی است. این‌ها در روزنامه خود گاه‌گاهی ناشیانه از انقلاب سرخ و مخالف با رژیم سرمایه‌داری دم می‌زنند و روز دیگر به سنت‌های کهنه و ارتجاعی تکیه می‌زنند. البته جریان کهنه‌کار خوب می‌داند قضایا از چه قرار است. از این رو از تندرویهای قلمی این آقایان وحشتی ندارد و با کمال دقت مراقبند که این افراد آواره و بدون ایدئولوژی را که نام حزب بر روی خود گذاشتند، به طرف خود جلب نمایند. حقیقتاً هم افراد بی‌مقصد و بدون روش اگر به فرض محال دارای حسن نیت باشند، نمی‌توانند در داخل اجتماع فاسد نظیر جامعه ما، فعالیت‌های مثبتی انجام دهد. زیرا دیر یا زود صف ارتجاع با استفاده از ضعف‌شان آن‌ها به طرف خود خواهد کشید. حزب میهن عملاً دچار همین تقدیر گردید. این‌ها با این همه شعار ضداستعماری که می‌دهند در بحبوحه مبارزات حیاتی که بین آزادیخواهان ایران و سیدضیاءالدین و جبهه استعمار جریان داشت، خصمانه به حزب توده ایران که ستاد مبارزین بر علیه استعمار بود، می‌تاختند و با اغماض و

تسامحی که نسبت به فعالیت‌های خطرناک سیدضیاء نشان می‌دادند، عملاً به او کمک می‌نمودند. این انحراف به تدریج بیشتر شد تا به حدی که هر نظر دقیق، امروز همکاری عملی و وحدت خط مشی که بین روزنامه‌های رستاخیز و رعد امروز در مبارزه بر علیه حزب توده ایران موجود است را آشکارا می‌بینید.

حزب بدون اتکاء طبقاتی. به معنی علمی هر حزب باید نماینده یک طبقه یا چند طبقه مشترک‌المنافع باشد. متکی بودن به یک یا چند طبقه اقتصادی معین اصولاً صفت مشخصه حزب نسبت به اجتماعات بی‌هدف است و بدون آن حزب نه می‌تواند یک ایدئولوژی صحیح داشته باشد و نه قادر به تعقیب یک خط مشی صحیح است. باز هم باید گفت که حزب میهن مصداق چنین حزبی است. این آقایان که گاهی در روزنامه خود از برنامه حزب توده ایران سخن می‌گویند، خوب است متوجه این حقیقت باشند که حزب توده ایران طبقات متشکله خود را با صراحت تمام در سرلوحه مرامنامه ذکر کرده است و با دقت تمام منافع این طبقات را در موقعیت امروزی ایران تعیین نموده است و بدون انحراف از ایدئولوژی از طبقات متشکله خود پیروی می‌کند.

از این جهت حزب توده ایران یک حزب به معنی واقعی است. اما شما که معلوم نیست از مناقع کدام طبقه حمایت می‌کنید و خیال دارید با جمع آوردن چند نفر واقعاً پراکنده، رستاخیز برپا کنید. شما که بدون در نظر داشتن تجربیات تاریخی و حزبی با کمال تبختر اشتباهات فردی را تکرار می‌کنید، سزاوار تمسخرید. بالاخره شما هستید که ملعبه ارتجاع واقع می‌شوید و بر علیه ما با رعدا امروز و ناهید و وظیفه، همکاری می‌کنید. حزب مسامحه کار. یک حزب واقعی باید همیشه خطرات موجوده را با کمال تیزبینی درک کند و نیروی دشمن را کوچک نپندارد و با ارتجاع روش ساز شکاری را پیش نگیرد. سرپیشرفت و نفوذ حزب توده ایران در

این است که با نظر دقیق اهمیت خطر را تشخیص داده و تمام نیروهای خود را بدون یک ذره تردید و انحراف متوجه آن ساخته است. حزب ما در ابتدای تشکیل خود فاشیزم را بزرگترین مانع پیشرفت آزادی در ایران تشخیص داد و از این جهت با تمام قوا بر علیه افکار پرسیوفاشیزم، دامنه‌دارترین تبلیغات را با وجود موانع هراس‌انگیز خارجی و داخلی به عمل آورد. ما می‌دانیم که در نتیجه تبلیغات آزادیخواهانه ما و نیز در اثر شکست عمیقی که فاشیزم بین‌المللی در میدان‌های جنگ و سیاست خورد، اینک ایدئولوژی فاشیسم در کشور ما فوق‌العاده ضعیف شده، ولی به هیچ‌وجه ادعا نداریم که به کلی از بین رفته است. ما معتقدیم که باز هم بایستی بر علیه بقایای فاشیسم مبارزه شدیدتری به عمل آید. تا راه پیشرفت دموکراسی واقعی باز شود. اما شما که به هیچ‌وجه در این مبارزه خطرناک و فداکارانه با ما شرکت نداشته‌اید و اصولاً نمی‌خواهید اجتماع خود را بشناسید و با نهایت ناشی‌گری مرتباً تکرار می‌کنید «فاشیسم در ایران وجود نداشته و ندارد، آیا این سستی و عدم توانایی مواجهه با حقیقت دلیل مسامحه‌کاری شما نیست؟ موقعی که در ظلمات پیشرفت جنگی فاشیسم روزنامه ضدفاشیستی مردم در محیط تاریک ایران پخش شد، شما نمی‌توانید به خاطر بیاورید که عمال فاشیستی داخلی چه مبارزه‌ای دامنه‌داری بر علیه ما راه انداخته بودند و چگونه روزنامه مردم را به توصیه رادیو گوبلس دسته دسته پاره می‌کردند. خیر، شما نمی‌توانید این وقایع را به خاطر بیاورید، زیرا زیاد فراموش کار هستید. می‌گویند هر دسته اگر با ارتجاع رویه مسامحه را پیش گیرد به تدریج خودش هم رنگ و هم ردیف آن می‌شود. این حکم کاملاً جنبه واقعیت دارد و در تاریخ عملاً به ثبوت رسیده است. چه بسا احزاب به ظاهر آزادیخواه که در نتیجه سهل‌انگاری نسبت به دستگاه ارتجاعی بالاخره خودشان بدانها پیوستند و رویه آزادیخواهی لفظی خود را ترک گفتند.

شما در یک مورد صحت این حکم را سنجیدید و آن مسئله مبارزه بر علیه سیدضیالالدین بود که آنقدر خطر او را ناچیز گرفتید و مبارزه با وی را اهمیت ندادید که عملاً بر علیه حزب توده ایران به او پیوسته، هر چند هم که شاید به این امر تمایل نداشتید. سعی کنید این تجربه تلخ در مورد مبارزه بر علیه فاشیسم تکرار نشود.

حزب شما که نواقص آن را در بالا شمردیم در نتیجه تناقضی که در آن موجود بود پس از مقداری نوسان اینک در یک صف واقع شده است که آزادی خواهان ایران به مبارزه با آن ناگزیرند. با در نظر داشتن عظمت پیکاری که مبارزین آزادی در پیش دارند و صورتهای مختلفی که ارتجاع در مبارزه خود با آنها در پیش دارد، برای آنها تعجبی ندارد اگر شما را با خود در دو صف متفاوت ببیند. ولی شما اگر بخواهید می‌توانید برای نجات خود کوشش کنید.

۱۶۳

جشن دومین سال تشکیل حزب میهن^۱

حزب میهن دیروز جشن دومین سال تشکیل خود را گرفت. در باشگاه مجلل حزب که با پرچم‌های سه رنگ ایران جاویدان مزین بود، افراد جوان و آزادی خواه حزب [پرشور] میهن از مبارزه سال گذشته خودشان، تصمیم به ادامه مبارزه را در میان هوراهای پرحرارت بیان نمودند. پس از گزارش فعالیت‌های سالیانه که به وسیله آقای دکتر میمندی نژاد بیان شد، آقای دکتر سنجابی سه اصل بزرگ مرام حزب میهن، یعنی میهن پرستی، آزادی خواهی و کوشش در استقرار عدالت اجتماعی را با لحنی پرحرارت بیان نمودند. سپس دو نفر از اعضاء حزب یکی با اشعار

۱. روزنامه جبهه، ش ۵۵، ۱۷/۱۰/۱۳۲۴، ص ۲

وطن پرستانه و دیگری با لحن پرشور آزادی خواه قلب حاضرین را پر
احتراز کردند، آقای جلالی موقعیت باریک را متذکر شدند.
در موقع ختم جلسه، جوانان حزب میهن آقای دکتر مصدق و مهندس
فریور را به پشت تریبون نطق خواستند. جلسه در بین هلهله شادی و هورا
به اسم اقلیت صالح خاتمه یافت.

۱۶۴

نامه حزب میهن^۱

حزب میهن نامه‌ای به عنوان مقامات صالحه و جراید آزادی خواه ارسال
داشته مبنی بر اینکه بیش از ۴ ماه است باشگاه حزب میهن و محل
روزنامه رستاخیز به وسیله ژاندارم‌ها اشغال و این عمل فرمانداری نظامی
برخلاف قانون و آزادی است. طبق اسناد رسمی مبلغ ۸۰ هزار ریال بابت
اجاره چهارماه محل باشگاه و بالغ بر ۶۰ هزار ریال هزینه محل و حقوق
مستخدم و بیش از ۵۰ هزار ریال بابت ممانعت از شب نشینی حزب در
هتل پلاس به موجب قرارداد موجود، به حزب میهن خسارت وارد آمده،
تقاضای رفع خسارات وارده را نموده‌اند.

۱۶۵

قطعه نامه حزب میهن^۲

جریان اخیر مجلس که طی آن چند نفر از نمایندگان تحمیلی و ناصالح

۱. جریده میهن پرستان، ش ۲۳۳، ۱۹/۱۲/۱۳۲۳، ص ۱

۲. همان، ش ۲۳۵، ۲۷/۱۲/۱۳۲۳، ص ۱ و ۴

مجلس با انواع ناسزها و دشنامهای شرم آور نسبت به وکیل اول تهران، احساسات عمومی را جریحه دار ساختند، مورد نفرت و انزجار کلیه آزادی خواهان و میهن پرستان ایران قرار گرفت و منجر به تظاهرات بزرگ مردم پایتخت گردید.

حزب میهن بدین وسیله روش این وکلای دروغین را که با دزدیدن آراء مردم و به زور سرنیزه دولت و توطئه و پول و زور بر قوانین مقدس ملت پا نهاده و با رفتار و گفتار ناپسند خود به ملت ایران ناسزا می گویند، تقبیح می کند و نسبت به این رفتار زننده و غیر قابل تحمل شدیداً اعتراض می کند. حزب میهن به نمایندگی کلیه جوانان میهن پرست و آزادی خواه ایران اصول زیر را اعلام می دارد.

۱. رفتار اخیر عده ای از نمایندگان ناصالح مجلس و هم چنین مندرجات مطبوعات غیرملی و مغرض یا مزدور بیگانگان که دانشجویان و سایر نمایش دهندگان را مورد انواع دشنام و ناسزا قرار داده اند، طرف تنفر و انزجار کلیه طبقات ملت ایران است.

۲. تدین مرد بدنام و بد سابقه که یکی از فاسدترین افراد طبقه حاکم کشور و سوابق خیانت او آشکار است. باید حقاً محکوم شده و به کیفر اعمال خود برسد.

۳. دولت هر چه زودتر قانون کاملتر و مناسبتری برای انتخابات آینده کشور و خیانت وضع کرده و به تصویب رساند، تا از اعمال نفوذ نمایندگان دوره چهاردهم در انتخابات آینده حتی المقدور جلوگیری گردد و امثال متولی های مغفور و بسیاری از وکلای ناصالح دوره فعلی به مجلس نروند.

۴. حکومت نظامی که در تمام مدت فعالیت خود عملاً جز دفاع از مصالح حاکمه ایران و زورگویی نسبت به احزاب و مطبوعات و افراد آزادی خواه و شلیک به مردم کار مؤثری صورت نداده است، لغو گردد.

۵. دانشجویان که در جریانات اخیر رشد فکری خود را کاملاً نشان

داده و بزرگترین نقش آزادی خواهانه ملی را بازی کردند از فشار عناصر مرتجع و محافظه کاری که مانع فعالیت آزادانه سیاسی و اجتماعی ایشان هستند، آزاد شوند و چنانکه شایسته مقام آنان است در تعیین سرنوشت ملت خود شرکت جویند.

حزب میهن در این فرصت به کلیه آزادیخواهان، میهن پرستان و دانشجویان دلیری که با نهضت شهادت آمیز خود مشت گره کرده ملت را به خائنین و دروغگویان نشان دادند و به روح قربانیان جنایات طبقه حاکم درود می فرستند.

کمیته مرکزی حزب میهن

۱۶۶

رهبر ناسزا می گوید در پاسخ سرمقاله شماره ۵۱۱ رهبر^۱

میلیون بدون ملت یا آزادیخواهان مزدور. چند پاسخ منطقی به حمله و روان بی منطق... به قلم ش.ش

روزنامه رهبر «ارگان مرکزی حزب توده ایران» باز در این روزها برعلیه ما دشنام آغاز کرده است. ما را به استهزا «میلیون بدون ملت» می خواند. از ما و روش ما تنقید می کند. میتینگ روز جمعه ۱۸ اسفند، تظاهرات روز پانزدهم اسفند، فعالیت حزبی و اجتماعی ما را مورد اعتراض قرار می دهد. ما را به طرفداری از حکومت نظامی متهم می کند. به ما کنایه می زند که از دولت بیات و از دکتر سیاسی و عده ای از استادان دانشگاه تقویت می کنیم و به تمام این دلایل از جبهه «ارتجاع» طرفداری می نمائیم. در عین حال فقط ما هستیم که مورد این «اظهار التفات» های

۱. جریده میهن پرستان، ش ۲۶۴، ۱۳۲۳/۱۲/۲۴، ص ۴

نویسندگان رهبر و سایر روزنامه‌های «حزب توده و جبهه آزادی» قرار گرفتیم. روزنامه رهبر و بسیاری از احزاب و مطبوعات از احزاب و مطبوعات راست گرفته تا وسط و چپ ما را دشنام می‌دهد و همه را به قول نویسنده فیلسوف مآب خود، خلیل ملکی که گویا سرمقاله پس‌پریروز رهبر هم به قلم پرآب و تاب ایشان است، سر و ته یک کرباس می‌داند. چرا؟ زیرا رهبر این روزها عصبانی است. خیلی هم عصبانی است. رهبر این روزها نسبت به کائنات بدبین است. دلش می‌خواهد به همه فحش و ناسزا می‌گوید.

به همه، همه را فاسد، مغرض و مرتجع بدانند. هر چند پس از آنکه چند بار دادن نسبت فاشیست به همه، مورد تمسخر قرار گرفته دست از این فحش برداشته است. باز هم بدش نمی‌آید در این مورد لقب «محبوب» خود را به مخالفین نثار کند. به این جهت این دفعه بسیاری از مخالفین خود را «سوپر وطن‌خواهان کاذب» می‌شمارد که تا چندی پیش ساعات و دقائق را شمرده و منتظر هیتلر بودند و حالا هم سلام مخصوص رادیو برلن یعنی «پاینده ایران» را هنوز فراموش نکرده‌اند. زیرا به عقیده این آقایان گفتن «پاینده ایران» نیز از این لحاظ که شعار رادیوی برلن است، نشان قطعی فاشیست بودن گوینده آنست. چرا رهبر این روزها این‌طور اظهار عصبانیت می‌کند؟

برای اینکه سران حزب توده به خوبی احساس کرده‌اند که این بار نیروی حقیقی ملت و افکار عمومی به مفهوم واقعی آن خودنمایی کرده است. برای اینکه رهبران حزب توده دریافته‌اند که این دفعه بدون دخالت ایشان و علی‌رغم تمایلات ایشان یک تظاهر عظیم آزادی‌خواهانه و میهن‌پرستانه ملی صورت گرفته که در آن دوشادوش حزب میهن، هزاران نفر از پاکترین و آزادی‌خواه‌ترین و روشن‌فکرترین جوانان ایران شرکت جسته‌اند. برای اینکه سران حزب توده این بار دریافته‌اند که ملت، ملت

واقعی، این بار بدون کمک بیگانگان، بدون دخالت پول و زور، بدون اینکه از جایی و کسی دستور بگیرد، اراده خود را با مشت نشان داده است. روزنامه رهبر، به دلیل آنکه احساس کرده است که میتینگ عظیم چندین هزار نفری حزب میهن و حزب ایران مظهر یک نیروی مقتدر ملی است که نخستین تظاهرات آن آغاز شده است، مانند کودکان خشمگین به ما فحش می‌دهد و دهن کجی می‌کند. نویسنده رهبر که در این مورد به فریفتن دیگران قادر نیست، مایوسانه سعی می‌کند خودش را فریب دهد. در این منظور می‌خواهد لااقل پیش خود از ارزش این تظاهر بزرگ بکااهد و می‌نویسد:

«این ملیون محترم که از درد دل ملت خبر ندارند اخیراً تمام قوا و انرژی خود را که چندین حزب هستند روی هم گذاشته و در تظاهر عظیم ملی! که می‌بایست روز جمعه گذشته در محلی عملی شود فقط چند نفر جمع‌آوری فرمودند» برای ما تکذیب این گفته لازم نیست، زیر هم نویسندگان رهبر و هم تمام مردم تهران می‌دانند که رهبر در این مورد دروغ می‌گوید و در میتینگ روز جمعه ما چند صد نفر بلکه چندین هزار نفر شرکت جستند و اگر عده از آن که بود، بیشتر نشد برای این بود که در تمام حیاط بزرگ و ایوان‌ها جای خالی برای جمعیت نمانده بود. آن‌هایی که روز جمعه شاهد بودند و بر اثر کثرت جمعیت جلوی باشگاه میهن جمع شده بودند. پاسخ خوبی می‌توانند به نویسندگان رهبر بدهند. ولی ما با این آقایان یک حرف دیگری داریم. ما می‌خواهیم به ایشان بگوئیم بر فرض که در این میتینگ غیر از دوستان نفر و صد نفر شرکت نکرده بودند، ایا برای ما جای افتخار نیست که بگوئیم این چند صد نفر این دوستان نفر، همه با پای خود و به میل خود به باشگاه حزب میهن آمده بودند. این‌ها با کامیون‌های بیگانگان از کارخانه‌های خارج شهر نیامده بودند. این‌ها تحت حمایت سرنیزه‌هایی اجتماع نکرده بودند و با وعده

چلوکباب و سه ریال نبودند. و بجای مرده باد ساعد، «مرد باد ساعت» نمی گفتند و بجای مرگ بر ارتجاع، «مرگ بر ابتهاج» نمی گفتند. این ها مردم فهمیده، مختار، مطلع وطن پرست بودند که در یک اجتماع حقیقی ملی شرکت کردند. برای ما یک اجتماع چند صد نفری از این قبیل افراد با اجتماعات ادعایی بیست هزار نفری شما ترجیح دارد. البته شما مختارید هر عقیده ای داشته باشید.

روزنامه رهبر ما را آشکارا مدافع حکومت نظامی لقب می دهد. به ما اعتراض می کند که چرا با فرماندار نظامی مخالفت نکرده و بر علیه وجود فرمانداری نظامی اعتراضی نکرده ایم. اجازه دهید ما عین ماده چهارم قطعنامه حزب میهن را که ساعت ۱۱ روز جمعه در وسط میتینگ پخش شد، در اینجا نقل کنیم و قضاوت بین خود و نویسندگان رهبر را به خوانندگان واگذاریم.

«۴. حکومت نظامی که در تمام مدت فعالیت خود عملاً جز دفاع از مصالح طبقه حاکمه ایران و زورگویی نسبت به احزاب و مطبوعات و افراد آزادیخواه و شلیک به مردم کار مؤثری صورت نداده. باید لغو گردد.» ضرب المثل معروف می گوید: دروغگو کم حافظه است. ممکن است رهبر معتقد باشد که در این مورد نه به ما بلکه به مطبوعات سایر احزابی که نام آنها را در ردیف ما آورده، اعتراض کرده است. این حرف نیز وارد نیست. زیرا در همان مقاله مخصوصاً چنین قید شده است: «...^۱ از مطبوعات تمام این آقایان ملیون این نکته استنباط می شود که...^۲ اینجا دیگر می توان فهمید که رهبر چقدر ناشیانه دست به تبلیغات حزبی زده است! روزنامه رهبر عنوان ملی حزب ما را در ردیف سایر احزاب، مانند

۱. نقطه چین در اصل

۲. نقطه چین در اصل

«لقب بانک ملی» می‌شمارد که سهام آن متعلق به دولت است و در دیگر ممالک آن‌ها را بانک دولتی می‌نامند» به عقیده این روزنامه، ملیون بدون ملت هستیم که عنوان «ملی» را بی‌دلیل غصب کرده و به خود منسوب داشته‌ایم. شنیدن این حرف‌ها، مخصوصاً از طرف نویسندگان حزب توده خیلی تماشایی است. زیرا ما این دشنام‌ها را از زبان آن‌ها می‌شنویم که کوس رسوایی‌شان بر سر هر بام کوفته شده «از آن‌هایی که چهره‌شان در سرتاسر ایران از شمال تا جنوب و...^۱ از پرده بیرون افتاده. از آن‌هایی که امروز بر پیشانی‌شان آن مارک روشن و صریحی که همه می‌دانیم، خورده است و پاک نمی‌شود.

به ما ملیون بی‌ملت لقب می‌دهند؟ کدام اشخاص به آن آزادیخواهان ادعایی که خود بنده دیگرانند و می‌خواهند ما را آزاد کنند، آن‌هایی که خود مزدورند و می‌خواهند شهر را نجات دهند. آن‌هایی که خود به زور سرنیزه و تحت حمایت بیگانگان پا به مجلس می‌گذارند و آن وقت با دهان آسوده به بقیه فحش می‌دهند. رطب خورده‌اند و منع رطب می‌کنند. با پرونده‌های ننگین انتخاباتی قدم به مجلس گذاشته و توقع دارند سایر دارنده پرونده ننگین را رسوا کنند. خیر. آقایان! شما هم با دیگران سروته یک کرباسید. به ما درس آزادیخواهی ندهید مگر آنکه خود از بندگی بیرون آمده باشید. ما را ملیون بی‌ملت نخوانید مگر آنکه اول خود ملتی در پشت سر خویش پیدا کنید. از شکست جبهه ما هم که تصور آن را کرده بودید، خوشوقت نباشید. زیرا جوجه را باید آخر پاییز شمرد و تازه بهار ما شروع شده. فحش دادن شما نه به ما که سیاهه اعمالتان را در معرض دیدار عموم نهاده‌ایم، و نه به دکتر مصدق و امثال او که ممکن است به دلیل پیروی از افکار عمومی و عدم موافقت با دادن نفت به دیگران مورد بغض

۱. نقطه چین در اصل

شما قرار گرفته باشید، نتیجه‌ای جز مفتضح کردن خودتان نخواهد داشت. ردیف کردن اسم ما در کنار احزاب اراده ملی و اتحاد ملی و مردم و وطن و غیره در ماهیت وجود ما و نهضت بزرگی که آغاز کرده‌ایم، اثری نخواهد بخشید.

و شما باید عاقل باشید و به جای دهن کجی به ما باید راهی پیدا کنید که بیش از این خودتان را مفتح نمایید.

۱۶۷

حزب میهن^۱

توسط آقای کامبخش کمیته مرکزی حزب توده ایران، رونوشت آقای دکتر سنجابی کمیته مرکزی حزب میهن، رونوشت روزنامه مردم، جراید جبهه آزادی.

در تاریخ سه شنبه ۷ اسفندماه ۱۳۲۴ ساعت ۵ بعد از ظهر مذاکراتی که قبلاً بین کمیته ایالتی حزب توده ایران غرب و کمیته شهرستان حزب میهن جریان یافته بود، تصمیم گرفته شد کمیته حزب اخیر که سمت نمایندگی از طرف عموم افراد حزب را داشته و تصمیم خود را به تصویب عموم اعضاء نیز رسانده بود، به کمیته ایالتی حزب توده ایران رسماً ملحق شود و عموم افراد کارت حزب توده ایران را دریافت دارند. از طرف کمیته ایالتی حزب توده ایران غرب فیروز شهاب‌پور و محسن علوی، رضا یزدیان، کرامت افسر، از طرف کمیته شهرستان حزب میهن تقی‌ناظری محمدباقر مومنی، به همین مناسبت بیانیه مشترکی انتشار یافته و روز جمعه میتینگ و جشن باشکوهی برقرار خواهد شد. فیروز شهاب‌پور»
حزب میهن و احرار در تهران ائتلاف کرده‌اند.

۱. روزنامه جبهه، ش ۱۰۵، ۱۹/۱۲/۱۳۲۴، ص ۲

«از رؤسای حزب میهن آقای دکتر سنجابی بوده و آقای مجید یکتایی بوده و از حزب احرار دکتر درویش، دکتر میرسپاسی و شمس زنجانی می‌باشند. نقل از آهن»

چندی پیش شعبه حزب میهن در گرگان با کمال خرسندی به حزب توده ایران پیوست و در نامه‌ای که اخیراً یکی از اعضای سابق حزب میهن گرگان به یکی از دوستان پیکاری خود در مشهد نوشته و در روزنامه راستی به چاپ رسیده است، علت الحاق بدین ترتیب ذکر شده است «...» من مدت‌ها بود که حزب توده را شناخته بودم. تمام فشارهای طبقه فاسد حاکمه کوچکترین تزلزلی در ارکان این حزب به وجود نیاورده و دیگر ممکن نیست این دژی که اراده وسیع آن را به وجود آورده به دست هیئت حاکمه نالایق ایران تسخیر گردد. استاد ما آقای دکتر سنجابی هم چندین بار راجع به سازمان کامل این حزب (توده) با من صحبت کرده»

نویسنده نامه فوق به رفیق پیکاری مشهد خود می‌نویسد:

«خیلی خوشوقتم که الحاق ما در شما تأثیر نیکو بخشید و شما در ابراز خوشحالی از من پیشی گرفتید.»

از مجموع اخبار فوق مستفاد می‌شود که حزب میهن در مرکز و شهرستان‌ها وارد یک مانور که گاهی به صورت ائتلاف و زمانی به شکل الحاق نمودار است، شده است. مثلاً در رشت شعبه حزب میهن استان یکم، با دو حزب توده و جنگل و سه اتحادیه (شهر، دهقانان و کارگران) ائتلاف نمود. در هر حال ما به رفقای جدید خود که از حزب میهن به حزب توده ایران می‌پیوندند، درود می‌فرستیم و دست سایر افراد میهن را نیز برای مبارزه مقدس به طرف دموکراسی می‌فشاریم.

۱۶۸

حزب میهن^۱

آقای مدیر محترم روزنامه جبهه

خواهشمند است توضیح زیر را در اولین شماره روزنامه درج فرمایند:
در شماره سه شنبه ۱۴ اسفندماه روزنامه رهبر خبری مشعر بر الحاق
شعبه ایالتی حزب میهن در غرب به حزب توده درج شده است. کمیته
مرکزی حزب میهن لازم می‌داند مراتب زیر را برای رفع هرگونه
سوء تفاهم به اطلاع عموم برساند.

در نتیجه روی کارآمدن حکومت‌های ارتجاعی و اختناق آزادی
احزاب و مطبوعات در ماههای گذشته، از طرف کمیته مرکزی حزب
میهن به کلیه شعب خود در شهرستان‌ها دستور داده شد که با رعایت
کامل وحدت ملی و استقلال کشور در مبارزه با عوامل ارتجاع و استعمار
با احزاب آزادی خواه محل تشریک مساعی و همکاری نمایند. خبرالحاق
شعبه حزب میهن در غرب به حزب توده صحت ندارد و در صورتی که
بعضی از افراد منتسب به حزب میهن تظاهراتی خارج از دستور فوق کرده
باشند، خودسرانه و بدون اطلاع کمیته مرکزی بوده است.

دبیرخانه حزب میهن

۱. روزنامه جبهه، ش ۱۰۵، ۱۳۲۴/۱۲/۱۹، ص ۲.

۱۶۹

روزنامه نبرد^۱

دیروز نخستین شماره روزنامه نبرد که ناشر افکار حزب پیکار می‌باشد، انتشار یافت.

اسلوب و روش نگارش این روزنامه همانطور که تاکنون در روزنامه بهار دیده شده از هر حیث متین و متکی به اصول حق‌پرستی می‌باشد و در هر شماره آن تذکرات سودمند و پیشنهادات مفیدی به دولت و ملت دیده می‌شود.

ما موفقیت صاحب امتیاز و مدیر مسئول این نامه ملی آقای خسرو اقبال و سردبیر آن آقای تفضلی و سایر کارکنان جوان آن را از خداوند خواهانیم.

۱۷۰

ایران ما ناشر افکار حزب پیکار^۲

از روز یکشنبه ۲۲/۳/۲۲ روزانه صبحها منتشر می‌شود. چون این روزنامه تا انتشار مجدد نبرد برای مشترکین نبرد فرستاده خواهد شد. مشترکینی که تغییر آدرس داده‌اند، لطفاً با تلفن ۴۸۴۶ دفتر روزنامه را مطلع فرمایند. محل روزنامه خیابان لاله‌زار، دفتر روزنامه نبرد

۱. روزنامه ستاره، ش ۱۵۳۷، ۱۳۲۲/۳/۱۹، ص ۳

۲. همان، ش م ۱۵۸۹، ۱۳۲۲/۵/۲۲، ص ۴

۱۷۱

تلگراف شاهرود^۱

مجلس شورای ملی، رونوشت جناب آقای نخست‌وزیر، وزارت دارایی، رونوشت کمیته مرکزی حزب پیکار، رونوشت ستاره. به‌قرار معمول تاکنون روزانه هفت هزار نفر بی‌نویان از نان جیره دولتی استفاده و پانزده هزار نفر بقیه ساکنین شهر از گندم آزاد تغذیه می‌نموده‌اند. اما امروز که در نتیجه دستور اخیر رئیس کل دارایی تهیه گندم برای خانه و اداره گردیده، نگرانی سختی میان اهالی ایجاد، ممکن است در صورت عدم توجه نتیجه نامطلوبی حاصل گردد. از این جهت اهالی با اصرار و امیدواری زیاد رفع این نگرانی و مساعدت اولیای مربوط را در این مورد تقاضا، حزب پیکار شاهرود.

۱۷۲

سخنرانی حزب پیکار^۲

سخنرانی هفتگی حزب پیکار پنج و نیم بعد از ظهر روز ۴شنبه ۳۰ آذر در محل باشگاه با برنامه زیر انجام خواهد شد:

۱. خطبه علی (ع).
 ۲. سخنرانی آقای دکتر کریم سنجابی در باب اصلاح قانون انتخابات.
 ۳. سخنرانی آقای صدر در باب تفاوت طرز فکر خلفای راشدین و علی (ع).
- ورود برای دوستان آزاد است.

۱. روزنامه اطلاعات، ش ۵۳۵۹، ۱۳۲۲/۹/۲۹، ص ۲

۲. همان، ش ۵۴۶۰۹، ۱۳۲۳/۲/۱۸، ص ۲

۱۷۳

تکذیب^۱

در بعضی جراید ستایشنامه‌های چندی به نام کسانی انتشار یافته و یکی از اهالی فارس «از طرف جمعیت فارس» ذیل آن را امضاء کرده است، در تابستان گذشته عده‌ای از فارسیان مقیم تهران گرد آمدند و در نظر داشتند به منظور حفظ منافع فارس جمعیتی تشکیل کنند، اما به علت بروز اختلافاتی بر سر منافع شخصی جلسات جمعیت ادامه نیافت و تا به حال تعطیل مانده است. بدین علت اکنون جمعیتی وجود ندارد تا علیه یا له اشخاص اظهارنظرهایی کنند. من از جمله فارسیانی هستم که با این انتشار موافق نیستم و حتی به علت تراکم امور مدتی است از خدمت محترم نامه‌نگاری هم کنار گرفته‌ام. اگر این قبیل مطالب را بعضی‌ها از ناحیه من بدانند و به شخص من منسوب سازند، یا مرا وارد مطلع جلوه بدهند، حقیقت ندارد و بدین وسیله تکذیب می‌کنم. انجوی شیرازی، عضو حزب پیکار رهبر - بی شک منظور آقای انجوی شیرازی از نامه، ابراز «احساساتی» است که اخیراً یک نفر از طرف جمعیت فارس نسبت به سیدضیاء کرده ما هم می‌دانستیم که فارسیان آزادیخواه مانند تمام ایرانیان شیفته آزادی، هرگز ستایش از یک نفر مزدور و مقدم بر علیه مشروطیت نمی‌کنند.

۱۷۴

ایران ما ناشر حزب پیکار^۲

را صبح یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۲۳ از روزنامه فروش‌ها می‌توانید بخرید:

۱. روزنامه رهبر، ش ۴۰۵، ۱۳۲۲/۱۲/۲۳، ص ۲

۲. اطلاعات، ش م ۵۴۹۱، ۱۳۲۳/۳/۲۳، ص ۴

۱. مشترکین محترم: از نظر مشکلات توزیع و علاقه‌ای که در انجام تعهدات داریم از قبول اشتراک معذوریم. مشترکین محترمی که خود را بستانکار می‌دانند، لطفاً با مراجعه به دفتر روزنامه حساب خود را تسویه فرمایند.

۲. نمایندگان شهرستان‌ها: روزنامه فقط برای نمایندگان خوش‌حسابی که تا این تاریخ حساب خودشان را با روزنامه تسویه کرده‌اند، فرستاده خواهد شد.

۳. در نقاطی که روزنامه نمایندگی ندارد و کسانی که مایل به قبول اشتراک هستند می‌توانند در مقابل ارسال ۵۰۰ ریال ۳۰۰ شماره روزنامه دریافت نمایند.

۴. کسانی که مایل به قبول نمایندگی روزنامه در نقاطی که روزنامه نماینده ندارد، می‌باشند، درخواست خود را به دفتر روزنامه بفرستند.

۵. چون اعتبار خبرنگاری مخبرین در آخر اسفند ۲۲ پایان یافته، خبرنگاران برای صدور برگ خبرنگاری دو قطعه عکس با درخواست ارسال نمایند.

۶. دفتر روزنامه مراجعه‌کنندگان را همه روزه به غیر از روزهای تعطیل از ۹ تا ۱۲ از ۱۶ تا ۲۰ خواهد پذیرفت. نشانی: خیابان نادری، کوچه گوهرشاد، تلفن ۴۸۴۶ دفتر روزنامه نبرد.

در باشگاه حزب پیکار^۱

پریشب در باشگاه حزب پیکار به مناسبت آغاز دومین سال انتشار

۱. روزنامه ایوان ما، ش م ۱۴۵، ۱۳۲۳/۳/۲۲، ص ۴

روزنامه ایران ما جشن مجللی بر پا بود و برحسب دعوتی که به عمل آمده بود آقای وزیر دربار و کفیل وزارت فرهنگ، اعضای فرهنگستان ایران و استادان دانشگاه و عده‌ای از نمایندگان مجلس، مدیران روزنامه‌ها، نویسندگان کشور و وابستگان مطبوعاتی سفارت خانه‌های خارجی در این جشن شرکت کرده بودند. در ساعت ۲۰ پس از حضور تمام مدعوین به سالون باشگاه راهنمایی و آقای خسرو اقبال مدیر روزنامه نبرد گزارش یک ساله روزنامه را بیان نمودند و ضمن آن از اهمیت مقام نامه‌نگاری سخن رانده و گفتند: «علت این که تاکنون ژورنالیسم به شکلی که در دنیا وجود دارد، در کشور، به وجود نیامده دو چیز است یکی بی‌سوادی نسبی مردم و دیگری بی‌علاقگی نسبی جامعه به مسائل اجتماعی و سیاسی، سپس راجع به روزنامه ایران، سخنرانی رانده و تاریخچه تأسیس و انتشار آن را از آغاز بیان داشتند و ضمن آن از کمک معنوی نویسندگان و کمک مادی علاقمندان به مطبوعات شرحی بیان کرده و از آقای نیک عهد و سایر بازرگانان [که با صدور] ضمانت‌نامه و اعتبارات مالی برای روزنامه، کمک و مساعدت کرده‌اند، سپاسگذاری نمودند.» هدایایی که از طرف روزنامه برای بهترین نویسندگان روزنامه تهیه شده بود، به دست آقای وحید کفیل وزارت فرهنگ توزیع شد. آنگاه میهمانان به تماشای عملیات ورزشی ورزشکاران باشگاه پرداختند و مجلس جشن تا ساعت ۲۲ شب در محیط گرم و پرصمیمیتی دوام داشت.

۱۷۶

[نشریات حزب پیکار]^۱

امتیاز این روزنامه‌ها در اختیار حزب پیکار است و در صورت توقیف هریک، دیگر به جای آن منتشر خواهد شد:

۱. همان، ش م ۱۵۲، ۱۳۲۳/۶/۳۰، ص ۱ و ۴

ایران ما از جهانگیر تفضلی، درفش از کریم سنجابی، نبرد از خسرو اقبال، نبرد امروز از مسعود اعظمی زنگنه، نیرو و راستی از منوچهر مهران

دبیرخانه کلی حزب پیکار از دفتر روزنامه نبرد به خیابان سپهسالار (آتشکده) شماره ۲۸۲ منتقل شده است. شماره تلفن ۴۶۰۶

باشگاه حزب پیکار: کتابخانه، پینگ پنگ، پارالل، بارفیکس و بوفه باشگاه از چهار تا ده بعد از ظهر برای آقایان اعضای حزب و دوستان و مهمانان ایشان مفتوح است.

۱۷۷

بیانیه حزب پیکار^۱

مقدمه: چگونه احزاب بوجود آمده‌اند؟

هنگامی که وقایع شهریور اساس حکومت پوشالی رضا شاه را واژگون ساخت، پرده‌ای که در برابر دیدگان جوانان ساده دل و میهن‌پرست ایران کشیده شده بود، نیز فرو افتاد و کسانی که به ظاهر فریبنده و تظاهرات توخالی فریفته شده بودند، بزودی به بی‌ارزشی آن‌ها پی بردند. در همان روز سیاه و از میان تیرگی‌های آتش و خون دسته دسته مردمان میهن‌پرست ایران که علاج دردهای فراوان و آبروی ریخته میهن را در تشکیل اجتماعات سیاسی با هدف تشخیص داده بودند، گردهم جمع شدند و احزابی تشکیل دادند.

در این میان جماعتی از بوالهوسان و استفاده جویان نیز که همیشه

۱. روزنامه ایران ما، ش م ۱۵۲ / ۱۳۲۳/۳/۳۰، ص ۱ و ۴.

برای استفاده شخصی رنگ زمانه را می‌گیرند و به اصطلاح رایج «نان را به نرخ روز می‌خورند» به برپا ساختن احزاب و انجمن‌های و فریفتن مردم پاکدلی که نجات میهن را در تشکیل احزاب جستجو می‌کردند، پرداختند و همین که به استفاده منتظره رسیدند، جل و پلاس را جمع کرده و چهره منحوس خود را در زیر ماسک دیگری پنهان ساختند. اما در میان دسته‌های اول عده‌ای بودند که برای رسیدن به هدف عالی خود کوشیدند و به هیچ روی از پای ننشستند و تا هم امروز در راهی که برای خود انتخاب کرده‌اند، پیش می‌روند. از جمله این دسته‌ها، جوانانی بودند که پس از چند ماه مطالعه و کنکاش در فروردین ماه ۱۳۲۱ حزب پیکار را بنیان نهادند. و پس از آنکه با انتشار روزنامه‌های حزبی وجود خود را علنی کردند، جماعتی از جوانان غیور و پرشور ایران هم بدور آن‌ها جمع شدند و به این ترتیب حزب پیکار رونق و اعتبار یافت.

حزب پیکار چگونه تشکیل شد و چه کرد؟

حزب پیکار در آغاز تشکیل مرام ساده‌ای داشت که از سه ماده تشکیل می‌شد و در نخستین روزهای تشکیل حزب و در آن گیرودار که فرصت مطالعه برای کسی نبود، نوشته شده بود. ولی در جریان عمل و هنگامی که جوانان ناآزموده و تازه‌کار ما که به زحمت از زیر فشار حکومت سیاه گذشته، سالم جسته بودند، به راه افتادند، در مرام‌نامه و سازمان خود تجدیدنظر کردند و آن را به صورتی که متناسب با اجتماعات زنده امروز دنیا باشد، درآوردند. از آغاز تشکیل تا امروز، حزب پیکار و پیروان فداکار آن هیچ‌گاه از نبرد شرافتمندانه و پرافتخاری که از روز نخست آغاز کرده‌اند، دست نکشیدند و همواره در راه مبارزه با اجنبی پرستی، با اصول کهنه و فرسوده اجتماعی، با دزدی و رشوه‌خواری، با سرمایه‌داری بی‌قواره، با اعمال نفوذهای بی‌جا، با خودسری و زورگویی، و بالاخره با تمام اموری که مخالف اصل آزادی و عدالت اجتماعی است، پیش رفتند.

یقین است جامعه‌ای که براساس بی‌عدالتی و عدم تناسب به‌وجود آمده است، به این پیشرفت آزادی‌خواهانه و به این نهضتی که واژگون‌کنندهٔ اصول پوسیده و زنگ زنده قدیمی بود، به آسانی اجازه حیات نمی‌دادند و هر روز به شکلی در سر راه آن سنگ می‌انداخت. توقیف‌ها، خسارت‌ها، بازداشت‌ها، زندانی شدن و شکنجه‌هایی که برای پیروان وفادار حزب پیکار و روزنامه‌های ناشر افکار آن پیش آمد، همه از همین سنگها است که با دست خائنین بزدل وطن و به منظور فرار از سرنوشت حتمی که برای ایشان تعیین گشته، در راه ما انداخته شده است. اما مفتخریم که ما همیشه از این مواضع عبور کرده‌ایم و باز با نیرویی، بیشتر و عزمی استوارتر به راه روشن و پرافتخار خود ادامه داده‌ایم.

احزاب ملی و ضرورت همکاری آنها

در همان زمان که این نهضت آزادی‌خواهانه در جریان پیشرفت بود، دسته‌های دیگری از میهن‌پرستان و آزادمردان غیور ایران تشکیلاتی جداگانه به‌وجود آوردند. آنها نیز در راه حق و آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کردند. به طوری که می‌توان گفت دسته‌های آزادی‌خواهان ایران دوشادوش هم منتهی با فاصله از هم پیش می‌رفتند. همان طوری که جویبارهای یک کوهستان در یک راه ناچار به هم می‌پیوندند و به صورت رودی عظیم و خروشان جاری می‌شوند، طبیعی است که مردمی هم که در یک راه و با یک منظور پیش می‌روند دیر یا زود همراه می‌شوند و نیرویی عظیم به‌وجود می‌آورند که سریعتر و نیرومندتر در راه منظور پیش خواهد رفت.

دو سال و چندماه کار و کوشش ما را با دیگر دسته‌های آزادی‌خواه که برای حصول موفقیت خود می‌کوشیدند و مبارزه مهمی کردند، آشنا ساخت. و پس از آنکه دوستداران تجدد و آزادی یکدیگر را شناختند و در اصالت و ثبات قدم یاران خود اطمینان یافتند، بر آن شدند که هر یک

راه جداگانه را بگذارند و همه باهم در راه وصول به هدف مشترک و واحد خود همراه شوند، به این ترتیب یک جبهه ملی بزرگتر و نیرومندتر به وجود آوردند.

اتحلاف

احزاب استقلال و میهن پرستان و دسته‌ای از آزادی خواهان و حزب ما که در این راه همراه و متفق بودیم، با این اصول موافقت کردیم و تصمیم گرفتیم که برای موفقیت در ایجاد رستاخیز ملی ایران که هدف اساسی آزادی خواهان ایران است، اتحادی در میان احزاب خود بوجود آوریم و نیروهای خود را به یکدیگر پیوند دهیم. به خاطر انجام این امر که به نظر ما یک پیروزی بزرگ در راه وصول به هدف مشترک ماست، ما موافقت نمودیم که احزاب ما هر یک انحلال خود را اعلام دارند و بعد به صورت حزب جدیدی که مرکب از مجموع آنها و مرام آن مرام مشترک آنها خواهد بود، مجتمع شوند.

متن موافقت نامه

«چون هدف مشترک عموم ایرانیان فقط استقلال و تجدید عظمت ایران و بسط عدالت و آزادی و تامین آسایش و رفاه عمومی است و همه آزادی خواهان و میهن پرستان تنها راه نیل بدین آرزو را ایجاد یک حزب نیرومند و بزرگ ملی مرکب از کلیه عناصر و دسته‌ها و افراد صالح میهن پرست کشور می‌شمارند که برای حفظ حقوق ایران و ایرانی قیام نمی‌کنند، و کشور را به طور قطع از هرج و مرج و آشفتگی نجات بخشد، از این رو احزاب استقلال و پیکار و میهن پرستان و همچنین دسته‌ای از آزادی خواهان که برای جمعیت خود نامی اختیار نکرده‌اند، با توجه به اینکه در تمام دوره فعالیت سیاسی خود هدف اساسی آنها همواره انجام این مقصود بوده و در عمل نیز این حقیقت را کاملاً نشان داده‌اند، پس از

مذاکرات مقدماتی که با حسن تفاهم و وحدت نظر کامل صورت گرفت، متفقاً مصمم شدند از این پس حزب واحدی تشکیل دهند و کلیه نیروها و سازمان‌های جداگانه خود را مشترکاً در این حزب جدید بکار اندازند. در تعقیب این موافقت و تصمیم قطعی، نمایندگان مختار احزاب و دستجات مزبور طی جلسات متمادی که از آغاز فروردین تا خرداد ماه ۱۳۲۳ ادامه داشت، با یکدیگر تبادل نظر کرده و درباره اصول زیر موافقت حاصل گردید:

۱. حزب استقلال و پیکار و میهن پرستان از تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۲۳ منحل می‌گردد و از اجتماع و وحدت احزاب نامبرده و همچنین دسته‌ای که تاکنون نامی اختیار نکرده است، حزب واحدی به نام «حزب میهن» تشکیل می‌گردد.

۲. مرامنامه حزب میهن شامل یک مقدمه و هشت اصل و اساسنامه حزب میهن متضمن ۸۶ ماده است.

۳. متن این موافقتنامه و همچنین مرامنامه و اساسنامه که در ۵ نسخه تنظیم گردیده و به امضای نمایندگان احزاب و دسته‌های نامبرده رسیده و به پیوست این موافقت نامه است، معتبر است.

نماینده آزادی خواهان و میهن پرستان، کمیته مرکزی حزب استقلال، کمیته مرکزی حزب پیکار، کمیته مرکزی حزب میهن پرستان

انحلال حزب پیکار

در پیرو همین موافقت، کمیته مرکزی کل حزب پیکار در این تاریخ انحلال کلیه سازمان‌هایی را که به نام حزب پیکار در کلیه کشور مشغول کار بوده‌اند، رسماً اعلام می‌دارد. از این پس سازمان‌های نامبرده زیر دستورات و پرچم حزب میهن ابراز فعالیت خواهند کرد. ما به تمام مبارزه‌کنندگان شجاع و جوانان غیور که تا امروز به خاطر مصالح میهن عزیز و ارجمند نبرد کرده‌اند، دروهای بی‌شائبه خود را تقدیم می‌داریم و

آرزومندیم که دسته‌های دیگر آزادی‌خواهان و میهن‌پرستان متجدد ایران نیز به همین شکل فداکاری کنند و با ائتلاف‌های بعدی این جبهه شکست‌ناپذیر ملی را نیرومندتر سازند و نیز امیدواریم که مردان و زنان دلیر ایران بتوانند با عزم و اراده بیشتر در راه تازه‌ای که به سوی پیروزی و آزادی ایران باز می‌شود، فداکاری کند و ثابت نمایند که شایسته وراثت تاریخ پرافتخار و درخشان ایران هستند.

پاینده میهن عزیز ما ایران، کمیته مرکزی کل حزب پیکار
تهران به تاریخ بیست و نهم خرداد ماه ۱۳۲۳

۱۷۸

مزدوران بی‌پرنسیب!

تکالیف ملت ایران با حزب توده و روزنامه‌های وابسته به آن معلوم است. بنا بر مشی حکومت مشروطیت ایران طبق اصول جاریه در کشورهای دموکرات اگر حزب توده در مبارزه با حزب اراده ملی موفق به حفظ خود بشود حق حیات دارد وگرنه با همین وضعیت ورشکستگی و فلاکتی که دچار شده است رو به نیستی و اضمحلال پیش می‌رود، تا آنجا که بکلی منقرض شود و جای خود را به یک حزب وطن‌پرست و یک اقلیت معقول منطقی بسپارد!

البته برای ادامه حکومت دموکراسی وجود یک سازمان حزبی اقلیت لازم و مفید است. مشروط به اینکه آلت اجرای مقاصد شوم نباشد و مستظهر به قوای مسلح بیگانه نگردد و از طرف مقامات خارجی تقویت و تأیید بشود.

اما متأسفانه هنوز تکلیف ملت ایران با معدودی مزدوران بی‌پرنسیب معلوم نیست و چون سیاست خارجی دولت روشن نمی‌باشد، قوه قضائیه کشور ناتوان و حکومت مرکزی قدرت اجراییش از طرف میز رئیس دولت تجاوز نمی‌کند، به واقع تکلیف مملکت با یک عده جوان و پیر بی‌باروبند که جز پول و شهرت هیچ چیز نمی‌خواهند، معین نشده است. این عده معدود که هیچ پرنسیب معلومی ندارند و هر روز با مطامع بیشتری نقشه‌های بی‌خردانه برای وصول به هدف‌های شخصی خود طرح می‌کنند، از نظر مملکت ماکم خطرتر از عمال و ایادی توده‌چی‌یها نیستند و چه بسا در بسیاری موارد و در غالب مواقع خطرناکتر از حزب توده و مبلغین آن برای کشور واقع می‌شوند.

نویسندگان «ایران ما» و «نبرد» و «پیکار» از همین قماشند.

این‌ها که سیاست بازی را دکان قماش خری و پارچه‌فروشی قرار داده و مخالفت و موافقت خود را با دولت‌ها و کابینه‌ها بر محور استفاده شخصی می‌گردانند، این جوانان ناپخته و کم‌تجربه که خریداران دست دوم بازار سیاست یک‌جانبه این مملکتند، با سرمایه‌های بسیار کوچک ادراک و اطلاع سیاسی وارد بورس بازی سیاست شده‌اند و نمی‌دانند که ورشکستگی و درماندگی سیاسی آن‌ها ممکن است مؤثر در ورشکستگی و درماندگی سیاسی کشور ما گردد و زیان غیرقابل جبران از این سوداگری سیاسی خود به مملکت عاید سازند.

این آقایان که با پول و تقویت مقامات بی‌مسئولیت داخلی توانستند چند روز جمعی جوانان ساده و بی‌اطلاع را فریب داده و به اسم تشکیل حزب بساط بیلپارد و پینگ پونگ را بگسترانند و دستگاه روزنامه‌نویسی را به نام مبارزه مطبوعاتی به راه بیاندازند، تصور می‌کنند هر زندان رفتن و بازداشت شدنی باید به حساب مملکت و ملت ایران گذاشته شده و مردم ایران مسئول دله‌کاری آن‌ها باشند، و جبران یک‌جانبه بودن سیاست آن‌ها

و نیز با چند طرف بند و پست‌کردنشان به عهده مردم کشور است؟ آیا باید به جرم اینکه لیبران حزب پیکار و باندهای پوکر بازان و رفقای بینگ پونگ و غیره چند ماهی در اراک و رشت در بازداشت متفقین به سر بردند و به موجب استناد رسمی که در اعلامیه‌های مقامات صلاحیتدار اشعار شدند، التزام و تعهد سپردند که هرگونه اطلاعی در اطراف متفقین کسب می‌کنند، بلادرنگ به مقامات ارتش خارجی عرضه دارند، ملت ایران بایستی مکلف و وظیفه‌دار باشد که از گل بالاتر هم به این آقایان نگوید! ما نمی‌دانیم که تا کی ملت ایران محکوم به تحمل مصائب حاصله از جوانی و بی‌تجربگی این افراد است؟ و تا چه وقت باید جریمه پیدایش سوءظن مقامات خارجی نسبت به این افراد، گردن‌گیر مردم ستم‌دیده این مملکت باشد؟

از کجا معلوم که وجود همان سوءظن و جلب لیدرهای حزب «پیکار» و باند «بینگ پونگ» ایران ما و نبرد و نگهداری آن‌ها در بازداشتگاه‌های متفقین مقدمه‌ای برای همین نتیجه نبوده است؟ که تا صبح قیامت این جوانان پرادعا ولی کم‌تجربه و بی‌تشخیص خود را دخیل در مقدرات این مملکت سازند و با ماسک آزادیخواهی که با مظنون شدن و به بازداشت رفتن تهیه کرده و به صورت خود زده‌اند، می‌خواهند از پشت پرده دوم تعلیمات بیگانگان را در امور این مملکت مجری سازند!

این مزدوران بی‌پرنسیب که همیشه نان را به نرخ روز می‌خورند از اول پیدایش خود در زندگانی سیاسی نتوانستند روش معین و طریقه معلومی برای خویش پیدا کنند و همین‌که تجمع مقدماتی آن‌ها حاصل شد و در مقام اتخاذ طریق برآمدند، فهمیده یا نفهمیده بازیچه سیاست‌های سطحی قرار گرفتند و چون حدود توقعات سیاسی آن‌ها محدود به مطامع فردی ایشان می‌بود، نتیجه غایبی سیاستمداری و روزنامه‌نگاری را همان پول و کاغذ و چیت و پارچه و غیره یافتند و به محض اینکه این هدف‌ها

نزدیک شد و از این حیث میهن این افراد از خطر مصونیت یافت، دیگر تکلیفی برای خود تشخیص ندادند جز اینکه بهر وسیله‌ای هست موجبات تنزل تفاهم و صمیمیت بین ملت ایران و ملت‌های متفق را فراهم آورند.

برای تحصیل نتیجه از اقدامات خود هیچ راهی نزدیکتر از این به نظرشان نیامد که با حمله به شخصیت آقای سیدضیاءالدین طباطبایی اولاً مقامات داخلی و دزدان خائف و هراسناک از وجود ایشان، از خود قطعاً راضی سازند، تا مورد استفاده قرار دهند. ثانیاً با اشاعه فحش‌نامه‌ها و هتاک‌های بی‌شرمانه نسبت به معظم له شاید بتوانند محبوبیت ملی و موقعیت عجیبی را که در نزد ملت ایران دارد، متزلزل سازند و از این‌راه مردم بی‌پناه و ناتوان این مملکت را که در زیر فشار هیئت حاکمه و در زیر چکمه‌های ارتش بیگانه آخرین مقاومت خود را نشان می‌دهند، مایوس و ناامید سازند و در نتیجه زمینه را برای مداخلات اجانب در امور این مملکت مساعد و مهیا نمایند!

چه مسلم است مردم ایران تا نقطه امیدشان باقی است و تا مطمئنند که می‌توانند با توصیه مساعی و تعاطی کمک به آقای سیدضیاءالدین طباطبایی خود را از این فلاکت و مذلت رهاکنند، به هیچ قیمت حاضر به مداخله اجنبی در امور این کشور نیستند. یک روز زندگانی با استقلال و آزادی را با یک عمر حیات در حال بندگی و اسارت ترجیح می‌دهند. بنابر همین تشخیص این افرادی که هر چه توانستند اراجیف بافتند و هر چه خواستند مزخرفات گفتند. گاهی تشکیلات «حزب پیکار» را منظور نظر آقای سیدضیاءالدین طباطبایی معرفی کردند و مدعی شدند که مقرر بوده آقای سیدضیاءالدین طباطبایی به حزب پیکار وارد شود...^۱ و گاهی آقای سیدضیاءالدین طباطبایی را دارای سیاست یک‌جانبه و مخالف با وجود

۱. نقطه‌چین در اصل

تفاهم بین الملل ایران و شوروی گفتند. تا جایی که قبل از وصول روزنامه پراودا به تهران ترجمه مقالات آنرا در روزنامه‌های ملی (!) ایران ما انتشار دادند...^۱

در خلال این احوال به هر وسیله هم بوده خود را با آقای سیدضیاءالدین طباطبایی نزدیک نموده و به قول خودشان وسائل مصاحبه‌ای را فراهم کردند. تا شاید بتوانند مزد دستی هم از او بگیرند. ولی باید گفت که این همه نیرنگهای کودکانه به قدر دهن کجی یک شاگرد کلاس تهیه در قبال یک استاد عالیقدر علوم تربیتی جلب توجه و نظر نمود.

در بساط آقای سیدضیاءالدین طباطبایی جز وطن پرستی و ایمان و غیر از اخلاص به کشور و اصول دموکراسی و حکومت مشروطه ایران هیچ چیز دیگر محبوب و مطلوب نیست. کسانی که به امید حشمت و جاه به این دستگاه نزدیک می‌شوند فقط یاس و نومیدی می‌یابند. پارچه و پول کاغذ و لاستیک در جاهایی داده می‌شود که آن‌ها راه یافتند و خود را به آن جاها رسانده‌اند و برای بیشتر گرفتن و گرمتر ساختن بازار خویش از هر تفتین و سعایتی به ضرر کشور و میهن دریغ ندارند.

ولی به زودی می‌یابند که عمر بی‌مسلمکی و بی‌پرنسیبی طولانی نیست و دنیای حاضر و بعد از این برای یک روز هم اجازه زیستن به مردم بی‌مسلمک و بی‌پرنسیب نمی‌دهد. در عین حالیکه چرخهای عظیم ماشین آزادی و دموکراسی هم افراد و جماعات چند روز و چند پهلو را در زیر فشار لنگرهای خود خرد و خاکشیر می‌سازد.

۱. نقطه چین در اصل

بیانیه حزب میهن پرستان^۱

امروز دو سال و نیم تمام از تاریخ تشکیل حزب میهن پرستان می‌گذرد. این دو سال و نیم برای حزب میهن پرستان عبارت بوده است از یک دوره متمادی فعالیت و مبارزه و رنج و کوشش خستگی ناپذیر که فقط در راه یک هدف بزرگ و مقدس یعنی در راه خدمت به ایران صورت گرفته است. دو سال و نیم است حزب میهن پرستان مردانه پرچم پرافتخاری را که در یک دوره ظلمانی و غم‌انگیز تاریخ ایران به دوش گرفت، همچنان بردوش دارد و در پی این پرچم به سوی پیروزی و افتخار و سربلندی پیش می‌رود.

هیچ یک از مخالفت‌های دشمنان ما و دشمنان آزادی توده‌های ستم‌کشیده ملت ایران، هیچ نوع اخلال و کارشکنی، هیچ طوفان تهمت و افتزایی نتوانسته است در این مدت این پرچم را که نشان مبارزه مقدس ما است، به زیر آورد، زیرا پایه این پرچم بردلهایی پر شور و با ایمانی استوار شده است که هیچ نیرویی قدرت غلبه بر آن‌ها را ندارد. دو سال و نیم مبارزه خستگی ناپذیر ما و همکاران ما به تمام دشمنان ملت ایران نشان داد که علی‌رغم آرزوی اهریمنی آن‌ها هنوز ملت ایران زنده است و هنوز آن آتش جاودان که مظهر حیات و عظمت ملت پرافتخار ایران است، در کانون دل‌های فرزندان حقیقی ملت ایران شعله می‌کشد.

دو سال و نیم است ما بر علیه طبقه حاکمه ایران، بر علیه دزدان و غارتگران اجتماعی، بر علیه مفت‌خوران و ستمگرانی که کشوری را به صورت گورستانی خاموش درآورده‌اند تا در آن کاخهای مجلل خود را با آرامی بنا کنند و کیسه‌های زر خون‌آلود خویش را در آن جای دهند،

۱. روزنامه ایران ما، ش م ۱۵۲، ۱۳۲۳/۳/۳۰، ص ۴

بر علیه وطن فروشان و خائنین پستی که برای حفظ مقام خود به مزدوری این و آن تن در می دهند، بر علیه دولت ناصالح، مجلس ناصالح، حکومت ناصالح و سرمایه داران ناصالحی که بر مقدرات ملت ایران حکومت می کنند و این ملت رنج دیده را هر روز بیشتر به سمت بدبختی و اضمحلال قطعی می برند، مشغول مبارزه ایم و در این مبارزه ما توانسته ایم علیرغم تمام نیروهای جهنمی طبقه حاکم خائن و فاسدی که پول و زور و دسیسه و تحریک و سرنیزه و قدرت شبه قانونی را در دست خود داشته و تمام آن ها را بر علیه ما و احزاب مشابه ما به کار انداخته است، به فعالیت خود ادامه دهیم و هر روز شکستی جدید بر کاخ پوسیده ستمگران و خیانت کاران و دزدان ایران وارد سازیم. زیرا ما نیرویی داشته ایم که دشمنان ما فاقد آن بوده اند و آن نیرو، ایمان، ایمان به حق و عدالت، ایمان به درست کاری و شرافتمندی، ایمان به ایران و آینده ایران است.

ما به کمک این نیرو همواره جنگیده ایم و تا روزی که ناقوس مرگ طبقه حاکمه ایران نواخته شود، به این جهاد مقدس خود ادامه خواهیم داد.

ما در این دو سال ونیم متحمل فداکاری های بی شماری شدیم و رنج های فراوان بردیم. ما برای حفظ حیثیت و درستی و پاکدامنی خود زیان های مادی کمرشکنی دادیم که شاید تحمل آن ها برای غارتگران طبقه حاکمه آسان باشد، ولی برای جوانانی که جز ایمان و امید و میهن پرستی و پاکدامنی خویش سرمایه ای ندارند، فوق العاده دشوار است. با این همه ما این فداکاری را متحمل شدیم تا بتوانیم مردانه ندای آزادی و عدالت و ایمان در دهیم، و درین محیط پر از فساد و تباهی و خیانت، کانون امیدی باشیم که تمام جوانان و مردان و زنان شرافتمند به گرد آن جمع آیند و نیروی عظیمی را که برای درهم شکستن کاخ ستمگری بیدادگران و دزدان طبقه حاکمه ایران لازم است، فراهم آورند.

این ندای ما که تنها از دل‌های پرشور و پرایمان برخوردار بود، بزودی در سراسر کشور طنین انداخت، زیرا در ظرف مدت کوتاه از سراسر کشور به ما پیام‌های امید و اعتماد رسید و هزاران تن از جوانان و مردان شجاع و میهن‌پرست و فداکار ایرانی داوطلبانه به نهضت ما پیوستند. این حسن استقبال وقتی به حد اعلاء رسید که ۱۲۰ هزار تن از شیردلان لرستان که پاکترین نمایندگان نژاد بزرگ ایرانی هستند، برای خدمت به ایران، پیوستن خود را به حزب میهن پرستان اعلام داشتند و فصلی تازه در دفتر مبارزه و موفقیت ما گشودند.

هم میهنان

امروز حزب میهن پرستان مرحله تازه‌ای را در فعالیت ممتد خود آغاز می‌نماید. این مرحله، قدم جدیدی است که حزب ما به خاطر ایران و ترقی ایران، به خاطر رستاخیز بزرگ ملی که ایران نوین را برفراز ویرانه‌های کاخ غارتگران و دزدان و ستمکاران طبقه حاکمه ما پی افکنده، برداشته است. این قدم تازه، اتحاد این حزب با سه حزب دیگر از احزاب جوان و پرافتخار و فداکار و شجاع ایران است که در همین مدت دو سال و نیم توانسته‌اند ایمان آهنین خود را به ایران و آینده ایران و اراده شکست‌ناپذیر خویش را در راه مبارزه و پیشرفت در این منظور به نحو اتم نشان دهند. ما با این اقدام تازه به تمام ایرانیان به تمام مردان و زنان وطن‌پرست و با شهامت ایرانی راه تازه‌ای را نشان می‌دهیم که همه باید به سوی آن بروند، زیرا در انتهای این راه سرنوشت ایران قرار داد.

از این پس چهار حزب آزادی خواهان و استقلال و پیکار و میهن پرستان طبق موافقت نامه‌ای که ذیلاً نقل می‌شود رسماً تبدیل به یک حزب واحدی [به نام] حزب میهن می‌شوند و این حزب در آینده تنها نماینده کلیه سازمان‌ها و افراد و شعب این احزاب خواهد بود. بنابراین حزب میهن پرستان انحلال سازمان خود را درین موقع رسماً اعلام

می‌دارد. این انحلال در حکم متوقف شدن فعالیت بزرگی که از دو سال و نیم پیش آغاز شده است، نیست. بلکه نشان آن است که حزب ما مرحله دوم فعالیت شهامت‌آمیز خود را در راه نجات ایران آغاز کرده است. امروز وظیفه هر فرد ایرانی است که از این سرمشق جوانان احزاب استقلال و آزادی خواهان و پیکار و میهن پرستان پیروی کرده و برای جلوگیری از تشتت و تجزیه‌ای که این همه از آن شکایت دارند، با تمام قوا بدین نهضت بزرگ بپیوندند.

به نمایندگان و افراد شعب مختلف حزب میهن پرستان در کلیه شهرستان دستور داده شده که بلافاصله به سازمان حزب جدید ملحق شوند. تمام افراد حزب موظفند از نو در حزب جدید نام‌نویسی کنند.

کمیته مرکزی حزب میهن پرستان

بیانیه حزب استقلال^۱

پس از آنکه حوادث روزگار در سوم شهریور کاخ استبدادی و خودسری را در ایران واژگون نموده، حکومت وحشت و ترور به دیار نیستی رهسپار گردید، طبقه روشنفکر و علاقمندان به آزادی و اصلاح امور کشور به این فکر افتادند که به وسیله تمرکز قوای ملی اوضاع آشفته کشور را اصلاح کرده پایه حکومت ملی را بر اساس محکم و متینی استوار نمایند. از این رو احزاب متعددی در ایران به وجود آمده و هریک در خور قدرت و توانایی خود خدماتی انجام داده و در راه این مقصود کوشیدند. حزب استقلال که در تحت راهنمایی چند نفر اشخاص مجرب در آذر ماه ۱۳۲۰ تشکیل گردید، در مدت دو سال در راه استقرار اصول آزادی و بهبودی اوضاع کشور آنچه توانست مبارزه و کوشش نمود. در این مدت دو سال، تجربه به ما ثابت کرد که تفرقه و جدایی ما را به مقصود نزدیک نمی نماید.

چنانچه احزابی که هدف مشترکی دارند هریک از راهی علیحده و جداگانه مقصود خود را تعقیب کنند، غیر از ضعف قوای ملی نتیجه دیگری عاید نمی شود. بنابراین از آغاز فروردین ماه نمایندگان احزاب پیکا، میهن پرستان و استقلال و دسته ای دیگر از آزادی خواهان که دارای هدف مشترکی بودند، تبادل افکار نموده، صلاح در این دیدند که جبهه واحدی تشکیل داده و برای رسیدن به مقصود و منظور خود که به وجود آوردن ایران قوی و توانایی است، تشریک مساعی نمایند. بالاخره در تاریخ ۲۳/۳/۲۷ نمایندگان احزاب فوق توافق نظر حاصل کرده و

موافقت‌نامه زیر را امضاء نمودند. از این تاریخ حزب استقلال انحلال خود را اعلام کرده و به کلیه افراد خود در مرکز و شهرستان‌ها تذکر می‌دهد که طبق دستور کمیته مرکزی حزب میهن و موافق اساسنامه جدیدی که تنظیم شده، با احزاب پیکار و میهن‌پرستان تشکیلات خود را مرتب و منظم نموده و با پشتکار و فداکاری بیشتر از سابق برای رسیدن به هدف عالی و مقدس خود مبارزه و کوشش نمایند.

کمیته مرکزی حزب استقلال

فهرست اعلام

احزاب و جمعیتها و گروهها

حزب اراده ملی ۵۵، ۳۷۷	اتحادیه دانشجویان ایران ۳۱، ۶۸
حزب استقلال ۹-۱۰، ۴۱، ۳۵۷، ۳۶۵	جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران
۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۷-۳۹۹، ۴۰۰	۳۰۷
حزب اسلام ۳۷، ۲۷۷، ۳۲۰	جامعه مهندسين فارغ‌التحصیل دانشکده
حزب ایران: در اغلب صفحات	فنی ۳۳
حزب پان ایرانیسم ۲۶۵	جبهه آزادی ۳۷۳
حزب پیکار ۱، ۷، ۹-۱۰، ۱۳-۱۵، ۱۸	جبهه حمایت از صنایع داخلی ۱۳-۱۴،
۲۳، ۳۲-۳۳، ۴۰-۴۱، ۵۴، ۵۶، ۸۳	۸۹، ۳۲
۸۹، ۹۳، ۱۰۲، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۷۸	جبهه ملی ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۳۶، ۲۴۴،
۲۰۹، ۲۱۲-۲۱۳، ۲۲۹، ۲۳۶	۲۴۷، ۲۵۲، ۲۸۵
۲۵۲، ۲۷۵، ۲۸۱-۲۸۰	جمعیت آزادی مردم ایران ۲۲، ۳۹،
۳۵۰-۳۶۹، ۳۸۰-۳۹۴	۲۹۶، ۲۹۸-۳۰۰، ۳۱۱، ۳۲۸
حزب جنگل ۱۵، ۲۳، ۱۱۷-۱۱۸، ۳۷۸	جمعیت احرار خوزستان ۴۹
حزب حلقه ۳۶۱-۳۶۳	جمعیت زن امروز ۶
حزب دموکرات ایران ۱۶، ۱۰۳، ۱۴۸	جمعیت فارس ۴۱، ۳۸۲
۱۵۶، ۱۶۰، ۲۳۶-۲۳۷	جمعیت فرزندان ایران ۲۲۷
حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی	جمعیت مهندسين فنی ۶
سوم) ۲۳۷، ۲۹۳، ۳۰۷، ۳۱۱-۳۱۲	حزب اتحاد ملی ۳۷۷
حزب زنان ایران ۶	حزب احرار ۴۱، ۳۷۷

۴۰۲ حزب ایران

شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ۱۳، ۳۲، ۵۴، ۵۶، ۸۴، ۸۹	حزب سوسیالیست ۱۱۸-۱۱۷، ۳۳، ۱۵ حزب عدالت ۵۸ حزب مردم ۲۲۷، ۳۷۷
شورای مرکزی سندیکای مهندسين و کارکنان فنی ۱۳، ۳۲، ۸۴، ۸۹	حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ۳۰۷، ۲۹۳
فرقه دموکرات آذربایجان ۱۴-۱۶، ۳۱، ۳۳، ۴۷-۴۹، ۵۵، ۱۰۳، ۱۱۳	حزب میهن ۹-۱۰، ۱۲، ۳۱، ۴۰-۴۱، ۷۰-۷۱، ۳۳۲، ۳۷۹
۱۱۸-۱۱۷، ۱۲۳-۱۲۵، ۱۷۸، ۲۰۴ فرقه دموکرات کردستان ۱۵، ۳۳، ۱۱۸-۱۱۷	حزب میهن پرستان ۳۵۷، ۳۶۵ ۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۵، ۳۹۷-۴۰۰ حزب وحدت ایران ۱۷، ۳۴، ۱۵۶-۱۵۷، ۲۲۷
کانون مهندسين ۲-۵، ۱۳، ۳۲، ۸۴ ۸۹، ۱۳۴، ۱۹۴-۱۹۵	حزب وطن ۳۷۷
کمیته نهضت مقاومت ملی ۳۲۸-۳۲۹ گروه میهن پرستان ۹-۱۰، ۲۹، ۴۱	سازمان جوانان آذربایجان ۳۶۲ سازمان ملی دانش آموزان ایران ۳۰۷ سندیکای جهانی ۱۵۹

رجال

اسبقی (مهندس) ۱۰۱	آخوندزاده (مهندس) ۱۰۱
اسدی، سلمان ۱۰۰	آدیش نیا (مهندس) ۱۰۱
اسکندانی (مهندس) ۱۰۱	آذرخشی، رضا ۹
اسکندری، ایرج ۱۰۰	آروین (مهندس) ۲۹۷
اسکندری، عباس ۲۳۵	آزاد (دکتر) ۲۴۷
اسمعیل زاده، جمفر ۱۰۱	آزاد، عبدالقدیر ۹، ۲۰، ۳۱۵
اشتری، احمد ۲۴۰	آشوط (دکتر) ۲۴۶
اشتری، هادی ۱۰۰	آنتوان. آ ۱۳۸
اصفیاء (مهندس) ۱۳۰	آهی (دکتر) ۶۹
اعظم زنگنه، مسعود	آیزنهاور ۲۳
۱۶۲، ۲۳۱، ۳۸۵	ابتهاج، ابوالحسن ۲۲۳، ۲۴۱
اعلم (پرفسور) ۲۲۸، ۲۴۷	ابراهیمی، امیر ۲۵۲
اعلم، فتح الله ۲۴۶	ابراهیمی، صابر ۱۰۰
افسر، کرامت ۳۷۷	احتشامی، امیر ۲۸۰
افشار (دکتر) ۱۵، ۲۴۶	اخوی، علی اکبر ۳۱، ۴۳
افضلی پور (دکتر) ۲۴۶	ادیب (دکتر) ۲۴۷
اقبال، خسرو ۹، ۳۸۰، ۳۸۴	ارجمند، احمد (دکتر) ۱۰۱، ۲۶۴-۲۶۵
اقتصاد، علی اصغر ۲۳۱	ارجمند (مهندس) ۷۹
امیرابراهیمی، توکل ۳۰۴	ارسنجانی ۲۳۳، ۲۳۸-۲۳۹
امیرتوسلی، شفیع ۱۵۶-۱۵۷	ارقید (مهندس) ۱۰۱

- امیرجنگ، اسعد ۲۴۱
 امیرعلایی ۲۰، ۲۳، ۲۴۱، ۲۴۴
 امین‌التجار اصفهانی (حاج) ۲۴۱
 انجوی شیرازی ۴۱، ۳۸۲
 انشائیان ۱۰۱
 انصاری (دکتر) ۲۴۶
 انصاری (سرتیب) ۲۴۱
 ایدن ۵۶
 ایروانی ۱۰۰
 ایمانیان (دکتر) ۲۷۹، ۲۹۲
 بابایی ۲۹۲
 بازرگان (دکتر) ۲۴۶
 بازرگان، عباسقلی (حاج) ۲۴۱
 بازرگان، مهدی ۳، ۶، ۱۵، ۲۸، ۳۵،
 ۱۹۰، ۲۴۱، ۲۴۶
 باغی، فرج‌الله ۱۵، ۶۸، ۹۴
 بایگان، کاظم ۱۰۱
 بختیار، شاهپور ۲۳، ۲۷۸، ۲۹۴-۲۹۵
 ۳۰۴، ۳۱۹
 بدر ۴۵، ۶۳
 براون، گیلد ۲۴۷
 بقایی، مظفر ۲۰، ۳۶، ۲۴۴، ۳۱۵
 بنان، کاظم ۶۸
 بوین ۱۱۴
 بهار ← ملک‌الشعراى بهار ۲۴۱
 بهاء‌الملک ۱۴۸
 بهرامی، ابوالقاسم ۲۴۱، ۲۴۶
 بهرامی (دکتر) ۲۴۶
 بهروز (دکتر) ۲۴۶
 بهزادی ۲۳۷-۲۳۸
 بیات ← سهام‌السلطان، بیات
 بیانی (مهندس) ۱۶۲، ۳۰، ۱۹۳، ۲۰۵،
 ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴-۲۱۵، ۲۴۹
 ۲۵۱، ۲۷۸، ۳۱۹
 بیژن، اسدالله (دکتر) ۲۳۰، ۲۴۱، ۲۴۷،
 ۲۴۹
 بیگی، اسماعیل ۲۴۶
 بینا، علی‌اکبر (دکتر) ۱۰۱، ۲۴۶
 بینی ۱۰۲
 پادگان ۱۰۳
 پاکزاد (مهندس) ۲۹۷
 پایور، امیر ۲۳۰
 پایور (مهندس) ۱۶۲، ۱۹۳، ۱۹۹،
 ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۵۳
 پرخیده، عباس (مهندس) ۵، ۸۴
 پرشاد ۲۸۰، ۳۰۴
 پریمن (دکتر) ۲۴۶
 پزشکپور ۲۳۷
 پوردادود، هورفر (دکتر) ۲۴۷
 پورسرتیب ۹۱
 پورسرتیب، محمد ۹، ۲۹، ۱۶۲، ۱۹۳،
 ۲۱۴، ۲۳۰
 پورفردوسی ۸۴
 پهلوی، رضا (شاه) ۴، ۷، ۴۵، ۵۲
 پهلوی، محمدرضا (شاه) ۶، ۱۸، ۳۲۳
 پیراسته ۱۵

فهرست احلام ۴۰۵

چهارازی (دکتر) ۲۴۶	پیرنیا ۱۹
حائری زاده ۲۰، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۱، ۳۱۵	پیشه‌وری، جعفر ۱۵، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۴
حائری، یگانه ۲۴۶	پیمان، حبیب ۲۵۵
حاتم، محمد ۱۰۱	پیمان، محمود ۲۵۵
حسیبی، کاظم (مهندس) ۲، ۴۰، ۱۳۰	تدین ۷، ۳۷۱
۲۳۰، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۳	ترومن ۱۷۵
۲۸۵-۲۸۶، ۲۹۴-۲۹۵، ۳۰۴	تشکری، قدرت‌الله ۲۳۱، ۲۵۳، ۳۰۴
۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۲۹	تشکری (مهندس) ۷۵
حسینی (دکتر) ۱۵	تفرشی، علی ۲۹۹
حفیظی (دکتر) ۲۴۶	تفضلی، جهانگیر ۹، ۳۸۰، ۳۸۵
حق شناس، جهانگیر ۳۳، ۸۳، ۹۱، ۹۴	تقی‌زاده ۲۹۳
۱۳۰، ۱۶۲، ۲۳۰، ۲۵۳	تنکابنی، وحید ۲۴۱
حکیمی، ابراهیم ۱۱، ۱۸، ۵۴-۵۶، ۶۱	توسلی، محمد (دکتر) ۱۹۳، ۲۰۹
۱۳۶-۱۳۷، ۱۸۸، ۱۹۷	۲۴۶، ۳۳۰
حمیدزاده (مهندس) ۲۹۷، ۳۰۰	توللی، ایرج ۲۵۵
جناب (دکتر) ۲۴۶	تویسرکانی، قاسم ۲۵۳، ۲۷۸، ۳۱۹
حیدری ۲۷۲، ۳۰۴	ثنایی ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۷۹، ۲۹۲، ۳۰۴
خادم ۲۹۲	جاوید، سلام‌الله ۱۰۳-۱۰۴، ۱۰۹، ۲۰۴
خبیری (دکتر) ۲۴۶	جیروتی، محمد ۲۹۷، ۳۰۰
خرازی، محمدرضا ۲۴۱	جزایری، شمس‌الدین ۲، ۱۵، ۱۷، ۲۰
خراسانی، هادی (دکتر) ۲۴۹، ۳۱۹	۲۷، ۳۱، ۴۷
خرمشاهی ۲۵۲، ۲۹۲	جفرودی، کاظم ۲۴۷
خروش ۲۵۳	جلالی نائینی ۲۰، ۲۴۴
خروشی ۲۱۰	جناب (دکتر) ۹۱، ۱۳۰، ۱۶۲، ۲۵۳
خطیر، منوچهر ۲۳۱	جواهری ۲۷۹، ۲۹۲
خطیر (مهندس) ۱۶۲	جواهری، هادی ۲۹۷
خلعتبری، ارسلان ۱۴-۱۵، ۱۷، ۲۰، ۸۴	جهانشاهی (دکتر) ۱۴۸، ۳۱۹
خلیلی، عباس ۲۰، ۲۴۴	چرچیل ۱۱۳

رضاخانی، کوچک ۳۱۴	خلیلی عراقی، محمدرضا ۳۲۱
رضوی، اصغر ۲۶۵	خمسوی (دکتر) ۲۴۶
رفیعی، عزیز ۲۴۶	خواجهزاده ۲۹۲
رواسانی، حمید ۲۵۳، ۲۰۸، ۱۵۸، ۶۸	خواجهنوری، محسن ۱۵، ۱۴، ۲
روانی ۱۰۱	خورکامی ۲۹۲، ۲۵۱
روحانی، فواد ۲۹۵	دارسی ۳۲۲
روستا ۸۴	دانشپور ۳۲۲، ۳۱۹، ۲۷۸، ۲۵۳
روسو، ژانژاک ۶۸	دانش نوری ۲۹۲
ریاحی (دکتر) ۱۶۲، ۱۰۲	داوران ۲۹۲، ۲۵۱
ریاضی (مهندس) ۲۴۶	دبیرسیاتی ۳۵۶
ریمن، فرهنگ ۲۲۷، ۸۷، ۷۶-۷۵، ۳۵	دبیر (مهندس) ۱۰۰
زاوش (مهندس) ۱۰۱، ۸۴	درگاهی ۱۰۱
زاهدی، علی ۱۰۰	درویش (دکتر) ۳۷۸
زرکش، هوشنگ ۲۵۵	دری ۱۰۱
زنجانی (مهندس) ۱۰۱	دشتی ۱۳۴
زنگنه، احمد (دکتر) ۱۰۰، ۱۳۴-۱۳۱	دلوران ۲۵۲
۲۳۴، ۲۳۰، ۱۶۲، ۱۴۵	دهخدا، علی اکبر ۲۴۱
زواره‌ای، مهدی ۲۹۹	دهقان (دکتر) ۲۴۶
زهری ۳۱۵	دیوسالار کجوری، عبدالکریم ۲۹۸
زیرک‌زاده، ابوالقاسم ۲۴، ۳۱، ۳۴، ۷۲	رادفر (دکتر) ۲۴۶
۲۹۲-۲۹۰، ۱۶۴، ۱۶۲	راضی، حسین ۲۵۱، ۳۹-۳۸، ۲۱
زیرک‌زاده، احمد ۳-۲، ۸، ۱۴، ۲۰-۲۱	۲۵۳، ۲۷۸، ۲۹۶، ۲۵۵، ۲۶۱
۲۹-۲۸، ۳۱، ۳۶-۳۵، ۵۷، ۱۳۱	۲۸۸-۲۸۵، ۲۸۲-۲۸۱، ۲۷۹
۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۲	رأفت ۲۹۲، ۳۰۴، ۲۷۹، ۲۵۳
۱۷۶-۱۷۵، ۱۸۷، ۱۹۳-۱۹۴	رحیمی (دکتر) ۲۴۶
۲۰۱-۲۰۳، ۲۰۸، ۲۱۳-۲۱۴، ۲۳۰	رخشانی ۱۰۰
۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹	رزم‌آرا، حاجی علی ۲۵۲، ۲۳۸، ۲۳۴
۲۵۰، ۲۵۳، ۲۷۹-۲۷۸	۲۴۹

فهرست اعلام ۴۰۷

سمیعی، احمد ۳۸-۳۹، ۲۵۱، ۲۷۲،
 ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۵-۲۸۸
 سنجابی، کریم ۱۰، ۲۰-۲۱، ۲۹، ۳۸،
 ۹۱، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۲، ۲۰۷، ۲۳۰،
 ۲۴۳-۲۴۴، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۴۹،
 ۲۵۲-۲۵۳، ۲۷۹، ۳۰۴، ۲۸۲،
 ۲۸۷-۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۹، ۳۶۹،
 ۳۷۷-۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۵
 سنگلجی، محمد ۲۴۱
 سهام‌السلطان بیات ۷، ۶۱، ۱۳۴، ۱۳۷
 سهراب (دکتر) ۲۴۶
 سهرابی (مهندس) ۱۰۱
 سهیلی، علی ۷، ۶۰
 سیاح (دکتر) ۲۴۶
 سیاسی، علی‌اکبر ۲۴۶
 سیف‌الدناب ۲۴۱
 سیف‌پور فاطمی ۱۱۴
 شاکری، حبیب ۲۹۷
 شاهرودی ۲۹۲
 شاهکار، محمد ۱۰۰
 شایگان، سیدعلی (دکتر) ۲۰، ۳۷، ۲۴۱،
 ۲۵۵
 شبستری ۱۰۳-۱۰۴
 شرافه لاری ۲۸۹، ۲۹۲
 شریعتمدارزاده، محمدحسین (سید)
 ۲۹۸
 شریعتمداری ۲۹۷
 شریف امامی، جمفر ۱۵

۲۸۱-۲۸۲، ۳۰۴، ۳۱۹، ۳۲۹
 زیرک‌زاده، غلامحسین ۱۶۲، ۲۳۱،
 ۲۷۸، ۳۱۹
 سادچیکف ۲۳۵، ۳۲۱
 ساعد، محمد ۴۴، ۶۲، ۱۱۳، ۱۳۴،
 ۱۹۷، ۲۳۴
 ساعدی، هوشنگ ۲۵۵
 ساعی (مهندس) ۲۴۶
 ساوکی ۲۸۰
 سبحانی ۱۰۲
 سهیدی (دکتر) ۲۴۶
 سپهر ← مورخ‌الدوله ۱۳۶
 ستوده ۲۷۸
 ستوده، حسن ۲۴۷
 سجادی، سیدمحمد ۳۰۰
 سبحانی (دکتر) ۲۴۶
 سدان ۲۹۵
 سرابی، اسکندر ۳۵۵
 سرشار، محمود ۲۴۱
 سطوت‌منش ۲۷۲
 سعیدی، احمد ۲۴۱
 سعیدی، خسرو ۲
 سعیدی (مهندس) ۲۴۶
 سلامت‌بخش ۲۸۰، ۲۹۲
 سلامت‌بخش، امیرپرویز ۳۰۴
 سلامت‌بخشی، رسول ۳۳۰
 سلوکی ۲۹۲
 سمندری (مهندس) ۱۰۰

صالح، اللهیار ۹، ۱۴، ۱۶-۱۷، ۲۳، ۲۸،	شریف امامی (دکتر) ۱۰۱
۳۳، ۳۵-۳۷، ۶۸، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۲،	شریف‌نژاد ۳۰۴
۱۳۰، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۷۵،	شریفی ۲۷۹، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۴
۱۹۳، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۴-۲۰۵،	شغائی ۱۱۷
۲۰۷، ۲۱۳-۲۱۵، ۲۲۷-۲۳۰، ۲۴۱،	شفا، شجاع‌الدین ۹
۲۴۳، ۲۴۷-۲۴۸، ۲۵۰-۲۵۱،	شمس، ایرج ۲۴۶
۲۵۳، ۲۶۵، ۲۷۴، ۳۱۱، ۳۳۱،	شمس (پرفسور) ۲۴۷
صالح، جهانشاه ۱۶۲، ۲۴۱، ۲۴۶،	شمس زنجانی ۳۷۸
صالح، علی اکبر ۲۱۳	شمسی ۱۰۲
صالح، علی پاشا ۲۴۶	شوستر ۱۰۸
صبوریان، رحمت‌الله ۳۱۰	شهاب‌پور ۳۷۷
صدر ← صدرالاشراف	شهنش (دکتر) ۱۰۱
صدر، محسن ← صدرالاشراف	شهید نورانی (دکتر) ۷۹
صدرالاشراف ۷، ۴۵-۴۶، ۵۲-۵۴، ۵۸،	شهیدی، امین ۱۹۹، ۲۰۱
۶۰-۶۲، ۱۱۳، ۱۳۴-۱۳۵، ۱۵۹،	شهیدی، جعفر ۱۵، ۹۴
۲۴۸، ۳۸۱	شیبانی (دکتر) ۲۴۷
صدر، حسین ۲۴۴	شیبانی، عبدالله ۲۴۷
صدری ۲۵۱	شیبانی، کاظم ۲۶۵
صدقیانی ۷۷	شیبانی، مجیر ۲۴۷
صدیق ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۵،	شیبانی (مهندس) ۲۴۶
صدیق، عباس ۱۹۳	شیبانی ← جلیل‌الملک ۲۴۱
صدیقی ۲۱۳	شیخ، ابوالحسن ۲۴۶
صدیقی، غلامحسین ۲۴۶	شیخ، غلامرضا ۲۴۶
صمیمی (مهندس) ۱۹۳	شیرازی (مهندس) ۱۰۰
صورتگر (دکتر) ۲۴۶	شیروانی ۲۸۰، ۲۹۲
صوری (دکتر) ۲۴۷	شیروانی، حسن ۲۹۶
ضرابی ۱۵، ۹۴	صاحب، علیرضا ۱۵، ۶۸، ۹۴
ضیاء‌ظریفی، ابوالحسن ۲	صادقی ۱۵، ۱۷، ۹۱

فهرست اعلام ۴۰۹

غروی (آیت الله) ۲۰	طاهبازیان (مهندس) ۲۹۲
فاتح ۲۵۱	طباطبایی، سیدضیاءالدین ۱۳۴، ۴۹
فاضل تونی ۲۴۶	۳۶۹، ۳۶۷، ۳۶۳، ۳۶۰، ۳۵۸
فاطمی، تقی ۲۴۶	۳۹۴-۳۹۳، ۳۸۲
فاطمی، سیدحسین ۲۴۴، ۲۰	طلاکوب، احمد ۲۹۷
فاطمی، مصطفی ۲۴۶	عابدی (دکتر) ۲۴۶
فرامرزی، عبدالرحمن ۳۱۶	عالمی، ابراهیم ۱۶۲
فرجاد ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۹۳-۱۹۴، ۲۱۱، ۲۱۵	عالمی (دکتر) ۹۱، ۱۳۰، ۱۹۳، ۲۱۲
فرزد (دکتر) ۲۴۷	۲۴۶، ۲۴۶، ۲۱۴
فرشاد (دکتر) ۳۴۶	عبده، محمد ۲۴۱
فروتن، حشمت ۱۵۷	عربزاده، محمود ۲۹۳
فروزش ۱۰۱	عزیزی، صادق ۲۴۷
فرهمندفر ۳۰۴	عسگری حقوقی ۱۵۶-۱۵۷
فرهمند ← ضیاءالملک ۲۴۱	عطائی ۱۰۲
فریدلیپ صلح دوست، اوسیپ ۱۰۰	عطازان، ابراهیم ۲۵۵
فریور ۱-۳، ۶، ۱۴، ۱۷، ۹۱، ۱۰۰	عطارد ۲۳۷-۲۳۸
۱۳۱، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۴، ۳۷۰	عطارها، جواد ۲۶۵
فزونی، سعید ۱۰۰	عطایی، محسن ۱۶۲
فلاح (دکتر) ۲۹۴-۲۹۵	عطایی (مهندس) ۲۴۶
فلسفی ۲۴۷	عقیلی (دکتر) ۲۴۶
فیروز ← ناصرالدوله ۲۴۱	علاء ۳۲۳
قاسم زاده (دکتر) ۲۴۱	علوی، ابوالفتح ۱۰۱
قاسمی ۱۹۳، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۹۲، ۳۰۴	علوی، محسن ۳۷۷
قاسمی، ابوالفضل ۳۵، ۳۸، ۱۷۱، ۲۱۳	علوی مقدم (سرلشگر) ۲۷۷
۲۸۳، ۲۱۵	علوی نژاد ۲۶۱
قرشی (مهندس) ۷۷	عمید (دکتر) ۲۴۶
قوام، احمد ← قوام السلطنه	عمیدی نوری ۲۴۴، ۲۰
	غریبی، محمدعلی ۱۶۲، ۲۳۱

گله‌داری ۱۱۴	قوام السلطنه ۱۲، ۱۵-۱۶، ۱۰۳، ۱۲۶،
گوهریان، ابراهیم ۱۰۲	۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۷۷-۱۷۸،
گیتی‌بین ۲۳، ۴۰، ۲۵۱، ۲۵۳، ۳۰۴	۱۸۸، ۲۲۸-۲۲۹، ۲۳۵-۲۳۷، ۳۲۱
۳۳۰-۳۲۸، ۲۹۲، ۲۷۹	کاشانی، سیدابوالقاسم (آیت‌الله) ۲۱،
لیاسچی، قاسم ۲۹۷	۳۱۴-۳۱۶، ۲۵۵، ۳۹
لسانی ۱۰۰	کاشانی، سیدابوالقاسم (آیت‌الله) ۲۴۰
لک‌مگی ۳۲۶	کاشفی، رضا ۲۶۰-۲۶۱، ۲۹۷، ۳۰۰
لواسانی، محمد ۲۴۱	کافتارادزه ۶، ۳۱
مارشال ۱۷۶	کامبخش ۳۷۷
مافی، حسن ۲۴۶	کامکار (دکتر) ۲۴۶
مبین آصف ۱۰۰	کاویانی (دکتر) ۲۰
مجتهدی (دکتر) ۲۴۶	کرامت ۲۸۰، ۲۹۲
محصور رحمانی ۱۰۰	کرمانی، حسین ۱۰۲
محصور رحمانی، مرتضی ۲، ۱۴، ۱۵	کسرائیان، محمدعلی ۲۵۵
محمدزاده، محمدابراهیم ۲۹۹	کشاوری (دکتر) ۸۴، ۱۰۲، ۲۷۹
محمدعلی میرزا (شاه) ۷	کلالی، امیر تیمور ۲۴۱
محمود، پرویز ۷۹	کنی (دکتر) ۲۴۶
محمودی ۲۰۲، ۳۰۴	کیقبادی (مهندس) ۲۱، ۱۰۲، ۳۰۴،
محمودیان (دکتر) ۲۴۶	۳۱۹
محمودی، عباس ۳۱۴	کیکاوس (سرلشگر) ۳۲۷
محوى ← ابتهاج السلطان	کیهان، مسعود (دکتر) ۲۴۶
مدرس‌زاده ۱۴۸	گریست (مهندس) ۷۵
مرجانی، معین‌الدین ۳۸-۳۹، ۲۷۹،	گزیده‌پور، عباس (مهندس) ۲-۳، ۸۴،
۲۸۲-۲۸۳، ۲۸۵-۲۸۸، ۲۹۶	۱۶۲
۳۰۰	گس ۲۳۳-۲۳۴، ۲۳۸
مرزبان، موسی ۱۷، ۳۳، ۱۱۸، ۲۴۱	گلستانه ۷۷
مرعشی، سیف‌الدین ۱۰۲	گلستانی، تیمور ۱۰۲
مستشارالدوله صادق ۱۰۰	گلشائیان ۱۹، ۱۳۴-۱۳۵، ۲۳۴، ۲۳۸

فهرست اعلام ۴۱۱

- مکری (دکتر) ۳۱۹
مکسی، حسین ۲-۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷،
۱۹-۲۰، ۳۶، ۲۳۸، ۲۴۲، ۳۱۵
ملایری ۲۹۷
ملک المتکلمین ۷
ملک محمدی (مهندس) ۲۹۷
ملکی، احمد ۲۰، ۲۴۴
ملکی، خلیل ۲۸۲، ۳۷۳، ۳۵۰
ملکی (دکتر) ۲۴۷
ممتحن ۱۰۲
منتظمی، غلامرضا ۲۶۵
منجمی (دکتر) ۲۴۶
منصور ۲۵۲
مؤتمن الملک ۱۴۸
موحد ۱۰۲
موحد (مهندس) ۱۹۳، ۲۱۵
موحد، نظام‌الدین ۱۶۲، ۲۰۴، ۲۳۰،
۲۴۹
موسوی، ناصر ۱۶۲، ۱۹۳، ۲۰۱-۲۰۲،
۲۰۵، ۲۱۵، ۲۵۳، ۲۷۸، ۲۸۰
۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۴
مولوی، حسن ۱۰۲
مؤمنی، محمدباقر ۳۷۷
مهدوی (دکتر) ۲۴۶
مهران، منوچهر ۳۸۵
مهربان ۲۳، ۲۴، ۲۷
مهربان، رسول ۱۵، ۲۰
میراشرفی ۳۱۵
مستوفی‌الممالک ۱۷۹
مستوفی (دکتر) ۲۴۶
مستوفی، عبدالله ۲۴۱
مشار ۳۱۵
مشارعظم ۲۴۴
مشار، یوسف ۲۰
مشایخی، محمد ۸۸، ۱۶۲، ۲۳۰
مشکوة ۲۴۷
مشیرالدوله ۱۷۹
مصدق، محمد ۱-۲، ۷، ۱۹، ۲۲-۲۳،
۳۶، ۴۰، ۵۰، ۸۷، ۱۳۲، ۱۳۵،
۱۴۳-۱۴۴، ۱۸۸، ۲۴۰، ۲۴۳،
۲۴۷، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۳-۲۹۵،
۳۰۵-۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۳، ۳۱۷،
۳۲۹، ۳۳۰، ۳۷۰، ۳۷۶
مظفری (دکتر) ۲۴۶
معارفی، حسین ۷۵
معتمد (مهندس) ۳۲، ۸۸، ۹۱
معتمد، ناصر ۲، ۱۶۲
معتمدی، اکبر ۲۷۲
معصومی ۳۰۴
معظمی ۱۰۱
معظمی، سیف‌الله ۲، ۱۶۲
معظمی، عبدالله ۲۳، ۲۳۸، ۲۴۱، ۳۱۳
معینیان ۷۵
مقدم، خلیل‌الله ۱۹
مقدم (دکتر) ۲۴۶
مکانیک، رضا ۲۹۷

۴۱۲ حزب ایران

۲۸۷	میربابایی (دکتر) ۲۴۶
نوین ۱۰۲	میر (دکتر) ۲۴۶
نهاوند، ضیاءالدین ۱۶۲، ۲۳۱	میرسپاسی (دکتر) ۳۷۸
نیرنوری ۱۰۰	میرفندرسکی، علی ۷۷، ۳۲، ۲۴
نیک‌خواه ۳۱۳	میلیسپو ۷، ۶۱، ۱۰۸، ۱۳۱
نیک‌نفس، بزرگ ۲۹۶	میمندی‌نژاد (دکتر) ۳۶۹
وثیق (دکتر) ۳۱۱	ناصر (دکتر) ۷۵
وحید ۳۸۴	ناصر، حسن ۲۴۱
وزیر، احمد ۲۴۷	ناظری، تقی ۳۷۷
وصال (دکتر) ۲۴۶	نامنی، حسین ۲۵۵
وفا، فخرالدین ۱۰۰	نجم (مهندس) ۲۱
وقار، نصرالله ۱۶۲، ۲۱۵، ۲۳۰	نخشب، محمد ۱۵، ۱۷، ۲۱، ۲۵، ۲۷،
وکیل‌پور ۱۰۱	۳۳، ۳۷-۴۰، ۶۸، ۸۹، ۹۴
هدایت، صادق ۷۹	۲۵۱-۲۵۳، ۲۶۰-۲۶۲، ۲۷۹
هدایت، کمال ۱۰۱	۲۸۲، ۲۸۵-۲۸۸، ۲۹۶، ۲۹۸
هدایتی (دکتر) ۲۳۴	۳۲۹-۳۲۸
هدایتی، محمدعلی ۲۴۶	نراقی، جعفر ۷۵
هدی ۲۵۱	نریمان، محمود ۲۰، ۱۴۴-۱۴۵، ۲۴۱
هژیر ۱۸، ۲۳۸، ۲۵۲	۲۴۴
هشترودی (دکتر) ۲۴۷	نزهت ۱۵۷
همایی، جلال‌الدین ۶۸	نصر، محسن (دکتر) ۲، ۲۴۲
هوشیار (دکتر) ۲۴۷	نعمت‌اللهی، ابراهیم ۲۴۱، ۲۹۲
هوشیدر، هوشنگ ۱۶۲	نعمت‌اللهی (دکتر) ۱۶۲، ۲۴۷
هیتلر ۳۷۳	نقوی، حسین ۱۶۲، ۲۴۱
یاری، حسن ۲۳۷	نمازی، محمد (حاج) ۳۲۶
یحیی‌میرزا ۷	نوزاد، فریدون ۱۷۴، ۱۹۳، ۲۰۲، ۲۱۴
یزدیان ۳۷۷	نوشین ۲۱، ۳۸-۳۹، ۲۷۹، ۲۸۸، ۲۸۶
یکتایی، مجید ۹، ۳۷۸	۲۹۶
	نوشین، علی‌اکبر ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۵

شهرها

بجنورد ۱۹۲، ۲۰۰	آبادان ۲۹۲-۲۹۳، ۲۵۲
بریتانیا ۴۸-۴۹، ۶۱، ۸۱، ۱۰۶-۱۱۴،	آبکوه ۱۴۰
۱۵۹، ۱۷۹، ۲۵۲، ۳۲۲-۳۲۳،	آذربایجان ۴۷، ۵۳، ۵۵، ۶۰-۶۱، ۷۷،
۳۲۶	۷۹، ۱۰۲-۱۰۴، ۱۰۹، ۱۱۱،
بندرپهلوی ۲۵۴	۱۱۳-۱۱۴، ۱۲۴-۱۲۷، ۲۰۴
بیرجند ۴۰، ۳۷، ۲۷۷، ۲۹۴، ۳۲۰،	آلمان ۱۵۹
پاریس ۱۴۰، ۱۷۶، ۳۲۵-۳۲۶،	اتحاد جماهیر شوروی ۴۸-۴۹، ۵۵،
تبریز ۱۱۴، ۲۵۰-۲۵۲، ۲۷۱، ۲۹۲،	۱۰۶-۱۰۹، ۱۱۱-۱۱۳، ۱۲۴،
۳۶۱-۳۶۲	۱۷۵-۱۷۹، ۱۹۷-۱۹۸، ۳۲۱
توکیو ۳۹، ۳۱۱	اردبیل ۲۵۰-۲۵۱
تهران: در اغلب صفحات	استالین گراد ۱۱۲
چالوس ۱۳۹	اصفهان ۳۴، ۵۸، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۹۳،
چکسلواکی ۱۰۸	۲۴۸، ۲۵۰، ۲۷۱، ۲۹۲، ۳۵۹
خراسان ۲۹	انگلستان ← بریتانیا
خرمشهر ۲۹۳، ۳۲۰،	ایالات متحده آمریکا ۴۰، ۶۱، ۶۳، ۶۹،
خوانسار ۲۵۰	۸۱، ۱۰۸، ۱۷۵-۱۷۸، ۱۷۸
خوزستان ۴۹، ۷۹	بابل ۱۵۷
دامغان ۱۹۲-۱۹۳	بالکان ۴۹

۴۱۴ حزب ایران

قزوین ۲۹۹-۲۹۷، ۱۵۹	درگز ۰۱۷۱، ۰۱۱۵، ۰۸۸، ۰۳۵، ۰۳۳-۰۳۲
کازرون ۲۸۵	۰۱۹۳-۱۹۲، ۰۲۰۰، ۰۲۱۱
کاشان ۰۲۴۷، ۰۱۰۳، ۰۳۷، ۰۲۷، ۰۱۷	۰۲۱۴-۰۲۱۳، ۰۲۵۲-۰۲۵۱، ۰۲۶۱
۲۷۵، ۰۲۷۳-۰۲۷۲، ۰۲۶۵-۰۲۶۴	۰۲۹۳-۰۲۹۲
کرج ۲۹۹	رشت ۰۱۷۲، ۰۱۵۸، ۰۳۷-۰۳۴
کردستان ۷۹، ۰۴۹	۰۱۹۴-۱۹۲، ۰۲۰۰، ۰۲۱۲
کرمان ۲۷۱، ۰۲۵۰	۰۲۴۴-۰۲۴۳، ۰۲۴۹-۰۲۴۸
کرمانشاه ۰۱۷۴، ۰۱۳۴، ۰۳۸-۰۳۷	۰۲۹۳-۰۲۹۲، ۰۲۵۴، ۰۲۵۱-۰۲۵۰
۰۲۹۴، ۰۲۹۲، ۰۲۷۹، ۰۲۷۶-۰۲۷۵	۰۲۷۸، ۰۲۹۳-۰۲۹۲، ۰۲۵۴
۲۹۶	زاهدان ۳۲۷
کرد ۲۸۱-۰۲۸۰، ۰۲۷۶-۰۲۷۵، ۰۳۸	زنو ۳۲۵
کنگاور ۰۲۰۰، ۰۱۹۳-۱۹۲، ۰۱۵۵، ۰۳۴	سمنان ۳۵۹، ۰۳۵۶-۰۳۵۵، ۰۴۰
۲۰۹	سویس ۱۵۸
گرگان ۳۷۸، ۰۱۹۳-۱۹۲	سیستان و بلوچستان ۳۲۷، ۰۴۰
گناباد ۲۵۲	شاه‌آباد ۲۸۱
گیلان ۲۸۰، ۰۲۴۸، ۰۱۷۴، ۰۳۸، ۰۲۹	شاهرود ۰۱۷۱، ۰۱۶۹، ۰۴۱، ۰۳۵
لنگرود ۲۵۴	۰۱۹۳-۱۹۲، ۰۲۱۳، ۰۲۵۰، ۰۳۵۹
لهستان ۱۰۹-۱۰۸	۳۸۱
مازندران ۱۵۶، ۰۳۴	شیراز ۰۲۸۵، ۰۲۵۵، ۰۲۷۱، ۰۲۵۰، ۰۳۷، ۰۲۷
مشهد ۰۲۱۳، ۰۱۹۳-۱۹۲، ۰۳۸-۰۳۷، ۰۲۷	۲۸۹
۰۲۷۹، ۰۲۶۱-۰۲۶۰، ۰۲۵۲، ۰۲۴۸	صومعه‌سرا ۲۵۴
۳۷۸، ۰۲۹۹، ۰۲۹۲	عراق ۱۷۸
نیویورک ۳۲۵	فارس ۰۱۱۱، ۰۱۰۹، ۰۱۰۶-۰۱۰۵، ۰۷۹
واشنگتن ۳۱۲-۳۱۱، ۰۳۹	۱۱۴
ورامین ۱۳۹	فرانسه ۱۳۷، ۰۱۰۸
ونزوئلا ۳۲۳	فومن ۲۵۴
هندوستان ۱۵۹	قاهره ۳۲۵

